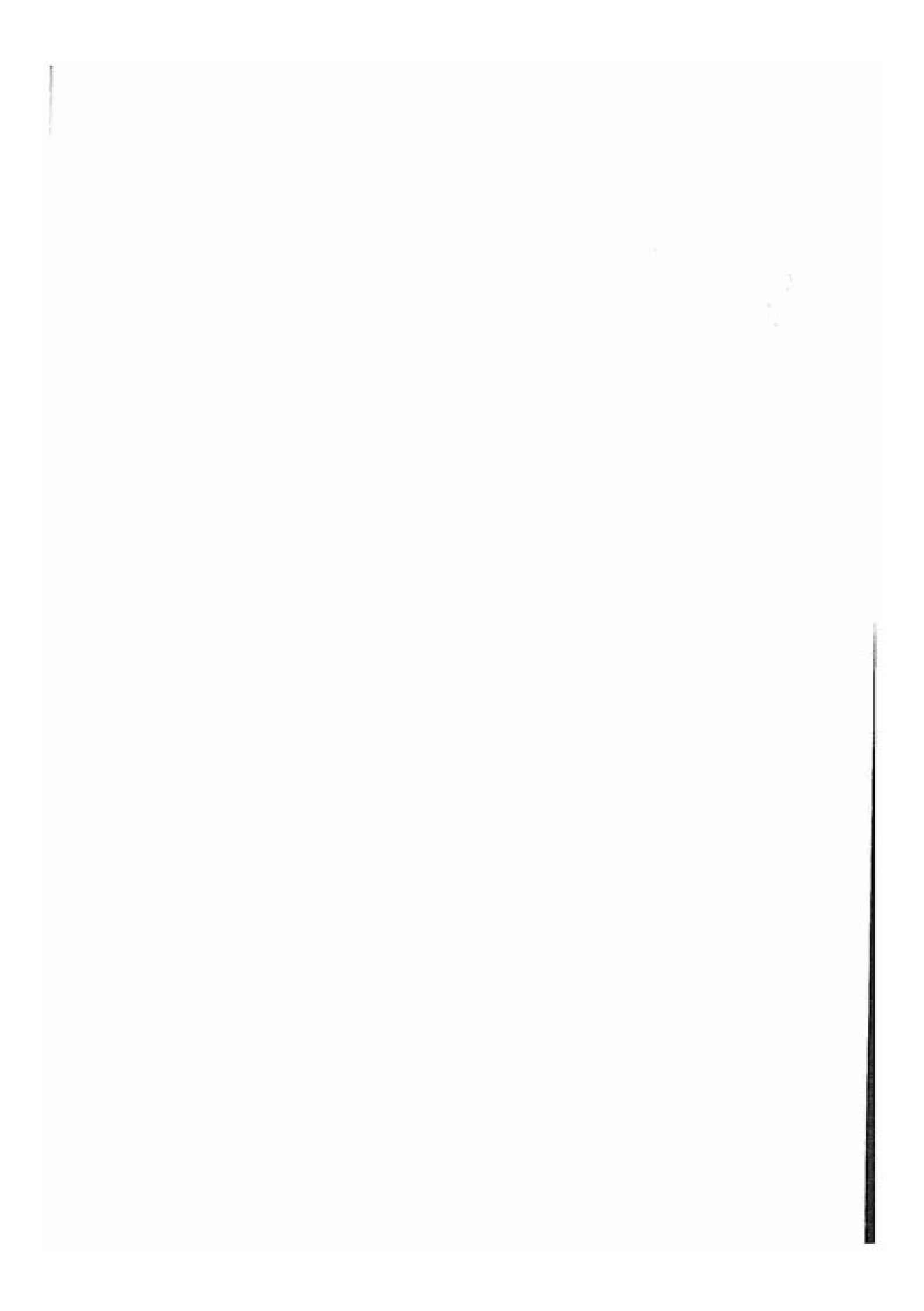


**MITRA**  
Perzische Boekhandel  
Adm. de Ruyterweg 44  
1056 GK Amsterdam  
Tel.: 020 - 689.88.66





این کتاب با همکاری  
معاونت فرهنگ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



الجمعن آثار و مفاخر فرهنگی

به چاپ رسیده است.

(گنجینه ایران «۱۲» نسخه ۱۳۶۲)

مدیر فنی: حسین ایوبیزاده

ستوده، متوجهه، ۱۳۶۲ -

از استارانا استاریاد / تألیف متوجهه ستوده - تهران: آگاه و وزارت فرهنگ و ارشاد  
اسلامی، معاونت امور فرهنگی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵ -

ج: مصوب، نقشه

ISBN 964-416-033-9 (vol.4)

چاپ اول: جلد چهارم: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات ۱۳۶۶  
تحت عنوان هزار استارانا استاریاد

مشترکات: ج. ۲ آثار و بنایهای تاریخی مازندران شرقی

۱. گیلان - آثار تاریخی. ۲. مازندران - آثار تاریخی. ۳. گرگان - آثار تاریخی، الف، ایران.  
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت امور فرهنگی، ب. انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.  
ج. عنوان: د

۹۵۵/۲۰۴۴

۲۰۵۰۰ دل / ۲۲۴

۱۳۷۵

۰۴۰-۰۴۰-۸

کتابخانه ملی ایران



دکتر متوجهه ستوده

از استارانا استاریاد

(جلد چهارم)

آثار و بنایهای تاریخی مازندران شرقی

(یخش اول)

(چاپ اول زمستان ۱۳۶۶)

چاپ دوم بهار ۱۳۷۵، لیتوگرافی کوهرنگ

چاپ نیل، صحافی ایران کتاب

تعداد ۲۲۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

تایپ ۹۰۰-۰۳۶-۰۶۳-۹۷۳ (جلد ۲) ISBN 964-416-033-9 (vol.4)

## دیباچه چاپ اول

مالهای سده پنجم هجری و دو سده بعد از آن، دوران سیاحت شرقی‌ها از مشرق و گاه از مغرب زمین است. در این دوران که فرهنگ اسلامی یکی از ادوار شکوفایی خود را می‌گذارند، سیاحتگرانی چون ناصرخسرو، ابن بطوطه و یاقوت حموی، کوله‌بار سفر بردوش کشیده به هر کجا که می‌رفتند از سر صدق و صفا بادداشت‌های برگرفته و چون به موطن بازمی‌گشتند این بادداشت‌ها را ره آورد سفر به جهان اسلام می‌کردند؛ پراکه «قل سیروانی الارض فانتظروا کیف کان حافظة المکلین» را باور داشتند.

غالب این سیاحتگران شرقی مبرا از تحریف بودند، آنچه دیده بودند، بی‌کم و کاست می‌نوشتند و آنچه شنیده بودند، اگر قولی معقول بود و در ترازوی خرد وزنی می‌داشت، بی‌حشو و زایده ضبط می‌کردند.

پنج سده بعد، سیر و سفر سیاحتگران شرقی در سرزمین‌های غربی متوقف می‌شود. مسلمانان ترجیح می‌دهند که بیشتر در سرزمین‌های اسلامی به ویژه اماکن مبارکه سفر کنند و این خود دلیل تاریخی دارد که ناشی از پذیره نشدن شرفیان از سوی غربیان است و به ناگاه جویان سیر و ساخت و ازگونه می‌شود و این بار، سیاحتگران غربی چون صف سورچگان طریق شرق در پیش می‌گیرند و نه به شوق دیدار از شگفتی‌های شرق و عبرت آموختن، بلکه هدف‌هایی کاملاً متفاوت از آنچه که شرفیان در سیاست خود داشتند، می‌جوینند. اینان یا مبلغان مذهبی‌اند یا رسولان دنیا! پردسیسه و پر فتنه سیاست و یا تاجران کیسه‌دوخته‌ای که جز معدودی، همه یک هدف دارند؛ چاپیدن شرق.

نیازی به استدلال نیست، که بازتاب‌های حضور این خیل جهانگردان و سیاحان خود بهترین دلیل است. پای این سیاحتگران غربی و یا مستشرقین زمانی به مشرق گشوده می‌شود که استعمار به شیوه پرخشوونت قرن هفدهمی اش اندک پای می‌گیرد، از آمیرونسیوکتارینی گرفته تا برادران شرلی، شاردن، ناورنیه، سانسون، پیترو دلاواله و کمپفر که از ایران دیدن کرده‌اند و بعدها دکتر فوریه (پیزشک ناصرالدین شاه) و گریبايدوف و همفر انگلیسی، همه و همه، اگرچه روش‌ها و برنامه‌های به ظاهر متفاوتی می‌داشته‌اند، لکن هدف واحدی را دنبال می‌کرده‌اند که همان خشکاندن ریشه‌های عین فرهنگ اسلامی - ایرانی و ایجاد نفاق میان قومیت‌های ایرانی از طریق مضمون‌سازی برای آذری‌ها، گیلانی‌ها، اصفهانی‌ها، کاشانی‌ها و... و طرح مسائل جانبی و عمده کردن آنها و بزرگ نشان دادن نقطه ضعف‌ها و نشان دادن طریقه‌هایی نادرست برای اصلاح و بالاخره یافتن جایابی برای استعمار بوده است.

برادران شرلی، بافت‌انگلیزی زمینه کشمکش و جنگ میان ایران صفویه با عثمانی را فراهم آوردند و بعضی از مستشرقین با سوءاستفاده از روحیه مهمان‌توازی

## دیباچه چاپ اول

سالهای سده پنجم هجری و دو سده بعد از آن، دوران سیاحت شرقی‌ها از مشرق و گاه از مغرب زمین است. در این دوران که فرهنگ اسلامی یکی از ادوار شکوفایی خود را می‌گذارند، سیاحتگرانی چون ناصرخسرو، ابن بطوطه و باقوت حموی، کوله‌بار سفر بردوش کشیده به هر کجا که می‌رفتند از سر صدق و صفا یادداشت‌هایی برگرفته و چون به موطن بازمی‌گشتند این یادداشت‌ها را ره آورد سفر به جهان اسلام می‌کردند؛ چراکه «قل سیر و افی الارض فانظر و اکیف کان عاقبة المکذبین» را باور داشتند.

غالب این سیاحتگران شرقی مبرا از تحریف بودند، آنچه دیده بودند، بی‌کم و کاست می‌نوشتند و آنچه شنیده بودند، اگر فولی معقول بود و در ترازوی خرد وزنی می‌داشت، بی‌حشو و زایده ضبط می‌کردند.

دیباچه	هفت
و یگانه دوستی ایرانیان کار را به جایی رساندند که حتی به مقامات مملکتی امر و نهی می‌کردند و حتی خود آنان منشأ فسادهایی بودند و کمترین جناحتشان خارج کردن گرانبهاترین ثروت‌های این مملکت بوده است. شاهد این ادعا، وجود آثار گرانبهای این مرز و بوم در موزه‌های اروپا و آمریکا است.	متاسفانه برخی قلم به دستان ناآگاه ما، همین یافته‌های رطب و یا بس مستشرقین را وحی منزل دانسته بر بنای آنچه نوشته‌اند، تاریخ معاصر ایران را تحلیل کرده‌اند و به همان تابعی رسیده‌اند که مستشرقین دلسوزخة ایران (۱) رسیده بودند و طریق حل مشکلات را – همان مشکلاتی که با وجہ نداشته و یا مستشرقین عمدۀ کرده بودند – در راه حل‌های غربی جستجو می‌کنند.
جای بسی خوبی‌بختی است که بک بار دیگر محققین ما با تکیه بر فرهنگ اصیل اسلامی – ایرانی به خود آمده‌اند تا ایران را، نه از نگاه پر دیسه یگانگان طماع، که از افق گشاده این فرهنگ والا بنگرد و خود به معرفی ایران پردازند.	کوشش دکتر منوچهر ستوده در همین راستا است: معرفی ایران برای ایرانی، تا سرزمین اسلامی خود را بشناسد، از امکاناتش آگاه شود و محدودیت‌هایش را دریابد و در جهت تقویت امکانات و رفع محدودیت‌ها بکوشد.
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با این هدف اقدام به چاپ و نشر کتاب حاضر کرده است که شوکی در محققان انگیزد تا به جای ترجمۀ سیاحت‌نامه‌های مستشرقین، خود، چون مؤلف حاضر کمر همت بندند و جای جای میهن اسلامیمان را جستجو کنند و یافته‌هایشان را به ملت مسلمان ایران عرضه دارند.	



## پیشگفتار

کتاب حاضر مجلد چهارم از آستانه‌تا استاریاد است که پس از هشت سال و چند ماه که در بونه فراموشی افتاده بود، به دستور برادر مکرم آقای محمد دشتی - مدیر کل انتشارات و تبلیغات وزارت ارشاد اسلامی - و کوشش و بی‌گیری آقای مهدی انشار به زیور چاپ آراسته گردید.

این مجلد شامل آثار و بنای‌های تاریخی مازندران شرقی است یعنی سرزمینی که سامان غربی آن کناره رودخانه هراز و سامان شرقی آن جرکلیاد است و شهرهای مهم:  
۱ - آمل. ۲ - بابل (= مامطیران = مامطیر = بارفروش ده = بارفروش).  
۳ - قائم شهر (= مشهد جمنان = علی‌آباد = شاهی). ۴ - ساری.

۵ - بهشهر (= خرگوران = اشرف‌البلاد = اشرف) و حومه آنها در این قسمت از خاک مازندران افتاده است.

نگارنده برای تهیه مطالب این کتاب، ابتدا شهری را مورد بررسی قرار داد. سپس نواحی اطراف آن را که در دشت است مطالعه کرد. پس از آن در کنار رودخانه آن،

خود را به آخرین نقطه یعنی رشته اصلی البرز رساند و کنار شاخه‌های این رودخانه را یکی پس از دیگری سرزد و آنچه قابل ضبط و ثبت بود نوشت.

زیباترین و آبادترین و پهناورترین بخش کوهستانی رشته البرز ناحیه هزارجریب است که سامان غربی آن ارتفاعات کنار تالار و سامان شرقیش کوههای گرگان است و از جنوب به رشته اصلی البرز و از شمال به رشته کوه جهان مورا - در جنوب ساری و بهشهر و گلوگاه و سدن رستاق - محدود می‌شود. رودخانه تجن با شاخه‌هایی به درازای شصت هفتاد کیلومتر و رودخانه نکا با شب اصلی آن در این ناحیه زیبای جغرافیائی جریان دارد.

با اینکه نگارنده چندین بار به این ناحیه سفر کرد، به علی که ذکر آن ناکردن اولی است، چنانکه باید و شاید این منطقه مورد بررسی فرار نگرفت. ولی اینجانب مصمم است دو سه تابستان در این منطقه به سیر و سیاحت پردازد، شاید بتواند آثاری از کاخها و دژهای باستانی که ذکر آنها در متون تاریخی آمده است بیابد و آنچه از قلم افذاه است بادداشت کند. این بنده به نقص کار خود معترف است و از خوانندگان تقاضای عفو و اغماض دارد.

روزی که به کار گردآوری آثار تاریخی مازندران شرقی پرداختم، دانستم که «من یک تن ضعیف و دو صد کاروان بلاست». چون به پشت کار و پس گیری خود اطمینان داشتم از کاروانهای بلا نهار اسیدم و پای در میدان گذاشتم. اما باید گفت که باریها و دستگیریهای دیگران بود که روز به روز به قوت قلب این ناچیز می‌افزود و در نتیجه توانست باری بدین سنگینی را به منزل برساند. اینک بر خود فرض می‌داند که از یکایک آنان در اینجا نام ببرد تا همه بدانند که هنوز روح همکاری و یاوری در این نسل زنده است و امید است در نسل بعد نیز پایدار و استوار بماند.

کسانی که مرا باری گردند:  
در آمل:

سید علی اکبر احمدیان، غلامعباس رحیمی رئیس سپاه دانش، احمد فرامرزپور -

---

پیشگفتار

---

پازدۀ

عضو فرهنگ و هنر، اسندیار گلارستاقی - رئیس آموزش و پرورش، بحیی تهنا  
- راهنمای تعلیماتی - و محمد فاضلی.

در بایل:

سید محمد باقر حجتی، حاج علی طبابی، محمد اسماعیل پور.

در گنج افروز:

هدایت الله امیر سلیمانی، عباس امیر سلیمانی، احمد امیر سلیمانی، اصغر حسن زاده.

در سوادکوه:

سرکار نوروز علی لاسمی، سرکار غلامعلی قنبرزاده.

در دره آریم سوادکوه:

مهندس صفر علی لشکر بلوکی - مهندس کارگاه بوژان که جاده دوآب به چاشم  
را می ساخت - اصغر احمدیان ساکن کنگله‌ی.

در ساری:

حاج آقا حسین روزبهی، محمد جعفر نیکخواه، دکتر عبدالحمید اخوان - رئیس  
ادارة دامپزشکی - هرمز برار لیمونی، محمدرضا رنجبر ریحان آبادی، سرکار  
علی اکبر دهقان زادگان، منوچهر نیکزاد تهرانی.

در بهشهر:

سرکار موسی باقری گرجی، سرکار کاظم حجازی گرجی.

در گلوگاه و میانگاله و جرکلباد:

علی بابا عسکری، نوروز علی خادملوی گلوگاهی.

یکایک نامبر دگان شبها و روزها از عمر عزیز خود را صرف همراهی و همپانی؛  
این بندۀ کردند و آنچه می دانستند با خلوص و صفا در اختیار مخلص گذاشتند. تشکر  
و امتنان از ایشان شاید از سنگینی دینی که بر گردن من است بکاهد.

برادر گرامی آقای مسعود گلزاری کار تنظیم عکس‌های کتاب را به عهده داشتند و  
با دقتی که خصیصه ایشان است این کار را انجام دادند. از نامبرده نیز منشکر است و

قدرتانی می‌نماید.

خداآوند متعال کسانی را که برای حفظ فرهنگ این آب و خاک قدمی در راه  
می‌گذارند، توفیق و سعادت عنایت خواهد کرد، زیرا دعای خیر بندگان بدرقه راه ایشان  
است.

اکنون این بندۀ بسیار شادمان است که تبیجه مطالعات و بروسبهای خود را تقدیم  
آستان اهل تحقیق و تبع می‌نماید و از یکاک خوانندگان موقع دارد تا لغزش‌های  
نویسنده را بادآور گرددند چون «متکلم را ناکسی عیب نگیرد، سخشن صلاح نپذیرد».

منوچهر ستوده

اسفندماه ۱۳۶۵ شمسی

## مقدمه

هنرمندان ایرانی در تمام ادوار سعی کرده‌اند که بیشتر هنرخود را به هنر شناسان عرضه کنند و کمتر به فکر شهرت و نام خوبیش بوده‌اند. از اینجاست که در بیشتر مساجد و مدارس و سایر بناهای عمومی نام معمار و بنای کمتر باد شده است و در چند بنایی که به نام معمار و بنا برخور迪م، نامشان در گوششهای دور افتاده یا لاپلا و در پیچ و خمهای کوفی معلقی پنهان شده است. در شمال ایران طرح بنای حظیره‌ها و امامزاده‌ها بیشتر چهار ضلعی، شش ضلعی و هشت ضلعی است و بناهای قدیمی تر چون برج لاجیم و رسکت ورادکان مدور است. مصالح این بناها آجر و گچ است و برای اینکه باران به داخل بنا نفوذ نکند گنبد‌های نولا تیز و بلند به نام گنبد کلاه درویشی یا گنبد رک بر آنها زده‌اند. طرح این گنبد‌ها بیشتر با پایه بنا ارتباط دارد و شکل آنها منشور شش ضلعی و هشت ضلعی و شانزده ضلعی یا مخروط کامل است. نام معمار و بنا در این گونه بناها کمتر دیده شده است.

چون حاشیه در بای خزر جنگلی است و انواع چوب در دسترس است، در اینجا هنرمندانی یافت شده‌اند که این ماده اولیه را برای نمایش هنرخوبیش انتخاب کرده‌اند. کمتر بنایی است که نوعی استفاده هنرمندانه از چوب در آن دیده نشود.

در امامزاده‌ها، درها، صندوقها، ضریحها، ستونها و سقفها تمام از جوب است و در آنها انواع هنر از خطاطی و کنده کاری و قاب و گره سازی و سه‌چهار نوع مشبك کاری جلوه‌ای خاص دارد. گزوه نجاران به خلاف معماران و بنایان نام خود را در آثار خود ذکر کردند و با این کار نام خود و خاندان خود را تا امروز زنده و پایدار نگاه داشته‌اند و ما نام یکایک آنان را در این مقدمه خواهیم آورد.

ظاهرآ کاشیکاری و گچبری و سنگ تراشی، در صفحات شمالی ایران از قدیم الایام رونقی نداشته، فقط درسه چهار بنا از این هنرها نشانی یافیم. نام این هنرمندان را نیز در این مختصر باد می‌کنیم.

برادر وجود بانیان و کیسه نتوت ایشان است که بسیاری از این بناها از عدم به وجود آمده است، جای آن دارد که از ایشان نیز در این مقدمه یادی بمان آید.

خلاصه بانی و بنا و معمار و کاشیکار و گچ بر و سنگ تراش و نجار و خطاط دست به دست هم می‌دهند و بنای برادر هنرمندی ایشان به وجود می‌آید که امروز ما بدان می‌نازیم واز دیدن آن لذت می‌بریم.

فهرستی از بناها و آثار تاریخی خاک ها زندگان شرقی  
به ترتیب سوابت هجری قمری

- ٤١٣ : تاریخ کتبیه برج لاجیم .
- ٥١٤ : تاریخ بنای سید سه تن = میر حیدر، از گنبدهای خارج شهر آمل .
- ٦٦٣ : تاریخ صندوق حسن بن محمد معروف به بالویه در میانده .
- ٧٥٤ : تاریخ صندوق امامزاده عبدالله در تشر .
- ٨٠٢ : تاریخ ظهور امامزادگان سلطان حسین و سلطان محمد در بقعة شاهزاده حسین ساری .
- ٨٠٥ : تاریخ سنگ قبر سید کمال الدین بن سید شمس الدین در کوسان .
- ٨٠٩ : تاریخ در ورودی بقعة سلطان محمد طاهر در بابل .
- ٨١١ : تاریخ صندوق امامزاده احمد رضا در لاسم .
- ٨١٢ : تاریخ اتمام گنبد میر بزرگ در آمل .
- ٨٢٧ : تاریخ کتبیه زیر سقف امامزاده عباس در آزادگله ساری .
- ٨٣٥ : تاریخ در ورودی بقعة امامزاده قاسم در هشتال آمل .
- ٨٣٧ : تاریخ سنگ قبر درویش علی در معصوم زاده میر مفید نکا .
- ٨٤٠ : تاریخ صندوق امامزاده قاسم در هشتال آمل .
- ٨٤١ : تاریخ صندوق امیر محمد بن امیر افضل در زیارو .

- ۸۴۱ : تاریخ در مشرقی بقعه امامزاده ابراهیم باپلسر.
- ۸۴۶ : تاریخ در ورودی امامزاده عبدالصالح در مرز رود ساری .
- ۸۴۶ : تاریخ صندوق امامزاده یحیی در ساری .
- ۸۴۶ : تاریخ در ورودی امامزاده یحیی ساری در موزه ایران باستان .
- ۸۵۰ : تاریخ صندوق امامزادگان سفید چاه .
- ۸۵۵ : تاریخ صندوق سید زینوا (سید محمد زرین نوائی) در چماز کتی.
- ۸۵۶ : تاریخ چهار چوب در بقعة درویش محمد شاه در پایین رود بست .
- ۸۵۸ : تاریخ در غربی بقعة امامزاده ابراهیم باپلسر.
- ۸۵۹ : تاریخ صندوق امامزاده قاسم در عیسی خندق کار کنده .
- ۸۵۹ : تاریخ صندوق امیر شمس الدین بن امیر کمال الدین حسینی در سید زین العابدین ساری .
- ۸۶۰ : تاریخ کتبیه معصوم زاده میر مفید در نکا به نقل از راینو.
- ۸۶۳ : تاریخ در ورودی امامزاده عبدالله در اترب .
- ۸۶۹ : تاریخ در ورودی امامزاده عبدالله در ماہفر و ز محلا رودهی .
- ۸۷۳ : تاریخ در ورودی امامزاده احمد (بلند امام) به نقل از راینو.
- ۸۷۵ : تاریخ به خاک سپردن امام موسی در بقعة سلطان محمد طاهر.
- ۸۷۵ : تاریخ صندوق مرقد سلطان محمد طاهر .
- ۸۸۷ : تاریخ در ورودی بقعة امامزاده قاسم در عیسی خندق کار کنده .
- ۸۹۰ : تاریخ در ورودی شاهزاده حسین در ساری .
- ۸۹۱ : تاریخ در ورودی بقعة امامزاده قاسم در المشیر نو کند کا .
- ۸۹۲ : تاریخ بنای بی بی رقه نزدیک امامزاده ابراهیم باپلسر به قول ملکتنوف .
- ۸۹۴ : تاریخ صندوق مرقد شاهزاده حسین در ساری .
- ۸۹۴ : تاریخ اتمام بنای سید زین العابدین در ساری .
- ۸۹۴ : تاریخ اتمام پنجره نور گیر سید زین العابدین در ساری .

ردیف	عنوان
۸۹۶	تاریخ در ورودی بقمه سلطان محمد طاهر به قول مشکوتوی.
۸۹۷	تاریخ در ورودی مسجد امامزاده عبدالله (مطهر بن حارس موسی) در شهره کلای دشت سر آمل.
۹۰۷	تاریخ در ورودی شاه بالو در ده بیان راستی بی سواد کوه.
۹۱۶	تاریخ بنای امامزاده عباس در آزادگله ساری.
۹۲۰	تاریخ در ورودی درویش اولیا در قادی محله رود پشت گلخواران.
۹۲۵	تاریخ صندوق امامزاده ابراهیم آمل.
۹۲۵	تاریخ انعام ساختمان امامزاده ابراهیم آمل.
۹۲۵	تاریخ در ورودی امامزاده ابراهیم آمل.
۹۲۶	تاریخ وقناة امامزاده ابراهیم آمل.
۹۳۱	تاریخ صندوق امامزاده عباس رضا در کوتای بیشه سر علی آباد.
۹۴۵	تاریخ صندوق امامزاده عبدالله (مطهر بن حارس موسی) در شهره کلای دشت سر آمل.
۹۶۶	تاریخ صندوق امامزاده حسن در لهاش چلاو.
۹۹۱	تاریخ در ورودی امامزاده یونس رضا در منگل شیرگاه.
۱۰۰۶	تاریخ سنگ قبر کیومرث بن بهرام بالای گردن شلفین.
۱۰۰۹	تاریخ سنگ قبر خاتم بن بهرام در شلفین گردن.
۱۰۲۵	تاریخ بنای فرح آباد ساری.
۱۰۳۳	تاریخ صندوق میر بزرگ در شهر آمل.
۱۰۸۶	تاریخ در ورودی امامزاده موسی در وستی کلای علی آباد.
۱۰۹۱	تاریخ سنگ قبر اسبو خان بن بهرام در شلفین گردن.
۱۰۹۲	تاریخ بنای مدرسه و مسجد کاظم بیک در میدان محله سر حمام بابل.
۱۱۰۶	تاریخ فرمان شاه سلیمان صفوی در مسجد جامع بابل.
۱۱۱۴	تاریخ در ورودی سید ابو صالح در مله بیشه سر علی آباد.

- ۱۱۱۹ : تاریخ در ورودی امامزاده حمزه کنار راه شیرگاه به علی‌آباد .
- ۱۱۲۱ : تاریخ سنگ قبر کربلاوی علی در حیاط مقبره میربزرگ در آمل .
- ۱۱۲۱ : تاریخ ضریح امامزاده عبدالحق در زیراب سوادکوه .
- ۱۱۳۶ : تاریخ بنای مسجد محدثین در محله توغ‌دارین بابل .
- ۱۱۳۹ : تاریخ گچ بری سردر ورودی حیاط امامزاده عباس در کم‌درا درست سرآمل .
- ۱۱۷۵ : تاریخ سنگ قبر بی‌بی خانم در امامزاده فضل بن موسی در خشت‌سر اهل‌رمتاق .
- ۱۱۷۹ : تاریخ بنای تکیه قبیعی مقری کلای بندپی .
- ۱۲۰۱ : تاریخ سنگ قبر فخر جهان نسا خانم در مسجد کاظم بیک بابل .
- ۱۲۱۲ : تاریخ سنگ قبر کربلاوی اساعیل در مقصوم زاده میرمغید نکا .
- ۱۲۱۹ : تاریخ سنگ قبر جعفر بن محمد تقی جردنلو کورد در مقصوم‌هزاده میرمغید نکا .
- ۱۲۲۰ : تاریخ سنگ قبر مشهدی حسینقلی کلاشی در مقری کلای بندپی .
- ۱۲۲۱ : تاریخ اتمام بنای مسجد و مدرسه میرزا محمد شفیع صدراعظم در بابل .
- ۱۲۲۶ : تاریخ وقناة مدرسه صدر در بابل ، واقف میرزا محمد شفیع صدراعظم .
- ۱۲۳۰ : تاریخ اتمام کارنجاری امامزاده سیف الدین در گنگرج کلای چلاو .
- ۱۲۳۴ : تاریخ سنگ قبری در سرپوشیده مسجد جامع بابل .
- ۱۲۴۰ : تاریخ سنگ قبری در شبستان مسجد جامع بابل .
- ۱۲۴۰ : تاریخ اتمام بنای حمام قدیعی فری‌کنار .
- ۱۲۵۵ : تاریخ وقناة مسجد نیاکی در نیاکی محله آمل .
- ۱۲۶۰ : تاریخ سنگ قبر احمد خان بن حسینعلی آقا در امامزاده فضل بن موسی در خشت‌سر اهل‌رمتاق .
- ۱۲۶۳ : تاریخ اتمام نجاری ایوان امامزاده عباس در سوته کلای بالا خیابان .
- ۱۲۶۳ : تاریخ سنگ قبر آقا بابا چلاوی گنگرج در امامزاده سیف الدین گنگرج - کلای چلاو .

بنایها و آثار تاریخی خاک مازندران شرقی

نوزده

- ۱۲۷۳ : تاریخ بنای مسجد حاج مصطفی خان سوریجی در ساری .
- ۱۲۷۴ : تاریخ سنگ قبر خواتون بنت میر صالح در امامزاده حسن .
- ۱۲۸۸ : تاریخ کتبیه سفانفار تکیه هندوکلا .
- ۱۲۸۹ : تاریخ کتبیه های نکیه فیروزکلای دشت سرآمل .
- ۱۲۹۳ : تاریخ وفات مشهدی قلی بر صندوق امامزاده صالح در بورون دشت سرآمل .
- ۱۲۹۴ : تاریخ در و صندوق امامزاده زین العابدین در قادی کلا .
- ۱۲۹۵ : تاریخ ائم حبینیه آقا شیخ علی در رستمکلا .
- ۱۲۹۵ : تاریخ کتبیه مقبره ملانصیرا در مسجد محدثین در محله تو غدار بن بارفروش .
- ۱۲۹۵ : تاریخ ائم بنای سفانفار تکیه رمنت بیشه بابل .
- ۱۲۹۶ : تاریخ سنگ قبر رضوان ابن سید علی محمد کمالیان نوائی نجار در امامزاده عباس رضا در کوتای پیشتر علی آباد .
- ۱۲۹۶ : تاریخ سنگ قبر کربلاعی محسن فکچالی در مقبری کلای بندپی .
- ۱۲۹۶ : تاریخ تعمیر نکبه فدییی مقبری کلای بندپی .
- ۱۳۰۱ : تاریخ زیارت نامه شیخ طبرسی .
- ۱۳۰۴ : تاریخ ائم بنای هشتاد تنان در خشکرود جلال ازرك .
- ۱۳۰۴ : تاریخ سنگ قبری در حیاط امامزاده حمزه رضا در دهکده حمزه رضای لاله آباد .
- ۱۳۰۶ : تاریخ در ورودی مسجد امامزاده عبدالله در فیروزکلای دشت سرآمل .
- ۱۳۰۶ : تاریخ ائم سفانفار کیجا تکیه بیشه بابل .
- ۱۳۱۲ : تاریخ ائم بنای خانه سیف الله خان شهریاری در یانه سر .
- ۱۳۱۶ : تاریخ بالای محراب مسجد زرگر محله بابل .
- ۱۳۱۹ : تاریخ سنگ قبر شیخ محمد حسن شریعتمدار در حظیره متصل به مسجد کاظم بیک در میدان محله سر حمام بابل .
- ۱۳۲۳ : تاریخ ائم ساختمان مقبره ملا محمد شهر آشوب در بنگر کلای مشهد

### گنج افروز.

۱۳۲۴ : تاریخ وقنامه مسجد فری کنار.

۱۳۲۴ : تاریخ اتمام ضریح سید ابو صالح در ملة بیشه سر علی آباد.

۱۳۲۷ : تاریخ اتمام بنای تکیه کله بست پازوار.

۱۳۲۹ : تاریخ اتمام مقانقار تکیه آهنگر کلا.

۱۳۴۴ : تاریخ در ورودی بقعه امامزاده محمود در مرتع لاریم گیلخواران.

۱۳۴۵ : تاریخ سنگ قبر آق شیخ علی شربعتدار در حظیره منصا، به مسجد کاظم بیک بابل.

۱۳۴۵ : تاریخ کتبیه بالای محراب مسجد حاج کریم در امیر کلا.

۱۳۴۵ : تاریخ اتمام سد رو دخانه متالون.

۱۳۴۶ : تاریخ سنگ قبری در امامزاده علی در گرچنگ بیشه سر علی آباد.

۱۳۵۰ : تاریخ سنگ قبر حاجی بابا خان سلطان ولد آقا جان سلطان فیروز جاهی در مسجد زیارت شیخ موسی.

### نجاران و گنده کاران

جبلر بن محمد نجار دامغانی و پسرش در سال ۷۵۴ ه. ق : صندوق امامزاده عبدالله را در تشریفات ساخته است.

شمس الدین انصاری حدود سال ۸۰۰ ه. ق : صندوق امامزاده قاسم را در هشتله ساخته است.

استاد علی بن استاد فخر الدین نجار رازی در سال ۸۰۹ ه. ق : در بقعه سلطان محمد طاهر را ساخته است.

حسن مهرجان دامغانی در سال ۸۲۹ ه. ق : در ورودی امیر سید علی را در لنگر ساخته است.

- استاد فخرالدین بن علی بن استاد اسماعیل نجار آملی معروف به رازی در سال ۸۳۳ ه. ق : صندوق مرقد درویش فخرالدین معروف به حاجی را ساخته است.
- فخرالدین بن استاد جمال الدین انصاری در سال ۸۴۰ ه. ق : صندوق امامزاده قاسم را در هشت آمل ساخته است .
- استاد حسین بن استاد شمس الدین انصاری در سال ۸۴۰ ه. ق : در ساختن صندوق امامزاده قاسم شرکت داشته است .
- استاد علی بن حسن نجار در سال ۸۴۰ ه. ق : صندوق درویش موسی را در بیشه ملازن کاج علی آباد ساخته است .
- استاد شمس الدین بن جلال الدین نجار انصاری در سال ۸۴۱ ه. ق : صندوق امیر محمد بن امیرفضل را در زیارت دشت سر ساخته است .
- استاد محمد بن استاد علی نجار رازی در سال ۸۴۱ ه. ق : در شرقی امامزاده ابراهیم بابلسر را ساخته است .
- حسین و استاد محمد نجار گیل در سال ۸۴۶ ه. ق : در امامزاده یحیی را در ساری ساخته اند .
- استاد نجم الدین بن استاد شهاب الدین دروگر در سال ۸۴۶ ه. ق : در امامزاده عبدالصالح را در مرز زرود ساخته است .
- استاد حسین نجار بن حسن نجار گیلانی در سال ۸۴۶ ه. ق : صندوق امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .
- استاد محمد گیل در سال ۸۴۶ ه. ق : در ورودی امامزاده یحیی را در ساری ساخته است (این در در موزه ایران باستان است) .
- استاد فخرالدین بن حسن نجار گیلانی در سال ۸۴۹ ه. ق : صندوق امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .
- استاد محمد گیل در سال ۸۴۹ ه. ق : صندوق امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .

- استاد فخر الدین بن استاد علی نجار در حدود سال ۸۵۰ هـ. ق : در ورودی جدید امامزاده یحیی را در ساری ساخته است .
- استاد اجل عبدالله گیلانی در سال ۸۵۰ هـ. ق : صندوق امامزادگان سفید چاه را ساخته است .
- استاد فخر الدین بن محمود در سال ۸۵۵ هـ. ق : صندوق سید زینوارا در چمازکنی ساخته است .
- استاد محمد بن استاد علی نجار رازی در سال ۸۵۸ هـ. ق : در غربی امامزاده ابراهیم با بلصر را ساخته است .
- استاد شمس الدین بن محمد دین توza(۹) در سال ۸۵۹ هـ. ق : صندوق امامزاده قاسم را در عیسی خندق ساخته است .
- استاد حسن شا بن استاد محمد نجار معروف به خوارزمی در سال ۸۶۰ هـ. ق : صندوق آق مشهد کلیجان رستاق را ساخته است .
- سیف الدین بن حاجی نجار در حدود سال ۸۶۰ هـ. ق : در ورودی آق مشهد کلیجان رستاق ساری را ساخته است .
- شمس الدین بن امداد احمد نجار در سال ۸۶۳ هـ. ق : در ورودی امامزاده عبدالله را در اتریب ساخته است .
- سید نظام الدین محمد کاردگر در سال ۸۶۹ هـ. ق : در ورودی امامزاده نظام الدین را در ماهفروز محله ساخته است .
- حسین بن استاد احمد نجار در سال ۸۷۰ هـ. ق : در ورودی امامزاده قاسم را در محله آستانه بارفروش ساخته است .
- حسین بن استاد احمد نجار در سال ۸۷۳ هـ. ق : در ورودی امامزاده احمد را بر سامان به شهر و کلبداد ساخته است .
- علی بن استاد فخر الدین بن استاد علی مازندرانی در سال ۸۷۶ هـ. ق : در امامزاده ابراهیم را در خطیر کلا ساخته است .

استاد فخر الدین نجار رازی در سال ۸۸۴ هـ ق : صندوق امامزاده عبدالصالح  
را در مرز زرود ساخته است .

استاد علی بن استاد فخر الدین در سال ۸۸۳ هـ ق : در ساختن صندوق امامزاده  
عبدالصالح شرکت داشته است .

استاد حسین بن استاد احمد ساری در سال ۸۹۰ هـ ق : در ورودی شاهزاده  
حسین ساری را ساخته است .

شمس الدین بن استاد احمد نجار ساری در سال ۸۹۱ هـ ق : در ورودی امامزاده  
قاسم را در المشیر ساخته است .

محمد بن استاد حسین نجار در سال ۸۹۲ هـ ق : صندوق شاهزاده حسین را  
در ساری ساخته است .

شمس الدین بن استاد آخوند نجار در سال ۸۹۷ هـ ق : در ورودی بقعة امامزاده  
عبدالله (مطهر بن حارس موسی) را ساخته است .

شمس الدین بن سید عبدالصمد بن سید شمس الدین بهرام نجار در سال ۸۹۷ هـ  
ق : صندوق امامزاده عباس را در آزادگله ساخته است .

شمس الدین بن استاد احمد نجار ساری در سال ۸۹۹ هـ ق : در ساختن صندوق  
امامزاده عباس شرکت داشته است .

بهرام بن استاد محمد نجار ساری در سال ۸۹۹ هـ ق : در میان کفشه و مسجد  
امامزاده عباس را در آزادگله ساخته است .

سید منظی بن سید علی بن سید شمس الدین بن سید عبدالصمد بن سید  
شمس الدین بهرام نجار در سال ۸۹۹ هـ ق : در ساختن صندوق امامزاده عباس در  
آزادگله شرکت داشته است .

استاد حسین بن استاد خوشنام نوری در حدود سال ۹۰۰ هـ ق : صندوق امامزاده  
قاسم را در آمل ساخته است .

استاد اسماعیل نجار آملی معروف به رازی در سال ۹۰۵ هـ ق : در امامزاده

## بیست و چهار

### از آستانه اتا استارهاد

ابراهیم بابلسر را که رایینو دیده، ساخته است.

حسن بن استاد بایزید نجار در سال ۹۰۵ ه.ق: در ورودی امامزاده ابراهیم بابلسر را که رایینو دیده ساخته است.

علی بن استاد اسماعیل نجار آملی معروف به رازی در سال ۹۰۵ ه.ق: در ورودی امامزاده ابراهیم بابلسر را ساخته است.

استاد علی بن استاد فخر الدین بن استاد علی نجار در سال ۹۰۶ ه.ق: در ورودی مسجد امامزاده ابراهیم بابلسر را ساخته است.

محمد بن استاد حسین نجار سارنی در سال ۹۰۷ ه.ق: در ورودی شاه بالو را در ده میان ساخته است.

بهرام بن استاد محمد نجار ساری در سال ۹۱۶ ه.ق: در مسجد بقعة امامزاده عباس را در آزادگله ساخته است.

استاد رستم بن استاد حاجی نجار در سان ۹۲۰ ه.ق: در ورودی درویش اولیا را در قادی محله ساخته است.

محمد بن حسین نجار ساروی در سال ۹۲۵ ه.ق: نجاری بقعة امامزاده ابراهیم آمل را انجام داده است.

درویش روح الله آهنگر در سال ۹۳۱ ه.ق: صندوق امامزاده عباس رضا را در کوتای پیشه سر ساخته است.

استاد میرخان بن استاد حسین گیلانی در سال ۹۵۱ ه.ق: صندوق شاه عبدالقراء در جلال ازرك ساخته است.

علی بن حسین در سال ۹۶۳ ه.ق: صندوق بالویه را در میانده ساخته است.

استاد حاجی محمود در سال ۹۸۲ ه.ق: در امامزاده محمد را در اطاق سرای ابوالحسن کلا ساخته است.

ابراهیم نجار بن سلیمان نجار در سال ۹۸۳ ه.ق: در ورودی امامزاده فضل را در زیارو ساخته است.

استاد محمد خان گلستانی در سال ۹۸۵ ه. ق: صندوق امامزاده عبدالله (مطییر بن حارس موسی) را ساخته است.

درویش روح الله ذوالقرنین در سال ۹۹۱ ه. ق: در ورودی امامزاده یونس رضا را در منگل شیرگاه ساخته است.

استاد صالح نجارمهرانی در سال ۱۰۱۲ ه. ق: در یک لختی امامزاده ابوطالب را در بالا زیراب ساخته است.

درویش روح الله آهنگر شهری در سال ۱۰۸۶ ه. ق: در ورودی امامزاده موسی را در رستی کلایی علی آباد ساخته است.

درویش روح الله ذوالقرنین آهنگر در سال ۱۱۱۹ ه. ق: در ورودی امامزاده حمزه و در مسجد آنرا در آهنگر کلایی بیشتر ساخته است.

استاد سلطان محمد طهرانی در سال ۱۱۲۱ ه. ق: ضربع چوبین امامزاده عبدالحق را در زیراب ساخته است.

استاد علی اکبر نیاکی در سال ۱۱۳۹ ه. ق: در ورودی امامزاده عباس را در کم دره ساخته است،

آقا سید الله قلی نجار در سال ۱۱۳۹ ه. ق: در ساختمان در بالا شرکت دائمی است.

رین العابدین نجار در سال ۱۲۲۷ ه. ق: منبر تکیه هفت بلکون را در معلم کلایی هرار بن ساخته است.

استاد الله قلم، نجار تنکابنی چلاو مسکن در سال ۱۲۳۰ ه. ق: کارنجاری امامزاده سیف الدین را در گنگرج کلا انجام داده است.

عباسقلی نجار در سال ۱۲۷۶ ه. ق: در ورودی امامزاده حسن بالای کوه و سورا ساخته است.

محمد تقی بن محمد رفیع در سال ۱۲۸۲ ه. ق: نجار در ورودی امامزاده محمد در اطاق سرای گنج افروز بوده است.

## بیست و شش

از آستانه تا استار باز

- صادق و جعفر در سال ۱۲۸۸ ه. ق: نجاران سقانفار تکیه هندو کلای دشت سر بوده‌اند.
- آقامید عباس در سال ۱۲۹۳ ه. ق: نجار صندوق امامزاده صالح در بورون دشت سر بوده است.
- استاد گل آقا لاسمی در سال ۱۲۹۳ ه. ق: در ساختن صندوق امامزاده صالح شرکت داشته است.
- سید محمد نوائی در سال ۱۲۹۴ ه. ق: نجار صندوق امامزاده زین العابدین در قادی کلا بوده و در ورودی این امامزاده را نبر نامبرده ساخته است.
- استاد دوستمحمد در سال ۱۲۹۵ ه. ق: نجار سقانفار تکیه رمنت پیشه بابل بوده است.
- استاد علی شاگرد نجار بوده در ساختن این سقانفار شرکت داشته است.
- استاد ولی محمد لاسمی نیز در ساختن این سقانفار شریک بوده است.
- استاد مهدی در سال ۱۳۰۶ ه. ق: نجار در ورودی مسجد امامزاده عبدالله در فیروز کلای آمل بوده است.
- مشهدی داداش نوائی در سال ۱۳۰۶ ه. ق: نجار سقانفار کیجان‌کیه حمزه کلای پیشه آمل بوده است.
- استاد عباسقلی نجار باشی در سال ۱۳۰۶ ه. ق: صندوق امامزاده عبدالله رادر شیخ موسی ساخته است.
- استاد حبیب‌الله ولد مشهدی قلی نوائی در سال ۱۳۱۷ ه. ق: نجاری بقعة امامزاده محمد را در شورستان اهلم رستاق انجام داده است.
- استاد علی اکبر نجار در سال ۱۳۱۸ ه. ق: در ورودی امامزاده عبدالله را در شیخ موسی ساخته است.
- استاد عباسقلی نجار در سال ۱۳۱۸ ه. ق: در ساختن در ورودی سابق‌الذکر شرکت داشته است.

استاد مهدیقلی بندی ورزشی در سال ۱۳۲۲ ه. ق: ضریح چوبین سید ابو صالح را در مله بیشه سر ساخته است.

استاد علی اکبر ورزشی در سال ۱۳۲۸ ه. ق: در ورودی مرقد پادشاه میرزا در دهکده پادشاه میر ساخته است. مشهدی عنایت نیز در ساختن این در شرکت داشته است.

غلام حسین لاسمی در سال ۱۳۲۹ ه. ق: نجار سقانفار تکیه آنگر کلای بیشه سر بوده است.

در ساختن ابن سقانفار، استاد فضل الله خانقائی و استاد اسدالله غائی شرکت داشته اند.

ابراهیم خروس ورزشی در سال ۱۳۴۶ ه. ق: در ورودی امامزاده محمود را در مربع دهکده لاریم گیلخواران، ساخته است و ملا غلامعلی رضای ورزشی در ساختن این در شرکت داشته است.

استاد علی دروزی در سال ۱۳۶۵ ه. ق: سقانفار گاوان کلای با بلکنار را ساخته است و استاد میرزا علی بابای نجار در ساختن این سقانفار شرکت داشته است.

### با ایمان گشاده دست

رستم بن شهر ولادش، بانی مرقد و صندوق حسن بن معروف به بالویه در سال ۶۶۳ ه. ق.

بوره کیابن شمس الدین علی گرخی، بانی امامزاده عبدالله در نشر در سال ۷۵۴ ه. ق.

درویش رستم میشا، بانی در ورودی مرقد امیر سپد علی در لنگر در سال ۸۲۹ ه. ق.

مرتضی بن سید شمس الدین بن سید حسین کیابن عبدالله بن سید علی کیابا بلکانی،

بیست و هشت	از آستانه تا آستانه پاد
بانی صندوق امامزاده ابراهیم بابلسر در سال ۸۳۵ ه. ق.	آفاستهم نیر، بانی درورودی و صندوق مرقد امامزاده عبدالصالح در مرزورد میانزورد در سال ۸۴۶ ه. ق.
شرین شاه بن حسین عرب، بانی امامزاده سفیدچاه در سال ۸۵۰ ه. ق.	شمس الدین بن سید عزیز بابلکان، بانی درهای امامزاده ابراهیم بابلسر در سالهای ۸۵۸ و ۸۵۹ ه. ق.
درویش محمد ابن کیافنجه، بانی درورودی امامزاده قاسم در المشیر نوکند کا در سال ۸۹۱ ه. ق.	شجاع الدین سهراب بن آوارستم روز افزون، بانی در بقعه شاه بالو در دهستان در سال ۹۰۷ ه. ق.
آفاحسین، بانی بنای امامزاده عباس در آزادگله ساری در سال ۹۱۶ ه. ق.	درویش علاء الدین، بانی در ورودی درویش اولیا در قادی محله روپشت گلخواران در سال ۹۲۰ ه. ق.
امیر محمد بن سیدعلی بهاء الدلوه، بانی بنای شاه عبدالله جلال از رک در سال ۹۵۰ ه. ق.	امیر میلحسین بن امیر سید خواجه، بانی بنای شاه عبدالله در جلال از رک در سال ۹۵۱ ه. ق.
ملامحمد ولد حاجی زین العابدین، بانی در ورودی سید ابو صالح در سال ۱۱۱۹ ه. ق.	حاجی عبدالله حاجی محمد، بانی در ورودی سید ابو صالح در سال ۱۱۱۹ ه. ق.
مولانا میر نظام الدین محمد، بانی تعمیر مسجد کاظم بیگ کاظم بیگ در سال ۱۱۶۹ ه. ق.	حاجی حسین، بانی تجدید بنای مسجد چهارسوق بابل در سال ۱۲۱۱ ه. ق.
آفاحسین زمان، بانی خریع مرقد سید مهدی کروب؛ حدود سال ۱۲۲۰ ه. ق.	

بایان گشاده دست

بیست و نه

کربلائی ابوطالب و درویش حسین و درویش اسماعیل بانیان بنای امامزاده  
عبدالحق زیراب در سال ۱۲۲۴ ه. ق.  
کربلائی محمد آقا خلف کربلائی الله قلی، واقف منبر تکیه شیر محله در محرم  
۱۲۳۴ ه. ق.  
 حاجی جعفر، بانی در رودی امامزاده حسن در کوه وسو در سال ۱۲۷۶ ه. ق.  
درویش حسین آهنگر، بانی در رودی امامزاده محمد در اطاق سرای ابوالحسن-  
کلا در حدود سال ۱۲۸۲ ه. ق.  
محمد کاظم مشهدیان، بانی بنای امامزاده محمد در اطاق سرای ابوالحسن-  
کلا در حدود سال ۱۲۸۲ ه. ق.  
آقابی بن آقا حقن قادری، بانی در امامزاده زین العابدین در سال ۱۲۹۴ ه. ق.  
فضل الله بن رضا قلی و کاظم بن رضا قلی و آقا اکبر بن رضا قلی، بانیان در  
ورودی امامزاده عبدالله در زیارت شیخ موسی در سال ۱۳۱۸ ه. ق.  
فضل الله بن رضا قلی و کاظم بن رضا قلی و آقا اکبر بن رضا قلی، بانیان در  
ورودی شیخ موسی در زیارت شیخ موسی در سال ۱۳۱۸ ه. ق.  
سیف الله، سرتضی، نقی، ابراهیم، بدالله، پسران حسین پسر حاج آقا،  
بانیان در مرقد پادشاه میر در دهکده پادشاه میر بندهی در سال ۱۳۲۰ ه. ق.  
حیدرخان معروف به معز السلطان، بانی بنای مقبره ملا محمد شهر آشوب در  
بنگر کلا در سال ۱۳۲۳ ه. ق.  
کربلائی هدایت جراتی سوادکوهی، بانی ضربع سید ابو صالح در دهکده  
مله پیشه سرعلی آباد در سال ۱۳۲۴ ه. ق.  
کربلائی ابراهیم، بانی سقانفار تکیه آهنگر کلا در سال ۱۳۲۹ ه. ق.  
مشهدی محمد چوبان نوابی، بانی در رودی امامزاده محمود در مرتع دهکده  
لاریم گلخواران.  
انمار بنت میرزا جان، بانی قرآن تالار تکیه گاوان کلای بالکنار در سال

۱۳۴۶ هـ. ق.

غريب رضا ، باني تالار سقانفار گاوان کلاي بايلکنار در سال ۱۳۶۵ هـ. ق.  
علاء الدین بن درويش محمد ابوالوفا ، باني بنای سید زین العابدين در ساري.  
عبدالله بن شاه حسين القاضي بمحروسة طبرستان ، باني بنای امامزاده  
ابراهيم آمل .

آخوند حاجی ملا عبد الغفار و ملا عبد الغفار و گل على سلطان و ملا محمد امين  
و ملا محمد شفیع و مهر علی ، بانيان امامزاده سیف الرین در گنگرچ کلاي چلاو .  
کیا محمد ، باني صندوق امامزاده حسن در آباش چلاو .

علی بن مولانا جمال ، باني و ساعی صندوق امامزاده عبدالله (مطہر بن حارس  
موسى) در شهنه کلاي دشتسر .

درويش سيد جلال بن سيد حسين ، صاحب الخيرات در ورودی مسجد متصل  
به بقعه امامزاده عبدالله در شهنه کلاي دشتسر .

حاجی زيادمن بن محمد بن داود بن سماع بن هدی بن اسماعيل ، باني بنای  
امامزاده فضل در زيارو .

مشهدی حاجی ، باني در امامزاده عباس در کم دره دشت سر آمل .  
مشهدی علی جان ، باني سقانفار کیجا تکیه در حمزه کلاي پیشه بابل .  
عنایت الله ابن مهدیقلی سلطان قادی ، باني صندوق امامزاده زین العابدين .  
خواجه حسن بن پیر علی رومی ، باني صندوق امامزاده یحیی در ساري در سال  
۸۶۵ هـ. ق .

رسم بن نظام ، باني در ورودی فعلی امامزاده یحیی در ساري .  
سید اسماعيل بن سید فتح الله نجفی ، باني صندوق و در ورودی شاهزاده  
حسین ساري .

بنایان و معماران

حسن بن علی معمار برج لاجیم .

حسن بن علی شیخ، لقب به نشانی ساعی عمارت امامزاده عبدالله تشر در سال ۷۵۴ ه. ق.

استاد مولانا شمس الدین بن نصرالله مطهری معمار بقعة سلطان محمد طاهر در سال ۸۰۹ ه. ق.

سید علی بن سید کمال الدین بنای امامزاده فاسم در آستانه بارفروش در سال ۸۷۰ ه. ق.

استاد عبدالاصفهانی سازنده گنبد اصلی مسجد جامع بارفروش در سال ۱۲۲۷ ه. ق.  
امام قلی بیک سرکار بنای مسجد محمد تقی خان در نشل بندهی در سال ۱۲۵۷ ه. ق.

استاد اسماعیل ابی بنای مسجد جامع محمد محمد تقی خان در نشل بندهی در سال ۱۲۷۵ ه. ق.

استاد علی معمار کاشی، معمار قلعه سرتک در سال ۱۲۹۲ ه. ق.  
یعقوب علی بنای حسینی آقا شیخ علی درست مکلا در سال ۱۲۹۵ ه. ق.  
سید علی بن سید کمال الدین بناء آملی بنای بقعه سید زین العابدین ساری.  
مشهدی استاد حاجی آقا بنای مسجد چال بابل در سال ۱۳۴۳ ه. ق.  
حاج عباس قمی ساعی بنای مسجد حاجی سید حسن ناجر بارفروشی به نام مسجد زرگر در بارفروش در سال ۱۳۱۶ ه. ق.

گچ بران

محمد هادی قزوینی گچ بری مسجد محدثین را در محله توغذار بن بارفروش در شعبان ۱۱۳۶ ه. ق. انجام داده است .

محمد علی امیری گنج بری بالای در ورودی حیاط امامزاده عباس را در کم دره دشت سرآمل در سال ۱۳۹۵ ه. ق. انجام داده است.

رمضانعلی نوائی گنج بری کتبه جلو مقبره ملا نصیر را در سال ۱۲۹۵ ه. ق تمام کرده است.

#### سنگ تراشان

استاد عبدالغنى سنگهای قبور سید شمس الدین و سید کمال الدین بابلکانی را در گوسان در حدود سال ۸۰۰ تراشیده است.

#### کاشیکاران

استاد ابراهیم اصفهانی، کاشیکاری محراب مسجدجامع بابل را در سال ۱۴۳۳ ه. ق. تمام کرده است.

#### نقاشان و قلمکاران

استاد ابراهیم استکنی نقش و قلمکاری امامزاده قاسم را در محله آستانه بار فروش در سال ۱۳۴۶ ه. ق. تمام کرده است.

عبدالکریم بن شیخ الاسلام نقاشی بقعة هشتاد تنان خشکرود جلال ازرك را در سال ۱۳۱۸ ه. ق. تمام کرده است.

#### خطاطان

احمد بن یوسف سلطانی خطاط کتبهای صندوق امیر سید علی در انگر در سال ۸۲۹ ه. ق.

---

## خطاطان

---

### سی و سه

- فخرالدین مطهر بن عبدالله داعی حسنی آملی خطاط کتبه‌های صندوق امامزاده  
یحیی درسال ۸۴۶ ه. ق.
- عیق بن فخرالدین بن محمد حاجی کاتب کتبه‌های صندوق امامزاده سفیدچاه  
درسال ۸۵۰ ه. ق.
- محمد خطاط کتبه در امامزاده قاسم در محله آستانه بار فروش درسال ۸۷۷ هـ.
- احمد بن حسین سیاه پوش کاتب کتبه درورودی مسجد امامزاده ابراهیم با بلسر  
درسال ۹۰۶ ه. ق.
- نقی آملی کاتب کتبه در امامزاده ابراهیم درسال ۹۰۵ ه. ق.
- ملامحمد یوسف کاتب کتبه صندوق امامزاده عباس در گوتنای بیشه سر شاهی  
درسال ۹۳۱ هـ.
- محمد ابراهیم آهنگر کاتب کتبه صندوق امامزاده عباس در بیشه سر شاهی در  
سال ۹۳۱ هـ.
- حاجی محمد یوسف بن حبیب الله مشهدیان کاتب کتبه در ورودی امامزاده  
بونس رضا در منگل شیرگاه درسال ۹۹۱ هـ.
- محمد یوسف بن کربلایی قاسم آهنگر بیشه سری کاتب کتبه در امامزاده  
بونس رضا در منگل شیرگاه درسال ۹۹۱ هـ.
- محمد حسینی لاهجی کاتب کتبه صندوق میربزرگ درسال ۱۰۳۳ هـ.
- محمد بن محمد صالح کاتب کتبه در ورودی سید ابو صالح در ملة بیشه سر  
علیآباد درسال ۱۱۱۴ هـ.
- محمد یوسف بن قاسم شاگرد عالی یعقوب کاتب کتبه در ورودی امامزاده  
حمزه کنار جاده ماشین رو شیرگاه به علیآباد درسال ۱۱۱۹ هـ.
- محمد مهدی خطاط کتبه‌های مسجد جامع آمل درسال ۱۲۳۰ هـ.
- محمد مهدی طهرانی خطاط کاشیکاری محراب مسجد جامع آمل در سال  
۱۲۳۳ هـ.

---

سی و چهار

از آثار اتا استار باد

---

- محمد تقی خطاط کتبیه بخشش اجاره خبازی بر سرگرد در مسجد جامع بابل در سال ۱۲۵۱ ه. ق.
- میرزا تقی شاعر و نقاش و کاتب در ورودی امامزاده حسن بالای کوه و سوار کوههای بندپی در سال ۱۲۷۶ ه. ق.
- عبدالعظیم مهدی، کتبیه در ورودی امامزاده محمد در اطاق سرای ابوالحسن کلای گنج افروز در حدود سال ۱۲۸۲ ه. ق.
- محمد بن کربلاجی علی قلی فیروزجاهی کاتب کتبیه ضریح پادشاه پسر در دهکده پادشاه میر بندپی در سال ۱۲۸۸ ه. ق.
- ملحیب فولاد کاتب کتبیه صندوق امامزاده زین العابدین در قادی کلا در سال ۱۲۹۴ ه. ق.
- عباس، خطاط کتبیه جلو مقبره ملانصری در بازار فروش در سال ۱۲۹۵ ه. ق.
- آخوند ملانصر الله نویسنده کتبیه سقانفار منت بیشه بابل در سال ۱۲۹۵ ه. ق.
- قاضی حاجی آقا بازار فروش کاتب کتبیه‌های سقانفار کیجان‌تکیه حمزه کلای بابل در سال ۱۳۰۶ ه. ق.
- آحمد، راقم حروف ضریح شیخ موسی در زیارت شیخ موسی در سال ۱۳۱۰ ه. ق.
- موسی ولد ابراهیم فیروزجاهی، کاتب کتبیه در ورودی شیخ موسی در سال ۱۳۱۰ ه. ق.
- موسی ولد ابراهیم فیروزجاهی، کاتب کتبیه در ورودی شیخ موسی در سال ۱۳۱۸ ه. ق.
- موسی بن ابراهیم فیروزجاهی، کاتب کتبیه در ورودی پادشاه میر در پادشاه میر بندپی در سال ۱۳۲۰ ه. ق.
- عباس بن احمد بن نصر الله بالی کلای سواد کوهی، کاتب کتبیه ضریح سید ابو صالح در ملة بیشه‌سر علی آباد در سال ۱۳۲۲ ه. ق.
- شیخ محمد رضا، کاتب کتبیه مسجد چمال در محله چهار سوق بابل در سال

۱۳۱۳ ه. ق.

هدایت ابن آخوند ملاعلی نویسنده کتبیه سقانفار تکه آهنگر گلا در سال

۱۳۲۹ ه. ق.

محمد صانع خوانساری، خطاط ازارة بنای امامزاده قاسم در محله آستانه بارفروش در سال ۱۲۷۳ ه. ق.

شفیع القاضی فزان جاهی: کاتب کتبیه‌های سقانفار تکه هندوکلاه.  
نعمت‌الله‌بن جعفر خطاط کتبیه گچ بری مسجد محدثین در محله توغدار بن بارفروش.

محمد فیروز جاهی، نویسنده کتبیه صندوق امامزاده عبدالله در زیارت شیخ موسی.

علی‌جان ولادخو کاتب کتبیه در ورودی امامزاده محمود در مرتع لاریم.  
محمد یوسف‌بن قاسم آهنگر نویسنده کتبیه امامزاده موسی درستی کلای علی‌آباد.

ملک جهانبخش نصار نویسنده کتبیه در ورودی مسجد امامزاده حمزه در سیاه روذهبی دشت بیشه سر علی‌آباد.

### درختان کوهنال در خاک مازندران شرقی

درختان تناور دامنه‌های شمالی، رشته کوههای البرز با بوتهای خیس و گلار<sup>۱</sup> که بیشتر خاردار هستند ولوولم<sup>۲</sup> تمثیل که خود را به بالای درختان رسانده و فواصل میان درختان را پر کرده‌اند، همچون باروئی عظیم و قطاور در مقابل مهاجمان ایستاده و مانع شده‌اند که آنان به داخل مازندران راه یابند.

نیمی از غذای جنگل نشینان، از درختان جنگلی چون خرمندی<sup>۳</sup> و انار و

۱- شاخه‌های گیاهان خاردار.

۲- شاخه‌های دراز و باویک بوتهایی چون تمثیل که گاهی تا ده پانزده متر می‌رسد.

۳- خرمدی وحشی که از آن شیره درست می‌کنند.

کتوس (از گیل) و انواع وبلیک<sup>۱</sup> و انگور و حلی (آلوجه) و سایر «بوهای جنگلی» تأمین می‌شود. پایه و اساس خانه‌های مسکونی دهکده نشینان حواشی جنگل از چوب است و درود بیوار آنها از چوب درختان ساخته می‌شود و پوشش بام بیشتر این خانه‌ها از «لت» است. بنابراین درختان جنگلی در صفحات شمال ایران پایه زندگانی جنگل-نشینان است.

درختان عظیم جنگل نظریر (مازو = موزی = باوط) که به نام «شیر جنگل» شهرت دارد چشم هر بیننده را خیره کرده و عظمت آنها اورا و ادار به احترام و حتی پرستش کرده است. از اینجاست که در مثل آمده است «هر جا که پیله پیله‌داره - اونجا گیلکان مزاره» یعنی هرجا که درختان بسیار عظیم است آنجا پرستشگاه و بتکده گیلکان است

نامهای جغرافیائی صفحات شمال بیشتر بynam درختان همراه است و نام درخت جزوی از نام مرکب جغرافیائی است، از آنهاست: اوجابن، توغ داربن که به غلط طوقدار بن شده است، ولافرا، ولدموزی، آزادگله، وزداربن، چناربن، نارنج بنزبن، آغوز کنده سر. لذگا که یکی از بخشهای بزرگ تنگابن است: نام نوعی درخت اوجا یا نارون وحشی است.

درختان دست نشانده می‌توانند سن و سال و قدمت بنایی تاریخی را نشان دهند. از اینرو هر یک را به ترتیب تنومندی در این فهرست گنجاندیم.

<sup>۱</sup>- سرخه وبلیک وسیاه وبلیک نوعی زالزالک وحشی است.

## درخت آزاده

- ۱- درخت آزاد در مشهد چمنو علی آباد (= شاهی) ۷۰۰ سانتیمترص .۳۴۰
- ۲- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عقیل در فجر محله ۷۰۰ سانتیمترص .۱۲۰
- ۳- درخت آزاد در بقعة درویش داود در آهنگر کلا ۶۶۵ سانتیمترص .۳۷۸
- ۴- درخت آزاد در امامزاده علی در کرچنگ بیشه سر ۶۰۹ سانتیمترص .۳۸۳
- ۵- درخت آزاد در امامزاده قاسم کهکرون هشتله ۶۰۰ سانتیمترص .۱۴۸
- ۶- درخت آزاد در سیاه روپی دشت آهنگر کلا ۵۸۸ سانتیمترص .۳۷۶
- ۷- درخت آزاد در امامزاده علی در کرچنگ بیشه سر ۵۸۶ سانتیمترص .۳۸۳
- ۸- درخت آزاد در مشهد چهنو علی آباد شاهی (= شاهی) ۵۶۰ سانتیمترص .۳۴۰
- ۹- درخت آزاد در بقعة سید محمد در قادری کلا ۵۵۰ سانتیمترص .۳۲۶
- ۱۰- درخت آزاد در گورستان امامزاده قاسم کهکرون ۵۴۶ سانتیمترص .۱۴۸
- ۱۱- درخت آزاد در میدان دهگده بزمیان دشت سر ۵۴۰ سانتیمترص .۱۴۴
- ۱۲- درخت آزاد در اراضی امامزاده علی در کرچنگ ۵۳۸ سانتیمترص .۳۸۳
- ۱۳- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عقیل در فجر محله ۵۳۵ سانتیمترص .۱۲۰
- ۱۴- درخت آزاد در اراضی بقعة درویش داود آهنگر کلا ۵۳۳ سانتیمترص .۳۷۸
- ۱۵- درخت آزاد در گورستان امامزاده قاسم کهکرون ۵۳۳ سانتیمترص .۱۴۸
- ۱۶- درخت آزاد در گورستان شهر علی آباد (شاهی) ۵۲۰ سانتیمترص .۲۳۵
- ۱۷- درخت آزاد در بقعة امامزاده عباس در سونه کلا ۵۲۵ سانتیمترص .۱۱۷
- ۱۸- درخت آزاد در امامزاده حمزه در سیاه روپی ۵۲۰ سانتیمترص .۳۷۶
- ۱۹- درخت آزاد در اطراف بقعة امامزاده حمزه ۵۱۸ سانتیمترص .۳۷۶
- ۲۰- درخت آزاد در بقعة سید محمد در قادری کلا ۵۱۵ سانتیمترص .۳۳۶

سی و هشت	از آثار انا استار باز
۲۱- درخت آزاد در بقعه سید محمد در قازی کلا	۵۱۰ سانتیمترص ۳۳۶
۴۲- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عفیل در فجر محله	۱۲۰ سانتیمترص ۵۱۰
۴۳- درخت آزاد در امامزاده حسن رضا	۷ سانتیمترص ۵۰۸
۴۴- درخت آزاد در محوطه امامزاده حمزه کنار راه شیر گاه	۴۰۸ سانتیمترص ۵۰۸
۴۵- درخت آزاد در امامزاده عبدالله در شهره کلا	۱۴۱ سانتیمترص ۵۰۰
۴۶- درخت آزاد دو محوطه امامزاده حمزه کنار راه شیر گاه	۴۰۸ سانتیمترص ۷۸۰
۴۷- درخت آزاد در سید محمد در قادی کلا	۳۳۶ سانتیمترص ۴۸۰
۴۸- درخت آزاد در امامزاده محمد ولیس ده	۱۱۹ سانتیمترص ۴۷۷
۴۹- درخت آزاد در اراضی بقعه درویش داود	۳۷۸ سانتیمترص ۴۷۰
۵۰- درخت آزاد در امامزاده عبدالله شهره کلا	۱۴۱ سانتیمترص ۴۶۵
۵۱- درخت آزاد در گورستان در باصره ازبی	۱۱۵ سانتیمترص ۴۲۰
۵۲- درخت آزاد در امامزاده قاسم بن عفیل	۱۲۰ سانتیمترص ۴۰۰
۵۳- درخت آزاد در گورستان امامزاده عبدالله	۱۴۱ سانتیمترص ۴۰۰
۵۴- درخت آزاد در بقعه امامزاده محمد هشتل	۱۴۹ سانتیمترص ۴۰۰
۵۵- درخت آزاد در مشهد چمنو در علی آباد (شاهی)	۳۴۰ سانتیمترص ۴۰۰
۵۶- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۱۱۶ سانتیمترص ۴۰۰
۵۷- درخت آزاد در بقعه حسن رضا	۳۶۳ سانتیمترص ۷
۵۸- درخت آزاد در سید سه نور اهلم رستاق	۱۰۹ سانتیمترص ۳۳۸
۵۹- درخت آزاد در سید سه نور اهلم رستاق	۱۰۹ سانتیمترص ۲۸۷
۶۰- درخت آزاد در گورستان امامزاده محمد هشتل	۱۴۹ سانتیمترص ۲۸۲
۶۱- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۱۱۶ سانتیمترص ۲۷۷
۶۲- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۱۱۶ سانتیمترص ۲۷۵
۶۳- درخت آزاد در سید سه نور اهلم رستاق	۱۰۹ سانتیمترص ۲۵۸
۶۴- درخت آزاد در امامزاده مظفر اسکو محله	۱۱۶ سانتیمترص ۲۵۳

سی و نه	درختان چنار
۱۰۸	۴۶ سانتیمترص
۱۱۹	۲۲ سانتیمترص
۱۰۸	۲۰ سانتیمترص

#### درختان چنار ۷

- ۱- چنار امامزاده عبدالله در اترب
- ۲- چنار امامزاده عبدالله در اترب
- ۳- چنار شاهزاده ابراهیم آمل
- ۴- چنار دهکده اسکار دین
- ۵- چنار امامزاده احمد = بلند امام
- ۶- چنار امامزاده احمد = بلند امام
- ۷- چنار شاهزاده ابراهیم آمل
- ۸- چنار امامزاده عبدالله رو دبار هرازبی
- ۹- چنار میدان جلو تکیه امامزاده سیف الدین
- ۱۰- چنار معصوم زاده میر مفید نکا
- ۱۱- چنار قتلگاه اشرف

#### درختان او جا ۷

- ۱- درخت او جا در میدان دهکده بزمیان
- ۲- درخت او جا در امامزاده فضل بن موسی
- ۳- درخت او جا در بقعة بامر کلای دابو

6- *Populus Migra.*; *Populus planata*.

7- *Ulmus Campestris*; *Ulmus Montana*.

**چهل**

**از آستانه اتا استارهاد**

- ۴- درخت اوچا در بامر کلای دابو  
۳۱۱ سانتیمترص .۱۶۸
- ۵- درخت اوچا در امامزاده محمد ولیس ده  
۲۴۰ سانتیمترص .۱۱۹
- ۶- درخت اوچا در امامزاده محمد ولیس ده  
۲۳۰ سانتیمترص .۱۱۹

**درختان بلوط - موزی - مازو**

- ۱- درخت بلوط در گورستان در باسر هرازبی  
۰۵۰ سانتیمترص .۱۵۵
- ۲- درخت بلوط در بقعة امامزاده محمد شورستان  
۷۳۶ سانتیمترص .۱۱۱
- ۳- درخت بلوط امامزاده محمد ولیس ده  
۴۷ سانتیمترص .۱۱۹
- ۴- درخت بلوط در امامزاده محمد ولیس ده  
۳۰ سانتیمترص .۱۱۹
- ۵- درخت بلوط در گورستان امامزاده محمد هشتله  
۲۸۳ سانتیمترص .۱۴۹

**درختان افرا**

- ۱- درخت افرا در تکیه هف پلکون هرازبی  
۰۰۶ سانتیمترص .۱۵۴

**درختان تادانه - داغداغان**

- ۱- درخت تادانه در گورستان شاهزاده ابراهیم  
۴۸۰ سانتیمترص .۸۰

**درختان ون - زبان گنجشک**

- ۱- درخت ون در بقعة امامزاده قاسم کمانگر کلا  
۳۲۲ سانتیمترص .۱۶۹

8- *Oeurocos lucitanica* . 9- *Acer Plantanoides* .

10- *Celtis Australia* .

چهل و پنجم

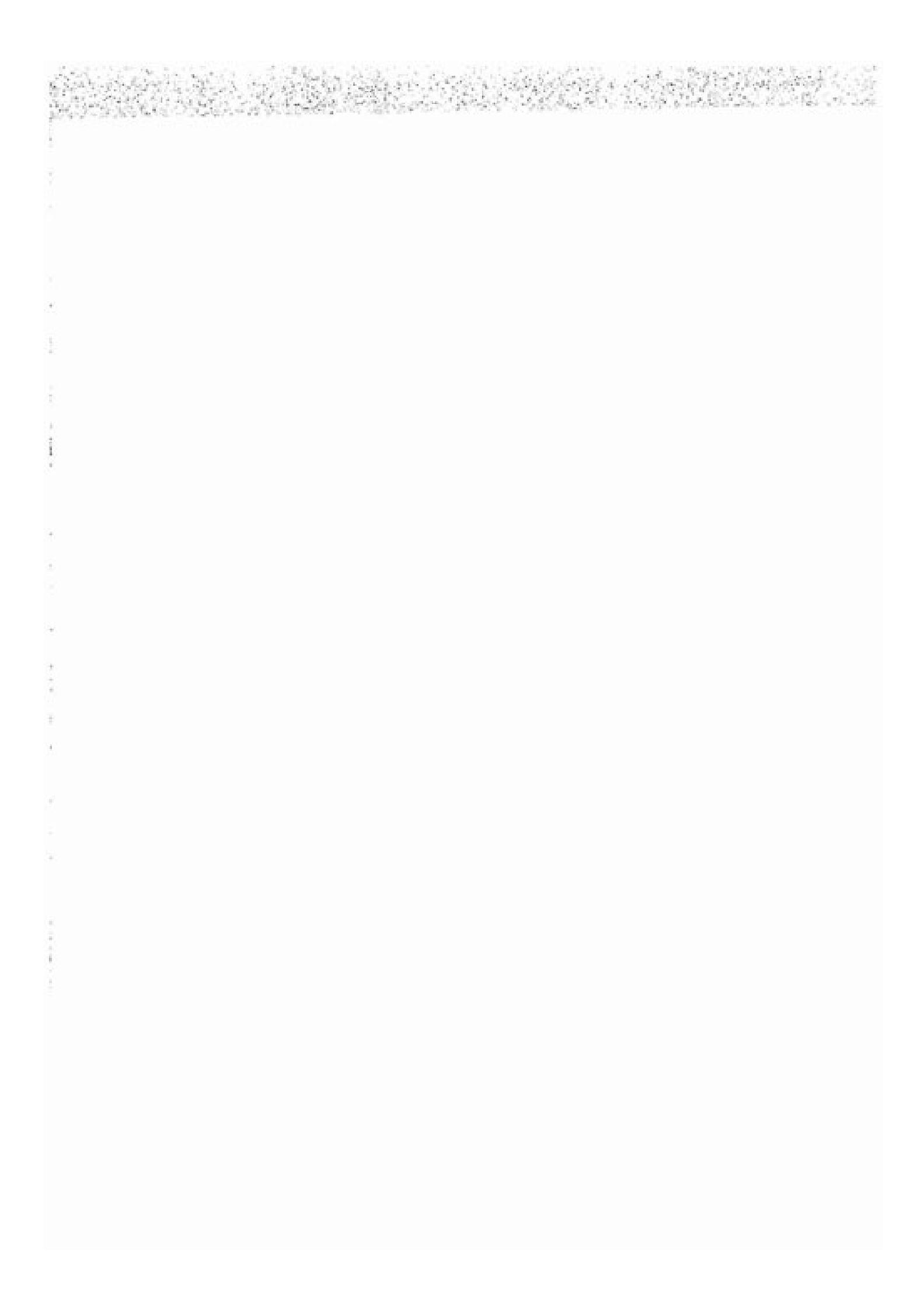
درختان سرو = سور = سرو جنگلی

درختان سرو = سور = سرو جنگلی

- ۱- درخت سرو امامزاده حسن در رباط پنججهزاره
- ۲- درخت سرو بقعة سید قاسم در گردنه رو دهی
- ۳- درخت سرو بقعة کریم و رحیم مفری کلا
- ۴- درخت سرو امامزاده هاشم امراسک
- ۵- درخت سرو بقعة سید ابو صالح در دهکده مله

درختان لی = نارون و حشی

- ۱- درخت لی در اراضی امامزاده صالح بورون



منابع و مأخذ عربی و فارسی که در این کتاب  
از آنها استفاده شده است

- ۱- آشوراده و هرات ، تألیف ابوالفتح و ثوق زمانی ، تهران ۱۳۶۳ .
- ۲- آلبوم ناصرالدین شاه ، در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ، نسخه عکسی .
- ۳- احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم تألیف ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی چاپ  
دخویه ۱۹۰۶ میلادی .
- ۴- بهشهر(اشرف البلاط) تألیف علی بابا عسکری ، تهران شهر بور ۱۳۵۰ .
- ۵- افلم نور از کتب چاپ شده در محافل بهائیان .
- ۶- بحار الانوار تألیف محمد باقر مجلسی چاپ امین الفرب .
- ۷- تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی تألیف دکتر عباس زمانی .
- ۸- تاریخ بیهقی تألیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی معروف به ابن فندق با تعلیقات  
بهمتیار تهران ۱۳۱۷ شمسی .
- ۹- تاریخ بیهقی ، تألیف ابوالفضل محمد بن حسین کاتب بیهقی ، تهران ۱۳۱۹ شمسی .
- ۱۰- تاریخ طبرستان ، تألیف اردشیر برزگر ، تهران ۱۳۲۹ شمسی .
- ۱۱- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ، تألیف میر تیمور مرعشی ، به تصحیح دکتر  
منوچهر ستوده ، انتشارات اطلاعات ، ۱۳۶۴ شمسی .
- ۱۲- تاریخ خانی ، تألیف علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهجی ، تصحیح  
و تحرییة دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ، ۱۳۵۲ شمسی .

- ۱۳- تاریخ روضه الصفا ناصری ، تألیف رضا قلی خان هدایت ، چاپ سنگی ، ۱۲۷۰ قمری .
- ۱۴- تاریخ رویان ، تألیف مولانا اولیاء الله آملی ، تصحیح و تحریث دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ، سال ۱۳۴۸ شمسی .
- ۱۵- تاریخ سرگذشت مسعودی ، تألیف مسعود میرزا ظل السلطان ، به کوشش حسین خدیو جم .
- ۱۶- تاریخ طبرستان ، تألیف بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار کاتب ، به تصحیح عباس اقبال ، خرداد ماه ۱۳۲۰ شمسی .
- ۱۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ، تألیف سید ظهیر الدین بن سید نصیر الدین مرعشی ، تصحیح و تحریث دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، سال ۱۳۴۹ شمسی .
- ۱۸- تاریخ عالم آرای عباسی ، تألیف اسکندر بیک ترکمان ، تهران ، اسفند ۱۳۳۴ .
- ۱۹- تاریخ گینی گشا ، تألیف میرزا محمد صادق موسوی نامی اصفهانی ، با دوزبل ، بکی تألیف میرزا عبدالکریم بن علی رضا الشریف و دیگری تألیف آقا محمد رضای شیرازی ، تهران ۱۳۱۷ .
- ۲۰- تاریخ گیلان ، تألیف ملا عبدالفتاح فومنی گیلانی ، تصحیح و تحریث دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران سال ۱۳۴۹ شمسی .
- ۲۱- تاریخ مازندران ، تألیف ملا شیخعلی گیلانی ، تصحیح و تحریث دکتر منوچهر ستوده ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ، سال ۱۳۵۲ شمسی .
- ۲۲- تاریخ مازندران ، تألیف اسماعیل مهجوری ، مجلد اول دی ماه ۱۳۴۲ شمسی ، مجلد دوم تیر ماه ۱۳۴۵ شمسی .
- ۲۳- التدوین فی احوال جبال شروین ، تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه ، بوئن تیل ۱۳۱۱ قمری .
- ۲۴- ترجمة سفر نامه مازندران و استرآباد ، تألیف راینسن ، مترجم وحید مازندرانی .

منابع و مأخذ عربی و فارسی

چهل و پنج

- ۲۵- تقویم البلدان ، تأليف عمادالدین اسماعیل بن محمد بن عمر معروف به ابوالقداء، چاپ پاریس ، ۱۸۴۰ ، میلادی .
- ۲۶- جغرافیای تاریخی گیلان ، مازندران ، آذربایجان از نظر جهانگردان ، تأليف ابوالقاسم طاهری ، تهران ، ۱۳۴۷ شمسی .
- ۲۷- جغرافیای تاریخی و اقتصادی مازندران، تأليف عباس شایان، چاپ دوم، تهران؛ ۱۳۴۶ شمسی .
- ۲۸- روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ، تأليف محمد حسن خان اعتماد السلطنه ، با مقدمه و فهرس از ایرج افشار، تهران ، ۱۳۴۵ شمسی .
- ۲۹- روضات الجنات ، تأليف میرزا محمد باقر خوانساری، تهران، ۱۳۰۷ شمسی.
- ۳۰- ریحانة الادب ، تأليف محمد علی تبریزی ، تهران ، ۱۳۲۸ شمسی.
- ۳۱- سفارت نامه خوارزم ، تأليف رضاقلی خان هدایت ، به کوشش علی حصویری، تهران ، ۱۳۵۶ .
- ۳۲- سفارشنامه انجمن آثار ملی شماره ۳۹ .
- ۳۳- سفر نامه استرآباد و مازندران، تأليف یکی از همراهان درن مورخ ۱۲۷۵ ، نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .
- ۳۴- سفر نامه استودارت در فرنگ ایران زمین ، سال ۱۳۳۹ شمسی .
- ۳۵- سفر نامه مازندران ناصر الدین شاه ، در سال ۱۲۸۲ قمری .
- ۳۶- سفر نامه مازندران ناصر الدین شاه ، در سال ۱۲۹۲ قمری .
- ۳۷- شاهنامه ، به کوشش آ. برتس و نوشین .
- ۳۸- شهر بابل ، تأليف پوراندخت حسین زاده ، تهران ، اردیبهشت ۱۳۴۳ .
- ۳۹- طبرسی و مجمع البیان ، تأليف دکتر حسین کریمان ، تهران ، ۱۳۴۰ شمسی .
- ۴۰- طرائق الحقایق ، تأليف محمد معصوم شیرازی معروف به معصوم علیشاه (نایب الصدر) ، به تصحیح محمد جعفر محجوب ، تهران ، ۱۳۴۵ شمسی .
- ۴۱- طومار امامزادگان شمال ایران در دوران صفوی متعلق به مهدی میرمیرانی که

- تحت عنوان «آثارهای مازندران» آقای محمد تقی دانش پژوه در مجله معارف اسلامی، نشریه سازمان اوقاف، شماره دوم به چاپ رسانیده‌اند.
- ۴۲- عباستامه، تأليف محمد طاهر وحید فرويني، به تصحیح وتحثیه ابراهیم دهگان، کتابفروشی داودی، اراك، اسفند ۱۳۲۹ شمسی.
- ۴۳- عجایب الاقالیم السبعه، تأليف سهراب.
- ۴۴- فرهنگ جغرافیائی ایران مجلد سوم، استان دوم، ازانشارات دایرة جغرافیائی ستاد ارتش، شهریور ۱۳۲۹ شمسی.
- ۴۵- فهرست بناهای تاریخی رامکن باستانی ایران تأليف نصرت الله مشکونی.
- ۴۶- کتاب اسامی دعات کشور، از انتشارات اداره آمار.
- ۴۷- کیهان ورزشی، شماره ۳۱، شبیه ۱۵ مرداد ۱۳۳۹.
- ۴۸- کیهان ورزشی شماره ۲۹، شبیه اول مرداد ماه ۱۳۳۹.
- ۴۹- گنجینهای تاریخی مازندران، تأليف طاهری شهاب.
- ۵۰- المائر والآثار، تأليف محمد حسن خان اعتماد السلطنه، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۶ قمری.
- ۵۱- مجالس المؤمنین، تأليف قاضی نورالله دوشتی، چاپ اسلامیه طهران.
- ۵۲- مجلة شکار و طبیعت، شماره ۲۶، دی ماه ۱۳۴۰ شمسی.
- ۵۳- مجلة شکار و طبیعت، شماره ۳۵، مهرماه ۱۳۴۱ شمسی.
- ۵۴- مجلة نیرو و راستی، سال هشتم شماره ۳۰۲، چهارشنبه ۳۱ تیرماه ۱۳۲۹ شمسی.
- ۵۵- مجموعه کتابخانه بیوتات شماره ۷۲۶.
- ۵۶- مرآت البلدان، تأليف محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تهران ۱۲۹۷ قمری.
- ۵۷- مسالك العمالک، تأليف ابواسحاق ابراهیم اصطخری، لیدن ۱۹۴۷ میلادی.
- ۵۸- المشترک وضعاً والمفترق صفا، تأليف یاقوت حموی مکتبة المشتی در بغداد.
- ۵۹- معالم العلماء، تأليف ابن شهرآشوب، با مقدمة عباس اقبال، چاپ ۱۳۵۳.
- ۶۰- معجم البلدان، تأليف یاقوت حموی، با تصحیح فردیناند وستنفلد، لیزبیک

۱۸۶۹ میلادی .

- ۱۶- مفتاح باب الابواب ، تألیف میرزا مهدی خان زعیم الدوله .
- ۱۷- منقوله الطالیبه ، نسخه خطی کتابخانه مجلس ، شماره ۱۱۲۵ .
- ۱۸- نزهۃ القلوب ، تألیف حمد الله مستوفی قزوینی ، تصحیح لسترانج ، ۱۹۱۳ میلادی .
- ۱۹- نسخه عکسی سفرنامه ملگنوف به سواحل جنوبی دریای خزر متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران .
- ۲۰- نقطه الکاف ، تألیف میرزا جانی کاشانی ، جزء سری اوپاف گیب ، به سعی ادوارد براؤن ، لیدن ۱۳۲۸ قمری .
- ۲۱- هیأت علمی فرانسه در ایران تألیف ژاک دمرگان ترجمه کاظم ودبی ، انتشارات چهر تبریز ، خرداد ۱۳۲۸ .

منابع و مأخذ خارجی

- 1- Abbott ... K . E . , Narrative of a Journey from Tabriz along the shores of the Caspian Sea to Tehran .
- 2- A survey of Persian Art, vol. 8, No. 351.
- 3- Brown, E. G. , A year amongst Persians..., Cambridge , University Press , 1926 .
- 4- Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology 1937 .
- 5- Comte de Gobineau : Les religion et les philosophies dans L'asie Cetrale . Paris , 1865 .
- 6-Corpus Inscriptinum Iranicarum, Eastern, Mazandaran, I.
- 7- De Morgan : Mission Scientifique en Perse. Tome I.
- 8- Donald N . Wilber : « The institute's survey of Persian architecture : Preliminary survey of the eighth season of the survey » Bulletin of the American Institute of

- Iranian Art and Archaeology v. 2, December, 1937, 115.
- 9- Fraser, J. B. : Travels and Adventures in the Persian Provinces on the Southern Bank of the Caspian Sea.
- 10- Godard, A. : L'Art de l'Iran, Paris 1962.
- 11- Hanway, J. : An Historical account of the British Trade over the Caspian Sea. vol. I.
- 12- Herbert, Thomas: Travels in Persia, 1627 – 1629.
- 13- Holmes, W. R. : Sketches on the Shores of the Caspian,
- 14- H. L. Rabino: Mazandaran and Astarabad, London 1928.
- 15- L. A. Mayer: Islamic Woodcarvers and their Works.  
Geneva – 1958.
- 16- Mary E. Burkett, «Tomb Towers and inscriptions in Iran» Oriental art m.s xi No2, 1965.
- 17- Mackenzie, C. F. Narrative of a Journey from Rasht in Gilan through Mazandaran to Astarabad during the winter and spring of 1858 – 1859
- 18- Napier, G. C. : Collection of Journals and Reports on a Special duty in Persia, London, 1874.
- 19- Nosratollah Meshkati : A list of the Historical Sites and Ancient Monuments of Iran tr. by A. S. Pessyan, Tehran 1334.
- 20- Sarre: Dankmaler Persischer Baukunst.
- 21- Stuart, Charles: Journal of a Residence in Northern Persia, London, 1854.
- 22- The Art of Islam, Hayward Gallery, 8 April–4 July, 1979.  
Arts Council, London, 1979.

## تصویحات ، اضافات و تعلیقات

### صفحه سطر

۱۸/۱۳ : قصر آمله به جای قصر آمل صحیح است.

۷/۱۵ : پک سطر مکرر چاپ شده است.

۲۲/۲۱ : تعمیر به جای نعمیر صحیح است.

۱۹/۲۵ : ظاهراً او داشت محله به جای اردشت محله صحیح است.

۴/۳۲ : حاجی محمدحسن امین الفرب صحیح است.

۱۳/۳۹ : خضر به جای حضر صحیح است.

۱۲/۴۴ : ظاهراً شکل صحیح نام ابوالحسین احمد است.

۱۸/۵۵ : نقطه قاف افتاده و قرنیس صحیح است.

۲۰/۶۵ : صحیح غلط و درست آن صحیح است.

۱/۷۹ : رابنیو، حرف یاء مقدم بر نون است.

۱۶/۹۵ : نقطه خاء زیاد است و مختشم نام شاعر است.

۲/۱۲۴ : قلمه دارا در رو دبار هج است.

۱/۱۲۹ : قلاش بضم الف = قلاوش.

۳/۱۲۹ : قلاوش اشتباه است و صحیح آن قلاوش است.

صفحه سطر

۶/۱۳۴ : ساری بهجای سازی صحیح است.

۱/۱۳۵ : قزان چاهی بهجای قزاق چاهی.

۹/۱۸۹ : بحرالازم بهجای بحرالaram.

۱۰/۲۰۵ : بیمث و صبور معنی درستی ندارد، ظاهراً بیمث و نظیر باید باشد.

۱۱/۲۱۳ : ناصرالدین شاه صحیح است.

۷/۲۱۶ : بیبیتوں به ترتیب یاء و باء و یاء و ناء.

۷/۲۱۷ : الف جمع در آمنوا افناوه است.

۱۳/۲۳۹ : معمولاً صدق الله وصدق رسوله گفته می‌شود.

۶/۲۵۵ : نه دهکده آن بهجای نه هکده آن.

۴/۲۷۸ : کلمه دو غلط است و باید به در تبدیل شود.

۱/۲۸۱ و ۲ و ۳ و ۴ : دنباله‌ای سوادت بر رخی ارحام مالی عنبرین خوانده نشد.

ظاهراً شعر بزبان محلی است.

۱/۲۸۲ و ۲ و ۷ و ۸ : کنیبه نوبس و کنده کارهاردو بی سواد بوده‌اند و جمله‌های عجیب‌تر کیب کرده‌اند.

۷/۳۱۸ : گورمید بهجای گور رسید.

۷/۳۲۲ بی بی صحیح است، نقطه باء دوم افناوه است.

۸/۳۴۹ : چیکرود بهجای چیکرود.

۴/۳۵۹ : امامزاده زین‌العابدین در صفحه دست راست شرح داده شده است.  
[۱۷]۴۲۰ : لی پشت بهجای لی پشت.

۷/۴۳۴ : لمزr بهجای لمزr.

۱۹/۴۳۵ : لمزr بهجای لمزr.

۱/۴۳۷ : صندوقک شکل درست کلمه است.

## صفحه سطر

۱۲/۴۳۷: فانفین از دهکده‌های روديار است نه فانفين.

۱۸/۴۳۷: در کوهبر کجور، دهکده‌ای به نام «بالو» نیافریم.

۲۰/۴۳۸: بالو محله بادگار شیخ بالو است، نباید چین باشد. بالو محله یعنی محله بالونشین که تبره‌ای از اهالی مازندران هستند خودشیخ بالو هم باید از این خاندان باشد.

۲۳/۴۴۱: تانید = بانید و رود الخ

۵/۴۴۲: رسکت با گاف به جای رسکت با کاف.

۱/۴۵۹: ظاهرآ مخلص غلط خوانی کرده و تسعیمه صحیح است.

۱۷/۴۹۵: کوی به جای سکوی.

۵/۵۰۳/حاشیه: شماره يك افتاده است.

۲/۵۰۴: محکمی صحیح است.

۵/۵۰۶/حاشیه: Ni به جای EN.

۱۵/۵۱۵: آزادگله با گاف صحیح است.

۱۳/۵۲۳: همراهان صحیح است.

۱۷/۵۳۲: ثمانماهه صحیح است.

۶/۵۳۳: پرسراه فرح آباد است.

۷/۵۳۳: در سال ۱۳۰۰ و CORPUS.

۲/۵۳۴: فخر الدین شکل صحیح کلمه است.

۵/۵۳۴/حاشیه: حدسی که اینجانب درباره نسبت کیلانی با کاف زده صحیح نیست. در کتبیه باید سر کش کاف افتاده باشد.

۵/۵۴۱/حاشیه: ETUDE شاره ۱۲۱ کتاب اسامی دهات کشور.

۱۳/۵۴۲: تراهما درست است.

## صفحه سطر

۵۵۳/۸: فضائلی به جای قاضی صحیح است.

۵۷۰/۱: زرج دره.

۵۷۲/۱۲: تبهای.

۵۷۹/سطر آخر: مرقد به جای مرند.

۵۸۰/۶: واقع.

۵۹۵/۳: ملگنوف صحیح است.

۶۰۵/۱۱: انتهای سطر ۱۱ شماره ۴ اضافه شود.

۶۰۷/۱۱: جر کلباد در زمان شاه عباس ساخته شده، شاید کریم خان تعمیر و مرمت کرده باشد.

۶۰۹/حاشیه: IDEM. شماره ۱۲ مربوط به شماره ۱۲ ص ۶۰۸ است.

۶۱۳/۵: پنجهزاره.

۶۱۶/۸: حمام قاضی به جای حمام غازی.

۷۱۳/۱۷: بنه علی اکبر به جای بند علی اکبر.

۶۷۹/۴: مرمت به جای سرمست.

۷۴۸/۹: کسیلیان به جای کیلیان.

۷۵۳/۱۳: کلمه خمین را کاتب درد و بخش نوشته بود، علت آن روشن نشد.

۷۵۴/سطر آخر حاشیه: CORPUS. صحیح است.

۷۵۵/۱۰: شدرب و تنا معلوم نیست چه منطقه ایست و فضل کلاته هم نامگذاری غریبی است.

۷۵۵/۱۴، ظاهرآ «هنده» نام پسر حیدر بن محمد نجgar است. باقی عبارت «بخیر محمد دعا محتوا» معنی ندارد.

۷۵۵/۱۸: به جای «انجیل» که در کتبیه آمده، «النجل المطلق من سلالة نبوی» باید باشد.

## توضیحات، اضافات و تعلیقات

پنجمادویه

۱۲/۷۶۱: میرظهیرالدین از سیدعلی بن سید عبدالعزیز در هزار حزیب نام برده است. ظاهرآ با مرقد امیرسید علی یکی است. ولی در کتبیه صندوق مزار او نام پدرش قید نشده. چون این مرد در تاریخ ۸۲۹ قمری فوت شده است و آخرین وقایع عمر میرظهیرالدین به سنه ۸۸۸ قمری می‌رسد. می‌توان این مزار را با آنچه میرظهیرالدین زیارت می‌کرده یکی دانست.

۱۲/۷۶۶: خطاطی عبارات عربی را قبل درست نوشته، تعجب است که به جای «مبارک» (موبارک) نوشته است.

۱۵/۷۶۶: عبارات از نظر ترکیب عربی درست نیست.

۲۰/۷۶۶: کلمه «اعلی» شاید در شعر به جای «علی» آمده است.

۲۴/۷۶۶: نورثت با ثاء سه نقطه به جای «نورست» بر بی سوادی کاتب دلبلی قاطع است.

۳/۷۶۷: معنی مصراع دوم روشن نیست.

میرزای عالمیان در فرج آباد از درگاه

شاه عباس رانده شد

میرزای عالمیان در باره توپیر و جوهات دیوانی مبلغ هجده هزار تومان از تفاوت تسعیر برنج لاهجان، از رعایا بازیافت نموده، داخل جمع خود نکرده بود. این جریان را بهزاد بیک پس از رسیدگی به شاه عباس گزارش داد. سخن بهزاد بیک در مراج شاه عباس جایگیر شد. بهزاد بیک هم به اتفاق سپه سالاران و سرشناسان گیلان به فرج آباد رسید و مبلغ پانصد تومان پیش کش نموده، پابوسی نمود.

میرزای عالمیان، پس از شنیدن این خبر از مشهد روانه فرج آباد شد. شاه عباس حقیقت هجده هزار تومان تفاوت تسعیر برنج لاهجان را از اوپرسید. میرزا از پرشانی رعایای لاهجان حرفها زد و از بازیافت این مبلغ انکار بلیغ نمود. شاه عباس بد و گفت: «میرزا، راه دور طی کرده‌ای، مخطط شده‌ای، برو آسايشی اختیار کن.»

اما دیگر میرزا به درگاه شاه بار نیافت.<sup>۱</sup>

### ناصرالدین شاه در فرج آباد ساری

ناصرالدین شاه به مقیمی وسط میانکاله رفت و عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی از ناصر آباد مأمور پذیرائی اور پلیانف فرستاده جانشین قفقاز و قدس - وزیر مختار مقیم دارالخلافه - و دیگر مأمورین دولت رویسه شد و بهاین مقصود زوانه دریا گردید. خود شاه ۲۱ ذی الحجه سال ۱۲۸۳ قمری وارد فرج آباد شد. چهار کشتی رویسه در برآبر چادر همایونی لنگر انداختند و روز ورود موکب شاهی در خور احترامات سلاطین با اقتدار، از آئین و تزیین کشتهایا و انداختن توپ سلام و زدن موزیک افتخار کردند. شاه ادب‌الملک پیشخدمت خاصه را به میان سفاین فرستاد که نسبت به ایشان مراسم شاهانه را ابلاغ نماید. روز دوم ورود ۲۲ ذی الحجه، نمایندگان دولت روس از دریا بیاده شده، به چادر کشیکخانه که ظلیل‌الدوله برای پذیرائی معین کرده بود، نشستند. پس از آن همگی به هیأت اجتماع در سراپرده مخصوص حضور یافتدند. شاه و همراهان به قایقهای رویسه نشستند و به مأموران دولت رویسه که به حضور آمده بودند نشانها دادند که یحیی خان آجردان مخصوص عطایای ملوکانه را با فرامین به میان سفاین برده، تمامی را ابلاغ کرد.<sup>۲</sup>

۱- تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵.

۲- تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۷۹.

## فهرست مطالب کتاب

صفحه ۸-۳	بنها و آثار تاریخی از قلم افتاده مجلد سوم
۳۶-۱۱	بخش یکم: بنها و آثار تاریخی آمل و اطراف آن
۱۰۵-۳۷	۱- بنها و آثار تاریخی شهر آمل
۱۱۳-۱۰۷	۲- بنها و آثار تاریخی اهل رستاق
۱۲۰-۱۱۵	۳- بنها و آثار تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان لیتکوه
۱۳۲-۱۲۱	۴- بنها و آثار تاریخی چلاو
۱۵۰-۱۳۳	۵- بنها و آثار تاریخی دشتسر آمل
۱۵۶-۱۵۱	۶- بنها و آثار تاریخی هرازبی
۱۷۱-۱۵۷	۷- بنها و آثار تاریخی دابر
۱۸۱-۱۷۵	بخش دوم: بنها و آثار تاریخی بابل و اطراف آن
۲۵۳-۱۸۳	۱- بنها و آثار تاریخی شهر بابل (بارفروش)
۲۷۴-۲۵۵	۲- بنها و آثار تاریخی مشهدسر (بابلسر)
۲۸۹-۲۷۵	۳- بنها و آثار تاریخی ناحیه جلال ازرك
۲۹۰-۲۸۷	۴- بنها و آثار تاریخی ناحیه لاله آباد بابل
۲۹۸-۲۹۱	۵- بنها و آثار تاریخی ناحیه بیشه بابل
۳۰۶-۲۹۹	۶- بنها و آثار تاریخی مشهدگنج افروز
۳۳۰-۳۰۷	۷- بنها و آثار تاریخی ناحیه بندپی
۳۳۴-۲۲۳	بخش سوم: بنها و آثار تاریخی شاهی و اطراف آن
۳۴۷-۳۳۴	۱- بنها و آثار تاریخی شهر شاهی (علی آباد)
۳۵۹-۳۴۹	۲- بنها و آثار تاریخی گلخواران و چپکرود
۳۶۳-۳۶۱	۳- بنها و آثار تاریخی کاکلا و نوکند کا
۳۷۴-۳۶۵	۴- بنها و آثار تاریخی بالاتجن علی آباد
۳۸۳-۳۷۵	۵- بنها و آثار تاریخی بیشه سرعی آباد
۳۸۹-۳۸۵	۶- بنها و آثار تاریخی بابلکنار و کارکنده
۳۹۴-۳۹۱	۷- بنها و آثار تاریخی ناحیه سوادکوه

پنجه و پنج

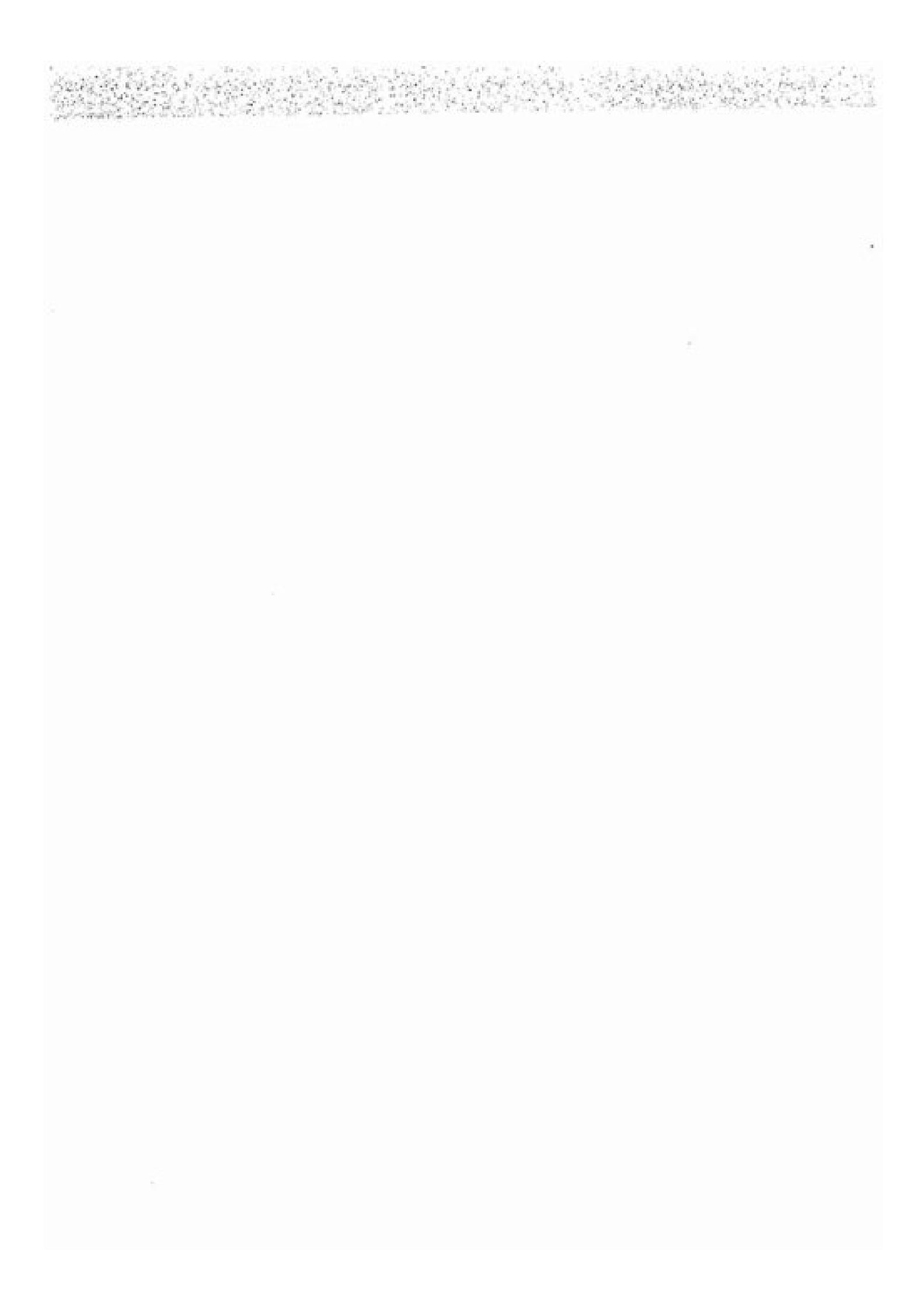
**پنجه و شش**

**از آستانه تا استارباد**

۴۰۱-۳۹۵	۸- بنها و آثار تاریخی کسلیان سوادکوه
۴۱۶-۴۰۳	۹- بنها و آثار تاریخی شیرگاه زیراب سوادکوه
۴۷۹-۴۱۷	۱۰- بنها و آثار تاریخی ولوبی و راستوبی سوادکوه
۴۸۲-۴۸۱	۱۱- بنها و آثار تاریخی لغور سوادکوه
۵۰۱-۴۸۵	بخش چهارم: بنها و آثار تاریخی ساری و اطراف آن
۵۷۵-۵۰۳	۱- بنها و آثار تاریخی شهر ساری
۵۹۶-۵۷۸	۲- بنها و آثار تاریخی روستوبی ساری
۶۱۰-۵۹۷	۳- بنها و آثار تاریخی میاندورود و شهر خواست
۶۷۱-۶۱۳	بخش پنجم: بنها و آثار تاریخی خرگوران = اشرف البلاط = بهشهر و حومه آن
۶۷۱-۶۱۸	۱- بنها و آثار تاریخی شهر اشرف = بهشهر
۷۲۵-۶۷۳	۲- بنها و آثار تاریخی قره طغان اشرف
۷۴۴-۷۲۲	۳- بنها و آثار تاریخی پنجهزاره و کلبداد اشرف
۷۵۰-۷۴۷	بخش ششم: بنها و آثار تاریخی ناحیه کوهستانی هزارجریب
۷۵۹-۷۵۱	۱- بنها و آثار تاریخی شهر باری چهاردانگه هزارجریب
۷۶۳-۷۶۱	۲- بنها و آثار تاریخی ناحیه هزارجریبی چهاردانگه
۷۶۸-۷۶۵	۳- بنها و آثار تاریخی سوریجی چهاردانگه
۷۷۰-۷۶۹	۴- بنها و آثار تاریخی نرم آب دودانگه
۷۷۲-۷۷۱	۵- بنها و آثار تاریخی بنافت دودانگه
۷۷۸-۷۷۳	۶- بنها و آثار تاریخی پریم دودانگه
۷۸۱-۷۸۱	سخنی درباره فهرست جامع
۷۸۲	فهرست جامع
۷۸۳	۷- ت آخر کتاب
	عکسها خود شماره ترتیب جداگانه دارند و اعداد سرصفحات را در میان هلالی (برانز) قرار دادیم نظیر (۵۱) و (۶۶) و (۲۰۰).

# بنایا و آثار تاریخی از فلم افتاده

مجلد سوم



به نام آنکه او نامی ندارد  
به هر نامی که خوانی سر بر آرد

#### قلعه گلندان<sup>۱</sup>

در ص ۴۰۶ مجلد سوم ذکری از راه قدیمی لاسم به نوا است . اما<sup>۲</sup> ، علفچری بر سر این راه است . در این علفچر آثار قلعه‌ای قدیمی به نام «گلندان» است .

گمبوجی قدیمی  
بر سر راه لاسم به نوا  
پایین قلعه گلندان و پایی چشمه‌ای که طرف آبریز نوا است آثار گمبوجی  
قدیمی است .

تاریخ صندوق امامزاده احمد رضا  
در لاسم

شرحی از صندوق این بقیه در ص ۱۰۴ مجلد سوم آمده است . در بازدید  
سال ۱۳۵۴ شمسی این عبارات بر تخته دیگری از بدنه صندوق از پایین به بالا  
خوانده شد :

فی تاریخ ما مبارک ربيع الاول سنہ احد عشر وثمانائیه .

۱ - بکسر گاف و فتح لام . ۲ - بفتح الف و سکون میم .

## چرم

چاهی در لارجان که مجرمان را در آن می‌آویختند<sup>۳</sup>. در ضمن برسی به‌چنین چاهی برخوردهم. ظاهراً منظور مؤلف آثار قلعه شونادشت (شاهان دشت) کار قلعه ملک بهمن است که جریان آب سنگرا خورده و به‌شکل چاه درآورده است. داستانهای از آویختن مجرمان و دستگیرشدگان در این آثار بر سر زبانهاست که پاره‌ای از آنها غیرقابل قبول است.

گبوچ = گبک<sup>۴</sup>

بر سر راه است به لاسم

بر سر راه است به لاسم تقریباً در نیمه راه و نزدیک به سرگردانه؛ بنائی است از سنگ و گچ به نام «گبوچ» که وضع پناهگاهدارد. (عکس شماره یک) این قسم از راه چون در روزهای زمستان برف ودمه دارد این بنا را ساخته‌اند تا مکاریان و مسافران بدانجا پناه برند. محلی برای دواب و چهارپایان لیست.

## کاروانسرا لار

این کاروانسرا در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴ - ۱۳۱۳ ه. ق) ساخته شده است. رضاقلی خان هدایت می‌نویسد:

چون راه افجه بواسطه قلل و تلل بر معابر و ماقفر صعب بوده،  
آن راه را ساختن فرمود و پل بر رود گلندوئک بسته و کاروانسرا ای  
در لار بنا نهاده که عبور و مرور قوافل در داخل تمیل پذیرد و اگر  
وقتی موکب فیروزی کوکب شاهنشاهی به تفرج و تماشای آذ صوب  
حرکت فرماید بر متازمین رکاب زحمت روی ندهد و قریب  
هشتصد تو مان به مخارج این کار رفت<sup>۵</sup>.

۳ - خاندان مرعشی هازندران ص ۳۴۷. ۴ - بفتح گاف و سکون عیم.

۵ - بضم گاف و باه. ۶ - روضة الصطا ناصری ج ۱۰ ص ۲۸۵.

## تعییر راه کتل کبود و سد بلده نور

کتل کبود (= گردنه کهو) میان لار و یالور و دنور است و ظاهر آبلده هم سدی برای حفاظت اراضی آن داشته است. صاحب روضة الصفا می‌نویسد: در تعییر راه کتل کبود و سد بلده و بعضی مخارج زیاده از یکموزار و پانصد تو مان مصارف التغاف کرده<sup>۷</sup> [منظور ناصر الدین شاه است].

## کاروانسرای پای گردنه کبود

برای کاروانسرای پای گردنه کبود لار مبلغ یکصد تو مان خرج شده است.<sup>۸</sup>

## گورستان و مسجدی خرابه

در مرتع پلهار از مراتع نیاک

گورستانی قدیمی و آثار مسجدی در مرتع پلهار است. در این محل ظاهراً آبادانی بوده است زیرا آب را از چشمهای دور دست با گنج<sup>۹</sup> سفالین بدینجا آورده‌اند. با کنده کاری سطحی می‌توان گنگها را از زمین درآورد. دو سنگ تراش دار که ظاهراً برای سر در مسجد به کار رفته بوده است در این خرابه دیده می‌شود.

## خرابهای موزون

در مرتع و علف چر موزون که میان دو مرتع الیس<sup>۱۰</sup> و نهای<sup>۱۱</sup> قرار دارد و حدود آن به سرخ دره و سیه کله سر<sup>۱۲</sup> و پرده<sup>۱۳</sup> و نوسر منتهی می‌شود آثار

۷ و ۸ - روضة الصطا ناصری ج ۱۰ ص ۲۸۵ . ۹ - گنگ بضم گاف تبوشه‌های

بلند و پاریک که برای لوله کشی از راه دور به کار میرفت . ۱۰ - بکسر الف .

۱۱ - بکسر نون . ۱۲ - بکسر سین باهاء مختنقی . ۱۳ - بفتح ب و دال .

خرابه آبادی قدیمی و سفال فراوان دیده می شود . امامزاده‌ای به نام «امامزاده عبدالله» با بنائی ساده بر بالای کوهی منفرد دیده می شود . بنای سابق امامزاده بر اثر افروختن شمع بر صندوق آن آتش گرفت و آقای اللہداد درخشنانی آذرا به شکل کنونی تجدیدبنا کردند . پشت امامزاده گورستانی قدیمی است که گورهای آن سنت و جهت دفن اسلامی ندارند .

### گنگ‌کشی و بارک

در نزدیکی موزون در مرتع «ویارک» آثار لوله‌کشی با گنگ سفالین دیده می شود . (عکس شماره ۲) ابتدای این لوله‌کشی از چشم‌ایست به نام «گونو» و دنباله آن تا «نوسر» می آمده است . نظیر این لوله‌کشی در کوهستان گیلان یعنی در دیلمان و اشکور نیز فراوان دیده شده است .

پلی قربی

بر رودخانه پلور

میان عکس‌های آلبوم ناصرالدین‌شاه ، عکس پلی است که رضای عکاس برداشته است . (عکس شماره ۳) در زیر این عکس نوشته‌اند «عکس پل رودخانه پلور که از کوه اسک جاریست از بناهای حاجی میرزا بیک نوکر صدراعظم سابق است روبرو جنوب‌انداخته شد فی شهر صفر المظفر سنّة ۱۲۸۲ او دیل»<sup>۱۴</sup> از این پل امروز اثری بر جای نیست .

### امامزاده حسن‌رضا

در صفحه ۳۴۷ مجلد سوم زیر عنوان «امامزاده‌رضا» شرحی درباره این امامزاده نوشته‌ایم . در مردادماه ۱۳۵۶ شمسی که از این بنا دوباره بازدید شد ، لکاتی تازه به نظر رسید که در اینجا شرح داده می شود :

نام این امامزاده ظاهراً حسن‌رضا بوده است و ما در مجلد سوم به نام

۱۴ - عکس شماره ۱۲۸۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصرالدین‌شاه .

اما زاده رضا ضبط کرده‌ایم . (عکس شماره ۴) در خواندن کتیبه‌های در وردی یکی دو اشتباه روی داده است که در اینجا اصلاح می‌گردد :  
بر پاسار سمت راست بالا ، عبارات زیر حک شده است :  
عمل استاد مرزا علی ولد مشهدی رمضان قصرانی  
بر پاسار بالای سمت چپ :

بتأریخ دهم شهر ربیع الاول هزار و دویست و نود و دو ۱۲۹۲ گبه  
عبدالله قاضی .

در گورستان اطراف بقعه درختان آزاد و موزی و شمشاد و انار است  
محیط آن درختان آزاد به ۳۶۳ و ۴۰۰ و ۵۰۸ ساتیمتر می‌رسد .

کسانی که در شکل شاه در بندربریله  
حجاری شده‌اند

در ص ۴۵۲ مجلد سوم نوشته‌ایم : «در شکل شاه (عکس شماره ۵)  
ناصر الدین شاه در وسط بر اسب سوار است و پنج تن از درباریان طرف راست  
و پنج تن طرف چپ او حجاری شده‌اند .» در عکسی که از شکل شاه در آلبوم  
ناصر الدین شاه یافته‌یم<sup>۱۰</sup> بالای سر این ده تن القاب یا سنت آنان را با قلم دریزو خط  
شکته به‌این ترتیب نوشته‌اند : در وسط بالای سر ناصر الدین شاه : تمثال ییمثال  
همایونی .

- ۱ - نواب وجیه‌الله میرزا
- ۲ - مقرب الخاقان آجودان مخصوص (رضاخان اقبال السلطنه عکاس باشی)<sup>۱۱</sup>
- ۳ - وزیر فواید (حسنعلی خان امیر نظام گروسی)
- ۴ - جناب سپهسالار اعظم (میرزا حسین خان سپهسالار)
- ۵ - جناب آقا (میرزا یوسف خان مستوفی‌المالک)

۱۵ - عکس شماره ۱۴۶۴۱ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصر الدین شاه .

۱۶ - آنچه داخل دو هلال است برای شرح و توضیح بیشتر افزوده شده است .

- ۶ - آقای نایب‌السلطنه (کامران میرزا)
- ۷ - اعتضاد‌السلطنه (علیقلی میرزا)
- ۸ - جناب عضد‌الملک (علیرضا خان)
- ۹ - جناب امین‌الملک (علی خان)
- ۱۰ - مقرب‌الخاقان مهدی‌قلی خان (مجد‌الدوله)

بخش يكم  
بنها و آثار تاریخی آمل و اطراف آن



### مختصری از جغرافیای تاریخی و انسانی آمل

شهر آمل در سال ۱۳۷ هجری به دست مسلمین افتاد. \*

در زمان تاج الدوله یزدجر د بن شهر بارین اردشیر بن کیخوار که در مازندران حاکم و پادشاه بود، در شهر آمل و نواحی هفتاد پاره مدرسه عامر و برقا کار بود. \*\*  
شمس الدین ابو عبد الله محمد بن ابی بکر المقدسی جغرافی نویس بنام ، از آمل یاد کرده است . و در باره بیمارستان و مسجد قدیسی و مسجد نو این شهر شرحی نوشته است و می لویسد که هر دو مسجد رواقی بزرگ دارند و در باره بازار گاناز آمل می نویسد تجارت پر رونقی داشته اند. \*\*\*

ابوالفدا متوفی در ۷۳۲ هـ. ق ، در تقویم البلدان که به سال ۷۲۱ هـ. ق تألیف کرده است ، مطالب زیر را در کتاب خود ، نقل از جغرافی نویسان پیش از خود در باره آمل آورده است :  
آمل قصبه طبرستان و از قزوین بزرگتر است . بسیار آبادان است و بناهای آن کمترین بناهای این نواحی است. <sup>۱</sup>

احمد کاتب گوید :

«آمل بر ساحل بحر دیلم است.»<sup>۲</sup>

\* - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ .

\*\* - احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ذیل اقليم دیلم ص ۳۵۹ .

۱ - قانون معودی به نقل از تقویم البلدان ص ۴۳۵ .

۲ - تقویم البلدان ص ۴۳۵ .

مهلبی گوید :

«از آمل تا چالوس که برکار دریاست نه فرنگ است.»<sup>۳</sup>

یاقوت گوید :

آمل شهری است در طبرستان که در دشت قرار دارد<sup>۴</sup>.

«آمل بزرگترین شهر طبرستان و ابو جعفر محمد بن جریر طبری از آنها برخاسته است.»<sup>۵</sup> «ابو جعفر محمد بن جریر طبری اهل آمل است که در سال ۳۱۶ هـ. ق. وفات یافت.»<sup>۶</sup>

حمدالله مستوفی گوید :

«آمل از اقلیم چهارم باشد. علیه مرث ساخت. شهری بزرگ است و هوایش به گرمی مایل و مجموع میوه‌های سردسیری و گرم‌سیری از لوز و جوز و انگور و خرما و نارنج و ترنج و لیمو و مرکب وغیره فراوان باشد.»<sup>۷</sup>

سهراب می‌نویسد :

مدينة آمل قرب البحر عرض لرمه.<sup>۸</sup>

فاصله آمل از سایر شهرهای مازندران

از نظر اصطخري

از آمل تا مامطیر (بابل امروز) یک منزل - از مامطیر تا ساری یک منزل از راه ترجی باینکه کوتاهتر است فاصله را تعیین نکردم، راه طولانی تر را آوردم. زیرا در این راه دو شهر بامسجد جامع است.

راه آمل به دیلمان

از آمل تا ناتل یک منزل - از ناتل تا چالوس یک منزل سبک - از چالوس

۳ - *تقویم البلدان* ص ۴۳۵ . ۴ - *المشتراك* ص ۶ . ۵ - *معجم البلدان* ذیل آمل.

۶ - نسخه عکسی ترجمه ملک‌نوف ص ۱۰۰ . ۷ - *نزهة القلوب* ص ۱۶۰ .

۸ - *عجبات الأقاليم السبعه* ص ۳۳ .

تا کلار یاک منزل - از کلار تا دیلمان یاک منزل .

راه آمل به دریا  
از آمل تا عین الهم یاک منزل سبک .

### بنای شهر آمل

حسن بن اسفندیار ، صاحب تاریخ طبرستان ، درباره بنای شهر آمل چنین

نوشته است :

مهندسان یامدند و بنیاد شهر بدین موضع که «استانسرای»  
می گویند فرو نهادند و اول آن جایگاه را «ماته» گفتند . این  
ساعت (۶۰۶ هـ) مسجد جامع است و چشم‌ای آب بودگه  
مستبط او به کوه ولدا اومید بود در عهد یزدادی اندکی از آذ آب  
ظاهر بود پس مقصوره . آبی خوش و خنک و جاری چنانکه به چلاوه  
سرچهارپایان را آب از این جوی دادند و چون شهر را بنیاد نهادند ،  
باروی حصار از خشت پخته کردند ، چنانکه سوسوار هم بر قفتند  
و خندقی زوف گرداند شهر بسند . عمق سی و سه ارش بهارش  
مساحان و عرض یک تیر پرتاب و قعریک بست و چهار در بر این  
حصار نهادند : باب جرجان ، باب گیلان ، باب الجبل ، باب البحر  
خواندنی و مساحت شهر چهارصد گری زمین بود . سالها براین  
قرار بیاند و قصر آمله که زن فیروز بود اینجا که این ساعت (۶۰۶ هـ)  
کوچه گازران می گویند پس رسته بزاران بود و دخمه نیز همانجاست .  
به عهد ملک سعید اردشیر ، خالکشوبان دونیزه بالای ، آن زمین  
فرو رفته بودند و عمارت بسیار ظاهر شده و دخمه و گور بادید  
آمده . فی الجمله عمارت شهر در مدت حیات فیروز براین قرار بیاند .

چون او در گذشت و پرش خسرو بنشت، در تحصین و عمارت  
بالفت لعو و بیرون از خندق قصرها ساخت و دارالملک خود  
کرد تا از اطراف مردم رغبت وطن بدو کردند و اکابر و ملوک برای  
جوار پادشاه، با غ و سرای و بازار و مستغل بنیاد نهادند. حصاری  
دیگر از گل بفرمود کردن و گرداگرد این عمارات نوکشید.  
ماين السورین را بعض گفتندی و هرچه بیرون سور گل بود،  
زهق. در قیالهای کهن این ذکر بسیار یافتم نوشته. معنی آمل  
به لغت ایشان آهوش است و هوش و مل مل مرگ را گویند و بدین کنایت  
است از آنکه ترا مرگ هر گز مباد<sup>۱۰</sup>.

### آمل در ابتدای قرن یازدهم هجری

توماس هربرت در سال ۱۰۳۶ قمری آمل را دیده و درباره آن نوشته

است:

«آمل در دشت وسیعی بنا شده است که منظری بغايت دلپسند  
و خاکی بسیار حاصلخیز دارد. امروزه شهری است آباد، اما  
در گذشته بر اتاب آبادتر بوده است، چه ویرانهای کنونی به خوبی  
حکایت از آن عظمت گذشته می‌کند. این شهر از بسیاری از نقاط  
دیگر که دیده‌ام زیباتر است و حصار و باره شهر از لحاظ زیائی  
و استحکام در سراسر ایالت مازندران نظیر ندارد. آنچه بر  
استحکام شهر می‌افزاید، خندق ژرفی است که دور تدور شهر ایجاد  
کرده‌اند و در آن آب اندخته‌اند، بطوریکه تنها راه ورود به شهر،  
پلی است که مطبق دلخواه، آن را از روی خندق بلند می‌گذرد و فرود  
می‌آورند و به این نحو مردم آمل خود را از هجوم همایگان و سایر  
مهاجمان گوشه‌نشین محفوظ می‌دارند. . . عالیترین بنای شهر مسجد

جمعه است و می گویند که در اینجا چهارصد و چهل و چهار تن از  
ملوک و پیامبران مدفونند و عامه مردم برای این گونه مقابر حرمت  
فراوان قائلند . . . هنگامی که من به این مسجد گام نهادم ،  
مؤمنین به خواندن قرآن مشغول بودند <sup>۱۱</sup> با آنکه غریب بودم و لباس  
ملی خویش را بر تن داشتم ، هیچکس با تعجب به من نگاهی نکرد  
و همه هیجانان به خواندن ادامه دادند تا آنکه کار خود را تمام کردند.  
و دیدنیهای آن محل را که می پنداشتند ممکن است مقبول نظر  
ییگانهای افتد ، به من نشان دادند . . . <sup>۱۲</sup> .

### آمل از نظر هنری

هنری درباره آمل می نویسد :

پل هر از یکی از باشکوهترین پلهای این زمان است و همه  
ساکنان آمل معتقد بودند که اگر حاکم یا صاحب منصبی شواره از  
روی آن پل عبور کند ، اگر نمی مرد ، دست کم بزودی از عنوان و مقام  
خوبی محروم می شد . دزی کهنهال در این شهر است که متناسب تر  
و محکمتر از آن دزی در ایران نیست . دیوارهای آجری دز بسیار  
پهن بود و مردم محل تاریخ احداثش را چهار هزار سال قبل از عهد  
 قادر می داشتند و معتقد بودند که از آن تاریخ به بعد ، این دز  
هر دویست سال یکبار مرتبأ تعمیر می شده است .

دو نزدیکی آمل کانهای سنگ آهن فراوان وجود دارد  
و به فرمان نادرشاه آنجا را مهمترین مرکز ریخته گری و ذوب آهن  
کرده اند ، چنانکه همه گونه گلوله توپ و تفنگ و نعل اسب برای

۱۱ - ظاهرآ نماز می خوانده اند نه قرآن .

Herbert, Thomas : Travels in Persia 1627-1629, P. 180. ۱۲

بدقال از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۱۲ .

اسبان سوار نظام تهیه می شد و حتی در همین سال (۱۱۵۴ ه.ق) خیال داشتند که در این کارخانه ها بساختن لنگر برای نیروی دریائی ایران پردازند<sup>۱۲</sup>.

### آهل از نظر فریزر

در سال ۱۳۳۸ ه. ق. = ۱۸۶۳ م.

نژدیک آمل شدم بوزمین زیبائی بنا شده است، رودخانه ای دارد که روی آن پلی مجلل با دوازده دهانه است. معروف است که هر رئیسی از این پل سواره بگذرد از شغل خود مستعفی خواهد شد یا کارش به مرگ خواهد انجامید و مردم عادی اگر پیاده عبور نکنند به بد بختی گرفتار خواهند شد. در اینجا خرابه های قلعه ای قدیمی دیدم که بسیار مستحکم بود. این قلعه مهمتر از هر قلعه ای بود که من در ایران دیده ام. دیوارهای آن از آجر بود و ضخامت زیاد داشت. می گفتند از زمانی که ساخته شده است، هر دویست سال یکبار مرمت می شود. معروف بود که این قلعه چهار هزار سال پیش ساخته شده است. یقیناً این شهر یکی از شهرهای ایران قدیم بوده است و سران این کشور زیاد به آن اهمیت می داده اند در اینجا کاخی است که از سنگ ساخته شده است و شاه عباس اغلب در آن زندگی می کرده است. دوطبقه دارد که مسلط بر منظره ای زیبا است محلی راحت است و هوایی خنک دارد. باغ اینجا از نظر بلندی درختان سرو قابل توجه است<sup>۱۳</sup>.

Hanwey, J. : An Historical Account of the British Trade Over the Caspian Sea Vol I P. 292 - ۱۷

به تقلیل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران آذربایجان ص ۲۴ .

Fraser, J.B. : Travels and Adventures in the Persian Provinces on The Southern Banks of the Caspian Sea. Part 3, Chap. 42, P. 195. - ۱۷

## آمل از قظر اب در سال

۱۸۴۳ م. ق. = ۱۹۰۵

به شهر آمل نزدیک شدیم . چهار بنا با بام مخروطی دیده می شود که باید گور باشد ولی زیاد قدیمی به نظر نرسید . نظری به این آبادی مرا به این تیجه رسانید که چیزی در این محل نیست که مرا بیش از یک شب در آنجا نگاه دارد . خرابترین شهری است که تا حال دیده ام . فضای زیادی را اشغال کرده بود اما سکنه ای نداشت . جمعیت این شهر به پنج هزار نفر می رسید . بازار کوچکی دارد که تجاری کم مایه به کسب مشغولند و وسایل معمولی زندگی روزمره را می فروشنند . چون از راه تجاری گیلان و بارفروش (بابل امروز) بر کنار است ، تجارتش اهمیتی ندارد . خانه ها و دیوارهای حیاطها از آجر است و با مها از سفال یا گالی است . شهر بر کنار چپ ساحل هراز است و پس از آن پل دوازده پله این محل است . رودخانه هراز اگر پر باشد صد و هشتاد پاره پهناي آن است . هنوي خرافه ای در باره پله که در زمان او در این نقطه بوده می نویسد که هر کس سوار بر اسب از آن بگذرد ، بد بختی برای خود خریده است . در باره پل جدید که بعداً ساخته شده است مردم چنین عقیده ای ندارند زیرا افرادی را دیدیم که سواره از روی آن می گذشتند .

بنای مهمی که در آمل قابل ذکر است ، بنای میر بزرگ است که مردمی زاهد و پرهیزگار بوده است . فریزه می نویسد که او پانصد سال پیش زندگی می کرده مقام او به جایی رسید که سرسله سادات مرعشی شد و بازمائدگان او صدو شصت سال سلطنت داشتند . این بنا زمانی زیبا بوده است و الحال روی در خرابی دارد . بنای آن منسوب به شاه عباس است . گور او با صندوقی گندگاری پوشیده شده است . ولی بنا ، چیزی قابل وصف ندارد . در جنوب آمل ناحیه علی شهر رود است .

در نور آهن و ذغال سنگ است و آهن را دولت برای گلوله توب

می خواهد . آمل چهار بلوک دارد : آمل ، لیتکوه ، دابو ، اهلمرستاق و بعضی اوقات این چهار بلوک را از نواحی نور می دانند . دابو را گاهی از هردو جدا می کنند . لاریجانیها همسایه نورها هستند و عباسقلی خان سردار سرکردۀ ایشان است<sup>۱۵</sup> .

آمل از دیدگاه هولمز در سال ۱۲۶۰ ه . ق شهر آمل را دیده و درباره آن نوشته است :

»... آمل اکنون شهری است بغايت ویران که از هرسویش درودیوار شکته به چشم می خورد . خانه ها اکثراً از آجر ساخته شده ، اما در بسیاری نقاط این آجرها فرو ریخته و به شکل تلهائی از زباله درآمده است . معابر شهر بسیار کثیف است و پایی عابر تا زالو در گل و لای فرو می رود ... ناحیه آمل و همچنین شهر آمل که مثل سایر نقاط ایالت مازندران بر اثر واگیری طاعون سال ۳۲ - ۱۸۳۱ م . (۱۲۴۷ ه . ق.) بکلی خالی از نفوس شده هرگز از آن ضربت کمر راست نکرده است<sup>۱۶</sup> .

#### آمل از نظر محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

آنچه در تاریخ طبرستان میر ظهیر الدین و تاریخ رویان مولانا اولیاء الله آملی دوباره بنای آمل ذکر کرده و آمله دختر اشتاد را بازی آن می داند به نظر جنبه افسانه‌ای آن بیشتر است .

#### آمل درسی و شش درجه و پانزده دقیقه عرض شمالی است و طول شرقی

Abbott, K. E. : Narrative of a Journey From Tabriz Along the Shores of the Caspian sea to Tehran. P. 33.

Holmes, W. R. : Sketches on the Shores of the Caspian. P. 162. - ۱۹  
به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۳۴ .

آن از پاریس پنجاه درجه وسی دقیقه است. مسعودی گویند آمل در دو طرف رودخانه ساخته شده است و در وسط رودخانه جزیره‌ایست که عمارت حاکم در آنجاست و قصر سلطنتی هم در یک طرف آن جزیره بنایشده که بواسطه پل بسیار خوبی وصل به خشکی است.

اهمی آمل مرکب‌اند از مسلمان، یهودی، عیسوی، گبر، پادشاه این شهر و جمیع رجال دولت و خواص او یهودی مذهبند. چراکه از اهل خزر می‌باشدند و مذهب یهودی در مملکت خزر متداول است. از اهالی روس هم در آمل مسکن دارند و در یکی از محلات خارج شهر به آنها جا داده شده ورسم ایشان اینست که اموات خود را به سبک هندو می‌سوزانند. بعلاوه مردی که می‌میرد، مال سواری و اسلحه و زینت او باید با او بسوزد و اگر زن بعیرد نیز شوهر او را با او بسوزاند و اگر مردی بعیرد زن نگرفته باشد، به‌هالی محله اخلاق عیش می‌دهند که کدام زن است که می‌لر و فتن بهشت را داشته باشد و به‌این واسطه به‌این مرد شوهر گند. هر که مایل شد و به مرده شوهر گرد، با آن مرده او را آتش می‌زنند و عقیده آنها اینست که این دو با هم در بهشت می‌روند.<sup>۱۷</sup>

آمل در سمت غربی رود هراز ساخته شده. در دویست سال قبل سه هزار خاله داشته در حوالی آمل معدن آهنی است بسیار مفید و آهن زیاد در سوابق ایام از آن عمل می‌آورده‌اند. این شهر مولد ابو جعفر محمد بن جریر صاحب تفسیر وتاریخ مشهور است که در سنه ۲۲۴ میلادی متولد شد. در شوال ۱۲۹۲ با اردوی مبارک همایون که مؤلف به مازندران سفر کرده بود، به آمل رسید. در یک روز توقف آنجا آنچه معلوم شد اینست. شهر آمل خیلی پر جمعیت است بخصوص در فصل زمستان شش ماه از سال را اهالی این شهر به دره لاریجان بلکه به دماوند و فیروزکوه به‌یلاق می‌روند. وشن ماه دیگر را در آمل می‌باشند. دویست سال قبل اگر سمت غربی رودخانه هراز آباد بود، در این وقت سمت شرقی نیز آباد است. از دو سه تفر شنیدم که خرابه‌های زیادی که به اصطلاح

خودشان آثار گیری می‌نمایند، در حوالی شهر آمل زیاد است. هنگامی که لشکر مغول، سلطان محمد خوارزمشاه را تعاقب می‌کردند، این شهر را قتل عام نمودند. شخص نقل من گرد که هر که در آمل خانه می‌خواهد بنا نماید، به هیچ‌چوچه محتاج به ابیاع مصالح نیست. زمین را می‌خرد و در کنندن پی و بنیان آنقدر آجر کهنه به دست او می‌آید که به هیچ‌چوچه محتاج به خریدن مصالح خارجی نمی‌شود<sup>۱۶</sup>.

آنچه راینو درباره آمل در سال ۱۳۳۱ قمری نوشته است راینو در سفر نامه خود شرحی درباره آمل با استفاده از منابع فارسی و عربی نوشته است و ما در اینجا به نقل آن می‌پردازیم.

آمل<sup>۱۷</sup> بوسیله آمله زن فیروزشاه که بلخ پایتخت او بود تأسیس گردید. آمله ابتدا پای دشت را که بعدها «شهرستانه مرز» نامیده شد به قصد بنای شهر انتخاب کرده بود ولی چون آوردن آب هراز به این مکان امکان نداشت، شهر را در محل فعلی بنادردند که در آن وقت به «ماته» و بعدها به «آستانه سرای» معروف شد. دیوار شهر از آجر و با خندقی به عمق ۳۳ ذرع محدود شده بود. عرض خندق یک تیر پرتاب بود. حصار شهر دارای چهار دروازه بود به قرار ذیل:

دروازه گرگان - دروازه گیلان - دروازه کوهستان - دروازه درما. قصر آمله نزدیک کوچه گازران و پشت بازار بزازان بوده مقبره او نیز در همین جا ساخته شد.

وقتیکه خروپریز بسلطنت رسید، شهر آمل را بسیار توسعه داد و آنجا را پایتخت واقامتگاه خود ساخت و دور دیوار اصلی دیواری از گل برپا کرد.

در زمان فرمانروائی اسپهبد خورشید وقتیکه عمر بن العلاء

از جانب مهدی - فرزند مأمون خلیفه عباسی - به فرماندهی لشکر مسلمین به طبرستان آمد ، مردم آمل به دین اسلام درآمدند. عمر بن العلا این شهر را بنا بر قول ظهیر الدین در سال ۱۳۷ هجری و یا به قول این اسفندیار در سال ۱۴۰ هجری تصرف کرد و آمل پایتخت حکام خلفا در طبرستان شد .

حال‌دین بر مثال که به حکومت مازندران منصوب شد ، در سال ۱۵۰ هجری در محلی که به نام او «خالدسرای» نامیده شد ، اقامت گزید و برای خود قصری هم در آمل ساخت . گفته‌اند که مسجد جامع معروف به «مسجد ملکه زنان» بوسیله مالک بن الحارث الاشت النخعی که مصاحب حسن بن علی علیه السلام در سفر مازندران بود ، ساخته شد . اما ظهیر الدین با این نظریه موافق نیست و می‌گوید مسجد مذبور بوسیله شخصی از پیروان مذهب مالکی بنادرگردید و اولاد او تازمان ظهیر الدین هنوز در لار قصران بودند و هرسال برای تعمیر مسجد به آمل می‌آمدند . در بقیه مشهور به «للہ پرچین» قبرهای مشایخ و سادات ایشان واقع است . مردم آمل که اسلام آورده بودند ، ابتدا مذهب مالکی داشتند و بیشتر آنها تازمان داعی الكبير در این مذهب باقی بودند . در این موقع شیعه شده‌اند و نام داشت معروف به «مالک‌مدشت» از عبدالله بن مالک نام گرفته نه از مالک‌اشتر .

مسجد جامع آمل در زمان هارون الرشید به سال ۱۷۷ هجری بوسیله ابراهیم بن عثمان بن نهیلک بنا شد و عبدالملک بن قعقاع که در سال ۱۷۹ هجری به حکومت مازندران منصوب گردید ، دیوارهای آمل را تعمیر کرد . بعد از او عبدالله بن حازم در آنجا خانه و سرایی به پا ساخت و آنرا «حازمه کوی» نامید که یکی از محلات شهر است . محمد بن موسی - ناینده مأمون - در آمل مدت هشت ماه بوسیله اسپهبد مازیار در محاصره بود . وقتیکه شهر تسخیر گردید ،

مازیار امرداد حصارها را خراب کردند . ولی بعد از چندی خود او قلعه‌های آمل و ساری را تعمیر کرد و کوشید که خود را از قید اطاعت خلیفه آزاد سازد .

ابن اسفندیار نقل می‌کند که در آمل عده‌ای بودند که حسن بن زید از وفاداری ایشان ظنین شده بود و آن عده در زمان طاهریان صاحب مقام و منصب بودند و با مذهب حسن بن زید هر چند ظاهراً موافقت داشتند ولی در باطن مخالف بودند . بنابراین حسن بن زید از راه تدبیر تعارض کرد و بعد خبر مرگ خود را انتشار داد و امر به تهیه اسباب تشیع جنازه نموده بود و آن عده مخالف پرده‌از کار خود برداشتند و حسن بن زید ایشان را محاصره کرد و همه را در مسجد جامع آمل به قتل رسانید و اجساد آنها را در گوشه‌گودالی در قسمت شرقی مسجد الداخت که آنجا تازمان ابن اسفندیار «مزار شهداء» خوانده می‌شد . پس حسن بن زید امر داد در محله راست کوی بقعه و گنبد بزرگی برای او ساختند که تازمان خلیفه‌الدین برقرار بود . مولانا اولیاء‌الله آملی نوشته است که در زمان کودکی او این بنا در شرف ویرانی بوده و در آن تابوت چوبی منقوشی وجود داشته است و جدار آن پله‌هایی داشت که تا بالای گنبد می‌رسید و هفتاد ده آمل و باغها و مزارع و حمامها و دکانها برای نگاهداری آن‌بنا وقف شده بوده است .

در سال ۳۰۷ هجری حسن بن قاسم داعی الصغیر در محل مصلی<sup>۲۰</sup> نزدیک آمل قصری داشت و برای سرداران خود نیز عمارتی نزدیک کاخ خود ساخت تا آنها در شهر ساکن نشوند و باعث زحمت سکنه نگردند .

۲۰ - محل مصلی جای هلال احمر ابران امروز و محل کتابخانه عمومی شهر است و سر پل مصلی تا امروز (سال ۱۳۵۶ شمسی) بر سر زبان اهالی است .

قبر ابوعلی محمد بن حسن در محله راست کوی مقابل گند  
بوده است.

بنای اظهار ابن حوقل آمل در زمان او بزرگتر از قزوین  
و بسیار پر جمعیت بود.

مقدسی تعریف می کند که این شهر یک بیمارستان و دو مسجد  
داشت یکی مسجد کهنه که در میان درختان در بازار و دیگر مسجد لوا  
که نزدیک حصار شهر بود و هر دو مسجد رواقی بزرگ داشته اند،  
بازار گنان آمل تجارت بسیار می کردند<sup>۲۱</sup>.

این شهر را لشکر سلطان محمود غزنوی غارت کردند (جمادی -  
الاول ۴۲۶ هجری) استدار کیکاووس هم آمل را محاصره کرد و قصر  
اسپهبدشاه غازی رستم (۵۳۳ - ۵۵۸ هجری) را که در قره کلاته بود  
آتش زد.

در سال ۶۰۶ هجری که اعیان طبرستان به اطاعت جلال الدین  
خوارزمشاه در آمده بودند در آمل به نام او خطبه می خواندند  
و از آنجا خراج سالانه به خوارزم می فرستادند. این پرداخت سالانه  
بواسطه فوت علاء الدین محمد در سال ۶۱۷ هجری قطع شد و این  
موقعی بود که مازندران میدان تاخت و تاز لشکر خانمانوز مغول  
شده بود.

حام الدوله اردشیر بن کینخوار که در سال ۶۳۵ هجری بر ضد  
مغولها شورید پایتخت را از ساری که آل باوند آنجا را مقر دائمی  
خود ساخته بودند به آمل که کمتر در معرض تاخت و تاز بود انتقال  
داد. در آنجا وی در خواجه کلاته در کنار رود هراز قصری ساخت  
که در سال ۸۸۰ هجری هنوز مقر فرمانداران آمل بود و در زمان  
ملک تاج الدوله یزدجرد بن شهر باری اردشیر باز آمل شهری آباد

شد که هفتلا مدرسه داشت. در بیرون شهر، دشت بوران بود که در آنجا قراکلاته قصر پادشاه مازندران قرار داشت.

چندی بعد یعنی در سال ۷۴۳ هجری در آمل ناخوشی و با بروز کرد و بسیاری از افراد خاندان باوند و زن و فرزند فخر الدوله حسن از آن مرض مردند فقط او و دو تن از پسرانش زنده ماندند. در سال ۷۵۰ هجری باز ناخوشی و باآمد و تمام افراد خاندان باوند که در آمل می زیستند از میان رفتند و از خاندان چلاریها فقط کیا افراسیاب و پران او جان به سلامت برداشت، در سال ۷۹۵ هجری امیر تیمور آمل و ساری را غارت کرد وامر به قتل سکنه داد و اسکندر شیخی را که مردی منفور بود به حکومت آنجا تعین کرد. بنابراین در حالیکه ساری به زودی رو به آبادی نهاد آمل به صورت ویرانه باقی ماند. سادات مرعشی پس از بازگشت از تبعید، دوباره آمل را تجدیدبنا کردند ولی از آن موقع دیگر آمل نقش مهمی در تاریخ ایران نداشته است.

گمیلن که در سال ۱۱۸۵ هجری از آمل گذشته می نویسد «علوم می شود که آمل از تمام بلاد دیگر ایران بیشتر استحکام داشته زیرا ارگ آن خصوصاً هنوز موضع متحکم خوبی است و برج و باروهای آن که از هرسو آن را جهت دفاع آماده ساخته، سالم و پایدار است.»

سکنه آمل از ده طایفه تشکیل شده‌اند: اسکنی، ایرائی، هاشمی، نیاکی، شون دشتی، دلارستاقی، مثائبی، آملی، نوری، عده‌گمی نیز بربوی و بنکشی در آنجا هستند. شهر نه محله دارد به این شرح:

- ۱ - چاه سر که رودگر محله جزء آن است ویک حمام دارد.
- ۲ - پل به یور اقامتگاه قبیله ایرائی که مسجدی به نام مسجد ایرائیها

دارد که همان مسجد روحیه سابق است و مسجدی دیگر که آقا عبدالکریم نام ساخته است . هارون محله که قسمتی از محله پل به بیور است یک حمام و مدرسه کوچکی دارد . ۳ - گرجی محله که آسیاب سرنا آبدنگسر می نامند . امامزاده ابراهیم در این محله واقع است و مسجد گرجی محله فعلا خرابه است و آب اباری دارد که در سال ۱۳۱۶ هجری بوسیله امیر مکرم ساخته شده و بقیه معروف میربزرگ و یک آب ابار قدیمی که شاه عباس بنادره و سبز میدان و خرایه های با غ و قصر شاه عباس نیز در این محله واقع است . چهارم - محله مسجد جامع که دارای یک مسجد خیلی کهنه و حمامی به نام «آقامعباسی» است . پنجم - شوندشتی محله یا محله هاشمی با مسجد هاشمی و آب ابار و حمام یوسف خان که اکنون ویرانه است . ششم - آملی محله یا پایین بازار یا یک تکیه و آب ابار و امامزاده معصوم و حمام اشرف سلطان . هفتم - نیا کی محله باتکیه و مسجد میرزا محمد علی و یک حمام تو . هشتم - اسپی کلام محله باتکیه اسکنی ها و حمام رفیع خان یاور . نهم - مشائی محله یا یک حمام و یک تکیه . دو محله دیگر راهنم می توان نام برداشتن : یکی بربری محله یا بربری خیل و دیگر بنکشی خیل که هردو به نام درویش خیل محله معروفند .

گور اش محله ، باغبان محله ، خوش و اش محله و او دشت محله و گالش خیل که ملگنوف نام برده ، بی شک جزء محلات مزبوراند . در باره محله تجنه جار که مسجد گلشن در آنجا بوده است اطلاعی نیافریم . گمین در سال ۱۸۵۱ گفته است که آمل هشت محله از قرار زیر داشته است :

مشائی محله ، رودگر محله ، چنار بن ، کهنه مسجد ،

آهنگر محله ، کار دی محله ، درزی محله ، باجلو<sup>۲۲</sup>

### محلات آمل در زمان ملکنوف

چاکر - نیجن جار - گلشان<sup>۲۳</sup> - پل به یور - آسیاس - اودنگ سر  
گیریلسی خیل<sup>۲۴</sup> - کار و انرا محله - آب انبار محله - گلیا کیاش محله<sup>۲۵</sup> -  
گورگ محله<sup>۲۶</sup> - باغبان محله - خوش واش محله - مهدی خیل محله - او دشت محله -  
درویش خیل محله - کلش خیل محله<sup>۲۷</sup>.

نام بیشتر این محلات امروز تغییر کرده و محلات تازه‌ای جایگزین محلات  
سابق شده‌اند. نامهای امروزی از این قرار است :

اسپی کلا - رضوانیه - گرجی محله - قادی محله - نیا کی محله - پائین  
بازار - کاردگر محله یا کار دی محله - چالکسر<sup>۲۸</sup> - مشائی محله<sup>۲۹</sup> - کاشی محله -  
خاور محله - هارون محله - نوآباد - برب خیل - پیته کت<sup>۳۰</sup> - سکته کتی<sup>۳۱</sup>.

### مدفوئین در آمل

ابوالقاسم الحسین بن محمد بن ابراهیم بن علی بن عبدالرحمن شجیری

\*\*\*

یحیی الوعاظ الزاهد بن الحسن بن ابی عبد الله محمد بن عبید الله الامیر بن  
عبد الله بن الحسن بن جعفر بن الحسن بن الحسن . اولاده : ابی علی الحسین و علی  
و الحسن کوچک فیما اظن اسمه الحسین و احمد ابو زید و ابو زید ایضاً .

\*\*\*

حسن بن خلیفه بن ابراهیم بن الحسن بن محمد بن سلیمان بن داؤد بن

- ۲۲ - ترجمهٔ سفر نامة مازنران و استرآباد رایینو صفحات ۵۷ تا ۶۲ .
- ۲۳ - بضم گاف . ۲۴ - ظاهرآ گرایلی خیل . ۲۵ - ترکیب این نام روش  
نیست . ۲۶ - بکسر راء . ۲۷ - ظاهرآ « گالش خیل محله » ملکنوف صفحات  
۱۶۳ تا ۱۸۵ درباره آمل . ۲۸ - بکسر کاف . ۲۹ - بضم هیم .
- ۳۰ - بضم کاف . ۳۱ - بفتح سین و کاف و ضم کاف دوم .

الحسن بن الحسن . عقبه: ابوالحسن على الكوشى وقال ابن طباطبا «الكسوج» و ابو عبدالله محمد القاضى وقيل هو ابوالحسين و ابراهيم و ابوالقاسم و ابوعبد الله محمد يعرف بخليقه وقال السيد الامام النابه الرشد باللهذى الشرف افن اسمه الحسن .

\* \* \*

جعفر بن عبد الرحمن بن القاسم بن محمد البطحانى بن القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن بن على بن ابى طالب . عقبه بأمل : ابوالحسين احمد بن جعفر بن احمد بن محمد بن عبد الرحمن الشجري بن الحسن بن محمد البطحانى بن القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن . عقبه : الرضا و ابوعلى مهدى و ابوالحسين على و ابومحمد الحسن و زيد و خليفه و ملکه و سیده .

\* \* \*

ابوعلى داود و هو النقيب النابه بن احمد بن على بن عيسى بن محمد البطحانى بن القاسم بن الحسن بن زيد بن الحسن . عقبه : ابو عبدالله الحسين و ابوالقاسم احمد<sup>٣٢</sup> .

مدفوئین در آمل از کتاب مجالس المؤمنین

حسن بن زيد بن محمد بن اسماعيل حاتم الحجارة بن حسن بن زيد بن حسن -  
مجتبی<sup>٣٣</sup> .

\* \* \*

محمد بن زيد بن محمد بن اسماعيل حاتم الحجارة بن حسن بن زيد بن حسن مجتبی<sup>٣٤</sup> .

\* \* \*

حسن بن قاسم بن حسن بن على بن عبد الرحمن الشجري در روز سانشب

٣٢ - منتقلة الطالبيين در ذيل آمل . ٣٣ - مجالس المؤمنین ص ١١٧ و ١١٨ .

٣٤ - مجالس المؤمنین ص ١١٨ .

چهاردهم رمضان سال ۳۱۶ به آمل آمده است<sup>۲۵</sup>.

\*\*\*

حسن الاطروش بن علی بن عمر الاشرف بن امام زین العابدین علیه السلام  
حسن در سال ۳۰۴ در آمل فوت شد . قاضی نورالله شتری صورتی از کتب و  
آثار او را نقل کرده است<sup>۲۶</sup>.

### مدفوونین در آمل از سادات مرعشی

سید ظهیر الدین فهرستی از نامهای سادات مرعشی مدفون در آمل را  
در کتاب خود آورده است.

- ۱ - سید علی بن سید قوام الدین<sup>۲۷</sup>.
- ۲ - سید عبدالحطب بن سید رضی الدین<sup>۲۸</sup>.
- ۳ - سید علاء الدین بن سید رضی الدین<sup>۲۹</sup>.
- ۴ - سید قوام الدین بن سید رضی الدین<sup>۳۰</sup>.
- ۵ - سید مرتضی بن سید رضی الدین و پسرش سید شمس الدین<sup>۳۱</sup>.
- ۶ - سید مرتضی و سید اسدالله بن سید حسن بن سید رضی الدین<sup>۳۲</sup>.
- ۷ - سید علی بن سید افضل بن سید رضی الدین<sup>۳۳</sup>.
- ۸ - سید فخر الدین بن سید قوام الدین در آمل دفن است و سادات اهل  
نیرو او هستند<sup>۳۴</sup>.
- ۹ - سید تفسیر الدین بن میر قوام الدین و پران او سید فضل الله و  
سید ظهیر الدین<sup>۳۵</sup>.
- ۱۰ - نبیره سید ظهیر الدین بن میر قوام الدین<sup>۳۶</sup>.
- ۱۱ - میر عبدالعظیم بن سید زین العابدین در آمل درختی دفن شد<sup>۳۷</sup>.

۳۵ - مجالس المؤمنین ص ۳۱۹ . ۳۶ - مجالس المؤمنین ص ۳۲۰ .  
۳۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۸۳ . ۳۸ - همین کتاب ص ۳۸۶ .  
۳۹ و ۴۰ - همین کتاب ص ۳۸۶ . ۴۱ - همین کتاب ص ۳۸۷ . ۴۲ و ۴۳ و ۴۶ و  
۴۴ - همین کتاب ص ۳۸۷ . ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ - همین کتاب ص ۳۸۸ .

### نهرهای منشعب از هراز

نهرهایی که به ترتیب از دست چپ رود هراز جدا می‌شوند از این قرارند:

- ۱ - کمان رو
- ۲ - شلوت<sup>۴۸</sup>
- ۳ - تجه رو<sup>۴۹</sup>
- ۴ - لکونی<sup>۵۰</sup>
- ۵ - ماسبن<sup>۵۱</sup>
- ۶ - شهر رود
- ۷ - آهی رو<sup>۵۲</sup>

نهرهایی که به ترتیب از دست راست رود هراز جدا می‌شوند از این قرارند:

- ۱ - سکه رو<sup>۵۳</sup>
- ۲ - زن مرد<sup>۵۴</sup> که شعبه‌ای از آن به نام بورود<sup>۵۵</sup> معروف است
- ۳ - تر که لارود<sup>۵۶</sup>
- ۴ - خشکه هراز
- ۵ - ولیکه رود<sup>۵۷</sup> نخستین نهری که بالاتراز سکه رو در محل سلماهار<sup>۵۸</sup> از هراز جدا می‌شود و به بابل و حومه آن می‌رود به نام «کاری» معروف است. رود هراز به پنج قسم تقسیم می‌شود. دو قسمت آن در کاری می‌رود و سه قسمت دیگر از هراز پائین می‌آید و به نهرهای دیگر می‌رسد.

### راه شاه عباسی

در فاصله ۱۲۳۹ هـ. ق تا ۱۲۵۰ هـ. ق

فریزر درباره این راه می‌نویسد:

تها شاهرابی که از دو ایالت گیلان و مازندران می‌گذرد همان است که به امر شاه عباس و با اسلوب معماری محکم و با دوام عهد آن پادشاه احداث کرده‌اند. ظاهراً پنهانیش پانزده الی شانزده پا است. در احداث این جاده ابتدا زمین را به ژرفای زیادی کنده و باریگ و سنگ‌ریزه پر کرده و سپس بر روی آن به طور منظم قطعات سنگ نهاده و با استحکام تمام ساروج کرده‌اند. این شاهراه از گسکر یعنی منتهی‌الیه غربی گیلان آغاز می‌شود، از سراسر این ایالت

- |                                      |                 |                 |
|--------------------------------------|-----------------|-----------------|
| ۴۸ - بکسر شین و سکون لام و فتح واو . | ۴۹ - بفتح تاء . | ۵۰ - بضم لام .  |
| ۵۱ - بفتح باه .                      | ۵۲ - بفتح سین . | ۵۳ بکسر نون .   |
| ۵۶ - بفتح واو .                      | ۵۷ - بفتح سین . | ۵۵ - بکسر تاء . |

و همچنین مازندران و استرآباد می‌گذرد، متوجه بسطام خراسان می‌شود و به نقطه‌ای در چهل و پنج میلی مشهد ختم می‌گردد. در بسیاری نقاط آب به ژرفای چندین پا بر روی این جاده‌سنگفرش شده افتاده است. با اینهمه چون شاهراه عباسی شالوده‌اش محکم است، به همین سبب بر سایر جاده‌ها رحجان دارد و چون بر اثر مرور زمان بخش‌هائی از این جاده خراب شده و کسی در صدد تعمیر آن بر نیامده است، اینک کار و انها کی که از صفحات شعالي ايران می‌گذرند. کراراً ناگزیرند شاهراه عباسی را ترک گفته، در حاشیه کرانه دریای خزر سفر کنند<sup>۵۸</sup>.

### راه آمل به ری = راه هراز

ابن اسفندیار درباره راه‌های طبرستان می‌نویسد:

راهها و پولهای طبرستان را ابو اسحق ابراهیم بن مرزبان ساخت.<sup>۵۹</sup> راه هراز ظاهراً پیش از ابراهیم بن مرزبان، ساخته شده بود، و آمدورفتی داشته است. هنوز در «تنگ بریده» آثار راه‌سازی دوران ساسانی بر جای است و ظاهراً پیش از ساسانیان نیز این راه آباد بوده است. به دستور ناصرالدین شاه این راه تعمیر و مرمت شده است. ناصرالدین شاه در سفر نامه خود درباره این راه می‌نویسد:

از آمل یک فرسنگ پیشتر که رفت به «هلامهسر» رسیدیم  
که ابتدای راه تازه است. این راه جدید را از دو سال قبل (۱۲۸۹)  
هـ. ق) تا به حال به صرف جیب خودمان با مخارج گزاف حکم کردیم  
باز نمایند. راه بسیار خوبی ساخته شده است. حسنعلی خان - وزیر

فوائد عامه - که مبادران راه بود، چون افتتاح راه بود، طاق نصرت و موزیکانچی در سر راه حاضر کرده بود<sup>۶۰</sup>.

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه درباره تعمیر و مرمت این راه چنین لوشه است:

چون راه آمل به عراق بواسطه بعضی پر تگاهها و مضائق و باتلاقها و بودن پلها بر روی هراز و سایر رودخانهها و بستن بعضی سدها مایه تصر عبور قوافل مازندران به عراق و روندگان عراق به مازندران و اموال بسیار عرضه خار می شد، رای جهان آرای شاهنشاهی که بستن بر اشاعه عدل و افاضه خیر و تسهیل مشکلات و تحصیل ترقیات و ترفیه عباد و تعمیر بلاد است، متعلق و متوجه رفع این غایله گردیده، در رمضان سال ۱۲۸۹ جناب حسنعلی خان وزیر فواید - را که از رجال آزموده کاردیده صاحب علم این دولت جاوید شوکت است، به این مهم عالی مأمور فرمود. معظم ایه این راه را مسطح و موسع و صاف و هموار نموده، در کمال استحکام، بندها و سدها و پلها زیاد در موضع لازمه، در کمال استحکام، به قاعدة علم هندسه بته، به اتمام رساند. اینک از آمل تا دارالخلافه باهره همچنان راه طوری است که دو عراده کالسکه که بخواهند از پهلوی یکدیگر عبور کنند، بدون تصادف و مزاحمت یکدیگر، از هم من گذرند و در هیچ نقطه و موضع از برای عابرین زحمتی نیست. بعد آمل از دارالخلافه ناصره تقریباً یست و پنج فرسخ به خط مستقیم واز راه معروف متداول یست و هفت فرسخ است<sup>۶۱</sup>.

۶۰ - سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۹۲ به نقل از هازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳.

۶۱ - مرآتالبلدان ج ۱ ص ۶ و ۷.

بیش فهای آمل در زمان ناصرالدین شاه  
راه آهن اسی آمل تا نایج و شمندفر راه آمل تامحمدآباد  
و ایجاد کارخانه ذوب آهن

در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه حاجی محمدحسن امین الضرب به فکر استفاده از معادن نایج می‌افتد و از ناصرالدین شاه امتیازاتی به این شرح می‌گیرد: فرمان ناصرالدین شاه مورخ ۱۳۰۵ هـ. ق.<sup>۶۲</sup>

در این فرمان شاه به حاجی محمدحسن امین دارالضرب اجازه داده است که دو فرسخ راه آهن اسی از آمل تا نایج و شمندفر راه آمل تا محمودآباد را از مکو خریداری کرده و به ساختن این راه مشغول گردد.

بسم الله تعالى شأنه العزيز  
[جای مهر ناصرالدین شاه]<sup>۶۳</sup>

الملک لله تعالى حکم همیون شد آنکه چون بتاريخ رمضان المبارک ۱۳۰۴ مقرب الخاقان حاجی محمدحسن امین دارالضرب از مکو اجازه تلگرافی خواست که مرخص فرمایم راه آهن<sup>۶۴</sup> شمندفر از برای محمودآباد ملک زرخیدی خودش خریداری کرده از بندر مبارکه محمودآباد تا شهر آمل را آباد و دایر نماید مسئول مقرب الخاقان مشارالیه را اجابت فرموده او نیز بعلاوه راه شمندفر دو فرسخ راه آهن اسی خریداری کرده از آمل الى نایج که نزدیک معادن چوب جنگل و آهن و ذغال سنگ وغیره است مشغول راهسازی شده. و چون جاده قدیم از محمودآباد الى آمل خط مستقیم از جنگل گالش پل خالصه دیوان اعلی عبور مینماید تمام خط راه را از جنگل گالش پل محمودآباد و از شهر آمل الى ایریکاه

۶۲ - اصل این فرمان در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی است. ۶۳ - مهری چهار گوش بزرگ که در کلاهک آن «الملک لله تعالى» و سمع آن: «تاکه دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از هاه تا هاهی گرفت». ۶۴ - ذیل این سطر جای صحنه ناصرالدین شاه است.

و نائیج را بسلک مقرب الخاقان مشارالیه مرحومت و واگذار فرموده مقرر میفرمایم که از هذهالنه تگوزئیل و ما بعدها در دو طرف جاده که بلامالک و بلامنازع است بنای خانه و کاروانسرا و باغات و دکاکین وغیره گذاشته تمام آنها را نودونه ساله سلا بعد نسل ملک طلق خود و اولاد خود دانسته در کمال دلگرمی و امیدواری بشرایط آبادی پیردازد مقرر آنکه حکام حال واستقبال ولایت مازندران همه وقت شرایط تقویت و همراهی را از مشارالیه بعمل آورده و مقرب بوالخاقان مستوفیان عظام و کبه کرام شرح فرمان مبارک را ثبت و ضبط نموده در عهده شناسند فی شهر جمادی الاولی سنّة ۱۳۰۵ .

فرمان ناصرالدین مورخ ۱۳۰۴ هـ . ق .

در این فرمان ناصرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) امتیاز کارخانه آهن ریزی و آهن سازی را ازایت ایل ۱۳۰۴ به مدت سی سال به حاجی محمدحسن امین دارالضرب داده او را از پرداخت مالیات وغیره معاف کرده و رسوم راهداری و گمرکخانه را به مدت پنج سال در داخل ایران به او بخشیده و حقوق و مزایای دیگری برای او پیش بینی کرده است .

بسم الله تعالى شأنه العزيز

[جای مهر ناصرالدین شاه]<sup>۶۵</sup>

الملک لله تعالى حکم هییون شد<sup>۶۶</sup> آنکه چون اراده علیه قدسیه و مشیت کامله ملوکانه براین علاقه دارد که ایجاد کارخانه آهن ریزی و آهن سازی در ایران نموده و باینواسطه انکشاف بعضی از معادن مکنونه نماید لهذا نظر بحسن اعتقاد و اعتمادیکه بخدمات و کارهای مقرب الخاقان حاجی محمدحسن امین

۶۵ - مهر چهارگوشه کلاهک دار ناصرالدین شاه که اطراف آن منصب و مظلالت در کلاهک مهر «الملک لله تعالى» سمع مهر :

تاکه دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از شاه تا شاهی گرفت .

۶۶ - با خط طغرا و مظلا .

دارالضرب داشته و داریم ایجاد کارخانه مزبور را از هذهالنہ مساعدة ایت  
 ئیل سعادت دلیل و ما بعدها سی ساله بشارایه مفوض و مرجع فرموده بصدور  
 این خطاب مستطاب امر و مقرر میفرمائیم که از این تاریخ تا الی اقضاء مدت  
 سی سال احدي حق احداث و ایجاد این کارخانه را نخواهد داشت و معادنی که  
 از قبیل سنگ من و سرب و آهن از چهارجانب در اطراف نقطه این کارخانه الى  
 ده فرسخ ایجاد شود حق مشارایه است و از اینبافت بهیج اسم ورسم دیناری از  
 مشارایه باسم مالیات وغیره مطالبه نخواهد شد و هر قدر سرب و من از این  
 معادن استخراج شود از این تاریخ تامدت پنجال در داخله ممالک محروم  
 ایران از رسوم راهداری و گمرکخانه معاف خواهد بود الى انقضاء مدت پنجال  
 پس از آن اولیای دولت قاهره حق مطالبة گمرک خواهند داشت و هر فلزی که  
 از این چهارمعدن سوای من و سرب حاصل گردد حق مشارایه است الا ملاکه  
 تعلق بدولت عليه دارد و هرگاه از معادن مزبوره آبجاري شود حق مشارایه  
 است که در اراضی حوالی معادن بمصرف زراعت و آبادی رسانده و نیز بغیر از  
 حاجی محمد رحیم برادرش هرگاه بخواهد برای خودش سهیم و شریک قرار بدهد  
 مجاز است خود و شرکاء اوهم در تحت حفظ و حمایت مخصوص دولت عليه  
 خواهند بود و اگر در ظرف این مدت کمپانی بجهة ایجاد خطوط راه آهن با ایران  
 آمد و خواست عهدا نامه به بند حق مشارایه است که هر قدر بتواند از آهن آلات  
 خطوط مزبور را بر عهده بگیرد و سازد و تنخواه او را دریافت نماید و بجهة  
 حمل و نقل آهن آلات کارخانه خود برگز دارالخلافه میتواند در خط راه عراوه  
 آهنه ایجاد نماید که امتعه او بسهولت وارد دارالخلافه گردد و عموم وزراء  
 عظام و چاکران دربار سپه احتشام باید شرایط تقویت و رعایت را در این فقره  
 از مشارایه بعمل آورده و مقریسوالخاقان مستوفیان عظام و کتبه کرام شرح  
 منشور قضا دستور ملوکانه را از شایه تغیر و تبدیل مصون و محروس داشته  
 در عهده شناختی شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۴<sup>۶۷</sup>.

پشت فرمان را مشیر الدوله و نایب السلطنه و امین السلطان مهر کرده‌اند.

فرمان ناصرالدین‌شاه مورخ ۱۳۰۷ ه. ق.

در این فرمان ناصرالدین‌شاه (۱۳۱۳ - ۱۲۶۴) زمین سبز میدان آمل و اراضی باغشاهه متصل به آن را در مقابل یکصد عدد اشرفی به حاجی محمد حسن امین‌دار‌الضرب و اگذار کرده تا در آنجا ایستگاه راه‌آهن بازد.

بسم الله تعالى شأنه العزيز<sup>۷۶</sup>

[جای مهر ناصرالدین‌شاه]<sup>۷۷</sup>

الملك لله تعالى حكم همیون شد آنکه چون سابقاً قطعه زمین سبز میدان آمل را برای ساختن کارت و راه شمندر بملکیت محمد‌السلطان حاجی محمد حسن<sup>۷۸</sup> امین‌دار‌الضرب مرحمت فرموده بودیم ولی فرمان مبارک صادر نشده بود این اوقات مستدعی صدور فرمان جهان‌نمایع مبارک شد ایجا بالمسئوله بصدور این منشور قدر دستور ملوکانه زمین سبز میدان را باضمام تمام اراضی باغشاهه که متصل بزمین سبز میدان است بملکیت مشارالیه مرحمت و اگذار فرمودیم که همه نوع تصرفات مالکانه از قتل و انتقال و بیع و شری وغیره مثل سایر املاک خود در او بنماید و مبلغ یکصد عدد اشرفی از بابت قیمت اراضی مزبوره تقدیم نمود و ضبط حضور مبارک گردید مقرر آنکه حکام حال و استقبال مازندران زمین سبز میدان و اراضی باغشاهه را از هذه السنة با رسئیل و ما بعدها بملکیت مشارالیه مقرر دانسته مقربو بالخاقان متوفیان عظام و کتاب سعادت فرجام شرح قضائی نظام مبارک را در دفاتر خلود ثبت و ضبط نموده از شائبه تغیر و تبدیل مصون داشته

۷۶ - این عبارت با آب طلا نوشته شده است. ۷۷ - میر بزرگ چهارگوشه کلاهک‌دار که در کلاهک آن «الملك لله تعالى» و سمع آن:

«تا که دست ناصرالدین خاتم شاهی گرفت - صیت داد و معدلت از راه تا شاهی گرفت».

۷۸ - زیر کلمه «محمد حسن» جای صحة ناصرالدین شاه است.

در عهده شناسد شهر شوال المکرم ۱۳۰۷.

[برحاشیه سواد این فرمان عبارت زیر نوشته شده است]

اصل این فرمان در شهر صفر ۱۳۴۵ به محمود آباد نزد مشکوٰةالعمالک  
فرستاده شد . اصل فرمان فعلًا نزد آقای دکتر اصغر مهدوی است و ما از روی  
آن رونویس کرده ایم . (عکس‌های شماره ۶ و ۷ و ۸ )

## ۱ - بناها و آثار قاریخی شهر آمل

کاخها و مناهد قدیمی آمل  
قصر سلطنتی و دارالحکومه قدیم آمل

سعودی گوید آمل در دو طرف رودخانه ساخته شده و در وسط رودخانه  
جزیره‌ای است که عمارت حاکم در آنجاست و قصر سلطنتی هم در ریک سمت آن  
جزیره بنا شده که بواسطه پل بسیار خوبی وصل به مخفی است.<sup>۱</sup> این جزیره  
تا امروز بر جای است و پل جدید رضا شاهی آن را بندو قسمت کرده است و از  
کاخ سلطنتی نیز تا دوران صفویان خبر داریم.

گنبد ایرج بن فریدون  
در شهر آمل

گنبدی است در میان شهر آمل تاکنون (۱۲۷۷ هـ. ق.) چهار ذرع  
به گودی اندخته، به عمق نرسیده.<sup>۲</sup>

قصر و گور آله  
در کوچه گازران شهر آمل  
«قصر آمله که زن فیروز بود، اینجا که این ساعت (۶۰۶ هـ. ق) کوچه

۱ - مرآتالبلدان ج ۱ ص ۵ . ۲ - نسخه عکسی ترجمه ملگنوف ص ۸۸ الف .

گازران می گویند؛ پس رسته بزاران بود و دخمه نیر همانجاست.<sup>۳</sup>

### خالد سرای

#### در شهر آمل

خالد بن برمک کاتب در سال ۱۵۴ هـ. ق. به حکومت مازندران رسید و در آمل در موضعی که (در سال ۶۰۶ هـ. ق.) خالدسرای می گفتند، کاخی بنادرد و چهار سال در آن به حکومت مشغول بود<sup>۴</sup> تا منصور خلیفه او را احضار کرد.

### جاولی کوشک

#### در محلی به همین نام در شهر آمل

صاحب تاریخ طبرستان می نویسد: «حام الدوّلہ شهریا، (۴۶۶ - ۵۰۱) در آمل آنجاکه معروف است به «جاولی کوشک» قصری عالی ساخته بود و کوشک جاولی من دیدم (در سال ۶۰۶ هـ. ق.) شاه اردشیر پست کرد.<sup>۵</sup> همین مؤلف در جای دیگر کتاب خود گوید: «در آمل به موضعی که «کوشک جاولی» گویند حسام الدوّلہ اردشیر بن حسن (۵۶۸ - ۶۰۲) سرای رفیع و عالی ساخته بود؛ آب ببرد.<sup>۶</sup>

### قصر و سرای کینخوار پس با حرب

در آمل کینخوارین با حرب قصر و سرای داشته است.<sup>۷</sup>

### سرای و خانه عبدالله بن حازم

#### در حازمه کوی

حازمه کوی در آمل سرای و خانه عبدالله بن حازم است.<sup>۸</sup>

- |                                                              |                                                                        |
|--------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------|
| ۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۱ و تاریخ طبرستان و هازندران ص ۲۰ . | ۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۱ و تاریخ طبرستان و رویان و هازندران ص ۱۹۶ . |
| ۵ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۳۸ .                                 | ۶ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۳۱ .                                          |
| ۷ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۱۱ .                                | ۸ - تاریخ رویان ص ۵۲ .                                                 |

### سرای و گرمابه خواجه یعقوب مجوسی

پس از اینکه علاءالدوله علی (۵۱۶ - ۵۳۳) در مازندران به سلطنت نشست «هیبت او زیادت شد و اصحاب اطراف از فته‌جوئی و تحکم بنشستند و او سلقام خاتون را به ساری بشاند و خواجه یعقوب مجوسی را وزیر او گردانید و آرم و چمنووتلار و اهلم و دیگر مواضع به نان او پدید کرد. بعد مدتی خواجه یعقوب مسلمان شد و اسپهبد علاءالدوله علی وزارت خوش بدو داد و هنوز (در حدود ۶۰۶ - ۶۱۱ ق) به آمل سرای و گرمابه او را امارت پدیداست.<sup>۹</sup>

### خانه سادات

#### در محلای آهل

حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبد الرحمن شجری معروف به «داعی صغیر» در محلای آهل خانه بنادر و فرمود مجموع سادات آنجا خانه‌ها ساختند.<sup>۱۰</sup> در محل هلال احمر ابران، سریل محلی، پشت کتابخانه عمومی شهر گبدی به نام «حضر» است که ممکن است مدفن یکی از سادات باشد. داخل این گبد محلی معروف به «هفت تن» است که امکان دارد هفت تن از سادات حسنی در آنجا به خاک سپرده باشند. مردم آمل شبای چهارشنبه به زیارت این محل می‌آیند.

### مشهد شیخ ابوتراب

#### در آهل

مشهد شیخ ابوتراب در محله در لیش بر در مسجد است.<sup>۱۱</sup>

۹ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۲ . ۱۰ - تاریخ طبرستان و رویان ص ۲۲۲ و تاریخ

رویان ص ۸۰ . ۱۱ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ .

تربت شیخ زاهد فیروی

در آمل

تربت شیخ زاهد فیروی در محله علیاباد بر در دروازه ندانه کوی است.<sup>۱۲</sup>

خانقه و تربت شیخ ابوالعباس قصاب

در شهر آمل

خانقه و تربت شیخ ابوالعباس قصاب معور و اصحاب خرق مجاور و

خیرات ولقبه برقرار.<sup>۱۳</sup>

تربت ابو جعفر الحناطی

در شهر آمل

محله و مسجد و تربت شیخ زاهد ابو جعفر الحناطی در آمل نهاده است.<sup>۱۴</sup>

مرقد حسن بن حمزه العلوی

در شهر آمل

السید الامام الفقیه العالم المتکلم الزاهد الشاعر حسن بن حمزه العلوی

مرقد او مقابل مدرسة زین الشرف بهماهی رسته باشد و سید امام بهاء الدین بن

الحسن بن المهدی الصامطیری ، ملک السعید اردشیر را بر آن داشت تا آن مرقد را

تعمیر کرد.<sup>۱۵</sup>

مرقد شرف الدین

در شهر آمل

سید زاهد عالم متقد شرف الدین ، مرقد او به مدرسه امام خطیب مقابل

مشهد سهراء ، اظهار مذهب امامیه و بطلان مذهب زیدیه از شرف الدین قوت

۱۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۱۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ .

۱۴ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ . ۱۵ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۳ .

گرفت در آن حدود . ۱۷

مرقد سید رکن الدین ساری  
در آمل

سید رکن الدین برادر سید شرف الدین است و مرقد او در جوار برادر  
است . ۱۷ در مدرسه امام خطیب .

شهید امام شهید عبدالواحدین اساعیل  
در آمل

امام شهید فخر الاسلام عبدالواحدین اساعیل که شافعی دوم خواند و  
خواجه نظام الملک به آمل بهجهت او مدرسه‌ای فرمود و هنوز (۶۱۱ - ۶۰۹ هـ) ق)  
باقي است و معسor و امام ابوالمعالی جوینی او را می‌گویند «ابوالمحاسن  
کله محاسن» فقه و دیانت و زهد و صیانت او چون عجایب روزگار بی‌شمار و  
چهل مجلد کتاب البحر در مذهب شافعی تصنیف او خلاف دیگر تصانیف و امامی  
اخبار او خروارها برآید و کیاست او تابعیتی بود که بهمهد او ملاحدة ملاعین  
فتوى طلبیدند و برگانگذی نشته که چه گویند ائمه دین در آنکه مدعی و  
مدعی‌الیه برق حق راضی شوند. گواهی بیاید و برخلاف دعوی مدعی و اقرار  
مدعی‌علیه گواهی دهد. چنین شهادت مسحی باشد یا نه؟

و این کاغذ پاره به حرمین فرستادند و امامان حرمین محمدجوینی و  
محمد غزالی و ائمه بغداد و شام جمله جواب ناشنده که چنین گواهی به شرع  
مسحی نیست تا پیش او آوردند. در کاغذنگرد و روی به مردگرد و گفتای  
بدبخت چندین سعی نامشکور بر تو و بال باشد و بفرمود که او را باز دارند و  
قضاة و ائمه جمیع آمدند. گفت «این فتوی ملاحده ناشنده و این مدعی‌علیه  
جهود و ترسائی و این گواه رسول ما صلوات الله علیه را می‌خواهند که قرآن مجید

شاهد است «وما قتلوه وما صلبوه ولكن شبهم» ملحد را باز پرسیدند اقرار کرد که یکی سال است تا مرا به جهان بطلب این استفتای دواند. عوام آمل او را سنگسار کردند و فخر الاسلام فتوی فرمود به سبی ذرای ایشان تا ملاحده بفرستادند و به غدر برادر مقصورة جامع آمل بدین حد که مناره است به زخم کارد آن امام سعید را شهید گردانیدند و هنوز (۶۰۶ هـ ق) آن کارد به مدرسه به خانه ایشان نهاده و من به نوبتها دیدم.<sup>۱۸</sup>

### مرقد الفاطق بالحق سید ابوطالب یحیی بن حسین در آفل

سید ابوطالب یحیی رحمه الله در سن ۳۴ از مادر جدا شد و در سن ۴۲ فرمان حق [در او] رسید و به آمل دفن گردند. هشتاد و دو سال عمر یافت و بعد برادر یک سال تمام بر نیامده او نیز بد و پیوست و تصنیفات او در فقه و کلام آنچه مشهور است کتاب التحریر و الشرح کتاب المجزی، کتاب الدعامة.<sup>۱۹</sup>

### هرقد ابن فورك در محله على کلاده سره آفل

ابن فورک که مسجد سالار آمل و آن منبر که هنوز (۶۰۶ هـ ق) برگرانه محراب نهاده به جهت اونصب گردند. از استاد خوش ابراهیم بن محمد ناصح شنیدم که صاحب عباد او را به تعصب بگرفته بود و به جس داشت به خانه ای تاریک به ری، تا ابواسحق اسفراینی متکلم پیش صاحب شد. هر روز میان ایشان مباحثات بود. روزی به باغی مباحثه می گردند در خلق الافعال. مناظره بالا گرفت تا صاحب دست یازید و از درخت سیبی باز کرد گفت این نه فعل من است؟

ابواسحق گفت «اگر فعل تو است باز همانجا دوساند.» صاحب خاموش شد و گفت «مراد خواه» گفت: «مراد من ابن فورک است» فی الحال خلاص

۱۸ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۲۳ . ۱۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۲ .

فرمود. به آمل آمد. دوپاره کتاب در کلام به جس تصنیف گرده بود. به جهت او سالار آن مسجد بنیاد افکند. تا آخر عصر به آمل بماند و خاک او به محله علی - کلاده سره، بالای گنبد چهار راه نهاده است.<sup>۲۰</sup>

هر قد امیر تاج الدوله شهریار  
در آمل

امیر تاج الدوله شهریار در قلعه دارا در آمل رنجور شد و بر سر دوازده روز چنانکه نجیب الزمان احمد بن محمد قصرانی منجم گفته بود وفات گرد. اورا بر جنازه نهاده و به آمل به خانقاہ او برده، دفن گردند.<sup>۲۱</sup>

هر قد حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر  
در شهر آمل

مرقد حسن بن قاسم بن حسن بن علی بن عبدالرحمن شجری معروف به داعی صغیر در محله علی آباد در خانه دخترش است. این مرد در سال ۳۲۰ ه. ق. در شهر آمل کشته شد.<sup>۲۲</sup>

هارس و خانقاہ حسن بن قاسم معروف به داعی صغیر  
در شهر آمل

حسن بن قاسم در آمل اندپاره مدرسه و خانقاہ فرمود.<sup>۲۳</sup> صاحب تاریخ رویان - مولانا اولیاء الله آملی - می نویسد: «حسن بن قاسم در آمل مدرسه‌ای عمارت گرده آنجاکه مشهد اوست و آن مدرسه در این چهل سال با بیشتر آبادان بود و آنجا ساکن شد. او در بیست و پنجم شعبان سال ۳۰۴ فوت شد.<sup>۲۴</sup>

۲۰ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۶۵ . ۲۱ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۳ .

۲۲ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۲۴ . تاریخ رویان ص ۸۲ .

۲۳ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۸۴ . ۲۴ - تاریخ رویان ص ۸۰ .

دخمه و قبة عالی که مرقد داعی کبیر است  
در محله راست کوی در شهر آمل

در محله راست کوی آمل دخمه و قبة عالی برای داعی کبیر ساختند.  
هنوز (۸۸۱ هـ . ق .) آن عمارت باقی است و مولانا اولیاء الله نوشته است: «در  
ایام طفویل اگرچه عمارت رو به خرابی نهاده بود، اما صندوق کنه‌ای آنجادیدم  
و در میان دیوار گند، راه گرد می‌گردد و به بالا می‌رود و هفتاد پاره دیه  
در نواحی آن بغیر از باغ وضعیه و حمام و دکان برآنجا وقف فرمود. روز  
دوشنبه سیم رجب سنه ۲۷۰ وفات یافت.»<sup>۲۵</sup>

مرقد ابوعلی محمدبن ابوالحسین احمد  
در محله راست کوی شهر آمل

در محله راست کوی گنبدی است که مرقد ابوعلی محمدبن  
ابوالحسین احمد - پسر داعی صغیر است، برابر گند داعی کبیر نهاده.»<sup>۲۶</sup>

#### مسجد و هنارهٔ مالک اشتر

در محله چلاوه‌سر برابر کوچه سماکی در شهر آمل  
مسجدی که در شهر آمل در محله چلاوه‌سر برابر کوچه سماکی نهاده است  
و مسجد و مناره مالک اشتر می‌گویند، بدان نسبت به مالک می‌کنند که این را  
جماعت مالکیه که قائل به امامت مالک اشترند ساخته‌اند و ایشان خود را از  
مشعبه شمرند و آن قوم نیز هنوز (۸۸۱ هـ . ق .) باقی‌اند. اصل ایشان از لار  
حوالی قصران . این ساعت (۸۸۱ هـ . ق ) نیز هرسال و هر دو سال به آمل می‌آیند  
و عمارت آن مسجد کنند.<sup>۲۷</sup>

۲۵ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۱۰ .  
رویان و مازندران ص ۲۲۴ . تاریخ رویان ص ۸۲ .  
۲۶ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۷ .  
۲۷ - تاریخ رویان ص ۳۷ .

### بیمارستان آمل

مقدسی در سال ۳۷۵ ه . ق . سخن از بیمارستان آمل به میان آورده است . ظاهراً از قدیترین ایام در این شهر بیمارستان وجود داشته است<sup>۲۸</sup> .

### قصر فیروزآباد نرذیک شهر آمل

در زمان فرخان کبیر ، در فیروزخر و قصری وجود داشته است که بعد از  
به قام فیروزآباد شهرت یافته و آن در دو فرسنگی شهر آمل بوده است<sup>۲۹</sup> .

### میدان رودبار باقلی پزان در شهر آمل

مولانا اولیاء الله از میدانی به نام «میدان رودبار باقلی پزان» در شهر آمل  
نام می برد<sup>۳۰</sup> .

### قلعه آمل

صاحب عالم آرای عباسی در وقایع سال ۱۰۰۵ ه . ق . می نویسد :

«پس از آنکه سید مظفر از خدمت شاه عباس رخصت یافت  
به رفاقت فرhadخان روانه مازندران گشت و جناب خان به جهت تألیف  
تلویب سایر وحشی صفتان مازندران با او به مدارا سلوک نموده ،  
همچنان معزز و محترم به طریق مهمان رفیق خان بود ، چون به شهر  
آمل که از بلاد قدیمه طبرستان است و در تصرف ملک بهمن بود  
رسیدند ، ملازمان و مردم او قلعه آمل را استحکام داده در مقام  
قلعه داری در آمدند و فرhadخان شروع در لوازم قلعه گیری کرد .

۲۸ - احن التقادیم ص ۳۵۹ . ۲۹ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد راینو

ص ۱۵۳ . ۳۰ - تاریخ رویان ص ۱۱۸ .

ملک بهمن با پیغامهای متعدد گنایه پایداری مردم آمل را به گردن سید مظفر می‌انداخت و خود را نشان نمی‌داد. سید مظفر هم که طول مدت محاصره را دید، از آمل فرار کرد و به ساری در قلعه از دارکله متحصن شد. سایر حکمرانان محلی نیز هریک به گوشه‌ای رفته‌ند فرهادخان با پایداری و استقامت قلعه را بگشود.»

هنوی درباره این قلعه می‌نویسد:

«دزی کهنسال در این شهر است که مناسب‌تر و محکم‌تر از آن دزی در ایران نیست. دیوارهای آجری دز بسیار پهن بود و مردم محل تاریخ احداث را چهار هزار سال قبل از زمان نادرشاه می‌دانستند و می‌گفتند که از آن تاریخ به بعد، این دز هر دویست سال یکبار مرتبه تعمیر و مرمت می‌شده است<sup>۳۱</sup>.»

هولمز در سال ۱۲۶۰ ه. ق. می‌نویسد:

«از کاخ مشهور شاه عباس و دز کهنسال و بزرگی که هنوز صد و شصت سال قبل آن را مستحکم‌ترین و خوش ترکیب‌ترین دزهای ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت، اثری دیده نمی‌شود<sup>۳۲</sup>.»

محمدحسن خان اعتماد‌السلطنه می‌نویسد:

آن سمت پل طرف غربی رودخانه را به مسافت هزار و پانصد ذرع از سنگ و آجر و آهک سدی ساخته‌اند معلوم می‌شود که قدیم قلعه محکمی آنجا بوده. اما حالا دکان و کاروان‌سرا ساخته که

Hanwey: J. An Historical Account of the British Trade over the Caspian Sea Vol I. p 292.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان هازندران و آذربایجان ص ۲۴.

Holmes, W R.: Sketches on the Shores of the Caspian. London 1845, p. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان هازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵.

به رودخانه نگاه می‌کند، بسیار باصفاست.<sup>۳۳</sup>

### باروی شهر آمل

ابن اسفندیار می‌نویسد:

عمارت حصارهای آمل و ساری را عبدالملک بن ققاع مرمتها  
کرد و سور پدید آورد تا آن وقت که مازیار خراب فرمود.<sup>۳۴</sup>  
این مرد در سال ۱۷۸ ه. ق. در طبرستان حکمرانی داشت. او پس از  
مثنی بن حجاج ویش از عبدالله بن حازم در طبرستان بود.<sup>۳۵</sup>  
سید ظهیر الدین عبارات ابن اسفندیار را تغییر داده و چنین نوشته است:  
عمارت حصار شهر آمل را عبدالملک ققاع کرد و آن عمارت  
را مازیار خراب گرداند.

با خواندن عبارات سید ظهیر الدین به این توجه می‌توان رسید که شهر آمل  
یش از عبدالملک حصاری نداشت و اوست که حصار آن را ساخته است.  
در صورتیکه از عبارات ابن اسفندیار معلوم می‌شود که او تعمیر کننده این حصار  
قدیمی بوده است. درباره خراب گردن این حصار، ابن اسفندیار نوشته است:  
حصارهای آمل و ساری را مازیار گرفت و به کوهستانها قلعه ها ساخت.<sup>۳۶</sup>  
در زمان مازیار شهر آمل دو خندق و حصار داشت. ما بین الخندقین را «ربض»  
خوانندی، مازیار خراب گرداند.<sup>۳۷</sup>

۳۳— روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۵۳. درباره قلعه آمل نگاه کنید به تاریخ  
گیلان عبدالفتاح فومنی ص ۱۸۸ و ۲۳۶ و عالم آرای عباسی ج ۱ ص ۵۱۹. این قلعه  
ظاهرآ به نام «خرم دز» معروف بوده است. صاحب تاریخ طبرستان می‌نویسد «قلعه  
خرم دز آمل و تا پرس از منوچهر لارجان گرفت» (تاریخ طبرستان ج ۲  
ص ۸۸). ۳۴— تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹. ۳۵— تاریخ طبرستان و  
رویان و عازندران ص ۱۱۴. ۳۶— تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۹ و تاریخ رویان  
ص ۵۱. ۳۷— تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۲۱۱. ۳۸— تاریخ رویان ص ۵۴ و تاریخ  
طبرستان ج ۱ ص ۲۱۰.

هنگامی که به دستور مازیار حصار آمل را خراب می کردند: «برسر دروازه گران بستوهای یافتند سبز؛ سراو به قلمی محکم کرده؛ متولی آن خرابی بفرمود تا بشکند. لوحی بیرون افتاد کوچک از من زرد؛ بر او سطراها به خط «گنج» نشته، کسی را که بر آن ترجمه واقف بود بیاورند بخواند. هر چند استفار طلبیدند نگفت. تابه تهدید و وعید انجامید. گفت «براین لوح نشته نیکان کنند و ودان کنند و هر که این کند سال واسر نبرد.» هیجان آمد. سال تمام نشده بود که مازیار را گرفته و با سرمن رأی برداشت و هلاک کردد.<sup>۳۹</sup>.

در سنتات ۷۶۹ - ۷۷۹ به دستور سید کمال الدین بن میر قوم الدین مرعشی در آمل و ساری جار انداختند. مردم بسیار جمع شدند و بنیاد خندق فرمود کردن و خندق عظیم در طول و عرض و عمق در زمان اندک حفر کردند و بر سر آن از خشت پخته و ساروج و گل بر جها و دیوارها ساختند و درون قلعه، کوشک و خانه و عمارت عالیه بنیاد نهادند و حمام و سایر عمارت‌های ضروریه فرمود ساختند و چاههای آب فرمود تا حفر کنند و بیرون قلعه بنیاد شهر و بازار و حمام و مسجد طرح انداختند.<sup>۴۰</sup>.

### گنبدهای بیرون شهر آمل

در اراضی گنبدین جز، محله پایین بازار آمل  
حسن بن اسفندیار در تاریخ خود؛ دوبار از این گنبدها یاد کرده است و  
چنین می نویسد:

السیدشمس آل رسول صلی الله علیه وآلہ فقیه و صاحب حدیث و از جمله  
ناسک و عباد، هنوز (۶۰۶ هـ) تربت او برقرار است و مشهد معور  
و مزار مشهور، به محله عوامه کوی بر در دروازه آمل.<sup>۴۱</sup>

۳۹ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۲ . ۴۰ - تاریخ طبرستان و رویان و هازندران  
ص ۲۷۱ . ۴۱ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۰۵ .

اراضی گنبد بن امروز که قسمی از محله پائین بازار آمل است در زمان ابن اسفندیار محله‌ای جداگانه به نام «عوامه کوی» بوده و بردر دروازه آمل قرار داشته است. در این اراضی پاره آجر و سفال فراوان دیده می‌شود سابقاً باکندن این اراضی آجرهای فراوان بدست می‌آوردند. این اراضی را فعلاً آقای اصغر توکلی پسر حاجی آقامحمد توکلی ضبط کرده و به باغ تبدیل کرده است.

ابن اسفندیار در جای دیگر کتاب خود می‌نویسد:  
قاضی هجیم زاهد و عالم و تربیت بر در مشهد شمس آل رسول، به محله عوامه کوی<sup>۲</sup>.

### سه گنبد در خارج شهر آمل

ملگنوف ذیل عنوان «سه گنبد» می‌نویسد که در خارج شهر آمل بقاعی قدیمی است در حالیکه به جای سه گنبد پنج عدد گنبد است.  
۱ - گبود گنبد از زلزله ویران شد و چهار گوشه بود.  
۲ - گنبد ناصر الحق که یکی از سادات حنفی است.  
۳ - گنبد شمس طبرسی که دارای دو پوشش بود یک پوشش آن از زلزله ویران شد.

۴ - گنبد «سایه سه تن» یعنی گنبدی که بر روی جد سه تن از برادران میر قوام الدین سایه انداخته است. در وسط آن سنگی ناتراشیده بود. از خطوط کوفی آن بر می‌آید که امام ابوالقاسم پسر ابوالمحاسن رویانی حکیم الهی نیز در آنجا مدفون است.

۵ - گنبد محمد آملی که تابه بنیاد ویران است<sup>۳</sup>.  
هنوز برج در خرابهای شهر آمل دیده و حدس زده است که این برجها

۴۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱. ۴۳ - نخة عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب و ۸۸

الف. ملگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ دوباره آمده است.

بناهای گبری است<sup>۱۴</sup>.

زاره، از گنبد شمس طبرسی در آمل یادگرده است<sup>۱۵</sup>.

دم رگان نیز از گنبد شمس طبرسی در شهر آمل گفتگوئی به میان آورده است<sup>۱۶</sup>.

راینو هم یادی از گنبد شمس طبرسی کرده و درباره آن می‌نویسد:

«این گنبد مدور و به شکل برجی است جند شمس آل رسول که عارف و محدثی بود و باز هدو تقوی می‌زیست در اینجا به خالص پرده شده است. مزار او در «عوامه کوی» که از کوههای قدیم آمل بود بنا شده بود. طاق این برج دوپوش بود و دو گنبد خارجی و داخلی داشت که بر اثر زلزله خراب شد. مقبره قاضی هشام<sup>۱۷</sup> در جوار همین گنبد است<sup>۱۸</sup>».

راینو از گنبد دیگری به نام «کبود گنبد» در خارج شهر آمل نام می‌برد و می‌نویسد:

برجی است با گنبدی مخروبه که روزی کاشیهای آبسی رنگ آن را پوشانیده بوده است و نام این گنبد از رنگ کاشیها است<sup>۱۹</sup>. محمد حسن خان اعتمادالسلطنه این گنبدها را «بنائی معروف به آتشکده» دانسته و می‌نویسد:

در نزدیکی آمل بنائی است مخروبه که سه برج او باقی مانده. معروف است آتشکده بوده<sup>۲۰</sup>.

Jonas Hanway, An historical account of the British Trade over the Caspian sea, with a journal of travels and the revolutions of Persia, 4 vol. London 1753, 2 Vol London 1762

به نقل از متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۷.

— ۴۵ Sarre : Denkmäler Persischer Baukunst P. 97 et pl. LXXVIII

— ۴۶ De Morgan : Mission Scientifique en Perse T. I P. 184, Fig 84.

— ۴۷ — قاضی هجیم (تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۳۱ و ۱۳۵) . ۴۸ و ۴۹ — متن

انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۳۸۰ . ۵۰ — مرآت البلدان ج ۱ ص ۵۰ .

ظاهراً برای اثبات اعتماد سلطنه است که این برجها بعداز او به نام «آتشکده» شهرت یافته‌اند. این بناها اسلامی است و مقابر خصوصی افراد است و هیچگونه شباختی به آتشکده ندارد.

### گنبد الناصر للحق و گنبد شمس آل رسول

سید ظهیر الدین مرعشی درباره گنبد الناصر للحق می‌نویسد:

مشهد مبارک الناصر للحق را سیدعلی ساری دستور داد تا سید قوام الدین با برادران خود بازند و در سال ۸۱۴ به اتمام رسید<sup>۱</sup>.

در طوماری که در زمان صفویان نوشته شده است شمس آل رسول به قام «امامزاده شمس آل رسول» خوانده شده و تولیت آن را به مولانا علی‌آملى برگزار گردیده‌اند.

راینو درباره گنبد ناصر للحق می‌نویسد:

در زیر گنبد ناصر الحق جده حسن بن علی ناصرالکبیر را به خاک سپرده‌اند. این گنبد را سیدعلی مرعشی حاکم مازندران برپایی کرد. ابن اسفندیار می‌نویسد مقبره و مدرسه و کتابخانه‌ای که او تأسیس کرد و رقبات موقع قانی که برای آنها در نظر گرفته شده بود تاقرن هفتم هجری در آمل بر جای بود. قبر او در این تاریخ مورد احترام بود و از دور و نزدیک به زیارت آن می‌آمدند<sup>۲</sup>.

مشکوئی می‌نویسد:

از دو بنای تاریخی گنبد ناصر الحق و شمس طبرسی که در مجاورت یکدیگر قرار دارند اکنون آثاری جز ویرانه آفان دیده نمی‌شود. ساختمان این دو گنبد متعلق به قرن نهم هجری می‌باشد. گنبد ناصر الحق باید آرامگاه‌وی باشد که در سال ۴۳۰ هجری در این

<sup>۱</sup> - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۳۰ . ۵۶ - متن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۳۸ .

مکان بهخاڭ سپرده شده است . هیچین گنبد دیگر متعلق به مقبره شس طبرسی از فقهای مشهور آمل بوده است . مقبره ناصرالحق که در محل خرابه های آمل است ، در تاریخ ۸۲۰ - ۸۹۰ هجری به دست سیدخلی مرعشی بنا شده است <sup>۳۰</sup> .

مهجوری می نویسد :

گور ناصرالحق در آمل است و می خواستد از آجر و ساروج که برای تعمیر مقبره میر قوام الدین آورده اند ، گور ناصرالحق را نیز تعمیر کنند <sup>۳۱</sup> . باز در جای دیگر از قبر ناصر کبیر در آمل یاد کرده است <sup>۳۲</sup> .

از پنج گنبدی که ملگنوف نقل کرده است سه گنبد آن به نام «سید سه تن» و «گنبد ناصر کبیر» و «گنبد شس طبرسی» بر جای است و دو گنبد دیگر یعنی گنبد محمد آملی و گنبد کبود یکسره از میان رفته است .

آنچه که از این گنبدها امروز بر جای است  
گنبدی معروف به سید سه تن = هیر حیدر = سید  
در محله پایین بازار آمل

قسمت پایین بنا چهار گوش است . در ورودی باطاقی جناقی در ضلع شرقی است و ضلع مقابل آن از خارج دارای دو طاقنمای باریک است به خلاف دو ضلع دیگر که هر کدام یک طاقنما به پهنای ۲۰۷ سانتیمتر در میان آنها بنا شده است . بالای طاقنمای محلی برای نصب کتبه دارد و بالای آنها در هر ضلع ده قرنسی سینه کفتری و کشکولی است . بالای هر دو قرنسی کشکولی نیم دایره ای از کاشی است . (عکس شماره ۹)

چهار گنج بالای بنا را از داخل جمع کرده و چهار ضلع دیگر به وجود

۵۳ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ثبت تاریخی ۶۰ ص ۱۳۴ و فهرست بناهای تاریخی چاپ جدید ص ۱۷۸ . ۵۴ - تاریخ هازندران ج ۲ ص ۳۶ .

۵۵ - تاریخ هازندران ج ۲ ص ۳۳۹ .

آورده‌اند که با چهار ضلع اصلی مجموعاً هشت ضلع می‌شود که گمرکنند است و سقف را بر آنها بنانند. سقف بنا از داخل گنبدی مدور است که وسط آن سوراخی گرد برای هوایش تعبیه شده است و با مانند آن از خارج گنبد کلاه درویشی یا هر من مشن القاعده است. مصالح اصلی بنا آجر باریک و گچ است نمای خارج و داخل آن گچ ماله کشیده است. (عکس شماره ۱۰ و ۱۱)

در دو ضلع شرقی و غربی در ارتفاع ۱۲۷ سانتیمتر، دو پنجره کوچک چوبین نور گیر به درازای ۴۵ و پهنای ۳۵ سانتیمتر تعبیه شده است.

بر پنجره غربی این عبارات باخطی نزدیک به نسخ خوانده می‌شود:

امر بعمارة هذه البقعة الشريفة

قطب المحققين وبرهان

بر پنجره شرقی این عبارات حک شده بود:

الساکنین سید عزالدین

بن سید بهاء الدین آملی

اطراف دو پنجره و اطراف چهار چوبهای آن نقش و کتده کاری دارد.

ملکنوف در سال ۱۲۷۷ قمری از این بنایاد کرده است.<sup>۶۱</sup>

راینو در سال ۱۳۳۰ قمری این بنا را دیده و کتبه‌های آن را بدین شرح

خوانده است: کتبه سنگی مقبره امامزاده سه تن در آمل:

في شهر الله شعبان البارك سنة اربعه عشر و خمس مائه

بسم الله الرحمن الرحيم لا إله إلا الله محمد رسول الله الملك لله العزة لله  
الحمد لله

هذه قبر الامام السعيد قاضي القضاة تاج الدين فخر الاسلام

ابوالقاسم بن الامام الشهيد فخر الاسلام ابوالمحاسن الروياني

قدس الله روحه .

کتیبه در امامزاده سه تن در آمل

امر بعارة هذه البقعة الشريفة ... سید عزالدین ابن سید بهاءالدین  
آملی<sup>۶۷</sup>.

از کتیبهای برستگ که راینو در سال ۱۳۳۰ قمری دیده است، امروز  
شانی بر جای نیست. فقط کتیبه‌های دولنگه پنجره نورگیر آن را امروز باقی است  
و نشان می‌دهد که این‌با به دستور سید عزالدین بن سید بهاءالدین آملی ساخته  
شده است.

در کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، این‌با به شارة  
۶۱ ثبت تاریخی شده و این شرح درباره آن دیده می‌شود:

این بقعه به نام «سه تن» هم نامیده می‌شود. در نتیجه تعمیر و  
مرمت‌های مکرر به صورت بنای تازه‌ای درآمده است. بنای اصلی  
آن متعلق به قرن ششم هجری بوده است. بنای آن شامل برجی  
هشت‌ضلعی و گنبدی هرمی به ارتفاع دوازده متر است<sup>۶۸</sup>.

در تاریخ مازندران مهجوری کتیبه‌های سفرنامه مازندران و استرآباد  
راینو عیناً نقل شده است و از قول راینو نوشته است:

اینجا قبر ابوالمحاسن رویانی است که به دست فرقه اساعیلیه کشته  
شد<sup>۶۹</sup>.

من کتیبه صراحت دارد که در این گور جد ابوالقاسم پسر ابوالمحاسن  
رویانی به خاک سپرده شده است نه خود ابوالمحاسن رویانی مقتول به دست  
اساعیلیان.

گند بزرگ آجری که ظاهرآ گور الناصر للحق است  
در گنبدی<sup>۷۰</sup> فردیات نهر کلاور و بیرون شهر آمل  
در سال ۸۱۴ ه. ق. که سیدعلی بن سید کمال الدین، از ساری به آمل

۵۷ - سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۴۴ ع. ۵۸ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن  
باستانی ایران ص ۱۳۴ چاپ قدیم و ص ۱۷۹ چاپ جدید. ۵۹ - تاریخ مازندران  
ج ۲ ص ۳۴۴ و ۳۴۵. ۶۰ - بکسر دال ۲۰ - بکسر کاف و واو،

آمد و سیدعلی بن میرقام الدین را شکست داد و آمل را به سیدقام الدین بن سیدرضی الدین واگذشت، «به مشهد مبارک امام الهدی الناطق بالصدق الناصر للحق علیه السلام رفت و زیارت بگزارد و فرمود که این عمارت لایق این سید نیست. عمارت دیگر بنیاد گشته است. با وجود عمارت سیدقام الدین این عمارت اینچنین حیران بودن خوب نیست.»

«درویشان گفته اند اسباب که جهت گنبد میربزرگ جمع شده است، بسیار است. هر چه از آن بعائد اینجا به کار بریم. فرمودند که آنچنان بی ادبی باشد. چرا علی حده اسباب جمع نکنیم و عمارتی لایق نازیم؟ سادات گفتهند «به هر چه اشارت باشد اقدام می روید.» گفت: «این عمارت سیدقام الدین با برادران خود باز نداشت.»

بنای اصلی چهار گوش و ابعاد آنها هریک ۰۴۵ سانتیمتر است. قطر دیوار بنا بدون پیش رفتگی طاقها یک متر تمام است. در ورودی در ضلع شمالی است و در هریک از اضلاع داخلی بنا سه طاقهای باریک است که پهنهای هریک به ۷۷ سانتیمتر می رسد. بالای سه طاقهای هر ضلع دو طاقهای کوچک است و بالای این دو طاقهای مربع مستطیلی است و بالای هریک از مربعهای مستطیل مربعی است که داخل آنها روزی کاشیکاری بوده است. (عکس شماره ۱۲) بالای آنها قرنیهای سینه کفتری و میان هر دو قرنیس، قرنیهای کوچکتری است که بالای هریک از آنها قرنیس نیم دایره‌ای زده‌اند. (عکس شماره ۱۳ و ۱۴)

چهار گنج بنا از داخل با چهار گوشوار جمع می شود و تبدیل به هشت ضلعی می گردد بالای هر ضلع دوازده عدد قرنیس مانند مثلث‌شکل است. تعداد این قرنیها به ۹۶ عدد می‌رسد. بالای این قرنیهای مثلث‌شکل دو ردیف قرنیس سینه کفتری و کشکولی است که بالای ردیف دوم طاق دوری زده شده است.

(عکس شماره ۱۵)

طاق گبد از داخل مدور است و مجعوبی داشته است که به شائزده ترک قسیم می‌شده است. بام‌بنا از خارج کلاه درویشی است. (عکس شماره ۱۷ و ۱۶) طرفین در ورودی از داخل دارای جاچراخی است. مصالح بنا آجر گلفت و نازک است که با گچ رنگی از داخل و خارج ماله‌کاری شده است.

گبدی به نام گبد شمس طبرسی <sup>۶۲</sup>

ناصر الدین شاه (۱۲۹۴ - ۱۳۱۳) از این‌بنا دیدن کرده و عکاس سلطنتی عکس در آن تاریخ گرفته است<sup>۶۳</sup>. (عکس شماره ۱۸) دمر گان در سال ۱۳۰۷ قمری طرحی از نمای بنا و نقشه‌وبرش آن کشیده است.<sup>۶۴</sup> (عکس شماره ۱۹ و ۲۰)

بنائی است چهارگوش به ابعاد ۲۹۳ سانتیمتر. در ورودی اصلی در شمال است و در کوچکی درجهت مشرق دارد. طاق هردو در گاه بلند و شکسته است. طرح در شرقی درست همانند در شمال است، اما کشیده‌تر و درازتر است. ده قرنیس سینه‌گفتگی در هر طرف بنا است و دونیمه قرنیس در دو کنج بنا است. بالا و وسط هردو قرنیس کاشیهای نیم‌دایره چسبانیده‌اند. لعاب بعضی از کاشیها بر اثر مرور زمان از میان رفته است. (عکس شماره ۲۱)

چهارکنج بالای دیوار را عقب نشته و از خارج هشت‌ضلعی به وجود آورده‌اند و بالای آن گبد هرمی شکل کلاه درویشی زده‌اند. این بنا از داخل نیز بامی گبدی دارد. (عکس شماره ۲۲)

۶۲ - این گبد را امروز به اشتباہ «شمس تبریزی» خوانند. ظاهراً چون مفهومی برای کلمه «طبرسی» نیافتداند، آن را به «تبریزی» تبدیل کرده‌اند. ۶۳ - عکس شماره ۷۶۴۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران از آلبوم ناصر الدین شاه. ۶۴ - هیات علمی فرانسه در ایران ص ۱۷۷ شکل ۸۳ و ص ۱۷۸ شکل ۸۴.

تکیه‌ای قدیمی

در آهل محله یا محله پایین بازار آهل

سراسر تکیه را نوسازی کرده‌اند و از تکیه قدیمی اثری بر جای نبود.

(عکس شماره ۲۳)

میان صحنه‌چناری قدیمی بود که محیط‌ته آن به ۵ متر تمام می‌رسید.

(عکس شماره ۲۴)

متصل به تکیه امامزاده‌ای معروف به امامزاده جعفر است که بالای نمای خارجی آن این عبارت بر کاشی خوانده می‌شد:

«مزار شریف امامزاده جعفر بن موسی مشهور به امامزاده معصوم» راینو از این تکیه و از این امامزاده یادگرده است.<sup>۶۵</sup>

آب انباری قدیمی

در آهل محله یا محله پایین بازار آهل

راینو در سال ۱۳۳۰ قمری از این آب‌انبار یادگرده ولی امروز اثری از آن

بر جای نیست.<sup>۶۶</sup>

مسجد حاج علی کوچک

در محله پایین بازار آهل

این مسجد شامل حیاطی مستطیل شکل است که سه طرف غربی و شمالی و جنوبی آن ساختمان دارد. شبستان مسجد، در ضلع جنوبی حیاط است. در طول شبستان در وسط هشت فیلپای آجری است که روی آنها را با گچ سفید کرده‌اند. سردر ورودی مسجد غربی است و بر چهار پایه این سردر، گلده‌ای بنای گرده‌اند بنای گلده‌ای هشت‌ضلعی است و از آجر بنا شده است.

(عکس شماره ۲۵)

۶۵ - متن انگلیسی سفرنامه هازندران و استرآباد راینو ص ۳۲ و ترجمه سفرنامه او ص ۶۱ . ۶۶ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد ص ۶۱ .

بر پایین گلدهسته، این بیت ناقص؛ برجسته گچبری شده بود:  
بی ادب پامنه این درگاه در گاه است [کذا]  
مسجد گاه ملک و معبد شاهنشاه است.  
در بازندaran همچوی این مسجد به نام «مسجد جامع کوچک حاجی علی» خوانده شده و حجرات آن را بالغ برهفت دانسته است<sup>۶۷</sup>.

## حمام اشرف سلطان

در آهله محله یا محله پایین بازار آمل

امروز این حمام به نام حمام «اشرف» معروف است اما راینو آذر ا به نام «حمام اشرف سلطان» خوانده است<sup>۶۸</sup>. این حمام شامل سربینه یا رختکن است. (عکس شماره ۲۶) سربینه شامل سه قسم است. وسط حوض و راهرو و دو طرف سربینه شامل سه قسم است. قسمت وسط حوض و راهرو و دو طرف آن دو قسم رختکن است. از رختکن به گرمخانه واژ آنجا به صحن حمام وارد می شود. مستراح و نورخانه قدیمی دراز و طولانی بود و نور کافی نداشت. امروز قسمی از گرمخانه را اختصاص به این دو داده اند. کاشیکاری های قدیمی سربینه بر جای بود که قدمت پاره ای از آنها به زمان صفویان می رسید.

بر بالای در ورودی حمام عبارت زیر نوشته شده بود:  
«هر وقت لگ در این مکان نصب است حمام مردانه است»

## مسجد امام حسن عسکری

در محله پایین بازار آمل

شامل حیاطی است که سه طرف قبلی و شرقی و غربی آن ساختمان دارد. بنای طرف قبلی شامل شبستان است و بنای طرف شمالی شامل پلکانی در وسط است که به ایوانی می رود و در این ایوان چهار حجره در طبقه دوم و زیر آن چهار

۶۷ - بازندaran همچوی ج ۲ ص ۳۴۸ . ۶۸ - ترجمه سفرنامه بازندaran و استرآباد ص ۶۱ .

حجره در طبقه اول ساخته شده است . قسم ساختمان غربی شامل در ورودی مجدد و دو حجره است قسمی از ساختمان این قسم، متصل به بستان قبلی است . بالای در ورودی گلسته‌ای هشت‌خلعی آجری با بامی سفالپوش ساخته شده است . (عکس شماره ۲۷) بر دیوارهای گلسته نقش و نگاری از گچکاری دیده می‌شود . (عکس شماره ۲۸)

در سال ۱۳۵۶ شمسی که دوباره از این بنا دیدن کردم قسم شستان نوسازی شده بود و این آیات از کلام الله مجید بر بالای شستان بر کاشی خوانده می‌شد :

بر دیوار غربی :

بسم الله الرحمن الرحيم سج باسم ربك الاعلى - تا - صحف ابراهيم و موسى  
صدق الله العلي العظيم تجديد و تعمير كاشيکاري و نصب سنگ در محرم ۱۳۹۳  
پایان یافت .

بر دور محراب آیات و عبارات زیر بود :

قال الله تعالى الله نور السوات والارض - تا - بكل شيء معلم .

قسم داخلی محراب :

اللهم حل على المصطفى - تا - حجتك قائم المنتظر اجمعين  
دبالة كتبه بالای شستان که طرف چپ محراب قرار می‌گیرد :  
بسم الله الرحمن الرحيم لوازلناهذا القرآن - تا - وهو العزيز الحكيم  
صدق الله العظيم نصب کاشی بهمت عبد الله عدل پایان یافت .

در ترجمه فارسی ملگنوف بنای این مسجد، به هارون الرشید نسبت داده شده است<sup>۶۹</sup> .

در مازندران مهجوری از این مسجد یاد شده و ده حجره برای آن ذکر کرده است<sup>۷۰</sup> .

## مسجد هاشمی

در شاهان دشتی محله آمل<sup>۷۱</sup>

این مسجد در ندمال راسته شاهان دشتی محله است. مسجد قدیمی را خراب کرده بودند و مسجد نوساز نیمه تمامی به جای آن می ساختند. در چهار طرف حیاط مسجد ساختمان است. ضلع شرقی حیاط کتابخانه عمومی هاشمی است. مهجوری می نویسید که این مسجد سیزده حجره داشته است<sup>۷۲</sup>. بنابرگفته او این بنا را باید مدرسه دانست.

## حمام یوسف خان

در شاهان دشتی محله شهر آمل

این حمام در سال ۱۲۸۹ ه. ق. که رایینو آن را دیده، خراب بوده است<sup>۷۳</sup>. امروز اثری از آن بر جای نیست.

## آب انبار یوسف خان

در شاهان دشتی محله شهر آمل<sup>۷۴</sup>

از آب انبار یوسف خان در این محله اثری برقرار نبود.

## حمام چرخ فلک

در قادی محله آمل

از این حمام قدیمی هیچ گونه اثری بر جای نمانده است. همچنین از حمام کاظمیگ<sup>۷۵</sup> و حمام چهار سوق<sup>۷۶</sup> و حمام بقال<sup>۷۷</sup> و حمام عطار<sup>۷۸</sup> و حمام ساقمه - پاشان<sup>۷۹</sup> و حمام مسگربازار امروز اثری باقی نیست.

۷۱ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۷۲ - تاریخ هازندران ج ۲ ص ۳۴۸ . ۷۳ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۷۴ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ - هلگنوف متن روسی صفحات ۱۶۳ - ۱۸۵ درباره آمل هازندران .

### تکیه قادی

در قادی محله آمل

این تکیه نوسازی شده و از آثار قدیمی آن نشانی بر جای نبود.

فضل و فخر از اولاد امام زین العابدین علیه السلام

در قادی محله آمل

مرقدی است که گنبد را روی آن ساخته‌اند یعنی گور و گنبد متصل به یکدیگر اند بلندی مرقد و گنبد از دو متر تجاوز نمی‌کند. دری آهنی کوچک به بلندی نیم متر دارد که بازمی‌کند و روی گور شمع می‌افروزند. این گنبد کوچک هشت ترکی است. محوطه اطراف بقمه در حدود پانزده متر مربع است.

### پل سنگی

در قادی محله آمل

متن بنای این پل از آجر است و پل کوچکی است که بر روی «شهر رود» زده‌اند گذرگاه آن سنگفرش است و ظاهراً به همین سبب به «پل سنگی» معروف شده است.

پل هراز در سال ۱۰۷۵ قمری

میر تیمور در سال ۱۰۷۵ قمری سه بار این پل را به نام «پل هراز» و یک بار به نام «پل آمل» در کتاب خود آورده است.<sup>۴۱</sup>

پل هراز در سال ۱۳۶۰ هجری قمری

هولمز می‌نویسد:

پل باشکوهی که صد و شصت سال قبل از این تاریخ جوانسهوی  
دیده بود، دیگر وجود خارجی ندارد و هیچکس از خرافاتی که

۴۱ - تاریخ خاندان مرعشی هازندران صفحات ۴۱ و ۴۴ و ۳۹۴ و پل آمل ص ۲۱۰.

در باره عبور از روی پل هر از در عهد قادری بر سر زبانها بود و هنری به تفصیل از آن یاد کرده است، اطلاعی نداشت.<sup>۸۱</sup>

علوم نیست هولمز از کدام پل سخن می گوید. پل هر از از قدیمترین ایام تا امروز برقرار است و ماشینهای سواری و باری هم از روی آن عبور می کند. ملگنوف در باره این پل می نویسد:

هر از پلی دوازده چشید دارد و بسیار بلند و دراز است. گویند امام حسن آن را ساخته است ولی اهالی گویند که مردی فقیر، برخلاف میل بزد گان این پل را ساخت و نفرین نامهای نوشته که ارباب مکنت از روی آن نگذرند بلکه گذرگاه رعایا و بیچار گان باشد.<sup>۸۲</sup>

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه در باره پل قدیمی و آثار قلعه نزدیک به آن می نویسد:

پل طولانی کم عرضی از سنگ و آجر بر روی رودخانه هر از عبارت از ده طاق بنا شده. نسبت این بنا را به اعراب می دهند ولی از ظاهر وضع چنین می نماید که قدیم تر از فتح اسلام این مملکت را بنا شده باشد. در انتهای پل سمت غربی رودخانه قریب به هزار ذرع کنار رودخانه را با سنگ و آجر سد بسته اند که هنگام طغیان آب به شهر خرابی وارد نیاورد. در نزدیکی پل این رودخانه، آثار قلعه ای قدیمی است که الحال کار و اندازه شده است.<sup>۸۳</sup>

اعتمادالسلطنه در روز نام مخاطرات خود در باره این پل چنین نوشته است: بنای این پل خیلی عالی است. نسبت بنای او را در زمان

Holmes, W.R., Sketches on the shores of the Caspian, London 1845. - ۸۱  
P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و هاوزدران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵ .

۸۲ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۹۹ . ۸۴ - مرآت البستان ج ۱ ص ۶ .

فتح اسلام می دهند به اعتقاد من قدیمتر است<sup>۸۴</sup>.

ناصرالدین شاه در سال ۱۲۹۲ ه. ق. درباره این پل نوشته است:  
وارد آمل که شدیم، از میان بازار که سنگ فرش بدی داشت  
و گل زیادی بود، عبور شد. به پل رسیده پیاده شدیم. عرض پل  
بسیار کم و طولش زیاد است. پیاده رفتن اولی بود<sup>۸۵</sup>.

ظاهرآ در این سفر است که عکاس سلطنتی عکسی از این پل از طرف شرقی  
گرفته است<sup>۸۶</sup>. (عکس شماره ۲۹)

رضاقلی خان هدایت درباره این پل می نویسد:

چون پل آمل خراب و کار متعددین به صعوبت بود،  
یکهزار و دویست تومان مخارج پل بستن فرمود (ناصرالدین شاه)  
تا مشکل قوافل آسان گشته<sup>۸۷</sup>.

درازای این پل ۱۳۰ متر و پهنای آن سه متر و بلندی آن از سطح آب شش  
متر است و در فاصله صد و پانصد متری در شمال پل رضاشاھی است.  
(عکس شماره ۳۰ و ۳۱)

سیل بندهای قدیمی

در طرف چپ هراز

پایین تر از پل قدیمی هراز بر طرف دست چپ و ورودخانه سیل بندهایی از  
آخر است که ظاهرآ برای جلوگیری از سیل و نفوذ آن به شهر ساخته بوده‌اند.  
بر روی این پایه‌های قدیمی آثار تازه‌تری از سنگ چین دیده می‌شود.

۸۴ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه ص ۵۳ . ۸۵ - سفرنامه ناصرالدین شاه به  
نقل از تاریخ هازندران هجgorی ج ۲ ص ۱۹۳ . ۸۶ - جریان رودخانه هراز شمالی  
جنوبی است و پل هراز جیت شرقی ندارد. عکس شماره ۷۶۴۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه  
تهران از آلبوم ناصرالدین شاه . ۸۷ - روضتالصطای ناصری ج ۱ ص ۲۸۵ .

باغ و عمارت شاه عباس

در کنار هراز

ملگنوف می‌نویسد که شاه عباس در آمل عمارتی با باغی از سرو ساخته

بود.<sup>۸۷</sup>

هولمز در سال ۱۲۶۰ هـ. ق. می‌نویسد:

«از کاخ مشهور شاه عباس و دزکهن سال و بزرگی که هنوز

در صد و شش سال قبل آن را محکمترین و خوش تر کیب ترین دژهای

ایران خوانده است و نزدیک پل هراز قرار داشت اثری دیده

نمی‌شود.»<sup>۸۸</sup>

تکیه‌ای قدیمی

در هشانی محله شهر آمل<sup>۸۹</sup>

این تکیه نوسازی شده و از آثار قدیمی چیزی بر جای نبود.

حمام هشانیها

در هشانی محله آمل

این حمام قدیمی را خراب کرده بودند و به جای آن ساختمانهای تازه‌ای

ساخته بودند.

مسجد جامع

در محله مسجد جامع یا کارگر محله

این اسفندیار درباره این مسجد می‌نویسد:

— نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۸ الف.

Holmes, W.R., Sketches on the shores of the Caspian, London 1845, — ۱۹  
P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان هازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵.

— ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱.

مسجد جامع به ایام هارون الرشید ، سنه سبع و سبعین و  
ماهه (۱۷۷) بنیاد افکنند و متولی عمارت ابراهیم بن عثمان بن نهیک  
بود و خواست این جایگاه بخرد اول مسلم نشد ناآن وقت که جد  
ابوالحسن بن هارون الفقیه «اببارک» نام مسلمان شد . او را مبارک  
نام نهادند . سرای خویش بفروخت . بعضاً هر کس به تبرک  
من فروختند چون عمارت تمام شد و خواستند تا قبله پدیده کنند ،  
چهل شبانه روز باران بود . وضع و تعیین به حقیقت میر نشد .  
به حدس و تخیل فرو نهادند و بهای این موضع که جامع است  
هشت هزار و سی و دو دینار برآمد و طول مسجد نود و سه ارش بود  
و طول سک ده ارش و در او سیصد هزار و شصدهزار و چهل فرسب<sup>۹۱</sup>  
بود . دیگر آلات براین قیاس باید فرمود و چهل و هفت هزار و -  
سیصد و چهل دینار به عمارت صرف شد<sup>۹۲</sup> .

حسن بن اسفندیار در ص ۱۸۹ کتاب خود : عثمان بن نهیک که پدر ابراهیم بوده  
بانی مسجد جامع آمل دانته است<sup>۹۳</sup> .

مولانا اولیاء الله نیز بانی مسجد جامع را عثمان بن نهیک معرفی می‌کند  
و می‌نویسد : مسجد جامع آمل را عثمان بن نهیک ساخته است که پس از عبدالله بن  
قطحه و پیش از سعید بن مسلم بن قتبه در طبرستان بود<sup>۹۴</sup> .

سید ظهیر الدین درباره این مسجد می‌نویسد که مسجد جامع کهنه آمل را که  
مسجد طشه زنان می‌گویند معروف است که مالک اشتر ساخته است . این گفتار  
صحیح نیست و آنچه صحیح به نظر می‌رسد شخص مالکی مذهب این مسجد را  
ساخته است و هنوز (سال ۸۸۱ هـ . ق.) نیزهای او از لار قصران برای تعمیر

۹۱ - فرسب داری سقیر باشد که بدوبام را بپوشانند و نقل همه بر وی بود ( فرهنگ  
اسدی ص ۲۳ ) . ۹۲ - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۲ . ۹۳ - تاریخ طبرستان  
ج ۱ ص ۱۸۹ . ۹۴ - تاریخ رویان ص ۵۱ .

آن می آیند<sup>۹۵</sup>.

میر ظهیر الدین در جای دیگر کتاب خود می نویسد که در مسجد جامع آمل در مقصورة شرقی گور شهدائی است که در عهد طاهریان صاحب اعتبار بودند و مخالفت با داعی کبیر کرده اند. داعی ایشان را بکشت و در آنجا به خاک سپرد. مردم آمل آن مقصورة را زیارت می کنند که اینجا مقبره شهداست<sup>۹۶</sup>.

میر ظهیر الدین در جای دیگر بانی مسجد جامع آمل را عبدالله بن قحطبه دانسته است<sup>۹۷</sup>. بنا بر این نوشته ها ظاهراً در شهر آمل دو مسجد جامع قدیم و جدید بوده است. یکی از آنها را ابراهیم بن عثمان بن نهیل در سال ۱۷۷ ه. ق. به امر هارون الرشید ساخته است و دیگری را فرقه مالکیه بنیاد افکنده اند.

مسجد جامع معروف امروز صحنه است مربع شکل که چهار طرف آن ساختمان دارد شبستان شمالی شش فیلیا در وسط دارد. فاصله میان فیلیاهای دوم و سوم که مقابل محراب است کمتر از سایر فواصل است. محراب مسجد مستقیم است ولی نماز گزاران نسبت به محراب به راست منحرف می شوند. این انحراف ظاهراً به همان سبب است که حسن بن اسفندیار برای تعیین قبله یادآور شد. شبستان غربی نه فیلیا در وسط دارد که زمین شبستان را به هیجده قسم تقسیم می کند. شبستان جنوبی شش فیلیا در وسط دارد و شبستان شرقی هم دارای نه فیلیا است بنایی چهار طرف حیاط دوطبقه است و ماذنه مسجد را از سطح زمین ساخته اند. گور مرمت کننده مسجد در حیاط مسجد در گوشه شمال شرقی است.

در راه روی مسجد؛ گور زنی است که دهکده ای به نام «کوسراس» را وقف بر مسجد کرده است.

۹۵ - تاریخ طبرستان و هازندران ص ۱۹۴ و تاریخ رویان ص ۳۷ . ۹۶ - تاریخ طبرستان و رویان و هازندران ص ۲۱۰ و تاریخ رویان ص ۲۱ . ۹۷ - تاریخ طبرستان و رویان و هازندران ص ۱۱۲ .

رایینو در سال ۱۳۳۰ قمری درباره جامع آمل چنین نوشته است :

«بنای مسجد جامع بسیار قدیمی است و از سبز میدان فاصله زیاد ندارد. قسمت غربی مسجد بر اثر زلزله خراب شده بود. در سال ۱۲۶۵ ه. ق. آقاعلی اشرف مشائی آن قسمت را تعمیر کرد. متصل به مسجد، مدرسه‌ایست که در مدخل آن دو فرمان از شاه سلطان حسین حفوی برسنگ مرمر حک شده است.»<sup>۹۸</sup>

رایینو ظاهراً خود مسجد را ندیده؛ یا در نقل اطلاعات درباره این مسجد اشتباهی کرده است. زیرا مساجد جامع معمولاً بناهایی جداگانه هستند و هیچگاه به مدرسه متصل نبوده‌اند. دو فرمان شاه سلطان حسین چنان‌که بعداً خواهیم دید، یک فرمان است و تا امروز هم بر دیوار مقابل در ورودی اصلی مسجد نصب است. هنگامی که از در اصلی وارد راه روی مسجد می‌شویم بر دیوار مقابل طرف دست راست دو سنگ مرمر به ابعاد ۶۰×۷۰ سانتی‌متر پهلوی یکدیگر نصب کرده‌اند و این عبارات بر آن دو سنگ حک شده است :

## هو

حکم جهان مطاع شد آنکه وزیر و داروغگان مازندران  
بهشت نشان بشفقت بلاهایت شاهانه مفتخر و مباہی بوده بدانند  
که چون از هنگامی که مهره انجم بر تخته زرنگار فلک آبگشون  
سیماپندون بدت قضا چیده و کعبتین عاج نیرین جمهه تحصیل نقد  
سعادت کوئین بنخش شش جمهه گردیده گنجور گنجینه وجود به  
مؤدای حقایق افتخاری قل الاهم مالک الالک تؤیی الملک من تشاء  
و تنزع الملک من تشاء و تعز من تشاء و تذل من تشاء یهدک الخیر اانک  
علی کل شیی قدری در هم و دینار تمام عیار دولت و اعتبار وزرده‌دهی  
پادشاهی و فرماندهی عرصه روزگار را جمهه این دو دمان خلافت

و امامت و خاندان بوت و ولایت در مخزن هستی در کمال تردستی  
محفوظ و مضبوط داشته جهه سپاس این عارفه بیقياس و اداء شکر  
این عطیه محکم اساس درین عهد سعادت مهدکه عذرای دولت  
روز افزون در آغوش ولیلای سلطنت ابد مقرون دوش بدوش و او لین  
سال جلوس میست مأنوس و او اذ شکفتگی گلشن آمال عامه نفوس  
است همت صافی طوبیت معدلت گستر و ضمیر منیر مهر اضاءت شریعت  
پرور بحکم آیه و افی هدایة الذین مکناهم فی الارض اقاموا  
الصلوة واتوا الزکوة وامر وا بالمعروف و نهوا عن المنکر باجرای  
اوامر و نواهي خالق کل و خاتم انبیاء ورسل بفحواي صدق اتمای  
اطیعوا الله و اطیعوا الرسول لعلکم تفلحون معطوف و مصروف داشت  
امر عالم مطیع شرف تقاضیافت که مضمون بلاغت مشحون قل انما حرم  
ربی الفواحش ما ظهر منها و مابطن پرده گیان پرده گشاد پرده نشین و  
شاهدان چهره نسا خلوت گزین بوده با فامل عصیان نقاب بی شرمی از  
رخار غفت باز تمهوده دامن زن آتش غصب دادار بی نیاز نگردند  
و ساکنان خطة ایمان و مقیمان دارالسعادة ایقان بمضمون حقیقت  
نمون یا ایها الذین آمنوا انما الخمر والیسر والانصاب والازلام  
رجس من عمل الشیطان فاجتبوه لعلکم تفلحون دست بالک قمار دراز  
نگرده قبل از آنکه شطرنجی روزگار ایشان را در روز معامة نماید  
و فیل بند حیرت و هیمان هنگامه عرصات<sup>۹۹</sup> ساخته معلوم شود که آنچه  
برده در باخته اند سالک طریق اجتناب بوده بهیچوجه پیرامون آن عمل  
شنبی نگردد و کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروشی و  
بوزه فروشی مالک محروسه که بهای<sup>۱۰۰</sup> خطیر میشه بتخفیف و  
تصدق فرق فرقدسای اشرف مقرر فرمودیم و درین ابواب صدور

۹۹ - تا اینجا بر سنگ مرمر اول است که اندازه آن ۵۵ ۶۶۸ سانتیمتر است .

۱۰۰ - در فرمان مسجد جامع لاهیجان : که هر سال مبلغهای خطیر .

عظم و علماء اعلام و فقهاء اسلام وثیقه ائمه علیحده مؤکد بلعن  
ابدی و طعن سرمدی موشح و مزین بخط گوهر نثارهیون است  
به سلک تحریر کشیده اند میاید که آنوزارت پناه و داروغگان مزبور  
بعد از شرف اطلاع بر مضمون مطاع لازال نافذًا فی الاقطاع  
والاربع مقرر دارند که در کل محال متعلقة بخود ساکنین و متوطنین  
بنانون از هر شریعت غرا و طریق اظہر ملت یعنی ناھج منهج صلاح  
و سداد بوده مرتكب امور مذکوره نگردند و بدکاران را در حضور  
اهالی شرع شریف و کلانتران و ریش سفیدان محلات توبه داده  
مرتكبین امور مزبوره را تنبیه و تأذیب والتزام باز یافت و هرگاه  
اشغال بین افعال ذمیه نمایند بسنوجه شرع مطاع حد جاری و  
مورد موآخذه و بازخواست سازند و چنانچه احدهی به اعمال شنیعه  
دیگری مطلع گشته اعلام نماید آن شخص را بنوعی تنبیه نمایند که  
باعت عبرت دیگران گردد آن وزارت پناه و داروغگان مزبوره  
بعث وجوهات مزبوره چیزی دریافت ننموده نگذارند که آفریده  
بدانجهه دیناری ملع و توقع نماید و خلاف گشته از مردودان در گاه  
الهي و محروم ان شفاعت حضرت رسالت پناهی و مستحقان لعنت و  
نفرین ائمه دین حلوات الله علیهم اجمعین و ملائكة آسمان و زمین  
باشد و اهالی و اوپاش رانیز از کبوتر پر انسی و گرگدوانی و  
نگاهداشتن گاو و قوچ و سایر حیوانات جهه جنگ و پرخاش که باعث  
خصوصت و عناد و موجب انواع شورش و فساد است منوع ساخته  
سد آن ابواب را از لوازم شرنده و دقیقه در استحکام احکام  
مطاعه و اشاعت و اجرای اوامر شریفه فرو گذاشت ننمایند و از  
جواب برین جمله روند و رقم قضاییم معدلت مضمون را بر علوم  
خلائق خوانده بر سنج تقش و در مساجد جامعه نصب ننمایند و درین  
ابواب قدمن دانسته هرساله حکم مجدد طلب ندارند و در عهدہ

شناختن شهر شوال سنه ۱۱۰۶ محمدابراهیم الهمدانی (عکس  
شاره ۳۲)

مسجد آقا عباس

در شرق کاردگر محله و غرب بازار و نکیه مثائی

در این مسجد در طرف غربی و جنوبی حیاط، شبستان دارد. شش فیلیا در وسط شبستان جنوبی و چهار فیلیا در وسط شبستان غربی است. طرف شمال بنائی دوطبقه است که طبقه زیرین آن نیشتر شباخت به راهرو دارد چون در این ضلع دکانهای مجاور جلو آمده‌اند. طبقه بالا در طرف شمالی و غربی از چوب است. در سمت چپ در ورودی ماذنهای هشت‌ضلعی از آجر است.

حمام آقا عباس<sup>۱۰۱</sup>

در کاردگر محله آهل

از این حمام قدیمی اثری بر جای نبود.

منزل هنوجهر مقصودی (ملکزاده)

در کاردگر محله = کاردی محله آهل

این منزل در کوچه ملکزاده است و ساختمان حکومتی پدران اوست. این خانه از خانه‌های قدیمی آهل است که پنجره‌های ارسی و نورگیرهای مشبك ظریف دارد.

بقعه‌ای هنوب به خضر<sup>۱۰۲</sup>

در اراضی عصای آهل

بنائی است چهارضلعی که ابعاد داخلی آن  $۳۳۲ \times ۳۳۲$  سانتیمتر است.

۱۰۱ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱ . ۱۰۲ - نسخه عکس ترجمه هنگوف ص ۸۷ ب .

چهارگوش بنا را با چهار گوشوار جمع کرده‌اند و دهانه مدوری به وجود آورده‌اند. کمر بند گنبد را روی این دهانه مدور ساخته‌اند و گنبدی مدور از داخل بر بنای زده‌اند. دوازیر این گنبد کم کم جمع می‌شود و از داخل مخروطی به وجود می‌آورد در دایره کمر بند گنبد در طرف قبلی نورگیری ساخته‌اند. در ورودی بقعه شرقی است واژکش کنی چهارگوش وارد بنای اصلی می‌شود. ابعاد کفش کن ۳۳۵×۳۳۰ سانتیمتر است. سقف کفش کن با چهار گوشوار جمع شده و گنبدی توسری خورده بالای آن ساخته‌اند. (عکس شماره ۳۳) مصالح بنای آجر است. گوری بهارتفاع بیست سانتیمتر و سطح بنای اصلی است. متصل به این گور قسمتی از زمین حرم به نام «هفت تن» خوانده می‌شود. گور سادات در مصالی آمل ظاهراً همین بناست. گنبد بیرونی کلاه درویشی است و فرنیهای سینه کفتری زیر حاشیه گنبد دارد که بیشتر آنها روی در خرابی دارند. (عکس شماره ۳۴)

#### بقعه‌ای معروف به «شیخ‌الناس»

در هارون محله آهل<sup>۱۰۳</sup>

این بقعه را ساکنان اطراف «شیخ‌انداز» و «شیخ‌الناز» نیز می‌خوانند. محل اصلی بقعه محل فعلی بیمارستان هلال احمر ایران است. این بنا در نوسازی‌های دوران رضاشاه از میان رفت.

#### کاروانسرائی قدیمی

در هارون محله آهل

در محل فعلی بیمارستان هلال احمر ایران آمل که در اراضی هارون - محله ساخته شده است کاروانسرائی قدیمی بود در نوسازی‌های زمان رضاشاه از میان رفت.

۱۰۳ - رابینو هارون محله را قسمتی از محله ایرانیها دانسته است.

## دو حمام قدیمی

در هارون محله آهل

در محل اداره پست و تلگراف امروز که جزء اراضی هارون محله قدیم است دو حمام قدیمی بود که در نوسازیهای زمان رضا شاه از میان رفت.

مشهد لله پرچین و مرقد شاهزاده ابراهیم

در گرجی محله یا آسیاب سر یا آبدنگسر آهل

مشهد لله پرچین ظاهراً قابل تطبیق با مرقد شاهزاده ابراهیم (عکس شماره ۳۵) و گورستان اطراف آن است. سید ظهیر الدین می‌نویسد:

«مشهد لله پرچین در آمل مقبره مشایخ و سادات مالکی مذهب است و مردم آمل که قول اسلام کردند مالکی مذهب بودند تا زمان داعی کبیر که ایشان را شیعه امامیه کرد.»<sup>۱۰۴</sup>

رابینو درباره مرقد شاهزاده ابراهیم نوشتہ است:

«امامزاده ابراهیم بسیار مورد احترام اهالی است. در دوران تابستان روزهای پنجشنبه و جمعه در آنجا بازار برپاست. بنای امامزاده میان گورستانی است که دیواری اطراف آن کشیده‌اند و شامل برجی مربع شکل و گنبدی هشت‌ضلعی است. (عکس شماره ۳۶) بر صندوق چوبین مزار عباراتی حک شده و حاکی از آن است که در آنجا امامزاده ابراهیم و برادرش یحیی و مادر این دو تن به خاک سپرده شده‌اند. نسبت ابراهیم به موسی الكاظم می‌رسد. تاریخ ساختمن ۹۲۵ هجری قمری است. بیرون حصار گورستان برجی سنگی است که می‌گویند مدفن هفتاد و دو تن از اصحاب امامزاده ابراهیم است.»<sup>۱۰۵</sup> نزدیک مدخل اصلی قبرستان برجی مربع است که

۱۰۴ - تاریخ رویان ص ۳۷ و تاریخ طبرستان و رویان و هازندران ص ۱۹۴.

۱۰۵ - گوری است از سنگ که متصل به بنای امامزاده است. این مرقد بیرون حصار گورستان نیست و برجی سنگی هم نیست بلکه گوری ساده‌مات ملگنوف نیز از این گور یادگردیده است (نخجوانی عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب).

در آن جد حاجی نامدار خراسانی با دو تن از دوستانش که برای مرمت امامزاده به آمل آمده بودند به مخاک سپرده شده‌اند.<sup>۱۰۶</sup> آب‌اباری قدیمی در گورستان شاهزاده ابراهیم است که مخزن آب آذ تا امروز باقی است (عکس شماره ۳۷) و سردر و پله‌های پاشیر آن نیمه‌خراب است. (عکس شماره ۳۸)

در کتاب فهرست بناهای تاریخی بقعة امامزاده به شماره ۶۳ ثبت تاریخی شده و درباره آن چنین آمده است :

«ساختمان این امامزاده که به شیوه برج ساخته شده؛ دارای بدنۀ آجری و گنبد مخروطی شکل می‌باشد. در این بن‌آچند کیه بروی در و صندوق چوبین آن به خط رفاقت حک شده است. تاریخ سال ۹۲۵ هجری در روی صندوق مرقد خوانده می‌شود. اهمیت این بقعة تاریخی گذشته از نظر معماری و شیوه ساختمانی بمحض دارابودن آثار نفیس چوبی آن از قبیل در و صندوق است. خوشبختانه کیه‌های این‌بنا حفظ شده است طبق مفاد کیه این بقعة متعلق به ابو محمد ابراهیم از فرزندان حضرت امام موسی کاظم علیه السلام است.<sup>۱۰۷</sup>

#### وضع گنونی مرقد شاهزاده ابراهیم

مرقد شاهزاده ابراهیم بنائی است چهار گوش به ابعاد ۵۲۲×۵۳۰ سانتیمتر. در ورودی حرم شرقی است و در مسجدی گشوده می‌شود. در ازای هر لگه ۱۹۵ و پهنه‌ای آن ۵۰ سانتیمتر است. در بدنۀ های شمالی و غربی و جنوبی بنا از داخل هر یک دارای دو طاقنما است. بالای طاقنماها و سردر ورودی حاشیه‌ای

<sup>۱۰۶</sup> - هنن انگلیسی سفرنامه مازندران و استرآباد را بینو ص ۳۸ . در هنن انگلیسی سفرنامه و ترجمه آن ص ۶۱ سلسله نسب ابراهیم را چنین ذکر کرده‌اند : ابراهیم بن امام دویس کاظم بن ابو جعفرین محمد تقی بن امام رضا علیهم السلام ! ؟ <sup>۱۰۷</sup> - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ص ۱۳۵ چاپ قدیم و ص ۱۷۹ چاپ جدید .

گچ بری ظریف است. بالای حاشیه گچ بری دهیت شعر با این مطلع است:  
 ای خداوند داور من بگذر از جرم باب و مادر من  
 بالای این کنیه که دور می چرخد، در هر بدن دو طاقنا است. بالای این  
 هشت طاقنا دهیت شعر دیگر است که با این مطلع شروع می شود:  
 این بارگه زکیت که بر چرخ اخضر است

این بارگه زکیت که چون مشک عنبر است  
 بالای این کنیه چهار گنج بنا را چهار گوشوار زده و کمر بند گند بala را  
 هشت ضلعی نزدیک بسازیه کرده اند. بالای این کمر بند دو ردیف مقرنس  
 سینه کفتری است که بالای ردیف دوم را گند مدور بلندی زده اند.  
 صندوقی چوبین با نقشها و نوشته های ظریف وسط بنا است که بر پایه ای  
 به درازی ۲۳۷ و پهنای ۲۲۴ و بلندی ۳۲ سانتیمتر قرار دارد. درازای خود  
 صندوق ۲۲۴ و پهنای آن ۲۱۸ و بلندی آن ۹۰ سانتیمتر است.  
 این آیات و عبارات برآن خوانده می شود:

بر قسمت بالای بدنه شمالی صندوق:

از: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَسِّرْ لِقَارَانَ - تَا - إِلَى الْأَذْقَانِ

بر پایه سمت چپ همین بدنه از بالا به پایین:

از: فَهُمْ مَقْبُحُونَ - تَا - فَاغْشِيْنَا هُمْ فَهُمْ

بر پایه سمت راست همین بدنه از پایین به بالا:

از: لَا يَصْرُونَ - تَا - مَنْ أَتَعْ [انجحا مقداری سوخته است]

بر قسمت پایین همین بدنه از راست به چپ:

از: وَخْشِيَ الرَّحْمَنَ - تَا - فَكَذَبُوهَا

بر پایه سمت راست بدنه شرقی از پایین به بالا:

از: فَعَزَّزَنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا - تَا - مَنْ شَيْءَ

بر قسمت بالای بدنه شرقی از راست به چپ:

از: إِنَّ أَنَّمِ الْأَلا - تَا - رَجُلٌ يَسْعِي

بر پایه سمت چپ همین بدن از بالا به پایین :

از : قال ياقوْم - تا - لا عبدوا الذى

بر قسم پایین بدن شرقی از راست به چپ :

از : فطْرَقِي وَالِّيَهْ تَرْجُعُونَ - تا - ما افزا

آیاتی که بر پایه سمت راست بدن جنوبی از پایین به بالا حک شده است :

از : عَلَى قَوْمَهِ - تا خامدون

بر قسم بالای همین بدن از راست به چپ :

از : ياحْرَة عَلَى الْعِبَادِ - تا - حَبَّا يَا كَلُونَ وَجَعَلْنَا

بر پایه سمت چپ همین بدن از بالا به پایین :

از : فِيهَا جَنَّاتٍ - تا - وَمَاعْلَمَهُ أَيْدِيهِمْ

قسم پایین بدن جنوبی از راست به چپ :

از : افلايِشَكُونَ - تا - قَدْرَنَاهْ مَنَازِلْ حَتَّى

بر پایه سمت راست بدن سمت غرب از پایین به بالا :

از : عَدَدَ الْعَرْجُونَ - تا - وَلَا اللَّيلَ سَابِقُ

بر قسم بالای بدن سمت غرب از راست به چپ :

از : النَّهَارُ وَكُلُّ فِي فَلَكٍ - تا - مَا يَبْيَنُ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلَقُكُمْ [ما بقى سوخته است]

بر پایه سمت چپ بدن غربی از بالا به پایین :

از : مُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ - تا قَبْلَ لَهُمْ انْقَوْا

بر قسم پایین بدن غربی از راست به چپ :

از : مَارِزَ قَكْمَ اللَّهِ - تا - إِلَى اهْلِهِمْ

بو بدن شمالی صندوق قسم طرفین نقش و سططری دست راست :

اللَّهُمْ صُلْ عَلَى الْمُصْطَفَى وَصُلْ عَلَى امَامِ عَلَى السُّرْتَضِى وَصُلْ عَلَى فَاطِّةِ الزَّهْرَا

بر طرف دست چپ این نقش :

وصل على امام حسن الرضا وصل على امام حسین الشهید الکربلا وصل

على امام زین العابدین

بر بدنه شرقى قسم سمت راست کتیبه :

وصل على امام محمد الباقر وصل على جعفر الصادق وصل على امام موسى كاظم

بر بدنه شرقى قسم سمت چپ از بالا به پایین :

وصل على امام على بن موسى الرضا وصل على امام محمد التقى وصل على امام  
على النقى

بر بدنه قبلی طرف دست راست از پایین به بالا :

وصل على امام حسن العسكري وصل على امام محمد الهادی صاحب الزمان

بر بدنه قبلی طرف دست چپ از بالا به پایین :

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ الْقِيَومُ لَا تَأْخُذْهُ سَنَةٌ وَلَا نُومٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

بر بدنه غربی طرف دست چپ از بالا به پایین :

وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَاذِي يُشْفَعُ عَنْهُ

إِلَّا إِذَا نَهِيَ عَنْهُ مَا يَعْلَمُ وَمَا لَهُمْ بِالْغَيْرِ مَذْكُورٌ

بر همین بدنه طرف دست راست :

يحيطون بشيء من علمه الا بماشاء وسع كرسيه السوات والارض

ولايؤده حفظهما وهو العلي العظيم

کتیبه وسط بدنه شرقی از بالا به پایین :

هذه الروضة المقدس لسيطانيه البارقي العالم ابو محمد

ابراهيم الملقب بالاطهر والكافر واخوه ابو المعالى يعني وامهما

سلام الله عليهم وعلى ابيه ابو ابراهيم موسى بن الامام الهمام حجة الله بين

الانام ابو جعفر التقى محمد بن الامام الشهيد الغريب والمدفون

بالطوس في القضا الامام على بن موسى الرضا عليه السلام <sup>١٠٨</sup>

حاشية پایین بدنه شرقی صندوق :

بانی هذا الخير الجناب الصاحب الاعظم الخواجہ نامدار

ابن الدرویش حاجی الكفشگر و قد تم ذلك فی شهر شوال سنة ٩٢٥

باعثها و ساعتها و بانیها عبدالله بن شاهحسین القاضی بمحروسة  
 طبرستان البواب لبقة الطيبة عمل محمد بن حسین نجای ساری .  
 در ورودی امامزاده چوین و دارای کنده کاریها و نقشهای ظریف است  
 این عبارات برآن خوانده شد :  
 بر لنگه سمت راست قسمت بالا :  
 قدوقف هذا الباب علی مزار امامزاده واجب التعظیم امامزاده ابراهیم  
 بر لنگه سمت چپ قسمت بالا :  
 ابن امام الہمام موسی الكاظم علیہ الصلوٰۃ والسلام  
 بر لنگه سمت راست قسمت پایین :  
 کعبه وصل را دری بصواب بگشا یا مفتح الاباب  
 بر لنگه سمت چپ قسمت پایین :  
 بر آستان تو هر کس که سرنهد بارادت  
 بر استان که گشاید برو دری بسعادت  
 بر دماغه همین در :  
 نادعلیا مظہر العجایب تجده عونالک فی النوائب کل هم وغم سینجلی  
 بولاتیک یا علی یا علی یا علی  
 یک خشت کاشی که نوشته های آن بر جسته است بر بالای در ورودی حرم  
 در دیوار نصب کرده اند . این کلمات برآن خوانده می شود :  
 تین وستمانه فی عهدمند  
 اکنون که کتبیه های در ورودی و صندوق شاهزاده ابراهیم را به دقت  
 هر چه تعامتر خوانده و نوشته ایم ، بدینیست نمونه ای از کتبیه خوانی رایینو را  
 نیز در اینجا بیاوریم تا دقیق تر کار ما ویدقتی گذشتگان روشن و آشکار گردد .  
 رایینو کتبیه در ورودی و کتبیه صندوق شاهزاده ابراهیم را چنین خوانده است :

## كتبه در امامزاده ابراهیم آمل

«قبل درب الكعبه بکثا يـا مفتح الابواب هذه الروضة  
المقدسة أنهم الإبرار العالم ابو محمد ابراهيم الملقب بالاطهر و  
الكافـم وـاخيه العـالـي يـحـيـي وـامـهـمـاـ اللـهـمـ صـلـ عـلـىـ اـبـيـ مـحـمـدـ اـبـرـاهـيمـ اـبـنـ  
امـامـ الـهـمـامـ المـوسـىـ حـجـةـ اللهـ بنـ اـمـامـ اـبـوـ جـعـفـرـ مـحـمـدـ التـقـيـ بنـ الـامـامـ  
الـشـهـيدـ الغـرـبـ المـدـفـونـ باـرضـ طـوـسـ الـامـامـ عـلـىـ بـنـ مـوـسـىـ الرـضاـ  
فيـ شـهـرـ شـوـالـ سـنـهـ ١٠٩٥ـ ٩٢٥ـ

## كتبه صندوق امامزاده ابراهیم آمل

السلام على اولياء الله واصفائه السلام على ابناء الله واحبائه  
السلام على انصار الله وخلفائه السلام على محال معرفة الله السلام  
على سلالة رسول الله السلام على سلالة امير المؤمنين ولی الله السلام  
على ذرية المخصوصين في طاعة الله السلام على المتقررين في مرضاته  
اشهد يا مولاي ابراهيم ابن مولاي موسى ابن جعفر الكاظم انك عشت  
سعیداً ومت مظلوماً والنقيت باـيـانـكـ الطـاهـرـينـ وـاجـدادـكـ المـعـصـوـمـينـ  
فارـتـبعـكـ وـنـجـيـ مـصـدـقـكـ خـابـ وـخـسـرـ مـكـذـبـكـ وـالـمـتـخـلـفـعـنـكـ  
اشهد لـيـ بـهـذـهـ الشـاهـدـهـ لـاـنـ اـكـوـنـ مـنـ الفـائـزـينـ وـلـعـنـةـ اللهـ عـلـىـ اـعـدـائـكـ  
وـمـنـ يـغـضـبـكـ اـجـمعـيـنـ إـلـىـ يـوـمـ الدـيـنـ فـيـالـيـسـيـ كـنـتـ معـكـمـ فـاـفـوزـ فـوـزاـ  
عظـيـماـ العـلـىـ العـاصـىـ شـيـخـ حاجـيـ آـفـاـ ١١٨٧ـ ١٠٩ـ

## كتبه دری در همین امامزاده

عقد هذا الباب على امر امام واجب التعظيم امامزاده ابراهيم ابن  
امام الحمام [كذا] موسى كاظم عليه السلام والصلوة . ١١١

١٠٩ - سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ١٢ ع و ١٣ ع .

١١٠ و ١١١ - سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو متن انگلیسی ص ١٣ ع .

ظاهر ا را بینو میان عبارات و مطالب زیارت نامه و کتبیه صندوق فرق نمی گذاشته است. مرحوم مهجوری در تاریخ مازندران ۱۱۲ نوشته است این زیارت نامه بر ضریح حک شده است . سخن او نیز اساسی ندارد و تاکنون بر هیچ ضریحی زیارت نامه حک نکرده اند .

#### مسجد متصل به بقعه شاهزاده ابراهیم

مسجدی متصل به در ورودی بقعه شاهزاده ابراهیم است درازای آن ده متر و پهنای آن پنج متر است. سابقًا دیوارهای آن نقش و نگار داشته و فعلا قستی از آنها باقی است مابقی را رنگ آبی زده و نقشها را از میان برده اند . زمین بیاضی در شمال شرقی بنای امامزاده بود که کشتی گیرخانه بود و روزهای جمعه در سه ماه تابستان جمعه بازار بود. در این اراضی «لوچو»<sup>۱۱۲</sup> می گذشتند و به کشتی گرفتن مشغول می شدند .

#### بنائی چهار گوش

در گورستان اطراف بقعه شاهزاده ابراهیم

بنائی چهار گوش از آجر در جنوب شرقی بقعه شاهزاده ابراهیم است. بر جدار خارجی هر یک از دیوارها دو طاق نما است . بالای طاق نماها قریسیهای سینه کفتری است . گنبد بیرونی آن از میان رفته است و گنبد داخلی دور آن باقی است. معروف است که نامدار و آقا عبدالله بنیان بنای شاهزاده ابراهیم در اینجا به خالک سپرده شده اند. (عکس شماره ۳۹)

اگر چنین روایتی درست باشد ، اینجا مرقد خواجه نامدار بن درویش حاجی کفسگر و عبدالله بن شاه حسین قاضی طبرستان است که بنیان این بقعه بوده اند چنانکه در کتبیه صندوق امامزاده آمده است .

<sup>۱۱۲</sup> - تاریخ هازندران ج ۲ ص ۳۴۴ .

<sup>۱۱۳</sup> - لوچو را در صفحات گیلان «برم» (فتح باء و راء) می گویند و آن چویسی است که جواز کشتی گیران برآن آوریخته شده است .

در محوله گورستان شاهزاده ابراهیم یک درخت تادانه است که محیط تنہ آن به ۸۰ سانتیمتر می‌رسد. درختان چناری که در این گورستان هستند محیط تنہ آنها به ترتیب ۸۰ متر و ۶۰ متر و چهار متر است.

گورستان قدیمی بقعه را از اوایل تیرماه ۱۳۵۶ مشغول خراب کردن و هم سطح کردن قبور بودند.

زیارت نامه‌ای که بر چوب حک شده است مورخ ۱۲۸۷ قمری است و بر دیوار داخل حرم آویخته است.

این همان زیارت نامه است که روزی بر ضريح مطهر آویخته بوده و رایسو یاکسی که کتیبه‌ها را برای او رونویس می‌کرده جزو کتیبه‌های صندوق به شمار آورده است و تاریخ آنرا نیز به جای ۱۲۸۷، ۱۱۸۷ خوانده است.

وقنه‌نامه قریب سر و کار درهم کلا و شیروانی محله و دو دانگ از جمله سه دانگ قریب داران سر و یک قطعه باعچه طاس گر محله و هیجده جریب زمین هزار و عی برا ای امامزاده ابراهیم لله برچین آهل.

الحمد لله الواقف على السراير والمطلع على الضماير والصلوة  
والسلام على محمد وآلـهـ صاحبـ العـاجـزـ وـ المـاخـرـ وـ بـعـدـ بـيـنـ طـرقـ  
آـيـةـ وـافـيـ هـدـيـةـ الـمـالـ وـ الـبـنـوـنـ زـيـنـةـ الـحـيـوـةـ الـدـنـيـاـ وـ الـبـاقـيـاتـ الـصـالـحـاتـ  
خـيـرـ ثـوـابـاـ وـاحـسـنـ عـلـاـ بـعـفـادـ حـدـيـثـ ۱۱۱ـ صـرـيـعـ اـزـ حـضـرـتـ رسـالـتـ  
پـناـهـىـ صـلـىـ اللـهـ عـلـيـهـ وـآلـهـ الدـنـيـاـ مـرـزـعـةـ الـاـخـرـةـ پـسـ بـرـسـالـكـانـ جـادـةـ  
هـدـاـيـتـ مـسـتـقـيمـ وـ رـاهـ يـافـتـگـانـ وـادـیـ اـطـاعـتـ وـ تـلـیـمـ سـزاـوارـ وـ گـوارـاستـ

۱۱۴ - در فاصله میان دو سطر دو مهر واقعان است که یکی چهار گوشه با خط طغری و سمع : یا ابا عبد الله ادرکتی . دومی بیضی نزدیک به دایره با خط نستعلیق و سمع : اتو کل على الله عبده نامدار . بر بالای سطر اول همراه چهار گوشه با خط نستعلیق است که سمع آن : افوض امری الى الله عبده محدوده هدی . بر گوشه بالا سمت چپ سجل وقفات بدین شرح است : اقر والواقفان بما رقم و كما زیر فیه لدی [ همراه چهار گوشه با سمع : توکلت على الواقع الغنى عبده محمد ].

که بجهة ذخیره اخروی و وسیله ابدی اندک تأملی نمایند و نظر بکلام  
 جناب مرتضوی بمصداق اندالدیافناء لیس للدنیا ثبوت چندان  
 اعتقادی براین دارفنا و منزل عاریت سرای نبوده و نمیباشد و بهترین  
 اعمال و شریف ترین افعال از خیر و میراث که باقیات حالات و  
 ذخیره دار بقاست وقف کلام الله مجید و املاک و اجرای قنوات و بنای  
 مساجد و ساختن پل و رباط و تکایا بجهة تعزیت داری جناب  
 سید الشهدا چیز دیگر نخواهد بود لهذا منظور از تحریر این کلمات  
 و مقصود از تسطیر این فقرات آن است که چون مأمون ملعون  
 حضرت امام رضا علیه السلام را بطور آورد مردم از اطراف و اکناف  
 که ایاب آنجناب را مشاهده نموده تمامت اهالی آن مزو بوم مطیع  
 و منقاد آنجناب گردیده واز اطاعت مأمون ملعون انحراف ورزیده  
 آن ملعون از آوردن آنجناب نادم و پیشان شد در خیال شهادت  
 آنجناب افتاد آنجناب نامه به اولاد حضرت امام موسی علیه السلام  
 و سایر امامزادگان نوشته که چون نوشته بشما بر سد بدون توقف  
 روانه طوس شوید آنچه از اخبار مروی است دوازده هزار و سیصد و  
 هفتاد و سه قفر بمضمون نامه نامی عمل نموده از شوق دریافت شرف  
 ملاقات آنجناب بیار گریستند و روانه خراسان گردیدند ابراهیم  
 فرزند امام موسی علیه السلام فرمود ای برادران ما را یک بزرگی  
 میباید که خیل و حشم را تواند راه برد امامزادگان فرمودند ای  
 برادران میروم بروضه رسول الله وسلام مینمائیم هر که را جواب  
 سلام داد آنکس مهتر و بزرگ باشد علی الاصح بفرموده حضرت  
 معصومه نامی رفتند بروضه عرش درجه جانب. رسول یک یک سلام  
 مینمودند جواب نشینیدند تا اینکه امامزاده ابراعیم فرزند امام موسی  
 کاظم که مدفون در بلده طیبه شهر آمل موضع لله پرچین سلام نمود از

روضه مبارک جواب شنید که علیک السلام یا ولدی<sup>۱۱۵</sup> چون ایشان استماع نمودند همه دست او را بوسیدند و بیعت نمودند و آنرا مهتر خود گردانیدند علم برپا کرده سپهسالار خود ساخته اند از مدینه بیرون آمدند چون به سارقمش شهر فار رسیدند در شب یک شب به بیت و یکم شهر محرم سکنه خاتون بن امام موسی علیه السلام . خواابی دید برخواسته بپراوران گفت که مرغیرا دیدم در میان آسان وزین استاده بود پر میزد و قطره قطره خون زهرآلود از وی میچکید قطره ای از آنرا استشام نمودم بسوی جناب امام رضا علیه السلام بر مسامم رسید آن مرغ گفت اللہ الخیر این قوم را اجل میدواند که هر یک بدیاری بر ساند چون این سخن را شنیدند آن سبب را بصیغت یکدیگر گزینند .... خارجی که در شهر فار بودند نامه به مأمون فرستاد که این قدر اولاد ائمه از عربستان رو بولایت عجم آورده اند که اگر این خیل و حشم به آن ولایت برسند شما را زنده نگذارند چون آن ملعون مطلع شد ترسیده در همان شب جناب امام رضا را زهر داده شهید کردن و نامه ب محمد شیانی<sup>۱۱۶</sup> نوشته روانه نمود و نامه بحسن صباح<sup>۱۱۷</sup> نوشته بقزوین فرستاد و نامه بسیاه گوش ابن خاند سنانی<sup>۱۱۸</sup> نوشته که چون نامه من بشما رسید باید که دمار از ابو ترابیان برآرند و نگذارند که یکنفر از آنها از سارقمش زنده بیرون روند چون نامه آن ملعون با آن خارجیان رسید راهداران

۱۱۵ - عین این قصه را در مورد امامزاده ابراهیم بابلسر نیز ذکر می کنند و حتی در زیارتname او معروف بد « ابراهیم ابو جواب » است . ۱۱۶ - محمدخان شیانی از ۹۰۵ تا ۹۱۶ هجری در هاورا، النهر حکومت داشته و زمان او با زمان حکومت مأمون سازشی ندارد . ۱۱۷ - حسن صباح است نه صباح و این هر دو در رجب ۴۸۳ بر هند حکمرانی نشته و در شم ربيع الاول سال ۵۱۸ از دنیا رفته است . دوران حکمرانی او نه با مأمون سازش دارد و نه با محمدخان شیانی . ۱۱۸ - سیاه گوش بن خالد سنانی شخصیتی تاریخی نیست و مردی افسانه ایست .

مقرر گردند که نگذارند امامزادگان بیرون روند راهداران راهها را  
گرفته نگذاشتند که ایشان مدت شش ماه از سارقش بیرون روند  
امامزاده ابراهیم گفت ای برادران در خواب دیدم لشکر بسیار برسما  
آمدند و حرب عظیم در پیوست چون روز شد محمد شیانی ملعون  
بقرب چهل هزار کس از خارجیان با علمهای کبود و زرد و سیاه برس  
امامزادگان ریخته بنای محاربه شد و از تعاقب ایشان سیاه گوش  
سنانی ملعون بقرب سی چهل هزار کس واژ عقب او حنث صباع  
فروینی با قرب چهل و پنج هزار از ملحدان الموت رسیدند و منافقان  
هر دیار با امامزادگان برانگیخته جنگ عظیم برپا نمود امامزاده  
ابراهیم چندان محاربه وقتال نموده و از خوارج بقتل رسانیده که  
جای اسب تاختن نبود و امامزادگان بقدر شهزادگان از آن فامردان  
را واصل بدرک نمودند و عبد الرحمن نام که سرکرده ملحدان الموت  
بود<sup>۱۱۹</sup> بدست امامزاده ابراهیم مقتول گردید مدت شاهادت مردمان  
شهریار برای رسانیدن اخبار نمیتوانستند آمدورفت نمایند تا آنکه  
در شب برسر امامزادگان تاخت و تاز آورده و ایشان را مغلوب نمودند  
و متفرق گردند بعضی از ایشان را بشرح جدول در قراء مقتول نمودند  
و شخصت نفر از آنها را در ساروقمش شهریار بدرجۀ شهادت رسانیدند  
و سرهای ایشان را جدا نموده و عنون بن امام موسی علیه السلام را  
مقید کرده نزد مأمون ملعون فرستاده بعداز آن امامزاده ابراهیم که  
مهتر ایشان بود با والده آن و امامزاده یحیی با چند تن از امامزادگان  
وارد دارالمرز شهر آمل<sup>۱۲۰</sup> شدند و جدال و قتال تا غایتی نمودند

۱۱۹ - تاجانی که تاریخ گواه است چنین نامی هیان سرکردگان اسماعیلیان الموت نداریم.

۱۲۰ - ظاهرا : وارد دارالمرز و شهر آفل شدند .

آخر الامر از شقاوت گریم بدتیر ۱۲۱ آملی و حن دئیس ۱۲۲ با طایفه رئیسیه و ابوالقاسم نام کاردگر باطوابیف خود و بعضی از طوابیف آملی باعامت و ماری یکدیگر امامزاده ابراهیم را باسایر امامزادگان که بودند در موضع لله پرچین آمل بدرجۀ رفیعه شهادت رسانیدند لعنة الله علی قاتلهم الى يوم الدين وبعد از شهادت ایشان توفیقات سبحانی شامل حال و کافل احوال سعادت مآل عالیشانان سیادت پناهان سلالة الاعیانان آقابده الله و نامدار ولدمرحوم درویش حاجی نام کلامها خراسانی الاصل مدعو بکشفکر و قاضی گردیده ۱۲۳ از جهۀ رونق اسلام و رعایتشان دین حضرت خیر الانام و همراهی واعانت بدو دعائیین و ماهرین صلوات الله علیهم اجمعین روضه و بقعة شریفه بجهة امامزادگان و ساکنان اعلی علیین برپا نموده بخدمات تمام بقعة شریفه را با تمام رسایده بعد از اتمام روضه منوره و بقعة متبرکه جناب سیادت اتساب اجل السادة شیخ بهاء الدین سهروردی لعنة الله علی الحجاج که بعضی از راه تقهی و خوف آنملعون از صاحبان نسب خارج النسب گردیدند متولی امامزاده معصوم زاده شیخ مزبور را نمودند و بعد از آن نسلا بعدها نسل و بطنان بعد بطن تویلت و

۱۲۱ - بدتیر تبدیل و تصحیحی است از نام خاندان قصیمی در هزاران به نام « بتیر » و بتیر کلا در کمرود نور محل بیلاقی این خاندان است که ایشان هم امروز تبدیل به « بظاهر کلا » گردیدند تا نسبت بدتیری و قتل امامزادگان از ایشان برداشته شود .

۱۲۲ - رئیس از خاندانهای قدیمی جلگه هزاران است و ثورت ایشان از سن ۹۰۰ هجری پس بعد است (نگاه کنید بدتاریخ خاندان مرعشی هزاران تألیف میرتیغور مرعشی) .

۱۲۳ - چنانکه از کتبیه صندوق بر می آید هیچیک از بانیان سید نبوده‌اند . یکی از آنها خواجه نامدار این درویش حاجی کفشه‌گر است و دیگری عبدالله بن شاه حسین قاضی محرومه طبرستان . یکی پدریش حاجی کفشه‌گر و دیگری شاه حسین است و برادر یکدیگر هم نبوده‌اند تا پران درویش حاجی باشند و خراسانی الاصل بودن ایشان هم بر ما روشن نیست .

خدمتگذاری و چراغچی گری و حراست و پاسبانی و کلیدداری  
باقعه متبرکه را باولاد ذکور شیخ مزبور فرار داد و واگذار نمودند  
که تولیت و خدمت باقعه متبرکه از اولاد جناب شیخ سابق الالقاب  
الی یوم یقوم الحساب باید منقرض و خارج شود و قریب سروکار  
درهم کلا و شیروانی محله و دو دانگ از جمله سه دانگ قریبهداران -  
سرویک قطعه با غچه طاس گرم محله و هیجده جریب زمین مزروعی که  
در جنوب امامزاده مکرم است واقعه در سمت غربی مفوض بجناب شامخ  
الالقاب شیخ مزبور و اولاد ذکور مومن ایله شده که همه ساله منافع املاک  
و مداخل قراء مزبور را دریافت نمایند و بمصارف روشنائی و تعمیر  
باقعه متبرکه نمایند مخالفت کننده فقرات مزبور بلعنت و سخط الهی  
و عدم شفاعت جناب رسالت پناهی گرفتار آید و هر که از محبان و  
دوستان خاندان طیین و طاهرين موقوفات مزبور را تغییر و تبدیل  
نماید یا آنکه امر تولیت را از دست جناب شیخ مزبور و اولادهایرون  
آورد گرفتار سخط و نیران خداوند جبار و عدم شفاعت رسول مختار  
و اولاد اطهار آن باشد و هر که بدون معاذیر شرعیه خلاف کند در  
روز قیامت در عرصات محشر در مقام عدالت خداوند دادگر از  
قاتلین آن بزرگواران باشد و بعد از اقراض اولاد و ذریه شیخ  
مزبور امر تولیت مفوض بعلماء عصر بلدمزبور است فمن بدله  
بعد ماسعه فانما ائمه علی‌الذین ییدلو نه و کان ذالک تحریر افسی ششم  
شهر رجب المرجب من شهر نهصد و بیست و شش من الهجرة النبویة

۹۲۶ والسلام على من اتبع الهدى و نهى النفس عن الهوى

[جای دومهر]<sup>۱۲۴</sup>

۱۲۴ - هری چهار گوشه بزرگ با خط طغری که سمع آن : یا ابا عبد الله ادر گنی است .  
و دیگری هری بیضی نزدیک به گرد با خط نستعلیق که سمع آن : اتوکل علی‌الله عبده  
نامدار . این دو تن واقعیان رقبات موقوفه هستند .

این وقناهه جعلی به نظر می‌رسد زیرا که واقعان یعنی خواجه نامدار پسر درویش حاجی کفشه و عبدالله بن شاهحسین که قاضی محروسه طبرستان بوده است نسبتی با یکدیگر ندارند در صورتیکه در متن وقناهه این دو تن برادرند. عجیب است که پای این وقناهه بسی اساس را چگونه این دو تن مهر کردند و مهرهای آنان نیز ظاهرآ جعلی است.

#### اسناد و فرمانها درباره امامزاده ابراهیم

۱ - سند مورخ رجب سال ۹۶۲ شامل سرگذشت امامزاده ابراهیم و شرح رقبات موقوفات امامزاده و تعیین شیخ بهاءالدین سهروردی به تولیت آنجا (در دو نسخه).

۲ - عرضه داشت شیخ سعدی نامی درباره اینکه من متولی و کلیددار و چراغی ام پنج جرب شلوکزار جنب امامزاده ابراهیم موقوفه قدیمی ما است به انضمام قطعه زمین خشکه بابت وظیفة استمراری، ممکن است به علت سرشماری متعرض ماگر دند و متذکر می‌گردد که املاک موقوفه این امامزاده در زمان صفویه جزء موقوفات به حساب می‌آمد و در زمان نادرشاه جزء ابواب جمعی شده است. تعلیقهای برخایی این عرضه داشت که دستور می‌دهند مالیات از ایشان نگیرند (نسخه رونوشت است).

۳ - فرمان فتحعلی شاه مورخ شوال ۱۲۴۹ که به فرزند خود محمدقلی میرزا مملک آرای دارالملک طبرستان و جرجان می‌نویسد که چون بحسب شرع و فرامین لازم الاتبع سلاطین تولیت امامزاده واقع در بلده آمل یعنی امامزاده ابراهیم به عهده ملا شیخ خعلی دلارستاقی بوده واو در گذشته است تولیت را به پسرش ملامحمد که شایستگی دارد داده شود و سالانه دو تومان و هشت هزار دینار از بابت منال موقوفات برای مصرف روشنائی صرف شود.

۴ - حکومت نامه به امضای علمای آمل مورخ ۱۲۷۴ چون میان متولیان اختلاف و مشاجره واقع شده بود برای رفع اختلاف تولیت را به آقا شیخ محمد

داده‌اند و دیگران را از مداخله منع کرده‌اند.

سچ مهرهای این حکومت نامه:

الوائق بالله الغنی عبد‌الحسن الحسينی لاریجانی ، عبد‌الراجحی محمدشفیع ، عزم قمع و ذل من طمع محمد صادق موسوی ، عبد‌الراجحی یوسف موسوی .

۵ - مشاجره برسر تولیت امامزاده ابراهیم و برگذاری تولیت آن به شیخ محمد در عشر ثالث جمادی الاولی سنه ۱۲۷۴ .

۶ - درباره برگذاری مشهدی رجیلی بقال ترکه خود را به زن خود و وکالت دادن به آقا شیخ محمد متولی امامزاده ابراهیم در فروش آنها مورخ ۱۲۷۶ .

۷ - سندي درباره تولیت امامزاده و برگذاری آن به ملا شیخ علی از طرف علماء و بزرگان آمل .

مهرهای ذیل سند: زین العابدین ، محمدحسن ، محمد ، ابو القاسم ، ابراهیم موسوی ، محمدزکی موسوی ، محمد ریع موسوی ، ابو القاسم ، علیردان موسوی .

۸ - درخواست برقراری وظیفه دو تومن و هشت هزار دینار تبریزی به موجب فرمان خاقان و ثبت کتابچه مازندران درباره ملامحمد متولی امامزاده ابراهیم .

۹ - سندي که به خدام امامزاده ابراهیم دستور داده شده که بدانند ریش سفیدی امامزاده با شیخ محمد است. او حاصل از عایدات را صرف کند و امر تقیم به عهده او باشد و امر تقسیم هفتہ را از میان بردارند .

۱۰ - عده‌ای می‌گویند که ملک بلده که واقع در بلده طبیه امامزاده ابراهیم است وقف بر امامزاده است. از این رو سروکار آن را به شیخ اسماعیل و شیخ محمد واگذار کرده‌اند که منافع آن را صرف امامزاده کنند .

مهرهای ذیل سند:

یوسف - محمد باقر - جعفر قلی - اسماعیل - محمدقاسم - محمدشفیع -

- محمد رضا - مسید ابراهیم - نصرالله موسوی - محمد هاشم - محمد علی .
- ۱۱ - سندی که در آن آقای سید مهدی و مشهدی ماه خانم در سال ۱۳۰۸ قمری تمامی حقوق گلبداری خود را به آقا شیخ طیب دلارستاقی متولی به مال المصالحه مبلغ بیست و همان باید کرده است مصالحه کردند .
- ۱۲ - بیست و هفت سؤال و جواب فقهی به عربی به مهر احمد بن زین العابدین .  
(عکس‌های شماره ۴۰ و ۴۱ و ۴۲)

مسجد میرزا محمد علی یا مسجد نیاکی  
در نیاکی محله آهل متصل به تکیه نیاکی

دیوار شمالی مسجد شامل چهار فیلپا است که دو فیلپا آن در دیوارهای شرقی و غربی است. فواصل فیلپاهای را طاق زده‌اند و پنجره‌های چوبین با خنگ‌گهای جناقی نصب کرده‌اند. وسط مسجد ریخت امتداد دو فیلپا به ابعاد ۱۱۰ سانتیمتر است. دوستون چوبین قدیمی تکیه را که سرتونهای زیائی دارد به تازگی جلو ایوان جدید البناء مسجد گذاشته‌اند. تکیه قدیمی متصل به مسجد را که رایینو از آن یاد کرده است<sup>۱۲۰</sup> یکره خراب کرده و تکیه‌ای نوساز عظیمی که پولهای گزارف صرف آن شده است به جای آن ساخته‌اند یک طرف تکیه و مسجد باغ مرکباتی متعلق به مسجد است.

بالای سر محراب مسجد قدیمی تخته‌ای به درازای ۱۳۰ و پهنای ۵۰ سانتیمتر است که تکیه‌ای با خط نتعليق خوش بر آن حک شده است .

این عبارات واشعار بر آن خوانده می‌شود :

هوا لا يقف على الضباب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي وقف الازواج لجوده والاشباح لوجوده

والصلوة على محمد الذي قرب الله بجوده وعلى آل الذين لا يبعدون عن  
حدوده اما بعد هر چند نفحات سعادت همیشه از مهاب فتوحات  
ایزدی وزان و رشحات رحمت پیوسته از سحاب فیوضات سروری  
ریزان ولی تاغنچه خاطر از خارشقاوت دور به نشکفده و تا صفحه  
ضمیر از غبار خیانت مهجور و خرم نشود بناء عليه چون اصل وجود  
بیست آمود گلبرگ بوستان سعادت و سیادت اعنی عالیجاه رفیع  
جایگاه میرزا محمد علی که از نل پاک و اهل نیاک وقف مؤبد نسوداین  
دو باب مسجد و تکیه نکو بنیاد را بر کافع عباد محض الله و مطلب المرحمات  
فی سنة خس و خسون و مائان بعد الف سنة ۱۲۵۵ .

این پاکجاه سجده گه خاص و عام شد  
از اصل پاک پایگه آن تمام شد  
چون شد تمام معنی دارالخلود از او  
ظاهر چنانکه صورت دارالسلام شد  
این سجدگاه پاکگه نورش جلی بود  
وز ذکر حق به گردن سورش حلی بود  
یعنی است پیز رحمت و مالک در آن خدای  
هم واقع شد هر محمد علی بود ۱۲۵۵

### حمام نیاکی

در نیاکی محله نزدیک تکیه نیاکی

این حمام بهراه و پرکار است و شامل سرینه و رختکن و سردخانه و  
گرمخانه است و عواید آن وقف بر تکیه نیاکی است .

### منزل آقای مستوفی

در نیاکی محله آهل

این منزل ظاهراً در زمان ناصرالدین شاه یکی از مرآکز تجمع بایان بوده

و گروهی از سران ایشان نیز در این خانه به قتل رسیده‌اند. امروز این خانه مورد احترام ایشان است و به زیارت آنجا می‌آیند.

دارالحكوهه سابق = منزل آقای سلیمان احمدیان  
در نیاکی محله آمل

این خانه امروز در تصاحب آقای سلیمان احمدیان است. بر دیوار باقیمانده قدیم نقش و نگار سر و گج بری شده است.

منزل آقای علی محمد شفائی  
در نیاکی محله آمل

این خانه یکی از زیباترین خانه‌های شهر آمل است. بنایی است دوطبقه از دوران قاجاریه با پنجره‌های چوبین مشبك پر کار و ظرف و پنجره‌های ارسی مشبك با شیشه‌های رنگین و گچ بری‌های زیبا و خوش نقش. (عکس شماره ۴۳ و ۴۴)

منزل آقای محسن منفرد  
در نیاکی محله آمل

خانه‌ایست دوطبقه که در طبقه دوم ایوان و تابستان نشینی دور بنا می‌گردد تکائل این ایوان پر کار است و ظرافتی دارد. (عکس شماره ۴۵ و ۴۶)

خانه آقای صحت  
در نیاکی محله آمل

از بناهای اوخر دوران قاجاری است. بنایی سه‌طبقه که نمای خارجی هر طبقه دارای چهار در است که بالای آنها پنجره‌های نورگیر مشبك دارد بر جرزهای گچ بری رنگی است.

## خانه آقای درزی

در نیاکی محله آهل

بنائی است متعلق به زمان قاجار . نمای عمارت سه پنجره ارسی با شیشه های رنگین و دو پنجره ارسی مشبك کاری با آلت های ظریف ، پنجره های مدور نورگیر مشبك بالای درها بسیار ظریف است . جرزها تمام گچ بری رنگین بسیار ظریف دارد .

## بسیاری و قیه

در نیاکی محله آهل

اطاقی است چهار گوشی با صندوقی ساده چوبین و دری و رویی چوبین ساده .

مشهد هیربزرگ<sup>۱۲۶</sup> = مقبره هیر قوام الدین مرعشی

در کار دگر محله یا محله مسجد جامع آهل

میر قوام الدین در محرم سال ۷۸۱ فوت شد . جد او را از بار فروش ده (بابل) بادوش به آمل آوردند . محله ائمی که تابوت او را بر زمین گذاشتند به نام «زارت میروزان» معروف شد و مردم زارت می کنند . در آمل به مخاک سپرده شد و قبه ای عالی برای گور او ساختند<sup>۱۲۷</sup>

پس از تسلط امیر تیمور بر صفحات مازندران و تعیین جمشید قارن غوری (۷۹۵-۸۰۵ ه . ق) و اسکندر شیخی چلاوی به حکومت آنجا ، اسکندر گه نسبت به سادات کینه در دل داشت ، مردم آمل را به ویران کردن بارگاه میر قوام الدین فرمان داد . از آمليان کسی تن به اين کار نداد . اسکندر دست به دامان مولانا قطب الدین لاهجی - جدمولانا قطب الدین لاهجی - شد و او برای

۱۲۶ - در تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۷ و ۲۷ نام این مشهد آمده است .

۱۲۷ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ در ن ص ۴۰۹ .

رام گردن مردم شخصاً به سر مقبره میر قوام الدین رفت و با دست خود گلنگ را گرفته بر قبة آرامگاه میر قوام الدین فرود آورد. باز هم کسی از او پیروی نکرد مگر گروهی از مردم زبون که اجباراً با ییل و گلنگ بنای بقعه او را ویران و هموار ساختند.<sup>۱۲۸</sup>

سید علی ساری پس از آنکه آمل را از دست سید علی سیاه شاه آمل بیرون آورد به سید قوام الدین بن سید رضی الدین داد و گند میر بزرگ را که اسکندر شیخی شکافته بود و درویشان اندک عمارت بر بالای آن کرده بودند باز درویشان به ساختن قبة عالی رغبت می نمودند و پیار خشت و ساروج هم جمع شده بود بفرمود تا بنیاد گند و استادان بنا را به سر کار بازداشت و در سال ۸۱۴ هـ ق. تمام شد.<sup>۱۲۹</sup>

بسیاری از سران و بزرگان خاندان مرعشی در اطراف مرقد میر قوام الدین و در اطرافهای اطراف بنای اصلی به خاک سپرده شده‌اند. سید علی آملی یکی از آنهاست. هنگامی که او از سید علی ساری شکست خورده به زاغ سرا در تنکابن افتاد و در سال ۸۲۵ قمری فوت شد. جسد او را در همان زاغ سرا به خاک سپرده‌ند و دو سال در آنجا مدفون بود. آخر الامر درویشان آمل جسد او را آورده در زیارت سید قوام الدین بزرگ دفن کردند.<sup>۱۳۰</sup>

بنای فعلی را شاه عباس اول که یکی از نواده‌های دختری میر بزرگ است ساخته است.

هولمز در سال ۱۲۶۰ هـ ق. می‌نویسد:

تنها بنای معظمی که جلب نظر هنری را گرده و او جزئیاتش را  
ضبط کرده مقبره میر قوام الدین مرعشی است.<sup>۱۳۱</sup>

۱۲۸ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ درن ص ۴۳۸ . ۱۲۹ - همین کتاب ص ۳۳۰ . ۱۳۰ - تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۳۵۰ و ۳۸۳ .  
Holmes, W.R. : Sketches on the Shores of the Caspian. London, 1945.- ۱۳۱ P. 162.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان، مازندران و آذربایجان ص ۳۴ و ۳۵ .

### ملگنوف مشهدمیربزرگ را مسجد میرقام الدین خوانده و درباره آن

می‌نویسد :

مسجد میربزرگ قوام الدین با گنبدی نیکو و حجره انشتگاه خود، گویند زیرزمینی است که خزینه او بوده، خامطمان آنجا گردگردیده‌اند. شاه عباس به ادعای خوبی و مصادرت آن مسجد را مرمتی کرد. گبدهش از زلزله ویران شده گویند ۱۵ من ورق طلا از آنجا کندند.<sup>۱۳۲</sup>

ناصر الدین شاه در محرم سال ۱۲۸۳ قمری از این‌بنا دیدن کرده و به دستور او عکاس مخصوص عکسی از این‌بنا از سمت شرق برداشت که در آلبوم شخص او محفوظ است<sup>۱۳۳</sup> و زیر آن نوشته است :

مقبره میربزرگ که معروف است یکی از خوشان صفویه بوده است.  
محرم ۱۲۸۳ در آمل. (عکس شماره ۴۷)

محمدحسن خان اعتماد‌السلطنه مشهدمیربزرگ را مقبره میرزا بزرگ وزیر شاه عباس شناخته و درباره آن نوشته است :

از بازار که خارج شدم ساختمان کهنه‌ای به نظرم آمد پرسیدم گفتند مقبره میرزا بزرگ وزیر شاه عباس است.<sup>۱۳۴</sup>

در آمل پس از دقت زیاد مقبره‌ای به نام مقبره میرزا بزرگ نیافتم و مسلماً منظور اعتماد‌السلطنه مشهدمیربزرگ است که دوران حیات او با زمان سلطنت شاه عباس هیچ‌گونه تزدیکی ندارد.

دمرگان در سال ۱۳۰۷ قمری این‌بنا را مورد بررسی قرار داده و درباره

آن نوشته است :

جالب‌ترین بناهای تاریخی آمل، بدون تردید مرقد میربزرگ

۱۳۲ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۷ ب .      ۱۳۳ - عکس شماره ۷۶۰۸ کتابخانه

مرکزی دانشگاه تهران از روی آلبوم ناصر الدین شاه .      ۱۳۴ - روزنامه خاطرات  
اعتماد‌السلطنه ص ۵۳ .

است. این بنا در غرب بازار فعلی استواز آجر بانمای کاشی آبی رنگ ساخته شده است.

نمای بنا یک در بزرگ در وسط و دو در کوچکتر در سمت چپ و راست آن است که اطراف آنها را یک حاشیه کاشی مینار نگ باخط گویی احاطه کرده است.

سالن بزرگ وسط مربع است و در چهار ضلع آن چهار در ورودی است. کاشیهای دیوارهای این اطاق زمینه‌ای زرد و حاشیه‌ای خاکستری رنگ دارد و ارتفاع آن به ۲۴۰ سانتیمتر می‌رسد. در گمر بند گنبد کتیبه‌ای از آیات کلام الله مجید است که باخطی سفید روی زمینه آبی نوشته‌اند.

می‌گویند گنبد فعلی که تقریباً سراسر آن تعمیر و ازنوساخته شده است سابقاً از خارج پوشیده از ورقه‌های قره بوده است.

در چپ و راست تالار مرکزی، اطاقهای کوچکتر است که دیوارهای آنها با کاشیهای زمینه زرد و گلهاي ظریف تزئین شده‌اند. اطاقهای زیر امروز وضع بسیار بدی دارند. در گذشته تزیینات این اطاقها بسیار مجلل و عالی بوده است.

سابقاً نزدیک بنای میر بزرگ قصری که زمین بر جسته مربع شکل آن تا امروز برقرار است وجود داشته است. اهالی می‌گفتند در محلی که امروز رودخانه جاری است بنای بسیار مهمی یافت می‌شد که بر اثر طغیان رودخانه یکره از جای کنده شده و با تمام ظرائف و زیبائیهای آن بدهان سیلان فرو رفته است.»<sup>۱۳۰</sup>

دمرگان عکسی از این بنا برداشته و مطرحی زیبا از نمای اصلی آن با نقشه‌ای از سطح بنای کشیده است. (عکس شماره ۴۸ و ۴۹ و ۵۰)

رابینو در سال ۱۳۳۰ قمری درباره مشهد میر بزرگ چنین نوشته است:

مشهد میر بزرگ مزار میر قوام الدین مرعشی (۷۸۱ هجری) است. او سریلۀ ساداتی است که از سال ۷۶۰ - ۹۸۹ قمری در مازندران حکومت داشتند. این امامزاده شامل بنائی چهارگوش آجری است که مدخل آن در سمت جنوب است و در سه طرف دیگر آن سه املاق است که طول هر یک در حدود هفت متر است و بنائی هشت ضلعی که بیار ویران شده و سبزه و گیاه بر آن رسته است براین بنای چهارگوش است و بالای همه برجی مدور است که به گنبدی کوتاه منتهی می‌شود گویا سراسر بنا با کاشیهای الوان سرخ و سبز و آبی و زرد و ارغوانی که طرحهای مختلف داشته‌اند پوشیده بوده است. پاره‌ای از این کاشیها بر بالای مدخل تا امروز باقی است.

قسمت داخلی بنای مرقد میر قوام الدین است زیبا و باعظم است. داخل بنا حاشیه‌ای از کاشی‌آبی رنگ دور بنا در زیر گنبد دیده می‌شود. مرقد در وسط و صندوقی بزرگ چوبین آن را پوشانیده است که فعلاً چهارچوبه واستخوان بندی آن باقی است. براین چهارچوب ابیاتی از هفت بند محتشم با خطی خوش حک شده و حروف آن مذهب است. زمینه کتیبه‌ریگ آبی سیر دارد.<sup>۱۲۱</sup> مشهد میر بزرگ در شمال غربی شهر نزدیک سبز میدان است و بر اثر زلزله و سی در کار تعمیر رو بورانی است. (عکس شماره ۵۱)

در فهرست بناهای تاریخی، مشهد میر بزرگ در محله سبز میدان آمل دانسته شده و درباره آن چنین نوشته شده است:

بنای کوئی بقیه مشهد میر بزرگ که در وسط محوطه‌ای مشجر و حسینه‌ای واقع شده است از ابینه قرن یازدهم هجری به شمار می‌آید. از جهت وسعت

ساختمان و دارابودن گنبد و سر در و کاشی کارهای زیبا و صندوق چوبی نفیس در عداد این نیمه مشهور تاریخی مازندران است. در روی صندوق چوبی مرقد تاریخ سال ۱۰۳۳ هجری ثبت شده است. در زیر گنبد و شبستانها و اطاقهای جنبین و سر در مقبره و رو دی جرزهای آن قطعات کاشی صفوی باقی مانده است. همچنین مقداری از کتیبه کربندهای داخلی گنبد نمایان است. در تیجه تعمیرات اساسی که در این بقعه به عمل آمده هسته مرکزی بنا حفظ شده است. بنای کنونی از ساختمانهای زمان شاه عباس اول صفوی میباشد.<sup>۱۳۷</sup> این بنا به شماره ۵۹ ثبت تاریخی شده است.

#### وضع کنونی مشهد میربزرگ

بنای اصلی از داخل چهار گوش و به ابعاد  $۹۵۰ \times ۹۳۵$  سانتیمتر است در هر ضلع صفحه هائی به پهنای ۳۰۷ و عمق ۱۱۵ سانتیمتر است. ازارهای از کاشی به بلندی ۱۹۰ سانتیمتر که متن کاشیها زرد و اسلامیهای آبسی رنگ روی آن نقش کرده اند، داخل صحن اصلی است. چهار کنج بنا را چهار گوشوار زده اند و چهار گوش را به هشت ضلعی رسانیده و گنبدی دور بلند بر این دایره زده اند. کتیبه ای زیر گوشواره است که آیاتی از کلام الله مجید و حدیثی از امیر المؤمنین علی علیه السلام با خطی سفید تلث برقاشی آبی دیده می شود. مقداری از این نوشه ها باقی بود.

بِرَضْلَعِ شَرْقِيِّ ..... فِي اجَادِهِم ..... الشَّوَاب  
بِرَضْلَعِ شَمَالِيِّ : قَالَ امِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ التَّقِيُّنُ ..... صَف  
غَضْوَا بِأَبْصَارِهِم ..... الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِم ..... وَاهِ  
مَا ذَاعَ عِنْهُم ..... بِهِمْ مَخْزُونٌ ..... سُرْرَمَرْفُوعٌ .....  
وَاجْسَادُهُمْ نَحِيفَهُ وَبِهِمْ

بِرِ اَضْلَاعِ غَرْبِيِّ وَ جَنْوَبِيِّ از کاشیهای کتیبه آثاری برجای نبود.

متصل به ضلع غربی دو اطاق و متصل به ضلع شالی سه اطاق ویک راهرو است. گند از خارج مدور بود در تعمیرات سال ۱۳۵۶ شمسی آذرا به هرم مربع القاعده تبدیل کرده بودند. کمریند گند از خارج هشت ضلعی دو بدو برابر است. ضلع بلند آن ۲۸۰ و ضلع کوتاه آن ۱۹۸ سانتیمتر است. واژ خارج کاشی کاری است. بر کاشیها با خط کوفی بنائی علی و محمد و لا اله الا الله نوشته شده است. کاشیکاری اضلاع، مختلف است و هیچگونه شباهتی به یکدیگر ندارد. (عکس شماره ۵۲ و ۵۳)

سردر ورودی مشهد میربزرگ کاشیکاری ظریف داشته که بیشتر آنها را کنده و به سرفت برده‌اند. در کنیه بالای سردر با خط کوفی بنائی عبارات زیر باخطی سیاه بر روی زمینه زرد بر کاشی نوشته شده است:

[سبحان الله] والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر  
ولاحول ولا قوة الا [بالله]

سنگی چهار گوش به ابعاد  $60 \times 50$  سانتیمتر بر دیوار در ورودی تکیه داشت. «بسم الله الرحمن الرحيم» در دوجهت بر آن حک شده بود. (عکس شماره ۵۴) صندوقی چوبین وسط بنای اصلی است درازای آن ۲۸۶ و پهنایش ۱۵۶ و بلندی آن ۱۶۴ سانتیمتر است. این آیات از کلام الله مجید و احادیث برآن حک شده بود:

آیات و احادیث نبوی که بر صندوق مزار میربزرگ حک شده است:

بر قسمت بالای بدنۀ جنوبی:

بسم الله الرحمن الرحيم يس - تا - اذار سلنا

بر قسمت بالای بدنۀ غربی:

اليهم اثنين - تا - قوم مسرفون

بر قسمت بالای بدنۀ شالی:

وجاء من اقصى المدينة - تا - لهم الارض السية احياناها

بر قسمت بالای بدنه شرقی :

و اخراج نامهای جا - تا - کالمر جون القديم<sup>۱۲۸</sup>

بر طرف چپ بدنه جنوبی از بالا به پایین :

لا الشس رب غی - تا - من مثله مایر کبوون<sup>۱۲۹</sup>

بر قسمت پایین بدنه جنوبی صندوق :

وان نشان غرقهم - تا - ما وعد الرحمن وصدق المرسلون<sup>۱۳۰</sup>

بر قسمت پایین بدنه غربی :

ان كانت الاصحية - تا - اليکم يابنی آدم<sup>۱۳۱</sup>

بر قسمت پایین بدنه شمالی :

ان لا تعبدوا الشيطان - تا - لهم فمنمار كوبهم و<sup>۱۳۲</sup>

باقي قسمت پایین بدنه شمالی صندوق به سرقت رفته است.<sup>۱۳۳</sup>

بر پایه دست چپ بدنه شرقی از بالا به پایین :

جعل لكم من الشجر - تا - اليه ترجعون<sup>۱۳۴</sup>

بر پایه دست راست بدنه شمالی از بالا به پایین :

قال النبي صلى الله عليه وآلہ وسلم كنت أنا وعلي ابن أبي طالب نوراً بين أيدي الله

قبل أن يخلق الله آدم عليه السلام أربعين عشر الف عام فلما خلق الله ذلك

قسم النور جزئين فجزء، أنا فجزء، على

بر پایه سمت چپ بدنه غربی از بالا به پایین :

قال رسول الله صلى الله عليه وآلہ وسلم من أحب أن يحيى بعيوني ويعوت ميتي

وسكن جنة الخلدة التي وعد ربى عزوجل [و] غرس قضبانها يده فليتول

۱۲۸ - سوره یس ۲۳ از آیه یک تا آخر آیه ۳۸ . ۱۳۹ - سوره یس ۲۳ انتهاي آیه : ۴۱ . ۱۴۰ - سوره یس ۲۳ ، انتهاي آیه : ۵۱ . ۱۴۱ - سوره یس ۲۳ ، اواسط آیه : ۵۹ . ۱۴۲ - سوره یس ۲۳ ، اواسط آیه : ۷۱ . ۱۴۳ - از اواسط آیه : ۷۱ تا آخر آیه ۷۸ و يات کلمه « الذي » از آیه ۷۹ به سرقت رفته است .

۱۴۴ - سوره یس آیه : ۷۹ تا آخر سوره .

علی بن ابی طالب .

برپایه طرف دست راست بدنه غریب از بالا به پایین :

قال النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فاطمة مهجت قلبی و ثمرة  
فوآدی ابناها و بعلها نور بصیری والائمه من ولدہا من اجل مسدود  
بین الله و بین خلقه من اعتصم بهم نجاومن تحفظ عنہم هوا .

برپایه سنت جب بدنه جنوبی صندوق از بالا به پایین :

قال رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اذ علیاً منی و انما من علی  
هرو لی کل مؤمن و مؤمنة بعدی لا يؤتی دی عنی الا انما على ولکل نبی  
وصی و وارث و وصی و وارثی على .

برپایه سنت راست بدنه شرقی از بالا به پایین :

قد اتفق الفراغ من اتمام هذا الصندوق المبارك في شهور سنة  
ثلاث و ثلاثين بعد الف من هجرة النبوة المصطفويه عليه و وصیه  
و بیته الصلوة والسلام والتحیة كتبه الحاج الفقیر الى الله الغنی  
محمد الحسینی لاهجی . (عکس شارة ۵۵)

چند سنگ گور در حیاط مشهد میر بزرگ به شرح زر وجود داشت که  
در بازدید سال ۱۳۵۶ شمسی نشانی از آنها نیافتنم :

۱ - لیه سنگ مدوری که اطراف آن نامهای چهاده معصوم بهاین شرح حک  
شده بود :

اللهم صلی علی محمد و علی وفا طه و حسن و حسین و السجاد والباقر  
والصادق و الکاظم والرضا والتقي والتقي والعکری والقائم  
صاحب الزمان .

وسط آن طرحی محرابی با دو خط تقریبی بودند ولی نام متوفی در این  
طرح محرابی کنده نشده بود . (عکس شارة ۵۶)

۲ - لیه سنگ رودخانه‌ای مدور دیگری که در وسط نام «محمد» حک شده

و اطراف این قام را بهشت قست تقسیم کرده و کلمات زیر را در آنها کنده‌اند :

سبحان - الله - والحمد - الله - ولا إله - إلا الله - والله - أكابر -

بر حاشیه مدورستگ قسمی از آیةالکرسی و آیات دیگر به این ترتیب  
حلت شده است :

الله لا إله إلا هو الحسنى القيوم وهو الحسنى القيوم إلله  
لا إله إلا هو الحسنى القيوم هو الله الذى لا إله إلا هو عالم الغيب والشهادة  
(عکس شماره ۵۷)

۳ - پهنهنگ رو دخانه‌ای بیضی شکل دیگری که بر حاشیه اطراف آن  
عبارات زیر حلت شده است :

قال النبي صلى الله عليه وآله وسلم يا ايتها النفس المطمئنة ارجعى الى ربك  
راضية مرضي فادخلنى في عبادي وادخلنى جنتى .

بر بالای متن سنگ این حدیث خوانده می‌شود :

الدنيا سجن المؤمن

زیر این حدیث سه بیت شعر است و پائین‌تر از آنها مطالب دیگری به چشم  
می‌خورد . قسمت‌هایی از این ایات به این شرح خوانده شد :

بحکم ..... خدای جلیل	بال سیصد ..... آخر تحول
بغفرانه ذی الحجه روز آذینه	که سوی جنت جاوید کرده است رحیل

(عکس شماره ۵۸)

۴ - سنگ سفید تراشیده دیگری که بر حاشیه آن صلوات کبیر بدین شرح  
حلت شده بود :

اللهم صل على النبى والوصى والبتول والبطين والسجاد  
و الباقر و الصادق و الكافل و على والتقى والنوى وحسن والمهدى  
در متن سنگ :

کل من عليهما فان وفات مرحمت پناه غفر [إن] آثار کربلائی علی

دو تر (?) بن مرحوم پناه . . . الصناع استاد حسن آملی سنه احمد و  
عشرین مائة والف من الهجره . [کذا] . (عکس شماره ۵۹)  
۵ - سنگ تراشیده مستطیل دیگری که چهار مصراج بر چهار طرف حاشیه  
آن به این شرح نقر شده است :

افوس که روح در بدن نیست مرا  
آن بلبل مت در چمن نیست مرا  
یاران و که خواهران مرا یاد کنید [کذا]  
رفتم سفری که آمدن نیست مرا  
بر متن سنگ عبارات زیر نقر شده است :

سکینه ولد [کذا] مرحوم مشهدی ابراهیم نیارستاقی زوج  
شاطر محمد خروی بتاريخ شانزدهم شوال المکرم سنه یکهزار و  
سیصد و چهل و شش هجری سنه ۱۳۴۶ (عکس شماره ۶۰)  
گلوله های ریختگی چند به محیط ۸۵ سانتیمتر و بیشتر ، در حیاط  
مشهد میر بزرگ است ، معلوم نشد به چه کار می آمدند .

#### اماوزاده تقی

#### در گرجی محله آهل

بنای اماوزاده و مسجد متصل به یکدیگر است و ایوانی سراسری جلو  
بنای بقعه و مسجد است . داخل بقعه صندوقی چوبین مشبك قبر را پوشانیده  
است بام سراسر بنا سفالپوش است .

#### مسجد گرجی محله معروف به مسجد امام

شبستان مسجد فضائی مستطیل شکل است که دو فیلیا در وسط آن است .  
حیاطی کوچک در جلو این شبستان است . چون مخارج تعمیر آن را محمد رضا  
داده است به نام «مسجد امام» معروف شده است . مهجوری در تاریخ

مازندران نام این مسجد را آورده است.<sup>۱۴۵</sup>  
در زمان راینو این مسجد روی در خرابی داشته است.<sup>۱۴۶</sup>

خرابه های باغ و قصر شاه عباس  
در گرجی محله آهل<sup>۱۴۷</sup>

راینو این خرابه ها را دیده و در سفر نامه خود یادی از آن گرده است.  
امروز اثری از آثار آنها دیده نمی شود.

آب انبار شاه عباسی  
در گرجی محله آهل<sup>۱۴۸</sup>  
در آمل کسی از نام و نشان این آب انبار خبری نداشت.

آب انبار امیر مکرم  
در گرجی محله آهل<sup>۱۴۹</sup>  
از این آب انبار قیز اثری بر جای نبود. شاید آب انبار امامزاده ابراهیم که  
شرح آن را نوشتیم آب انبار امیر مکرم باشد.

خانه آقای شهرزاد  
در گرجی محله آهل کنار شهر رود  
خانه آجری سه طبقه است. بالای درها نورگیرهای مشبك کاری ظریف  
دارد. چرخها گچ بری رنگین و نقاشی دارد.

۱۴۵ - تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۳۴۸ و ص ۳۳۹ . ۱۴۶ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد ص ۶۱ . ۱۴۷ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد راینو ص ۶۱ . ۱۴۸ و ۱۴۹ - ترجمه سفرنامه هازندران و استرآباد راینو ص ۶۱ .

خانه آقای هیرباز

در گرجی محله آمل

بر حاشیه بالای درهای طبقه دوم تقاضیهای قدیمی است.

خانه آقای هاشمی

در گرجی محله آمل

پنجه‌های نورگیر مشبك مدور بالای درها باشیشهای رنگین و آلت‌های  
ظریف بسیار استادانه ساخته شده است.

#### تکیه اسکیها

در محله اسپی کلای شهر آمل<sup>۱۵۰</sup>

این تکیه در خیابان فرهنگ مقابل اداره آموزش و پرورش بر جای است  
قسمت اصلی آن را نوسازی کرده‌اند. از آثار قدیمی آن سکوئی بلند است که  
جلو آن پنج ستون است. منبر تکیه سابق در اینجا بوده و محل معتبر تکیه به شمار  
می‌آمده است.

قسمتی از مسجد که پشت تکیه می‌افتد قدیمی است. باقی قسمتهای آن را  
نوسازی کرده‌اند.

حمام رفیع خان یاور

در محله اسپی کلای آمل<sup>۱۵۱</sup>

از این حمام قدیمی هیچ‌گونه اثری بر جای نیست.

مسجد ایرانیها = مسجد روحیه

در محله پل به یور شهر آمل<sup>۱۵۲</sup>

این مسجد بازدید شد، اثر تاریخی قابل توجهی نداشت و گوچک و ناچیز بود.

۱۵۰ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱. ۱۵۱ - همان کتاب

ص ۶۱. ۱۵۲ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۶۱.

### مسجدی قدیمی

در محله پل به یور بالاتر از پل قدیمی هراز

مسجدی قدیمی کنار هراز بالاتر از پل در طرف دست راست آب وجود داشت که در نوسازیهای زمان رضاشاه از میان رفت. ظاهراً این مسجد معروف به مسجد آقا عبدالکریم بوده است<sup>۱۵۳</sup> همچنین طرف دست چپ آب پایین‌تر از پل قدیمی مسجد قدیمی دیگر بوده که در همین نوسازیها خراب شد.

امامزاده قاسم بن دویس بن جعفر علیه السلام

دو محله چاکشی آهل

بنائی است هشت ضلعی از آجر که بر جدار داخلی هریک از اضلاع آن طاق‌نمایی ساخته شده است. پهنه‌ای هر ضلع از داخل ۱۷۵ سانتی‌متر است. سه پنجه نور گیر در شمال و غرب و جنوب بنا است. (عکس شماره ۶۱) در ورودی بقعه شرقی است که در حیاط بقعه باز می‌شود. صندوقی وسط بنا، گور امامزاده را پوشانده است. صندوق شامل قطعات مختلف چوب است که در جهات مختلف به یکدیگر کم و زیاد شده‌اند. بر یکی از این قطعات با مرکب سیاه و قلم نوشته‌اند:

عمل استاد حسین بن استاد خوشنام نوری

نوشته زیر بر طرف غربی صندوق بر یکی از تخته‌ها حک شده است:

خادم قدیمی درویش محمد بن درویش کمال الدین

مسجد امامزاده را اخیراً تعمیر کرده بودند.

بقعه شاه رضا

در آهل

مهجوری در تاریخ مازندران از این بقعه یادگرده است. ظاهرآکنار هراز طرف دست چپ بوده و بر اثر سیل از میان رفته است. اراضی این قسم معروف

به چاک<sup>۱۵۹</sup> شاه رضا است.

بختوار کوئی

در آمل<sup>۱۵۵</sup>

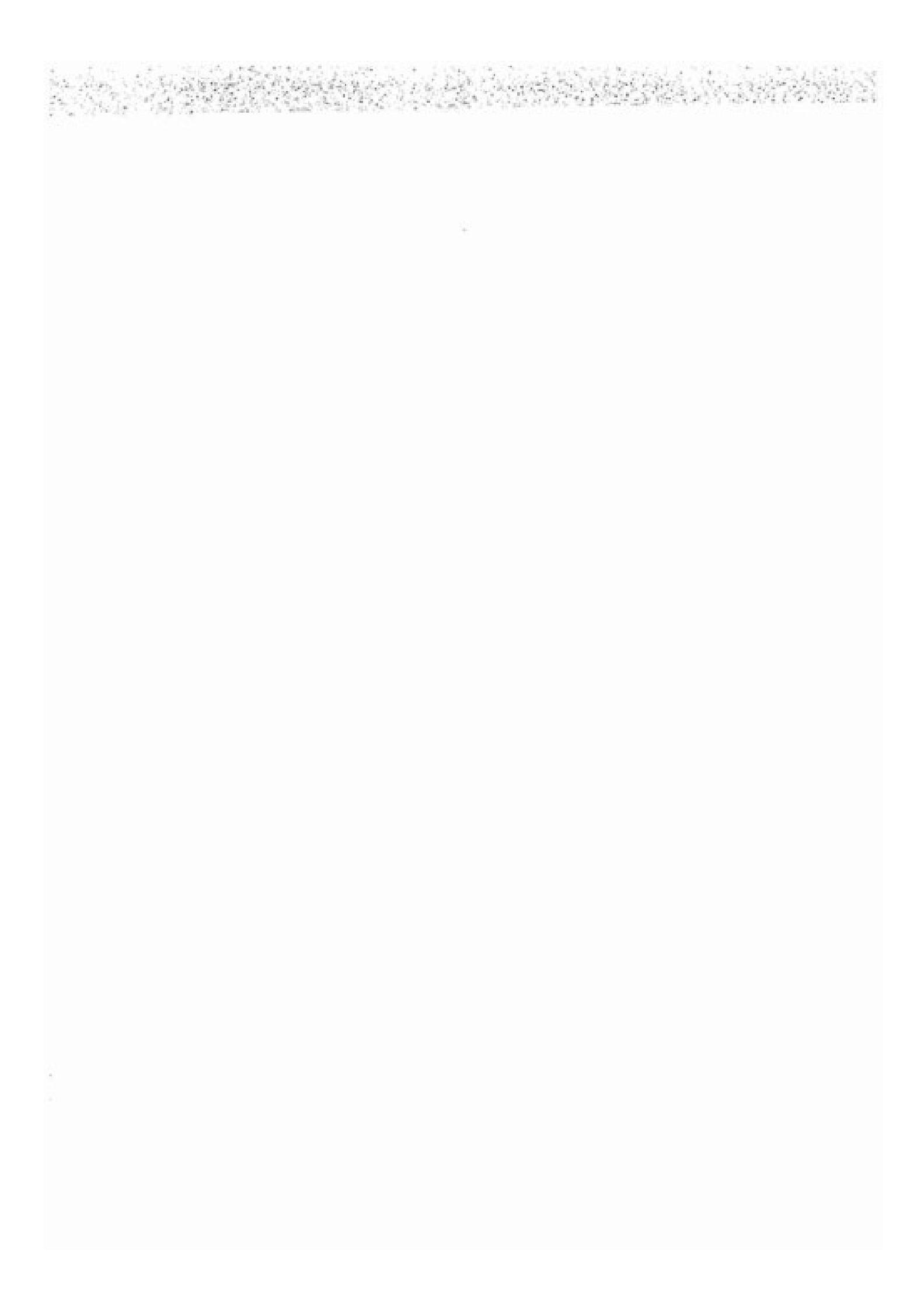
را بینو از بختیار کوتی در آمل باد کرده ولی محل آن را شخص نکرده است.  
در انتهای محله چاک سر نزدیک سلاخ خانه قدیم، جاده‌ای فرعی است که به تهای  
بلند می‌رسد. این تپه در محل معروف به «کوتی» است و بالای آن چندین خانه است  
شاید این کوتی همان بختیار کوتی باشد.

#### کاروانسراهای شهرآمل

از کاروانسراهای میرزا شفیع<sup>۱۶۰</sup> و کاروانسراهی وزیری<sup>۱۶۱</sup> و کاروانسراهی  
قیصریه<sup>۱۶۲</sup> و سایر کاروانسراهای قدیمی در شهرآمل اثری بر جای نمانده است.

---

۱۵۴- چاک در لغت محلی به معنی اراضی مرغزار و چمنزار است. ۱۵۵- ترجمه  
سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۵۳. ۱۵۶- ۱۵۷ و ۱۵۸- جغرافیای تاریخی  
گیلان، مازندران و آذربایجان ص ۶۵.



## ۳- بنایها و آثار تاریخی اهل رستاق

### مختصری از جغرافیای اهل رستاق

اهم رستاق بکی از دهستانهای اطراف آمل است. این ناحیه از شمال به دریا و از جنوب به دهکده‌های ناحیه مرکزی آمل، از غرب به رودخانه الشه رود و از شرق به رودخانه کیجا وزان که سامان میان اهل رستاق و هرازبی است. محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره این ناحیه می‌نویسد.

اهم رستاق از دهات آمل در کنار ارش رود واقع است و این رودخانه حد غربی مازندران و حد شرقی رستمدار، و حد شرقی مازندران رودخانه کربند کلیاد است<sup>۱</sup>.

الشه رود (ارش رود) سامان قدیمی نواحی دشت نور و بخش‌های اهل رستاق و لینکوه آمل است. نهرهای نامبرده زیر که به نام دهکده‌هایی هستند که آنها را آیاری می‌کنند از سمت راست این رودخانه جدا می‌شوند. نامهای آنها به ترتیب از بالا به پایین به شرح زیر است:

۱- اسپنت<sup>۲</sup>- ۲- تلی ران<sup>۳</sup>- ۳- فشکه رو<sup>۴</sup>- ۴- کاسم ده<sup>۵</sup>- ۵- علی آباد<sup>۶</sup>- سیری.

۱- اللدوین ص ۲۴ به نقل از تاریخ مازندران شیخ علی گیلانی . ۲- پکر الف و سکون سین و کسر ب و نون. ۳- بفتح تاء . ۴- بضم تاء . ۵- بضم سین.

## ۲- بناها و آثار تاریخی اهلم رستاق

امامزاده فضل بن موسی  
در دهکده خشت سرمه اهلم رستاق

نیمی از بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنای چهار گوشه با گنبدی هرم مربع الفاعده بر روی مرقد ساخته بودند (عکس شماره ۶۲). صندوق قدیمی که ارزش تاریخی ندارد در میان ساختمان جدید مرقد را پوشانده بود. سنگهای قدیمی گورهای ارزش تاریخی زیاد نداشتند در بازدید تیرماه ۱۳۵۶ شمسی به سرفت رفته بود. اطراف بقیه گورستانی قدیمی است و درختان آزاد و شمشاد و او جا دارد. گردانگرد تن درختان آزاد به ترتیب ۱۹۶ و ۲۰۰ و ۲۴۶ سانتیمتر است و گردانگرد تن اوجای کهنسال بقیه بالغ ۳۴۶ سانتیمتر است. سایر درختان بقیه نیز قدیمی هستند. بیشتر کوچکی نیز متصل به گورستان بقیه است که در آن درختان کهنسال می‌توان یافت. این مطالب بر سه سنگ گور که در بازدید اول به آنها برخوردم خوانده می‌شد:

بر سنگ گور اول :

بطاعون در گذشت آن پاک عفت  
بشد روح عفیفه سوی جنت

هذه مرقد عفت و عصمت و طهارت و خداروت دسنگاه زبدة  
المخدرات والمستورات ماہ بی بی خانم بنت عالیشان معلی مکان عالیجاناب  
حسنی دوانی لو بتاریخ سنة ۱۱۷۵ . (عکس شماره ۶۳)

بر سنگ گور دوم :

الحكم الله [كذا]

هذا مرقد المرحوم  
احمد خان ابن حسینعلی آقا . ۱۲۶ (۶۴) (عکس شماره ۶۴)

بر منگ گور سوم که به درازای ۱۲۵ و پهنای ۳۵ و بلندی ۶ سانتیمتر در مسجد  
این بقعه بود عبارات زیر خوانده می شد:  
بریک بدنه :

قال النبي صلی الله علیه و سلم الدنيا سجن المؤمن وجنة الكافر صدق يا  
رسول الله قال النبي الامى القرشى الابطحى الزكى العربى  
بربدنه دیگر سنگ :

قال النبي صلی الله علیه و سلم الدنيا فناء و آخره بقاء الدنيا ساعة فجعلها  
طاعة صدق يا رسول الله .

#### سید سه نور

در دهکده سو لاخ موزی (سوراخ مازو) ۷ اهل رستاق

بنای بقعه بسیار ساده و ناچیز بود . اطراف بقعه درختان پلت (افرا) و درختان  
آزاد و درختان شمشاد فراوان داشت . گرداگرد تنه درختان آزاد کوه سال آن به ترتیب  
۲۵۸ و ۳۳۸ سانتیمتر و درختان افرا ۲۴۵ و ۲۵۰ سانتیمتر بودند .

#### حفتاد و دو تن

در دهکده شومیا ، از دهکده های اهل رستاق

بنائی است چهار گوشه ، بسیار ساده و ناچیز . در اراضی اطراف آن درختان  
شمشاد بسیار است .

#### گورستان سادات اهل رستاق

در دهکده اهل رستاق مرگ اهل رستاق

سادات اهل رستاق نیزه های سید فخر الدین بن سید قوام الدین هستند و در اهل رستاق

۷- سوراخ مازو ده از دهستان اهل رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل ته کیلومتر و نیمی  
غرب آمل یک کیلومتر و نیمی محمود آباد (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲).  
۸- شومیا  
ده از دهستان اهل رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل هجده کیلومتری شمال غربی آمل  
و شش کیلومتری غرب راه آمل به محمود آباد (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲) .

گورستان خانوادگی داشته‌اند. روز چهارشنبه ۲۰ از دهم ربیع‌الثانی ۱۳۹۲، سید نصیر الدین و عمرزاده و همسایه زاده سید ظلیل الدین مرعشی در این گورستان به خاک سپرده شده‌اند.<sup>۹</sup> در محل تحقیق شد از این گورستان اثری بر جای نبود.

#### تبهای قدیمی

در بوئنه از دهکده‌های اهلم رستاق

برای رسیدن به بوئنه باید از اهلم به تجهیز رودکنار و از آنجا به بوئنه رفت. تبهای که خاکریزی دستی است متصل به آبادی بوئنه است. بالای آن ۱۵۰۰-۲۰۰۰ متر اراضی جنگلی است. آقای عنایت‌الله رضا پور اخیراً خانه‌ای از بلوک بالای آن ساخته است.

#### قصاب کوتی ۱۰

یکی از دهکده‌های اهلم رستاق

نام ده بادآور کوتی قدیمی آن است که این دهکده بر آن بنا شده است.

#### قلالکوتی ۱۱

در دهکده هرب ده اهلم رستاق

خاکریزی است دستی که مساحت بالای آن در حدود سه هزار متر مربع و بلندی آن از سطح زمین اطراف بیش از ده متر است و فعلاً بالای آن کشت می‌کنند.

#### گنبدی قدیمی

در هرب ده اهلم رستاق

این گنبد امروز بر خاک ریزی است که در حدود یک متر از زمینهای اطراف

۹- تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۶۲. ۱۰- قصاب کوتی ده از دهستان اهلم رستاق بخش مرکزی شهرستان آمل نه کیلومتری شمال غربی آمل و یک کیلومتری شوشه آمل به محمودآباد (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۱۱- این قلاکوتی را گروهی به نام «قلالکوتی چهل دختر» می‌شناسند. ۱۲- در فرهنگ جغرافیائی این نام را با حاء خطی ضبط کرده‌اند، این نام بفتح حاء و راء تلفظ می‌شود.

بالآخر است . گنبدی مدور از آجر بوده است که نیم متر تا ۷۵ سانتیمتر از دیوار آجری آن باقی است . آجرهای آن را کنده و برای ساخته آن به کار برده اند .

قلعه نشله ۱۲ یا قلعه مزارکتی ۱۴  
نزدیک دهکده بر جنده ۱۵ اهل م رستاق

برای رسیدن به بر جنده ، از اهلم به نجه رو دکنار <sup>۱۶</sup> ، به بونده ، به شرفنی <sup>۱۷</sup> و به بر جنده می روند . نزدیک بر جنده و شورستاق جنگلی عظیم از درختان آزاد و مازو است . داخل این جنگل قطعه زمینی است که از اراضی اطراف در حدود یک متر ارتفاع دارد و ابعاد آن در حدود بیست متر است .

امامزاده محمد  
در شورستاق ۱۸ اهل م رستاق

بنائی است ساده با ایوانی جلو آن که پنج ستون چوبین چهارسو با سرمهیون دارد . دور ایوان از خارج و داخل ، در زیر چکش گردانهای ابیاتی از هفت بند محتشم کاشانی است .

برخوان غم چو عالمیان را صلا زند  
اول صلا به سلسله انبیا زند

در آخر این ایات عبارت زیر است :

استاد حبیب الله نجار ولد مشهدی قلی نوائی سنه ۱۳۱۷ یادگاری  
مشهدی حسن بالورودی ۱۳۱۷ ، یادگاری مشهدی علی اکبر ۱۳۱۷  
در جلو بقعه درخت موزی داریست که گردانگرد نه آن ۷۳۶ سانتیمتر است .

---

۱۳- بفتح تاء و سكون تون و كسر گاف .      ۱۴- بفتح ميم و تشديد زاه و ضم گاف .  
۱۵- بكسر باء وجيم و دال .      ۱۶- بفتح تاء .      ۱۷- بفتح شين و راء .  
۱۸- بضم راء ظاهرآ در اصل شورستاق برده است .

## تپا آقا محله

در محمودآباد مرکز اهلیم رستاق و هرازپی

تبهایست که ظاهر آن شنی است و نزدیک پمپ بنزین امروزی است. این تپه در امتداد مسیر جاده بر طرف چپ راه محمودآباد به نوشهر است.

## آستانه

در دهکده اهلیم از دهکده‌های اهلیم رستان

ملگنوف<sup>۱۰</sup> از آستانهای قدیمی در دهکده اهلیم یادگرده است. در محل تحقیق شد جز چند اصله درخت کوهنال چیزی دیگر نبود.

## راه آهن حاجی محمد حسن امین الضرب

در امتداد راه آمل به محمودآباد

امین الضرب برای استفاده از معدن آهن ماهن امتیازاتی از ناصرالدین شاه گرفت و ناصرالدین شاه هم اراضی با غشایه و سبزه میدان آمل را به او فروخت نامبرده راه آهنی از سبزه میدان آمل در امتداد راه آمل - محمودآباد به محمودآباد و از آنجا به ماهن کشید. ظاهراً این راه آهن زیاد مورد استفاده قرار نگرفت.

## خانه حاجی امین الضرب

در آهومحله محمودآباد اهلیم رستاق

بنایی است از آجر، راهرویی بحدود دو متر در وسط سه اطاق در هر طرف راهرو. طبقه دوم هم در هر طرف سه اطاق داشت از سقف و یام نشانی نبود. آجرهای آن را مشغول مصرف کردن هستند تا آخرین اثر آنرا نیز از میان برداشند و اراضی آن را منصرف شوند.

بقعلا طاوس خاتون  
در سرین کلای اهل رستاق

بنائی است قدیمی با صنایعی ساده و دری چوبین . ایوانی در جلو بنایت که  
شش ستون چهارسو با سرستونهای دهان از دری دارد . سقانفاری بر مدخل محروطه  
بقעה است (عکس شماره ۶۵) . اخیراً این بقעה را تعمیر و مرمتی کردند .

باقی بناها و آثار تاریخی اهل رستاق  
۱- گورستانی قدیمی در خراب محله<sup>۲۰</sup> اهل رستاق .

۲۰- نام این ده امر و زد آباد محله است و از گورستان قدیمی اثری نبود تکیه‌ای نوساز  
بادر و رو دی آهنین به جای ساخته بودند.



### ۳- بناها و آثار تاریخی بالاخیابان و پایین خیابان لیتکوه

امامزاده عبدالله

در استکومحله از دهکده های بالا خیابان لیتکوه

آستانه امامزاده عبدالله علیه السلام در دوازده کیلومتری جنوب غربی آمل در دهکده استکومحله قرار دارد . در آبان ماه ۱۳۴۲ شمسی به دستور فرح دیبا در اختیار سازمان اوقاف قرار گرفت بنای قدیسی آن را خراب کردند و بنایی نوساز و با عظمت به جای آن ساختند (عکس شماره ۶۶) . ضریحی به درازای ۴۶۳ و بهنای ۳۷۵ و بلندی ۲۷۵ سانتیمتر در وسط بنای اصلی مرقد را پوشانده است . این ضریح که از طلا و نقره است بوسیله هنرمندان ماهر اصفهانی ساخته شده است .

از آثار قدیسی آستانه امامزاده عبدالله حوض شفا و مرقد بی بی فاطمه و سفراخانه است که آنها را نیز سازمان اوقاف تجدید بنادرد است . بست و دو در زائرسرای درجه یک با وسائل لازم ۱۲۵ در زائرسرای درجه دو ، اطراف بنای اصلی بقیه احداث کرده اند (عکس شماره ۶۷) .

علاوه بر زائرسراها و بنچ در اطاق برای مدیران و مسؤولان ، سالن بزرگ غذا خوری ، ساختمان بانک اعتبارات تعاونی توزیع ، دکانهای متعدد و بناهای دیگر برای آسایش و راحتی زائران ساخته شده است .

### امامزاده محمد و امامزاده مظفر

در اسکو محله از دهکده های بالا خیابان لیتكوه آمل

بنایی است چهار گوش ساده با صندوقی چوبین که مرقد را پوشانده است . در اصلی به ایوانی بازمی شود . در اراضی بقعه اطاقهائی ساده برای زائران ساخته اند . درختان آزاد کهن سال در حیاط بقعه است که گرد آگرد نه آنان به ترتیب از این قرار است : ۲۵۳ و ۲۷۷ و ۴۰۰ سانتیمتر .

### داود کیا سلطان

در دهکده اسپت ۱ از دهکده های بالا خیابان لیتكوه آمل

بنایی است چهار گوش ساده با ایوانی سفالپوش . صندوقی چوبین ساده در وسط بنایی است و در کفش کنی بازمی شود . اطراف بقعه گورستانی قدیمی است که درختان شمشاد کهن و درختان جنگلی دیگر در آن دیده می شود .

### عالی کیا سلطان

در جنگل اهواز و کنی بالا خیابان لیتكوه

برای رسیدن به این بقعه از راه اسکو محله باید به معدن واژ آنجا به «وله کن» و پس به جنگل اهواز و کنی رفت . بنایی است چهار گوش سفالسر با صندوقی ساده .

### جبار کیا سلطان

در جنگل فشکه رو راج ۲ بالا خیابان لیتكوه

بنایی چهار گوش است و حلب سر اثر تاریخی در آن دیده نشد .

- ۱- بکسر الف و سکون سین و کسر ب و نون .
- ۲- این بقعه جابر کیا سلطان نیز خوانده می شود . در طوماری که نام متولیان امامزاده ها در دوران صفوی در آن نوشته شده است، امامزاده ای به نام عبدالجبار در بلوک لیتكوه به تولیت شیخ علی الیکاری آمده است .
- ۳- بضم فاء .

**بقعه عالی چنگه**

در عالی چنگه بالا خیابان لیکووه

بنایی ساده بود و از نظر تاریخی ارزشی نداشت.

**امامزاده عباس**

در سویه کلای ۲ بالا خیابان لیکووه

بنایی است چهار گوشه مستطیل شکل در دو جهت قبلی و غربی ایوان دارد  
بانزده ستون چهار سو جلو این دو قسمت ایوان است. بر دیوارهای این دو ایوان  
نقاشیهای مذهبی است، تمثیل امیر المؤمنین علی علیه السلام با امام حسین و امام حسن  
وقبیر و ابوالفضل العباس با مشک آب سوار بر اسب و دو طفلان مسلم و امام حسین و  
حرر ریاحی.

بر حاشیه بالای ایوان میان سرستونها : بسم الله الرحمن الرحيم روزی که شد  
به نیزه سر آن بزرگوار خورشید سربرهنه برآمد زکوهسار و پنج بیت دیگر مورخ  
سنة ۱۲۶۳.

در گورستان اطراف بقعه درختان آزاد و شمشاد است. گردانگرد تنه درخت  
آزادی به ۵۲۵ سانتیمتر می‌رسد.

**قلعه‌ای قدیمی**

در چندراهله بالا خیابان لیکووه

این قلعه که خاکریز دستی آن بر جای است، بر لب رو دخانه شلوت قرار دارد.  
سطح بالای آن در حدود دوهزار متر و بلندی آن تقریباً ده متر است.

---

۴- سوئه کلا ده از دهستان بالا خیابان بخش مرکزی شهرستان آمل ۵ کیلومتری جنوب  
غربی آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳).

## قلعه زکریا

در جنگل زکریا در بالا خیابان لیتکوه

رشته کوهی که موازی با جاده هراز درست چپ رودخانه نرسیده به پارک جنگلی امروز است معروف به جنگل زکریا است. بر بالای این کوه آثار قلعه‌ای قدیمی است دیواری سنگی داشته که بر اثر کند و کاو فعلا هم سطح زمین اطراف شده است. در کند و کاوها آجر به دست آمده است. وسط آن آب انباری است که آثار ساروج بر دیوار آن دیده می‌شود. این قلعه پایین تر از کوه سنگ<sup>۵</sup> به طرف آمل است.

## فرنگیس قلا

در بالا خیابان لیتکوه

فرنگیس قلا در کوههای دور افناهه جنگلی است. در حدود ۱۷۰۰ متر از کوه سنگ بالاتر راهی به دست راست جدا می‌شود و از جنگلهای ازدارسی<sup>۶</sup>، لو<sup>۷</sup>، سفید دره می‌گذرد و به شاه موزی بن می‌رسد. بالای این کوه قلعه فرنگیس است. کمی از آثار دیوار سنگی آن بر جای است. کند و کاو و درختان جنگلی یکسره وضع قلعه را به هم زده است. آثار آب انباری در میان قلعه است. ابعاد آجرهایی که در بناهای داخلی به کار رفته بوده به سی سانتی‌متر می‌رسد.

دیوارها و خرابهای عمارت امیر مکرم لاریجانی  
کنار جاده هراز در محل عمارت در بالا خیابان لیتکوه

هنگامی که به طرف آمل می‌رویم، بر دست چپ آب هراز و کنار این رودخانه دیوارهای بلند خشتی و چینه ایست. زیر دست دیوارها به طرف رودخانه آثار عمارت امیر مکرم است که مقداری از آنرا سیل و مقدار بیشتر را مردم خراب کرده اند تاراۀ آن را تصرف کنند.

۵- بفتح كاف. شاید قلعه کره سنگ آمل که در نسخه خطی تاریخ مازندران ص ۸۲ ب وصفحات دیگر نام آن ذکر شده است قابل تطبیق با این نام نیست. ۶- بکسر الف و راء. ۷- بضم لام.

### بل منگی

در راه آمل به اسکو محله در بالا خیابان لیکووه

این بل از آجر بود و روی آن منگ فرش داشت به این سبب به نام بل منگی معروف شده است. این بل نیز در نوسازی جاده امامزاده عبدالله که در اسکو محله است از میان رفت.

### سر هنگ کوتی

از دهکده های پایین خیابان لیکووه

نام کوتی باد آور خالکریز دستی است که این آبادی بر روی آن ساخته شده است.

### امامزاده محمد

در ویس ده پایین خیابان لیکووه

بنای مستطیل آجری است با مسجدی متصل به آن. در رودی و صندوق چوبین آن ساده و بدون گذره کاری است. بنای بقعه در محوطه وسیع جنگلی است که درختان آزاد و بلوط و میرز واوجا در آن زیاد است. گرداگرد تنه درختانی که اندازه گرفته شد از این قرار است:

موزی (بلوط) : مازو ۴۰۰ و ۴۷۰ سانتیمتر، آزاد ۲۲۰ و ۴۷۷ سانتیمتر، او جا ۲۴۰ و ۲۴۰ سانتیمتر.

### امامزاده قاسم بن عقیل بن موسی الكاظم علیه السلام

در قصر محله پایین خیابان لیکووه

بنای قدیمی امامزاده را خراب کرده و بنای جدیدی به همت حاج حسن خفار صالح (قاسم زاده) و کوشش فرزندش منصور ساخته شده است. این بنا در اسفند ۱۳۵۴ شمسی به خاتمه رسیده است. بنای جدید شامل دو در رودی در شمال و

۸- ویس ده از دهستان پایین خیابان بخش مرکزی شهرستان آمل ۵ کیلومتری غرب آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

جنوب . بر هر طرف درهای ورودی سه پنجره است یعنی در هر یک از اضلاع شمالی و جنوبی شش پنجره است (عکس شماره ۶۸) . این بقعه در وسط بیشه‌ای از درختان آزاد است (عکس شماره ۸۹) . اگر داگرد تنه چند اصله از آنها بدین قرار است: ۵۰۰ و ۵۳۵ و ۷۰۰ سانتیمتر .

#### باقي بناها و آثار تاریخی لیتكوه

- ۱- عباس کوتی در پایین خیابان لیتكوه<sup>۱۰</sup> نزدیک به دهکده انجل .
- ۲- بار کوتی<sup>۱۱</sup> .
- ۳- کنه خواست کوتی<sup>۱۲</sup> .

## ۴- بناها و آثار تاریخی چلاو = شلاو

### مختصری از تاریخ و جغرافیای چلاو - شلاو

در دوران اسپهید شاه غازی رستم ( ۵۳۳-۵۵۸ ) ، امیر شهریار در چلاو قیام کرد؛ صاحب تاریخ طبرستان درباره این قیام ودفع آن چنین نوشته است:

اسپهیدشاه غازی رستم ، عم زاده خوبیش شهردار را به محاصره قلعه دارا پدید کرد و بعد از آن او به شلاپ شد. چون مردم شلاپ بدانتند که اسپهید آنجا رسید، زن و مرد و خرد و بزرگ همه به زینهار آمدند و روی برخاک نهادند که ما همه بندگان و بندهزادگان توییم ما را غفوکن . اسپهید جمله را بنواخت و تشریف داد و فرمود که بعد از این درخانه ها باشید که ما طلب قلعه می کنیم و گردد بر گرد قلعه کمین فرمود کرد . هر کس که به زینهار بیامدی بیاویختندی . کار برب شهریار صعب و دشوار شد و گفت کار در باید وقاصد پیش اسپهید فرستاد و امان طلبید . اسپهید از او آزرده بود که بر او حقها داشت و گفت اول روز ادب کنند اما چون بزرگان طبرستان شفیع شدند از سر اکراه برخاست و گفت تشریف و اقطاع فرمایند و عهد ارزانی دارم که باقی خطای نکنم و اگر فرموده باشم باطل گردد ام . . . اسپهید ، سه را بین رستم را که عم زاده بود به کوتول فرستاد با خاصیگان خوبیش و امیر شهریار با قلعه برد ایشان را او بهزیر آمد .

چلاو مرکز کیا افراسیاب و کجا اسکندر چلاری است که پیش از قیام مرعشیان مدت‌ها در مازندران حکومت داشته‌اند. پس از حمله تیمور به مازندران و تسخیر قلعه‌ماهانه سر و بردن مرعشیان به ماوراء النهر دوباره چلاویان سلطنت یافته‌اند تا بر اثر یاغیگری ایشان امیر تیمور شخصاً به مازندران آمد و این خاندان قدیعی را برآورداخت. چلاویان پس از امیر تیمور در مازندران و ننی نیافتند.

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه درباره چلاو می‌نویسد:

چلاو از بلوکات طبرستان و مازندران است . الحال تیول منشی-

المالک است . قلعه‌ای بسیار قدیم کهنه دارد . (مرآت‌البلدان ج ۴ ص ۲۵۴) .

از این قلعه بسیار قدیم کهنه در چلاو که اعتمادالسلطنه از آن یاد می‌کند نشانی نیافتم . چلاو در دایست شرقی غربی که آب آن از شاخه‌های دشت راست رودخانه هر از اعده و نزدیک منگل به هراز می‌پیوندد . این دره از شمال به مرتفعات سنگ‌چال از طرف غرب به ساحل دست راست رودخانه هراز ، از طرف جنوب به دره کدواکنی و از مشرق به لفور محدود می‌شود . نامهای دهکده‌های این دره از این قرارند :

پریمه ، پاشاکلا ، نجارکلا ، تیار ، گنگرج کلا<sup>۱</sup> چم بن<sup>۲</sup> ، زرخونی ، سنگ‌چال .

سنگ‌چال در تقسیمات جزء بالا چلاو و باقی دهکده‌ها جزء پایین چلاوند .

دهکده‌های لهاش والیستان که کنار یکی از شعب هراز وبالاتراز آب چلاو از طرف دست راست به آب هراز متصل می‌شوند جزء چلاب به حساب می‌آیند .

تیرهای قدیعی که در این دهکده‌ها ساکنند به نامهای زیرخوانده می‌شوند :

در گنگرج کلا خاندان : خانکدار<sup>۳</sup> .

در تیارخاندانهای : بندار<sup>۴</sup> و کنج<sup>۵</sup> .

در چم بن خاندان : روارج<sup>۶</sup> .

- |                       |                          |
|-----------------------|--------------------------|
| ۲ - بضم ب وفتح راء    | ۳ - باشدید جیم .         |
| ۴ - بفتح ح وکسر میم . | ۵ - بفتح نون .           |
| ۷ - بضم باه           | ۶ - بفتح کاف و راء       |
| ۸ - بفتح کاف          | ۹ - بفتح راء اول و دوم . |
| و کسر نون .           |                          |

در زرخونی خاندانهای : با تلفه<sup>۱</sup>، سالار.

در پاشا کلا خاندانهای : بندادی، پاشا.

در نجار کلا خاندان : پیچ که از پیچه کلا آمده‌اند.

در سنگ چال خاندان : عمران.

در پریمه خاندان : لطیف.

#### ۴- بناها و آثار تاریخی چلاو = شلاب

قلعه دارا

در دره چلاو - هج رو دبار

حسن بن اسفندیار در فصل خصائص و عجایب طبرستان می‌نویسد که چون اسکندر بزمین پارس مستولی شد، دارا ازاو بگریخت و به طبرستان پناه برد و نزد او بیام فرمود که گیرم هفت کشور را بر من تنگ کنی، خاک فرشاد چروذ دارا را چه کنی؟<sup>۲</sup>

با داستانی که ابن اسفندیار از دوران باستان نقل کرده است به این نتیجه می‌توان رسید که بنای این قلعه به دوران قبل از اسلام می‌رسد و باید آنرا یکی از قلاع قدیمی ایران دانست.

یاقوت از حصانت و استواری این قلعه باد می‌کند و محل آن را در منطقه پهناور کوههای طبرستان قرار می‌دهد. عبارت او چنین است: «قلعه حصينة فی جبل طبرستان».<sup>۳</sup>  
جای این قلعه کجاست؟

شحنه‌ای که جاولی در آمل تعیین کرده بود، پس از تحریر آمل به دست اهالی، از آنجا فرار کرد و به قلعه دارا پناه برد.<sup>۴</sup> تا بر این قلعه دارا را باید در حدود آمل جستجو کرد. از عبارات دیگر تاریخ طبرستان چنین بر می‌آید که قلعه دارا در حدود

۱- بکرتاء . ۱۱- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۲ . ۱۲- المشترک وضع و المفترق صفتا ص ۱۶۷ . ۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۵ .

امیدوار کوه و چلاب است.<sup>۱۳</sup> از صفحات دیگر همین تاریخ به این امر متوجه می شویم که قلعه دارا در رو دبار هج است . از رو دبار هج به منگول (منگل امروز) و آمل آمده اند.<sup>۱۴</sup> باز در یکی دو صفحه بعد پادشاه آور می شود که رو دبار هج در لارجان است.<sup>۱۵</sup>

با در دست داشتن این اطلاعات می توان به این نتیجه رسید که :

- ۱- امیدوار کوه و چلاب هم سامانند، یا چلاب قسمی از امیدوار کوه است.
- ۲- رو دبار هج همان دره چلاب است که از ارتفاعات لفور شروع می شود و به منگول (منگل امروز کنار آب هراز) ختم می شود و این رو دبار هم در خاک لارجان است . بنابراین قلعه دارا در دره چلاب امروزی است و محل آن را باید در حدود دهکده های گنگرج کلا و سنگچال جستجو کرد .

ما بین گنگرج کلا و ارتفاعات لفور، آثار سه قلعه بر جای است که ظاهرآ یکی از این قلعه ها باید قلعه دارا باشد ولی در محل به این نام شناخته نمی شد ، از گذشته این قلعه اطلاع زیادی در دست نداریم . همین قدر می دانیم که این قلعه مدنه در دست شیر سوارین شیراسفار بوده است و یکی دوبار برای جلوگیری از سربارانی که به طرف قلعه می آمده اند، لشکریان خود را به رو دبار هج (در فوج چلاب) آورده است.<sup>۱۶</sup>

پس از آن این قلعه مدنه در دست امیر شاهنشاه بود<sup>۱۷</sup> و به برگت وجود شاهنشاه مال فراوانی در قلعه گرد آوری شده بود<sup>۱۸</sup> و خود امیر شاهنشاه در همین قلعه فوت شده است.<sup>۱۹</sup> شمس الملوك شاه غازی رستم دوم (۶۰۷-۶۰۲) پسر حسام الدله اردشیر بن حسن بن رستم (۵۶۸-۶۰۲) به دستور پدر، مدنه در قلعه دارا زندانی بوده است.<sup>۲۰</sup> این قلعه راعلاء الدله حسن (۵۵۸-۶۶۸) از پدر خود شمس الملوك شاه غازی رستم اول (۵۳۳-۵۵۸) بخواست تا بدانجا رود و با خیالی آسوده به تحصیل علم فقه و آداب دین مشغول گردد و دوران زندگی خود را در آنجا بگذراند شاه غازی رستم،

۱۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۲ و ۷۶ . ۱۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۱ .

۱۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۲ . ۱۷- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۲ .

۱۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۷ والندوین ص ۶۳ . ۱۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۵ .

۲۰- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۴ . ۲۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۲ والندوین ص ۷۷ .

در ابتدا از این تقاضای پسر متغیر شد و بر او خشم گرفت ولی بعداً بر اثر اصرار او، قلمه را بدو باز گذاشت.<sup>۱۱</sup> پس از مرگ اسپهبد علاءالدوله علی (۵۱۲ - ۵۳۳)، پسرش نصیرالدوله شاه غازی رستم (۵۳۳ - ۵۵۸) به حکمرانی طبرستان رسید. از آنجا که مردی با شهامت و باند بیرون ساختگی بود، امر او حکام طبرستان از او حساب می‌بردند و گمان می‌رفت که در آئینه نزدیکی ملک از ایشان بگیرد. پنهانی پیش برادرش شمس العاوه مرداویج - که در مرو به خدمت سلطان منجر بود فرستادند و او را به حکومت طبرستان دعوت کردند. مرداویج با سپاهیان کمکی منجر به فرماندهی امیر امیران قشتر به قاعده جهینه در استرآباد که سلطان منجر به او داده بود، آمد. در این وقت بسیاری از مردم مازندران روی به او آوردند.

اسپهبد شاه غازی با شنیدن این خبر به آرم آمد و از آنجا به کردآباد، بالای تنگه کولا رفت. راهدانان، قشتر و مرداویج را هنگام صبح به دشت کردآباد آوردند. خبر به شاه غازی رسید. از گرمه بیرون آمد و با تئی چند از خاصان به ساری رفت و از آنجا به سر زبان آباد و لینگمان آمد و خود را به قلعه دار ارساند و در محلی به نام «آهک چاه» لشکر گاه کرد. پس از آنکه خبر بد و رسید که تمام مردم طبرستان به مرداویج پیوسته اند، به قلعه دارا در درون رفت.

مرداویج و قشتر به پای قلعه آمدند و قلعه را محاصره کردند. کار قلعه نشینان سنت شد. نجيب الزمان احمد بن محمد قصرانی از علم نجوم خیرداشت. دعوی کرد که بر سر دوازده روز جنازه‌ای از آن صاحب قلعه بیرون برند و هنگام درو، تنگی آب قلعه به فراخی رسد. امیر ناج الدین شهر یار مریض بود، پس از دوازده روز جنازه اورا از قلعه بیرون آوردند و به آمل دفن کردند و به موسی کندم درو، از آسان پانزده شبانه روز باران آمد و ابشارهای آب لبالب شد.

لشکر قشتر از باران و طوفان بر سید و از حوالی قلعه برخاست و پس اومرگ که میر چهار پایان، قشتر خود را به ترجی رساند. شاه غازی رستم از قلعه بیرون آمد و

در دوگاه خیمه‌زد و مثال به اطراف نوشت و مردم طبرستان را به اطاعت دعوت کرد.<sup>۲۲</sup> اسپهبد اسفندیار بن شهریار که خواهرزاده شاه‌غازی رستم (۵۳۳-۵۵۸) بود و شاه غازی به خواهر و خواهرزاده‌اش علاقه بسیار داشت، قلعه دارا را به ایشان واگذاشت بود. روزی علاء‌الدوله حسن (۵۵۸-۵۶۸) پسر شاه‌غازی در آمل دستور داد تا اسفندیار را دسته‌گیر کنند و به قلعه دارا بینند و در آنجا اورا به قتل برسانند.<sup>۲۳</sup> گرده‌باز و پس از آنکه به کارد اسماعیلیان زخمی شد، پدرش اورا به قلعه دارا فرستاد و شرف‌الزمان یهودی را که طبیب خاصه خود بود نزداو فرستاد تا اورا مدواکند.<sup>۲۴</sup> اصفهبد رستم پوره کله، کشور اهوار، پس از گریختن از کشوره، نزد حسام الدوله اردشیر به قصر رودبار آمد. شاه اردشیر پس ازده شبانروز اورا بند کرد و به قلعه دارا فرستاد.<sup>۲۵</sup> و همین شاه اردشیر (۵۶۸-۶۰۱) پسر خود شمس‌الملوک رستم دوم (۶۰۱-۶۰۶) را نیز بندبرنهاد و به قلعه دارا فرستاد.<sup>۲۶</sup> اکابر و اعیان با رکن‌الدوله قارن براذر کوچک شمس‌الملوک رستم — به قلعه دارا نزد شمس‌الملوک رفتند و از قلعه دارا به رودبار هج و منگول و آمل باز گشتند.<sup>۲۷</sup>

ظاهراً رکن‌الدوله قارن در زمان اقامت برا ر در این قلعه، یا پس از آن به قلعه رفته و سکنا گزیده است. زیرا پس از اینکه حسام‌الدوله اردشیر، پادشاه افراسیاب اتریب را به کوتولی قلعه فرستاد، رکن‌الدوله قارن از قلعه به زیرآمده است.<sup>۲۸</sup> با این وصف قلعه دارا چنانکه ابن اسفندیار گفته است تا تاریخ ۱۱ عصری آبادان بوده است.<sup>۲۹</sup>

### قلعه سامان

در چالو

از این قلعه و جای آن اطلاع زیادی نداریم در تاریخ خاندان مرعشی مازندران

- ۲۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۸۱ و ۸۲ و ۸۳- ۲۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۷.
- ۲۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷ . ۲۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۹
- ۲۷- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۵ . ۲۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۱ .
- ۲۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۷۲ . ۳۰- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۲ .

محل قلعه سامان در چلاو باد شده<sup>۳۰</sup> و همان مژلف می نوبعد که این قلعه در دست گیا-  
گر شاسب بوده است.<sup>۳۱</sup>

محل این قلعه در چلاو شناخته نشد . در منبع رستانک<sup>۳۲</sup> رو بروی گنگرج کلا  
 محلی به نام «قلعه سام» تا چندی پیش می شناختند.

اماہزاده سيف الدین  
در دهکده گنگرج کلای ۲۴ چلاو

بنائی است هشت ضلعی از سنگ و گچ که داخل و خارج آن را سفید کاری  
کرده اند . و مسجدی مستطیل متصل به این بنا است . محوطه ای جلو مسجد است که  
تکیه و سقانفار در دو طرف این محوطه ساخته شده اند ، درها و صندوق بقعه قدسی  
ندارد و آثار تاریخی و هنری بر آنها دیده نشد.

بنای تکیه نسبه قدیمی است (عکس شماره ۲۰) و از داخل و خارج يك چکش-  
گردان دارد . تیرهای چهارسوی سقف بر سم چوب<sup>۳۳</sup> و این چکش گردانها استوار  
است . بالای تیرها تخته کویی با درز پوش است . ده طاقچه و ده بالارف در سه طرف  
بنای تکیه است . در زیر چکش گردانها بسمله و آیة الکرسی تا آخر بسمله و سوره  
توحید تا آخر با خطی بسیار خوش نوشته شده است و در آخر آنها سنه ۱۲۳۰ هجری  
قمری نوشته شده است . کارنجاری تکیه از استاد الله قلی نجار تکابنی چلاو مسکن است .  
با ابان این تکیه : آخوند حاجی ملا عبدالغفار و گل علی سلطان و ملا محمد امین و ملا  
محمد شفیع و مهر علی بوده اند .

سنگ قبری به دیوار تکیه نصب است این عبارات بر آن حک شده است :  
تاریخ وفات مرحوم متفور کربلا<sup>۳۴</sup> آقا بابا چلاوی گنگرج سنه ۱۲۶۳ .

- 
- ۳۱- تاریخ خازدان مرعشی مازندران ص ۱۱۷ .      ۳۲- همین کتاب ص ۱۱۷ .  
۳۳- بضم راء .      ۳۴- گنگرج کلاده از دهستان چلاو بخش مرکزی شهرستان آمل چهل و  
نه کیلومتری جنوب شرقی آمل . نام این دور کتاب اسامی دهات کشورج ۱ ص ۱۵۷ آمده است .  
۳۵- بضم سین .

ستگی قطوری که بالای آن سه شانه است و متولی می‌گفت که بالای سر در بقعده بوود. بر اثر خرابی زلزله فعلاً به دیوار امامزاده نکبه داده شده است عبارت (علی ولی الله) بر آن خوانده می‌شود و اطراف این عبارت نقش و نگار است. (عکس شماره ۷۱). در میدان جلو نکبه که خارج از محوطه امامزاده است، چناری کهنسال است که گردانگرد تنه آن به ۰.۶۴ متر می‌رسد. زمین بالادست نکبه به نام «آستانه کشن» جزو موقوفات امامزاده است.

### گورستان نیال

در اراضی پشت گنگرج کلا

در اراضی نیال بالای گنگرج کلا گورستانی قدیمی است.

### امامزاده قاسم

در گوهستان دهکده تیار ۲۶ چلاو

در نه کیلومتری جنوب آبادی تیار بر قله کوهی بقاعدای بدنام امامزاده قاسم است بنای آن از سنگ و گچ و روی آن سفید کاری است و مسجدی مستطیل متصل به بنای اصلی است. اثر تاریخی یا هنری در این بقعه دیده نشد.

### قلاغردن

با یعنی تر از امامزاده قاسم در دامن کوه

در دامن کوه تیار طرف دست راست جاده‌ای که به امامزاده قاسم می‌رود آثاری از قلعه‌ای قدیمی است. آب‌اباری داشته که فعلاً پرشده است.

### قلاؤش

در قلاؤش دره

بر سر دو راهی گنگرج کلا و نیار در محلی به نام قلاؤش دره، قلعه‌ای به نام

۳۶- تیارده از دهستان چلاو بخش مرکزی شهرستان آمل. پنجاه و هفت کیلومتری شرقی آمل (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۳)

«قلاوش» است که بر سر تپه‌ای خاکی منفرد قرار داشته و امروز آثار زیادی از آن بر جای نمانده است.

قلاوش دیگری در اراضی زیر گنجگرج کلا بوده است که فعلاً بر جای آن قلعه قدیمی کشته می‌شود و در تصرف آقای زمانی است.

#### زاغه‌ای قدیمی

در ساخته ۲۷ سنگ‌چال

در دامن کوهی در اراضی ساخته سنگ‌چال (عکس شماره ۷۲) زاغه‌ای گنده شده است که از اطاقهای سنگی دورانهای اولیه به حساب می‌آید که نظایر آن در دره بالا لاریجان و نیاک زیاد است.

#### اماوزاده یحیی

بالای اراضی ارشته سر ۲۸ زیرده هکلده چم بن ۳۶

بنایی است مستطیل و ساده از سنگ و گچ آثار تاریخی و هنری در درودی و صندوق آن دیده نشد.

#### دو چاه آب

بر سر کوهی در هر لع کلن ۴۰

این دو چاه ظاهرآ در قلعه‌ای قدیمی بوده‌اند. اراضی کلن پایین‌تر از منگل طرف راست رودخانه هراز است. از بناها و دیوار قلعه اثری بر جای نیست بلکه از چاهها را می‌گفتند سابقاً بسیار گود بوده است.

#### قلا پشت

رو بروی بتجاب بشت آهن سر

از نام محل قلعه معلوم می‌شود که این قلا پشت، همان قلعه آهن سر قدیم است.<sup>۴۱</sup>

۴۷ - بضم باع. ۴۸ - بکسر الف وراء وفتح سین. ۴۹ - بفتح ح وکسر ميم.

۴۰ - بفتح کاف ولام. ۴۱ - تاریخ مازندران ص ۳۷۸. آخن سر (اسماعی دهات کشور

ج ۱ ص ۱۵۷ و فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲)

آثار زیادی از دبو ارو بنا در این قلعه باقی است.

امامزاده حسن  
درده کندہ لهاش ۴۰ چلاو

بقعه‌ای است هشت ضامی با گنبدی کلاه درویشی از خارج و مسجدی مستطیل شکل متصل به در ورودی بقعه (عکسی شماره ۷۳۰) درها و صندوق بقعه ساده و بدون تزیین و کنده کاری است. بنا از داخل چهار گوش و در هر ضلع آن طاق‌نمایی با طاق جناغی است. با ساختن این طاق‌نمایها کمر بند گند را تبدیل به دایره کرده‌اند و گنبدی دور بر این دایره زده‌اند. این گونه جمع کردن چهار ضامی وزدن گند در نوع خود بی نظیر است.

تخته‌ای بدپهنهای ۱۱ و درازای ۹۳ سانتیمتر که با قیمانده صندوقی قدیمی است داخل بقعه است. این عبارات بر آن خوانده شد:

تحریر افی شهر جمیعی آخر سنه ثمان شهانین تسعماهی ساعی خبر کیامحمد...  
از لهاش به گلبران<sup>۲۲</sup>، دمی‌لرز<sup>۲۳</sup>، کنگلستان، نیراس، شالینگه چال، لهه<sup>۲۵</sup> و  
شیخ موسی می‌توان رفت.

امامزاده صالح  
درده کندہ پریمه ۶۶ چلاو

بنای مستطیل آن نوساز بود و از سنگ و گل ساخته بودند. صندوقی ساده و دری ساده داشت و بام آن حلب سربود.

<sup>۲۲</sup>- لهاش ده از دهستان چلاو بخش مرکزی شهرستان آمل چهل کیلومتری جنوب آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲) ۲۲- بفتح گاف. ۲۴- بفتح دال و لام. ۴۵- بفتح کاف. ۴۶- بکسر لام و هاء. در کتاب اسمی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۷: پار پمه.

سلطان شجاع الدین  
در بریمه چلاو

درختان اوجا و آزاد کهنسال در محوطه بقعه است بنایگی بنائی برای آن ساخته‌اند.

قلعه‌ای قدیمی  
در بیه‌ما پشت منگل

در اراضی بیه‌ما در غرب منگل آثار قلعه‌ای بزرگ قدیمی است. در این قلعه حفاری‌های غیر مجاز زیاد کرده و آن را زیر وزیر کرده‌اند.

خرابه‌های قدیمی  
در جنگل مرعش پشت رزگه

جنگل مرعش دست چپ رو دهراز و پشت محل رزگه است. در اراضی این جنگل خرابه‌ای قدیمی است.

تیمور قلعه  
در کوهستان چلاو

تیمور قلعه از بناهای تیمورشاه از گچ و آجر ساخته شده معتبرتر از قلعه‌های دیگر است همه‌لو از مرا را از حمام وغیره داشته سمت چلاو است و آثار آن باقی است<sup>۴۲</sup>

راه سیاه پیش‌لاهراز به فیروزکوه

سیاه‌بیشه - لهاش - البستان - امامزاده قاسم - مراتع کنگاو - اسپر ز سیروجی - ترکلی (بکسر ناء) ساخته‌اند قدیمی دارد که رو سها در جنگل بین الملل دوم تعبیر کردند) - سیاه کوه - رنان (بضم راء) - چرات - فیروزکوه .

راه الیستان به شیرگاه

الیستان - چلاو - سنگ چال - آب کل منار - شباره - پادشاهی - لفور -

شیرگاه .

## ۵- بناها و آثار تاریخی دشت سرآمل

### امامزاده صالح

در دهکده بورون (بوران) از دهکده‌های دشت سرآمل

بنای اصلی بقیه جهار گوش است . متصل به ضلع غربی مسجدی است که دودر مشبك دارد . صندوقی که مرقد امامزاده را پوشانده است از چوب آزاد است و در حاشیه بالای بدنه غربی آیات زیر حک شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم بس و القرآن الحكيم - تا هم غافلون .

وفات مرحوم مغفور مشهدی قلی بیست صفر المظفر در سن ۱۲۹۳ هجری

بر حاشیه پایین صندوق عبارت زیر حک شده است :

عمل آسود عباس واستاد گل آقا لاسعی خداوند فرج الله را طول

عمر کرامت کند خدا را بحق عصمت فاطمه شرف نسارا بیامرز فرزندانش

را بدهخش به امامزاده صالح .

بنا را نوسازی و سقف آن را آهن پوش کرده‌اند . محور طه اطراف امامزاده بسیار روح-

بخش است و درختان آزاد کهنسال و درخت لی ( - نارون ) بزرگی که تن محیط آن

۵۵ سانتیمتر است ، سایه براین محور طه اندانخه‌اند . معروف است که زیر این درخت

۱- در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۷ این امامزاده به نام امامزاده صالح و امامزاده

محمود یاد شده است .

نارون، بی بی دفن است و شبها پای آن چراغ روشن می کنند.  
در خود آبادی آزاد کهنسالی بود که چراغ نفتی و شمعهای متعددی پای آن روشن  
کرده بودند.

بلی قدیمی به نام شش بل  
بر روی خان رود در هزار محله

بر سر راه آمل به بار فروش است و این راه از بلوک ساری می گذرد.<sup>۱</sup> بلی به  
نام شش بل نیافریم در قریه ساری گلون پلی سنگی به نام «سه پل» بوده است که آن را  
خراب کرده اند.

### کل للاحتى<sup>۲</sup>

میان سامان گنسی و بازیار کلا از دهکده های دشت سر  
خالک ریزدستی کوچکی است که مساحت بالای آن به چهارصد متر می رسد.

تکیه ای قدیمی  
در دهکده هندوکلا از دهکده های دشت سر

بنایی است قدیمی که جلو آن پنج ستون خوش تراش استوانه ای دارد. داخل  
بنارا دو چکش گردان روی هم زده اند و تیرهای نیم دایره ای سقف را بر روی چکش-  
گردان دوم قرار داده اند. کار تراش چکش گردانها و تیرها بسیار ظریف است.  
ساقه ای بسیار ظریف در مقابل تکیه است. بر روی تخته های سقف آن نقاشی های  
بسیار ظریف از: خورشید، فرشته، مرغی که در لانه بر تخم خوابیده است، رفرف،  
مناظر جنگی، مذهبی، کشتی، آهو، امام حسن و امام حسین.  
بریکی از تخته های عبارات زیر خوانده می شود:  
خدام در گه شاه مردان حاجی قربان این کربلا نی رمضان.

کتبه شفیع القاضی تزاق چاهی<sup>۲</sup> ۱۲۸۸

کرده نجاریش ..... برادر

..... صادق و جعفر.

کرده نقاشی این رفیع بنای

بنده خالص مخلص حق میرزا بابا

هر طرف سقانفار چهارستون بسیار ظریف و پر کار است . تیرهای سقف بر روی

یک ردیف چکش گردان متکی است . لبه بیرون دارای دو چکش گردان و یک پشته است .

### حمامی قدیمی

در اراضی هندوکلای دشتسر

حمامی اجری نسبه قدیمی با سربینه و گرمخانه و خزینه در اراضی این دهکده

است که فعلاً مخروبه و متروک است . اراضی و قنی اطراف آن را تصاحب کرده و

شالی زار کرده اند .

### تکیه فیروزکلا

در دهکده فیروزکلا از دهکده های دشتسر آمل

تکیه ای نسبه قدیمی با گچ بریهای ظریف دارای یک در ورودی و یک سر بخاری

و دوازده طاقچه (عکس شماره ۷۴) بالای طاقچه ها کتبه های از اشعار محشم کاشانی

گچ بری شده است (عکس شماره ۷۵) وبالای هر طاقچه یک رف است . بالای رفهای

سم کشی و شیر سر کاری است . تیرهای سقف چهارسو است و روی شیر سرها قرار

دارد . بالای تیرها تخته کوبی است . سه ستون چوبین با سه سرستون بسیار ظریف

جلوبنا است . لبه بنا از خارج شیر سردار و سه پشته است . بام بنا سفالپوش است .

تاریخ ۱۲۸۹ میان کتبه ها دیده شد .

<sup>۲</sup> - امروز «فرانچای» با «قرقانچای» گویند از نواحی فیروزکوه است .

## امامزاده عبدالله

## دردهنکده فیروزکلای دشتسرآمل

بفعه ایست که از خارج استوانه‌ای است . مسجدی کوچک که تاریخ بنای آن مؤخر بر تاریخ بنای امامزاده است . جلو در ورودی بقعه اضافه شده است ( عکس شماره ۷۶ ) . بالای در ورودی مسجد کنیه کوچکی است که بر آن « عمل نجاری استاد مهدی ۱۳۰۶ » و بر کنار همین کتیبه « سنه ۱۳۰۶ » نوشته شده است .

بنای بقعه از داخل هشت ضلعی دو بدو برابر است . اضلاع قبلی و شمالی و شرقی و غربی هر یک دارای طاقنمایی بزرگ است و اضلاع کوچکتر دارای طاقنمای کوچکتری است . دونپنجه نورگیر بالای اضلاع قبلی و شرقی است .

حندوقی که قبر امامزاده را پوشانده است ، قاب و آلت کاری است قاب و آلتها شامل هشت ضلعی‌های بزرگ و چهار ضلعی‌های کوچک میان آنهاست . هشت ضلعیها بر نگهای سبز و قرمز وزرد و آبی رنگ آمیزی شده و چهار ضلعی هارا رنگ سفید زده‌اند .

## حمامی قدیمی

## دردهنکده فیروزکلای دشتسرآمل

این حمام شامل سرینه و رختکن و سردخانه و گرمخانه است . دست راست سردخانه ، مستراح و دست چپ آن نورهخانه بناشده است .

## تکیه‌ای قدیمی

## دردهنکده باشکلا از دهنکده های دشت سرآمل

بنائی است مستطیل شکل دارای یک در ورودی . در این بنا دوازده طاقچه است که بالای هر طاقچه مصراحتی از اشعار هفت‌بند محتمم است . بالای هر مصراحت طاقنمایانند کوچکی است که داخل هر یک گچ بری دارد طرح این گچ بریهای با یکدیگر

۵- در زیارت‌نماهه داخل حرم ، این امامزاده به نام امامزاده عباس خوانده شده بود .

اختلاف دارد (عکس شماره ۷۷). بالای این قسمت سم‌کشی و شیر سرکشی است. تیرهای سقف، روی این شیرسرها قرار گرفته است. بالای تیرها تخته کوبی با درز پوش است. بام سفال‌سر است. چهار ستون چوبین چهارسو که سروتنهای دهان از دری دارند، در جلو بنا است.

سقانفاری قدیمی و بوکار در محوطه حیاط تکیه است (عکس شماره ۷۸). سفاخانه چوبین بزرگی نیز در محوطه نکیه است. اصلاح بزرگ‌تر دارای شش پنجه ارسی و اصلاح کوچکتر هر بات سه‌پنجه ارسی دارد (عکس شماره ۷۹).

### آب انباری قدیمی

در دهکده پاشاکلای بالا از دهکده‌های دشت سر

آب انباری است از آجر که سردر پاشیر و پله‌ها و مخزن آب آن بر جای است. اراضی اطراف آن را که وقف بوده است ابوالحسن سپهری فروخته و نعمت‌کرده خربداری کرده و نصاحب کرده است.

### خانم پل

در راه پاشاکلا به شهرکلا

پلی است آجری که بر روی رودخانه کاری بوده است. می‌گفتند خانمی این پل رازده و از بالای آن آب از طرفی به طرف دیگر رودخانه برای اراضی خود می‌برده است. سه طاق از این پل باقی است (عکس شماره ۸۰).

### درویش اسماعیل

در اراضی کما تکرکلای دشت سرآمل

میان پاشاکلا و کمانگر کلا در زمینهای متعلق به دهکده کمانگر کلا بقعه‌ای قدیمی درویش اسماعیل قرار گرفته است. نمای خارجی بقیه چهارگوش است. این چهار گوش را بالاتر از تزئینات کشکولی و سینه کفتری گچی، بریده و هشت‌ضلعی به وجود آورده‌اند. گنبد کلاه درویشی آن هشت‌پر است و روی این هشت‌ضلعی بنا شده است.

در هر ضلع بالای طاقهای وسط، دو مستطیل است که داخل آنها کاشیکاری است. بالای این قسمت کاشیکاری، دوازده قرنیس سینه کفتری و بالای آنها بازده نیم دایره تزیینی از گچ ساخته‌اند. طرف در ورودی بقعه، مسجدی نوساز بعداً اضافه کردند.  
(عکس شماره ۸۱).

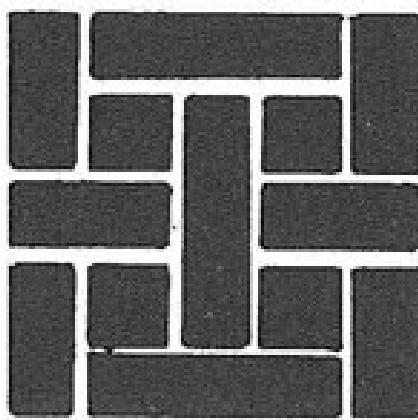
داخل بقعه چهارگوش است و صندوقی ماده جوین در میان آن، مرقد درویش اسماعیل را پوشانده است. در مقابل بقعه سقانفاری تازه‌ساز به چشم می‌خورد که ارزش تاریخی ندارد.

#### امامزاده عبدالله<sup>۶</sup>

در دهکده شهنگ کلا<sup>۷</sup> از دهکده‌های دشت سرآمل

بنای اصلی بقعه از خارج مستطیل و از داخل هشت‌ضلعی است (عکس شماره ۸۲). پنهانی اصلاح میان ۲۲۲ – ۲۲۵ سانتی‌متر است. نزدیک سقف بنا سرکشی و شیر سرکشی است. وسط بنا سرکشی (حمل) بسیار قطور چهارسو، میان شیر سرها است. تیرهای سقف بر شیر سرها و حمال متکی است و شامل بازده تیر چهارسو است که نسبت به عرض بنا کوچک و بزرگ می‌شود. بالای تیرها تخته کوبی با درز پوش است. کف بنا از کاشیهای مختلف با رنگهای متفاوت فرش شده است. ظاهراً این کاشیها روزی ازارة بنا و قستی از آنها کنیه بوده است زیرا کلماتی روی پاره‌ای از آنها خوانده می‌شد.

۶- ظاهراً این همان امامزاده عبدالله است که در طومار، تو لیت آن با درویش محراب بوده است.  
۷- شهنگ کلا ده از دهستان دشت سرآمل دوازده کیلومتری منطقه آمل و سه کیلومتری جنوب راه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). در کتاب اسماعیل دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۸ از این امامزاده باد شده است.



در اصلی ورودی  
بفعه شرقی است .  
در ازای هر لنجه آن ۱۳۷ سانتیمتر  
و پهنای آن ۴ سانتیمتر  
است . بر هر لنجه سه  
طرح تکراری است .  
طرحها عبارت از قطعات  
چوبند که در جهات  
 مختلف به یکدیگر کم  
وزیان نشده اند . اطراف  
طرحها زنجیره و حاشیه  
بندی دارد . شکل هر  
طرح از این قرار است :

صندوقی به درازای ۳۰۰ و پهنای ۱۳۲ و بلندی ۱۰۲ سانتیمتر در وسط بناست .  
بدنه دراز صندوق شامل پایه و قسمت مشبك و حاشیه است که به متن صندوق متنه  
می شود . در این قسمت شش پاره کنده کاری جداست که به یکدیگر متصل کرده اند .  
در پهنای صندوق دوباره از این کنده کاری است .

آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق است :

از : بِسَمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ انْفَتَحْنَا لَكَ فَتَحْمِبِنَا - تا - عَلَيْكَ وَيَهْدِكَ

آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه شمالی است :

از : صَرَاطًا مُسْتَقِيمًا - تا - ذَلِكَ عَنْدَ اللّٰهِ

آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه شرقی است :

از : فَوْزًا عَظِيمًا - تا - غَضْبَ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ

آیاتی که بر حاشیه بالای بدنه جنوبی صندوق حک شده است :

از: لعنهم واعد لهم جهنم والله جنود السموات – نا – بـدالـه فوق  
عباراتی که بر تخته میان پاره‌های کنده کاری سوم و چهارم بـدنـه شـمالـی است:

اللـهـمـ صـلـ عـلـیـ النـبـیـ الـمـصـطـفـیـ اللـهـمـ صـلـ عـلـیـ الـمـرـضـیـ وـ  
عـلـیـ الزـهـرـاـ وـالـسـبـطـلـینـ وـالـسـجـادـ وـالـبـاـ

عباراتی که بر تخته میان پاره‌های کنده کاری دوم و سوم بـدنـه شـمالـی است:  
قـرـوـ الصـادـقـ وـالـکـاظـمـ وـالـرـضـاـ وـالـنـقـیـ وـالـعـسـکـرـیـ

عباراتی که بر تخته میان پاره‌های کنده کاری چهارم و پنجم بـدنـه شـمالـی است:  
وـالـحـجـنـکـ ... القـائـمـ الـهـادـیـ الـمـتـظـرـ الـمـهـدـیـ صـاحـبـ الزـمانـ

مطالی که بر حواشی پایین صندوق حک شده است:

عباراتی که بر حاشیه غربی پایین صندوق بـورـدـهـ است تـراـشـیدـهـ شـدـهـ بـوـدـ وـقـسـمـتـیـ  
از حروف دیده می‌شد.

قسمت حاشیه پایین غربی که تراشیده شده بـوـدـ ظـاهـرـآـ آـیـاتـ اـزـ اـبـنـایـ آـیـةـ  
الـکـرـسـیـ بـوـدـهـ است.

آـیـاتـ کـهـ درـ حـاشـیـهـ پـایـنـ صـنـدـوـقـ طـرـفـ غـرـبـیـ حـكـ شـدـهـ است:  
عـنـدـهـ الـاـ بـاـذـنـهـ – نـاـ – هـوـ الـعـلـیـ الـعـظـیـمـ مرـقـدـ منـورـ مـطـهـرـ بنـ حـارـسـ  
موـسـىـ نـورـالـلـهـ قـبـرـهـ تـارـیـخـ شـہـرـجـبـ فـیـ سـنـةـ ۹۶۵ـ بـالـلـهـ يـاـ مـحـمـدـ يـاـ عـلـیـ .  
حواشی پایین بـدنـهـ هـاـیـ شـرقـیـ وـ جـنـوبـیـ بـهـ عـلـتـ مـانـعـ شـدـنـ تـخـتـهـایـ کـهـ جـلـوـ آـیـاتـ  
کـوـبـیدـهـ بـوـدـنـدـ خـواـنـدـ نـشـدـ.

عبارات زیر بر تخته سمت راست که میان پایه صندوق و قسمت کنده کاری اول  
غـرـبـیـ قـرـارـ مـیـ گـرفـتـ ،ـ حـكـ شـدـهـ بـوـدـ :

سـاعـیـ صـنـدـوـقـ مـبـارـکـ عـلـیـ بـنـ يـاـ مـوـلـانـاـ جـمـالـ

برـتـخـتـهـ سـمـتـ چـبـ کـهـ مـيـانـ پـایـهـ صـنـدـوـقـ وـقـسـمـتـ کـنـدـهـ کـارـیـ دـوـمـ غـرـبـیـ قـرـارـ دـاشـتـ ،  
عبـارتـ زـیـرـ حـكـ شـدـهـ بـوـدـ :

۸- در این قسمت گل و بهره‌ای میان آیات کلام‌الله مجید و قسمت بعد فاصله قرار می‌گرفت.

### عمل استاد محمدخان گلستانی

مسجدی که زمان بنای آن مؤخر بر زمان بنای بقعه است منصل به بنای اصلی است . در ورودی این مسجد کنده کاریهای ظریف داشت . درازای هر لنجگاه آن ۱۵۸ سانتیمتر و بهنای آن ۵۱ سانتیمتر بود ( عکس شماره ۸۳ ) .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست عبارات زیر حکم بود :

صاحب الخبرات درویش سید جلال

بر پاسار بالای لنگه چپ :

بن سید السادات سید حسن صدقی رسول

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

عمل شمس الدین ابن استاد اخند نجار

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

تحریر آنی ماه جمادی الآخرة سنہ سبعة و تسین و ثمانمائه

منولی اظهار می کرد که این جفت در را سیل به رودخانه مجاور دهکده آورده و پس از گرفتن آن از آب ، در اینجا نصب کرده اند .

در محوطه اطراف بقعه گورستانی قدیمی است که نه اصله درخت آزاد کهنسال

دارد که محیط تنه سه اصله آنها بدین ترتیب است ، ۵۰۰ و ۴۶۵ و ۴۰۰ سانتیمتر .

روز بیست و ششم نوروز ماه قدیم که مصادف با ایام او اخر مرداد ماه جلالی

است در اراضی اطراف امامزاده ، بازار برپا می شود و از اطراف واکناف برای کشتن گیری و تماشای آن می آیند .

قلعه خرابه‌ای عظیم وقدیمی به نام « کافر قلعه »

نژد یک دهکده قلعه کش از دهستان دشتسر بخش مرکزی آمل در حدود

اراضی قلعه خاک ریزی است دستی به ارتفاع بیست متر و بالای آن در حدود

۹- قلعه کش ده مرکز بلوك قلعه کش از دهستان دشتسر بخش مرکزی آمل درازده کیلو-

متری شرق آمل ( فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲ ) .

ده هکتار یعنی صد هزار مترمین با برآست که بر آن علفهای هرز بسیار روئیده است. خندقی دور تادور قلعه کنده بوده اند که آثار آن تا امروز باقی است. اطراف این محوطه بزرگ دیواری و باروئی بوده است و آثار آن پیداست. طرف شمالی این اراضی قسمتی تبه مانند است که ظاهرآ قسمتی از ارگ قلعه بوده است. در شرق قلعه خاکریز دیگری است که با خندقی از اراضی اصلی قلعه جدا می شود. بلندی این قسمت از سایر قسمتهای قلعه بیشتر است. شاه نشین وارگ که اصلی قلعه ظاهرآ در این جا بوده است. در ارگ اصلی و در اراضی پنهان اور قلعه دو حلقه چاه آب بوده است که آثار آنها تاکنون بر جای است. چاه ارگ شرقی قلعه به علت ارتفاع اراضی آن از چاه اصلی قلعه عمیق تر بوده است.

معروف است که خاک خاکریز این قلعه را از اراضی « دزدکچال » بار فروش (= بابل) با توبیره اسب دست به دست داده و بدینجا رسانیده اند.

#### امام قلعه

نفیریا در شمال « کافر قلعه » خاک ریز دیگری است که خاک آن با خاک کافر قلعه اختلاف دارد. در خاک ریز کافر قلعه شن و ریگ دیده نمی شود، در صورتیکه در خاک ریز امام قلعه، شن و ریگ غالب بر اجزای خاک است. معروف است که این شن را از گرم رود آورده اند. بالای این خاکریز تأسیسات کشاورزی است و اداره کشاورزی این اراضی را خبیط کرده است. شاید امام قلعه، پیش قلعه کافر قلعه بوده است.

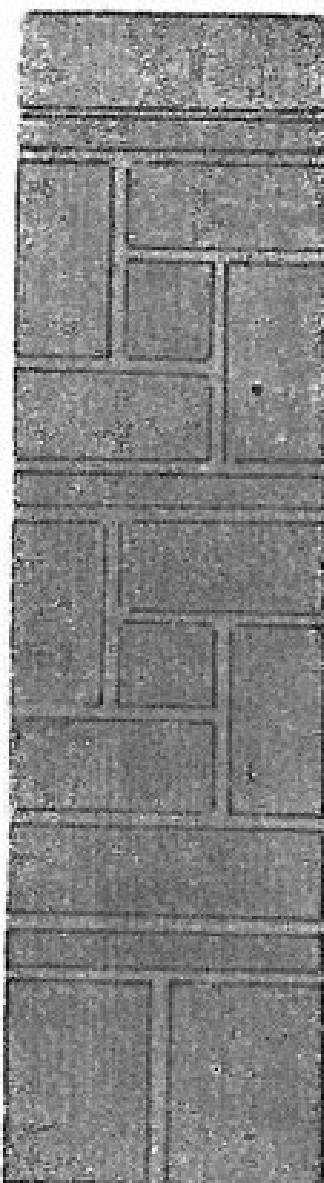
#### اماوزاده فضل

در دهکده زیارو از دهکده های دشتسر

راه دهکده زیارو، از کوچه لطفی در محله « پل به بور » آمل به بازیار کلا و کنسی<sup>۱۰</sup> و بزمیان<sup>۱۱</sup> و کمکلا<sup>۱۲</sup> و از آنجا به زیارو می رود.<sup>۱۳</sup>

۱۰- بکسر کاف و نون. ۱۱- بضم باء. ۱۲- بضم هر دو کاف رودخانه ای که از کمکلامی گذرد معروف به « کاری » است که به بابل رود می رسد. پکی از شعب این رود معروف به « بوروده » است. ۱۳- از سر کوه لطفی تا دهکده زیارو در حدود ۶ کیلومتر است.

بنای امامزاده فضل بنائی است مستطیل شکل که از مسجد منصل به آن به در



ورودی بقعه می‌رسیم . در ورودی دولنگه است  
وبرچهارچوب نیز کنده کاری کرده‌اند پاره‌چوبی  
مشبك و قطور بر روی کلگی چهارچوب است  
که دو طرف آن چهارآویز دارد . هر دو آویز در  
مقابل پلکنگه قرار می‌گیرد . بلندی این در ۱۷۵ سانتیمتر است .  
و بهنای آن ۵۳ سانتیمتر است .

**برحاشیب بالای لنگه سمت راست این عبارت نوشته شده است :**

**هذا المشهد ابلغضل بن موسى**

### کاظم

بر بالوی سمت چپ همین لنگه عبارات زیر است :  
صاحب العمارة المشهد و  
خادم كعبته حاجی زیاد مز بن محمد  
بن داود بن سماع بن هدی بن اسماعیل<sup>۱۲</sup>  
عمل ابراهیم نجار بن سلیمان نجار  
ابن . . . . . سنه ثلث و نهانین و  
سعماه .

این در دولنگه از قطعات تخته ساخته شده که به  
بکدیگر کم وزبانه شده است طرح هر لنگه از  
این قرار است :

صندوق مزار در وسط اطاقی چهار گوش است درازی آن ۲۵۷ و بهنایش ۱۵۲

و بلندیش ۱۳۲ سانتیمتر است .

عبارات زیر بر حاشیه بالای بدنۀ جنوبی صندوق حک شده است :

هذه روضة منوره للأمير الاعظم السعيد الشهيد المرحوم الأمير محمد بن الأمير الشهيد المغفور له العزيز الامير افضل طابت ثراه وجعل الجنة مثواه في اوائل رجب سنة احدى اربعين وثمانمائة عمل استاد شمس الدين ابن جلال الدين النجاشي الانصاري

بر حاشیه بالای بدنۀ غربی صندوق :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا إله إلا هو الحي - ت - الأرض من ذي

بر حاشیه بالای بدنۀ شمالی صندوق :

الذى يشفع عنده - ت - هو العلي العظيم صدق الله العظيم خطه  
مطهر الداعي الحسيني .

بر حاشیه بالای بدنۀ شرقی صندوق :

امر بعمارة هذه الروضة الشريفة السيد معظم مالك رقاب الامم  
الامير علاء الدين خللت مملكته مزار الله ولا خبه السيد المرحوم عبد الخالق  
الامير الاعظم . . . . المكرم مقيد اهل [كذا]

#### دو درخت کهنسال

در اراضی «آقادار» در دهکده بزمیان ۱۵ دشتسر

در بیدان دهکده بزمیان دو درخت کهنسال است که به نام «آقادار» معروفند .  
بکی از آنها اوچا است که دورتنه آن به ۶۶۰ سانتیمتر و دیگری آزاد است که دورتنه  
آن به ۴۰۰ سانتیمتر می‌رسد .

## امامزاده عباس ۱۷

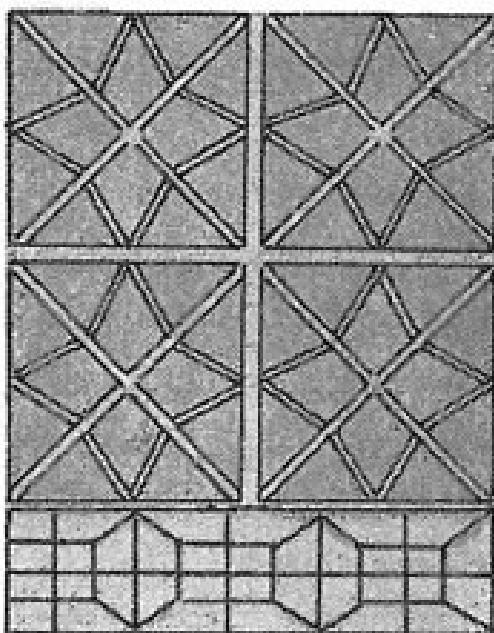
در کم دره (= کیمه ۱۷) دشت سرآمل

بنای اصلی بقیه قدیمی به نظر نرسید. مسجدی کوچک متصل به بنای بقیه است. پنهانی در ورودی مسجد ۶۰ و بلندی آن ۱۸۴ سانتیمتر است. در ورودی بقیه ۱۶۲ سانتیمتر است و این عبارات بر پاسار و سط لنگه سمت راست نقر شده است: تمام شدست جام در صحن منبر که امامزاده عباس.

از بد اقل خلق الله آقا مبد الله قلی واستاد علی اکبر نیاکی بانی

در مشهدی حاجی [کذا].

دو لنگه در ورودی از قطعات چوب نشکل شده که به یکدیگر کم وزبانه کرده‌اند. طرح گل و بوته و حاشیه بندی آن چنین است:



صدوفی قاب و آلت کاری،  
مرقد امامزاده عباس و مادر و خواهر  
اورا پوشانده است در ازای آن ۵۲۸  
و بهایش ۱۴۰ و بلندی آن ۱۱۸  
سانتیمتر است.

بالای در ورودی حباط گچ.  
بری است که نوشته‌های آن بسیار  
بد خط و ناخوانا است. انتهای کتیبه  
آن «عمل محمدعلی امیری ۱۱۳۹»  
خوازده می‌شود.

۱۶- شاید امامزاده عباسی که در طول مار نام آن آمده و در بلوك دشت سر به تولیت درویش مرد حاجی بوده این امامزاده عباس باشد. ۱۷- کم دره (بضم کاف) را اهالی «کیمه» (پتشدید راء) تلفظ می‌کنند. کم دره ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۷۷۵ کیلومتری شرق آمل سه کیلومتری جنوب شوسه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) در کتاب اسمی دهات کشور ج ۱ ص ۱۵۸ از این امامزاده یاد شده است.

## اماوزاده محسن

## در تهران دشت سرآمل

بنایی است قدیمی، چهار گوش، با گنبدی کوتاه، ضلع شرقی بقیه از داخل ۳۱۲ و ضلع قبلی آن ۳۴۷ متر است، در طرف قبلی بنا دو طاقنما است که بالای آنها دو پنجره نورگیر است، دیوارهای شمالی و غربی هر یک دو طاقنما دارد، در ورودی در دیوار شرقی است و در طرف آن از داخل، دو طاقنما کوچک است، در کمر بند گنبد چهار مصراع شعر در چهار جهت است که بسیار بدخت و ناخواناست، مسجدی متصل به بنای بقیه است، در ازای آن از داخل ۳۷۵ و پهنای آن ۳۶۰ سانتیمتر است، طاق و سطح مسجد بر دو نیم قیباً جنوبی و شمالی منکی است و این طاق مسجد را به دو قسمت کرده است، در سه جانب مسجد هر یک در طاقنماست و در ورودی مسجد یکی از طاقنماهای قبلی است (عکس شماره ۸۴).

## اماوزاده قاسم

## در اراضی کوهکرون محله پایین هشتله از دهکده‌های دشت سر

بنای اصلی بقیه چهار ضلعی است که مسجدی متصل به آن است و ایوانی در جلو مسجد ساخته شده است (عکس شماره ۸۵). در اصلی بقیه کنده کاری بسیار ظریف دارد، پهنای هر لنجه ۴۲ و بلندی آن ۱۶۹ سانتیمتر است.

عبارات زیر برپاسار بالای لنجه سمت راست با خطی بسیار خوش حک شده

است:

الدنيا ساعة وجعلها طاعة

---

۱۸- بفتح ناه وضم ميم ده ازدهستان دشت سر بخش مرکزي شهرستان آمل ۱۱۵ کيلومتری شرق آمل ۱۱۵ کيلومتری راه آمل به باهل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲) اهالی محل این دهکده را جزو دهکده‌های هرازبی می‌دانند. ۱۹- هشتله (بکره ها و تاء) ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل شش کيلومتر و نيعی شرق آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

برپاسار بالای لنگه سمت چپ:

الدنيا قطرة فاعبروها ولا يعمروها

برپاسار پایین لنگه سمت راست:

عمل . . . [بعد علت فرسودگی خوانده نشد]

برپاسار پایین لنگه سمت چپ:

فی تاريخ خمس و ثلاثين و ثمانائه

بربالی دماغه در باخط نسخ خوش:

الله مفتح الابواب

باقي متن در، قاب و گره و حاشیه‌بندی و کنده‌کاری و گل و بوته دارد، صندوقی  
کنده کاری بسیار ظریف در وسط بنا مرقد را پوشانده است. درازای آن ۲۳۸ و  
پهنایش ۱۲۹ و بلندی آن ۱۰۴ سانتیمتر است این صندوق بر چهار چوبی قرار دارد  
که درازای آن ۲۵۳ و پهنای آن ۱۴۶ و بلندی آن ۱۸ و قطر آن ۷ سانتیمتر است.

دویدن شرقی و غربی صندوق هر کدام یک قاب و بدنه‌های شمالی و جنوبی  
هر کدام دو قاب کنده کاری دارد.

بر حاشیه بالای بدنه شمالی صندوق آیات زیر از کلام الله مجید است:

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو - تا - علمه الاباشاء

بر حاشیه بالای بدنه شرقی:

وسع كرسيه السموات - تا - فمن يكفر

بر حاشیه بالای بدنه جنوبی:

بالطاغوت و يؤمن - تا - فيها خالدون هذ المرقد المنور

بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق عبارات زیر حک شده است:

للشيخ الاعظم قدوة الاولى والمحققين مظہر کلمات الله العلیا

قاسم بن علی موسی ائمۃ الله برهانه فی سنۃ اربعین و ثمانائه.

بر طرف دست چپ بدنه جنوبی صندوق:

### عمل حسین بن استاد شمس الدین الانصاری

برپایین بدنۀ جنوبی صندوق :

#### عمل فخر الدین بن الاستاد جمال الدین الانصاری

بنای اصلی از داخل چهار گوش است . در هر یک از اضلاع یک طاقنمای بلند است . با چهار گوشوار گود، چهار ضلعی تبدیل به دایره کامل شده و بر روی این دایره گنبدی بلند نوک تیز زده اند .

نمای خارجی بنا چهار ضلعی است که میان هر یک از اضلاع طاقنمای بزرگی است . بالای هر یک از بدنۀ سیزده قرنیس سینه کفتری و کشکولی است . گنبد بنا از خارج کلاه درویشی است .

سه گنبد دیگر در گورستان متصل به بقیه است . گنبد اول به ابعاد  $۱۴۵ \times ۴۰۰$  سانتیمتر است . چهار گوشۀ تیز بنارا پخ زده اند . بالای دو ضلع بلندتر شش کاشی و بالای دو ضلع کوتاهتر پنج کاشی نیم دایره‌ای نصب کرده اند . در میان هر یک از اضلاع طاقنمائی ساخته اند . بالای این گنبد ، هرم مربع القاعده است و در ورودی ندارد . (عکس شماره ۸۶) .

#### گنبد دوم

درازای این گنبد  $۲۲۲$  و پهنای آن  $۱۶۴$  سانتیمتر است . چهار طاقنما در چهار طرف بناست . بالای این گنبد نیز هرم مربع القاعده است (عکس شماره ۸۷) .

#### گنبد سوم

این گنبد تقریباً چهار گوش است درازای آن  $۳۳۸$  و پهنایش  $۳۳۷$  سانتیمتر است . در هر ضلع دو طاقنما ساخته اند . در فواصل انحنای طاق طاقنمایها ، سه مربع کم عمق در آورده اند که جای خالی انحنای طاق طاقنما را پر کنند . در بالای این سه مربع ، مربع مستطیل کشیده ایست که به شکل جای کتیبه است . با این گنبد نیز هرم مربع القاعده است (عکس شماره ۸۸) . درختان آزاد کهنسالی در اراضی گورستان متصل به بقیه است ، محیط دایره تنه آنها به  $۶۰۰$  و  $۵۴۶$  و  $۵۳۳$  سانتیمتر می‌رسد .

امامزاده محمد

#### در محله بالای هشتل دشتسر

بنایی است ساده با ابوانی جلو آن که دارای پنج ستون چهارسو با سرستون است. صندوقی ساده چوبین قبررا پوشانده است. بر حاشیه بالای آن آية الكرسي با خطی بسیار بد و در آخر آن سنه ۱۲۸۶ قمری خوانده می شود . در محوطه اطراف بقعه درختان آزاد و درختان موزی است . گردانگرد تنه دو اصله از درختان آزاد ، ۴۰۰ و ۲۸۲ سانتیمتر و درخت موزی ۲۸۳ سانتیمتر است.

#### گبرکنی

#### در گیل محله نزدیک دهکده‌گته بخش دشتسر

خاکریز دستی واژری قدیمی است. اراضی آن متعلق به عبدی و شرکاء رئیس زاده است. گیل محله در جاده قدیمی آمل به بابل و در حدود پنج کیلومتری آمل است .

#### باقي بناها و آثار تاریخی دشتسر

۱- شرم کنی<sup>۷</sup> نام کنی بادآور تپه های قدیمی و خاکریز دستی است . و خود محل ، دهکده مخروبه ایست نزدیک کمانگر کلا .

۲- امامزاده ولی در جنگل بلیرون . بلیران نزدیک شهره کلا (شحنه کلا) است . بلیران ده از دهستان دشت سر بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۳/۵ کیلومتری شرق آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

۳- امامزاده شاه حمزه رضا واقع در بلوک دشت سرآمل به تولیت سید اجل وورثه سید علی (طومار دوران صفوی) .

۴- امامزاده عبدالله رضا واقع در دشت سرآمل به تولیت درویش جاندار

۲۰- بفتح شين وراء و كسر ميم وضم كاف . اين نام در فرهنگ جغرافیائی ایران به شكل شرم کنی آمده و در باره آن نوشته است : نام آبادی گوچکی از دهستان دشت سر بخش مرکزی آمل که نهلا مخروبه است .

(طومار دوران صفوی)

۵- امامزاده عبدالله علی واقع در بلوک دشت سرآمل به تولیت ملاعبدی  
(طومار دوران صفوی)

## ۶- بناها و آثار تاریخی هرازبی

گوشک شاه اردشیر  
در رودبار، آمل

هنگامی که اسپهبد شمس الملوك رستم شاه غازی - پسر میانین شاه اردشیر -  
به مخالفت پدر برخاست، همراهانش موافقت کردند تا او به قلعه دارا رود و قلعه را  
بگیرد. او از پدر اجازه خواست و به راه افتاد. در این وقت شاه اردشیر در قصر رودبار  
آمل بود و از این امر خبر یافت. کسان خود را به دنبال او فرستاد. پس از آنکه اورا  
حاضر کردند، شاه اردشیر دستور داد تا اورا بند بزندهادند و به قلعه دارا فرستادند.

گوشهای حاجی محمد حسن امین الضرب  
در محمودآباد مرکز هرازبی و اهلی رستاق

مرحوم امین الضرب قصد داشت در محمودآباد سرای بزرگی برای بندرگاه  
آن بسازد (عکس شماره ۷۹) و کارخانه‌ای بزرگ و مایر تأسیسات نظیر حمام در آنجا  
برپا کند (عکس شماره ۹۰) واسکله بزرگی که راه آهن آمل - محمودآباد به آن

- 
- ۱- رود بار ده از دهستان هرازبی بخش مرکزی شهرستان آمل ده کیلومتری شمال آمل،  
بنج کیلومتری شرق جاده آمل به محمودآباد (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳).
  - ۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

منتهی می‌شد برای بارگیری کشتیهایی که از روسیه می‌آمد آماده کند (عکس شماره ۹۱) و برای حمل و نقل کالاهای کشتی با دبانی به نام «اشگون طیقون سلامت رو» خریده و این شرح را با خط خود در بالای آن نوشته است: (عکس شماره ۹۲).

نقشه اشقول است که در تاریخ شهر ذی الحجه الحرام سنه ۱۳۰۳ کربلاً آغازی باد کوبه‌ای از تنخواه حفیر بتوسط حاجی سعدالله<sup>۱</sup> خریده است و این نقشه را فرستاده‌اند و جهش را از تنخواه جمعی محمود آباد هشت هزار منات بتوسط آقا محمد حسین داده‌اند باقی راهم ایضاً بتوسط آقا محمد حسین داده‌اند و در حساب حقیر نوشته است... تو پیحا نوشته شد. در سمت راست این نقشه شرحی از لوازم «اشقول» آمده است که درست خواهد نمی‌شود.

#### اما زاده قاسم

در محمودآباد مرکز اهل علم رستاق و هرازبی

بنائی ساده و ناجیز کنار ساختمان دبستان بود و ارزش تاریخی نداشت.

#### پلا آق محله

در محمودآباد نزدیک پل پل بنزین

تبه ایست قدیمی که اطراف آن را کمی ریگه روان گرفته است.

#### فرگن کوتی

ابتدای راه محمود آباد به بالسر

بر دست راست جاده تبهای بلند است که ظاهرآ کوتی قدیمی است.

۲- حاجی سعاده دعاونی مقیم بندر گز پدر حاجی یعقوب. ۲- آقامحمد حسین بزدی مقیم بادکوبه پدر محمد و کیل التجار، و کیل رشت در مجلس شورای ملی متفقی ۱۳۰۵ قمری (مطلوب حاشیه درباره حاجی سعاده و آقامحمد حسین را آقای دکتر اصغر مهدوی گفته‌اند و عکسها را هم ایشان لطف کردند. از مراحم ایشان مشکرم).

### قلعه کوتی

در قلابند سرخ رووده هرازبی

دو کوتی نزدیک به یکدیگرند. یکی از آنها بزرگتر و در حدود چهار هکتار سطح بالائی آن است و دیگری کوچکتر و اراضی بالای آن به بک هکتار می‌رسد. قلعه کوچکتر طرف شرق قلعه بزرگ است.

عمارت و باغ حاکم لاریجان معروف به امیر مکرم (میرزا محمدخان)  
در دهکده اوجی آباد هرازبی<sup>۴</sup>

از عمارت و باغ امیر مکرم کوچکترین اثری بر جای نبود و محل آن را ساختمانهای تازه کرده بودند.

تکیه اوجی آباد نیز قدمتی نداشت و اثر تاریخی در آن دیده نشد فسحتی از بنای تکیه به نام «ابوالفضل» خوانده می‌شد و احترام امامزاده برای آن قائل بودند.

خانه عباسقلی خان سرتیپ لاریجانی  
در دهکده اوجی آباد هرازبی<sup>۵</sup>

میان عکسهای آلبوم ناصر الدین شاه عکسی<sup>۶</sup> از سردر خانه عباسقلی خان است که در سال ۱۲۸۳ قمری مطابق با منیل از سمت جنوب انداده شده است (عکس شماره ۹۳) از خانه و سردر آن کوچکترین اثری بر جای نبود.

### حف پلکون (هفت پلکان)

در دهکده معلم کلای (ملکلا) هرازبی<sup>۷</sup>

تکیه‌ایست نسبه زیبا (عکس شماره ۹۴) باسفاقواری (عکس شماره ۹۵)

۵- در سرخ زود خاندانهای: هروین، شیروی، شیرزاد و گولی زندگی می‌کنند.

۶- منن انگلیسی سفر نامه مازندران و استرآباد راینر ص ۳۲. ۷- عکس شماره

۷۶۱- کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. ۸- در فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳

معلم کلایه از دهستان دایو بخت مرکزی شهرستان آمل ذکر شده است.

در مقابل آن، منبری در تکیه است که متولی مدعی بود چون هفت پله دارد، این تکیه به نام « Huff بلکون » خوانده شده است. در صورتیکه خود منبر بیش از پنج پله نداشت، پنجره‌ای مشبك نورگیر بالای در ورودی است که نسبه طریف است این نوشته زیر آن خوانده می‌شد:

بسم الله الرحمن الرحيم نصر من الله وفتح قرب يا على ادركني كتبه  
طهماسقلی عمل زین العابدين سنة ۱۲۲۷

در بازدید سال ۱۳۵۰ شمسی در محوطه روبروی تکیه درختان افرا و اوچا و انجیر و انار و تلاریتون (شالپستونک) و شوحس بود ولی در بازدید سال ۱۳۵۶ درخت افرا ای که محیط تنه آن به ۶۰۰ سانتیمتر می‌رسید با نارنجی کهنسال قدیمی باقی مازده بود.

در فرهنگ جغرافیائی ایران در این محل امامزاده‌ای نشان می‌دهد. در محل تحقیق شد امامزاده‌ای نداشت.

#### امامزاده عبدالله

در اراضی رودبار هر ازبی

بنائی است مستطیل با صندوقی چوبین ساده در وسط. دری گنده کاری حاشیه‌دار دارد پهناهی در ۴۲ و بلندی هر لگه ۱۷۰ سانتیمتر است. درخت چناری کهنسال در اراضی بقعه بود که گرداق‌گرد تنه آن ۴۹ سانتیمتر بود.

#### امامزاده قاسم

در اورته دشت هر ازبی

بنائی است مستطیل از آجر، دری ساده و صندوق چوبین ساده‌ای در وسط بناست. ایوانی در جلو بناست که چهارستون چهارسو دارد.

### بهای قدیمی

در دهکده‌گتی<sup>۱</sup> از دهکده‌های هرازبی

فلاں بالای کتی را خانه‌هایی چند ساخته و دهکده کوچکی بوجود آورده‌اند.

### یوسف رضا

در اراضی دهکده‌گله کون (کلیکان) هرازبی<sup>۲</sup>

بنائی مستطیل ساده ایست با بامی شیر و آنی در و صندوقی ساده دارد. سه اصله

درخت آزاد که کهنسال بودند در اراضی اطراف بقعه دیده می‌شوند.

### سید بهاء الدین

در گورستان دریاسر هرازبی

این گورستان میان جنگل آزاد کهنسال است. گور سید بهاء الدین در هوای آزاد

بود و بنای نداشت. سنگ قبری به این شرح در اراضی گورستان دیده شد:

الحکم لله الواحد الفهار آرامگاه مرحوم مغفور مشهدی نادعلی قرقی خلف

مرحوم مسلم ۱۳۳۵

گردانگرد تن درخت موزی (مازو، بلوط) کهنسالی به ۱۰۵ سانتیمتر درخت

آزادی به ۴۲ سانتیمتر می‌رسید.

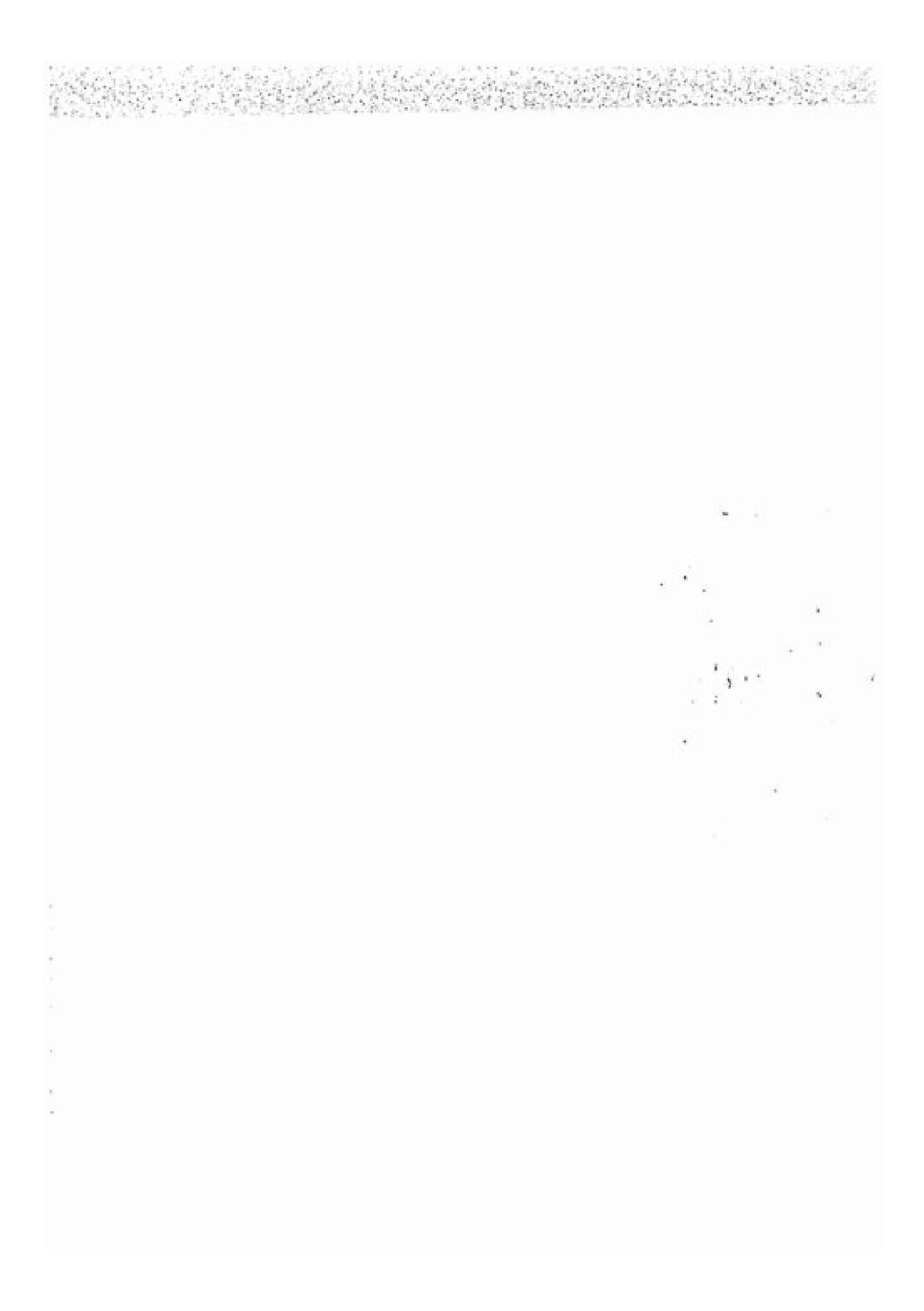
### باقی بناها و آثاری خی هرازبی

۱- مزار و گورستانی قدیمی در سیار سر هرازبی.

۲- مزار در رویش خانسار واقع درالم نور هرازبی به تولیت میر مرتضی (خطو مار

دوران صفوی).

۹- کتی دهکده‌تان هرازبی بخش مرکزی شهرستان آمل دو کیلومتری شمال آمل (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۲). ۱۰- هرازبی شامل هشت محل به نامهای زیر است: ۱- سیار سر (بکسر راء اول) ۲- مین کل مرز (بکسر میم و ضم یاء و فتح کاف و کسر لام) ۳- گنه کل مرز (فتح کاف) ۴- در باسر ۵- رویشت ۶- چهار افرا ۷- ویشکلاهه الله (فتح الف و لام).



## ۷- بناها و آثار تاریخی دابو

### مختصری از جغرافیای دابو

ناحیه دابو در شمال شرقی آمل است . حد غربی آن رودخانه هراز و ناحیه هرازی و حد جنوبی آن ناحیه دشت سر وحد شرقی آن سه ناحیه : ساسی کلام و لاله آباد و جلال از رک از نواحی بابل است وحد شمالی آن درباست .

صاحب تاریخ طبرستان می نویسد :

چون رستم بن قارن به پادشاهی بنشست ، رستم دابوی که قارن بن شهریار کور کرده بود ، اما روشنایی بر جای بود و پوشیده نگاه می داشت و بر عهد علاء الدوله علی بود ، از آمل بالشکر بسیار با دابوی آمده و به قصر دونکا بنشست و ولایت خود با دست گرفت<sup>۱</sup> مسکن است که این اراضی به علت تملک رستم بن دابو ، در زمان او به این نام شهرت پیدا کرده است .

## ۷- بناها و آثار تاریخی دابو

قلعه‌ها نسر - ماهیه سری دز ( - ماهن سر دز )

در ناحیه دابوی آمل

حسن بن اسفندیار درباره قلعه‌ها نسر چنین می‌نویسد:

پادشاهی بود که او را «ماهیه سر» گفتندی. سری کوچک داشت و هیچ موی بر سرا نبود. تابستان و زمستان ابردآ دستار بر سر پیچیده داشت چنانکه هیچ آفریده سر نتوانست دید که چگونه است. جهودی بود نام او «شمعون بن خداداد» و بعضی می‌گویند که مجرم بود نام او «بابی بن فرخ آذین» مادری داشت روز بنت خورشید نام، محظاً ساحره‌ای که در زمانه مثل او نبود. موضع ایشان به چهار فرسنگی آمل به کنار در را پیشه ایست که این ساعت (۶۰۰ قمری) اورا «اسی و بشه» می‌گویند و قصر و سرای او به دیگری بود که اکنون نیز معمور است «ولبر» می‌خوانند میان دیه کلنگور و شیر اباد پشته‌ای عظیم بلند و تنداست که اکنون «ماهیه سری دز» می‌خوانند و در حوالی او خندقی ژرف و در او آب مطحلب بسیار که هر چه در او افکنی به زمین فرسد، والا به زورق نشاید گذشت. اگر وحشی در آنجا افتد، هر چه حرکت بیش کند، بزمین بیشتر فرو شود، و از آن جانب که مهرب شمال است، عرصه‌ای دارد که نرگس مفتح فایق روید که در جهان بدبوی آن نرگس نیست و به دیه ولبر انجر خسراهی بودی بهتر از حلوانی. و ماهیه سر که پادشاه بود ظالمنی جباری طاغی عاتی مستبدی که اهل ولايت از او سنه شده بودند و مالهای بسیار جمع کرد و در زیر بناهای آن موضع دفن کرد و در عهد عبدالله بن محمود بن نوح، ابوالعباس که والی طبرستان بود، پیری صد ساله از آن ناحیت پیش او آمد و نشانها

۲- ظاهرآ : ماهن سر. زیرا ماهن همان ماهین است که با یاء مجھول تلفظ می‌شود و بهمنی هچون ماه است و چون سران مرد ابدا موی نداشته به ماه تشییه کرده‌اند.

داد . ابوالعباس جمله قیاسیان را با امنای خویش به ویلبر فرستاد تا آن گنجها بردارند و بسیار کوشیدند و مالها صرف کرده و روزگار درازی سدان مشغول بود، هر وقت بهموضعی رسیدندی که علامات آن ظاهر شدی ، از جوانب درهم افتادی و مردم را هلاک کردی . هیچ علم و حیلت سودمند نیامد تا عاقبت ابوالعباس تراک فرمود . و آورده‌اند که بعضی از اکسره معتمدی پیش ماهیه سفرستاد که به خدمت ما آید و اگر نه با تو خطابهارود ، رسول را بدان جایگاه فرود آوردند و فرمودند تا در تعهد مبالغت نمایند . و طلسی ساخته بود که روز هیچ بزغ و بنات الماء و وحش و طیور آواز ندادندی . چون شب درآمدی چندان آوازهای مختلف دردادند که صورت افتادی آسمان و زمین آن موضع در جنبش آمدند .

چون رسول کسری آن شب هول رستاخیز بشنید ، چون بیهوشان سراسمه پرسید که این حالت چیست؟ گفتند نگهبان ملک‌اند به شب . گفت بدروز کجا باشند؟ گفتند بدروز آسایش می‌کنند .

چون رسول کسری بازشد، این حال عرض داشت . او را گفتند تو این حالت به خواب دیدی و خیال بستی که به بیداری یافتنی . و به تاریخ بر امکه چنان است که این ماهیه سر صاحب انگشتی برمک عبد‌الملک بن مروان بود و در آن کتاب اول این حکایت نشستند و نزدیک من دروغ است . سبب آن را که ماهیه سریش از عهدمبارک صاحب شریعت بود و عبد‌الملک از خلفای بنو امیه است . و بسیار حکایت بیزدادی از ماهیه سر و پادشاهی او در کتاب خویش آورده است که همه خرافات و افسانه عجایز است . به سبب آنکه نامعقول بود، ترجمه آن نرفت .<sup>۲</sup>

میر ظهیر الدین کم ویش مطالب تاریخ طبرستان حسن بن اسفندیار را در کتاب خود آورده است .<sup>۳</sup>

فاضل سمرقندی در ضمن وقایع بورش پنجماله امیر تیمور در مطلع السعدین

<sup>۲</sup> - تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۴ و ۸۵ .

فتح قلعه ماهانه را بدین ترتیب شرح داده است.

امیر تیمور از استرآباد نیhest فرموده بعد از چند کوچ جنگلی عظیم پیش آمد. آن حضرت فرمود پیادگان سر راه بگشاپند. آنها عرض یک نیز پرتاب را در میان جهت قول و طرفین را برای برانغار وجو انغار گشودند و حکم شد سید غیاث الدین پیش پادخود سید کمال الدین رود و او را نصیحت کنند که لشکر در آمل تغار دهند. لشکر در آن حدود غله فراوان و چهار پایان فربه یافتد و به جانب ماهانه سر شتافتند و در خته‌الزیبیخ کنده و چوب و خاشاک بر لایها انداخته و نمدهلاس بر آبها افکنده چنان راه می‌ساختند که سوار می‌گذشت و بعضی جاها از روزتا شب به‌معنی بسیار نیم فرسنگ راه طی می‌شد و در فردآمدن نیز زحمت بود در بیست و هفتم ذی قعده قراولان طرفین جنگ سخت کردند و امیر شیخعلی بهادر رزم‌های دلبرانه نمود. عاقبت سید کمال الدین و عماد الدین از قلعه ماهانه سر بریون آمده، امان حلیبدند. امیر تیمور فرمود ملتمن را مبذول می‌دارم اما چون میتران این ولایت یاغیگری کرده‌اند باید فرزندان خود را با مالیات چند ساله پیش ما فرستند تا پدران را امان دهیم. اهل قلعه این سخن شنیده فوراً نقاره جدال زدند.

وماهانه سر قلعه‌ایست در چهار فرسنگی آمل به جانب دریا و نزدیک آن بر بلندی حصین حصین ساخته‌اند که یک طرف به دریا پیوسته جانبه که مفاک است از موج دریا پر آب شده، حکم دریا داشت نزدیک به میلی چنانکه از جمیع جوانب آب دریا قلعه را احاطه کرده بود و گردد قلعه در ختهای بلند نزدیک به یکدیگر سربه هم فروبرده بودند و از شاخها که برهم بافته بودند، در ختهای را به هم بسته و استوار ساخته حصاری دیگر بر افراد خواسته.

امیر تیمور قشونها ترتیب داد. مردان جلد بانوی و علم و نقاره در کشنهایا که پیر پادشاه و ارغونشاه و شیخ علی قراکولی گرفته و با خله که در آن بود آورده نشانده. روی دریا از برق شمشیر و سایر اسلحه چون

آنفاب می درخشید و نفیر و غریبو کوس پرده گوش می درید و امواج لشکر  
 چون امواج بحر اخضرا طراف و جوانب حصار را برآ بحرا فرو گرفتند و  
 و آن روز جنگی شد که زبان از شرح آن قاصر است . حصار بیرون مسخر  
 شد و خصمان به قلعه گریختند . امیر تیمور در غرہ ذیحجه فتح قلعه را جازم  
 گشت . لشکر بان جنگهای سخت کردند و بعد از هشت روز محصورین  
 عاجز شده ، اهالی حصار روبه درگاه فلک اقمار نهادند . نخست مید کمال -  
 الدین و سید رضی الدین و فرزندان بیرون آمدند . در اول ملاقات بواسطه  
 عقاید بد که بدیشان نسبت می دادند ، امیر تیمور سخنهای درشت به آنها گفت  
 و بعدیه حسن اکرام و بدل انعام همه را نواخته ، فرمود می باید معتقدات پدر  
 را ترک کرده ، بر طریقه سنت و جماعت زندگی کنید . . . چون حکام ساری  
 و آمل هرچه داشتند از ذخایر و نفایس و منموان آن دیار و تجار که از اطراف  
 پلاذ و امصار رسیده بودند ، به استغفار مناعت حصار بیه قلعه در آورده بودند  
 لاجرم غذایعی که به دیوان اعلی رسانید ، هفتصد شتر بار نقره بود غیر طلا و  
 آلات زر و نقره و رخوت از کنان و سقر لاط و غیرها و بعد از آنکه قلعه را  
 به جاروب غارت پاک رو فنه و اطراف آن را کرفه بودند توده خاک ساختند  
 و در تاریخ فتح قلعه ماهانه سر این رباعی ثبت افتاد :

ای آنکه تراست مکرمت خوی و خصال

و ز قلعه ماهانه سرت هست سؤال

هشت ازمه ذیحجه برو تادانی

تاریخ مه و سال گرفته به کمال<sup>۵</sup>

رابینو عبارتی چند از تاریخ طبرستان این اسفندیار را در سفرنامه خود آورده  
 و مطلب تازه ای به آن نیز وده است<sup>۶</sup>

۵- مطالب از مطلع السعدین است به نقل از لندوین ص ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ . ۶- ترجمه سفرنامه  
 مازندران و استرآباد ص ۱۵۳ و ۱۵۴ .

## عمر کلاده

در حدود و نه بن دابو

ابن اسفندیار می نویسد که در زمان مهدی خلیفه پس از سعید بن دعلج، عمر بن العلار انبیت دوم به مازندران فرستادند. دیه عمر کلاده را که به حد و نه بن نهاده او بنیاد افکند.<sup>۷</sup>

سید ظهیر الدین در این باره می نویسد: «قریة عمر کلاته در ولایت دابوی آمل ساخته عمر بن العلاست و آنجا قصری و بازاری ساخت».<sup>۸</sup>

## قصر دونکا

در دابوی آمل

هنگامی که اسپهبد علاء الدوله علی در خدمت سلطان سنجر بود، خبر مرگ پدرش - شهر بار - بدوزید. سلطان سنجر او را ازدواج داد و از عزا بیرون آورد. خبر مرگ برادرش را آوردند و بدرو رساندند که برادرزادهات به پادشاهی نیشت. چون رستم - برادرزاده او - به پادشاهی نیشت، رستم دابوی که قارن بن شهر بار اورا کور کرده بود اما روشناقی بر جای بود و پوشیده می داشت بدرا بیوی آمد و در قصر دونکا نیشت و ولایت خود به دست گرفت.<sup>۹</sup> در صفحه ۱۰۸ تاریخ طبرستان باز سخن از قصر دونکا است که در دابوی است.<sup>۱۰</sup>

در این قصر است که فخر الدین گلبایگانی شبی شراب خورد و براثر مستی خود را به کشن داد. داستان آن از این قرار است:

فخر الدین گلبایگانی هوای آن کرد که از خدمت اسپهبد فخر الدوله بگریزد و فته انگیزد. خدمتکاران او فخر الدوله را درست این حال معلوم گردانیدند و فخر الدین اجازت می خواست که به گلبایگان خواهم شد. فخر الدوله را این سخن تحقیق پیوست تا شبی به قصر دونکا شراب خورد و نوبت بعد نوبت فخر الدوله را تشریف می داد. چون

۷- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۱۸۲. ۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۹۶ و تاریخ رویان ص ۴۵.

۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۲. ۱۰- همین کتاب ص ۱۰۸.

از مستنی بی خبر شد و بینفاذ فخرالدوله فرمود که او را بر اسب نشاندند و به رو دست از آن جانب رو دباول و ناق معین بود. جماعتی رایه نیمه پل نشانده بود. چون به میانه پل رسید معتمدان شاه او را سرو باگرفته و در جوی باول انداختند با مداد زیر دونکا به سیاه مجده ای بدام باز افتاده نهاده بود. از آنجا بیرون کشیدند و شاه را معلوم کرده که دوش مست بی خبر بوده است تکیه کرد و در باول افتاد بفرمود تائزیت داشتند.<sup>۱۱</sup> در صفحه ۱۶۷ باز سخن از قصر دونکا به میان آمده است.<sup>۱۲</sup>

گور فخر الدین گلپایگانی  
در سیاه مجد دابوی

پس از اینکه اسپید فخرالدوله دستور داد تا فخر الدین گلپایگانی را از روی پل با بل به آب انداختند، با مداد روز بعد زیر قصر دونکا در محلی معروف به سیاه مجد جسد او در دام گشاده ماهی افتاده بود او را بیرون آوردند و در مسجد سیاه مجد به خاک سپردند و گور او تا حدود سال ۶۰۴ قمری بر جای بوده است.<sup>۱۳</sup>

قصر شاه غازی رستم بن علی  
در قراکلاوه دابو

شاه غازی رستم مردی مدبر و عاقل و جنگجو بود جنگهای پیاپی او استندار کیکاووس و فخرالدوله گر شاسف را به ستوه آورد و علیه او قیام کردند. این داستان در تاریخ طبرستان چنین آمده است:

استندار کیکاووس با فخرالدوله گر شاسف به مصاف دهستان با یکدیگر بیعت کردند که من به رویان زمین در او عصیان کنم تا تو به گلپایگان عصیان کنی که ما از دست پیکار او ستوه افتاده ایم و طاقت بر سید ویک روز

۱۱- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۹ و در کتاب التدوین ص ۱۶۰ و شرح کاملتری از این قصه تاریخی است و مطالب دیگری در باره قصر دونکا دارد. ۱۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۷. ۱۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۴۹.

مارا از پادشاهی و عیش و قبیح ولایت خویش نمتع نیست و عاقبت در میان لشکر او را کشته با گرفتاریم و نشان میان ما این است که تو استرآباد به دست گیری نامن آمل . هردو به مقام [ خود ] رسیدند . استندار کیکاووس به آمل آمد و به فراکلاده<sup>۱۴</sup> قصر او بسوزانید و حشم آمل او را بیرون کردند و فخرالدوله به استرآباد آمد و غارت کرد و با گلپایگان شد...<sup>۱۵</sup>

در صفحه ۱۵۵ تاریخ طبرستان بازنام قصر فراکلاده یاد شده است این قصر در اول پلاست حسام الدوّله اردشیر ساخته شده بود و مدتها مقر اسپهبدان طبرستان بوده است.<sup>۱۶</sup>  
مولانا او بیاعله در این باره چنین می نویسد:

حسام الدوّله اردشیر بن کینخوار بن شهریار بن کینخوار بن رستم  
بن دار ابن شهریار مرکز حکومت را از ساری به آمل آورد و ابن خانه که  
در فراکلاهه الی یومناهذا (۷۶۳) مفرما لوک بود وایوان و بارگاه بر لب جوی  
هر هز ساخته ملک اردشیر عمارت کرد.

وقتی در آنجا تفرج می کردم در تصویر کتبه و نقش دیوار به خط  
حلومار قصیده ای مطول از گفته سراج الدین قمری نبته بود مامع، مطلع ش  
این بود .

وصل العبد الى مقدم كسرى الثاني

ملك العادل ذي العزة والبرهان

باستط الجود على الكاشح والخلان

صادق الوعد فلا يخلف كالاخوان

اردشیر آن شهپر دل که گه بخشش و چنگ

نگذارد اثراز هستی دریا و نهنگ

۱۴- این فراکلاده ظاهرآ با فراکلاهی امروز قابل تطبیق است. فراکلاده ازدهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۵ کیلومتری شمال خاوری آمل ( فرهنگ جغرافیای ایران ج ۲).

۱۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۹۶ . ۱۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۶۵ .

آنکه بهرام فلک روی سوی گور نهد

چون وی از کیش برآرد بگه جنگ خذنگ<sup>۱۲</sup>

دخنه شرفی خواهر اسپهبد شاه غازی رستم معروف به خانقاہ مادر اسپهبد اسفندیار  
در فرالا لاتا دابو

در مخالفتی که اسپهبد شاه غازی رستم با امیر شهریار - امیر شلب<sup>۱۳</sup> - کرد بزرگان طبرستان شفیع شدند و میانجیگری کردند شرح این قصه به قرار زیر است:

شاه غازی رستم، سید باعلی شجری وزین الدین را بدین مهم اختیار کرد و پیش امیر شهریار فرستاد. امیر شهریار به آمل فرستاد و قاضی القضاه تاج الاسلام ابو معمر وناصر بزرگ و معارف و سادات را پیش اسپهبد فرستاد. گفتند اعتماد براین است که دعا گویان گویند. دختر اسپهبد را به جهت شهریار بخواستند. اسپهبد با چمنوشدن و عده بگذشت و سه راب بن رستم را که عمزاده بود به کوتوال فرستاد با خاصگان خویش و امیر شهریار باقلعه برداشان را واو به زیر آمد و اسپهبد خواهر خود «شرفی» نام را بدو داد زنی بود که عفاف و ظلف و دیانت او در جهان مشهور است و آثار خیر او هنوز (حدود ۶۰۰) باقی و ولیکان ملک اوست بعزم خربده و خلاف از این هشتاد پاره دیه بود بدرستاق آمل و چهل پاره به دیگر نواحی و املاک حلالی که بعهد شاه غازی و حسن وارد شیر به تصرف ایشان بود و آسیا در شهر آمل هفت پاره و دکانها و گرمابهها که بعهد ما بود و جداگانه عمل و مستوفی و مشرف و شحنه و جمله پولها و بساطها و سنگ بست که شاه غازی و دیگر ملوک کردند از محصول ملک حلالی این زن بود اورا دو دختر بعائد از این شهریار ویک پسر. اسپهبد علاء الدله حسن، پسر را بکشت و شاه اردشیر دختر را یکی به اسپهبد ابو جعفر اتریب داد و یکی به پسر پادشاه هزبر الدین خورشید گر شاسب نام و بعد پدر شاه غازی از او دو ستره بیچ خواهر نداشت و چون به آمل بود هر روز پیش او آمدی و با او بنشستن و

مشورت گردی . او از شاه غازی مهتر بود به سال و دخمه او به قراکلاته هنوز (حدود سال ۶۰، عصری) باقی است معروف به خانقاہ مادر اسپهیدا سفید ریار .<sup>۱۹</sup>

### قلاء

میان هکرده کل ۲۰ و ولیک رود ۲۱ دابو

اراضی بالای کوتی در حدود شش هزار متر است . پاره آجرهای به قطر ۵/۳ سانتیمتر و آجرهای کلفت تری به قطر ۵/۶ سانتیمتر بر بالای کوتی زیاد بود . سفال شکسته های بام که روزی بام بنا های قلعه را می پوشاند فراوان در این اراضی دیده می شد . مردم فری کنار سابقاً برای تهیه آجر به این قلعه می آمدند . آجر فراوانی از اینجا برده اند و در چاههای آب فری کنار کار کرده اند . راه رسیدن به این قلعه از طرف جاده محمود آباد به بالسر بسیار مشکل و گل و لای آن به قدری بود که نازان در گل می نشست . یکی دو جا برای عبور از نهرهای پهناور فرعی هر از ازناو استفاده کردیم . احتمال می رود که این خرابهای قلعه ماهانه سر باشد که به علت عقب نشینی دریا ، از حاشیه دریا دور افتاده باشد والله اعلم .

### قلاء کوتی

در شاه کوتی ۲۲ دابو

کلمه کوتی که با نام این دهکده ترکیب شده است یاد آور خاکریزهای دستی قدیمی است . احتمال دارد که دهکده کتو نی از محل قلعه ای قدیمی ساخته شده باشد .

- 
- ۱۹ - تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۷۶ و ۷۷ .      ۲۰ - بکره اه و کاف و دال و کاف دوم .  
 ۲۱ - ولیک ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۸ کیلومتری شمال شهری آمل .  
 (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳)      ۲۲ - شاه کوتی ده از دهستان دابو بخش مرکزی  
 شهرستان آمل بازده کیلومتری شمال شهری آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

**تبه‌ای قدیمی**

در محل شهرکنی ۱۲ از دهکده‌های دابو

نام این دهکده بادآور تبه‌های دستی این دشت است. ظاهراً این دهکده بر روی تبه‌ای قدیمی ساخته شده است.

**قلعه کوتی**

دهکده‌ای از دهکده‌های دابو

نام قلعه کوتی که ده کوچکی از دهکده‌های دابو است بادآور تبه‌های دستی دشت دابو است که قلعه‌های قدیمی بر آنها ساخته می‌شده است.

**قلعه کوتی - کافر کنی**

در جزین ۱۴ از دهکده‌های دابو

راه جزین از آهنگر کلا بـا از پیش محله است. دهکده جزین را گاهی جزء ناحیه جلال از رک بابل به حساب می‌آورند. تبه‌ای قدیمی در اراضی این دهکده است که بالای آن در حدود بـک هکتار زمین است. آثار آب انبار نیز دیده می‌شود.

**لکیه و سقا نقار**

در شیر محله ۲۵ دابو

بنای تکیه قدیمی را خراب کرده بسوند و تکیه‌ای نوساز به جای آن ساخته بودند. از آثار قدیمی منبری در این تکیه بود که بر تکیه گاه آن این عبارات خوانده می‌شد:

- 
- ۲۳- شهرکنی ده ازدهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل سیزده کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲). ۲۴- جزین (فتح جیم) ده ازدهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۲۲ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲)
- ۲۵- شیر محله ده ازدهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل پانزده کیلومتر و نیمی شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲) شیر محله جزء شش آبادی «ده فری» است: ۱- نو ای محله، ۲- کوچک بیشه محله، ۳- بزرگ بیشه محله، ۴- شیر محله، ۵- به کنار، ۶- ده فری.

**هوالواف علی الصعایر وقف ائمۃ حضرت خامس آل عبا نمود  
کربلائی محمد آقا خلف مرحوم کربلائی الله قلی بن تاریخ محرم ۱۲۳۴.**

**سقانفار تکیه شیر محله**

سقانفارها معمولاً دوطبقه‌اند. طبقه زیرین آنها گاهی بنا و ساختمان و زمانی پایه‌های قطور چوبین است که طبقه دوم بر آنها استوار است. از پلکانی از طبقه‌های بسطیقه بالا می‌روند. پلکانها معمولاً چوبی هستند. در محلی که پلکان وارد طبقه دوم می‌شود محفظه‌ای است جداگانه که در این سقانفار  $120 \times 300$  سانتیمتر بود. وسط سقانفار محفظه‌ایست جداگانه مستطیل شکل که در این سقانفار به ابعاد  $30.5 \times 42.7$  سانتیمتر بود دور این محفظه میانین غیر از محلی که پلکان وارد طبقه بالا می‌شود راهرویی به بهنای یک متراست. در این سقانفار چهار ستون در هر یک از اضلاع شمالی و جنوبی و سه ستون در هر طرف شرقی و غربی است. سقف آن دو چکش-گردان داشت که تبرهای خوش تراش نیم دایره‌ای بر آنها تکیه داشت.

**تکیه و سقانفار**

**کاردگر محله = کارگر محله<sup>۲۶</sup> – از دهکده‌های دابو**

از تکیه قدیمی اثری بر جای نبود. سقانفار خلیف و قریبی و پر کار آن در جلو تکیه بود. بر طبقه دوم سقانفار نقاشیهای بسیار خلیف دیده می‌شد. منبری سیاهپوش در طبقه دوم بود و در و دیوار آنرا از داخل سیاه پوشانده بودند دو سه نفری در طبقه بالا نشته بودند تاگره از کار فروبسته ایشان گشوده گردد.

**بقعه‌ای  
در بازار کلای دابو**

در این بقعه آثار تاریخی قابل ذکری نبود. بنای بقعه میان جنگلی از درختان کیش واوجاو گردواست. گرداگرد تنہ یکی از درختان او جایه  $317\frac{1}{2}$  سانتیمتر می‌رسید.

<sup>۲۶</sup> – کاردگر محله ده از دهستان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل  $18$  کیلومتری شمال شرقی آمل  $6$  کیلومتری جنوب فری کنار (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۲).

پلم کوئی ۱۷ - پلهم کوئی ۲۸  
دهکده‌ای از دهکده‌های دابو

در جاده جدید آمل به بابل در محلی به نام دریسا باری جاده پلم کوئی جدا می‌شود و به این دهکده می‌رود. اراضی دهکده در تملک غلامعلی خان ناصری است این ته امروز به نام «قل تپ» شهرت دارد.

بقعلا امامزاده مطہیر  
در دهکده مطہیر دابو

از جاده جدید آمل به بابل به «الشا» واز آنجا به مطہیر می‌روند. بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنائی نوساز هشت ضلعی دو بدو برابر به جای آن ساخته بودند. در وصفندوف آن هم تازه بود (عکس شماره ۹۶).

بقعلا امامزاده قاسم  
در اراضی بیین ۲۹ از دهکده‌گمانگر کلای ۳۰ دابو

در بررسی تیرماه ۱۳۵۶ شمسی در این امامزاده آثار تاریخی دیده نشد. در مقابل بنای بدوع، زیان گنجشکی بود که گردآگرد تن آن به ۳۲۲ سانتیمتر می‌رسید.

باقلا سید نورالدین  
در اراضی پمهه جار مرز تکوی ۳۱ دابو

بنائی است مستطیل شکل. در ورودی مسجد و حفاظ جلو آن چوبین و مشبك

- ۲۷ - سفرنامه مازندران و استرآباد راپینو ترجمه ص ۱۵۳ . ۲۸ - پلهم کوئی ۵۹  
ازدهان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۳ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۹ - بفتح ب. ۳۰ - گمانگر کلاده ازدهان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۲۶ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲) .  
۳۱ - بفتح میم وزاده: مرزنگوده ازدهان دابو بخش مرکزی شهرستان آمل ۱۵ کیلومتری شمال شرقی آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

است. در ورودی حرم نسبه قدیمی است. پهنای آن ۴۲ و بلندی آن ۱۵۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۹۷) حیندوقی مشبك در وسط بنا است.

صف بنا دوچکش گردان دارد و تیرهای که تراش نیم دایره‌ای دارند براین چکش گردانها استوارند. بالای تیرها تخته کوبی است.

لبه بنا سه چکش گردان و یک پشته دارد. بام حلب پوش است. سفانفاری ساده جلو بنا است.

چنانکه معروف است صومعه میر بزرگ در دهکده مرزنگو بوده است.

### کوتی

در قیاس کلای دابو

بالای این کوتی به هزار متر مربع می‌رسد. آثار بنا در آن دیده نشد.

### قلا

در دهکده حاله کلای دابو

اراضی بالای این خاک ریز بیش از هزار متر است.

باقی بناها و آثار تاریخی دابو

۱- گورستانی قدیمی در افراسرا نزدیک پل سرخ رود در جاده محمود آباد به بابلسر.

۲- گبر کوتی در شیر محله دابو.

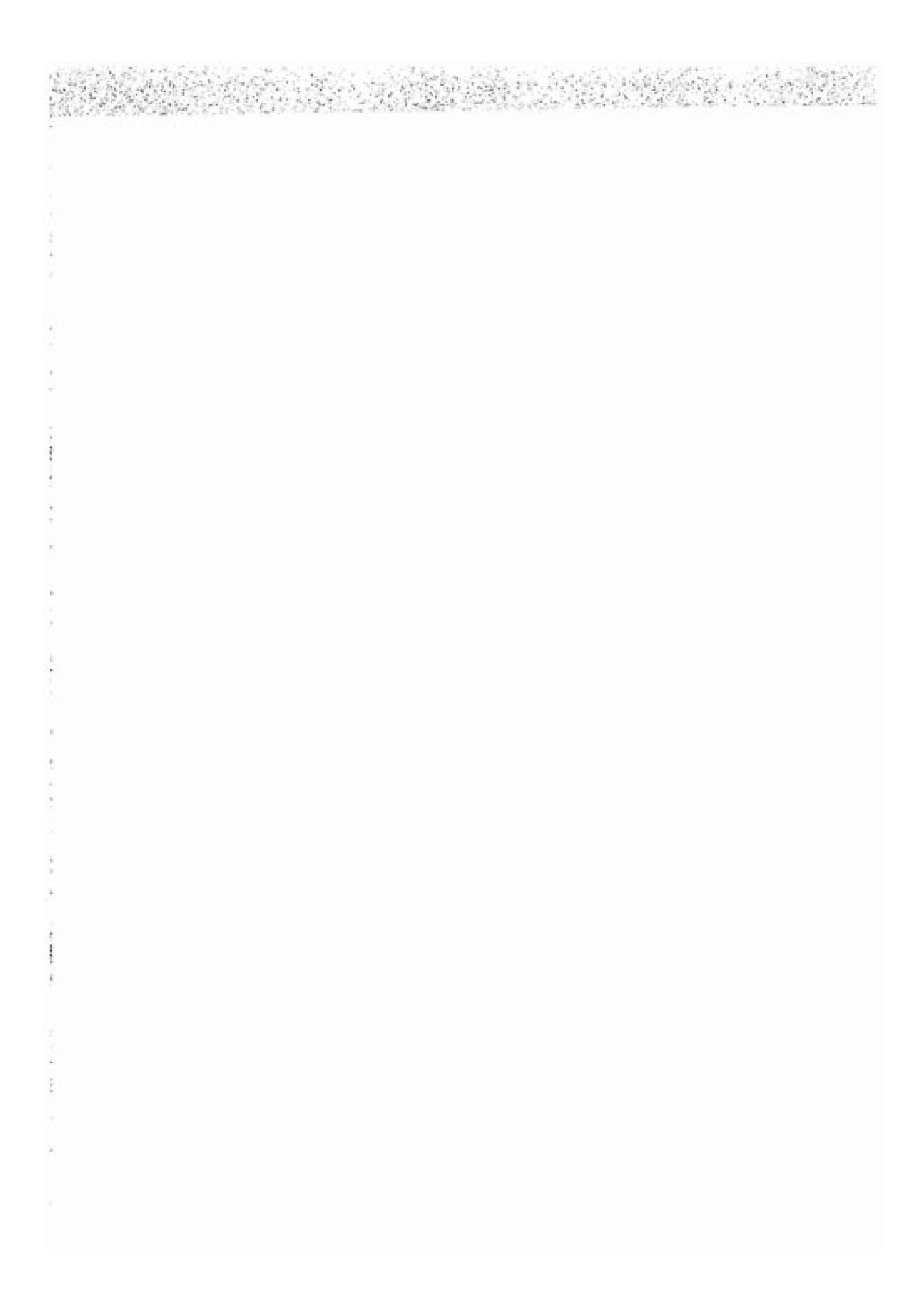
۳- قلعه‌ای کوتی مانند نزدیک گالش پل در راه آمل به محمود آباد.

۴- قلا در مریخ محله که از راه درویش خیل می‌روند.

۵- تکیه‌ای قدیمی در دیو کلای پائین.

۶- بقایای به نام درویش در دنگه پیا. از راه حسین آباد کنار راه جدید آمل به بابل به دنگه پیا می‌رود.

- ۷- امامزاده‌ای در اشکار کلا . از راه مرزنگو می‌توان به اشکار کلا رفت .
- ۸- امامزاده طاهر بن موسی الکاظم علیه السلام در بانصر کلای دابو به تولیت ملا محمد علی مولانا عبادی (طومار دوران صفویه).
- ۹- امامزاده قاسم بن امام موسی الکاظم واقع در دابوی بزرگ به تولیت درویش اسکندر دابوئی (طومار دوران صفویه) .



بخش دوم

## بناهای و آثار تاریخی بابل و اطراف آن



### مختصری از جغرافیای تاریخی شهر بابل

مامطیران = مامطیر = بارفروشده = بارفروش = بابل

ابن الأثير (٤٥٠ - ٤٣٠) درباره ضبط مامطیر می‌نویسد «فتح العینین بينها الف ساکنه وبعدها طاء مهمله مكسوره و ياء ساکنه من تحتها وفي اخرها راء».<sup>۱</sup> چون اللباب ابن الأثير تهدیبی از الانساب سمعانی است، بنابراین باید سمعانی (متوفی ٥٦٢) را نخستین کسی دانست که به ضبط مامطیر تصریح کرده است.<sup>۲</sup> ابن الأثير می‌نویسد که مامطیر شهر کی در ناحیه آمل طبرستان است که از آن گروهی از اهل علم برخاسته‌اند. و یاقوت در المثلث درباره رودخانه باول (بابل) که نام فعلی این شهر از آن گرفته شده است از قول سمعانی می‌نویسد: بیکنده قریه بطریستان علی طرف باول و هونهر کبیر ذکر هما معاً سمعانی.<sup>۳</sup>

ابوالفناد (متوفی ٧٤٢) در کتاب تقویم البلدان که در سال فوت خود به پایان رسانیده است در بیان فواصل شهرهای مازندران می‌نویسد: از مامطیر بمساریه که هردو از خاک طبرستانند شش فرسنگ است و از مامطیر تا شهر آمل که بزرگترین شهر طبرستان است شش فرسنگ است

۱- اللباب فی تهذیب الانساب چاپ فاهره جزء ثالث ص ٨٩-١١٥. ۲- شهر بابل ص ٢٨.

۳- المثلث و فرعه والمنافق ص ٧٨.

واز آمل تا الهم که بر ساحل دریاست چهار فرسنگ و از الهم تا چالوس  
که بر ساحل دریاست<sup>۴</sup> پنج فرسنگ و این آخر حد طبرستان از طرف غرب  
است، و آخر حد شرقی آن حلبیشه است و مجموعاً چهل فرسنگ طول تمام  
طبرستان است.<sup>۵</sup>

ظاهراً در زمان سید ظهیر الدین است که نام مامطیبر به بارفروش ده تغییر پیدا کرده است.  
او در این بازه می‌نویسد:

از مامطیبر ان که اکتوون (سنده ۸۸۲)/ به بارفروش ده مشهور است گذشتند  
و به کنار باولزود لشکر گاه کردند. از صاری به طرف آمل مسیر چنین است.<sup>۶</sup>  
گفته اند که ماده تاریخ بنای این شهر کلمات «کلاج مشهد» است که به حساب جمل  
سال ۳۰۴ هجری، خواهد شد.<sup>۷</sup> اما این گفته از صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا این شهر از  
شهرهای قدیمی طبرستان است.

بارفروش از نظر ابت در سال ۱۲۶۰ هـ ق.

بارفروش مرکز مازندران است با اینکه ساری محل اقامات  
حاکم است پس از خواندن شرحی که فریزر درباره این شهر نوشته است،  
اگر مسافری این شهر را به آبادی زمان فریزر نبیند تعجبی نخواهد داشت.  
فریزر این شهر را در سال ۱۲۳۷ قمری = ۱۸۲۲ میلادی دیده است.  
مرض طاعون اخیر و دور افتادن این شهر از سیر تجاری باید تغییراتی  
در آن داده باشد. اما این شهر هیچگاه بزرگتر از این نبوده است زیرا  
اطراف آن خرابه هائی نیست تا وسعت قدیم آن را نشان دهد. جمعیت  
کنونی از شش هزار خانواده بیشتر نیست و شهر به سی و دو محله تقسیم  
می‌شود. تمام شهر پوشیده از درخت است و کمتر منطقه‌ای از آن در یك  
نظر دیده می‌شود. شهر در زمینی صاف و هموار است و خیابانها و کوچه‌های

۴- چالوس ظاهراً هیچگاه بر ساحل دریا نبوده است. ۵- تقویم البلدان ص ۴۳۷.  
۶- تاریخ طبرستان و رویان ص ۲۶۰. ۷- نسخه عکسی ترجمه ملکنوف ص ۷۹ ب.

نامنظمی دارد که در زمستان پر از گل و لای است و اسب تازانو در گل می‌رود. بازار اینجا خیابانی صاف و مستقیم است، نه فراوانی نعمت دارد و نه زیباست. چهارصد تا پانصد دکان دارد که هفتاد دکان آن اجناس اروپائی و محلی می‌فروشنند. تعداد تجار شهر بالغ بر صد نفرند. تجار اینجا نسبت به تاجران سایر شهرها کم مایه ترند. چهل یا پنجاه تن ایشان اهمیتی دارند. بیست و پنج تن ایشان با تجار هشتاد خان ارتباط دارند. شهر دارای دوازده کاروانسرا است که چهار باب آن در بازار است و تجار در آنها مشغول تجارت‌اند. کاروانسراهای دیگر بارانداز کاروانسرا است. گمرک خانه و راهدارخانه ندارد. شهر بارفروش زیاد قدمتی ندارد. سابقاً دهکده‌ای بیش نبود و اخیراً محل تجارت شده است. ساکنان اینجا مثل مردم آمل به بیلاق نمی‌روند. در این شهر شخصی از هفتاد خانوار یهودی است. خانه‌های بارفروش را از آجر ساخته‌اند و معمولاً با غ مرکباتی متصل به خانه‌هاست.<sup>۸</sup>

رضاقلی میرزا درباره بارفروش (بابل) می‌نویسد:

بارفروش در قدیم دیهی بوده و بارهایی که باکشته از حاجی - ترخان به بندر مشهد سرمی آورند، به آن دیه حمل و می‌فروخته‌اند. لهذا این فریه موسوم به بارفروش ده شد. بتدریج جماعیت از تجار در آن ساکن شدند و آباد شد. در عهد محمد بن خالد بازار و عمارت یافت. در سال ۱۶ مازیارین قارن مسجد جامع بنیاد کرد. مشتمل است بر مساجد و عمارت و مدارس و دکاگین و سراهای و بیوتات. جمعیت آن زیاد و از ساری به دریا نزدیکتر است. این بنده مدت هفت سال در ایام طفویت در این شهر می‌ذیستم<sup>۹</sup>

۸ - Abbott, K. E.: Narrative of a Journey from Tabriz along the Shores of the Caspian sea to Tehran. PP. 39 & 37.

۹ - سافرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت‌البلدان ج ۲ ص ۴۲

ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به مازندران در سال ۱۲۹۲ ه. ق. دریاره شهر بارفروش چنین نوشته است:

شهر بارفروش از بیلاد معظمه مازندران و پر جمعیت و مرکز تجارت شده است و کاروانسرا و دکاکین معتبره دارد. در حوالی شهر دریاچه مانندی از آب رودخانه تشکیل یافته است. وسط این دریاچه جزیره ایست که بواسطه جسر معمتدی که پایه‌های آن از آجر و روی آن تخته است جزیره را وصل به ساحل سمت بارفروش می‌کند. در این جزیره درازمنه سابقه و عهد سلاطین صفویه علی الخصوص شاه عباس، بنایهای خوب نموده بودند اما مرور دهور ویران و باز بدین سان کرده بود. سفر اول که اینجا آمدم، حکم به تعمیر بحر الارم نمودم حال (سال ۱۲۹۲) تمام شده است. عماراتی است مشتمل بر دیوانخانه عالی و حرمخانه و حمام و باخ و سیع و بیوتات منتفقه، در اینجا منزل شد. در این دریاچه بحر الارم انواع و اقسام طبیور آبی موجود است. سطح دریاچه پوشیده از گل نیلوفر آبی است که برگهای بسیار بزرگ و گل سفید معطری دارد.<sup>۱۰</sup>

پس به مطالب بالا می‌افزاید:

شهر بارفروش چنانکه ذکر شد بسیار آباد است. تمام کوچه‌ها سنگ‌فرش و تمیز و خوب است.<sup>۱۱</sup>

در زمان ملکنوف شهر بارفروش (بابل) دارای بیست مدرسه بوده است و محلات و گذرگاههای شهر را چنین نام برده است:

سبزه‌یدان، محله خیابان حرم، رودگر محله، سید جلال،  
چهارشنبه پیش، قصاب کلا، بی سرتکیه، اوچاق بند (= اوچابن)،  
دار شهدا، مراد بیک، زرگر محله، هفت تن، اغارود، آهنگر کلا،

۱۰- سفر نامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۲.

۱۱- سفر نامه ناصرالدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳.

نقیب کلا ، پنج شنبه بازار ، ازدار بند ، شاه زنگی ، گلشنان<sup>۱۲</sup> ، طوقدار بند  
(= قوغ دار بن) ، بیاکلا ، درویش خیل ، دیاغ خانه پیش ، کوره سر ،  
سر حمام آفاحسن ، سید ذوالعین ، حصیر فروشان ، قرا کلا<sup>۱۳</sup> ، زنیمکی ،  
چوب باغ ، باغ باد محله ، میان کاتی ، بیدآباد ، میان دسه<sup>۱۴</sup> ، قبرستان  
محمد ، شمشیر گر محله ، شاه کلا ، هست کلا<sup>۱۵</sup> ، کلاج مشهد ، یهود محله ،  
پیچ ناجی ، رزیا کلا ، آستانه ، شعر باف محله ، باب ناظر ، محله میرزا  
کوچک ، قاضی کتی ، درزی کتی ، تکیه ارباب ، ابو محله<sup>۱۶</sup>.

را بینو شرحی از محله‌ها و گذرها و سایر بنایا شهر بارفروش (بابل) به این ترتیب  
نوشته است :

شهر بارفروش سی و پنج محله دارد : ۱ - سر حمام - ۲ - پیچ ناجی  
- ۳ - فصاب کلا - ۴ - قرا کلا<sup>۱۷</sup> - ۵ - رزیا کلا ع - چهار شنبه پیش - ۷ - رود گر -  
 محله ه - آهنگر کلا - ۹ - او جاق بند - ۱۰ - آستانه - ۱۱ - نقیب کلا<sup>۱۸</sup> - ۱۲ - حصیر -  
 فروشان - ۱۳ - سر حمام کاظم بیک - ۱۴ - شعر باف محله - ۱۵ - باب ناظر - ۱۶ -  
 مراد بیک - ۱۷ - محله میرزا کوچک - ۱۸ - شاه کلا - ۱۹ - مسجد جامع شنجریه  
 - ۲۰ - قاضی کتی<sup>۱۹</sup> - ۲۱ - یهود محله - ۲۲ - بیدآباد - ۲۳ - سید جلال - ۲۴ -  
 طوقدار بند - ۲۵ - ورز کتی<sup>۲۰</sup> - ۲۶ - سبز میدان - ۲۷ - شهدا - ۲۸ - تکیه ارباب  
 - ۲۹ - بیا کلا - ۳۰ - درویش خیل - ۳۱ - دیاغ خانه پیش - ۳۲ - هسکا کلا<sup>۲۱</sup>  
 - ۳۳ - بی سر تکیه - ۳۴ - سر حمام نسائی - ۳۵ - ابو محله - ۳۶ - شمشیر گر محله  
 اینها محلات و گذرها بارفروش است<sup>۲۲</sup>.

- 
- ۱۲ - بضم گاف .      ۱۳ - بضم قاف .      ۱۴ - بفتح دال و تشديد سين .  
 ۱۵ - بفتح هاء و سكون سين و کسر تاء .      ۱۶ - ملگنوف منن روسي صفحات ۱۲۲  
 تا ۱۶۲ . در نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۱ ب بادی از قاضی کتی و درزی کتی شده است .  
 ۱۷ - بضم قاف .      ۱۸ - بضم کاف .      ۱۹ - بفتح واو و راء و ضم کاف .  
 ۲۰ - بفتح هاء و کسر و تشديد سين .      ۲۱ - سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۱۷ .

امامزاده شش آستانه، تکایا چهل و هشت باب، مسجد دوازده باب،  
ملر سه شش باب، حمام چهارده باب، کاروانسرا یازده باب، دکاکین  
چهارصد و شش باب.<sup>۲۲</sup>

### محلات گنونی بارفروش - بابل

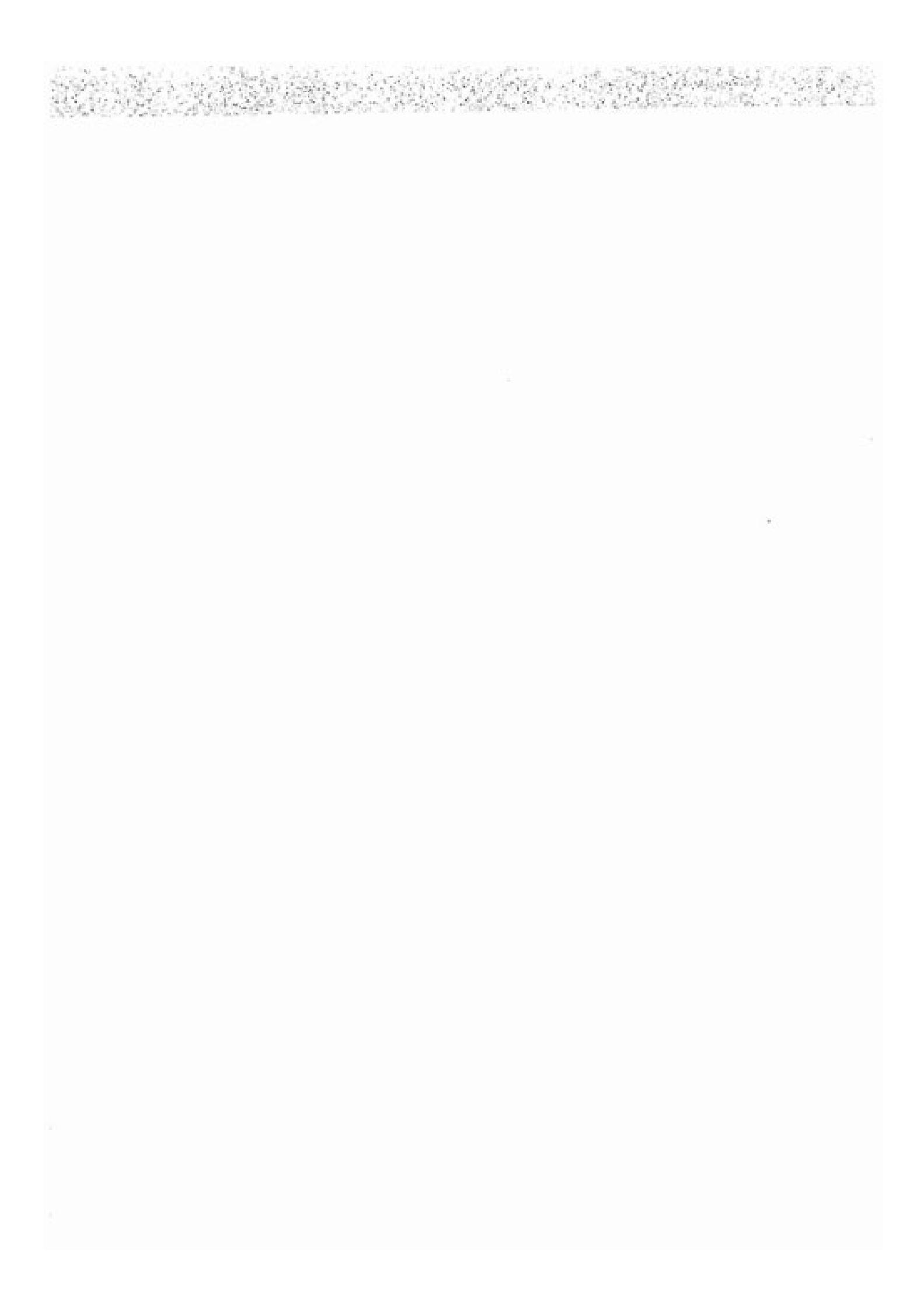
بی سرتکیه، مسجد جامع، گلشن، شاه کلا، افراد اربن، کلیمیها، طوفدارین،  
سر حمام، پنجشنبه بازار، باقر ناظر، پیر علم، پیدآباد، کاسه گرم محله، چاله زمین، سر-  
حمام آفاحسن، آهنگر کلا، رضی کلا، چهارشنبه پیش، سنگ ببل، همت آباد، درویش-  
تاج الدین، مؤمن آباد، سید جلال، ابو محله، شمشیر محله، مرادیه.

در سال ۱۳۰۶ شمسی به امر رضاخان شهر بارفروش به نام بابل خوانده شد.  
این نام ظاهراً از بابل رود گرفته شده که از کنار این شهر می‌گذرد.  
در تابستان ۱۳۰۹ دست به نوسازی این شهر زدند و خیابانهای تنگ آن را  
خراب کردند و خیابانی چون خیابان شاهپور و نظایر آن ساختند. (عکس‌های شماره‌های  
۹۸ و ۹۹) دو منظمه از این نوسازیها را نشان می‌دهد.

### نهرهای بارفروش و شبکا آبیاری آذ

- ۱- نهر کبیر کاری که در کرسنگ از رودخانه هر از منشعب می‌شود، دو سوم  
زراعت بابل را آبیاری می‌کند.
  - ۲- از نهر متالون که از رودخانه تالار جدا می‌شود مقداری استفاده می‌شود.
  - ۳- کلارود که از ارتفاعات میان بند سرچشمه می‌گیرد مقداری از کشتزارهای  
آب می‌دهد.
  - ۴- بابل رود و سجارود (سجاد رود) نیز مزارع زیادی را آبیاری می‌کنند.
- (شهر بابل ص ۷۶)

اراضی زارعی بابل دارای دو آب بخشان است. یکی از آنها در قرآن نقار است که از جاده مشهد گنج افروز به بیمارستان دانشگاه و مرزی کلا و قرآن نقار می‌توان رفت. دیگری در شرق بابل در دهکده تروت (بکسر تاء) است.



## ۱- بناها و آثار تاریخی شهر بابل (بارفروش)

### بازار قدیمی مامطیر (بارفروش)

محمد بن خالد که والی ولایت بود ، بازار فرو نهاد و پیشتر عمارت فرمود . در سنّة ۱۶ مازیار بن قارن مسجد جامع بنیاد نهاد و شهر گردانید .<sup>۱۲</sup>

### پشلا ازرق دون

#### در بار فروش ده (بابل)

سید ظهیر الدین می نویسد که پشته ایست در بار فروش ده ، به نام ازرق دون که محل عمارت و خانه خاندان جلال ازرك است.<sup>۱۳</sup> ظاهرآ پس از اینکه مرعشیان خاندان جلالیان را برانداختند خود در همین عمارت سکنی گزیده اند . زیرا در جاهای دیگر سید ظهیر الدین می نویسد : پشته ایست که آن را ازرق دون گویند آن محل عمارت و خانه سید کمال الدین است .<sup>۱۴</sup>

۱۲- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۳ . ۱۳- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ درن ص ۳۷۷ . ۱۴- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۷۰ .

### مشهد مبارک امام دادرس

#### در بارفروش ده

سید ظلیل الدین در فصلی که درباره حبس سید اسدالله و دادن حکومت آمل را به فرزندان سید حسن می‌نویسد که سید هیبت‌الله در پیع الاول سال ۸۷۹ به مشهد امام دادرس آمد و از سید اسدالله خواست که برای مشورت در امری واجب بدانجا باید و این زیارتگاه گردآگرد آن‌آب می‌باشد، هر که اراده آستان بوسی دارد به کشته نشته می‌باید رفت. سید اسدالله و فرزندانش سید حسین و سید علاء الدین رکابی به کشته نشته به مردم مسرای مبارک رفتند.<sup>۱۶</sup>

#### میدان بار فروش ده

میدان بار فروش (بابل) از میدانهای قدیمی صفحات مازندران است زیرا در تاریخ خاندان مرعشی دو سه بار از آن یاد شده است.<sup>۱۷</sup>

#### عمارت میرسلطان مراد خان با مسجد و حمام

#### در بارفروش ده (بابل)

میرسلطان مراد خان در بارفروش ده عمارتی داشت و مسجد و حمامی ساخته بود که وقف مشهد مقدس بود. در قیام غرب شاه و تسلط مردم مازندران بر مستداریها، ملک سلطان محمد مستداری که از فتح مردم مازندران خبر شد به آمل آمد و کوتول تازه برای قلعه تعیین کرد. از آنجا به بار فروش ده رفت و عمارت و مسجد و حمام میرسلطان مرادخان را خراب کرد و به جای آن قلعه‌ای بساخت و مدت دو ماه به اتمام رسانید.<sup>۱۸</sup>

۲۶— تاریخ طبرستان و روپان و مازندران ص ۳۷۷ و ۳۷۸. ۲۷— تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۱۳۰ و ۲۹۴ و ۳۲۳. ۲۸— تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۳۱۵.

## جلدر

در میدان بارفروش ده (بابل)

جلدر (= چهل در) دارالامارة میرعبدالله خان در میدان بارفروش ده بوده است.<sup>۱۱</sup>

## کشک سرا

در کنار باول رود بر پشتہ‌ای مرتفع

کشک سرا عمارت میر قوام الدین بن میر عبدالکریم در کنار باول رود است.

در کنار این رود محلی مرتفع است. بر بالای آن میر قوام الدین عمارتی ساخت و در آن به عبادت پرداخت.<sup>۱۲</sup>

## گلزار گاه زیارت

در باول رود نزدیک بارفروش ده (بابل)

گذرگاهی قدیمی و گداری بوده است که از رودخانه بابل در آنجا می‌توانستند

عبور کنند.<sup>۱۳</sup>

## باغ زاغان

این باغ ظاهرا در بارفروش ده و در کنار باول رود بود بوده است.<sup>۱۴</sup>

## آستانه کلاچ مشهد

نخستین بار نام این آستانه در تاریخ خاندان مرعشی آمده است. مؤلف می‌نویسد: «نشش میر سلطان مرادخان را در آستانه کلاچ مشهد به امامت گذاشت، بعداز چهل‌یوم که از مراسم تعزیه فارغ شدند، به مردم امین داده، به کربلای معلی فرستادند.<sup>۱۵</sup>»  
دمغان طرحی از این آستانه را کشیده و آنرا «کلاچ مسجد» خوانده است.

۲۹- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱ . ۳۰- تاریخ خاندان

مرعشی مازندران صفحات ۱۳۱ و ۱۳۲ . ۳۱- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۰۸۱، ۱۰۸۰، ۰۲۱، ۰۲۰، ۰۳۸، ۰۳۵، ۰۳۱، ۰۲۹، ۰۲۶، ۰۲۱، ۰۱۲ و ۰۱۳ . ۳۲- تاریخ

خاندان مرعشی مازندران سخاوهکی ص ۲۶۰ . ۳۳- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۹۱ .

## (عکس شماره ۱۰۰)

مقبره درویش محمد رستم مشهور به لعل  
در کنار بابل‌رود

در کنار بابل‌رود، جانب غربی رودبار<sup>۲۴</sup> مقبره درویش محمد رستم قرار داشت و در سال ۱۰۴۷ که سال تألیف تاریخ خاندان مرعشی مازندران است برقرار بوده است. از این بقیه امروز نشانی نیست.

مقبره بهاءالدین الحسن بن المهدی المامطیری  
در شهر بارفروش (بابل)

نویسنده و حکیم قرن ششم هجری از آئمه کبار این شهر است و از جمله مقاشر شمرده می‌شود. وی رسالت الهنود فی اجابة ذوى العند را به سال ۵۷۹ نوشته است،<sup>۲۵</sup> مقبره او در مامطیر (بارفروش = بابل) بود و ابن‌اسفندیار آن را زیارت کرد.<sup>۲۶</sup> از این مقبره امروز نشانی بر جای نیست.

ضرابخانه بارفروش  
در شهر بارفروش (بابل)

در شهر بارفروش ضرابخانه‌ای است که از دیوان اجاره است. حالتی غریب و بس عجیب دارد. شخصی را نشسته‌بینی و گتویند استاد است. گاوی و مرغی چند در کارخانه بسته دارد. هم در آن حال که مقتول سبمین یا زرین در آتش است، به آذوقه دادن و چینیده دادن گاویان و مرغان مشغول است. دیگری بی‌آنکه نگاه کند سکه می‌زند به هر شکل و وضع که بیرون آید: چپ، راست، شکسته، درست، گرد، دراز. دو نفر دیگر پاسبان او بند که ندزدند و دودستی دیگر است بی‌صاحب که صاحب آنان بودا نیست، صیقل‌چی هستند. هر کس در هر وقت خواهد آید. اگر زر و سیمی داشته

۲۴- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۸۱ و ۲۹۲ . ۲۵- تاریخ طبرستان ابن اسفندیار ج ۱ ص ۱۱۶ . ۲۶- همین کتاب ص ۱۲۵ .

باشد، سکه زند.<sup>۲۷</sup>

**قلعه توجی (= ترجی)  
درحوالی بارفروشده (بابل)**

قلعه توجی در دست کیاوشناسی جلال از حکمرانی سلسله جلالیان مازندران بود. در جنگی که سید کمال الدین مرعشی با او کرد، سید کمال الدین فاتح شد.<sup>۲۸</sup> پس از فتح امر کرد نا قلعه را بشکافتند و با زمین هموار کردند و مدنی همچنین خراب بود. در اوایل ماهانه سر و آمدن امیر تیمور به مازندران همچنان آباد بود و در این وقت آنرا خراب کردند. در عهد سلطنت سیدعلی بن سید کمال الدین بنیاد عمارت کردند، اما تمام نکرده بودند.<sup>۲۹</sup> و در عهد سید ظهیر الدین (۸۸۱قمری) همچنان خراب بوده است. راینو شهر تجری (ترجی) قدیم را نزدیک مشهد سبز دانسته و در باره آن می‌نویسد: «نزدیک مشهد سبز آثار دیوار و خندق‌هایی است که علف و بوته‌های فراوانی بر آنها روئیده است. این خرابهای شهر تجری (ترجی) است که محیط آن چهار میل بوده است.» راینو پس از این شرح، نظر در نرا در باره این شهر چنین نوشت: «درن معتقد است این شهر در بندهی است و بر سر خرابهای آن بقعة نوامام بنا شده است.»<sup>۳۰</sup> سبز مشهد را تاجایی که ماءطلائع داریم در شمال بارفروشده بوده است.<sup>۳۱</sup>

**بانگشاه بارفروشده در زمان  
شاه عباس دوم (۱۰۶۴-۱۰۷۴)**

شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۴ پس از گرم شدن مازندران از فرح آباد به ساری واز ساری متوجه علی آباد (شاهی) شد و از آنجا به بارفروشده رفت و «چون تعریف بارفروشده و عمارت آنجا که یکی از امصار مازندران است مکور به سمع اشرف

۲۷- نسخه عکسی ملکنوف ص ۸۲۸ الف. ۲۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران چاپ درن ص ۲۷۶ و ۳۷۷ و ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۱۷۵. ۲۹- سفرنامه مازندران و استرآباد راینو منن انگلیسی ص ۱۱۸. ۴۰- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۱۷۰ و ۲۵۵ و ۲۸۴ و ۳۵۴.

رسیده بود ، متوجه محل مزبور گشته سیر باغات و عمارت آنجا کرده ، به صمت مقرر  
راجعت کرده ، روانه فیروز کوه گشتد »<sup>۴۱</sup>.

در سال ۱۰۷۳ شاه عباس دوم از قریه علی آباد (شاهی) به بارفروش ده آمده  
واز آنجا از راه قریه چپکرود به دریاچه کاله و فرخ آباد رفته است.<sup>۴۲</sup> در سفر دیگر  
« از قریه علی آباد متوجه بارفروش ده گردیدند و در اوقات توقف گلچین سیر آن از هار  
دایم بهار گشته ، هر عصر سیر دریاچه که محیط دولتخانه مبارکه است فرمودند .»<sup>۴۳</sup>

باغ شاه و بحر الارم بارفروش  
در زمان فتحعلی شاه قاجار

ذکر نهضت موکب همایون شاهنشاه فلک جاه خاقان اکبر سلطان فتحعلی شاه  
قاجار به بارفروش و نزول در عمارت بحر ارم  
ولایت مازندران در خوبی هوا و کثرت ماء و تراکم اشجار و وفور  
سبزه زار معروف است و به بسیاری نخجیرگاه و از دیاد طیور موصوف .  
تماشاگاهی است زیبند و تفرج گاهی پسندیده و شاه عباس صفوی در  
بارفروش و اشرف البلاد و فرخ آباد عمارت دلپسند بنیاد نهاده ، از جمله  
در حوالی سبز میدان قریب به بارفروش ، آبگیری ڈرف و شمری است  
شگرف در وسط آن عمارت رفیع و فضاهای وسیع مشتمل بر بیوتات از درونی  
و بیرونی حتی گرماه و مسجد مرتب است (عکس شماره ۱۰) و گرداگرد  
آن عمارت را آب احاطه کرده و در نهایت عمق است و معتبر آن منحصر  
است به تخته پلی که شاه عباس پایه آنرا از قلعه آب بنیاد نهاده و بر فراز آب  
ساخته و تا فضای محوطه رسانیده و سواره و پیاده از آن پل عبور و مرور  
کنند و انواع و اقسام طیور آبی در آن مرداب در نهایت توافر روزها و شبها  
در زورهای کوچک نشسته با تفنجک و شبکه به اصطبلاد مرغ و ماهی مشغولی

۴۱ و ۴۲ و ۴۳ - جاسانمه ص ۳۲۶ . عمارت باغ شاه به دستور شاه عباس اول و به سر  
کاری سید جعفر و زیر سادوی ساخته شده است .

گند. مع القصه مکانی است در غایت نزاهت و لطافت و حیزی در نهایت نضارت و خضار. حضرت خاقان گیتی سтан و شاهنشاه صاحقرا ان که سالها در سن صباوت در آن بلاد به شکار و راحت معتاد بود، در این اوقات نشاط شکار مرغابی فرمود و در آن دریاچه که به «بحارم» موسوم، نزول گزیده شبانروز به شکار و عیش می گذرانید و شبها به افروختن شمع و چراغان و عکوس شعلات آتشبازی در آن بحرا رم سان، سطح زمین نمونه چرخ هفتین همی بودی. بعد از فراغ از عیش و شکار در پنجشنبه پنجم جمادی الاول سال [۱۲۳۲] به طهران رجعت فرمود.<sup>۴۴</sup>

### باغ شاه و بحرا رم در سال ۱۲۶۰

هولمز می نویسد: «باغ شاه که در میان دریاچه‌ای مدور به قطر نیم فرسنگ در کنار بابل رود به فرمان شاه عباس بزرگ احداث گردیده بود، در این تاریخ قرار گاه اردشیر میرزا، برادر ناتنی محمد شاه محسوب می شد.»<sup>۴۵</sup>

چارلز استوارت<sup>۴۶</sup> که هشت سال قبل از هولمز (در ۱۷۳۵) از این صفحات دیدن کرده است، در سفرنامه خویش تصریح می کند که در وسط باغ شاه که میان بحرا رم، واقع در چهار فرسنگی، ۱۶ میلی دریای خزر، قرار دارد، عمارت کلاه فرنگی زیبائی وجود داشت که «ماگوشهای از آنرا برای اقامت بر گزیدیم؛ این کلاه فرنگی به فرمان والی سابق - ملک آرا - احداث گردیده و بعضی از اطاقهایش بسیار عالی است. اما اکثر مسافرانی که پیش از مأکام به این کاخ نهاده بودند، اسباب و استران خود را در این اطاقها بسته بودند و از آنها بر سبیل اصطبل استفاده می کردند. مانیز به تبعیت از ایشان چنین کردیم. اندرون عبارت از چهار گوشهای است با دیوارهای بلند

۴۴- روضة الصفاء ناصری ج ۹ ص ۲۲۹.

۴۵- Holmes W. R .: Sketches on The Caspian London. 1845. P. 102

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۵.

Charles Stuart -۴۶

که صد بارد با کلاه فرنگی فاصله دارد. در این جزیره بحر ارم درختان نارنج و سایر انواع مرکبات کاشته اند و خود دریاچه مالامال از مرغابی واردک و علف و مخصوصاً غوک است که این موجودات پیوسته با صدای فور قور خود مرا بکلی بی طاقت کردند.»<sup>۴۷</sup>

### باغ شاه عباس و بحر الارم از دیدگاه ملکنوف

ملکنوف می نویسد :

« این باغ همچون جزیره‌ای بوده بحر الارم نام . در طرف شمال آن مردابی . عمارت آن را محمد قلی میرزا خراب ساخته از آلات آن خانی دیگر ساخته که اکنون پدیدار نیست . اکنون در این باغ چهار اطاق کوچک است . عمارت اندرونی آن کمتر خراب است . حمامی نیمه ویرانه و مارزار دارد . آنچه ستونها که برای آب آبار آورده بودند ، اکنون در هر گوشه پراکنده افتاده است . این ستونها شاید جزو عمارت مخروبه بوده باشند . این جایگاه طولاً و عرضاً ۲۲۰ قدم است . مرداب آن نیزار و نخجیرگاه بارفروشیان است .

درباره پلی که در این دریاچه بوده است می نویسد :

چون از شهر بارفروش گذرند به باغی دراز رسند که در پهلوی آن پلی است . چهل و شش ستون دارد سنگی و بزرگ به طول ۱۸۰ قدم که با عمارت شاه عباس ساخته شده ، اکنون ویرانه است . یک نفر باحتیاط از وی گذرد .»<sup>۴۸</sup>

۴۷—Stuart Charles: Journal of A Residence in Northern Persia, London, 1954. P. 274.

به نقل از جغرافیای تاریخی گیلان و مازندران و آذربایجان ص ۳۵ و ۳۶. ۴۸—نسخه عکسی ملکنوف ص ۷۹ ب و ۸۰ الف .

### قصر بحرام از نظر ناصرالدین شاه و محمدحسن خان اعتمادالسلطنه

نژدیک شهر بارفروش (= بابل) مردانی پیداست. در وسط مردان بجزیره‌ای است. اشجار نارنج در آنجا غرس شده است. شاه عباس بزرگ فسروی در آنجا بنادر کرده موسوم به بحرام. از جزیره تا به شهر پلی تعییه شده است. بیست و نه پایه دارد از آجر و آهک. بر روی این پایه‌ها تخته افکنده‌اند که مردم از روی آن عبور و مرور کنند. در سفری که میرزا حسن خان اعتمادالسلطنه در رکاب ناصرالدین شاه به بارفروش رفت در روزنامه سفر خود وضع بحرام را این‌طور نوشتند:

«جمعه نوزدهم شوال هزار و دویست و نود و دو، وارد بارفروش<sup>۲۱</sup> شدیم. منزل اغلب حضرت اقدس شهریاری در بحرام است. این شاه عباس و آنچه که خاقان مغفور طلب الله ثراه تعییر کرده خراب شده بود. (عکس شماره ۱۰۲) درسته هزار و دویست و هشتاد و که موکب پادشاهی به مازندران تشریف برده بودند؛ حکم به ساختن عمارت مجددی در بحرام فرموده بودند که مرکب از بیوتات عدیده و دیوانخانه و حرمخانه و حمام و غیره بشدت. این عمارت آلان تمام و مسکن خدام حضرت پادشاهی است. دور جزیره تقریباً هزار و پانصد ذرع است. در وسط مردان از جزیره الى کتار دریا، جاهای عربی عرض هزار قدم است. در وسط مردان علفهای آبی بخصوص نیلوفر زیادی روئیده است. ماهی آب شیرین و مرغابی زیاد در این مردان موجود است. وسط مردان سمت غربی، پنج شش پایه از آجر بالا آمده است که با قایق آنجا باید رفت. ظاهراً آنجا شکارگاه مرغابی بوده است. تختی بالای این پایه‌ها بوده است. شاه عباس آنجا نشسته، شکارچی‌ها مرغابیها را پرانیده، نژدیک می‌آوردند و صیدمی‌کرد.<sup>۲۲</sup>

ناصرالدین شاه روز شنبه بیست و ششم ذی الحجه سال ۱۲۹۲ بحرام را دیده و در

سفرنامه خود چنین توصیف گرده است:

« این بحر ارم دریاچه است دایره مانند گرد اگر آن بقدر میدان اسب دوانی طهران ، جزیره مانندی در میان دریاچه واقع که مسافت اطرافش تقریباً هزار قدم . از کنار دریاچه تا به جزیره تخمیناً صد و پنجاه قدم می شود . کارخانه فندرسازی و سفید کردن شکر هم در حوالی دریاچه بود . در نزدیکی این کارخانه، به عرض دریاچه ، پلی تخته پوش ساخته اند . الی جزیره که در وسط دریاچه واقع است ، پایه های زیر پل آجری است . تخته های پل کهنه و پوسیده است، باید عوض شود . آب دریاچه از بس علف بیهوده و نیلوفر روئیده هیچ پیدا نیست . باید دریاچه را پاک نمود . و آن جزیره بکجا چمن و لجن بود . آمد و شد صعبویتی داشت . ملک آرای مرحوم در وسط جزیره کلاه فرنگی خوش وضعی ساخته که حال بکسره خراب است . باید دوباره ساخته شود . عمارت اندرونی نیز در پایان جزیره باقی است . قلعه خراب است . آن نیز مرمت و اصلاح می خواهد . در حیاط اندرونی دور رخت نارنج خیلی خوبی بود .<sup>۵۱</sup> رضاقلی میرزا در سفرنامه خود به خوارزم چنین نوشتند است:

« در خارج شهر میدانی است موسوم به سبز میدان و مردانی وسیع در آنجا واقع در وسط مردانه زمینی مشتمل بر عمارت عالیه رفیع و بدیع معروف به بحر ارم . اصل بنای آن از سلاطین صفویه و آبادیش از پادشاهان قاجاریه است .<sup>۵۲</sup>

باغ شاهزاده<sup>۵۳</sup> اداره اداره برآون در سال ۱۳۰۶ هـ. ق ادوارد برآون که در سال ۱۳۰۶ هـ. ق (سپتامبر ۱۸۸۹) برای دیدن قلعه طبرسی به باز فروش رفت، است در سرراه این باغ را دیده و درباره آن چنین نوشتند است:

- ۵۱- از سفرنامه ناصر الدین شاه به مازندران به نقل از مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۸ .
- ۵۲- مسافت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۲ و ۴۳ .

روز ۲۵ سپتامبر ۱۸۸۸ ساعت ۵ بعد از ظهر از روود بابل گذشتیم و بعد از عبور از کنار یک مرتع بزرگ مخصوص چرای گاوان وارد بارفروش شدیم . وقتی که وارد شهر شدیم طرف راست ما دریاچه وسیعی دیده شد که جزیره‌ای در وسط آن بود و جزیره با ساحل دریاچه بوسیله پل مربوط می‌گردید و در آنجا کاخی است که به نام باغ شاه خوانده می‌شد و هروفت شاه بارفروش می‌آید ، در آن کاخ منزل می‌نماید .<sup>۵۲</sup>

#### قصر دزدک چال از نظر استودارت

استودارت در سفر نامه خود می‌نویسد :

به شهر زیبای بارفروش (بابل) که سه فرسخ از مشهد سرفاصله داشت رسیدیم . در این شهر امامزاده‌ای به نام « امامزاده اسماعیل » است . در اینجا یکی از قصرهای شاه است که بسیار زیبا و در جوار شهر است و عمارت دزدک چال نام دارد . در اطراف این عمارت استخر قشنگ گردی قرار دارد که بسیار بزرگ است و عمارت کوچکی در وسط آن ساخته شده است که از آنجا شاه مناظر شکار را نگاه می‌کند . این استخر بر از ماهی است .<sup>۵۳</sup>

#### باغ شاه و بحر ارم در سال ۱۳۲۶ قمری

را بینو در سال ۱۳۲۶ قمری در باره باغ شاه و بحر ارم می‌نویسد :

« ببل بیست و چهار چشمۀ‌ای آجری به باقی در میان جزیره که اکنون به صورت ویرانه‌ای در آمده است متبی می‌شود . همچنین در اینجا بقایای کاخ ییلاقی به جسم می‌خورد که در اصل به امر شاه عباس بی ریخته شد و به امر ناصر الدین شاه آنرا مجدداً تعمیر نمودند . این عمارت هشت گوشه ، سقفش فرو ریخته بود و بلکا نش بطرزی خراب بود که اگر شخص بر روی آن گام می‌نماید ، احتمال داشت هر آنی فرو ریزد ... در قسمت جنوبی دریاچه بنای

۵۲ - شهر بابل ص ۴۹ . ۵۴ - سفر نامه استودارت در فرنگ ایران زمین سال ۱۲۳۹  
ج ۸ صفحات ۱۹۹۱ .

جدیدتری وجود دارد که در زمان سلطنت آقا محمدخان قاجار احداث شد. آقا محمد خان مانند شاه عباس و جانشینان آن پادشاه علاقهٔ وافری به مازندران داشت و در این ایالت به احداث کاخهای متعددی کمر بست. آب دریاچه که هنگام تابستان در شالی زارها مصرف می‌شود از نهری موسوم به «آقرود» می‌آید که سرچشم‌ماش رود بابل است.

شنیده‌ام از موقعي که بحرارم به فروش رفته است تدریجاً بقایای کاخهای شاهی نابدید می‌شود چه آجرها را متدرجاً برای احداث اینه به بار فروش منتقل می‌سازند.<sup>۵۵</sup>

سمت قبله بار فروش، آخر محله‌ها، یک میدان سبزهزار بی‌صفاو مقابلش با غ شاه است<sup>۵۶</sup> که دور تادورش آب می‌باشد. مگر از راهی که هل بسته‌اند یک صد و هشتاد و شش قدم در ازای تخته‌بل است که بست و سه چشم دارد که دو طرف آن چهل و شش پایه آجر است که همه خراب می‌باشد. باید به احتیاط آمد و شد نمود، با غ شاه مدور و عرض و طولش بکی است که دو بست و بیست قدم می‌باشد.

در وسط، عمارت هشت در هشت و شانزده در شانزده، کلاً خرابه است در این با غ چهل و دو درخت سرو و چهل و یک درخت نارنج و شش درخت گردو دارد. در سمت غربی دریاچه‌ای دارد عرض آن شش قدم و طولاً سی و دو قدم. مقابلش عمارت دیگری است که پایه‌های سمت شرقی آن در میان آب است. و اطاوهای تختانی و فوقانی ارسی دارد و شربت‌خانه و خلوت‌خانه وغیره دارد و مربع می‌باشد. عرض و طول چهل و شش قدم است و حوض آب و آشپزخانه و فراشخانه و در پهلویش یک باب حمام خوب

۵۵ - سفرها و ماجراهای در گرانهای خزر سال ۱۸۲۶ ص ۴۵۱ و ۳۵۲. به نقل از چهارمیای تاریخی گیلان مازندران و آذربایجان ص ۶۷ و ۶۸.

۵۶ - سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۱۱۸.

است که الان تعمیر می خواهد. بایک صد تومان می توان بهمث اون تعمیر و مرمت نمود. هرگاه تادوسال دیگر دستکاری نشود، آنهم بهمث عمارت و سط خرابه و ویران خواهد شد. با وجود این مبلغ پانصد تومان از بابت صرف تعمیر عمارت پادشاهی مازندران از دیوان اعلی مقرر است. در سمت غربی در میان آب هیجده پایه آجری می باشد و سمت جنوب با غ شاه، در وسط آب یک پل آجر میان خالی است و بک پل ایضاً آن طرف درخشکی بازمیان مساوی است و یکی هم در با غ شاه که آبراه از رودخانه بابل آورده، از پلهای مذکور داخل با غ شاه می شد. ایضاً سمت جنوب متصل به شرقی، سه درخت سرو بالای تپه است. مذکور شد که قبر پیرزنی است که خدمت آقا محمد شاه مغفور به عرض آمده بود عمرش کفایت نکرده وفات نمود، حسب الاشاره پادشاه مغفور در آنجا دفن گردند تا به بادگار بماند.

آب این مردابچه به توسط آفرود، از شاخه رودخانه بابل است و به مصرف زراعت هم می رسد و در ایام زمستان شکارگاه خوبی است که باید با ناوهای کوچک دونفری نشسته و شکار نمود که مرغابی و چنگر و سایر مرغان در آن بسیار است و چند جور ماهی هم به عمل می آید که به اصطلاح اهل مازندران: تلاجی، چکاب، نیل خس، اسپک گویند. بسیار جای با صفا و دلگشا است، چه فایده که مخروبه می باشد.<sup>۲۹</sup>

### بحرام با دزدک چال از نظر برزگر

از قدیم در حوالی سبزه میدان فعلی، در بادگهه مانندی از آب رودخانه تشکیل یافته بود که در وسط آن جزیره ای بود. به دستور شاه عباس کبیر، میان جزیره و ساحل سمت شهر، پلی بنیان نهادند که دارای ۲۹ پایه آجری و

روی آن تخته بود<sup>۵۷</sup> و نیز در جزیره، عمارتی مشتمل بر دیوانخانه عالی و حرمخانه و حمام و باغ وسیع و بیوتات منفرقه ساختند.<sup>۵۸</sup> بمحض دو کیمیه که یکی بالای درورودی و دیگری در بالای محراب مسجد کاظم یک است «عایدات دهات کاظم بیگی» دهک<sup>۵۹</sup> در لاله آباد، سنو(بفتح سین و ضم و تشیددنون) در جلال از رک، قلعه کش و آقا ملک و گنجوروز(بفتح گاف و سکون نون وفتح جیم و سکون واو) وقف آن بوده است.<sup>۶۰</sup> قلعه کش همان قریه بزرگی است که اکنون آفای داود پیرنیا و پستگان، به عنوان ملک خصوصی متصرف هستند. قریه سنو را نشاختم . حتی خود رایینو در صورت اسامی دهکده های جلال از رک (من انگلیسی ص ۱۱۸) از آن نام نبرده است.

باری، در وسط دریاچه، سمت غربی، پنج شش پایه از آجر را بالا آورده اند . ظاهرا آنجا شکارگاه مرغابی بود . بالای این پایه ها تختی می نهادند و شاه عباس آنجا می نشست. شکار چیان پرندگان شکاری را برآورده، نزدیک می آوردند و او صبد می کرد.<sup>۶۱</sup>

در زمان شاه عباس این جزیره به باخ شاه معروف بود. فتحعلی شاه آنرا «بحرارم» نامید.<sup>۶۲</sup> عمارت جزیره رو به ویرانی می رفت تا اینکه ناصر الدین شاه در سفر اول خود به بار. فروش، امر به تعمیر آن کرد و چون در سفر دوم او (سال ۱۲۹۲ ه. ق) تعمیرات پایان یافته بود، در همین عمارت اقام تجزید.<sup>۶۳</sup> او می نویسد:

«در این دریاچه بحرا لارم انواع و اقسام طبیور آبی موجود است .

سطح دریاچه پوشیده از گل نیلوفر آبی است که بر گهای بسیار بزرگ و

۵۸- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۵. ۵۹- سفرنامه ناصر الدین شاه سال ۱۲۹۲ ص ۲۵۵.

۶۰- ده از دهستان جلال از رک بخش مرکزی شهر باش (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

۶۱- من انگلیسی مازندران و استرآباد رایینو ص ۴۵ . ۶۲- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۶.

۶۳- فرهنگ اندیراج ص ۵۶۲. ۶۴- سفرنامه سال ۱۲۹۲ ناصر الدین-

شاه ص ۲۲۶.

گل سفید معطری دارد . . . به قایق نشسته در این دریاچه واطراف جزیره به شکار مرغابی پرداختیم . انواع و اقسام اردو و پرلا زدیم.<sup>۶۵</sup> در سال ۱۳۱۰ شمسی ، هنگام طرح ریزی و نقشه برداری شهر امروزی بابل دریاچه مذکور که باطلاق شده بود خشک و آن جزیره هموار گردید.<sup>۶۶</sup> اکنون قسمت شهری دریاچه قدیم ، زمین ورزش شهر بابل می باشد و در قسمت غربی خانه‌های مسکونی بنا شده است.

### دزدکل

#### در اثنای راه باغ شاه

دزدکل ، در اصل دزدکچل است . در اثنای راه باغ شاه تبه ایست که آنجا دزدی مدفون است که در ایام آقامحمدخان قاجار بوده است . و آنجا را «دزدکچل» گویند.<sup>۶۷</sup> ملگنوف هم از زبان مردم عاسی گرفتار لفت سازی عوامانه شده است . اینجا نه فبردزدی است و نه آن دزدکچل بوده است . کلمه «دزد» در لغت محلی دشت و کوه مازندران به معنی «دزوقلعه» است و کل (بضم کاف) که به اشتباه اهالی با ملگنوف بفتح کاف کرده‌اند شکل دیگری از «کول» است که به معنی تپه است و این نام یادآور قاعده‌ای قدبیعی است که بر بالای این تپه بوده است .

#### کاروانسرای شاه عباس

#### در بارفروشده

هنگامی که سید جعفر وزیر ساروی به امر شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۸۹) باغ شاه را می ساخت ، کاروانسرائی هم در بارفروشده ساخته است که از آن اثری بر جای نیست . محل آن در مقابل شیر و خورشید سرخ امروز بوده است .

۶۵- تاریخ طبرستان بروزگر ج ۲ ص ۴۰ .

۶۶- سفرنامه ناصر الدین شاه ص ۲۲۸ .

۶۷- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۰ الف .

### بند اسطلاح میان بارفروش ده و ساری

در حدود سال ۹۱ که سید عزیز بابلکانی در شگارگاه شاه اسماعیل اول حضور داشت، روزی در خدمت شاه بزرگ نشسته بود. با حرکتی که کرد صدایی از موزه او شنیده شد که اسباب شرمندگی اورا فراهم آورد و حاضران به ریشخند و مسخره کردن او پرداختند. او با خود عهد کرد که اگر این صدا دوباره از موزه او شنیده شود این بند را بسازد و بنای امامزاده ابراهیم را تجدیدبنا نماید. اتفاقاً این صدا دوباره شنیده شد و او به عهد خود وفا کرد.<sup>۶۸</sup>

### جاده شاه عباسی

#### از علی‌آباد (شاھی) به بارفروش ده

ناصر الدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳) در سفرنامه مازندران خود چنین می‌نویسد:

جمعه نوزدهم شوال ۱۲۹۲ صبح هوا صاف بود سوار شده از خیابان شاه عباس که خیابان عربی خوبی است و بعضی جاها خراب شده، یک فرسنگ و نیم کمتر که رفتیم به رو دخانه تالار رسیدیم... خیابان همانطور گاهی خوب و گاهی کل بود تا کم کم راه خیلی بد شد که اسب و بار میان گل غرق می‌شد. این راه در سوابق ایام سنگ‌فرش بوده، به مرور دهور خراب شده است، این است که حالا باطلاق و بد است. سفر اولی که مازندران آمده بودیم از این راه عبور نشده بود و خرائی راه را نمی‌دانستیم به این شدت است حالا که دیدیم حکم شد بسازند.<sup>۶۹</sup>

### خانلا آقا سید محمد داماد حاجی ملا محمد اشرفی در شهر بارفروش

#### ناصر الدین شاه در سال ۱۲۹۲ قمری که به بارفروش آمده میان بندهایی که نظر

۶۸- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۷۳. تاریخ دری که سید عزیز بابلکان به امامزاده ابراهیم تقدیم کرده است ۸۴۱ است و با سنه ۹۱۰ یا یکی دو سال پیش و پس آن سازش ندارد.

۶۹- سفرنامه مازندران ناصر الدین شاه به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۱۹۲۱۹.

اورا جلب کرده خانه آقا سید محمد است. او می‌نویسد:

از بنای خوب که امروز دیدم خانه میرزا علینقی ملک التجار و  
خانه آقا سید محمد داماد حاجی محمد اشرفی و مدرسه میرزا شفیع صدر.  
اعظم مرحوم و مقبره امام زاده‌ای که گنبد مخروطی بزرگی دارد که از اینه  
قدیم است، تکیه خوبی هم در جنب این امامزاده است.<sup>۷۰</sup>

پل محمد حسن خان  
بر روی رودخانه بابل رو در نزدیک شهر

در قدیم، بر روی رودخانه بابل در نزدیکی شهر، پل چوبی وجود داشت. مسعود غزنوی با شکریانش به سختی از آن عبور کرده‌اند. بیهقی می‌نویسد: «...پلی آمد چوبین بزرگ... و سخت رنج رسید شکر را تا از آن پل بگذشت»<sup>۷۱</sup> بعدها بدستور نصیرالدوله شاه غازی (۵۳۶-۵۵۸) «زر به خوارها ریخته شد و بار و در میان زد،... پلی از «خشت و آهک» بنادردند»<sup>۷۲</sup>.

در نیمه دوم قرن دوازدهم هجری، محمد حسنخان قاجار - جد آقا محمد خان - با صرف دوازده هزار تومان<sup>۷۳</sup> پل عظیمی بنادرد که به نام وی به پل محمد حسنخان معروف گردید. این پل صد متر درازا و شش متر پهنا و هشت متر ارتفاع و هشت چشم دارد.<sup>۷۴</sup>

ملگنوف در باره این پل می‌نویسد: «بر سر راه آمل به بار فروش پلی است ده چشم. آب در اوثر نکند. در زلزله چهل سال قبل از این اندازه عیی درستونهای آن بهم رسید»<sup>۷۵</sup>.

**مهجوری در باره این پل می‌نویسد: «در سال ۱۲۸۰ قمری سه تن به همدستی**

- 
- ۷۰- مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳.
  - ۷۱- تاریخ بیهقی ج ۱ ص ۵۵۳.
  - ۷۲- تاریخ طبرستان این اسفندیار ج ۲ ص ۱۰۵ به نقل از شهر بابل ص ۶۸ و ۷۰.
  - ۷۳- تاریخ طبرستان برزگر ج ۲ ص ۴۳.
  - ۷۴- جغرافیای تاریخی مازندران ج ۱ ص ۱۰۶.
  - ۷۵- نسخه کسی ملگنوف ص ۸۶ الف.

یکدیگر به سراغ گنجینه‌خیالی؛ زیرپایه‌های پل محمد حسن خان رامی کندند کمپهار - قلی خان - حاکم بار فروش ده - به دستور کتبی محمد صادق خان - سرتیپ فشون مازندران - آنها را به دست آوردند . یکی را به میانجیگری مرحوم حججه‌الاسلام آزاد کرد و دو تن دیگر را برای سیاست به ساری فرستاد.<sup>۷۶</sup> محمد حسن خان اعتمادالسلطنه از پل ده چشم‌های محمد حسن خان نزدیک بار فروش یاد کرده است.<sup>۷۷</sup>

رابینو که در سال ۱۳۲۷ هـ . ق . این پل را دیده‌می‌نویسد: «دو تا از طاقهای آن بواسطه زلزله در حدود سال ۱۸۲۰ (۱۲۳۶ هـ . ق) خراب شد و بعد از چندی آن را تعمیر کردند . در سال ۱۹۰۷ (۱۳۲۵ هـ . ق) نیز دو تا از نه طاق پل را سبل برداشتند و یکی از تجار بار فروش که فرزندی نداشت، قسمت زیادی از دارائی خود را صرف تعمیر آن پل کرد که اکنون در کمال درستی است .<sup>۷۸</sup>

پل محمد حسن خان در سه کیلومتری شهر واقع است و تا سال ۱۴۶۳، راه شوسته بابل به آمل از روی آن می‌گذشت . لیکن در این سال که زاده جدید افتتاح گردید، در محل عبور از روودخانه، پل زیبای دیگری از آهن و سیمان ساخته ازد .<sup>۷۹</sup>

#### وضع فعلی پل محمد حسن خان به شرح زیر است:

بر سر راه قدیم آمل به بابل ، در جنوب شهر بابل پلی است که امروز هشت چشمۀ آن باقی است و از آجر ساخته شده است . شش چشمۀ اصلی آن بزرگتر و دهانه هر یک ۷۵۵ سانتی‌متر است . دو چشمۀ در دو طرف این شش چشمۀ کوچک‌تر و پهنازی هر یک از آنها ۴۱۰ سانتی‌متر است پهنازی پل از پایین ۵۳۰ و از بالا در حدود شش متر است . درازای پل از ابتداء تا انتهای جانبناه ۱۴۰ متر است . این پل را در زمان رضا خان تعمیر ائمۀ آن داشت . از یکی دو تن از اهل تحقیق در محل شنیده شد که بانی پل محمد حسن خان پسر علیقلی خان پسر فتحعلی شاه است . والله اعلم . (عکس شماره ۱۰۳)

۷۶- مازندران مهجوری ج ۴ ص ۱۷۷ . ۷۷- مرآت البدان ج ۱ ص ۱۵۵ .

۷۸- سفرنامه مازندران و استرآباد رابینو ص ۲۰ . ۷۹- شهر بابل صفحات ۶۶۸ و ۶۷۰ .

کارخانه قند ریزی  
در بارفروشده

در حدود هفتاد تاهشتاد سال قبل (سال تألیف کتاب ۱۳۴۵ شمسی است) جنب سبزه میدان کارخانه قند سازی ساخته بودند که وسایل آن را از رویه آورده بودند و نیازمندیهای ساکنان را رفع می‌کرد. ولی همینکه صاحب کارخانه مرد، لوازم آن به غارت رفت و آنچه ماند ضبط دستگاه دولت شد.<sup>۸۰</sup>

حمام بزرگ خان  
در سامان استرآبادی محله بابل

حمام بزرگ خان در خیابان امام امروز نزدیک ساختمان شهربانی است که در سامان استرآبادی محله قرار می‌گیرد. بنای قدیمی حمام یکسره از میان رفته است و به جای آن حمامی موافق احتجاجات روز ساخته‌اند. این حمام سابقاً به نام «حمام چق» معروف بوده است.

مسجد جامع  
در محله مسجد جامع بارفروشده (بابل)

این مسجدرا ابتدا مازیار بن فارن درسته. ق. بنا کرد.<sup>۸۱</sup> در دوران صفویان این مسجد نوسازی شد. در دوران فتحعلی شاه براثر زلزله خراب شد و به فرمان این پادشاه در سال ۱۲۲۵ ه. ق. به مباشرت میرزا محمد شفیع صدراعظم، توسط میر-محمد حسین - متولی آن - دوباره بنا شد.<sup>۸۲</sup>

مسجد جامع امروز دارای دو سردر ورودی شرقی و غربی است که به دوسر پوشیده هشتی مانند ختم می‌شوند. بالای سردر غربی آیات و عباراتی برخشت‌های کاشی نوشته شده است. کتیبه بالا به خط بسیار خوب نوشته است که از دیوار جنوبی شروع می‌شود و سپس به دیوارهای غربی و شمالی سردر می‌رسد. این آیات در این

۸۰- تاریخ مازندران مهجوری ج ۷ ص ۲۰۸. ۸۱- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۷۳.

۸۲- شهر بابل ص ۳۹.

کتبیه است :

بسم الله الرحمن الرحيم سبح اسمك ربك الأعلى - تا - غناءً أحوى  
آیاتی که بر دیوار شرقی است :

سنقر نک فلاننسی الا ماشاء - تا - بل تؤثرون الجبوا  
آیاتی که بر دیوار شمالی است :

الدنيا والآخرة خبر - تا - صحف ابراهیم وموسى حرر الخطوط  
محمد مهدی فی شهر صفر المظفر من شهر سنه ۱۲۳۰

پایین تر از این کتبیه اشعار و نوشته های بدین شرح است :  
کتبیه سردر مسجد جامع عتیق بارفروش<sup>۸۶</sup> با خشت کاشی کنده  
شدید می باشد .

ستوده میر محمد حسین پاک نهاد  
که هست تولیت کعبه زین نشاد جهان [کذا]<sup>۸۷</sup>

بعهد دولت خاقان عصر فتحعلی

جه شد ز زلزله این محترم بنا ویران

به اهتمام تمام و کمال سعیش گشت

هزار بار فرزونتر ز اول آبادان<sup>۸۸</sup>

در سمت چپ این کتبیه کاشی کاری، سنگی است که این عبارت بر آن حک شده است:  
هوا لله ۱۲۵۱

در روز گاری همایون که دست متم در زنجیر عدل پسته بود بفرمان

۸۳ - سوره الاعلى : ۸۸ ، آیات : پاک تا نوزده . ۸۴ - اصل : بارفروشی .

۸۵ - منظر از خشت کاشی کنده شده ظاهر آکاشی معرف است . ۸۶ - کز اوست تولیت

این مکان کعبه نشان (سفر نامه مازندران و استر آباد رایینو من انگلیسی قسم کتبیه ص ۱۷۶)

ظاهرآ بوران دخت حسین زاده در کتاب شهر بابل از من رایینو استفاده کرده است .

۸۷ - هزار بار ز اول نگو ترا آبادان (سفر نامه مازندران و استر آباد رایینو من انگلیسی

قسم کتبیه ها ص ۱۷۶) عین این مصraig در شیر بابل بوران دخت حسین زاده آمده است .

پادشاه جم خدم محمد شاه قاجار عالیجاه فضلعلی خان حاکم مازندران شد  
اجارة خبازی را بخشید هر کس مطالبه نماید لعن ابدگرفتار شود مشه  
محمد نقی

در ازای حیاط مسجد شرقی غربی است و در طرفین شمال و جنوبی آن ساختمان است.  
شیستان اصلی مسجد در ضلع جنوبی حیاط است (عکس شماره ۱۰۴ و ۱۰۵). در ازای  
آن ۳۳ و پهنه‌ای آن دوازده متر است. در طول مسجد در وسط بنا منصل به دو دیوار  
جنوبی دو جرز است. در فاصله‌ای از این دو جرز دوستون آجری است و در فاصله‌ای از  
این دوستون دو جرز دیگر چیده‌اند. ایوان که فعلاً جلو آنرا پنجره‌های بلند آلمنیوم  
گذاشته‌اند میان این دو جرز قرار می‌گیرد و پشت ایوان به طرف جنوب گنبد اصلی مسجد  
و محراب آن است. در دو طرف ایوان و گنبد اصلی هشت گنبد کوچک است که سه طرف  
هر یک از گنبد‌ها طاقهای جناغی است که بر سر نهاده و جرزها متکی است. در غرب  
محراب قدیمی و در دیوار جنوبی مسجد دو محراب نوساز کاشی کاری است.

طرف شمال مسجد نیز ساختمانی است که در ازای آن مطابق با در ازای شیستان  
مسجد و پهنه‌ای او در حدود ۵ متر است که آبدارخانه شیستان کوچک دیگری است.  
محراب اصلی قدیمی نیمه خراب و خشتهای کاشی آن درهم و برهم است. آنجه‌ا ز آبات  
وعبارات خوانده شد از این قرار است:

آباتی از سمت راست محراب از پایین به بالا شروع می‌شود و دور می‌گردد  
و سمت چپ به خانمه می‌رسد:

... قد ترى تقلب وجهك فى السماء - نا - او تو الكتاب ليعلمون  
انه الحق من ربهم وما لله بظاهر عما يعلمون<sup>۱۰۶</sup> سبحان رب العزة عما  
يصفون و سلام على المرسلين<sup>۱۰۷</sup> والحمد لله رب العالمين و صلى الله على  
خير خلقه محمد وآلله اجمعين وسلم تسليماً كثيراً كثيراً .

۱۰۶- سورة البقره ۲ ، آية: ۱۴۶ و فسمی از آیه ۱۴۵ آبات

در آخر این قسمت مربعی است که این عبارات برخشندهای کاشی آن نوشته شده است:  
 حرره العبد الافل الاحفرا آنم الجانی محمد مهدی الطهرانی غفرله  
 و سر عیوبه فی سنۃ ثلث و میلیون و مائین بعد الف.  
 وسط همین محراب با گنج بری:

عمل استاد ابراهیم اصفهانی

بر حاشیه بالای ایوان بر اضلاع غربی و جنوبی و شرقی:  
 آسمان راستی در این همایون روزگار

راستی تبع کج شاه زمین آموزگار  
 نا جور فتحعلی شه زیور اور نگه جم

آفتاب شهر بیاران سایه پروردگار  
 آنکه ملک و جاه او را خالق تن پاسبان

آنکه تاج و تخت اورا جان امت پاس دار  
 اندرین دولت که اختر را بغمخواری بود

اندرین دوران که گردون را به موادی مدار  
 صدر اعظم آنکه کلکش ملک شه را پایمرد

بدر عالم آنکه رایش حق دین را دستیار  
 دست او چون بر در عادات پاکان حلقه زن

پای او چون در ره طاعات بزدان استوار  
 گنج بگشود او بمعماران افليس هنر

مال بفشارند او به بنایان ابراهیم کار  
 داد فرمان کاین همایون مسجد افزند باز

کنز تصاریف زمانش نی عمامد و نی جدار  
 لوحش الله گشت از فرمان آن صدر جهان

با حرم از پایه توأم با ارم از زیب بار

## هان چه مسجد روشنان چرخ را بومش مسیر

هان چه مسجد طایران عرش را بامش مطار

الارض چون مکة دویم شد از صدر جهان

چون حرم محکم بنا و چون ارم مدلکش نگار

منشی طبع صبا از بهر تاریخش نوشت

شد بنای مکة دویم ز صدر روزگار<sup>۱۰</sup>

بر بالای مدخل ایوانی که از آنجا به زیر گند اصلی مسجد می‌رود ایات زیر است:

هو الحی الذي لا يموت

حرر سنه ۱۲۲۷

ابن نکو مسجد بیمثیل صبور<sup>۱۱</sup> که سزد خلد برینش خوانی

معبدي گشت که مانندش نیست مسجدی شد که ندارد ثانی

گر بانصاف نمائی نظرش بهتر از قصر جهانش خوانی

هست بنای سنمای زمان اوستاد عبد اصفهانی

بالای این ایوان در دو طرف کلمات : الله، محمد، پا علی که از من آجر طاق گودنر

افتاده است خوانده می‌شود. این نوشه‌ها به خط کوفی بنائی است. عین این کلمات

در دو طرف غربی و شرقی مسجد داخل گنبدی‌های کوچک طرفین نیز دیده می‌شود با

این فرق که کلمات «باعلی» را درجهت عکس نیز نوشته‌اند.

سنگ قبری در شبستان مسجد است. این عبارات بر آن خوانده می‌شود:

سنة ۱۲۴۰

بر سنگ مزارم بنویسید پس از مرگ

ای وای ز محرومی دیدار و دگر هیج

هذا مرقد المرحومه المحفوره فاطمه بنت آفانی فی عشر ثانی ربیع الثانی.

۹۰- این ماده تاریخ بمحاب چهل بر ابر سال ۱۲۲۷ هـ ق. استه ۹۱- این مصراج

نهاده درستی ندارد. ظاهراً بیمثیل و نظیر صحیح است.

سنگ قبری در سر پوشیده در غربی است که مورخ ۱۲۳۴ است، دو سنگ مرمر به ابعاد  $۵۵ \times ۶۶$  در شهرستان مسجد است که عین فرمان مورخ ۱۱۰۶ و به خط نستعلیق است (عکس شماره ۱۰۶). این فرمان را در مطلب مربوط به مسجد جامع آمل در صفحات ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ همین مجلد یاد کردیم. به این صفحات نگاه کنید.

#### مقبره و مسجد سعیدالعلماء<sup>۹۲</sup>

##### روبروی جامع در محله مسجد جامع بارفروش (بابل)

سعیدالعلماء بارفروشی از علمای معاصر محمدشاه و ناصرالدین شاه است وی شاگرد ملامحمد شریف ابن ملاحسینعلی آملی ملقب به شریف الدین است. سعیدالعلماء در قلعه و قمع ملاحسین بشرویه و با بیان قلعه طبرسی نقش عمده‌ای داشت.<sup>۹۳</sup> خاندان سعیدی از نسل او هستند.

مقبره سعیدالعلماء بنائی است شامل یک حیاط و یک پیش‌صحن و صحنه پنج ضلعی منصل به همین پیش‌صحن. داخل هر یک از اضلاع بزرگ دو طرف غربی و شرقی یک صفة بزرگ و یک صفة کوچک عمیق است. بر دیوار مقابل در ورودی دو طاق‌نما، دو طاقچه و یک محراب است؛ مقبره سعیدالعلماء در قسمت بالای صحنه اصلی است و سنگ مرمری زردرنگ بدون هیچ‌گونه نوشته و تزیین گور او را پوشانده است (عکس شماره ۱۰۷). اخیراً دکانهای شیرینی‌فروشی و بلورفروشی راهی به حیاط این مقبره پیدا کرده‌اند و لوازم و وسائل زیادی خود را در این دکانهای حیاط چیده‌اند. دیری نخواهد گذشت که دکانداران اراضی این مقبره را متصرف شوند.

۹۲- در کتاب شهر بابل ص ۵۱ آمده است؛ مؤلف ریحانة‌الادب درج ۲ ص ۱۲۰ و ۱۲۱ شرح حال سعیدالعلماء را به نقل از السائر والآثار ص ۲۸۲ نوشته و تصریح کرده است که او سال ۱۲۷۰ وفات یافته است. ۹۳- روضة الصفا ناصری، ج ۱۰ ص ۳۲۱.

**مقبره حاج ملامحمد بن مهدی اشرفی و مقبره میرزا محمود رئیس  
در محله مسجد جامع بارفروش**

حاج ملامحمد اشرفی معروف به حجۃالاسلام معاصر ناصرالدین شاه است. شاه در سفر سال ۱۲۸۲ ه.ق. در بارفروش به منزل وی رفت.<sup>۹۴</sup> میرزا محمود رئیس فرزند حاج سیدمحمد رئیس از سادات مرعشی و اهل بارفروش بود. از طرف مادرنویه حجۃالاسلام ملامحمد اشرفی است. مردی ادیب و آشنا به ادبیات عربی و فارسی بود. مردی خلیق و درویشی وارسته بود و شعر فارسی را خوب می‌گفت و در سن هشتاد سالگی در سال ۱۳۱۵ شمسی وفات یافت و در مقبره جدش ملامحمد اشرفی به خاک سپرده شد.<sup>۹۵</sup> مقبره ملامحمد اشرفی بنایی است بزرگ که دوفیلا و سط آن خورده است و بالای فیلها فرسایها است. تیرهای نیم گرد سقف بر فرسایها و شیر سرهای اطراف منکی است. بالای تیرها تخته کوبی است. قبر این دو تن سنگ نوشته‌ای ندارد.

**حمام گلان**

پهلوی مسجد چهارسوق در پنجشنبه بازار قدیم

در نوسازیهای زمان رضاخان از بیان رفت.

**مسجد چهارسوق**

درجهارسوق در محله بازار

این مسجد در دوران صفویان ساخته شده و در سال ۱۲۱۱ ه.ق. به دست حاجی حسین نامی تجدیدبنا شده است. شامل جباطی کوچک است. محرابه مسجد در طرف قبلی است. یک ستون آهنی در وسط بنای محرابه<sup>۹۶</sup> است و فرسایی بر آن منکی است. سقف مسجد تیرکشی ولمه کوبی است. کتیبه‌ای بر سنگ بر دیوار غربی مسجد بود که

۹۴- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۶ به نقل از شهر بابل ص ۲۵. در صفحات ۱۲۵ و ۱۲۶

۹۵- شهر بابل اطلاعاتی در باره حاج ملامحمد اشرفی آمده است.

۹۶- میرزا محمود رئیس ظاهراً در سال ۱۳۱۵ نمری فوت شده است. (شهر بابل ص ۱۳۰ و ۱۳۱)

۹۷- محرابه اصطلاح محلی و به معنی شبستان است.

در تعمیرات آن را برداشت و در دیوار جنوی حیاط که دیوار اصلی محرابه است کار گذاشته‌اند. این ایات بر آن حک شده است:

هو الباقي

بسم الله الرحمن الرحيم به نستعين

حاجي حسين آنكه بعيدان روزگار

دایم سند طاعت پروردگار تاخت  
آن نیکبخت پاک سیر کز ره کرم  
در دهر هر دقیقه بسی بینوا نواخت  
وان پاکباز کو بحریف ضمیر خویش  
نرد محبت نی و بوتراب باخت  
بر خصم نفس سرکش اماره در جهان  
تیغ خلاف خواهش او بخلاف آخت  
کرده زنوبنای خویش آینده مدرسه [گذا]  
الحق خجسته مدرسه بی نظیر ساخت  
از آن چراغ خانه عقبای خود فروخت  
و ز آن لوای نیکی خود در جهان فراخت  
زد سکه بر عمل خیر نام خویش  
ابلیس را بیوتة هم زین سبب گذاخت  
بهر تمام گشتن این نیک مدرسه  
رفعت رقم نموده ز حاجی حسین ساخته

۱۲۱۱

مسجد جال - مسجد حاجی میرزا بابا  
در محله چهار سوق بابل

حیاطی است که دوازده باب حجره در آن است و محرابه مسجد در ضلع جنوی

حفاظ است. بر سردر ورودی مسجد (عکس شماره ۱۰۸) این مطالب گچ بری شده است:

صانعه مشهدی استاد حاجی آقا

گشت مسجد همت علامه چون خلدبرین

هذه جنات عدن فادخلوها خالدين

فى سنة ۱۳۲۳

فائله و کاتبه شیخ محمد رضا متولی المسجد شریف آقا علی

کاروانسراي امين الملک

در کتار رود با بل

ناصرالدین شاه در سفرنامه خود درباره این کاروانسرا می نویسد:

کاروانسراي که امين الملک مرحوم به حکم ما ساخته بود، در کتار

این رودخانه (بابل رود) واقع است. یک برج آنرا طغیان آب خراب کرده،

جاهای دیگری هم تعمیر لازم دارد، قرار شد امين الملک مرتب نموده به

اتمام برساند. بعضی از تجار روسی در کاروانسرا منزل دارند که بازاری و

بارفروش و شاهرود تجارت می کنند.<sup>۹۷</sup>

کاروانسراي ملك

در محله بازار

کاروانسراي ملك را حاجی میرزا علینقی ملک التجار ساخت. این کاروانسرا

به شکل اصلی خود باقی است بیست و دو حجره در این کاروانسرا است که در حدود

پانزده در آنها با ارسیهای قدیمی پر جای است. در طرف غرب کاروانسرا قسمی بیش

آمده، بناهای این قسمت دوطبقه است. طبقه بالاهم با ارسیهای قدیمی باقی است. این

کاروانسرا ملکی است و سهام وقفی ندارد.

۹۷- سفرنامه ناصرالدین شاه (سال ۱۲۹۲ هـ). به نقل از مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۸۶.

کاروانسرا معتقد  
در محله چهارسوق بازار

کاروانسرا کوچکی است که خیابان امام امروز، دوازده در حجره دارد که بیشتر آنها نوسازی شده است. قسمتی از کاروانسرا که در ضلع شمالی قرار می‌گیرد دوطبقه است و شکل قدیمی را تا امروز حفظ کرده است. این قسمت از کاروانسرا یازده حجره در طبقه بالا و نه حجره در طبقه پایین دارد. مدخلهای جنوبی و شرقی جای دو حجره طبقه پایین را گرفته‌اند. تمام حجره‌های طبقه بالا و پایین این قسمت از کاروانسرا معتقد دارای پنجره‌های ارسی با قاب و آلت است.

سه دانگ این کاروانسرا وقف بر عزاداری حسین بن علی علیه السلام است و سه دانگ دیگر را آقایان حاجی سیدیحیی اوصیا، حاجی محمد ابراهیم خردمند، حاجی علی اکبر طهماسبی، غلامعلی جهانیان و حاجی محمد جعفر معتقد مالک هستند.

کاروانسرا حضرت  
در محله چهارسوق بازار

کاروانسرا حضرت شامل دو قسم است یک قسم آن پاسازمانند است که دو طرف آن دکان است. قسم دیگر شامل خیاطی است که اطراف آن حجرات است قسم شمالی آن دوطبقه است. قسمت پاسازمانند نوسازی شده و دکانهای جدید جای حجره‌های قدیم را گرفته‌اند و قسمت خیاط هم تبدیل به چوب فروشی شده است. سه تن از تاجران قدیمی هریک دو دانگ از کاروانسرا را وقف عزاداری حسین بن علی کرده‌اند. نامهای ایشان از این قرار است: حاجی محمد اسماعیل سعیدی، حاجی ملا آقاجان، حاجی ملا عبدالکریم.

کاروانسرا سه راه چال  
در محله چهارسوق بازار

تمام کاروانسرا شکل اصلی خود را ازدست داده و فروشگاه آهن شده است عابدات این کاروانسرا وقف روشنائی مرقد مطهر حضرت امیر مؤمنان است و وقف

آن معروف به «وقف قرآن» است.

کاروانسرای قصر به  
در محله چهارسوق بازار

وضع قدیمی کاروانسرا، جز در قسمت جنوبی، باقی بدهم خورده است. در قسمت جنوبی هنوز ارسپهای قاب و آلت دار قدیمی بر جای است. مقداری از سهام این کاروانسرا ملکی است. احمد آقای او صبا یکدانگ و مرحوم صادق شهیدزاده سهمی و محمد رضا راشدی نیز سهمی مالک هستند باقی عابدات آن وقف عزاداری حضرت سید الشهداء حسین بن علی علیه السلام است.

کاروانسرای حاج محمدحسن  
در محله بازار  
شامل حیاطی کوچک و ده در حجره است.

کاروانسرای ارس  
شامل دوازده حجره تختانی و شش حجره فوقانی. طرف جنوبی آن دو طبقه است. مالبندی در طرف شمال دارد.

کاروانسرای حاجی علیرضای بلورچی  
در محله بازار اول خیا بان شهدا  
شامل حیاطی مستطیل شکل و دوازده حجره فوقانی و دوازده حجره تختانی است.

کاروانسرای لعلی  
در خیا بان بیست کیه جنب مسجد  
این کاروانسرا در خط کمر بندی افتاد و تقریباً از میان رفت فقط دو در حجره از انهای کاروانسرا بر جای است.

کاروانسرا حاجی علی‌اکبر سبزعلیان  
در بازار شهدا

طرف شرق و غرب این کاروانسرا دو طبقه است. طبقه شرقی هفت درجۀ و  
غربی شش درجۀ دارد. زیر این دو طبقه مالبند است و طرف قبلی آن ابار بارانداز  
قدیمی است.

کاروانسرا شهری  
در سه راه مسجد جامع

شامل حیاطی است چهار گوش که چهار طرف آن حجره‌های یک طبقه است.  
مجموع حجره‌های دور به ۳۲ در بالغ است. قسمت وسط این حیاط نیز در چهار جهت  
حجره‌های یک طبقه دارد و مجموع آنها به دوازده حجره می‌رسد.

کاروانسرا حاجی محمد علی‌ایمانی  
در سبزه‌میدان

شامل فضائی است که پانزده درجۀ درجۀ یک طبقه دارد و فضای مالبند آن تبدیل  
به سفرازهای جدید شده است.

کاروانسرا حاجی کریم کریمی الاشتی  
در محله چهارسوق بازار

از میان رفته است و اثری از آن برقرار نیست.

کاروانسرا حاجی طالبیان  
در محله اوچابن

سدانگ از عایدات این کاروانسرا وقف برعزاداری حسین بن علی علیه‌السلام  
است و یک دانگ و نیم آن را مرحوم سید نعمت‌الله تهرانی و یک دانگ و نیم دیگر  
حاجی محمد تقی طالبیان مالک هستند. امروز این کاروانسرا طرح اصلی خود را از  
دست داده و مرکز فروش آهن شده است.

### کاروانسرا مختصر الممالک

سراسر نوسازی شده و آثاری از قدیم در آن نیست. این کاروانسرا در خیابان شهریار پور جدید التأسیس افتاده است. تمام عایدات آن وقف بر عزاداری حضرت سیدالشہدا حسین بن علی است.

### کاروانسرا دقیق

در سنگ پل

از حالت کاروانسرا بیرون آمده بناهای آن را خراب کرده‌اند و تبدیل به بازاری  
بیاض کرده و در معرض فروض قرار داده‌اند.

مسجد و مدرسهٔ میرزا شفیع صدراعظم

پشت مسجد چهارسوق در محلهٔ پنجشنبه بازار قدیم بارفروش

ناصرالدین شاه در سفرنامهٔ خود می‌نویسد:

از بناهای خوب که امروز دیدم مدرسهٔ میرزا شفیع صدراعظم  
مرحوم است.<sup>۹۸</sup>

محمدحسن خان اعتمادالسلطنه نیز از این مدرسهٔ یادگرده است.<sup>۹۹</sup>

ملکنوف نیز از این مسجد به نام «مسجد صدر» یادگرده است.<sup>۱۰۰</sup>

خانم حسینزاده می‌نویسد:

میرزا محمدشفیع به عمران و آبادی بارفروش توجه بسیار داشت. مدارس و  
مساجد و نکایا را تعمیر کرد و بخرج خود مدرسه‌ای ساخت که به مدرسهٔ صدراعظم  
معروف است.

مسجدی نیز متصل به این مدرسه است. این دو بنا در سال ۱۲۲۱ ساخته شده‌اند.

پس از اتمام، دهکدهٔ نقیب‌دشت را که میان راه علی آباد به بارفروش (بابل) است و

۹۸- سفرنامهٔ مازندران سال ۱۲۹۲ ه.ق. به تقلیل از تاریخ مازندران مهجوی ج ۲ ص ۱۹۳.

۹۹- مرآت‌البلدان ج ۱ ص ۱۵۵. ۱۰۰- من روی ملکنوف صفحات ۱۳۲-۱۶۲ در بارهٔ مازندران است.

مزرعه خشت شوار و اعلاله دیگری را وقف این مدرسه کرده است. نام امروزی آن مدرسه صدر است.<sup>۱۱۱</sup>

### وضع کنونی مدرسه صدر:

در محله پنجشنبه بازار سابق بارفروش، پشت چهارسوق قدیم، مدرسه بزرگ و آباد صدر است. درازای حیاط مدرسه چهل و پهنهای آن سی متر است. بنای مدرسه دو طبقه است (عکس شماره ۱۰۹). در ضلع جنوبی مدرس و در ضلع شمالی مدخل است که بالای هشتی آن ۵ اطاق بزرگ به نام «عرش» است که فعلاً کتابخانه مدرسه است (عکس شماره ۱۱۰).

جوانی سی و اندساله به نام «رضا متولی» خود را متولی مدرسه صدر معرفی می‌کرد و نسبت خود را بدین ترتیب به میرزا محمد شفیع صدراعظه می‌رساند:  
رضا متولی پسر میرزا محمد علی پسر میرزا هدایت پسر میرزا نصرالله پسر میرزا محمد شفیع.

تا جایی که اطلاع داریم میرزا محمد شفیع صدراعظم بلاعقب بوده است و فرزندی به نام میرزا نصرالله نداشته تا متولی امروز جاشین ایشان باشد. پران آقای رضا متولی به نامهای میرزا حسن و میرزا محمد علی مشهور بوده‌اند. اما میرزا محمد علی از نوکرهای میرزا محمد جان علامه بود. میرزا محمد جان از حاکم بند پی که تولیت مدرسه صدر زیر نظر او بود و تعیین خادم و مؤذن و سایر امور مدرسه با نظر او اداره می‌شد، خواست تا میرزا محمد علی را خادم مدرسه تعیین کند و حاکم هم چنین کرد. اگر در شروط و قوانین سمت خادم از نویں تعیین شده باشد. رضا متولی می‌تواند خادم باشد نه متولی.

رضا متولی رونوشت و قوانین مدرسه را در دست داشت که با اصرار تمام چند سطری از مقدمه و سطر آخر آن را که تاریخ وقف است رونویس کردیم. اما شروط وقف را که مسلم شرطی از آن درباره تولیت بود نگذاشتند رونویس شود. و اظهار

گردند مسائل شخصی و فردی است. در صورتیکه موقوفات میرزا محمد شفیع وقف عام بود و مسائل شخصی و فردی نباید در آنها آمده باشد.  
مطلوب و قنامه ازقرار زیر است.

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

الحمد لله الذي جعل الوقف وسيلة لنيل السعادة والارض بساطاً لوقف العباد  
بالعبادة خالق النور و منزل النور على الطور الواقع على ما يخفى الصدور  
والصلوة والسلام على شفيع المذنبين و حجة الله على الخلق اجمعين سيد الانبياء  
والسبب ايجاد ارض السماء و على وصيه و ابن عم المخصوص بموآحته ليوم  
الاخاء وهو منزلة هارون من موسى والمشكور سعيه في هل انى وصل عليهما الائمة  
الهدي و مصابيح الدجى واعلام التقى وكهوف الورا صلواة الله وسلامه عليه و عليهم  
الى يوم الجزا اما بعد چون جناب مجدت و مناعت وجلالت مآب عظمت وحشمت  
و بنالت اكتساب و وزارت وفخامت وبرالت انتساب مؤسس اساس نصف واحسان  
بانی مبانی بر و امتنان تتممه مهام الانام بالرأى الصائب ناظم امور جمهور الخاص  
و العام بالفكر الثاقب وزير ارسطو تدبیر ملك آرای و مشیر مشتری نظیر نکورای  
اعتمادالدوله البهیه السلطانيه و اعتضاد السلطنه العلیه الخاقانيه دستور معدلت دستور  
مکرم صدر اعظم دیوان قضا نشان قدر توأم میرزا محمد شفیع شیدالله بنیان دولته  
که همواره همت بشید مبانی جنات مصروف و تعمیر مساجد ومدارس وابنیه خیریه  
همجو مهمات ملکت و مملکت برای سعادت آئینش موقوف در اکثری از بلاد و  
امصار از معماری رأی سعادت اقتضايش بناهایی سپهر آسا که هر یک مصدقه اصلها  
ثابت و فرعها فی السما است آشکار و عیان از جمله آنها مدرسه محمودیه در طهران و  
مدرسه صدر آباد واقعه در دارالخلافه طهران است که از غایت صفا و حجرات چون  
غرفات جنات مصدق و مقام ربہ جتنا است و در صحن دلگشاشان از جداول کوثر  
نشان نمودار فيها عینان تحریان ومن دونهما جتنا و مسجد جامع و مدرسة آصفیه  
واقعه در بارفروش هازندرانست که هر که حیاض و انهار عنبر شمیم چون سلیل و

تسیم آنها بیندگوید فیها عینان نضاحنان لهذا مدرسه مبارکه آصفیه که با غرفات متینه  
سماعی است ذات ابراج و سلسال دریاچه‌اش را اگر با فرات و دجله به مقایسه مذاق  
سنگی هذا عذب فرات و هذا ملح اجاج فضای سرایش چون ساحت مینو نشاط.  
بخش هرشیخ و شابست و حجراتش مرطلاط ذوالعلوم و الاطیاب را جناب عدن  
مفتوحة لهم الابواب. اگر از مساجدش که مساجد اربعه را خامس آمد وضعی خواهد  
مسجداسن علی التفوی و آرمیدگان زوایایش که چون مهرروشن است که خورشیدش  
عنکبوت زوایای روزن است در آن بیتون لربهم سجداً و قیاماً از شمسه ایوان  
مدرمش مهرانورچون از روی قمر مستبر و با کریاس اونهعنین سپهر که بر ترین اساس  
است سرهمری بودی اگرچون او مزین بدی بزیتهای دلبذیر طیلاندار چرخ برای  
استفادات در جوار جدارش جائی جدید جسته و در جدیش تازهنهالی ازنارنج و تونج  
که فلك البروج از غیرتشان برنج است رسته چون از معماری رأی رزینش همو  
کارلشکر و کشور ساخته و چون مهمام جمهور خاص و عام برداخته آمد خالصاً لو جه الله  
و طلبأ لمرضاته وقف مؤبد نموده اند بر طالبان عام دین و خوانندگان کتب ایمان و  
یقین که در حجرات آن بعقاد و هم فی الغرفات آمنون منزل گزین و بتحصیل علم و  
دانش با فراغت و آسایش فرین گردند بشروطی چند که مرقوم می گردد (آفای رضا  
منولی قسمی از وقناهه را که ظاهرأ به منافع ایشان لطمه می زد اجازه رونویس  
ندادند).

و كان ذلك في اواسط العشر الاخر من شهر ذي قعده الحرام سنة ست وعشرين  
و مائتان بعد الف من الهجرة النبوية المسطفویه عليه و على آلہ آلاف النساء و التحیه  
• ۱۲۲۶ •

منولی کنونی دعکده خشکه رو آر و چند باب دکانهای اطراف مدرسه را جزء  
رقبات موقعات مدرسه معرفی کرد.

### مسجد زرگر محله

در خیابان چراغ برق قدیم در زرگر محله

جیاطی است که طرف قبلی آن محرابه مسجد است (عکس شماره ۱۱۱) . سه فیلا در وسط محرابه است که فربهای بر آنها منکی است. دور تادور سقف یک چکش گردان، سقف تیر کشی و تخته کوبی است. محرابی کاشی کاری دارد. بر بالای محراب عبارات است :

ان الله والملائكة يصلون على النبي يا ايها الذين آمنوا صلوا عليه

وسلمو اسلیما ۱۳۱۶ مهدی

باقي قسمتهای کاشی کاری مناظری از خانه های مسکونی و پل و رودخانه ها گل و بوته و مرغ است . بر دست راست و چپ و محراب کتیبه ای بر کاشی با خط نستعلیق بدین شرح نوشته شده است:

ابیانی که بر دست راست محراب است:

### هوانه تعالی

حبدی توفیقت ای بانی که خوش آراستی  
آن مکانی را که از حق در ارادت خواستی

مدرس و محراب و مسجد هر سه کا بتجاساختی  
جای ذکر ساکنان عالم بالاستی

سجده گاه اهل اسلام است این عالی بنا  
زیبد از گوید کسی کاین با جنان همتاستی

این مکان پاک کا زدر رتبه بیت المقدس است  
معبد موسی محل طاعت عیسی استی

سر نهد بر سجده گر عاصی در این دار الامان  
این از عصیان خود در محشر کبر استی

مسجد الاقصی اگر خواهد کسی بیند بچشم  
گویاید کاین نشان مسجد الاقصی اسنی  
ایرانی که بر دست چب محراب نوشته شده است:

### شانه العزیز

عروة الونقی هران جوید بدین بیت الشرف  
با گذارد کزبرایش عروة الونقی اسنی  
مرکز غیرا خدا را بیت معموری نبود  
بیت معمور است کاین در مرکز غیر اسنی  
جای نسبی است و تهلیل است آری این بنا  
کعبه ثانی است کاین اینجا و آن بطحاستی  
بادگار خویش خواهد هر که بعد خویشتن  
سیدالسادات از من بادگارت خواستی  
خواستی تاریخ مسجد کت بماند جاودان  
جاودان مانی که این تاریخ بس زیاستی  
طبع ناظم از بی تاریخ مسجد خوش سرود  
نیک مسجد این بنا با جنت المأوستی

۱۳۱۴

بیار اتی که در داخل محراب بر کاشی نوشته شده است:  
یا قاضی الحاجات [دوبار] بانی آن جناب مستطاب سلاله السادات  
الاعز آفای حاجی سید حسن تاجر بار فروشی ساعی عالی جناب خیر الحاج  
حاج عباس قمی فی پانزدهم شهر جمادی الثانی ۱۳۱۶ یا قاضی الحاجات [دوبار].

تکیه زرگر محله  
در میدان زرگر محله

بنای تکیه قدیمی و در سمت غرب میدان است . شامل ایوانی است که پنج

ستون چوبین چهارسو در جلو آن است و دو اطاق در دو طرف بنامت بر تخته های سقف بنا نقاشی و گل اندازی و شکل جانوران است. گلدهایی بر طرف دست راست بنامت اگر رو به بنا استاده بانیم. اطاقهای دیگر نکید کان نجاری شده است.

بر زیر سر نال تکیه عبارات زیر است:

عمل نجاری مال استاد سعید پازواری ، حاجی آقا محمد و حاجی ابراهیم و کربلا تی آفاجان و اغفر لهم ولوالدیهم جمیعا . عمل نقاشی مال استاد آقا بزرگ و محمد ابراهیم ولد مرحوم حاجی اسماعیل .

مرقد بی بی آسمیه خاتون

در محله چراغ برق قدیم

بنای این مرقد در خیابان افتاد و بکسره از میان رفت . قبر بی بی آسمیه خاتون کنار هلال میدان نزدیک نرده ، پهلوی درخت نارنج باقی است و شبها شمعی بر آن می افروزند .

مسجد مولانا

در محله سرمهلا بارفروش (بابل)

این مسجد را سید حسن مولانای تاجر ساخته است . حیاطی کوچک دارد که چند اصله درخت مرگبات در آن است . در یک طرف حیاط اطاقی برای خادم مسجد ساخته اند . ضلع شمالی حیاط محرابه مسجد است . دوفیلبا وسط بنای محراب است . سقف تیر کشی و تخته کوبی است . بام مسجد سفالپوش است .

حمام هیرزا یوسف

در محله سرحمام بارفروش (بابل)

سرینه و رختگن عظیم این حمام تا امروز باقی است . نگارنده سرینه ای به این عظمت در حاشیه دریای خزر ندبده است . این سرینه بنائی است هشت ضلعی دو به دو برابر . چهار صفحه در چهار ضلع بزرگ و چهار صفحه در اصلاح کوچکتر است که جلو یک در آن را امروز چیده اند . دهانه صفحه ها هر کدام سه متر و در سه

طرف آنها سکونی به پهنای یک متر است . قطر هشت ضلعی و مسط هشت متر تمام و بلندی مدور آن بیش از ده متر است (عکس شماره ۱۱۲) بر اثر کشیدن آب زیاد از چاه قدیمی ابه زمین حرکت کرده و با آب پیرون آمده و فضای زیر بنیاد حمام را خالی کرده و یک طاق صفوی شکست برداشته است . گرچه مخانه قدیمی را تبدیل به حمامهای فردی جداگانه کرده اند . ازینه قدیمی هیچگونه استفاده نمی شد و محل لوازم اضافی حمام شده بود . پهلوی دوسر در قدیمی حمام که به دو کوچه مجاور بوده است دو کتیبه بر سنگ مرمر بدین شرح است :

بر کتیبه اول که به درازای ۷۵ و پهنای ۴۵ سانتیمتر است (عکس شماره ۱۱۳)  
ایات زیر حک شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم

بعهد خسرو خورشید چتر عرش سربر  
که هست نه فلك او را نمونه ز خیام  
سپهر فتح و خلفر شاه دهر فتحعلی  
که خواند خطبة شاهنشهیش چرخ بنام

جناب آصف ایام میرزا یوسف

که شد به بندگی شاه شهره ایام  
شهر دلکش عشرت سرشت بال فروش<sup>۱۰۶</sup>  
که رشک برده باو ملک مصر و خطة شام

ز روی صدق و صفار بخت طرح حمامی

که آفتاب و مه آنجا بود چو طشت و چو جام

پند طبع خواص و عوام جائی ساخت

برای عشرت خاص و برای راحت عام

۱۰۶- نخنین باری است که نام شهر بار فروش را بالام فبل کرده اند .

گر این مکان مشرف بهشت نیست چرا  
 کنند جلوه در او حوریان سیم اندام  
 نمود نصف از آن وقف سیدالشهدا  
 که صرف تعزیت او کنند در هر عام  
 بوقف نصف دگر را گذاشت بر اولاد  
 که تاقیام قیامت بماند از وی نام  
 چو شد تمام رهی گفت بهر تاریخش  
 فزود رتبه بمازندران ازین حمام<sup>۱۰۳</sup>

۱۲۱۶

بر کتیبه دوم که بذر ازای ۸۹ و بهنای ۵۰/۴ سانتیمتر است (عکس شماره ۱۱۴)  
 ایات زیر حک شده است:

هو الواقف على الضماير  
 بعهد دولت فتحعلی شه خسرو عادل  
 كـمولـای موـالـی آـمد و فـخـرـعـالـی شـد  
 مـلـکـ قـدـرـیـ كـعـدـرـخـوـفـ مـلـکـ شـدـ...ـ کـشـ  
 مـثـالـرـوـحـ مـعـصـوـمـیـ کـهـ درـ جـمـ مـثـالـیـ شـدـ  
 جـلالـ الـمـلـکـ وـ الـمـلـهـ جـمـالـ الدـینـ وـ الـدـوـلـهـ  
 کـهـ حقـ اـزـ جـمـالـ اوـعـیـانـ نـورـ جـلـالـیـ شـدـ<sup>۱۰۴</sup>  
 بـامـیدـ کـفـ گـوـهـ رـفـشـانـ وـ دـسـتـ درـ پـاشـشـ  
 حـجـرـ درـ کـانـ گـهـرـ گـشـتـ وـ مـطـرـدـرـیـمـ لـتـالـیـ شـدـ  
 بـسـایـلـ بـسـکـهـ گـوـهـ بـارـشـ دـسـتـ درـ بـارـشـ  
 زـ گـوـهـ کـانـ تـهـیـ آـمـدـ زـ لـوـهـ لـوـهـ بـحـرـ خـالـیـ شـدـ

۱۰۳- ماده تاریخ با سال ۱۲۱۶ می خواند و برابر است . ۱۰۴- ظاهراً : که از نور  
 جمال او عیان نور جلالی شد .

بسی نذر دوام دولت شه میرزا یوسف  
 برین حمام بانی از ره نیکو خصالی شد  
 هم از اویر حسین بن علی شد وقف جاویدان  
 بخلقی از کرم سرمایه فرخنده حالی شد  
 پهاداش ارادت هم از آن دارای دریا دل  
 چنان در مرتبت والا در آفاق والی شد  
 که ناهیدش قدم پیوسته در جرگ جواری زد  
 که بهرامش عیان همواره در سلک موالي شد  
 زبس بانی بناند سقف و پر تو بخش کل جامش  
 شپهرو مهر راز آن سقف و آن کل جام خالی شد  
 خلط گفتم خجل گردون از آن سقف رفیع آمد  
 خطاك درم سینه خور شید از آن کل جام خالی شد  
 جو کام ازدهای موسوی شد گلخشن ز آتش  
 و با چون سینه فرعون از آشته حالی شد  
 بنام ایزد چنان آمد بوسعت عرصه صحنش  
 که آن را قیروان تا قیروان حد و حوالی شد  
 تعالی الله درون چاهی عیان از بهر آب آمد  
 که هفت اخترس حابش گشت و نه گردون دوالي شد  
 ز رفت طایر اندیشه کرد اندیشه بامش  
 ز اول مایه آن شرمسار از سست مالی شد  
 ز قمر چاه و اوج بام آن کامد خرد حیران  
 اعالی چون اسافل گشت و سافل چون اعالی شد  
 ز هر فواره حوضش که دائم در فشان بادا  
 بدامان فلك هر دم نشاری از لآلی شد

### [شکنگی و فرسودگی]. انگشتا

جهانی باک از آلاس از این حمام عالی شد<sup>۱۰۵</sup>

مدرسه و مسجد کاظم بیک

در میدان محله صرحدام بارفروش (بابل)

این مدرسه و مسجد به سال ۱۰۹۲ توسط حاج کاظم بیگ ساخته شد. بعد از پسر او آقامحمد رضا در سال ۱۱۰۱ و مولانا میر نظام الدین محمد در سال ۱۱۶۹ آن را تعمیر کرده‌اند.<sup>۱۰۶</sup>

مسجد کاظم بیک شامل حیاطی بزرگ مرربع شکل است. در دو طرف شرقی و غربی حیاط ایوانهایی است که جلو هر یک هشت فیلپاست. سقف این دو ایوان تیر-کشی و بام آنها سفالپوش است. ضلع شمالی حیاط در ورودی و اطاق نشین خادم است. محرابه مسجد طرف قبلی است. بنای محرابه به سه قسمت اصلی تقسیم می‌شود. قسمت وسط بزرگ‌تری کنبد اصلی است. چهار طاق جناغی بر چهار فیلپای وسط زده و گنبدی بر این چهار طاق اصلی ساخته‌اند. یکی از این طاقها بالای محراب و طاقی بالای درورودی و دو طاق دیگر در دو طرف شرقی و غربی مسجد است که به زیر دو گنبد طرفین گنبد اصلی می‌رود. سمت چپ و راست محراب دو پنجره است که پشت آنها دیوار است و به جایی راه تدارد. طرف غرب مسجد محلی است که جلو آن را با چوب شبکه‌بندی کرده و پشت آن محلی برای زنان است. طرف شرقی مسجد اطاقی است که مقبره دو سه تن از علماء است. منبری چوبین بر کار در زیر گنبد اصلی است (عکس شماره ۱۱۵). بر بالای دو طرف محراب دوسنگ است. بر سنگ دست راست این ایات با خط نستعلیق حل شده است:

۱۰۵ - این ماده تاریخ معادل ۱۰۱۴ است که با ماده تاریخ نبلی که معادل ۱۲۱۸ است ۲۰۲ سال اختلاف دارد. ۱۰۶ - تاریخ طبرستان بر زگرج ۲ ص ۳۲.

هو

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم  
 قصر خیر را بانی کاخ جود را معمار  
 قبله هنرمندان کعبه نکوکاران  
 ملک عقل را حاکم شهر شرع را رونق<sup>۱۰۷</sup>  
 نور بخش هفت انجم شمع بزم را ایوان<sup>۱۰۸</sup>  
 صبح گلشن دولت مهر مشرق قاجار  
 گلبن حلاوت را رنگ و بو محمد خان<sup>۱۰۹</sup>  
 با دل صفا پرور طرح مسجدی افکند  
 کزشکوه او شد تنگ راه جلوه بر کیوان<sup>۱۱۰</sup>  
 معبدی که هر طافش جفت گبند گردون  
 مسجدی که محرابش رشک<sup>۱۱۱</sup>....  
 کرد امر سرکاری برد و صافدل نقویض<sup>۱۱۲</sup>  
 هر یکی گل دیگر در حدیقة احسان  
 فخر صدر دینداری زیده شیخ الاسلامی  
 کز قدمش بر از نده گشت خلعت ایمان  
 گلشن فضا پرور خاصه قاضی عسکر  
 کز نیم خلق او گل شگفت در بنان  
 شد چو این بنا بر پا از توجه بانی  
 سر بر آسمان کردن گشت خلق را آسان

۱۰۷-ملک و عقل را حاکم شهر شرع را رونق (سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۴۱۴ و ۱۵۶). ۱۰۸-شمع بزم بر ایوان (سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۱۴۳ و ۱۵۴). ۱۰۹-نیک بومحمد خان (سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۱۴۳ و ۱۵۵). ۱۱۰-نیک راه خیر بر کیوان (سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۱۵۶ و ۱۷۶). ۱۱۱-رشک از فری خوبان (سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۱۵۶ و ۱۷۶). ۱۱۲-بروصاف خان نقویض (سفرنامه مازندران و استرآباد راینو ص ۱۵۶ و ۱۷۶).

و سعنش از آن افزون‌گش جهان نوان گفتن  
 رفعتش ار آن برترکش نهم فلك بتوان  
 شد قیام هر طاعت از ستون او قایسم  
 شد تمام ز ارکانش هر نماز را اركان  
 بسکه معرفت خیز است خاک آن بهشت امن  
 بسکه طاعت انگیز است صحن آن فلك سامان  
 از هواي صحن او تربیت اگر باید  
 سجده باز می‌آرد نخل قامت جانان  
 چون ز عقل کل طوفان خواست سال تاریخش  
 گفت قبله آفاق مسجد محمد خان<sup>۱۱۳</sup>  
 ۱۱۶۹

بر سرگك دست چپ اين ابيات با خط نستعليق حك شده است:  
 بسم الله الرحمن الرحيم  
 سپهر جاه و جلال آفتاب مشرق جود  
 طراوت چمن دولت جهانباني  
 جراج انجمن دورمان قاسم خان  
 بحرخ حشت فاجار مهر نوراني  
 طراز مند فرماندهی محمد خان  
 که حکم او بقضاداده خط فرمانی  
 نمونه ز محیط سخاوش عمان  
 کفی ز ابر عطايش سحاب نیسانی  
 بگانه که شد از ینعی عدل او معمور  
 بسان خانه دل کعبه مسلماني

۱۱۳- ماده تاریخ با سال ۱۱۶۹ می خواند و برابر است.

ز روی صدق و صفا طرح مسجدی افکند  
 که گشته مطلع انوار فیض سبحانی  
 زهی اساس که باشد ز عرش سامانی  
 نخست پایه او بارگاه کیوانی  
 بروی چرخ بود نقش سجده بر کوکب  
 ز بسکه سوده بر این آستانه پیشانی  
 برای کسب شرف خازن انداز فردوس  
 درین حرم کند از روی شوق دربانی  
 خلیل وار بسر کاریش دو والا قدر  
 شدن مظہر آثار فیض رباني  
 سی خامس آل عبا گزیرشان یافت  
 مثال جان بن احکام شرع بنیانی  
 بهار گلشن ایمان شیخ الاسلامی  
 ضیا شمسه ایوان میر مشتاقی [کذا]  
 فروغ انجمن عقل قاضی عسکر  
 که شمهایست ز وصفش کمال انسانی  
 تمام گشت چو این بارگاه عرش اساس  
 ز لطف حضرت معبود و همت بانی  
 نوشت خامه اقدس بسال تاریخش  
 زهی بنا که شد از یعن کعبه ثانی<sup>۱۱۴</sup>  
 منگی بر سر در مسجد کاظم بیگن بوده است که این ایات بر آن حک بوده است :  
 محمد خان آن سرور نیکبخت      کزو یافت امر حکومت نظام

۱۱۴ - این ماده تاریخ بر ابر ۱۱۷۰ هجری فری است . ظاهرآ یک سالی بنای مسجد طول کشیده است واقعه اعلم .

همان مظہر عز و شان و شرف  
 که شد حامی شرع خیر الانام  
 چو حاتم باوگشت همت تمام  
 برآمد زفیض سحاب عطاش  
 نهال امید خواص و عوام  
 خرد خوانده ثانی بیت الحرام  
 ز اقبال بانی و الطاف حق  
 خرد برحسین گفت وتاریخ شد  
 از این سنگ امروز نشانی نیست . اشعار آن از روی عکس این کتیبه در شهر بابل ص  
 ۱۴۰ خوانده شد .<sup>۱۱۵</sup>

مقبره متصل به بنای مسجد کاظم بیک  
 در ضلع غربی محراب مسجد کاظم بیک دو پنجره ارسی بزرگ است که به اطاقی  
 گشوده می شود . در این اطاق که در ورودی از حیاط نیز دارد ، مرقد ملام محمد حمزه  
 و فرزندش شیخ محمد حسن و مرقد آق شیخعلی شریعتمدار و مرقد شیخ محمد حسن  
 شریعتمدار است . دو مرقد بدین شرح سنگ قبر دارند :  
 وفات مرحوم متفور خلد آشیان جنت مکان جانب محقق العلما  
 آخذ شیخ محمد حسن شریعتمدار بناریخ یازدهم شهر رمضان المبارک  
 سنه ۱۳۱۹

بر سنگ قبر دیگر عبارات زیر است :

آرامگاه مرحوم متفور خلد مقام حجۃ الاسلام آق شیخعلی  
 شریعتمدار که در تاریخ پنجم محرم هزار و سیصد و چهل و پنج ۱۳۴۵ قمری  
 برحمت ایزدی پیوست .

مسجد کاظم بیک دارای سردر دیگری در کوچه باق را نظر است که بالای آن نیز کتیبه ای  
بر سنگ آهکی سفید کنده شده است . بالای آن حدیث : ان ام دینة العلم وعلى باها

۱۱۵ - این کتیبه با اختلافاتی در سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۱۴ و ۱۵ ع  
 آمده است .

انا مدینة العلم وعلی بابها

حلک شده است و ذیل آن نه بیت شعر در وصف محمدخان و مسجد کاظم بیگ کنده شده است که به علت فرسودگی خوانده نشد.

خانم حسینزاده درباره مسجد کاظم بیگ مطالب زیر را نوشته است:

حاجی کاظم بیک در حدود سال ۱۰۹۲ مسجد کاظم بیک را در بار-

فروش بنا نهاد. خانواده کاظم بیگی منتب به او هستند.<sup>۱۱۵</sup>

مولانا میر نظام الدین محمد، بانی تعمیر مسجد کاظم بیگ در

سال ۱۱۶۹ است و قبر او در پادشاه امیر بندپی است.<sup>۱۱۶</sup>

پسر کاظم بیگ، آقا محمد رضای دار سال ۱۱۰۱ این مسجد را مرمت

کرد دو کتیبه بر سنگ بر دیوار این مسجد است ماده تاریخ تعمیر آن  
است.<sup>۱۱۷</sup>

این مسجد در سال ۱۳۴۲ شمسی توسط متولی آن آقای محمد

جعفر کاظم بیگی تحت تعمیر قرار گرفت و سردر ورودی شمالی را از نو

ساخت. بر دیوار این مسجد کتیبه زیر است:

محمدخان آن سرور نیکبخت کزویافت امر حکومت نظام

[بنچ بیت از این قطعه به طور ناقص و آشفته در این کتاب آمده است]

در بالای محراب دو کتیبه بهلوی هم است. کتیبه سمت راست

چهارده بیت و سمت چپ پانزده بیت است.

در بالای این دو کتیبه نزدیک سقف سه کتیبه چوبی در عرض

یکدیگر است.<sup>۱۱۸</sup>

در این مسجد سه کتیبه سنگی دیگر نیز وجود دارد. یکی بر بالای

درو رودی جنوب مسجد (طرف کوچه باقر ناظر) و اشعاری درباره محمد

خان بانی تعمیر است.

۱۱۶- شهر با بل ص ۴۹. ۱۱۷- شهر با بل ص ۵۰. ۱۱۸- شهر با بل ص ۵۸.

۱۱۹- از این کتیبه های چوبین امروز اثری بر جای نیست.

دو کنیه دیگر بر سطح سکوهای سنگی دو طرف در شمالی بود. در تعبیر اخیر سکوها از جای خود حرکت داده شده و به کناری افتاده است. بر یکی از این دو سنگ هفت بیت حک شده است که به علت سائبندگی زیاد حتی پک بیت آن به طور کامل قابل خواندن نیست. پاره‌ای از بیت اول بدین ترتیب است:

... بخت جهان ای قبله اسلام کز رفت

شد دلیل لامکان از عالم امکان  
سنگ دیگر از مرمر و سنگ قبر است این عبارات بر آن حک شده است:  
فخر جهان نسا خانم بنت مرحوم ملا شیر محمد صفر المظفر سنه

۱۲۰۱ ، ۱۲۰۲

ملگنوف<sup>۱۱۱</sup> و مهجوري<sup>۱۱۲</sup> از مسجد کاظم بیگ که باد کرده‌اند.

تکیه و مسجد مراد بیگ<sup>۱۱۳</sup>

در محله مراد بیگ بارفروش

ابن مسجد و تکیه امروز به نام مسجد و تکیه پیرعلم معروف شده است و مابعداً در جای خود به شرح آن خواهیم پرداخت.

#### مقبره بیکا لیها

در میدان محله سرحدام بارفروش (بابل)

نزدیک مسجد کاظم بیگ و نزدیکاً متصل به آن در جهاتی کوچک مقبره و مسجد و مدرسه‌ایست. مقبره بیکائیها شامل سه در اطاق است که در آنها اشخاص مختلف از زن و مرد به خاک سپرده شده‌اند. بر مدخل اطاق میانین اشعار زیر را با قلم بر کاغذی نوشته و بر دیوار نصب کرده و روی آن را شیشه گرفته بودند:

۱۱۰- شهر بابل ص ۱۳۸ و ۱۳۹. ۱۱۱- من روسی ملگنوف ص ۱۳۲-۱۶۴ در

باره مازندران است. ۱۱۲- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۷. ۱۱۳- مراد بیگ

برادر کاظم بیگ بانی مدرسه و مسجد کاظم بیگ است.

### کل من علیها فان

این دو تن خواجهه در یکجا برادر خواهند  
هر دو ناکامند و از یک باب و از یک مادرند  
سی و سه ساله محمد سی و هفت ساله بنول  
هر دو از نسل بنول و زاده پیغمبرند  
سبد عبدالله بیکائی برد نام پسر  
هر دو بیکائی لقب از دودمان اطهورند  
اولی در ماه خرداد و دوم اردیبهشت  
چشم بسته مرتحل زین نشسته دون پرورند  
جف اندر نوبهار عمر با صد آرزو  
آرمیده زیر گل اندر پناه داورند  
سال تاریخ وفات هر دو در یکسال نیست  
گرچه اکنون خفته با هم مونس یکدیگرند  
سوخت از داغ برادر خواهر او چند سال  
آگهند از حال او آنانکه بینی خواهند  
شد محمد در هزار و سیصد و بیست از جهان  
هشت سال بعد خواهر حال در یک مقبره  
سائل یک فاتحه از مؤمنین و مؤمنان  
مستحق رحمت و لطف خدای اکبرند  
در اطاق دیگر سنگ قبر نفیسه سادات بیکائی است که در ۲۰ صفر ۱۳۴۷ فوت شده است.

### مدرسه سقا باشی

طبقه بالای مقبره بیکائیها اطاقهای چوبین است که روزی طلبه نشین بوده است  
وفعلا نیمه مخروبه است . این قسمت بنا به نام مدرسه سقا باشی است .

مسجد حاج خان بیگ

در میدان سرحدام بارفروش

در حیاط مقبره بیکانیها روی روی حجرات مقبره ، مسجدی کوچک و ناچیزی است که به نام مسجد حاج خان بیگ شهرت دارد.

مدرسه قدیمی باقر ناظر

در محله سرحدام بارفروش (بابل)

این مدرسه قدیمی را در سال ۱۳۱۹ شمسی خراب کردند و به جای آن دبستان سعدی امروز را ساخته‌اند. مدرسه باقر ناظر به نام مدرسه فاضی نیز معروف بوده است.

کتبه باقر ناظر

در محله سرحدام بابل در گذر باقر ناظر

این تکه امروز بر جای است. تکه‌ایست کوچک و ناچیز و آثار تاریخی ندارد.

سید زین العابدین

در وسط میدان محله پنجشنبه بازار جدید

بنای اصلی شامل دو اطاق است که یکی اطاق مقبره و دیگری اطاق نشیمن خادم است . قبر سید زین العابدین در حدود ۱۴۰ سانتیمتر از سطح اطاق مقبره بالاتر است و تمام سفید کاری شده است . ضریح چوبی قبر را چوشانده است . سقف بنا دارای دو ردۀ شیرسر است . لبه بام یک پشتۀ و بام سفالپوش است . تنها اثر قابل ذکر در مقبره سید زین العابدین ، در گنده کاری است که میان دو اطاق قرار دارد . بر بالای این در از طرف اطاق مسکونی خادم نوشته شده است :

جنت عدن مفتحة لهم الابواب ۱۳۱۳

بر بالای در ورودی جنوبی بقعه گچ بری زمینه قرمز است که این کلمات بر آن خوانده می‌شود :

الله و محمد و علی فاطمه حسن و حسین ۱۳۱۲

بر بالای در ورودی دیگر:

بسم الله الرحمن الرحيم  
با على ادركتني [با خط عکس] ۱۳۱۲

زیارتname کوچکی بر روی ضریح است که تاریخ ۱۳۱۸ بر آن دیده می شود. قبل از سال ۱۳۱۲ این بنا قبر مختصری بود. در این تاریخ حاج میرهدایت او صبا آنرا ساخته است.

مسجد محله طوقدارین (توغدارين)

حياط مسجد دارای دو در ورودی است. يك در به میدان طوقدارين و دری دیگر به خیابان گشوده می شود. محراب مسجد در ضلع جنوبی حیاط است. جلو محراب چهار حفاظ بلند بششه است که قسمت وسط آنها دری ورودی به محراب دارد. بالای محراب و اطراف آن کاشیکاری است و این آیات از کلام الله مجید با خط نستعلیق بر کاشیهاست:

بسم الله الرحمن الرحيم هل انى على الانسان - تا - بدخل من  
يشاء في رحمته والظلمين اعد لهم عذاباً اليمى .

بر دست چب محراب در بالا قسمی کاشیکاری است که این عبارات بر آن نوشته شده است:  
بانی تعمیر این مسجد حاج محمد علی ایمانی فرزند محمد مهدی  
در سال ۱۳۴۹ شمسی التماس دعا و مفترت دارم .

حمام شاهزاده  
در محله طوقدارين بار فروش

این حمام قدیمی متصل به مسجد است که روی در خرابی دارد و هیچ گونه استفاده ای از آن نمی شود.

امامزاده عالك و محسن  
در محله طوقدارين

اطاقی است آجری و ساده که گور دو تن در آن است. سقف بنا تیر کشی و بام آن سفالپوش است. زیارتname های متعدد تازه نویس در این امامزاده بود.

### بارگاه سید جلال

در محله سید جلال شهر بار فروش (با بل)

بنای تقریباً چهار گوش از داخل به ابعاد  $5 \times 6$  متر، نمای آن آجری و بام آنسفال سراست. قبری به درازای دو متر و پهنای ۱۷۵ و بلندی ۸۰ سانتیمتر در وسط بناست. مقداری از این قبر کاشیکاری و باقی سفید کاری است. بر بالای قبر پنجهای آهنین است که روی آن پس از صلاوات برائمه اطهار، در قسمت وسط چنین حک شده است:

وقف حضرت امام حسین کرد جلال الدین این حسین چپکرودی  
هیچگونه اثری که هویت صاحب قبر را نشان بدهد در این بنا نیست. تنها کتبه‌ای که در این بناست کتبه زیر است:

بنای حضرت امامزاده سید جلال علیه السلام را حاجی محمد علی ایمانی ولد مرحوم آقامحمد مهدی ایمانی نعوده در سال ۱۳۴۶ شمسی مطابق با سال ۱۳۷۷ قمری.

بنابر تحقیقات آقای اردشیر برزگر این مقبره یکی از کیانیان جلالی است که از سال ۷۶۳-۷۵۰ در شهر بار فروش حکومت داشته است.<sup>۱۶۹</sup>

### مسجد سید جلال

در محله سید جلال

بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنای نوسازی جای آن ساخته بودند.

### آنکه سید جلال

در محله سید جلال

بنای تکیه نزدیک بارگاه سید جلال بود. بنای قدیمی را خراب کرده بودند و بنای نوسازی به جای آن ساخته اند.

## ارباب تکیه

در میدان محله سید جلال

ارباب تکیه در محوطه میدانی نزدیک بارگاه سید جلال است. قدمتی دارد، اما از نظر تاریخی ارزشی ندارد.

## امامزاده قاسم

در محله آستانه بارفروش (بابل)

در طومار متولیان دوران صفوی امامزاده قاسم واقع در بلده بارفروش فرزند امام محمد تقی علیه السلام است و تولیت آن با مولانا علی نقی بوده است.

ناصرالدین شاه آنچاکه در سفرنامه خود می‌نویسد:

از بنای خوب که امروز دیدم مقبره امامزاده ایست که گنبد مخروطی بزرگی دارد که از ابینه قدیم است. تکیه خوبی هم در جنب این امامزاده است.<sup>۱۲۵</sup>

منظورش همین امامزاده قاسم بارفروش است.

راینتو در سفرنامه خود از کتبیه دری در بارفروش که ظاهرآ متعلق به امامزاده قاسم است و کتبیه دیگری در همین امامزاده باد کرده است و نوشته‌های آنها را به این شرح خوانده است.

الله مفتح الابواب      الله ولی التوفيق

عمل استاد احمد نجارین حسین فی التاریخ محرم سنہ سبعین

و نیانماں.

ابضاً

عمل سید علی ابن سید کمال الدین آملی غفار الله ذنو بھا<sup>۱۲۶</sup>

۱۲۵ - سفرنامہ ناصرالدین شاه در سفر دوم سال ۱۲۹۲ به نقل از مازندران مهجر ری ج ۲

ص ۱۹۳ . ۱۲۶ - سفرنامہ مازندران و اسندرآباد من انگلیسی قسمت کتبیه‌ها صفحات

۱۷ غ ۱۸ غ.

در گاند کتاب خود از این امامزاده نام «مسجد بارفروش» یاد کرده است.<sup>۱۲۷</sup>  
 ملکنوف نیز نام این امامزاده را در میان آثار تاریخی مازندران آورده است.<sup>۱۲۸</sup>  
 در سفارش نامه انجمن آثار ملی نیز از این امامزاده بحثی به میان آمده است.<sup>۱۲۹</sup>  
 مهجوری نیز از این امامزاده یاد کرده است.<sup>۱۳۰</sup>

خانم حسین زاده در باره این امامزاده چنین نوشتند:

بنای اصلی بقیه هشت ضلعی است که در هر یک از اضلاع خارجی  
 آن طاق‌نمایی با طاق جناغی ساخته‌اند. مسجد متصل به ضلع شرقی است .  
 در رودی مسجد شرقی است و در گورستان اطراف امامزاده بازمی‌شود .  
 در بالای این دریک قالب کاشی است که بر آن عبارات زیر خوانده‌می‌شود .  
 عمل مید علی بن کمال الدین آملی خفرالله ذنو بھا . در رودی  
 بقیه دولنگه است و کنده کاریهای ظریف دارد. بر لنگه سمت راست عبارات  
 زیر حک شده است:

الله مفتح البواب الله ولی النوفيق عمل استاد احمد بن نجار بن حسین

وبرایین لنگه سمت چپ:

فی التاریخ محرم سنہ سبعین وثمانماه

دروسط صحن بقیه حسنوقی کنده کاری ظریف مرقد امامزاده را پوشانده  
 این عبارات بر آن حک شده است:

چهارده حاشیه از صندوق آیات کلام الله مجید است. در دو حاشیه  
 وسط بدنه شمالی عبارات زیر است:

قال النبي صل الله عليه وسلم الدنيا مرحلة الآخرة صدق يا رسول الله

۱۲۷- J. de Morgan: Mission scientifique en Perse, Etude Geographique que T. I, p. 170, Fig. 73.

۱۲۸- ملکنوف من روی صفحات ۱۲۲-۱۶۲ در باره مازندران است.  
 ۱۲۹- سفارش نامه انجمن آثار ملی شماره ۳۹۰ ص ۴۰ و ۴۱- تاریخ مازندران ج ۲  
 ص ۴۳.

قال النبي صلى الله عليه وسلم الدنيا ساعة فاجعلها طاعة  
در حاشية بالای طرف شرقی صندوق :

صاحب هذه الصندوق المرقد المبارك الشريفة وهو اولاد رسول الله  
امامزاده معصوم عليه السلام .

ودر حاشیه پایین همین بدن :

فی التاریخ شعبان المعتظم سنة ثمان وثمانین وثمانمائه .  
ضریحی مشبك چوبین اطراف صندوق است .

در سال ۱۳۳۳ شمسی حاج محمد علی ایمانی ابن امامزاده را تعبیر و آنینه کاری کرد  
و آثار قدیمی آن را یکسره از میان برداشت .<sup>۱۲۱</sup>

عباس شایان بنای بقیه را مرقد امامزاده قاسم و برادرش حمزه فرزندان امام  
موسی الكاظم عليه السلام می داند و در باره آن می نویسد :

بنای آرامگاه امامزاده قاسم عبارت از مسجدی مربع مستطیل که  
در ورودی آن از طرف مشرق در قبرستان آستانه است و در بالای ابن در خشته  
از کاشی است که عبارت زیر بروی آن نوشته شده است .

عمل سید علی ابن سید کمال الدین آملی غفرانه ذنب بهما از طرف  
شرق منتهی می شود به در دوم که در مدخل بقیه امامزاده واقع است وابن  
در از شاهکارهای قرن نهم هجری است و دارای دولنگه می باشد .<sup>۱۲۲</sup>

در زیر لنگه طرف راست این عبارت حک شده است : الله مفتح  
الابواب الله ولی التوفيق عمل استاد احمد نجاشی بن حسین .<sup>۱۲۳</sup>

در زیر لنگه طرف چپ این عبارت خوانده می شود : فی التاریخ

۱۲۱ - شهر بابل ص ۶۵ و صفحات ۱۳۳-۱۳۸ . ۱۲۲ - جغرافیای تاریخی و اقتصادی  
مازندران تالیف شایان ج ۱ ص ۲۹۵ . ۱۲۳ - الله مفتح الابواب بر تکه بالای لنگه  
راست و الله ولی التوفيق بر تکه بالای لنگه چپ است و عمل استاد احمد نجاشی بن حسین  
در تکه پایین لنگه راست است و آقای شایان به اشتباه آنها در یک لنگه گنجانده است .

محرم سنه سبعین وثمانائه.<sup>۱۲۴</sup>

در وسط صحن صندوق تفیسی است که بدنه و اطراف آن گنده.  
کاری است وحاشیه آن با آیات قرآنی به خط نسخ اعلی حک شده است.  
و در تاریخ ۸۸۸ به دست استاد احمد نجار ساروی ساخته شده است .  
ضریح مشبک دیگری اطراف صندوق را گرفته است . در پهلوی این  
ضریح صندوق کوچک دیگری است که کار همان نجار و مورخ به تاریخ  
سابق است.<sup>۱۲۵</sup>

چند سال قبل آقای حاج محمدعلی ایمانی بنای این امامزاده را  
تعمیرات اساسی کرده است.<sup>۱۲۶</sup>

مشکوکی ثبت تاریخی این امامزاده را به شماره ۳۶۲ ضبط کرده و درباره آن  
می نویسد :

بنای امامزاده قاسم از ساختمانهای تاریخی است که متعلق به  
قرن نهم هجری می باشد . در این بقیه تاریخ سال ۸۹۰ هجری ثبت است .  
این بقیه که مدفن امامزاده قاسم فرزند حضرت امام موسی الکاظم است  
مشهور به بقیه آستانه است . این بنا شامل مسجد مسقف آجری و گنبدی  
هر می شکل می باشد . در زیر گنبد دو صندوق چوبی نفیس قرار دارد .  
صندوق اصلی به سال ۸۸۸ هجری است که به دست استاد احمد نجار  
ساروی ساخته شده است.<sup>۱۲۷</sup>

وضع کتونی بقیه امامزاده قاسم ازقرار زیر است :

بنای اصلی بقیه هشت ضلعی است . در هر ضلع یک طاقنما است . یک  
ردیف طاقنما در پایین و یک ردیف در بالاست . بالای طاقنماهای ردیف دوم را  
جمع کرده و گنبدی گرد بر آن زده اند . بنا از خارج نیز هشت ضلعی است و گنبدی

۱۲۴ - جغرافیای تاریخی و اقتصادی مازندران ج ۱ ص ۲۹۵ . ۱۲۵ - تاریخی بر

صندوق کوچک دیده نشد . ۱۲۶ - خرابکاری حاجی مرحوم پیش از تعمیر و آبادانی

است . ۱۲۷ - فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۳۶ .

کلاه درویشی به شکل هرم مثمن القاعدہ دارد. (عکس شماره ۱۱۶)  
 مسجد زیائی قدیمی منصل به بنای اصلی است که ابعاد آن  $۴۹۱ \times ۴۸۲$  سانتیمتر است. این بنای چهار گوش را با چهار گوشوار جمع کرده و بالای آن گنبدی بلندزده آند و پنجره‌های نور گیر مشبک چوبین زیر پایه گنبد تعبیه کرده‌اند. میان چهار گوشوار چهار کنج چهار طاق‌نمای است، به جای طاق‌نمای جنوبی دور روی مسجد و به جای طاق‌نمای شمالی در روی مسجد اصلی بقعه است. ازاره مسجد کاشی‌کاری و مسابقی جدارهای داخلی آئینه کاری است. سر در روی مسجد این مسجد را نیز آئینه کاری کرده‌اند. (عکس شماره ۱۱۷) در روی مسجد نوسازی شده و فعلاً دری است باور قنفه و تیرهای آهنین، عبارات زیر بر لنگه سمت راست است.

وقف آستانه امامزاده قاسم در بابل ۱۳۴۶ خورشیدی سازنده و بانی حاج مهدی رهروان و حاج عباس انبی نقش و قلم کاری از استاد ابراهیم استنکی.

عین این عبارت بر لنگه سمت چپ نیز نقر شده است. بلندی این در ۱۹۴ و پهنای هر لنگه ۶۲ سانتیمتر است.

دور روی مسجد اصلی بقعه از طرف مسجد، دری ظریف و پر کار است که بالای آن پنجره‌ای نور گیر مشبک بزرگ قرار داده‌اند. بر بالای این در، بر منن آئینه کاری که دور آن قاب سنگی دارد عبارات زیر نوشته شده است:

آئینه کاری مسجد امامزاده قاسم علیه السلام را حاج محمد علی ایمانی فرزند مرحوم محمد مهدی نمود در سال ۱۳۳۳ شمسی مطابق با ۱۳۴۷ قمری.

زیرا این کتبه آئینه کاری بر منن کاشی‌کاری عبارات زیر نوشته شده است:  
 کاشی کاری و تعمیر مسجد و امامزاده قاسم را حاج محمد علی ایمانی فرزند مرحوم محمد مهدی اصفهانی نمود در سال ۱۳۳۳ شمسی مطابق با سال ۱۳۶۳ قمری.

بر جدار خارجی سمت راست چهار چوب در روی مسجد اصلی بقعه که بلندی آن ۲۰۶ و پهنای

هر لنگه‌اش ۱۶ سانتیمتر است صلوات کبیر با خطی خوش حک شده است :

اللهم صل على محمد المصطفى وصل على على المرتضى وصل  
على فاطمة الزهراء وصل على حسن المجتبى وصل على حسین الشهید الکربلا  
وصل على على ذین العابدین وصل على محمد الباقر وصل على جعفر الصادق  
وصل على موسی الكاظم وصل على على بن موسی الرضا

بر جدار خارجی کلگی چهار چوب عبارات زیر است :

وصل على محمد النقی وصل على على النقی وصل على حسن .

المسکری وصل على محمد المهدی صاحب الزمان

بر جدار خارجی سمت چپ چهار چوب دنباله این عبارت چنین است:

و خلیفة الرحمن صلوات الله عليه وعليهما اجمعین و سلم تلیماً  
کثیراً کثیراً برحمتك يا ارحم الرحيمين وصل الله على محمد نبينا وآلله  
اجمعین الطیین الطاهرین قال النبي صلی الله علیه وسلم الدنيا ساعه فاجعلها  
طاعة قال النبي صلی الله علیه وسلم الدنيا مزرعة الآخرة صدق بالله رسول <sup>۱۳۸</sup>

کتبه العبد محمد

بر تنکه بالای لنگه سمت راست :

الله مفتح الابواب

بر تنکه پایین لنگه سمت راست :

عمل حسین بن استاد احمد نجار

بر تنکه بالای لنگه سمت چپ :

الله ولی التوفیق

بر تنکه پایین لنگه سمت چپ :

فی التاریخ محرم سنه سبعین وثمانیانه

ازاره داخلی حرم کاشیکاری است . بالای این ازاره کاشیکاری کتبه‌ای به این ترتیب

دور می چرخد:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم إله الاهوال حي القيوم - نا - على العظيم  
و صدق رسوله النبي الكريم و من ينفی الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث  
لا يحسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل  
شيء قدرًا.

بسم الله الرحمن الرحيم اذا جاء نصر الله والفتح - نا - ان كان  
توايا . بسی و اهتمام آفای حاج محمد علی ایمانی فرزند مرحوم محمد -  
مهدی اصفهانی کاشیکاری و تعمیر حرم مطهر امامزاده قاسم فرزند حضرت  
امام محمد تقی علیہ السلام در سال ۱۳۷۳ قمری مطابق ۱۳۳۲ شمسی پایان  
یافت کتبه محمد حبائی خوانساری .

بر دیوار صفة قبلی حرم:

طراح سید یحیی عمل حسین آ. ابراهیم

بر دیوار شرقی صفة جنوبي:

الله نور السموات والارض مثل نوره - نا - والله بكل شيء علیم  
صدق الله العلي العظيم سنة ۱۳۷۳ بسی و اهتمام حاج محمد علی ایمانی  
فرزند مرحوم محمد مهدی اصفهانی کاشی کاری و تعمیر حرم مطهر امامزاده  
قاسم فرزند حضرت امام محمد تقی علیہ السلام در سال ۱۳۷۳ قمری مطابق ۱۳۳۲ شمسی پایان  
یافت.

بر بالای در ورودی حرم از داخل ایيات زیر نوشته شده است :

بسمه تبارک و تعالى شأنه

این بهین بقعه به بابل که ندارد ثانی

بود سرتاسر آن در شرف ویرانی

شکر ایزد که شده بانی تعمیراتش

اشرف الحاج محمد علی ایمانی

سقف و دیوار و درش گشت بلوری چوبهشت  
 لیک با دفت و سعی و عمل طولانی  
 کرده گلدهسته و هم تکه و سفاخانه  
 جنب این بقعه بنا با کمعک بزدانی  
 لوحش الله بر این حاجی عالی همت  
 شادمان گشت ز کارش علی عمرانی  
 بیوش از پیش شتابند به این روضه کنون  
 شبیان پیوس و جوان بهر زیارت خوانی  
 بیزني حضرت حق در عرض این خدمات  
 داده بر بانی این کاخ جنان ارزانی

۱۳۳۴

در قسمت پایین آئینه کاری این عبارت خوانده می شود:  
 آئینه کاری یادگار سید محمد باقر  
 تا کنون در هیچ بنایی نام بانی تا این اندازه تکرار نشده تا چه رسد به نام تعمیر کننده  
 بنا، سنت اسلامی بر این جاری است که در بناهای عظیم کوچکترین یادی از بانی و  
 معمار و سایر هنرمندان که در آن بنا دست در کار بوده اند نشده است. عمل خیر و کرم  
 و گشاده دستی خود را نباید در گوش و کنار به چشم مردم کشید.

تونیکی می کن و در دجله انداز      که ایزد در بیابان دهد باز  
 صندوقی چوبین ظریف و پر کنده کاری در وسط بنای اصلی ، مرقد امامزاده را  
 پوشانده است. آیات و عبارات زیر برجدار شمالی آن با خطی خوش حک شده است:  
 بر حاشیه بالای بدنۀ شمالی:

بسم الله الرحيم يس والقرآن . تا . اغلا لا وهى الا  
 بر باره سمت چپ همین بدنۀ از بالا به پایین :  
 ذقان فهم مقصرون . تا . من خلفهم سدا فاغشناهم فهم لا يصررون

بر پایه سمت راست همین بدنه از پایین به بالا :

و سواء علیهم ءاندر تهم - تا - اتبع الذکر و خشی الرحمن

بر حاشیه پایین بدنه شمالی :

بالغیب فبشره بمحفرة - تا - فکذبوه ما فعززنا

بر حاشیه بالای جدار شرقی صندوق :

صاحب هذه الصندوق العزة المبارك الشریفه وهو اولاد رسول الله

اما مزاده معصوم عليه السلام

بر پایه سمت راست همین بدنه از پایین به بالا :

بثالث فقالوا انا اليکم - تا - وما انزل الرحمن

بر پایه سمت چپ همین بدنه :

من شیء ان انت - تا - اليکم لرسلوون و

بر حاشیه پایین بدنه شرقی :

ما علينا الا البلاغ - تا - منا عذاب

بر حاشیه بالای بدنه جنوبی صندوق :

الیم قالوا طائر کم معکم - تا - فطرنی والیه ترجعون

بر پایه دست چپ همین بدنه :

ءانخذ من دونه الیه - تا - شفاعتهم شيئاً ولا ينقذون

بر پایه دست راست و حاشیه پایین همین بدنه :

انی اذا لفی ضلال میین - تا - يا حسرة على العباد

آیات زیر بر جدار غربی صندوق حک شده است:

بر پایه سمت راست جدار غربی از پایین به بالا :

وما كنا منزلین انت - تا - يا حسرة على العباد

بر حاشیه بالای جدار غربی :

ما بأتیم من رسول الا - تا - انهم اليهم لا يرجعون

بر پایه سمت چپ همین بدنه :

وان کل لاما جمیع لدینا - تا - اخر جنا منها حجا

بر حاشیه پایین همین بدنه :

فمنه ياكلون - تا - فجرنا فيها من العيون .<sup>۱۲۹</sup>

صندوق چوبین کوچکی کنار ضریح امامزاده قاسم است . معروف است که زیر آن مرقد بانی اصلی بناس است .

#### مقبره فرشی

در محله آستانه بارفروش

در محله آستانه کنوی وزیر زنجیره بن سابق چهار دیواری است که مقبره چند نن از علماء در آن است : از آنهاست : سید حسن محقق بهشتی فرزند سید اسماعیل و مرحوم سید محمد باقر حاجی و مرحوم سید رسول صدرائی .

خانه میرزا علینقی ملک التجار

در محله زنجیره بن بارفروش (بابل)

ناصرالدین شاه در سفر نامه خود می نویسد :

از بناهای خوب که امروز دیدم خانه میرزا علی نقی ملک التجار

است .<sup>۱۳۰</sup>

این خانه امروز برجای است ولی در روزهایی که اینجا نب در بابل مشغول بررسی بود چندین بار بدانجا مراجعت کرد . دوقفل بزرگ آهینین بر در خورده بود و می گفتند صاحب آن در تهران است . سر در گچ بری آن تا امروز باقی است (عکس شماره ۱۱۸) اما بواسطه بالآمدن سطح کوچه تا سکوهای آن در خاک فرو رفته است . با غ اطراف این ساختمان وسیع و شامل بناهای اطراف بوده است که فعلاً ساختمان ملک .

۱۲۹ - سوره یس ۳۶ ، آبات یک تا سی و چهار . ۱۴۰ - سفر نامه ناصرالدین شاه

ص ۲۳۳ و شهر بابل ص ۳۰ و تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۹۳ .

التجار در یک چهار دیواری محدودی باقی مانده است. از بام همسایه از ساختمان موجود عکسی نگرفته شد. بنایی است دوطبقه از آجر که طاق درها و پنجره های آن هلالی است لبه بام از خارج دارای دو چکش گردان و یک پشتہ است. بام آن تا امروز سفالپوش است. (عکس شماره ۱۱۹) در نزدیکی این خانه دلان نسبه تنگ با دری کوچک است که به نام «دلان ملک» یا «کوچه ملک تنگ» معروف است (عکس شماره ۱۲۰).

### دو کنیای قدیمی در یهودی محله بابل

کنیایی که امروز (سال ۱۳۵۶ شمسی) در آن عبادت می شود به نام کنیای خشنود است. اطافی است چهار گوشه که وسط آن سکونمانندی بلندتر از کف اصلی ساخته اند. بالای این سکونمندی قاب و آلت کاری است که تورانی قدیمی به شکل طومار در آن نگهداری می شود. چهار طرف این سکون نیمکت و جای نشستن عبادت کنندگان است.

کنیای دیگری متصل به این کنیا است که امروز از آن استفاده نمی شود.

### مسجد پیر علم - مسجد مراد بیگ در محله پیر علم یا محله مراد بیگ بابل

در محوطه میدان پیر علم نزدیک تکیه، مسجدی است که در سال ۱۳۴۷ شمسی حاج محمد علی ایمانی بانی تجدید بنای آن شده، بنای قدیمی را از میان برده و در ضلع شرقی حیاط محرابهای نوساز و ضلع شمالی آن آبدارخانه و منزل خادم ساخته است.

### تکیه پیر علم یا تکیه مراد بیگ در محله مراد بیگ بابل

بنایی است که نمای آن سه پنجه بزرگ چوین است که هر کدام چهار لنگه

۱۴۱- این مراد بیگ برادر کاظم بیگ سابق الذکر است.

دارد لب بام دارای دو چکش گردن و یک پشه است. سقف بنا نیرکشی و تخته گوبی است. علمی در جلو تکیه است که بر حاشیه اطراف دایره وسط، نامهای چهارده مخصوص حک شده و وسط این نامها دو «یاعلی» کنده شده است. وقفهای متعددی به بازوهای علم زده اند (عکس شماره ۱۲۱). صندوقی مخصوص نذورات نزدیک علم بر دیوار نصب است. بر فضای قسمتی از میدان سققی بلند و آهنهای زده اند. این قسمت نیز از نوسازیهای حاج محمد علی ایمانی است.

### مسجد گلشن در محله گلشن بابل

در حاشیه دریای خزر به مسجدها و حمامهایی که به نام «گلشن» معروفند زیاد برخورده ام. این مسجدها و حمامها ظاهراً در زمان صفویان به دستور ساخته شده اند. مسجد گلشن بابل نیز یکی از آنهاست. این مسجد پکره نوسازی شده است و از آثار قدیمی آن گلده است که مادن آن خراب شده و سر پوشش ندارد.

### مسجد پنجشنبه بازار - مسجد حاجی میرزا هدایت در محله پنجشنبه بازار قدیم

شامل جیاطی است تقریباً مربع شکل که طرف قبلی آن محرابه مسجد است. دو فیل در وسط صحن محرابه است. سقف مسجد نیرکشی و لمبه گوبی است. در طرف شمال جیاط نیز اطاوهایی است که جلو آنها دو پنجره بزرگ ارسی است. طرف شرق و غرب نیز بنا و ساختمان و آبدارخانه و سایر لوازم است. این مسجد دارای دو گادسته است. (عکس شماره ۱۲۲)

### تکیه پنجشنبه بازار در محله پنجشنبه بازار قدیم

بنایی است قدیمی از آجر و پنجرهای بلند چوبی با جامهای شبیه.

## تکیه او جاین با یاک گلادسته (عکس شماره ۱۲۳)

طبقه بالا شامل سه بنجره بزرگ با جامهای شبیه است. در دو طرف این قسمت دو در بزرگ است که قسمتهای میانین آنها باز و بسته می‌شود. طبقه زیرین شامل دو راهرو در طرفین و اطاقی بزرگ در وسط و علمی در جلوهایین اطاق سمت چپ در ورودی، بر دیوار تکیه کرده است.

این ابیات و نامها در دو طرف این در ورودی بر کاشی نوشته شده است:

۱۲۴۸ شمسی

۱۳۸۸ قمری

ای شیعیان بزم عزا یاد مانگند

غفران ما همیشه طلب از خدا کنید

ما هم غلام درگه این شاه بوده ایم

اکنون همه بزیر لحد ارمده ایم

پیر مردان تکیه او جاین

کربلاطی حسین آقالری، مشهدی غلام بزدانی، سید محمد انتظاری،  
سید محمد ناظری، سید احمد امیر بندر، سید محمد امیر بندر، مشهدی ملا  
یحیی خبلی اف، حاجی طبرستانی، حسین طبرستانی، حاج ابراهیم  
طبرستانی، حاج مهدی بابا پور.

نام آخری در شش خشت کاشی و نامهای دیگر هر یک در یک خشت  
کاشی نوشته شده است.

مسجد بیسر تکیه

در محله بیسر تکیه با بل

شامل حیاطی کوچک است که محرابه مسجد در ضلع جنوبی آن است. وسط  
صحن محرابه، شش فیلپای شش ضلعی آجری است و طرف شرق آن قسمت زنانه

است که متصل به صحن محرابه مسجد است. این مسجد گالسته‌ای زیبا دارد (عکس شماره ۱۲۴).

مسجد محمدثین = مسجد شیخ‌گبیر  
در محله طوقدارین (توضیح‌دارین) بارفروش

مسجد محمدثین شامل حیاطی بزرگ است که در جانب جنوبی آن محرابه مسجد است. در ازای محرابه سی منار و پهنانی آن هفت منار است. این مسجد بخلاف ملا نصیرا ساخته شده است و گور خود او در حیاط همین مسجد است. بر بالای محراب آن سه کتبه‌گچ برقی بدین شرح است:

کتبه اول:

عمل محمد هادی فزوی

در قسمت بالای وسط محراب :

شهر شعبان النبی ۱۱۳۶

کتبه‌ای که پایین نر از این دو قرار می‌گیرد :

لقد امر الشمس الخفی خاتم المقصومین بناء هذا وسماه بمسجد  
المحدثین کتبه العبد نعمت الله این الجعفر<sup>۱۲۲</sup>

عبارت قسمت آخر کتبه بادآور این امر است که قبله این مسجد باهیج محاسبه‌ای راست در نظر آمده است. ملا نصیرا در عالم شهود یا در عالم خفا حضرت ولی عصر امام زمان را دیده و او دستور ساختن محراب را به وضع موجود داده است و ظاهرآ نام این مسجد را نیز امام زمان بدان داده است.

این مسجد تقریباً خراب شده بود و آفای علی حقوقی آن را تعمیر و مرمت کردند.

مقبره ملا نصیرا و مقبره آقا شیخ محمد حسن معروف به شیخ گبیر  
در مسجد محدثین در محله طوقدار بن بارفروش (بابل)

طرف غربی حیاط مسجد محدثین دو اطاق متصل به یکدیگر است. اطاق عقب  
چهار گوش است و در هر جدار آن یک در ورودی و دو طاقچه در طرفین آن است.  
ضریحی مشبك در وسط این اطاق گور ملا نصیرا را پوشانده است. بر گور و ضریح  
او هیچ گونه نوشته‌ای ندیدم.

اطاق دیگری متصل به اطاق مقبره ملا نصیرا است که در آن آقا شیخ محمد  
حسن معروف به شیخ کبیر به خاک سپرده شده است. منگی ساده بر گور اوست و  
نوشته‌ای ندارد.

ناصرالدین شاه در سفر نامه سال ۱۲۹۲ قمری خود درباره این مردم نویسد:  
شیخ محمد حسن مردی آسوده فهیم معروف به شیخ کبیر است.  
رفتیم خانه شیخ محمد حسن. در آن حین که من آنجا بودم شیخ را تبا  
لرزی شدید گرفت.<sup>۱۴۳</sup> شیخ کبیر از مخالفان مشروطیت ولی مورد احترام  
بسیار بود.<sup>۱۴۴</sup>

این مقبره را آقای علی حقوقی همچون مسجد محدثین مرمت کرده است.  
در ایوانی که جلو اطاق مقبره ملا نصیرا و اطاق مدفن شیخ کبیر است کتبه‌هایی  
به این شرح دیده می‌شود:

انافتختنا لک فتح‌آمیننا ۱۲۹۵ - عمل رمضانعلی نوائی حرره عباس

۱۲۹۵

<sup>۱۴۳</sup> - سفر نامه ناصرالدین شاه به قلم خودش ص ۲۲۲ به نقل از شهر با بل ص ۵۲.

<sup>۱۴۴</sup> - شهر با بل ص ۵۲.

قبر حاجی ملا محمد علی بارفروشی معروف به حضرت قدوس  
در مدرسه زکی خان در محله حصیر فروشان بارفروش

حاجی ملا محمد علی بارفروشی معروف به «حضرت قدوس»، کسی است که بیت هزار بیت شرح بر «الله الصمد» نوشته است<sup>۱۴۵</sup> این مرد پس از تسليم شدن در قلعه طبرسی (۱۲۶۵ھ.ق) اورا به سبزه میدان آوردند و در آنجا مثله کردند. پس از قتل در مدرسه زکی خان دفن کردند.

مدرسه مذکور در حدود سال ۱۳۱۰ شمسی از طرف وزارت فرهنگ تجدید بنا شد و در آن دبستان دولتی دایر گردید. یکی دو سال بعد دکتر اسدالله شریف که مستسب به مذهب بهایی بود، دبستان مذکور را از اداره فرهنگ گرفت و در عوض مکان فعلی مدرسه هفدهه دی (واقع در خیابان امام) را که دارای ارزش بیشتری بود به فرهنگ واگذار کرد. مدرسه زکی خان اکنون صورت منزل به خود گرفته و محل سکونت است. حیاطی است نسبه وسیع و مشجر. در ورودی فعلی در جنوب خانه و در گوچه ابراهیمی است و در ورودی سابق آن در غرب و در گوچه حصیر فروشان بود. حجره های قدیمی که دور نادور حیاط بود، هنگام ساختمان دبستان، از طرف اداره فرهنگ خراب شده است. فعلاً در قسمت شرق و جنوب ساختمانی وجود ندارد. ساختمان سمت مغرب شبیه انبار است. عمارت اصلی که مرکب از چند اطاق و مهتابی زیبا است در قسمت شمالی واقع شده است. هیچگونه اثری از قبر حاج ملا محمد علی بارفروشی دیده نمی شود و ظاهر آکسی نمیداند که قبر مذکور در کدام نقطه خانه فعلی بوده است. آثار و نوشهای او در بریتیش میوزیوم لندن است.<sup>۱۴۶</sup>

۱۴۵- نقطه الکاف ص ۱۳۹ به نقل از شهر بابل ص ۵۱.

۱۴۶- این آثار به شماره ۵۱۱۰۳-۰۵۰۰ است. مطالب بالا از کتاب شهر بابل ص ۵۱ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ نقل شده است.

حمام خان «کوچک»  
در محله مسجد قهاریه

بانی این حمام قدیمی حسن خان پسر قهارقلی خان بوده است که پدر بزرگ شهریار پور امروزی است. این حمام قدیمی نوسازی شده و از آثار قدیمی آن چیزی بر جای نبود.

در سلا قهاریه  
در محله مسجد قهاریه

در سال ۱۳۱۲ ه. ش. که به امر رضاخان بازار باز فروش خراب شد، این مدرسه نیز از میان رفت. مقداری از اراضی آن در «دبستان بدر» امروز باقی است.

مسجد قهارقلی خان  
در محله مسجد قهاریه با بل

شامل حیاطی کوچک است و محرابه مسجد در جنوب این حیاط است. سه پنجره بلند و عریض جلو مسجد است. این مسجد اخیراً تعمیر و تجدید بنا شده است.

مسجد چاه زمین  
در محله چاه زمین

مسجد کوچکی است. آثار تاریخی در آن دیده نشد.

اما مرا اده عبدالله  
در محله چهارشنبه پیش

این بنایه در خیابان شاهپور کنونی جنب درمانگاه شماره دو است، به دست آفای نقی تجدید بنا شده و آثار قدیمی آن از میان رفته است.

مقبره شهداء

در چهار راه شهداء امروزی

مقبره کوچکی بود در زمان نوسازیهای رضاخان به سال ۱۳۱۲ ه. ش. در وسط

چهارراه واقع شد و از میان رفت.

هفت تن یا هفت ننان  
در اراضی علیدار بابل (بارفروش)

بنای بقیه از آجر و قدیمی است. در وسط بنای اصلی هفت قبر بهلوی یکدیگر است. بالای این گورها یک متر از سطح زمین بلندتر است و در ازای آن حدود هفت متر است. ظاهراً این محل گورهای هفت پسر ویشناسپ جلالی است که در جنگ با میر کمال الدین بن میر قوام الدین کشته شدند. ملگنوف نیز از هفت ننان یاد کرده است.<sup>۹۷</sup>

آقای مهدی فضل الله زاده مقبره‌ای خانوادگی بهلوی بنای هفت تن دست و پا کرده و ظاهراً دستی به سرو گوش بنای اصلی کشیده است این اشعار بر حشت‌های کاشی است که بر دیوار شمالی بقیه نصب شده است:

بسم الله  
چه خوب این آستان را کرد تعمیر  
ز نو مهدی فضل الله زاده  
در بغا در جوانی رفت ناکام  
ز ساقی اجل نوشیده باده  
حبيب الله باش با دو صد غم  
چنین رعنان جوان از دست داده  
هزار و سبصد و هفتاد و شش دان  
بود تعمیر این دار العباده  
زهی بر همت والا بانی  
چه نیکو یادگار از خود نهاده

۹۷- برای شرح ویژگی در باره پیران ویشناسپ و جنگ میر کمال الدین با ایشان به تاریخ طرسان و رویان و مازندران میر ظهیر الدین چاپ عباس شابان صفحات ۲۶-۲۶ نگاه کنید.

جواد بیزني گوید که الحق

در جنت بروی خود گشاده

مرداد ماه ۱۳۳۵ شمسی

کافر کنی

در اراضی علمدار بابل

در جنوب بقعة هفت تن ، کتی بلند و درازی است . بلندی آن میان ده تا پانزده  
متر است . اراضی بالای آن را چون افراد ضبط کرده و به باستان تبدیل کرده بودند ،  
درست دیده نشد و نشوانتیم و سعی سطح بالای آن را حدم بزیم . مردی به نام  
عباس گرجی زاده کوره آجرپزی در این تپه احداث کرده و مقداری از اراضی آن را  
خراب کرده و خشت زده است . دیری نخواهد گذشت که این تپه قدیمی از میان برود .

آرامگاه یا قبرستان شهر بابل

در شمال غربی شهر نزدیک دروازه قدیم شاهی

بانی خبر این گورستان حاجی محمد تقی معتمدی است که در سال ۱۳۲۱ شمسی  
این اراضی را وقف گورستان شهر بابل کرده است . بر بالای در ورودی آن نوشته  
شده است :

بسم الله الرحمن الرحيم ان علينا ابابهم ثم ان علينا حسابهم هو الذى  
يحييكم ثم يعيتكم ثم يحييكم ثم الیه ترجعون بانی این فبرستان عمومی  
ال الحاج محمد تقی معتمد المازندرانی غفرانی ۱۳۶۱ قمری ۱۳۲۱ شمسی .  
مسجدی به نام مسجد «چهارشنبه پیش» در اراضی آرامگاه است .

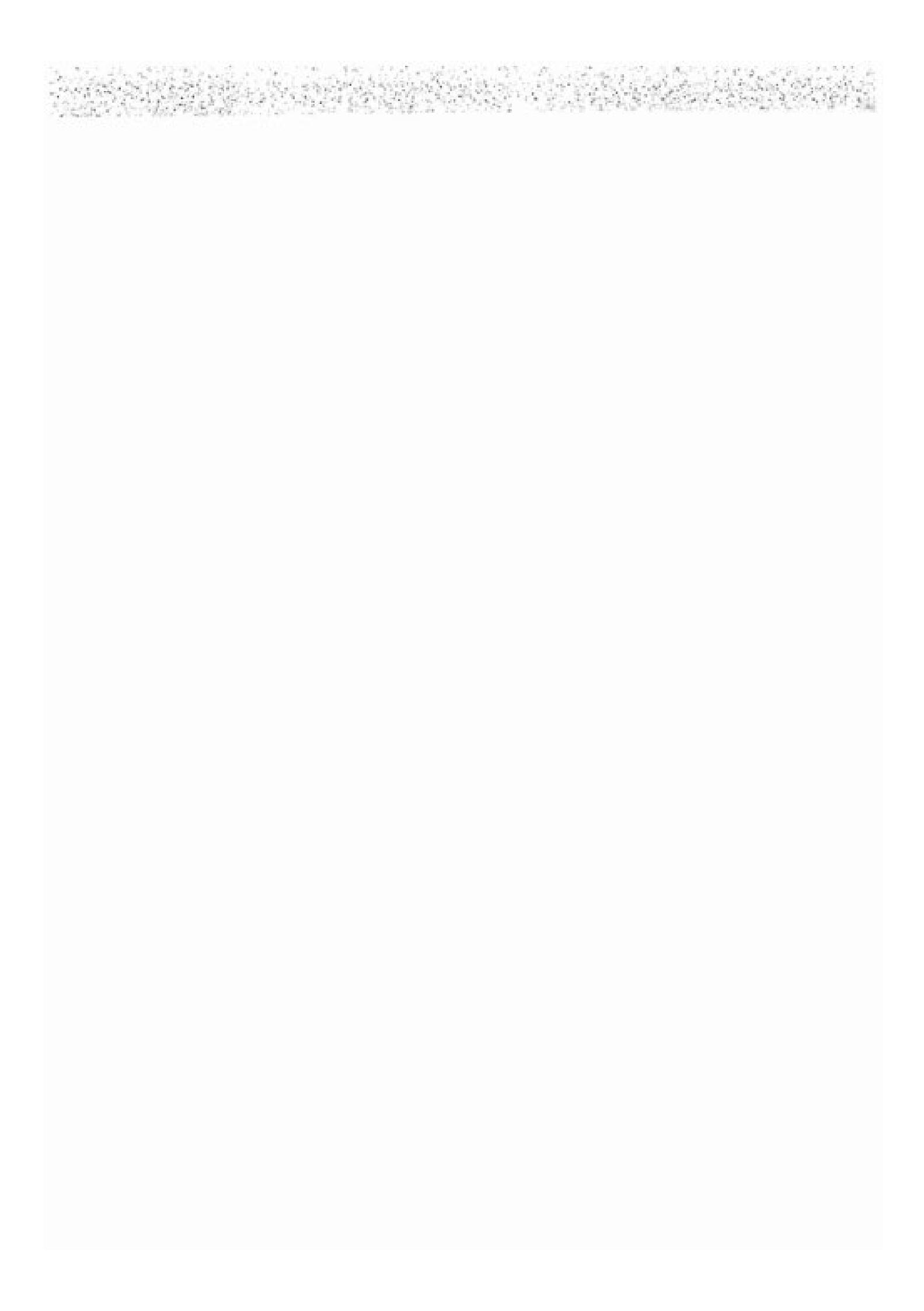
باقي بنایها و آثار تاریخی شهر بارگوش

۱ - در پیش ناج الدین پشت شهرداری نزدیک مدرسه حافظ .

۲ - امامزاده یحیی در کاسه گر محله پشت اداره پست کنونی .

۳ - مسجد ضرایب در محله طوقدار بن (توغ دار بن) کوچه ضرایب ، مسجدی قدیمی

- بود که حاجی ایمانی و دیگران نوسازی کردند و آثار قدیمی آن را از میان برداشتند.
- ۴ - مرقد عبدالمعصوم در محوطه‌ای نزدیک تکیه باقی ناظر.
- ۵ - از مسجد رحیمه که ملگنوف از آن یاد کرده است اثری نیافرمت.
- ۶ - مسجد قدیمی محله نفیب کلارا خلاهرا دکتر طهماسبی تجدیدبنا کرده است.
- ۸ - کاروانسرای سید ذبیح الله طبری در اول محله چهارشنبه پیش بابل امروز مقداری از اراضی آن خانه‌های مسکونی و باقی محل توقف مائبن شده است و طرح اصلی خود را از دست دارد.
- ۸ - گوچی یا تپه جنید نزدیک شهر بابل.
- ۹ - کاروانسرای پلنگ در شهر بابل.
- ۱۰ - در پیش علم بازی در بازگیر کلاکه از راه آرامگاه به آنجا می‌توان رفت.



## ۳- بناها و آثار تاریخی مشهدسر (بابلسر)

شامل نواحی: روذبست و پازوار و بانسر

مختصری از جغرافیای طبیعی با بلسر  
مشهدسر (بابلسر) و تقسیمات آن

بابلسر شامل سه ناحیه روذبست و پازوار و بانسر است.

روذبست در جنوب بابلسر و مغرب راه بابلسر به بابل است و نهاده‌گدۀ آن از شاخه‌های نهر کاری و رود بابل مشروب می‌شود و دهکده‌های مهم آن: کله بست<sup>۱</sup> و گاوزند محله و کاری کلا و اوچاکسر است.

پازوار در دو طرف جاده بابل به بابلسر است و هفده دهکده به این نام خوانده می‌شوند. دهکده‌های مهم این قسمت: امیر کلا و احمد کلا و فوکلا و سر حمام است. بانسر (بعض سین) در شمال شهر بابل است و از طرف شمال به حومه بابل و از جنوب به ناحیه بیشهسر و از مشرق به روذخانه تالار و از مغرب به روذخانه بابل محدود می‌شود. آب دهکده‌های این ناحیه از شاخه‌های تالار و بابل رود است. دهکده‌های مهم آن: بهنمير<sup>۲</sup> و ازیزک<sup>۳</sup> (عزیزک) و خردمرد<sup>۴</sup> و روشندان است.

- ۱- بضم سین، در فرهنگ جغرافیای ایران با صادر ضبط شده است. ۲- بفتح کاف و سین.  
۳- بکسر باء و فتح نون. ۴- بفتح الف. در فرهنگ جغرافیای ایران با عین ضبط شده است. ۵- بضم خاء و سکون راء و کسر دال.

**مشهدی سر (— با بلسر) از نظر ابت در سال ۱۲۶ هجری**

ابت از بارفروش (بابل) به مشهدی سر (= با بلسر) رفته و مطالی را که بادداشت کرده است از این قرار است :

از بارفروش به مشهدی سر فتیم که بندری در مصب بابل رود است،  
کالاهایی که از راه دریا می‌آید در مشهدی سر پیاده می‌کنند و از آنجا به  
بارفروش می‌برند. در دو میلی بارفروش به حمزه کلا رسیدیم و انتهاي  
فاصله چهار میلی به امیر کلا آمدیم. قصبه ایست که دکانهای زیادی دارد.  
اینجا جمعه بازار است. در فاصله پنج میلی به بازار رسیدیم که ملک حاجی  
میرزا آقاسی است. این صدراعظم بیست و پنج دهکده در مازندران دارد.  
از بازار به مشهدی سر وارد شدیم که دوازده میل فاصله از بارفروش دارد.  
صد و بیست خانوار در مشهدی سر ساکن هستند و خانه‌های ایشان پراکنده  
نزدیک مصب بابل رود ساخته شده است. مشهدی سر تنها بندر مازندران  
است اما بندرگاه ندارد. کشتیها در مصب رودخانه لنگر می‌اندازند و کالاهای  
را با کرجی حمل می‌کنند.

محمد حسن خان اعتماد السلطنه درباره مشهدی سر می‌نویسد:

ابن مکان را مشهدی سر به این جهت می‌نامند که رأس بارك امامزاده  
ابراهیم بن موسی الكاظم ملقب به ابو جواب در این مکان مدفون است.<sup>۲</sup>  
اعتماد السلطنه گمان کرده است که «مشهدی سر» به معنی مدفن سر است و توجهی به  
ترکیب زبان طبری نکرده است که اگر منظور نام گذار چنین بود، باید بگوید «سری  
مشهد». کلمه «سر» با بسیاری از نامهای جغرافیائی این صفحات ترکیب است و به  
معنی محل و جای و کانون است. در کلمات «سخت سر» و «رو در سر» و «گچ سر» کلمه

۶— Abbot , K. E : Narrative of a Journey from Tabriz along the Shores of the Caspian sea to Tehran PP. 43, 44.

۷— مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۹.

سر به معنی سر در مقابل پای نیست.

## ۲- بناها و آثار تاریخی بابلسر و اطراف آن

### قلعه مشهدسر (بابلسر)

ملکنوف از قلعه مشهدسر یاد کرده و محل آن را در بالای تپه می داند . ظاهراً این قلعه در حوالی تپه‌ای که آستانه امامزاده ابراهیم و بقعه بی بی رقیه بر آن ساخته شده است قرار داشته و چنانکه او می نویسد به دست استنک رزینه ویران شده و آثار آن از میان رفته است .<sup>۶</sup>

### گوئی خرد مرد<sup>۷</sup>

تپه بزرگی که در اراضی این دهکده است باید از آثار تاریخی دانست .

### بنای قدیمی

### در کالا عرب خیل<sup>۸</sup> بابلسر

سرراه بابلسر به بهنامیر که به طرف مشرق بابلسر می رود در اراضی کالا عرب - خیل آجرهای قالب بزرگ نظیر آجرهای دوران ساسانی از زیر خاک بیرون می آید .

### مسجد حاجی گریم

در دهکده امیر کلا از دهکده های پازوار مشهدسر

بنای مسجد قدیمی به نظر نرسید . بر بالای محراب آباد و عبارات زیر گچ بری

شده است :

- نسخه عکسی ملکنوف حدود ۱۸۳۰۰ الف. نام استنک رزینه به روی Stenki Razina است .
- بضم خاء وفتح ميم ، ده از دهستان بانصر بخش بابلسر شهرستان بابل ۱۰ کیلومتری شمال بابل دو کیلومتری شرق راه بابل به بابلسر (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۳) .
- کالا عرب خیل ، ده از دهستان حومه بخش بابل شهرستان بابل ۹ کیلومتری بابلسر کنار راه بابلسر به بهنامیر (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۳) .

الله جل جلاله  
بسم الله الرحمن الرحيم  
محمد رسول الله على ولی الله  
قل هو الله أحد الله الصمد لام يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً أحد  
حسن وحسين ۱۳۴۵ فاطمه

برحاشیه دو طرف :

با معطی المثلات - با محبب الدعوات - با ولی الحسنا -  
یار افع الدرجات - یا غافر الخطیئات - یا عالم الحقیقات  
تکیه‌ای نسبه قلبی نزدیک همین مسجد است .

مسجد و حمام و تکیه  
در دهکده امیرکلای بازار

ناصرالدین شاه در باره دهکده امیرکلای و تکیه آن می‌نویسد :  
ده امیرکلای در دست شیخ الاسلام بارفروش (بابل) است عجب  
ده معتبر بزرگی است . بقدر نیم فرسنگ طول ده بود . خانه‌های سفالی  
خوب خوش اسلوب و مساجد و حمامهای مرغوب داشت . نکیه آجری  
خوش طرح عالی در آنجا دیدم خیلی منماز .<sup>۱۱</sup>

تکیه‌ای که ناصرالدین شاه از آن یاد کرده است ظاهراً تکیه‌قدیمی نزدیک مسجد  
چهل ستون است . این تکیه را نوسازی کرده بودند و مسجد چهل ستون امروز هم  
چهل ستون چهارترانش ناصیح داشت . حمام قدیمی این محل هم تجدیدبنا شده بود .

بقعلاً کریم و رحیم  
در اراضی دهکده مقری کلای از دهکده‌های بازار

بنائی است ساده با ایوانی در جلو و دو طرف آن ، این ایوان در سه جهت

۱۱ - سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۵۷ .

هشت ساله چهارسو دارد. به بام یک شبرسر و یک پشته دارد. سراسر بام سفالپوش است.

سروی کهنسال در اراضی گورستان بقعه است که گردانگرد تن آن ۱۶۰ سانتیمتر و بلندی آن به ۲۴ متر می‌رسد (عکس شماره ۱۲۵).

#### دین سر ۱۲

نزدیک بقایا کریم و رحیم در اراضی مقربی کلا

تپه بزرگی کنار رودخانه نزدیک این بقعه است. بلندی آن در حدود ده متر و سطح بالای آن در حدود سه هکتار است.

#### کوت دین

تپه دیگری که کوچکتر از تپه دین سر است. کنار جاده اصلی بابل به بابلسر قرار دارد که به نام «کوت دین» معروف است.

#### قلعه بازوار

سرراه بابلسر به بابل (بارفروش)

میان کیلومتر هشت و نه این جاده کوتی بزرگی بود که بر اثر ساختن جاده در زمان رضاخان بیشتر خاکریز آن از میان رفت و امروز مقدار کمی از آن باقی مانده است.

#### تکیه‌ای قدیمی

در دهکده کله بست بازوار

قسمتی از تکیه به شکل قدیمی آن بر جای است. نمای خارج تکیه دارای سه جرز قدیمی است که بر آن گچ بری دارد. میان جرزها، پنجره‌های بلند نوساز است که ظاهراً به جای پنجره‌های قدیمی ارسی کار گذاشته‌اند (عکس شماره ۱۲۶).

بر بالای جرز سمت راست سنه ۱۳۲۷ قمری خوانده می شود . در طاقچه های داخل تکیه و در رفه ای بلند آن گچ بر بهای جالب دارد ( عکس شماره ۱۲۷ و ۱۲۸ ) . بر بالای جدار تکیه که متصل به آبدارخانه است ، پنجره ارسی است که قاب و آلتهای ظریف دارد . این پنجره تنها پنجره قدیمی است که به وضع اصلی خود باقی است . جلو تکیه سقانقاری قدیمی است که باید همزمان با خود تکیه ساخته شده باشد . قسمی اخیراً به سقانفار افزوده اند و آن را از حالت مربع به شکل مستطیل در آورده اند .

### آستانه ای امازاده ابراهیم ابو جواب

نخستین بار در کتاب تاریخ خاندان مرعشی مورخ ۱۰۷۳ از این امامزاده یاد شده است . مؤلف در این باره می نویسد :

نقل است که سید عزیز بابلگانی چون در شکارگاه در مجلس بهشت آین ( شاه اسماعیل اول ۹۳۰ - ۹۰۷ ) درآمد ، با موزه رفت بشیند و در وقت حرکت که به زانو درآید ، صدایی از موزه برآمد مثل ضرطه و باد که جدا می شود ، چنانچه کل حضار را تحقیق شد این معنی . نواب همایون به طرف دیگر التفات نموده ، در تکلم آمد و دیگران به تبسی خنی خود را نگاه داشتند . اما سید بغایت خجل و منفعل گشته ، در دل خود نذر کر اگر نوبتی دیگر این صدا از این موزه برآید و مردم را ظاهر شود برائت من از آن قباحت ، من آستانه ای امامزاده ابراهیم ابو جواب راوبند اصطلاح ما بین ساری و بار فروش ده را نیز بسازم . در حین نذر نواب همایون متوجه سید شده ، احوال مازندران پرسید . سید به حرکت آمده که سر فرو آورد که باز همان قسم صدا از موزه ظاهر شد به نوعی که حضار را رفع شبیه شده ، از آن ادعا نادم گشتند . اما نواب اشرف فرمودند که حقا تو سیدی از اعجاز حضرات بود که سر ظاهر شد که

تو از خجالت بیرون آئی . سید سر به سجده گذاشت ، شکر ایزدی و دعای پادشاه بجا آورده ، به عرض رسانید که حقاً بنده به صدق به این آستان ولایت نشان آمدهام ، حاشا که مرا شرمده و منفعل بگذارند .  
پادشاه از این جواب بسیار محظوظ شده ، سیدرا تحسین نموده ،  
به خلاص فاخره سرافراز ساخت .

اما چون سید به وطن رفت به فلز و فاکرده آن بندر را ساخت و به اسم او مشهور شد . اما آستانه را هر چند بنا نهادند در شب فرود می آمد .  
دانشمندان گفتهند که کسی عادل باید که مرتكب حرام نشده باشد تا آن بنای عالی بنهد تا فرود نیاید . سید مزبور که پیوسته پسران امرد متعدد داشتی و به امر لواطه مشهور بود ، گفت «بس به دست خود بنا گذارم با بینم چه می شود .» چون بنا گذاشت صباح به سروقش رفتند ، ثابت و قایم بود .  
مردم تعجب کردند . سید مزبور به غلاظ و شداد قسم یاد کرد که هر گز مرتكب افعال حرام از زنا ولواط فاعلاً و مفعولاً نشده ، بنده از ازار به حرام نگشودم . این پسران همه فرزند منند ، جهت زینت و آداب خدمت اینها را تربیت می دهم . براین امامزاده وجد او که به راستی به خلق آمده است ظاهر است و براین معنی شاهد . از مشاهده این حال واستماع این مقال تعجب منحیران زیاد گردیده واورا تحسین نمودند و آن بنا الان که سنه نثار و سبعین والف است موجود است .<sup>۱۲</sup>

در سفرنامه استرآباد و مازندران مورخ ۱۲۷۵ از این امامزاده با نام «آقامید ابراهیم ابو جواب» یاد شده و بادآور می شود که با خواهرش در بازار محاجه مشهود  
به خاک سپرده شده .<sup>۱۳</sup> ملکوف این امامزاده را به نام «ابراهیم ابو جواب بن امام موسی»  
خوانده و می نویسد که سید شمس الدین بابلکانی بقعة اورا ساخته است .<sup>۱۴</sup>

۱۲- تاریخ خاندان مرعشی ص ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ . ۱۳- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۱۱۲ . ۱۴- نسخه عکسی ملکوف ص ۸۳ ب .

در رمضان سال ۱۲۹۲ قمری ناصر الدین شاه این امامزاده را در سفر دوم خود به مازندران زیارت کرده و درباره آن می‌نویسد:

«به چمن احمد کلا الی محاذی امامزاده سلطان سید ابراهیم - برادر امام ثامن امام رضا علیه التحیة والثنا راندیم. در امامزاده پیاده شده زیارت کردم. گنبد مخروطی دارد. آقا الفقی خان - مباشر گمرک مشهد سر- مرمت گرده والا منهدم و خراب شده بود. صحن بزرگ بسیار خوبی دارد. بنای این گنبد خیلی قدیم است. چهار پنج در بزرگ و کوچک که از جیت نجاری و منبت کاری کمال امیازرا داشت دیده شد. تاریخ درها و شرحی که نوشته شده و به خط تعلیق خوب بود گفتم امین الملک خواند.

عبارة آن از این فراست:

در درب غربی نوشته شده:

امر هذه العمارة الشريفه سيد السادات سيد شمس الدين بن سيد عبد العزيز بن يابلکان في تاريخ جمادی الاولی سنة ثمان و خمسین و ثمانائمه عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی . في تاريخ ذی حجه سبع و خمسین و ثمان مائه.

باب شرقی که نسبت به سایر درها چندان اعتبار نجاری ندارد؛ صاحب الخیرات هذا الباب و العمارة المسمى به بی بی فضه خاتون بنت امیر ساعد عمل استاد حسن بن استاد بايزيد نجار رازی سن خمسین و سبعة مائه .

در ب شمالی که بهتر و بزرگتر از همه درها است:

امر هذا الباب العزار المبارك سيد عزير بن سيد شمس الدين معروف به بابلکان عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی في تاريخ شهر محرم احدی واربعین و ثمان مائه.

ضریح فلزی شبیه به فولاد از قدیم در مقبره امامزاده است.

خطوطی که براین ضریح محکول بود از این فراست:  
 اللهم صل علی محمدوآلہ و صل علی امیر المؤمنین و همچنین از  
 فاطمه علیها السلام الی قائم عجل الله فرجه . در هر کتبه ضریح منبت  
 کرده‌اند بر دیوار غربی بقعه ختنی از کاشی نصب است که تاریخ وفات  
 صدرا نام بر آن نفس است . این کاشی طبیعت چینی دارد با لعاب بسیار  
 شفاف خوب روی خشت سفید و خطوط سیاه است . در اطراف و حواشی  
 آن دعا نوشته و در متن ماده تاریخ صدرا است .  
 صدرا که جهان علم از او یافت بکام  
 از رتبه چون کرد صدر فردوس مقام

تاریخ وفاتش این رقم زد یعنی  
 گلزار بهشت جای او باد مقام ۱۰۴۴  
 کاشیهای از ازرهای گند هم کاشیهای معرفی بسیار خوب بود مثل  
 چینی بسیار اعلیٰ .  
 در بیرون گند پنجره کهنه بود به دیوار نصب کرده بودند . بر آن  
 پنجره عم شرحی نوشته بودند . در يك سمت ناد علیاً مظهر العجائب الی  
 آخر . در طرف مقابل عمل استاد محمود گیلانی بدون تاریخ . از قراری که  
 گفتند در مدفن امامزاده سلطان ابراهیم اختلاف است من جمله اعتقاد جمعی  
 براین است که این نقطه و بقعه مدفن سر امامزاده است وجسد مبارکش در قریب  
 ناجر کجور مدفون است .<sup>۱۶</sup>

محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در باره امامزاده ابراهیم می نویسد:  
 بقعة امامزاده عالی است . گند مرتفع کهنه‌ای دارد و آثار کهنه در  
 حوالی بقعة بسیار که پیداست . در پنجره بقعة چوب منبت بسیار اعلام است

و آیات قرآنی در آن نقش شده است. در یکی از درها منقور است که در زمان سلطنت شیخ عزیز نامی، پانصد سال قبل تقریباً این در ساخته و آنجا گذاشته شده است.<sup>۱۷</sup>

رایینو از دری دیگر باد می‌کند که کتبیه آن بدین ترتیب بوده است :

صاحب الخبرات هذا الباب وعمارة المسمة بي بي فضه خاتون  
بنت امير صاعد - عمل حسن بن استاد بايزيد نجار في التاريخ سنة خمس  
وتسعينائه كتبه نقى الأعلى - عمل على بن استاد اسماعيل نجار الأعلى المعروف  
برازى غفر الله عليهم اجمعين .

#### وضع فعلی بقیه امامزاده ابراهیم

ساختمان بقیه بنایی است هشت ضلعی با گنبدی کلاه درویشی که ساختمان مسجدی بزرگ با کفشهای کن و بنائی برای آبدارخانه با نظایر آن به آن افزوده شده است. در هر ضلعی از خارج دو طاقنمای بلند است که به جای کتبیه‌ای مستطیل شکل ختم می‌شود. بالای جای کتبیه‌ها در هر ضلع هشت قرنیس است (عکس شماره ۱۲۹).  
داخل بنای اصلی و برج رز مسجد گچ بربهای ظریفی است که در نوع خود بی‌نظیر است (عکس شماره ۱۳۰).

وضع امروزی درهای آستانه امامزاده ابراهیم بدین شرح است :  
بر درهای مسجد امامزاده ابراهیم که بلذی آن ۲۳۸۲ و پهنای آن ۸۲ سانتیمتر است عبارات زیر حک شده است :  
بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بانی هذه العمارة الشريفة عليا حضرت سيدة النساء<sup>۱۸</sup> بي فضه .

خاتون بنت امیر صاعد

۱۷- مرآت البلدان ج ۱ ص ۱۶۰ . ۱۸- رایینو در سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۲۱۴ نوشته‌های این در را نقل کرده و کلمه «النساء» را نخوانده است .

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

حرم سلطان الاعظم سلطان امیر شمس الدین طاب ثراه و جعل

الجنة مثواه

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

عمل استاد علی بن استاد فخر الدین بن استاد علی نجار کتبه احمد

ابن حسین سیاه پوش<sup>۱</sup>

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

نمت فی شهر محرم الحرام فی سنة ست و تسعماه هجرة النبیویه

علیه السلام (عکس شماره ۱۳۱)

هر لنگه شامل سه قسمت اصلی و دو بائو در طرفین است . در دو تنکه بالا و  
پایین و قسمت وسط قاب و گره است و در اطراف آنها حاشیه کنده کاری است . بر  
پاسارها و دو بائوی طرفین لنگه و بر دماغه و چهار چوب در کنده کاری است .

دری که به سجن حرم گشوده می شود

بلندی این در دولنگه ۲۴۸ و بینای آن ۸۹ مانیمتر است .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست عبارات زیر حک شده است :

امرهذه الباب المزار المتبرک من رضى الاعظم

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

سید عزیز بن سید شمس الدین المعروف ببابلکان

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

عمل استاد محمد بن استاد علی النجار الرازی

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

فی التاریخ شهر محرم سنة احدی اربعین وثمانیانه<sup>۲</sup>

۱۹- کلمه «سیاه پوش» را راینو نخوانده است . ۲۰- این کتبه در سفرنامه مازندران

داست آباد راینو ص ۱۹۷ ع و ۲۰۷ ع آمده است .

هر لنگه از این جفت در شامل سه قسمت اصلی است با دو پائو در طرفین .  
پائوی سمت راست و چپ کنده کاری است . در قسمت وسط قاب و گره و در بالا و  
پایین کنیه است (عکس شماره ۱۳۲) .

در بالای این در پنجره نورگیر مشبك بزرگی است . در زیر آن عبارات زیر  
حک شده است :

اللهم صل على الحسين صلوات الله عليه وعلبهم اجمعين كتبه نقى  
الآمنى عمل على بن استاد اسماعيل نجار الآمنى المعروف برازى غفرله  
برقسمت راست این خفنگ مشبك عبارات زیر حک شده است :

الشهيد المظلوم بكر بلا اللهم صل على على بن الحسين زين -

الغابدين في البقيع اللهم صل على محمد الباقر في البقيع اللهم صل على  
جعفر بن محمد

برقسمت بالای خفنگ :

الصادق في البقيع اللهم صل على موسى الكاظم في بغداد اللهم  
صل على على بن موسى الرضا في طوس اللهم صل على محمد النقى في بغداد<sup>۱۱</sup>  
برقسمت چپ این خفنگ دنباله صلوات چنین است :

اللهم صل على على النقى الهاذى في سامرہ اللهم صل على الحسن  
المسکرى في سامرہ اللهم صل على الخلفه الحجة القائم المنتظر [شکستگی  
دارد]

در غربی حرم

دری است دولنگه که بلندی هر لنگه آن ۱۷۹ و پهناوش ۴۹ سانتیمتر است شامل  
تنکه بالا و قسمت وسط و تنکه پایین ، بالا و پایین تنکه بالا دو پاسار و بالا و پایین تنکه  
پایین نیز دو پاسار است .

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

امرهذه العمارة الشريفة سيد السادات

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

والاشراف سید شمس الدین بن سید عبدالعزیز بابلکان

قسمت پایین لنگه سمت راست :

عمل استاد محمد بن استاد علی نجار رازی

قسمت پایین لنگه سمت چپ :

فی تاریخ ذوالحجۃ سنۃ تسع و خمسین و ثمانمائه هجریه<sup>۱۱</sup>

(عکسهاي شماره ۱۳۳ و ۱۳۴)

### در شمالی حرم

در طرف شمالی حرم نیز دری با کنده کاربهای ظریف است. منن دو لنگه هر لنگه با قسمت وسط در، قاب و گره است و بر بائوها و جهار چوب کنده کاری دارد.

بلندی هر لنگه ۱۷۸ و پهنایش ۵۱ سانتیمتر است.

این عبارات بر این جفت در حلق شده است :

بربالای لنگه سمت راست :

امرهذه العمارة الشريفة سيد السادات

بر بالای لنگه سمت چپ :

سید شمس الدین بن سید عبدالعزیز بابلکان

بر قسمت پایین لنگه سمت راست :

فی تاریخ جمادی الاول سنۃ ثمان و خمسین و ثمانمائه<sup>۱۲</sup>

بر قسمت پایین لنگه سمت چپ :

۲۲- این کتیبه در سفرنامه مازندران و استرآباد رایینو ص ۲۰ ع آمده است. خواننده کتیبه

کلمه ذوالحجہ را ذیحجہ خوانده است . ۲۳- منن این کتیبه در سفرنامه مازندران

واسترآباد رایینو ص ۲۰ ع آمده است .

عمل استاد محمد بن استاد على نجار رازی (عکس شماره ۱۳۵)

(۱۳۶)

دروسط حرم صنلو قی جوین است که این عبارت بر بدنه های آن حک شده است:

بر حاشیه دست راست بدنه شمالی صندوق :

امر هذه الروضة العيمون المبارك الشريف المنور المطهر المقدس  
سيد الاعظم سلالة السادات سيد مرتضى بن المرتضى الاعظم افخار آل طاهرا  
واباسين سيد شمس الدين ادام الله سيداتهما ابن سادات المرحوم سيد حسين  
كيا بن سيد عبدالله بن سيد على كيا ببابلکان طاب ثراهם عمل استاد فخر-  
الدين واخوه محمد بن على بن اسماعيل بن على النجار الاملی المعروف  
بالرازی فی تاريخ شهر رمضان المبارك سنة خمس تلیین وثمانیانه.

آیات و عباراتی که بر بدنه شرقی صندوق حک شده است :

بر بازوی سمت راست:

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا - تا - له ما في السموات

بر حاشیه بالای بدنه شرقی :

وما في الأرض من ذا الذي - تا - يحيطون بشيء من

بر بازوی سمت چپ همین بدنه :

علمه الا بما شاء - تا - وهو العلي العظيم

عبارات و مطالی که بر بدنه جنوبی صندوق حک شده است:

بر بازوی سمت راست:

اللهم صل على محمد المصطفى وعلى المرتضى و فاطمة الزهراء

و حسن الرضا و حسين شهید

بر حاشیه بالای صندوق:

بكر بلا وعلى بن الحسين زین العابدین و محمد الباقر و جعفر الصادق

وموسی الكاظم و علي بن موسی الرضا و محمد النقی و علي النقی و حسن

### الزکی العسكري و حجۃ القائم و خلف

بر بازوی سمت چپ بدنه جنوبی :

الصالح امام المستظر محمد بن الحسن المهدی صاحب الزمان

صلوات الله عليه وعليهم اجمعین .

احادیث و مطالی که بر بدنه غربی صندوق حک شده است :

بر بازوی سمت راست:

قال النبي صلی الله علیه وآلہ وسلم الا و من احب آل محمد امن

من الحساب العیزان

بر قسمت بالای همین بدنه :

والصراط الا و من مات على حب آل محمد فانا كفیله بالجنة مع

الانبياء الا ومن ابغض .

بر بازوی سمت چپ بدنه غربی :

آل محمد جاء يوم القيمة مكتوباً عينيه آیس من رحمة الله تعالى

صدق يا رسول الله

ضریح تقدیمی محمدرضا بهلوی اطراف این صندوق را پوشانده است در ازای

آن ۲۴۳ و بهنایش ۱۹۴ و بلندی آن ۱۹۹ سانتیمتر است که در آن صد منقال طلا و

.

دویست منقال نقره صرف شده است .

در صفة شمال شرقی حرم خشتی کاشی به دیوار است که اطراف آن صلوت

کبیر به این ترتیب نوشته شده است:

اللهم صل على النبي والوصى والبتول والسبطين والسجاد والباقي

والصادق والخاطم والرضا والتقوى والنعی والعسكری والمهدی هادی

صاحب الزمان صلوت عليه وعليهم اجمعین .

در متن کاشی ابن رباعی نوشته شده است:

صدرا که جهان علم از او یافت نظام  
از رتبه چو کرد صدر فردوس مقام  
تاریخ و فانش این رفم بحیی زد  
گلزار بهشت جای او باد دوام<sup>۲۴</sup>

بغضاً بي بي رقيه  
نژد يك هرقد امامزاده ابراهيم ابو جواب

ملگنوف این بقعه را به نام «بي بي سکينه» می خواند و تاریخ بنای آن را در  
۸۹۳ قمری ضبط کرده است.<sup>۱۵</sup>

بقعه بي بي رقيه بنائي است هشت ضلعی از آجر که در هر ضلع آن طاقنمائی با  
طاق جناغی است . سقف بنا از داخل گبدی و بام آن سفالپوش است . مسجدی متصل  
به بقعه است . در ورودی شمال بقعه کنده کاریهای ظریف داشت ولی بعد از بارندگی  
فرسوده شده بود و مطالب آن درست خوانده نمی شد . صندوقی ساده چوبین مرقد  
بي بي رقيه را پوشانده بود که ارزش هنری و تاریخی نداشت . این بنا در شمال غربی  
بقعه امامزاده ابراهيم در بابلسر است و بر تپه های شنی که مسلط بر دریاست ساخته شده  
است (عکس شماره ۱۳۷) .

#### چهل شهیدان

در دهکده بابل پشت ۶۶ مشهد سر (بابلسر)

ملگنوف از این مرقد یاد کرده و محل آن را در بابل پشت نشان می دهد<sup>۱۶</sup> بابل  
پشت شامل : یور محله ، پایین محله ، الله کله و بابل پشت است در تحقیقی که در این  
صفحات به عمل آمد نشانی از چنین مرقدی نیافتم .

۲۴- کلمات این مصraig به حساب جمل معادل ۱۰۴۶ هجری قمری است .

۲۵- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۲ ب . ۲۶- ده از دهستان پازوار بخش بابلسر  
شهرستان بابل ۲ کیلومتری جنوب بابلسر گنارراه بابل به بابلسر (فرهنگ جغرافیایی ایران  
ج ۳) . ۲۷- نسخه عکسی سفرنامه ملگنوف ص ۸۴ الف .

### دخلا سادات

در دهکده رود بست مشهدر (بابلسر)

در قصبه رود بست مقابل جامع، گنبد دخمه سادات است. کلاعی راکه به لهجه فصیح می گفت «آقول محمد رسول الله» و طغول برای شاه اردشیر فرستاده بود، بعد پانز سال زندگی در طبرستان بر در آن دخمه به خاک سپردند.<sup>۲۸</sup> از دخمه سادات در رود بست امروز اثری باقی نیست.

### امامزاده احمد

در رود بست مشهدر (بابلسر)

بنای این امامزاده نسبه قدیمی است. بنای بقعه و مسجد رویهم به شکل بنائی مستطیل است. ایوان قبلی آن دارای یازده ستون چهارسو است که سرستونهای آن نقش دهان از در دارد ولی برشی به آن نداده‌اند در غرب بنا ایوانی کوچک است.

### امامزاده حسن

در اراضی قادی محللا رود بست مشهدر

بر سر جاده‌ای که از دریاکنار (در راه بابلسر به فری کنار) به کله بست می‌رود طرف دست چپ جاده، در اراضی قادی محله بقعه‌ایست چهارگوش با بامی سفال‌سر، در محوطه‌ای باز که گورستان است. اثر تاریخی در آن دیده نشد.<sup>۲۹</sup>

### بقعه سید محمد

در فری کنار (فریدون کنار) بابلسر

بقعه سید محمد امروز به نام «آسونهسر» معروف است و در گورستان قدیمی است. بقعه‌ایست ساده‌که هیچگونه اثر تاریخی و هنری در آن دیده نشد. این بقعه

۲۸- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۵۶ . ۲۹- در نسخه عکسی ملکنوف ص ۸۳ الف از این امامزاده به نام تربت حسن در رود بست مشهدر باد شده است.

ظاهراً در زمان صفویان اهمیتی داشته زیرا در طوماری که نام منویان امامزاده‌های مازندران آمده به نام امامزاده سید محمد بر می‌خوریم که در فری‌کنار بوده و تولیت آنجا را اولاد درویش فضل الله و سید بهاء الدین داشته‌اند.

### مسجد قدیمی فری‌کنار

مسجد قدیمی فری‌کنار را در سال ۱۳۵۰ شمسی دیده بودم و کتبیه و قنایمه آن را رونویس کرده بودم. در سال ۱۳۵۶ در بازدید مجدد آن بنا را خراب کرده بودند و از نو ساخته بودند. این کتبیه شامل رقبات موقوفات مسجد است که ارباب محمود فری‌کناری (پدر خاندان بهرامی) وقف کرده است. مطالب آن بدین قرار است:

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله اول بلا اول كان قبله والآخر بلا آخر يكون بعد والحمد لله الذي من علينا بحبيبه محمد صلى الله عليه وآله دون الامم الماضيه وبعد حسب المقاد مصدقة كريمه انما الدنيا لعب ولهو وان الدار الاخرة لهي الحيوان از آنجائي که حیات مستعار دنبوي در گذر است و محل باقی در سرای دیگر است و خردمند را تحصیل توشه برای مکان ابدی تقديم در معرض لزوم است فعلیهذا ابتغاء لوجه الله وطلبًا لمرضاته عمدة الاعیان العظام آقا محمود ولد مرحوم آقا لرآقا فریدونکناری دو باب دکان در جنب مسجد بنیان کرده و کرایه هر دو باب را وسافع آن مفوض داشت بجهات مستحسنة مفصله بمسجد فلاجرم وقف مؤبد نمود تمامت این دو باب را بفرض حقاني و تولیت آن را موکول نمود بنفس خوبیش در مدام الحیات و بعده لاولاده بطنًا بعد بطن بتقدیم الذکر على الاناث وتقديم الاصلاح على غيره في كل البطن غير مؤتنین في انجاز امر الرفق و عمل بمقتضای آن مینمایند از قید تولیت خلع و انجاز امر موقوف و مفوض است بریش سفیدان و صالحان خیراندیش فری‌کنار که قبض منافع موقوفه نمایند و بمقتضای آن عمل نمایند و اگر اعقاب تغیر شیوه دادند و بشایستگی و صلاح پیوستند ایضاً عمل احرار

عمل وقف بایشان مرجع است اما تفاصیل مخارج مصروفه اولاً شش  
تومان برای اجرت مؤذن معین است و چهار تومان برای خادم مسجد والباقي  
وجه از بابت حضرت مسجد و ذوق غال که در مسجد ایام شنا صرف شود و هر چه  
باقیمانده بعد از روز شنائی در ید متولی امامت باشد تا هنگامی که مسجد را  
مخارجی نوچه کرد از بنائی وغیره یا دکان موقوف را خرجی لزوم یافت  
از هر قسمی باید متولی با آن جهات صرف نماید و اگر هم وجہی باقیمانده  
بواعظ مسجد و سایر وجوهات بره مع لحاظ عنوانات الشریعه مصروف  
دارد و منافع موقوفه هر قدر و هر مبلغ در رسیده دو عشر آن حصه خود متولی  
است در هر بطن که نصرف نماید وصیفه آن ب نحو المرقوم سمت جریان  
پذیرفت اللهم تقبل من الواقف بی محمد وآلہ وکان ذلك فی شهر ذی قعده  
ثمان حلت منه من شهر ۱۳۲۴

## صیفه

الامر كما سطر في الكتاب ووقع ما وقع من الواقف المؤيد من التفصيل  
المرقوم لدى اقل الطالب عبده احمد بن ابوطالب<sup>ؑ</sup> في ۱۳۲۴ [مهری  
با سجع : عبده احمد بن ابی طالب]

## حمام قدیمی فری کنار

حمامی قدیمی در فری کنار مورخ ۱۲۴۰ قمری بود که در بازدید سال ۱۳۵۶  
شمسی آن را خراب کرده بودند و حمامی نوساز به جای آن ساخته بودند.

## هکرده کل

در پل بهیر فری کنار میان آبندان و مزرعه قلاکوتی  
سفال و پاره های آجر در این اراضی زیاد است.

---

۳۰ - این مرد معروف به آقا میرزا احمد شاه کلاتی است که در جنب دهکده سرخ روود  
منزل داشت .

### خمسه بازار

در صحرای فریانکار طوف غربی رودخانه

در هرسال، چهل روز بعد از عید نوروز سلطانی، از ولایات برای داد و ستد در این صحراء می‌آیند که این صحراء وسیع‌هزار پراز آدم می‌شود و پنج روز بازار است که خمسه بازار می‌گویند و از جانب حاکم مازندران شصت و پنج نفر سواره و پیاده از جهت حرامت و نگاهبانی بازار موکل‌اند و شب تا صبح گردنش می‌نمایند که مبادا دزدی و یا دعوا و معركه بشود شخصی تعریف کرد که یک سال یک نفر تاجر از دست سه نفر زن‌کنان فروش مبلغ هشت‌صد تومن کنان مازندرانی خربد. از این قبیل زیاد اهل داد و ستد از هر صنف می‌آیند و این بازار شبیه بازار مکاریه است.<sup>۲۱</sup>

ملگنوف نیز از خمسه بازار یاد کرده و می‌نویسد: «در چمن‌زار مشهد مر چهل روز از عید گذشته این بازار برپا می‌شده است».<sup>۲۲</sup>

باقي بناها و آثار تاریخی با پسر و اطراف آن

۱- امامزاده بی‌بی خانون در دهکده روشنستان<sup>۲۳</sup> بانصر با پسر.

۲۱- سفرنامه استرآباد و مازندران ص ۱۳۱ و ۱۳۲. ۲۲- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۲ الف. ۲۳- روشنستان ده از دهستان بانصر بخش با پسر شهرستان با پل ۱۷ کیلومتری شمال شرقی با پل ۲ کیلومتری شرق راه فرعی کیا کلا به بهنیبر (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

### ۳- بناها و آثار تاریخی ناحیه جلال ازرك

مرقد درویش فخر الدین حاجی  
در موزی رج از دهکده های جلال ازرك

بنای بقعه درویش فخر از خارج استوانه شکل است که بر بالای آن حاشیه بر جسته ای از آجر است . بالای این حاشیه قرنسه های کشکولی سینه کفتری است . میان هر دو قرنس در بالا کاشیهای نیم دایره ای آبی رنگ کار کرده اند . بالای کاشیها کتیبه ذندانه ای دایره ای و بالای این دایره ، هشت ضلعی است . بالای این هشت ضلعی بامی هرمی شکل مثمن القاعده است . بالای هر بک از اضلاع هشتگانه مربعی از کاشی کاری است ( عکس های شماره ۱۲۸ و ۱۳۹ ).

بنا از داخل دایره ایست به قطر ۴۶۵ سانتیمتر . در ورودی شرقی است در طرف جنوب بنا پنجره ای نورگیر است . بالای استوانه بنا از داخل گنبدی مدور نوک قیز زده اند .

صندوقی چوبین پر کار وسط بنا است درازای آن ۲۴۵ و پهنایش ۱۰۸ و بلندی آن ۱۰۶ سانتیمتر است ( عکس شماره ۱۴۰ ) .

این آباد بر حاشیه بالای ضلع شرقی حک شده است :

---

۱- موزی رج ده از دهستان جلال ازرك بخش مرکزی شهرستان بابل ۱/۵ کیلومتری غرب بابل کار بابل رود ( فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳۳ ) .

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله - تا - ما في الأرض

برحاشیه بالای جدار جنوبی:

من ذا الذي يشفع عنده - تا - هو العلي العظيم اللهم صل على المصطفى والمرتضى والزهراء والسبطين والسجاد والباقي والصادق والكافر والرضا والنفي والنفي وا

برحاشیه بالای ضلع غربی :

لرکی العسكري والحجۃ القائم المنتظر المهدی محمد بن حسن  
صاحب الزمان صلوات الله علیه وعلیهم الاجمیعین الطیین والطاهرین سبحانك

برحاشیه بالای جدار شمالی :

بلا الله الا انت عمل استاد فخر دین بن علی بن استاد اسماعیل  
نجار آملی المعروف رازی بامثال درویش شمس الدین زردن ولایت (۹)  
رحل سلطان المحققین مفخر القراء الصالحین درویش فخر دین حاجی  
طاب ثراه وجعل الجنة مثواه بن حسن حاجی فی تاريخ سنة ثلاث وثلاثین  
وئمانیه الحقیر خادم الفقرا والصلحا الضعیف نظام بن علی جویکلاه

جدارهای بزرگتر که شمالی وجنوبی است هر کدام از سه قسمت تشکیل شده  
وجدارهای کوچکتر که شرقی وغربی است هر کدام از یک قسمت ساخته شده است.  
میان قسمتهای جدارهای بزرگتر سوزنجره است که زنجیره وسط بزرگتر از زنجیره  
های دو طرف است . دور هر جدار حاشیه بندی جداگانه دارد .

سید علی کیا

در تیجینک جلال ازرک

از این بقیه در طومار متولیان دوران صفوی یاد شده است. در این طومار این بقیه  
به نام امامزاده سید علی کیا در جلال ازرک آمده است. ظاهرآ در این زمان این بقیه اهمیتی  
داشته است. نام متولی آن درست خوانده نمی شود. این بقیه امروز بنائی است ساده

چهار گوشه با بامی سفال سرمه‌زد و صندوقی ساده که هیچ‌گونه آثار تاریخی و هنری ندارد.

آقا سید رضا

در مهلبون<sup>۱</sup> (مهلبان) جلال‌ازرك

گذشتگان از این بقیه یاد کرده‌اند. بقیه مختصر و ناچیزی است و هیچ‌گونه اثرهای تاریخی ندارد.

تپهٔ تلارسر

در مهلبون (مهلبان) جلال‌ازرك

در اراضی شالی کاری دهکده مهلبان تپه‌ایست که در حدود دو متر از سطح زمینهای اطراف بلندتر است و سطح بالای آن به دو هکتار می‌رسد. اخیراً بقیه‌ای از خشت و گل به نام «غريب آقا» بر بالای آن ساخته‌اند.

اما مرا آده‌ادریس

در سوی تپه جلال‌ازرك

بقیه‌ایست ساده و مختصر و ناچیز بر بالای تپه‌ای که در حدود دو متر بلندی دارد و پانصد متر سطح بالای آن است.

قلعه‌کش

در سوی تپه جلال‌ازرك

این تپه در غرب آبادی سوته است. بلندی آن در حدود سه متر و سطح بالای آن در حدود هزار متر است.

فلاکوئی<sup>۲</sup>

در منگاربی<sup>۳</sup> (منقاربی) جلال‌ازرك

برای رسیدن به منگارپی از فری کنار (فریدون کنار) به بنه کنار و کاردي -

۱- بکر میم و سکون ها و فتح لام. ۲- بفتح قاف. ۳- بفتح سیم.

محله و شیر محله و پیش محله باید رفت از پیش محله مستقیماً به منگاربی می‌رود. کوئی منگاربی در وسط آیش (زمینهای کشت) است. بلندی خاکریز آن به دو متر و سطح بالای آن به هزار متر می‌رسد. بر اراضی آن هر سال محصولاتی نظیر پیاز و باقالا کشت می‌شود. چندی پیش سکه «ضرب بار فروشده» در این په پیدا شده است.

#### پنا و سرا ۵

در دهکده وسای جلال از رک

میان آبدان و سرا په ایست که بلندی آن در حدود دو متر و نیم و سطح اراضی بالای آن به هزار و پانصد متر می‌رسد.

#### شاه عبدالله ۶

در دهکده شاه عبدالله جلال از رک

دهکده شاه عبدالله در ضلع شرقی دهکده اسبه شوربی و نمارکلا است. از راه بیجی کلا به اسبه شوربی و شاه عبدالله می‌توان رفت. راه دیگر این دهکده از زرگر محله است که در جاده سپاه دانش قرار دارد. جاده سپاه دانش از راه آمل به باپل جدا می‌شود و پس از رسیدن به زرگر محله، از دست چپ راه شاه عبدالله جدا می‌شود و پس از دو کیلومتر به دهکده مزبور می‌رسد. در این دهکده بقیه شاه عبدالله دارای مشخصات زیر است:

بنایی است مستطیل شکل که قسمتی از آن تکیه است که بنای آن مؤخر بر قسمتهای دیگر است و سطح آن بالاتر از سطح بقیه است. پس از آن مسجد کوچکی است که به کفشه کن بیشتر شباخت دارد (عکس شماره ۱۴۱). در ورودی اصلی بقیه در این مسجد است که دولنگه بوده و به سرقت رفته است. جدار اطراف این دولنگه ساده، کنده کاری است. قسمت دست راست این کنده کاریهای ظریف، شبکه‌بندی

۵- بکر واو. ۶- در طومار متولیان دوران صفوی نام «امامزاده شاه عبدالله واقع در جلال از رک» آمده و تولیت آن با درویش محمد خورشید بوده است.

است که نیز دست خورده به نظر می‌رسد (عکس شماره ۱۴۲ و ۱۴۳). بر بالای این دولنگه درورودی که به سرقت رفته عبارات زیر است:

نادعلیاً مظہر العجائب - تا - باعلیٰ باعلیٰ با علی . زیر «نادعلی» چهار قسم مشبک کاری است وزیر قسمهای مشبک عبارات زیر است:

تمام کرد درزیارت متبرک را سعادت نما<sup>۷</sup> رفعمناب مرتضوی نساب سید امیر - محمدبن سید علی بهاءالدّوله فی تاریخ ۹۵۰ (عکس شماره ۱۴۴).

بر حاشیه دست راست چهار چوب همین درازپائین به بالا:

خادم آستانه درویش مؤمن شاه الله لآلہ الہو الحی القیوم - تا -

وسع کرسبه السموات والارض

بر چهار چوب دست راست از بالا به پائین.

ولا یؤدھ حفظهما و هو العلي العظيم اللهم [صل] على محمد المصطفى  
وعلى المرتضى والبتول و السبطين و السجاد والباقي والصادق والكافر  
الرضا والتقي والمسكري وحجة القائم المنتظر المهدى محمدبن حسن  
صاحب الزمان صلوات الله عليه وعليهم اجمعين .

در اطاقی چهار گوشه صندوقی چوبین باکنده کاریهای ظریف و پر کار گور شاه -

عبدالله را پوشانده است درازای آن ۲۵۳ و پهنایش ۱۷۳ و بلندیش بدون پایه ۱۰۳ بود. صندوق بر سکوئی تخته است که پهنایش ۲۷ سانتیمتر است و تخته های این سکونیز کنده کاری دارد.

بر سطر اول بالای جدار غربی آیات و عبارات زیر حک شده است:

الله لآلہ الہو الحی القیوم - تا - یعلم ما بین ایدیهیم وما

آنچه بر سطر دوم بالا حک شده است:

خلفهم ولا يحيطون بشیء - تا - لا اکراه فی الدین

بر سطری که در پایین صندوق حک کرده اند:

قد تبین الرشد من الغی - تا - الله ولی الذين آمنوا بخر جهم  
 قسم وسط صندوق باچهار تخته عمودی به پنج قاب تقسیم شده است . بر  
 این تختهها صلوات کبیر به ترتیب زیر حک شده است .  
 بر تخته اول دست راست :

اللهم صل علی سیدنا محمد المصطفی و صل علی علی المرتضی  
 وصل علی فاطمه الزهراء وصل علی امام

بر تخته دوم دست راست :

حسن الرضا وصل علی امام حسین کربلا وصل علی امام زین -  
 العابدین وصل علی محمد الباقر

بر تخته سوم نامهای زیر حک شده است :

وصل علی جعفر الصادق وصل علی امام موسی الكاظم وصل علی  
 علی بن موسی الرضا

بر تخته چهارم نامهای زیر است :

وصل علی امام محمد تقی وصل علی امام حسن عسکری وصل  
 علی امام محمد المهدي (عکس شماره ۱۴۵ و ۱۴۶)

آیات زیر بر جدار قبلی صندوق حک شده است :

بر نخستین سطوح حاشیه بالای صندوق :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا - تا - باذنه يعلم ما بين

بر سطح دوم حاشیه بالا :

ابدیهم وما خلفهم - تا - علی العظیم والمستعان

بر چهار تخته عمودی وسط همانند جدار غربی صلوات کبیر عیناً حک شده است .

بر حاشیه پایین این جدار دو بیت شعر فارسی است که فوایی آنها عنبرین و چین  
 و خلد برین است . مفردات این چهار مصراع چنین خوانده شد :

ای سوادت بر رخی احاما مالی عثبرین  
 دو فرشی و رشک نگارستان چین  
 پیش در گاهت گشادمه یا ام الکتاب  
 زیر ابوانت نهاده نسخه خلد برین  
 آیات و عباراتی که بر جدار شمالی صندوق حک شده است:  
 سطر اول بالا:

و کیف اخاف ما اشرکتم ولا تخافون انکم اشرکتم بالله ما لم  
 بنزل به عليکم سلطاناً فای الفریقین احق بالامن ان کتم تعلمون<sup>۸</sup> الذين  
 آمنوا ولم يلبسو ايمانهم بظلم اولک لهم الا  
 سطر دوم بالا

من وهم مهتدون<sup>۹</sup> وتلك حجتنا اتبناها ابراهیم على نومه نرفع  
 درجات من نشاء ان ربک حکیم علیم<sup>۱۰</sup> و وهبنا له اسحق و یعقوب کلاً  
 هدینا و نوحًا هدینا من قبل من ذریه داود و سلیمان<sup>۱۱</sup>  
 قسمت وسط با چهار تخته به پنج قاب تقسیم شده است. بر این چهار تخته، درست  
 همانند تخته های میانین جدار غربی صلووات بر چهارده معصوم حک شده است.  
 بر سطر پایین دو بیت شعر فارسی است که خوانده نشد.  
 آیات و عباراتی که بر جدار شرقی صندوق حک شده است:  
 بر نخستین سطر بالا:

و ایوب و یوسف و موسی و هارون و كذلك نجزی المحسنین<sup>۱۲</sup> و  
 زکریا و یحیی و عیسی والیاس کل من الصالحين<sup>۱۳</sup> و اسماعیل والیسوع<sup>۱۴</sup>  
 مطالیی که بر سطر دوم حاشیه بالا است:

۸- سوره الانعام ۶، آیه: ۸۱. ۹- همین سوره، آیه: ۸۲. ۱۰- همین سوره آیه  
 ۸۳. ۱۱- همین سوره قسمی از آیه: ۸۲. ۱۲- سوره الانعام ۶، دنباله آیه ۷. ۸۴.  
 ۱۳- همین سوره آیه: ۸۵. ۱۴- همین سوره ابتدای آیه ۸۶.

تمام کرد فی بهذه القبر حضرت شاه عبدالله کاظم را سیادت مآبی  
مرتضوی امیر سید حسین تاخالدون له بن امیر سید خواجه مر حرمون سنه ۹۵۱  
(عکس شماره ۱۴۷ و ۱۴۸) .

بر تخته عمودی جدار وسط که این قسمت را به پنج قاب تقسیم کرده است ،  
صلوات کبیر همانند جدارهای قبلی حک شده است .

بر سطح پایین که در حاشیه پایین صندوق است :

التولیت لا استانیت البحضرت امام زاده معصوم شاه عبدالله  
علیه السلام درویش حمزه بن سید اسکندر خورشید و درویش بیلوان جاری  
عمل استاد میرخان بن استاد حسین گیلانی

### پنا و لیکرو

نر دیک دهکده شاه عبدالله در جلال از رک

نر دیک دهکده شاه عبدالله تپه ایست که بلندی آن سه چهار متر و سطح بالای  
آن در حدود هزار متر است .

### هشتاد تنان

در خشکرود جلال از رک

برای رسیدن به دهکده خشکرود دو راه است : از راه با پلسر و سه راهی کله .  
بست می توان به خشکرود رسید با از جاده سپاه دانش ، سراهی خشکرود به طرف  
خشکرود می رود .

بقعة هشتاد تنان خود بر بالای کوتی است که از سطح زمین ها و آبندان اطراف  
در حدود دو متر ارتفاع دارد . بنائی است از آجر که ایوانی به پهنهای ۲۶ و درازای  
۵۰۰ سانتیمتر جلو آنست (عکس شماره ۱۴۹) دور بنا دارای یک شیر سر است سقف  
تیر کشی و تخته کوبی است و بام سفال سر است . جلو ایوان بقعة چهارستون باسر .  
ستونهای دهان از دری است . بر بالای جرز دست راست بالای سروی نقاشی شده نوشته اند :

عمل عبدالکریم ابن شیخ‌الاسلام از اثرین التماس دعا دارم  
بر بالای جرز دست چپ بالای سر و نقاشی شده دیگری نوشته شده است :  
بناریخ بیست و سیم ذی قعده الحرام سنه ۱۳۱۸  
بر تخته بالای سرستون عبارت زیر نوشته شده است :  
بناریخ نهم ربیع الآخر سنه ۱۳۰۴  
ظاهراً بنا در سال ۱۳۰۴ ساخته شده و در سال ۱۳۱۸ نقاشی و رنگ آمیزی  
شده است.

## دین سر ۱۵

## در میان دسته جلال از رک

لغت «دین» که در حدود گرگان به شکل «دوین» تلفظ می‌شود به معنی «کنی»  
صفحات گیلان و به معنی تپه‌های دستی است که بیشتر بازمانده آثار پیش از تاریخ  
است که در دشت مازندران و گرگان فراوانند .  
«دین سر» به معنی «سر دین» و اضافه مقلوب است و منظور سرتپه ، محل تپه ،  
جای تپه است . دین سر میان دسته در حدود ۱۲ متر ارتفاع دارد و سطح آن در حدود  
یک هکتار و نیم است .

## کنی سر ۱۶

## دهکده‌ای از دهکده‌های جلال از رک

این کنی (= تپه) در شرق دهکده کنی سر است . بلندی آن در حدود دو متر و  
سطح آن نظراً بالغ بر یک هکتار است . به علت روییدن نی فراوان در اطراف آن  
به داخل آن راهی نبود .  
در این دهکده بقیه‌ای به نام سید شمس الدین است که قدمتی ندارد .

## ذین سر

نژدیک دهکده جارگلای جنوی شوربی جلال ازرك

این تپه را می‌توان جزو بلوک دابو نیز به حساب آورد. بلندی آن در حدود ده  
متر و سطح بالای آن به سه هزار متر می‌رسد.

## گنی سر

در اراضی اسبه شوربی جلال ازرك

ارتفاع این کنی در حدود هشت متر و سطح بالای آن در حدود دوهکتار است.  
این تپه که ارتفاع زیادی داشته و سطح بالای آن نیز پیش از سطح کنونی بوده است.  
با گستردن خاک آن در اراضی شالیزاری روز به روز رو به کمی می‌رود. گروهی  
حدس زده‌اند که این تپه‌آثار بازمانده «مشهد سبز» است.

## اما مزاده ابراهیم

در آستانه سرموزی رج جلال ازرك

این بقیه سابقًا به چاله زیارت موسوم بود. سالهای پیش که طاعون کشtar  
زیاد می‌کرد، گورهای حاضر در این بقیه برای مردگان بود. مثل معروف «پکنده  
گورخوانی بشوچاله زیاره» از اینجا سرچشمه گرفته است. بنای سابق را خراب کرده  
بودند و بنایی عظیم به جای آن ساخته بودند. صندوقی قاب و آلت رنگین در کنار  
مرقد بود و کارکاشیکاری مرقد را در شهریور ۱۳۵۶ شمسی نام کرده بودند و قصد  
داشتند صندوق را روی مرقد گذارند. اثری تاریخی و قدیمی در این بقیه دیده نشد.

## شهر تجری قدیم

سرراه بارفروش (بايل) به آمل در فاصله دوازده میلی

نژدیک دهکده تجری اسبه شوربی<sup>۱۷</sup> که به نام کار دگر نماور در اسناد مالیاتی

۱۷- اسبه شوربی ده از دهستان جلال ازرك بخش مرکزی شهرستان بايل (فرهنگ  
جغرافیائی ایران ج ۳).

شهرت دارد، آثار دیوار و خندق قدیمی است که بوتهای و علفهای هرز آنها را پوشانده است. اینجا ظاهراً شهر تجری قدیم است که باروی آن دو حدود سه میل بوده است. درن می گوید که این شهر قدیم، در بندهی و در محل «نوامام» امروزی است.<sup>۱۸</sup> اما حدس او ظاهراً صحیح نیست.

#### باقی بناها و آثار تاریخی جلال ازرك بابل

۱- تپه قدیمی جلال ازرك، برای رسیدن به این تپه می توان از سه راه بابل، به بابلسر به خط زرگر محله و در یاکتار افتاد. از زرگر محله به تلی کران واز آنجا به بیجی کلا واز آنجا به تپه جلال ازرك می رود.



## ۴- بناها و آثار تاریخی ناحیه لاله آباد بابل

### مختصری از جغرافیای لاله آباد

لاله آباد جزء بخش مرکزی شهرستان بابل است که در جنوب غربی بابل در دو طرف راه بابل به آمل واقع شده است. آب این ناحیه از رودخانه کاری است که از هر از جدا شده است و در حدود سی و هشت پاره آبادیهای این ناحیه را آبیاری می کند.

لاله آباد از شرق به ناحیه دابوی آمل و از شمال به رود بست و پازوار بابلر و از غرب به ناحیه بشه و گنج افروز و از جنوب به ناحیه ساسی کلام محدود می شود.

## ۵- بناها و آثار تاریخی ناحیه لاله آباد

### چناری کهنهال

در دهکده کاظمی بیگی<sup>۱</sup> لاله آباد

ملگنوف از چناری بسیار بزرگ یاد می کند و می نویسد:  
در دهکده کاظم بیگ بر طرف چپ راه آمل به بابل چناری بسیار بزرگ است که از آنجا به هر از روند که پلی دوازده چشم دارد.<sup>۲</sup>

۱- کاظم بیگی ده ازدهستان لاله آباد بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۸ کیلومتری جنوب غربی بابل، کنار راه آمل به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲- نسخه عکسی سفرنامه ملگنوف ص ۹۶ الف.

مرقد سید شمس الدین بابلکان<sup>۲</sup>  
در دهکده بابلکان لاله آباد بابل

بابلکان که به لهجه محل «بلوکان»<sup>۳</sup> گویند شامل دهکده‌های زیر است:  
۱- ورمنون<sup>۴</sup>- بلوکان- خجیر کلا<sup>۵</sup>- پایین بلوکان.

مرقد سید شمس الدین که ظاهراً پدر سید عزیز است در بلوکان است بنائی است ساده چهار گوشه از آجر و داخل بنا هیچ‌گونه آثار قبر نیست.

امامزاده عبدالله  
در دهکده چمازین<sup>۶</sup> لاله آباد

بنائی است ساده شامل اطاقی چهار گوشه که چهار در در چهار جهت دارد.  
سقف بنا قاب بندی است. گیلوئی لبه سقف کج بری است. ضریحی مشبك چوبین مرقد را پوشانده است. این بقعه دارای تکیه و مسجد و سفانقار است ولی هیچ‌یک اثرهای و تاریخی نیست.

امامزاده حمزه رضا  
در دهکده حمزه رضای لاله آباد نزدیک یاغی کلاه

بنای اصلی بقعه چهار گوشه است. یک خیل عآن متصل به مسجد کوچکی است که نعلا به جای کلاس درس از آن استفاده می‌شود و خل ع مقابل متصل به تکیه است. صندوقی مشبك و سط بنا اصلی است که نوشته‌ای بر آن نیست. لبه بام سراسر بنا دوپشه و بام آن سفال سر است.

سنگ قبری به دیوار مسجد است که این عبارت بر آن خوانده شد:

۳- بضم باء دوم. ۴- بضم باء. ۵- بفتح واو و کسر ميم. ۶- بضم خاء وفتح کاف. ۷- چمازین، ده ازدهستان لاله آباد بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۰ کیلومتری جنوب غربی بابل دو کیلومتری راه بابل به آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۸- یاغی کلاه، ده ازدهستان لاله آباد بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۹ کیلومتری جنوب غربی بابل ۵ کیلومتری جنوب راه بابل به آمل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله تاریخ وفات مرحوم  
مغفور کر بلائی داداش این مرحوم اللد بانی کلائی  
تاریخ سنگ زیر کف مسجد رفته بود .  
سنگ قبر دیگری در حیاط مورخ ۱۳۰۴ هجری قمری بود .  
بیرون از محوطه بقیه ، گورستانی است که یازده اصله درختان آزاد کهنسال در  
اراضی آن دیده می شد .  
برای رسیدن به دهکده حمزه رضا به جاده کهنه آمل به بابل باید رفت و پس  
از رسیدن به بازارچه بالا امجالبی (احمدجالبی) به راه دهکده حمزه رضا افتاد .

دین گنی  
نژدیک بالا امجالبی (احمد جالبی) لالهآباد  
بر سر جاده کهنه بابل به آمل میان دو دهکده بالا امجالبی (بالا احمد چالبی)  
و پایین امجالبی (پایین احمدجالبی) به طرف دست راست جاده ، تپه‌ای قدیمی است .  
بلندی آن از سطح زمینهای اطراف در حدود سه متر و سطح بالای آن سه هزار متر است .

سید عزیزانه  
در داود کلا از دهکده‌های لالهآباد  
برای رسیدن به داود کلا از جاده کهنه بابل به آمل باید رفت . نرسیده به بازارچه  
پایین امجالبی (احمد چالبی) دست راست راه داود کلا جدا می شود و پس از طی  
دو کیلو متر به داود کلا می رسد . در محلی معروف به «آسونه سر» در این دهکده بنائی  
از آجر و چهار گوش است . صندوقی ساده در بنایت و دری ساده دارد . لبه بام دارای  
دو چکش گردان و یک پشت است . بام سراسر سفال است . در گورستان اطراف بقیه  
درختان کهنسال آزاد و اوچا است .

دین چارهزار  
در دهکده اسبو کلای لالهآباد  
اسبو کلا در جاده کهنه بابل به آمل است . در این دهکده تپه‌ایست که بلندی آن  
در حدود سه متر از سطح اراضی اطراف است و سطح زمین بالای آن به دو هزار متر می رسد .



## ۵- بناها و آثار تاریخی ناحیه بیشه بابل

### مختصری از جغرافیای ناحیه بیشه

ناحیه بیشه جزء نواحی مرکزی شهرستان بابل است که در شرق شهر بابل در دو طرف راه بابل به شاهی (علی آباد) قرار گرفته است. آب دهکده‌های این ناحیه از رودخانه‌های تالار و جنید و بابل رود نامین می‌شود. در حدود سی پاره ده جزء این ناحیه است.

در مازندران و استر آباد راینومن انگلیسی ص ۱۱۸ فهرستی از نامهای دهکده‌های این ناحیه آمده است.

## ۵- بناها و آثار تاریخی ناحیه بیشه

### سلطان محمد طاهر

در دهکده سلطان محمد طاهر بیشه بابل

ملگنوف دوبار نام امامزاده را یاد کرده است. نخست می‌نویسد:  
از رودخانه تالار که بگذریم ده سید محله است از آنجا تا امامزاده  
سلطان محمد طاهر دو فرسنگ است.<sup>۱</sup>

باز می‌نویسد:

۱- نسخه عکسی ملگنوف ص ۷۹ الف.

در آنجا [در بقعة سلطان محمد طاهر] امام موسی نامی در سال ۸۷۵ به خاک سپرده شده است.<sup>۱</sup>

را بینو کتبیه صندوق امامزاده سلطان محمد طاهر را بدین شرح باد کرده است:

صاحب اختبار هذه العمارة مشهد متور مقدس مطهر امام اعظم سلطان طاهر ابن امام موسى کاظم عليه التحية والرضوان وبناء العمارة بامر امير اعظم شاه معظم امير کبیر خلاصه اولاد سید المرسلین امير منتضی الحسينی طاب ثراه وجعل جنة مثواه بعد از شاه مرحوم امير اعظم امير محمد الحسينی نور الله قبره مدد دریغ نداشتند وبعد از مغفورین ساختن قبر پر نور از امیرزاده گان عظام امیر عبدالکریم و امیر عبد الرحیم طاب الله ثراهما و طاب مثواهما و اتمام رسایلدن مشهد مقدس ونهادن قبر پر نور از امیرزاده اعظم امیر رضی الدین الحسينی خلد الله ملکه وسلطانه واوضح على المالمین بر هانه حق باری تعالی باد معمارهذه المجاور استاد مولانا شمس الدین ابن نصر الله المطهری بتاریخ سنہ خمس وسبعين وثمانمائه<sup>۲</sup>

مشکوکی در باره سلطان محمد طاهر مطالب زیر را نوشته است:

سلطان محمد طاهر چهار کیلومتری بابل به شاهی ثبت تاریخی ۶۷ بقعة سلطان محمد طاهر فرزند حضرت امام موسی الکاظم از لحاظ ساختمانی مائند امامزاده یحیی ساری می باشد . در این مقبره صندوق چوبی نفیسی بر روی مرقد نصب گردیده که مورخ به سال ۷۸۵ هجری است، بانی این بقعة و صندوق بر طبق کتبیه ، امیر منتضی الجینی بوده است . معمار بنا استاد شمس الدین ابن نصر الله مطهری می باشد . ساختمان این برج کثیر-الاصلاعی دارای گنبد هرمی شکل می باشد . ارتفاع آن در حدود ۲۲ متر است . در روی یك در آن تاریخ سال ۸۹۶ هجری حک شده است . در داخل صحن یك قطعه سنگ قبر وجود دارد که در اطراف آن آیات قرآنی به خط

۱- نسخه عکسی ملکتوں ص ۸۲ بـ . ۲- سفر نامه‌مازندران و استرآباد ص ۱۸۴ و ۱۹۰ ع.

نسخ ممتاز نفر شده است.<sup>۱</sup>

مهجوری درباره این بقیه چنین نوشته است :

آرامگاه این سید در سه کیلومتری بیرون شهر(بابل) قرار دارد و [دری و روای دولنگه دارد] طول و عرض این دو لنجه در ۲/۳۰ و ۱/۳۰ متر می باشد که هر لنجه آن در عرض ۶۵ سانتیمتر است . بر بالای در صفحه ایست از جنس در به شکل مربع مستطیل به طول ۱/۲۵ متر و عرض ۷۵ سانتیمتر . این درها از شاهکارهای سده نهم هجری است . بر قسمت زیرین یک لنجه «عمل استاد علی بن استاد فخر الدین نجاشی»<sup>۲</sup> و بر لنجه دیگر «معمار هذه العمارة مولانا ذا الشمس الدين طهنه»<sup>۳</sup> و تاریخ ۸۹۵ هجری کنده شده است . خود گبد کثیر الاخلاص است ولی از بام به بالا شکل هرم دارد و ارتفاع گنبد نیز ۲۲ متر می باشد . در درون صحن گنبد سنگی است ظریف به شکل مکعب مستطیل که طول آن پنجاه سانتیمتر و عرض چهل سانتیمتر و قطر ده سانتیمتر و روی آن آبائی از قرآن و تاریخ ۸۷۵ هجری نفر شده است . در صحن گنبد بروی قبر صندوقی است چوبی از جنس درها که منبت کاری<sup>۴</sup> است و عبارت زیر بر آن نفر شده :

نویسنده عین کتبیه صندوق را که رایینو نقل کرده آورده است . اما در دو سه مورد با آن اختلاف دارد . ۱- صاحب اختیار به جای صاحب اختیار . ۲- جعل الجنة به جای جعل جنة . ۳- دریغ نداشته اند به جای دریغ نداشتند . ۴- امیرزادگان به جای امیرزاده گان . ۵- حق باری تعالی به جای حق باری تعالی باد .

ساختمان این مقبره به وسیله امیر منظی الحسینی (پسر سید علی

نواده میر بزرگ)<sup>۵</sup> شروع شد . پس ازاو پرسش امیر محمد الحسینی و پس از امیر محمد پسرانش ، امیر عبدالکریم و امیر عبدالرحیم ساختمان آنرا ادامه

۱- فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۳۶ . ۲- در متن کتبیه در باخاد است و ظاهراً غلط است . ۳- آنچه مهجوری خوانده درست نیست نام این مرد «شمس الدین مطهری» است . ۴- منبت کاری نیست کنده کاری است .

داده‌اند تا در دوران امیر رضی الدین الحسینی به سال ۸۷۵ به اتمام رسیده است. وضع کنونی بقعه سلطان محمد طاهر:

بنایی است که از داخل و خارج هشت ضلعی است. در هر ضلع از داخل طاقهای کم عمق بلند است و بالای هریک از آنها طاقهای کوتاه است. بالای این طاقهای سقف مدوری از داخل زده‌اند. شمسای و نگین در وسط طاق است (عکس شماره ۱۵۰).<sup>۸</sup> داخل بنا سفید کاری است که برایر افروختن شمع کمی سیاه شده است.

صندوقی وسط بنا، گور سلطان محمد طاهر را پوشانده است. در ازای آن ۲۶۵ و بهناش ۱۱۵ و بلندی آن با نظر گرفتن قسمت پایه ۱۳۸ سانتیمتر است. این صندوق قاب و آلت کاری است. ضریحی مشبك به دور این صندوق است. عباراتی که بر آن حک شده است در صفحات قبل نقل کردیم.

در هریک از اضلاع خارج یک طاقهای بلند کم عمق است بالای آن دو کتیبه دندانه آجری و دو ردیف کاشی کاری است بالای آنها فرنیسهای سینه کفتری و بالای فرنیسهای، کتیبه دندانه است. بام بنای کلاه در رویشی است.

این بنادرای دو در ورودی است. در قطبی ظاهرآ به سرفت رفته و دری تازه‌ساز به جای آن گذاشته‌اند. دری شرقی دارد که در قدیمی آن بر جای است ولی رنگی سبز روی آن کشیده و نمای زیبای در را از میان برده‌اند. بالای هر دو در دو خفنگ نور گیر مشبك بسیار ظریف و پر کار است.

در شرقی بسیار ظریف است و کذله کار بهای زیبا دارد. هر لیگه دارای چهار پاسار و دو تنگه و یک قسمت میانین است.

بر پاسار دوم لنگه سمت راست این عبارات حک شده است:

عمل استادعلی بن استاد فخر الدین نجار راضی سنه تسع و نهانماهه

(با واوی اضافی)

- عکسی از این بنا در مجله امریکائی زیر به نظر رسید:  
Bulletin of the American Institute for Persian Art and Archaeology,  
1937, P. 115, fig. 6.

بر پاسار دوم لنجکه سمت چپ این عبارت خوانده می شود :  
معمار هذه العمارات مولانا شمس الدين نصر الله مطهری

## دین سر

در دھنکدانہ سلطان محمد ظاھر بیشا بابل

بر سر راه رمنت<sup>۱</sup> بر طرف دست چپ جاده ، تپه ایست بزرگ و بیضی شکل که گردانگرد آن خندقی دارد و بالای خندق سطحی افقی به پهنانی پنج شش متر دور خاکریز می گردد . در فاصله ده متری این کمر بند افقی ، سطح خاکریز است . بلندی این خاکریز بیست متر و سطح بالای آن  $75 \times 35$  متر است . پاره آجر و سفال ساده و لعاب دار در خود تپه واراضی اطراف آن دیده شد .

## دین سر

در پایین محله رمنت بیشا بابل

در پایین محله رمنت مسلط به آبندان ، تپه ایست که بلندی آن ده متر و سطح بالای آن  $60 \times 50$  متر است . قسمتی از اراضی دامنه آن با غمر کبات شخصی است و قسمتهای دیگر جنگل است . سفالهای ساده در این تپه دیده شد .

## تکیه ای قدیمی

در رمنت بیشا بابل

بنای تکیه تماماً از آجر است . قسمت وسط فضائی است به درازای ده متر و پهنانی پنج متر در این قسمت ده طاق نما با طاق جناغی گوشدار است و جلو آن پنج ستون بلند با سرستونهای زیبا است . دو اطاق در دو طرف قسمت اصلی است که کفش کن تکیه محسوب می شود .

ساقنفاری در یک طرف این بنای است که ده ستون چهار سوی پنج زده با سرستونهای دهان از دری دارد . لبه خارج بنا دارای دو شبر سر و یک پشته است ولی از داخل دارای

یک شیرسر است سقف آن پاور کشی و تخته کوبی است .  
بریکی از تخته های سقف مطالب زیر با مرکب سیاه نوشته شده است :  
عمل استادی صناعت دستگاهها استاد دوست محمد و استاد ولی محمد  
لامسی بشاگردی استاد علی  
بر تخته دیگر :

و كان من الهجرة النبوية في يوم الاثنين من شهر صفر المظفر بتاريخ  
سنة ۱۲۹۵ يادداشت آخوند ملا نصر الله غفر الله له  
بر تخته ای جدا گانه که به سقانفار کوبیده اند :  
بغدادی تارک محمد [علی] یاد رمضان ۲ صفر ۱۲۹۵

گیجا تکیه  
در حمزه کلای بیت‌با بابل

قسمت اصلی تکیه را نوسازی کرده اند و از نظر تاریخی و هنری ارزشی ندارد .  
اما سقاتالار آن بسیار زیباست و به جرأت می توان گفت که زیباترین و پر کارترین سقا .  
تالاری است که تاکنون دیده شده است (عکس های شماره ۱۵۱ و ۱۵۲). این سقاتالار  
شامل دو قسمت اصلی بالا و پایین است . قسمت بالا فضائی است به بهنه ای ۳ و در ازای  
چهار متر که اطراف آن چهارده ستون لاج لنگری مارپیچ بسیار ظریف است . شش  
سرستون آنها دهان از دری است و در مابقی به جای نقش دهان از دری کلمات «یاقا ضی  
ال حاجات» را با خط عکس حک کرده اند (عکس شماره ۱۵۳) . سقف این قسمت  
دو رده شیرسر ظریف پر کار تراش دار دارد (عکس شماره ۱۵۴) و بالای آنها هشت  
پلور نیم گرد با نقش تراشیده ای در وسط کشیده اند بالای پلورها تخته کوبی است .  
بر تخته ها نقاشی های مختلف بدین شرح است :

جبرئیل - خورشید - دیو - بدن های انسانی با سرهائی نظیر سگ و شغال -  
ماهی - پرنده گان مختلف - ازدها - سه طال که یکی از آنها سیلی بزرگ دارد -  
سه سرناچی که یکی از آنها سیلی بسیار بزرگ دارد - چهار تفنگچی - شیری که

بر پشت آهو حمله کرده است - جن - مردی قلیان بدست - شکارچی با تنگی سر پر -  
دو اره کش که با ارهای کندهای را اره می کنند - مالک عذاب - پرندهای که دنبال  
ماهی بزرگی را در دهان گرفته - ماهی گیر - رستم و دیو سفید - دختری که گاو می -  
دوشد - اسرافیل مشغول دمیدن در صور - سرو - بجه - اسب - نامه عمل خوب که  
به دست فرشته ایست و بر آن نامه نوشته است «مشهدی محمد علی خان و کربلاطی  
یوسف و کربلاطی تقی» - فرhad کوهکن - چوبان با گو سفندان - زارع در حال درو -  
شیرین بر سر جان کنند فرhad - زن زیبائی که بر گردن او مار پیچیده است - فیل -  
ماری که دور مرغی پیچیده است .

بریکی از تخته های سقف با خطی خوش نوشته است :

بانی این سقا تالار مشهدی علی خان

عمل نجاری از مشهدی دادش نواشی

سنه ۱۳۰۶

گردآگرد این فضای اصلی راهروئی است که پهناهی آن در حدود یک متر است : قسمت  
زیرین این سقا تالار را چون روغن زده بودند بسیار تروتازه بود . نقش و نگار این  
قسمت کمتر از قسمت بالا است . این قسمت شامل ده ستون است که دو به دونقشهای  
کنده کاریهای آنها یکی است . دو عدد از آنها لاج نگری ماربیج و دو عدد لاج نگری  
هفت و هشت و مابقی ستونهای چهارسوی پنج زده است که وسط آنها نقش کنده کاری  
دارد . سرستونهای چهار کج ، دهان از دری است که از دهای آن را از داخل رنگرد  
آمیزی کرده اند و سر هر از دهای شاخی از چوب دو سه شاخه نظیر شاخ گوزن است .  
شاخهای از دهای به طرف پایین است .

بر تخته های از سقف با خط خوش نستعلیق نوشته شده است :

حرره القاضی حاجی آقا بار فروشی سنه ۱۳۰۶

باقي بناها و آثار تاریخی بیشه بابل

۱- درویش عابدین ، از رمنت که به طرف دریا می روند این مقبره در کنار راه

است . در محل بررسی شد آثار تاریخی و هنری نداشت .

۲- ملگنوف از تربتی در کبودکلا از دهکده‌های بندپی بابل نام می‌برد (نسخه خطی ترجمه ملگنوف ص ۸۴ ب) ولی در بندپی دهکده‌ای به نام کبودکلا نیافتنیم ، ظاهراً از دهکده‌های بیشه است . در [فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳] آمده است : کبودکلا ده ازدهستان بیشه بخش مرکزی شهرستان بابل شش کیلومتری جنوب شرقی بابل ، دو کیلومتری جنوب راه بابل به شاهی (علی‌آباد) .

## ۶- بناها و آثار تاریخی ناحیه مشهد گنج افروز بابل

### مختصری از جغرافیای مشهد گنج افروز - گنجوروز

مشهد گنج افروز ناحیه ایست که از شمال به ناحیه بیشه و از غرب به ساسی کلام و لاله آباد و از جنوب به بندپی و از مشرق به بالاتجن و علی آباد محدود می شود. بیشتر دهکده های این ناحیه در دشت است. آبش از رود خانه سرچه رود (= سجدرو = سجادرو) و بابل رود است. محمد شاه ایل عمرانلو را از فراباغ و فراداغ به گلوگاه بندپی کوچانده است<sup>۱</sup> و طایفه عمران بازماندگان آنان است.

## ۶- بناها و آثار تاریخی مشهد گنج افروز

### عمارت تبه

در طرف راست رود خانه بابل رود، نزدیک به دهکده گلوگاه تبه ای به نام «عمارت تبه» است که بالای آن عمارتی بزرگ بوده است.<sup>۲</sup>

### مشهد سرا ۲

#### از دهکده های مشهد گنج افروز

محمد شاه قاجار در این دهکده چشم به جهان گشود.

- 
- ۱- نسخه عکسی ملکوف ص. ۶ الف.
  - ۲- نسخه عکسی ملکوف ص. ۲۸ ب.
  - ۳- مشهد سرا ده از دهستان مشهد گنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۷ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۳).

قلعه و لوکلاه<sup>۲</sup>

در دهکده و لوکلای مشهد<sup>۳</sup> گنج افروز

نویسنده تاریخ خاندان مرعشی این محل را «محل حصینی» دانسته، ظاهراً دهکده‌ای مستحکم و قلعه مانند بوده است.

## کوشکسراب

در مشهد<sup>۴</sup> گنج افروز

ظاهر آکاخی قدیمی در این محل بوده است.

خانه آقای ناصر امیر سليمانی پسر احمد

در آلاسکر محله<sup>۵</sup> مشهد<sup>۶</sup> گنج افروز

بنائی است شامل دو اطاق و دو صندوقخانه و یک تالار. دو اطاق در دو طرف بنایت. صندوقخانه اول در سمت چپ اطاق سمت راست و صندوقخانه دوم در سمت راست اطاق دست چپ است. جلو صندوقخانه‌ها راهروهایی است که به دو اطاق طرفین می‌رود. تالار در وسط است و دو چهار آن به دو صندوقخانه متصل می‌شود. جلو تالار باز است. تالار دارای پنج در به طرف شمال است که بالای آنها پنج پنجره مشبك باشیشه‌های رنگی است. هر اطاق دارای هشت باب در که به خارج گشوده می‌شود و یک باب در ورودی که از جلو صندوقخانه بدان وارد می‌شوند. تالار دارای دو در ورودی در راهروهای جلو صندوقخانه‌هاست (عکس شماره ۱۵۵).

در یکی از اطاقهای طرفین بنا، سربخاری ظریفی با گچ بری و نقاشیهای زیباست (عکس شماره ۱۵۶ و ۱۵۷).

- ۴- لوکلاه از دهستان مشهد<sup>۷</sup> گنج افروز بخش مرکزی شهرستان با بل ۱۴ کیلومتری جنوب با بل ۲ کیلومتری غرب راه فرعی با بل به با بل کنار (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).
- ۵- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۲۸.
- ۶- بفتح کاف کلا نوعی کوزه بزرگ در گویند.
- ۷- در مثل گویند: گفت تر از کلا دوشن دی کته. بزر گهر از کلا دوشن نیز هست. به جوانی گھویند که در میان پیران اظهار لحیه کند.

### درویش فخر

#### در اراضی بالا سرست مشهد گنج افروز

نمای خارجی بقعه چهار گوشه است . در هر جدار دو طاقنما است بالای هر طاقنما جای کتیبه است . بالای جای کتیبه های مستطیل ، قرنیسهای سینه کفتری است و بالای قرنیسهای کاشیهای نیم دایره ، میان هر دو قرنیس نصب کرده اند . بالای آنها کتیبه دندانه است . با جمع کردن گوشه های بنا ، هشت ضلعی به وجود آمده است . بالای این هشت ضلعی گنبدی به شکل هرم منطبقه زده اند (عکس ۱۵۸ و ۱۵۹). ابعاد داخلی بنا  $۲۸۳ \times ۲۸۳$  سانتیمتر است . در جدار شمالی يك چادراغی است و در جدار جنوبی پنجره ای نورگیر به ابعاد  $۴۶ \times ۴۶$  نزدیک به دست راست این جدار است . در جدار شرقی يك چادراغی و يك در ورودی است . چادراغی طرف دست راست و در ورودی طرف دست چب این جدار است . با چهار گوشوار دهانه چهار گوشه گنبد را جمع کرده و به هشت ضلعی تبدیل کرده اند و از داخل گنبدی مدور بلند بر آن زده اند . در ورودی بقعه به پهنای ۹۶ و بلندی ۲۲۰ سانتیمتر است.

### مقبره ملا محمد شهرآشوب

#### در دهکده بنگر کلا از دهکده های مشهد گنج افروز

مسلمان این مقبره مرقد شیخ رسید الدین ابو جعفر محمد بن علی بن شهرآشوب السروی نیست که از فحول علمای قرن ششم و اهل ساری بوده و در زمان المتنی (۵۵۵ - ۵۳۰) در بغداد بر منبر می رفت .<sup>۷</sup> زیرا اوی به حلب مهاجرت کرد و تا پایان عمر در آنجا بود و در شعبان سال ۷۷۹ رخت به سرای باقی کشید و همانجا در دامنه کوه جوشن در مشهد محسن السقط بن حسین بن علی به خالک سپرده شد .<sup>۸</sup>

۷- بکر سین وراء ، بالا سرست ده از دهستان مشهد گنج افروز بخش مرکزی شهرستان بابل ۱۰/۵ کیلومتری جنوب با بل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲) .  
۸- مجمع البيان طبرسی ج ۱ ص ۳۰ . ۳۰ . ۹- طبقات الفقیرین سیوطی ص ۳۷ و معالم العلماء تأليف ابن شهرآشوب با مقدمة عباس اقبال ص ۷-۱۰ به نقل از شهر بابل .

شاید این مقبره مرقد پدر او باشد که علی نام داشت و پسر شهرآشوب بود. یا شخص دیگری از مردان این خاندان است که معروف به شهرآشوب یا این شهرآشوب بوده‌اند.<sup>۱۰</sup>

بنای بقعه در اراضی دهکده بنگر کلا در وسط فضائی باز و دلگشا است. دیواری در اطراف اراضی بقعه کشیده‌اند. بنای اصلی مرکب از سه اطاق است که مرقد شهرآشوب در اطاق وسط است. قبر هموار و هم سطح زمین است. صندوقی چوبین روی قبر اوست و اطراف صندوق ضریحی مشبك به درازای ۲۵۰ و پهنای ۱۷۵ و بلندی ۲۰۰ سانتیمتر قرار داده‌اند. این ساختمان و ضریح را حیدرخان معروف به معز‌السلطان کلاگر محله‌ای در سال ۱۳۲۳ ساخته است. این تاریخ به بالای درهای ورودی شمالی و جنوبی دیده می‌شود، قبل از این تاریخ مقبره کوچکی بدون ضریح و صندوق بوده است. از دوران قبل از تعمیر تنها اثر مورخی که باقی مانده زیارت‌نامه‌ای است که در ۱۵ شهر محرم الحرام سنه ۱۳۱۰ نوشته شده و ابتدای آن چنین است:

السلام عليك يا محمد بن شهرآشوب .....

اما در زیارت‌نامه جدید که تاریخ آن چهارم شهر ذی‌قعده الحرام ۱۳۷۱ است چنین نوشته شده است:

زيارة مى كتم ابن آفای بزرگوار محمدبن شهرآشوب را ...

السلام عليك ايها العالم الرباني... السلام عليك ايها الشیخ العالم العامل يا  
محمدبن علی بن شهرآشوب .....

تشابه این نام با اسم شیخ رشید الدین ابو جعفر محمدبن علی بن شهرآشوب ساروی سبب شده است که عده‌ای این هردو اسمرا یک شخصیت بدانند. لوحه‌ای دیگر بر ضریح نصب است که بریک روی آن زیارت‌نامه ملا محمد بن تاریخ ذی‌الحجہ توشقان نیل

۱۰- جغرافیای تاریخی مازندران ص ۳۱۳. به نقل از شهر بابل پوراندخت حسینزاده. ملکوف تربت ملامحمد شهرآشوب را در دهکده‌ای بهمین نام در مشهد گنج افزوده‌اند (نسخه عکسی ملکوف ص ۷۴ ب).

۱۳۴۵ به امضای «اقل السادات میرزا سید حسین جان دبیر قاجار» است و بر روی دیگر آن عبارات زیر نوشته شده است:

بتوفيق يزدان پاک در زمانی که اقل السادات در خدمت حضرت  
مستطاب اشرف امجد ارفع اعظم بندگان آفای مشیرالسلطنه دامت شوکنه  
بمازندران آمده بودم دیدم حضرت معظم الیه در چند سال قبل سدی بر  
رودخانه مطالان<sup>۱۱</sup> بسته‌اند و ناتمام مانده، جداً محض ترفیه حال عامه  
رعایا از حضرت معظم خواستار شدم که سد مزبور را به اتمام برسانند  
تلطف فرموده استدعای حقیر را قبول فرمودند و اقدام مجددانه در اتمام سد  
مزبور نمودند تا بحمد الله والمنة بمرأحم حضرتش در نیمة ذی الحجه  
تو شفان یل سد مذکور بنام نامی مبارکش اتمام یافت از باطن حضرت  
ملامحمد بن شهرآشوب نور مضجعه بقای اورا خواستاریم ۱۳۴۵ هجری  
قمری».

#### وضع کنونی مرقد ملا محمد شهرآشوب

بنای بقعة ملا محمد شامل سه اطاق است که در اطاق وسط مرقد اوس و  
ایوانی گردانی دارد که این ایوانی ۴۲۰ متر مربع مساحتی دارد. در هر یک  
از دو چهار طبقه ایوانی این اطاق چهار طبقه است که در ورودی در وسط آنهاست. در  
هر یک از دو چهار طبقه ایوانی و شرقی دو طبقه است و وسط آنها یک طبقه است که بالای  
آن رف است. سقف بنا قاب‌گویی است.

در دو طرف این اطاق دو اطاق دیگر است. هر یک از اطاقها دو در شمالی و  
دو در جنوبی دارند. اطاق غربی یک در به طرف غرب و اطاق شرقی یک در به طرف  
شرق دارد که هر دو در ایوانهای شرقی و غربی گشوده می‌شوند.

ایوانی دور این سه اطاق می‌چرخد پهنای آن ۳۰۰ سانتیمتر است و دو ایوان  
شمالی و جنوبی به درازای ۱۹ متر است. ایوانهای شرقی و غربی بازده متر درازا

<sup>۱۱</sup>- این رودخانه را به تلفظ محلی «منالون» گویند.

دارند. جلو هریک از ایوانهای شمالی و جنوبی هشت فیلپای مربع آجری است و جلو ایوانهای شرقی و غربی ۵ فیلپا است. (عکس شماره ۱۶۰) در وسط اطاق وسطی صندوقی با قاب و آلت کاری قبر ملا محمد را پوشانده است. ضریح مشبکی این صندوق را احاطه کرده درازای آن ۲۴۸ و پهنایش ۱۵۷ و بلندیش نیز ۱۵۷ سانتیمتر است.

### قلعه کنی

نوریک بقعا ملامحمد در بنگر کلای گنج افروز  
در فاصله کمی از بقعا ملامحمد خاک ریزی است که ظاهراً روزی قلعه‌ای قدیمی  
بر آن بوده است.

### امامزاده محمد

در اطاق سرای ابوالحسن کلای گنج افروز

بنائی است هشت ضلعی بزرگ و بلند. پهناهی جدار خارجی هریک از اضلاع ۴۶۵ سانتیمتر و در چهار جدار چهار طاقمای بلند است. در ورودی اصلی بنا، شمالی بوده است که فعلاً از خارج جلو آن را با آجر چیده‌اند. پهناهی این در ۴۹ و بلندی آن ۱۵۷ سانتیمتر است.

مطلوب زیر بر پاسار بالای لنگه سمت راست خوانده می‌شود:  
عاملها و صانعها محمد تقی ابن محمد رفع بوده است که ...  
بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

۱۲- این قسم از کتیبه بدون ذکر تاریخ در سفر نامه مازندران و استر آباد راینو من انگلیسی قسم کتیبه‌ها ص ۱۹ ع آمده است و مهجوی در تاریخ مازندران خرد ج ۲ ص ۳۲۶ عین آن را بدون ذکر مأخذ نقل کرده است و پوران دخت حسینزاده در کتاب شهر بابل خود عین کتیبه را با ذکر مأخذ آورده اما ابوالحسن کلا را به ابوالحسن آباد تبدیل کرده است (شهر بابل ص ۶۱).

قال النبي صلی الله علیه وآلہ وسلم الدنیا جیفہ و طالبها کلب

برپاسار پایین لکّه سمت راست همین در :

بحسب الفرموده سعادت پناه محمد کاظم مشهدبان کاتب الفقیر

عبدالعظیم مهدی<sup>۱۲</sup>

اللهم صل علی و محمد وسلم آل محمد آل صلی الله علیه و [کذا]

در ورودی کتوانی بقعه در مسجد تازه سازی است که متصل به بقعه است.

قسمتی از این مسجد قدیمی است و بنجرهای ارسی قدیمی جلواین قسمت از بناست.

در ورودی ظاهراً در این قسمت قدیمی مسجد بوده است. بهنای این در ۵۷۵ و بلندی

آن ۱۸۰ سانتیمتر است. این آیات و عبارات بر آن خوانده می شود:

برپاسار بالای لکّه سمت چپ :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحى القيوم

برپاسار بالای لکّه سمت راست :

لاتأخذه سنة ولا نوم - تا - ما في السموات وما في الأرض

برپائوی سمت چپ لکّه سمت راست :

من ذا الذي يشفع عنده - تا - هو العلي العظيم لا اكراه في الدين

برپاسار پایین لکّه سمت راست که وارو نوشته اند :

قد تبين الرشد من الغى فمن يكفر بالطاغوت ويؤمن

برپائوی سمت راست لکّه سمت راست :

بإله فقد استمسك بالعروة - تا - أولئك أصحاب النار هم

برپائوی سمت چپ لکّه سمت چپ :

فيها خالدون بسم الله الرحمن الرحيم سبحان ربكم الاعلى - تا -

يعلم الجهر وما يخفى وينسرك بالانثى

۱۲- این قسمت از کتابه درسفر نامه مازندران و استرآباد را بینو من انگلیسی قسمت کتبه ها ص ۱۹۸ آمده است و در متن انگلیسی ص ۱۱۸ کاتب را به اشتباه عبدالعزیز مهدی نوشته است.

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

[عبارات خواندنی شود]

بر بالوی سمت راست لنگه سمت چپ:

بصلی النازالکبری نمایمود - تا - صحف ابراهیم و موسی

بر پاسار بالای لنگه سمت راست:

آمد که بسم الله الرحمن الرحيم يس الرحمن الرحيم است [كذا]

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

موام این مرغ رحیم یس ذکر کریم است [كذا]

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

نجار باشی ولد استاد میر حسن بحسب الفرموده درویش حسین

آهنگر در غرة محرم الحرام سنه ۸۲ [ریختنگی دارد]

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

قدتمند الباب بعون الملك الوهاب على يدا فقر عباد الله استاد

حاجی محمود.

متن در، قاب و گره کاری بسیار ظریف است (عکس شماره ۱۶۱).

بنا از داخل نیز هشت ضلعی است که پهنانی هر ضلع آن به ۳۳۵ سانتیمتر

می‌رسد (عکس شماره ۱۶۲) در میان بنا ضریحی مشبك چوبین مرقد را پوشانده

است پهنانی آن ۲۲۶ و درازایش ۳۱۶ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتر است.

سقف بنا شامل سقف‌سب است که تیرهای چهار سو بر بالای فرسهها انداخته‌اند

و بالای تیر تخته کوبی است. لبه بنا از خارج دارای یک چکش گردان و یک پشه

است. بام بنا سفالپوش است.

نزدیک به بقعة امامزاده محمد، آثار شهری خراب است که آجرهای فراوان

به اندازه‌های مختلف از آن محل به دست می‌آورده‌اند. این اراضی را چندیست

شخم زده و کاشته‌اند و امریوز تبدیل به مزرعه شده است.

باقي بنها و آثار تاریخی ناحیه تنچ افروز

۱- سید ذوالفقار در دهکده حاجی کلای گنج افروز.

## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندپی بابل

### مختصری از جغرافیای بندپی

بندپی از بخش‌های تابع شهرستان بابل (بارفروش) است که در جنوب آن قرار دارد. این بخش از شمال به نواحی گنج افروز و ساسی کلام و لاله‌آباد و از شرق به ناحیه سوادکوه که جزء شاهی (علی‌آباد) است و از غرب و جنوب به بخش لاریجان که جزء شهرستان آمل است محدود می‌شود.

بخش بندپی را می‌توان به سه قسمت منمایز تقسیم کرد: قسمت دشت و قسمت جنوبی آن که میان‌بند است و شامل کوههای جنگلی است و قسمتی که در جنوب میان‌بند فرار می‌گیرد و منطقه‌ای کوهستانی و خاس کوه (کوههای بدون درخت) است.

رودخانه‌های این بخش از غرب به شرق به نامهای زیرخوانده می‌شوند:

۱- کلارود که سرچشمه‌های آن در میان‌بند است و پاره‌ای از دهکده‌های دشت را آبیاری می‌کند و مازاد آب آن نزدیک پل محمدحسن خان پروردخانه کاری می‌ریزد.

۲- رودخانه سر جهود (= سچهارود، سجادرود) که سرچشمه‌های آن مرتفعات جنوبی شیخ موسی معروف به کوه تنگه است و پس از آبیاری بیشتر دهکده‌های دشتی بابل در حدود ولوکلا به بابل رود می‌ریزد.

۳- شکر الله رود که سرچشمه آن مرتفعات سیاه کوره سر (میان‌بندپی و لاریجان) است و پس از آبیاری برخی از دهکده‌ها به رودخانه هراز متنه می‌شود.<sup>۱</sup>

۱- فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۲

## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه بندری باپل

قلعه پیروزی - قلعه فیروزجاه - قلعه فیروزشاه  
در گنار سرچه رود (سجاد رود)

ظاهرآ این قلعه در حدود سال ۹۶۸ ه.ق. در دوران حکمرانی میرعلی خان از خاندان مرعشی مازندران خراب بوده و او تصمیم می‌گیرد که آن را از نو آباد کند. صاحب تاریخ خاندان مرعشی در این باره می‌نویسد:

در این وقت میرعلی خان<sup>۲</sup> به موضوعی که به ولوکلاته<sup>۳</sup> مشهور است و محل حصین است نزول نموده، قلعه پیروزی را که در گنار باپل رود در بالای کوه است عمارت می‌نمود.<sup>۴</sup>

میرعبدالکریم و آقا محمد که در تعقیب او بودند، جاسوسان فرستاده و معلوم کردند که او با محدودی چند مشغول تعمیر قلعه است. با سپاهیان خود به او حمله برداشتند، اما یکی از طرفداران میرعلی خان اورا خبر داد و او خود را به قلعه کشاند. پس از رسیدن ایشان و طلب ملاقات کردن، او از قلعه بیرون نیامد و فرزند خود - میرزین - العابدین - را با طعام و وسائل پذیرائی بیرون فرستاد.<sup>۵</sup>

پس از میرعلی خان نیز این قلعه در دست بازماندگان او باقی بود ولی دیری پیشید که به دست میرسلطان مراد خان افتاد. صاحب تاریخ خاندان مرعشی در این باره می‌نویسد:

اما قلعه فیروزجاه که از مشاهیر فلاح آن ولايت (مازندران) بود، در تحت تصرف اولاد میرعلی خان بود. بعد از قتل میرزین العابدین و فرار

۲- میرعلی خان بن میرقوام الدین بن میرعلی خان بن میرقوام الدین بن سید علی بن سید کمال الدین بن میرقوام الدین مرعشی. ۳- ولوکلاته ده ازدهستان مشهد گنج افروز بخش مرکزی شهرستان باپل ۱۳ کیلومتری جنوب باپل ۲ کیلو- متری غرب راه فرعی باپل به بالکنار (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۲). ۴- تاریخ خاندان مرعشی ص ۹۵ و ۹۶. ۵- تاریخ خاندان مرعشی ص ۹۶ و ۹۷.

میر قوام الدین (فرزندان میر علی خان)، تحت تصرف گماشتگان میر عبدالقادرخان درآمد. در این وقت به نواز ریق - برادر جلال الدین پروانچی - که از طفولیت مربی تربیت او بود، سپرده بود و اعتماد کلی بر او داشت. آن نامرد مردود جهت قلیلی که برای او فرستاده بودند، فریته گشته، قلعه را به معتمدان میر سلطان مرادخان سپرد. این خبر ملالت اثر بر پیشگاه ضمیر میر عبدالقادرخان تاخت، آتش غضب قیامت لهب مشتعل گشته، به حضور جلال الدین که مهر آسمان خوبی و صباحت او مثل زندگی فرمان داده، بعد از حضور بدبار عبرت آویختند.

برادر خواجه شرف الدین قطب را که به منصب وزارت قیام می نمود - جلال الدین نام - اراده گریختن نمود. خبردار شده بگرفت و بینی بریده رها کرد. بدین سبب کسانی که در خدمت او بودند نا امید شده، به اندک فرصت خود را از قلعه بیرون می انداختند. تا آنکه چند نفر از غلامان نیز فرار نموده، به خدمت میر سلطان مراد خان رفتند.

در این اثنا از قضای آسمانی آتشی در قلعه افتاد. هر چند سعی کردند حتی خود منکفل اطفاء آن شدند و آنچه مایعات بود از گلاب و عرق بهار و آبلیمو جمیع را صرف نموده، به جای آب بر آتش ریختند مفید نیفتاد. اکثر عمارت‌ها قلعه محترق شد. چون اثر بخت بر گشتنگی را مشاهده نمود، عزم رفتن اردوی معلی نمود. کوچ و منطقان را به استبدار به خانه ملک کیومرث نور که پسر خال او بود فرستاد. دست دو پسر خود - میر عبدالکریم و میر عزیز - را گرفته و شمشیر در گردن انداخته، روانه قزوین شدند.<sup>۷</sup>

پس از اینکه قلعه فیروز جاه به دست میر سلطان مرادخان افتاد، او توانست بعدها میر علی خان را دستگیر و در قلعه زندانی کند.<sup>۷</sup>  
میر علی خان مدتها در قلعه فیروز جاه بفرزندان بود. با سید مرتضای حسام که بالا

هم زنجر بود قرار می گذارند که اگر روزی یکی از ایشان آزاد شود، بدون دیگری از زندان بیرون نمود و در صورت آزاد شدن هر دو از زندان، میرعلی خان والی مازندران و سید مرتضی و کیل او باشد. بالاخره طوفان این دو، نزد سلطان مرادخان شفاقت کردند و ایشان را از زندان قلعه فیروزجاه آزاد کرد.<sup>۸</sup>

پس از مدتها مخالفان میرزا خان سربلند کردند و از در مقابلت با او در آمدند. میرزا خان پس از فرار از دست مخالفان، می خواست خود را به قلعه فیروزجاه برساند، چون راه را نمی دانست، روز تاشب و شب تا صبح اسب خود را راند تا از شیرگاه سربه در آورد. پس از استراحت در شیرگاه بلدراء گرفت و خود را به قلعه فیروزجاه رسانید. کوتوله از او پذیرائی کرد و سربازان پراکنده او کم کم در قلعه جمع شدند.<sup>۹</sup>

چون میرزا خان در قلعه مستقر شد و میرعلی خان از حال او خبردار گشت، پس از کسب تکلیف از دربار سلطان محمد خدابنده صفوی مصمم شد<sup>۱۰</sup> به محاصره قلعه برود. سربازان خود را جمع کرد و بدراه افتاد. خبر بساکنان قلعه رسیده، پریشان حال گشتند و سران قوم به شور نشستند. سرانجام نظر زین العابدین افراسیاب را پسندیدند و قرار داد که او با تفنگچیان زیده، در دره سرچه رود، سر راه بر میرعلی خان بگیرد و قبل از رسیدن به قلعه کار اورا بسازد. ساکنان قلعه قرار گذاشتند که پنجاه تن سرباز ورزیده به زین العابدین افراسیاب و پنجاه تن دیگر به گودرز آهنگر آملی بدهند و دو طرف تنگه را بگیرند و میرعلی خان را قبل از رسیدن به قلعه از پای در آورند. جاسوسان فرستادند تا مشخصات لباس وزین و پرگ و اسب میرعلی خان را دریابند و خبر آورند. جاسوسان نیز به وظیفه خود عمل کردند.<sup>۱۱</sup>

فردای آن روز که میرعلی خان به قصد محاصره قلعه به راه افتاد، در اثنای راه خواجه انتخار که از علمای وقت بود و می خواست در اردو میرعلی خان را ملاقات کند، در راه اورا دید و لباس خود را برای تیمم و تبرک از تن خویش بیرون آورد و بر میرعلی خان پوشاند و اسب خود را نیز بدود و سواره در خدمت میرعلی خان رکاب بدر کاب

۸- تاریخ خاندان مرعشی ص ۱۹۶ ۱۹۷۹ . ۹- همین کتاب ص ۲۲۹ و ۲۳۰ .

۱۰- تاریخ خاندان مرعشی مازندران صفحات ۲۳۵-۲۳۷ .

به راه افتاد، چون به تنگنای دره رسیدند از دو طرف صدای شلیک تفنگ بلند شد و زین العابدین افراسیاب و گودرز آهنگر آملی، به جای میرعلی خان خواجه افخار را زدند و میرعلی خان سالم ماند اما سه تیر به طرف میرعلی خان رها کردند ولی هیچیک از گلوله‌ها مؤثر واقع نشد.<sup>۱۱</sup>

زین العابدین افراسیاب که مأمور قتل میرعلی خان بود به خیال اینکه اورا از پای در آورده است، به قلعه بازگشت و خبر رسانید. ساکنان قلعه شادیها کردند. اما

طولی نکشید که خبر آوردن میرعلی خان زنده است و به طرف قلعه می‌آید. یا مس اهالی قلعه را گرفت و به تهیه اسباب قلعه‌داری پرداختند. مدت سه‌ماه جنگ برقرار بود و کاری از بیش نرفت «جهت آنکه قلعه در بالای کوه بود و حصار قلعه و بروج آن با حصن حصین (سبع شداد) دعوی همسری می‌نمود». بالاخره ساکنان قلعه به فکر شیخون افتادند.

زین العابدین افراسیاب نوبت دیگر به میرزا خان گفت که بار اول اجل میرعلی خان نرسیده بود که با آن همه تیر تفنگ از مهله‌که سالم بیرون آمد. این بار کریم زیاز را که در بان‌کله بست و چهر است می‌بینم و اورا می‌فریم و راه را برای ورود قلعه نشینان باز می‌کنم.

زین العابدین پنهانی از کریم زیاز دیدن کرد و با او قرار گذاشت که هنگام حمله قلعه نشینان او میرعلی خان را از میان بردارد با راه رسیدن به خانه اورا نشان بدهد تا زین العابدین کارش را بسازد.

ایشان در وقت موعود از قلعه بیرون آمدند و داخل کله بست شدند. اما میرعلی‌خان هر کس را که به خانه او نزدیک می‌شد با تیر تفنگ از پای درمی‌آورد. زین العابدین افراسیاب و هفت تن دیگر را که به او حمله کردند هم دراکشت و خود فاتح و مظفر شد.<sup>۱۲</sup> میرعلی خان دست از محاصره قلعه برنداشت و با اینکه از قزلباشان و سربازان دربار صفوی برای فتح قلعه به او باری می‌کردند، باز کمک مجدد خواست و سلطان

۱۱ - تاریخ خاندان مرعشی صفحات ۲۳۷ - ۲۳۹ . ۱۲ - تاریخ خاندان مرعشی صفحات ۲۳۸ - ۲۴۲ .

محمد خدا بندۀ شاهرخ خان را با فوجی از سربازان و چند تن از سرکردگان قشون بهیاری او فرستاد.

چون مدت محاصره به دراز اکشید قرارشده آبردا بر قلعه نشینان بینندند، پس از بستن آب قلعه نشینان به تنهای آمدند و تسلیم شدند و با وعده و امان یافتن از قلعه بعزم آمدند و نیمه شب بود که راه خود گرفتند و رفتند و هنگام صبح سپاهیان میر علی خان قلعه را خالی دیدند و به تصرف آن پرداختند. ولی میرزا خان در قلعه بماند و قصد مقاومت وایستادگی داشت. فردای آن روز به او وعده دادند که او را به خدمت سلطان محمد خدا بندۀ خواهند برد و در خواست جرایم او را خواهند کرد. سرانجام میرزا خان از قلعه بعزم آمد و همراه شاهرخ خان و پیر محمد خان به اردوی سلطان محمد خدا بندۀ رفت. قلعه در تاریخ شنبه دهم شهر شوال ۹۸۵ به محاصره در آمد و روز پنجشنبه ۲۴ ربیع‌الثانی منتهی شد.

در قلعه از نقد و جنس شخصت هزار تومن بود سوای کتابخانه که معلوم بود از کتب نفیس که آن را به مبلغ شش هزار تومن تقویم کردند و تمام را سپاهیه کردند به درگاه سلطان محمد خدا بندۀ فرستادند و سایر امرا و لشکریان نیز از غنایم این قلعه سهمی و بپرهای یافتند.

#### را بینو درباره این قلعه چنین می‌نویسد:

پس از فوت شاه طهماسب سراسر مازندران زیر فرمان سلطان محمود بن سلطان مراد معروف به میرزا خان در آمد. وقتی دختر میرعبدالله خان ملکه ایران شد، سلطان محمود را به قزوین فراخواند. او از آمدن امتناع کرد و به قلعه فیروز شاه پناهندۀ شد. مأموران شاه که برای محاصره قلعه اعزام شده بودند، به او اطمینان دادند که قصد کشتن او را ندارند. بالاخره او را به قزوین بردند و به عهد خود وفا نکردند و او را کشند.<sup>۱۳</sup>

۱۳ - تاریخ خاندان مرعشی صفحات ۲۲۵ - ۲۵۵ . ۱۴ - ترجمه سفرنامه مازندران و استرآباد ص ۱۹۰ .

مرقد مولانا میر نظام الدین محمد معروف به پادشاه میر  
در دهکده پادشاه میر بندهای

در طوماری که از دوران صفویان باقی مانده و در آن نام بقاع متبرک مازندران  
و نامهای متولیان آن آمده است، این بقعه را به نام « شاهزاده پادشاه امیر » ضبط  
کرده‌اند، اما نامی از متولی آن نبوده‌اند.

بر زگر می‌نویسد:

مولانا میر نظام الدین محمد باقی تعمیر مسجد کاظم بیگ در سال  
۱۱۶۹ می‌باشد. قبر او در پادشاه امیر بندهای زیارتگاه مردم است.<sup>۱۵</sup>

ملگنوف نیز ارتیت پادشاه میر در بندهای یاد کرده است.<sup>۱۶</sup>

مقبره میر نظام الدین در اطاقی چهار گوش است که مسجد بزرگی متصل به آن  
است. در ورودی اصلی اطاقی که گور میر نظام الدین در آن است ۱۹۴ سانتیمتر در ارا  
و ۵۹ سانتیمتر بهنا دارد. بر این در دولنگه آیات و عبارات زیر حک شده است:

بر پاسار لنگه سمت چپ :

بسم الله الرحمن الرحيم

بر بائوی دست چپ لنگه طرف چپ از بالا به بایین :

الله نور السموات والارض - تا - ولا شرقية ولا غربية

بر بائوی سمت راست لنگه سمت چپ :

یکاد زینها - تا - هو السبع عليم

بر دو پاسار میانین :

قال النبي صلى الله عليه وآلـه وسلم

انا مدینة العلم وعلى بايـها

بر پاسار زیرین لنگه سمت چپ :

بلغ العـلـى بـكـمالـه كـشـفـ الدـجـى بـجمـالـه

۱۵- تاریخ طبرستان بر زگر به نقل از شهر بابل بوراندخت حسین زاده ص ۵۰.

۱۶- نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۴ الف.

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بسم الله الرحمن الرحيم وبه

بر بائوی دست چپ لنگه سمت راست :

الله لا إله إلا هو الحى القيوم الرحيم الله لا إله إلا هو العليم الكريم

الله لا إله إلا هو القدس القديم الله لا إله إلا هو السبوح الحكيم

بر بائوی دست راست لنگه سمت راست از پایین به بالا :

الله لا إله إلا هو الواحد القهار الله لا إله إلا هو الملك الغفار

الله لا إله إلا هو الخالق السبار الله لا إله إلا هو الحكيم الواحد الجبار

بر پاسار وسط همین لنگه :

حست جميع خصاله صلوا عليه وآلہ

بر پاسار پائین لنگه سمت راست :

عمل نجاری استاد علی اکبر مشهدی عنایت ورزنى

تحریراً فی شهر صفر ۱۳۲۸ .

میان اطاق مقبره و مسجد بزرگ متصل به آن دری قاب و گره است که بسیار

پر کار و خوبی است پهنهای هر لنگه آن ۷۳ و بلندی آن ۲۱۲ سانتیمتر است . عبارات

نوشته های آن بد خط و ناخواناست و همین نکته از ارزش اصلی در بسیار می کاهد .

این عبارات بر آن خوانده می شود :

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

بانی این درکه واجب التعظیم است سیف الله مرتفع نقی

ابراهیم بد الله پرسیمین پسر حاج آقا

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

بود برسم . . . . نیایش

که سیف الله حاجی است نامش

بر پاسار پائین لنگه سمت چپ :

عمل استاد علی اکبر مشهدی آقا ورزنى

گنبد موسی ابن ابراهیم فیروزجاهی ۱۳۲۰

بر پاسار پایین لنجگه سمت راست :

حیدر و خلیل سرتکریم قربان حمد و ذکر او است [کذا]

بعقوب است شفیع ولی الله ذکر قسم باد [کذا]

ضریحی مشبك چوبین گور میر نظام الدین را پوشانده است که بر چهار طرف حاشیه

بالای آن آبائی از کلام الله مجید به این شرح حل شده است :

بر حاشیه بالای طرف جنوبی ضریح :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا إله إلا هو وسع كرمته السموات

والارض

بر حاشیه بالای طرف غربی :

ولايوده حفظهما - والله سميع عليم

بر حاشیه بالای طرف شمالی :

الله ولی الذين آمنوا - نا - فيها خالدن الله نور

السموات والارض مثل نوره

بر حاشیه بالای طرف شرقی ضریح :

كمشکوہ فيها مصباح - نا - يکاد زینها بفصیه

در جدار قبلی ضریح در یجه‌ای دولنگه بسیار ظریف است این عبارات در قسمت بالای

این در یجه حل شده است :

عاملاها و صانعها کربلا ای غلام رضا و کربلا ای علیرضا نوابی سنه

۱۲۸۸ راقم الحروف محمد ابن کربلا ای علیقلی فیروزجاهی اللهم اغفر له

وللوالدیه .

بر در یجه ظریف ضریح :

سلام عليکم طبیم فادخلوها خالدین

تخته پاره‌ای که ظاهرآ مربوط به صندوق مرقد بوده است که امروز از آن اثری نیست

بر بالای جدار غربی ضریح کوییده شده است این عبارات بر آن حک شده بود :  
 السلطان اعظم اعدل سلطان نظام الدین صاعد ابن سلطان المرحوم  
 سعید صاعد حبیبی خادم الفقرا نادعلی شاه ابن اباده اسکندر مجاور غفر  
 الله ذنو به . . . . يا رب .

#### قلعه گنی

در میان دهکده های بزرو دی<sup>۱۷</sup> و شانه کراش بندپی

خاک ریزی است دستی مدور بزرگ ، بلندی آن در حدود ده متر از سطح زمین اطراف است . طرف شرقی آن برآمدگی پیشتری است که ظاهرآ ارگ قلعه بوده است . سطح اراضی بالای این خاک ریز بیش از سه هکتار است . سابقه این قلعه به نام شرک یا شهرک معروف بوده است .

#### میری کنی

در سفید کور بندپی

تبه ایست در از و مرتفع ، بلندی آن از سطح زمین بیش از بیست متر است و سطح اراضی بالای آن صرف نظر از برآمدگیها و فروزنگیها به هشت هکتار می رسد .

#### قلعه گنی

در بالی کلای بندپی

بلندی این خاک ریز دستی به ۱۲ متر و سطح اراضی بالای آن به یک هکتار می رسد .

#### تکیه ای قدیمی

در مقری کلای بندپی

تکیه ایست بسیار زیبا با نقاشیها و کنده کاریها و گچ بربهای ظریف ، دارای اطاقها و نالار بزرگی در وسط . دو در ورودی شمالی و جنوبی دارد که از دو

راهرو وارد فضای اصلی تکیه می شود . دو اطاق در دو کنچ این فضا در آورده و میان آن دورا شاه نشینی ترتیب داده اند . دو اطاق دیگر در طبقه دوم بالای این دو اطاق ساخته اند . شاه نشین نیز دو طبقه است . در دو طرف راهروهای طرفین تالار اصلی ، دو اطاق است و بالای این دو اطاق نیز دو اطاق دیگر است . (عکس شماره ۱۶۳) .

بالای دیوارهای فضای اصلی تکیه زیر سقف اشعاری از هفت بشد محتمم کاشانی است که بر چوب حک کرده اند و در فوائل آنها عبارت «بِابَاعْبُدَ اللَّهَ الْحَسِين» تکرار شده است . جلو اطاقهای طبقه بالا پنجره ارسی است . ارسیها تمام قاب و آلت ظریف دارد .

در بالای درهای ورودی اصلی ایوانی را گچ بری کرده اند در انتهای این گچ بربیها تاریخ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۹۶ دیده می شود .

دوستون چوبین جلو تکیه خوش تواش و دارای سرستونهای زیبا با نقاشیهای رنگارنگ است .

له بیرونی بنا یک چکش گردان و یک پشته است . زیر این چکش گردانها نیز کنده کاریهایی بر چوب دیده می شود . انتهای این اشعار کنده کاری شده فی شهر محرم الحرام سنه ۱۱۷۹ خوانده می شد .

مرقد سید مهدی گروب<sup>۱۸</sup>

در مقبره کلای بندهای

ملگنوف این مرقد را به نام «سید میر کرام» می شناسد<sup>۱۹</sup> . بنائی است ساده با مسجدی در جلو . راهرو مدخل بقعه هم سطح زمین است که سطح مسجد را به دو قسمت تقسیم کرده که در حدود هشتاد سانتیمتر از کف راهرو بالاتر است . بر دیوار

۱۸ - در طومار منو لیان دوران صفوی نام این امامزاده «سید شرف بن معد یکرب» ذکر شده و تولیت آن در آن تاریخ با سید شرف الدین یورده است . ۱۹ - نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۴ الف .

راهروی بقعه، در این مسجد چهار سنگ قبر است مطالب دوستی آنها از قرار زیر است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيِّ الْأَلَّهِ تَارِيخٍ وَفَاتٍ مَرْحُومٍ  
مشهدی حسین قلی ولد مرحوم مشهدی ابراهیم کلاشی ۱۲۲۰. لَا إِلَهَ إِلَّهُ  
محمد رسول الله علی ولی الله تاریخ وفات مرحوم کربلاشی محسن ولد  
مرحوم آقا عباسقلی فکچالی یوم پنجشنبه غرة محرم الحرام سنه ۱۲۹۶.  
ضریحی مشبك در وسط اطاق مقبره گور سید را پوشانده است درازای آن ۲۷۷  
و بهناش ۱۲۸ و بلندیش ۱۴۶ سانتیمتر است. این آیات و عبارات بر آن خوانده شد:  
بر بالای جدار شرقی ضریح:

الله لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَقُّ - تا - مافی السَّوَاتِ

بر بالای جدار جنوبی:

و مافی الْأَرْضِ - تا - مابین ایدیهیم و مخالفهم ولا

بر بالای جدار جنوبی قسمت دوم:

بِحِيطَنْدَبْشِيءِ مِنْ عِلْمِهِ - تا هُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَهُوَ الْغَنِيُّ بِسْمِ اللَّهِ

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر بالای جدار شمالی: يارب يارب يارب يارب يارب.

بر جدار جنوبی بریکی از پایه‌های وسط ضریح:

باعت و بانی این ضریح گردید عالیشان معلی مکان آقا محمدحسین

زمان.

سنگ قبری در گورستان بقعه است که نام «حلال خوار» که از خاندانهای

قدیمی مازندران است بر آن دیده می شود. عبارات آن از این قرار است:

لَا إِلَهَ إِلَّهُ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيِّ الْأَلَّهِ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانِ تَارِيخٍ

وفات مرحوم و مفترت پناه عباس این مرحوم فربان بش حلال خوار.

قلعه جخرون = موزی کنی<sup>۲۰</sup>

در لمسوکلای بندپی

قلعه جخرون که امروز به نام «موزی کنی» شهرت دارد از کوتیهای بسیار بزرگ و بلند است. بلندی آن در حدود سی متر واراضی بالای آن در حدود دوازده هکتار. این اراضی دراز و کشیده است. در زمان ناصر الدین شاه آثار بنابراین کوتی بوده است. در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی آمده است «قلعه جخرون در لمسوکلا از گچ و آجر ساخته شده حمام و حوض دارد» در قله کوه است. آثار آن باقی است (مجموعه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۲۹ الف). عین این مطالب را محمد حسن خان اعتماد السلطنه در مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۱۴ و ۲۱۵ آورده است.

فک چال کنی<sup>۲۱</sup>

در دهکده فک چال بندپی

خاک ریزی است دستی در حدود سه تا پنج متر ارتفاع و سطح اراضی بالای آن به پنج هکتار می‌رسد. در سالهای اخیر خانه‌هایی بر بالای آن ساخته‌اند.

قلعه کوبی سرا

در اراضی دهکده کوبی سرا بندپی

کوبی سرا کنار رو دخانه «سجدرود<sup>۲۲</sup>» است. بر بالای کوهی که مشرف به این آبادی است، آثار قلعه خرابه‌ای پیداست. در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی آمده است «از قلعه‌های بندپی قلعه کوبی سرا است در قله کوه از گچ و آجر ساخته شده و همه لوازم را دارد.<sup>۲۳</sup>»

قلعه‌ای قدیمی

در دهکده عموان بندپی

این قلعه از گچ و آجر در قله کوه است.<sup>۲۴</sup>

۲۰- بکسر فاء و کاف. ۲۱- بکسر سین. اهل دیوان به نام «سجاد روود» می‌شناسند.

۲۲- مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۹ الف.

قلعه‌ای قدیمی

در خشت رود بی

در خشت رود بی بند بی قلعه ایست که از گچ و آجر ساخته شده است.

باغ عبدالحسین خانی

در نشل ۵۶ از دهکده‌های بند بی

باغی است با درختان کهنسال میوه و دیواری بلند از سنگ و گچ که فعلاً  
اراضی آن محدود شده و روی در خرابی دارد. بانی این باغ منصور لشکر است که  
حاکم این صفحات بوده است. نشل در تابستان مرکز حکومت بیلاقی بوده است.  
منصور لشکر<sup>۱۰</sup> باغ را بدیعقوب بیک و مشهدی جعفر فروخت و فعلاً در دست وارت  
ایشان است.

مبان این باغ بنائی مستطیل شکل از چوب است که اطراف آن پنجره‌های  
ارسی دارد. درازای اطاق پنج دهانه پنجره ارسی و در پهنه‌ای آن سه دهانه پنجره  
ارسی است. درازای بنا ۵۷۵ و پهنه‌ای آن ۳۴۵ سانتیمتر است (عکس شماره  
۱۶۴ و ۱۶۵).

مسجد جامع یا مسجد محمد تقی خان

در نشل از دهکده‌های بند بی

بر جرزهای دو طرف مسجد گچ بریهای ظریف است (عکس شماره ۱۶۶).

مقداری از کتبه‌ای قدیمی مسجد به خط نستعلیق در دو ردیف بر دیوار غربی بدین شرح  
باقی است:

..... جایگاه بسالت انتبه محمد تقی خان بند بی وقف نعمود ملک وانده و  
نصفه ملک میدانک که از منافع صرف خرج این مسجد شود به لغت خدا گرفتار  
شود که ضبط موقوفات مزبور می‌نماید. بسر کاری امامقلی بیک و به استادی اسماعیل

۲۴- بکسر نون و شین ۲۵- میرزا علی خان پدر میرزا ابوتراب خان سرتیپ  
معروف به منصور لشکر.

این سمت انجام [پذیرفت] تحریرا فیشور رجب المرجب ۱۲۵۷ مشقہ میرزا محمد قاضی . برزلوی مسجد نیز نام «مسجد محمد تقی خانی» دیده می شود که مخصوص این مسجد باشد .

دفتر لی<sup>۶۷</sup>

## در یک کیلومتری شمال دهکده نشل

بر سمت راست آب نشل<sup>۶۸</sup>، رشته کوهی بلند و بر پر تنگاه است . تقریباً سراسر این رشته بند است و گذرگاه ندارد . در میانه بند غاری است که در محل به نام «دفتر لی» شناخته می شود . معروف است پادشاهی کتب و نوشته های خود را برای حفاظت در آنجا قرار داده است .

## سه کاروانسرا

## بر سر راه نشل به لزور (لزیر)

راه نشل به لزور از راههای قدیمی است . این راه از نشل به گروه (بکسر گاف) ، بر زنه (=ورزن) (بغضن باء وزاء) ، اسکندر بن (بکسر الف وفتح کاف وکسر راء و فتح باء) ، رباط اول که در اراضی کتووزان (فتح کاف وواو) که آبریز آن به طرف نشل است و جزو اراضی این دهکده به حساب می آید . میهون رباط (میان رباط) در اراضی «وردو او» (کنار دو آب) است و میان این دو گعبوج بیش از دو کیلومتر فاصله نیست . رباط سوم نیز در اراضی «وردو او» است ، ورد او ، زرس (فتح زاء و کسر راء و فتح سین) ، چفت (فتح ج) ، دله میون (فتح دال) ، پنیرون ، کاریز ، لزور (=لزیر) ، اهنز ، شاد میهن ، ارجمند ، ظاهرآ این راه قدیمی از مشهد مر (بابلسر) به بازار فروش ده (بابل امروز) واز آنجا به بندی و از آنجا به شیخ موسی واز شیخ موسی به بر زنه ولزور و ارجمند و فیروز کوه می رفته است . این سه رباط یا گعبوج بر سر این

۶۷- بفتح دال و سکون ناء و کسر راء به معنی دفتر و کتاب است و «لی» در لغت محلی به معنی سوراخ و غار است .

۶۸- شعبه ای از این رو دخانه از بیلاق درسم در جنوب و

شعبه دیگر از مرانع واذک در مشرق نشل می آید .

راه قدیمی ساخته شده بوده است. مسیر این جاده بیشتر در کنار آبی بوده که به بندبی می رود و به سرچه رود و سچه رود (سجاد رود) (فتح سین و کسر دال) معروف است.

### قلعه پیل باهان

بر سر کوه پیل باهان

بر سر راهی که از نشل به لزور (لزیر) می رود و از رباطها (کمبوجها) می گذرد،  
بر سمت راست این راه کوهی سر کشیده است بر بالای آن آثار قلعه‌ای قدیمی است.  
امروز کوه بی بی گویند.

### خانه‌های قدیمی

در دهکده نشل بندبی

در دهکده نشل، خانه‌های قدیمی با تالارها و پنجره‌های ارسی نسبه زیاد است  
از آنها می توان منزل جمشید سلیمان تبار را نام برد که پنجره‌های ارسی تالار آن تقریباً  
سالم بود (عکس شماره ۱۶۷). منزل قوام الدین سلیمان تبار نیز پنجره ارسی همانند  
منزل جمشید سلیمان تبار داشت.

### راه نشل به لاسم

نشل، خرم،<sup>۲۹</sup> پردر،<sup>۳۰</sup> رسم،<sup>۳۱</sup> لاسم.<sup>۳۲</sup>

راه نشل به بايجان از راه لوت

نشل، پردر تنگه،<sup>۳۳</sup> کنوچال،<sup>۳۴</sup> موزون، الفش،<sup>۳۵</sup> ویارک، تلر،<sup>۳۶</sup> لوت،  
بايجان که کنار آب هر از است.

---

۲۹- بکسر خاء و راه.	۳۰- فتح پ و دال
سین.	۳۱- فتح راه.
	۳۲- فتح ب.
	۳۳- فتح کاف.
	۳۴- فتح الف و فاء.
	۳۵- فتح ناء.

نشخ خانه  
در گورستان دهکده نش

بنایی است هشت ضلعی از سنگ و چوب که هر ضلع آن ۱۱۵ سانتیمتر است.  
دری کوچک دارد که قفل بود و از کلید آن نیز نشانی نبود از اینجهت داخل بنا دیده  
نشد. سقف بنائگردی توسری خورده است (عکس شماره ۱۶۸).

گورستان  
در دهکده نش

سنگ قبری که حاکمی از زلزله سال ۱۳۳۶ شمسی است در این گورستان بندیان  
شرح دیده شد :

۱۳۳۶ شمسی

آرامگاه ابرج ولد مرحوم مشهدی عنایت سلیمان تبار نشانی در سال  
زلزله زیر حوار [آوار] بیست و نهم بهمن ماه قدیم به رحمت خدا پیوست.

۱۲۹۰

مشهدی سلیمان ازابی      لا اله الا الله محمد رسول الله علی و لی الله

۱۳۳۰

نهال عمر جوانی زدم به خاک سپاه      اقول اشهد ان لا اله الا الله  
تاریخ وفات مرحوم غلامعلی ولد مرحوم استاد حسن رضائی .

سنگ دیگری مورخ بیست رمضان ۱۳۲۲ شمسی بود .

سنگهای سائیده و فرسوده مورخ ۱۲۴۱ و ۱۲۵۹ و ۱۲۹۲ و ۱۲۶۵ نیز در این  
گورستان بود که مطالب آن درست خوانده نمی شد.

خرابا شهري قدسي در آيندان  
 برسر راه دهکده شيخ موسى به نشل پس از اينکه  
 از تنگ خارج شدیم طرف دست چپ تپه عظیمی است که  
 برداشهای آن و سمت راست آب این دره سفال و آجر  
 فراوان دیده می‌شود. از قبوری که در این تپه است، دستبند  
 و گردنبند و کوزه‌های سفالین بیرون آورده‌اند. سنگ قبری  
 در لیس که نزدیک آیندان است دیده شد. این سنگ را از  
 آیندان بدینجا آورده بودند. طول این سنگ ۷۷ و پهنه‌ای آن  
 ۴۶ سانتی‌متر است. برایک طرف آن این علامت و طرف دیگر  
 آن خطی بود که هیچ خوانده نشد (عکس شماره ۱۶۹).

امامزاده عبدالله

در دهکده شيخ موسى از دهکده‌های بندی

مرقد امامزاده عبدالله در بنائی هشت ضلعی با بامی سفالپوش است (عکس  
 شماره ۱۷۰) صندوقی بعده از ای ۲۴۴ و پهنه‌ای ۱۲۳ و بلندی ۱۳۸ سانتی‌متر مرقد را  
 پوشانده است. بر قسمت بالای بدنهٔ شرقی این صندوق آیات و عبارات زیر است:  
 بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين أنا فتحنا لك فتحاً مبيناً اللهم اغفر  
 لنارا قم الاحروف كلب آستان امامزاده واجب التعظيم محمد فیروز جاهی  
 بر حاشیة بالای بدنهٔ جنوبی صندوق:

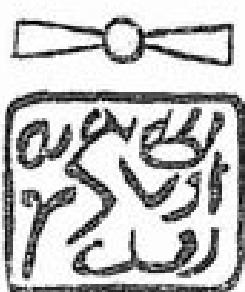
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ الْقَيُومُ - تَأْمُنْ عَلَيْهِ الْأَبْعَادُ

بر حاشیة بالای بدنهٔ غربی:

و سع کرسی السموات والارض - تَأْمُنْ عَلَيْهِ سَمِيعُ عَلِیمٍ

بر میان بدنهٔ جنوبی:

بسی و اهتمام سعادت ما بان آخوند ملا خليل الله متولی و آخوند  
 ملا آقا متولی مزار و به حمایت طایفهٔ فیروز جاهی و به نجاری استاد عباسقلی



نگارباشی تمام شد حرره ابراهیم فیروزجاهی ۱۴۰۶ .  
نیمه‌ای از صندوق کنده کاری دارد و خط کتیبه‌های آن خط نستعلیق خوش است.  
در ورودی بقعه دولنگه‌ای است و بلندی آن به ۱۱۵ سانتی‌متر می‌رسد بربانوها  
کنده کاری و متن در قاب و گره است. بر قسمت بالای لنگه سمت راست عبارات زیر  
حک شده است :

عمل استاد عباسقلی واستاد علی اکبر غفران

برپاسار پایین همین لنگه :

حرره موسی ولد ابراهیم فیروزجاهی فی سنہ ۱۳۱۸

برپاسار بالای لنگه سمت چپ :

نصر من الله وبشر المؤمن

برپاسار پایین همین لنگه :

البانی الحفیر آقا اکبرفضل الله کاظم بن رضا قلی .

#### زیارت شیخ موسی<sup>۲۷</sup>

در دهکده شیخ موسی از دهکده‌های بندی

زیارت شیخ موسی نزدیک امامزاده عبدالله و تقریباً منصل به آن است . مرقد  
شیخ موسی در اطاقی مستطیل شکل است که یکی از درهای آن به مسجدی بزرگ  
باز می‌شود . ضریح مشبکی در وسط اطاق است که بر چهار حاشیه بالای آن آیة الکرسی  
به خط نسخ حک شده است . در آخر آیات این عبارات خوانده می‌شود :

این ضریح<sup>۲۸</sup> منور مطهر حاجی شیخ موسی را فم الحروف<sup>۲۹</sup>

۱۳۱۰ - آحمد

بر در دولنگه‌ای ورودی شیخ موسی آیة الکرسی از ابتدا تا انتها حک شده و

۲۷- ملحوظ از بقیه شیخ موسی نام برده است (نسخه عکسی ملحوظ ص ۸۲ ب) .

۲۸- اصل : دریح . ۲۹- اصل : الحرف .

بر لنگه سمت راست و حاشیه بالای آن این عبارات خوانده می شود :  
**بسم الله الرحمن الرحيم هو الله تعالى و انه لله نستعين الامر اليه**  
[کذا]

بر پاسار وسط لنگه سمت چپ عبارات زیر حک شده است :  
**البانی آفا اکبر و فضل الله و کاظم ولد آفارضائل فیروز جاهی عمل**  
**استاد عباسقلی و علی اکبر و ابراهیم سنّة ۱۳۱۸ کاتب ازلطف خداوند کریم**  
**همت موسی ولد ابراهیم فیروز جاهی ۱۳۱۸**  
در مسجد متصل به بقعه شیخ موسی سنگ قبری بر دیوار نصب است، در ازای  
آن ۴۵ و پهناش ۳۰ سانتیمتر است. این عبارات بر آن خوانده می شود:  
**بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله محمد رسول الله علي ولي الله**  
**کل من عليها فان تاريخ وفات مرحوم شرف الحاج حاجی باباخان سلطان**  
**ولد مرحوم آقا جان سلطان فیروزی سنّة هزار و سیصد و پنجاه فی شهر**  
**فروزدین قدیم**

#### محله‌ای اطراف شیخ موسی

- ۱- لهه (بکسر لام و هاء) ۲- لنی (بکسر لام) ۳- پریجون (فتح پ) ۴-
- استه چال (بکسر الف و تاء) ۵- تراجه (فتح تاء و تشديد راء) ۶- سبزخمن (بکسر زاء و ضم خاء وفتح ميم) ۷- شاه لینگه چال ۸- نیراسب (بکسر نون و سکون یاء) ۹-
- دزدآفاین (بضم باء) ۱۰- چلباسر (بکسر ج و تشديد لام) ۱۱- انبیجان (فتح الف)
- ۱۲- سلهین (بکسر سین و لام و یاء) ۱۳- ونهین (فتح واو و کسر باء).

#### حشم جای (علف چرخا)

- ۱- شال در گا (فتح دال) ۲- اسبو (بکسر الف) ۳- کمر بشت (فتح کاف و ميم و کسر پ) ۴- کنیو گ (فتح کاف) ۵- وسیه (بکسر واو) ۶- کت بلی (فتح کاف و پ) ۷- خینو (فتح خاء) ۸- کنراچال (بکسر کاف و سکون تاء) ۹- سیو جی .

امامزاده حسن بن موسی الكاظم عليه السلام

بر بالای کوهی به نام وسو<sup>۲۰</sup> از کوههای بندی

راهی که از آلاشت به امامزاده حسن می‌رود، از نقاط ییلاقی زیر می‌گذرد:  
زیهون، زرشت بکوشت،<sup>۲۱</sup> هلن،<sup>۲۲</sup> سنگهرج<sup>۲۳</sup> که آبادی کوچکی است  
گردنه وسو، کمرپشت،<sup>۲۴</sup> تورکش،<sup>۲۵</sup> و امامزاده حسن.

بنای این امامزاده هشت ضلعی و گنبد آن کلاه درویشی است. مصالح اصلی  
بنا سنگ و گچ است که از ترویرون سفیدکاری کرده‌اند. محیط این هشت ضلعی بالغ  
بر نوزده متر است. کفش کنی به طرف شرق دارد. در کفش کن و در ورودی امامزاده  
شرقی است (عکس شماره ۱۷۹). صندوقی چوبین ساده در وسط بناست. در قدیمی  
بنا را در سال ۱۳۵۰ شمسی کنده بودند و به جای آن دری آهین گذاشته بودند (عکس  
شماره ۱۷۲). مطالبی که براین در دولنگه چوبین حک شده است از این فراراست:

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

انا فتحنا لك فتحا مينا

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

و بنصرك الله نصرأ عزيزا

بر پاسار دوم لنگه سمت راست :

بعهد خسرو جم جاه ناصر الدين شاه

بر پاسار دوم لنگه سمت چپ :

تمام شد در این آستان عرش پناه

بر پاسار سوم لنگه سمت راست :

کرده نجاريش عباسقلی

۲۰- بفتح واو وضم سین وتشدید آن. این کوه شامل بازویی است که آبریز غربی آن به  
طرف لفور و آبریز شرقی آن به طرف آلاشت است. ۲۱- بکرزاه وراء وفتح باه.  
۲۲- بفتح هاء ولاه. ۲۳- بفتح راء. ۲۴- بکسر پ. ۲۵- بفتح کاف.

برپاسار سوم لنگه سمت چپ :

هست استاد مبارک مقدم

برپاسار پایین لنگه سمت راست :

در آن دم که بوده است ایام خوش

برپاسار پایین لنگه سمت چپ :

هزار و دویست بود وهفتاد و شش

بربانوی سمت چپ و بانوی سمت راست لنگه سمت راست :

ای درت قبله ارباب کرم پشت گردون بی تعظیم تو خم

آفتاب از بی تعظیم درت هر سحر بر کشد از شرق علم

قدسیان بهر طوف در تو نشانند سر از پا و قدم

خادمان حرمت را باشد فخر بر خیل عرب تا بعجم

بهر طوف حرمت خیل ملک روز و شب بسته کمر همچو خدم

بربانوی سمت راست و بانوی سمت چپ لنگه سمت چپ :

هست چون کعبه حريم تو ولی خارجی را نبود ره به حرم

بارگاه تو بود همچو صفا چشمہ بارگهت چون زمز

پادشاهان بدتر محتاجند چون فقیران و اسیران بدترم

شعر و نقاشی و خطرا ای شه کرد میرزا نتی از صدق رقم ۱۲۷۶

بانی در شده حاجی جعفر ای شهنشاه جهان فخر ام

کتبیه این دولنگه به خط خوش نستعلیق است و هر دولنگه کنده کار بهای ظریف

دارد (عکس شماره ۱۷۳) .

مجددی نظر گرده

در فیل بند بندی

فیل بند از دهکده های تابستان نشین است و مانند بیشتر مرکز گله داری در فصل

تابستان پر جمعیت و در فصل پائیز وزستان کمتر کسی در این دهکده باقی می ماند.

نزدیک این دهکده مسجدی است که گالشان و گله داران نام وسائل مورد نیاز تابستانی خود را از چادر و ظروف مسینه و سفالینه در این مسجد بی در و دریند می گذارند و خود به دشت مازندران می روند و معتقدند کسی از این مسجد نمی تواند چیزی بذرد و اگر کسی چنین کرد جان مالم بعدر نخواهد برد (عکس شماره ۱۷۴).

#### باقی بناها و آثار تاریخی بندپی

- ۱- قلعه لسر کلا<sup>۴۶</sup> در دو فرسنگی شیخ موسی کنار آب رو به شمال.
- ۲- قلعه باقیه در یک فرسنگی لسر کلا رو به شمال کنار آب.
- ۳- سد قدیمی پادشاهی نزدیک قلعه باقیه.
- ۴- امامزاده ابوالحسن در گنج کلای<sup>۴۷</sup> بندپی.
- ۵- امامزاده‌ای در سنگوش محله بندپی.
- ۶- امامزاده‌ای در خواجه کلای<sup>۴۸</sup> بندپی.
- ۷- قلا بالای سرده نسل بندپی.
- ۸- امامزاده هزار حال نزدیک اندوار بندپی.
- ۹- امامزاده‌ای در گبود کلا از دهکده‌های بندپی.
- ۱۰- امامزاده عباس در دهکده‌ای به معن نام از دهکده‌های بندپی (نسخه عکسی ملگنوف ص ۸۴ ب)

- ۱۱- امامزاده شاه رضا در احمد کلای بندپی. از راه پادشاهی به احمد کلا می روند.
- ۱۲- امامزاده خوجه در ساولک بندپی به تولیت سید نور الله (طومار متولیان) مسفوی).
- ۱۳- بر جی قدیمی در گربوده بندپی.

۴۶- بفتح لام و سکون ميم وفتح سين. ۴۷- گنج کلاده از بخش بندپی با بل ۲۶ کیلومتری جنوب با بل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲). ۴۸- خواجه کلا، ده از بخش بندپی شهرستان با بل ۲۷ کیلومتری جنوب با بل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲).

- ۱۴- برجی قدیمی در ورزنه بندپی .
- ۱۵- تپه شاه نشین در دهکده آری بندپی کنار سرچه زود (سجادروود) بر سر راه این تپه آجرهای قالب بزرگ نظیر آجرهای دوران ساسانی است .
- ۱۶- تپه‌ای قدیمی در ضلع دارکلای بندپی کنار جاده جدید .
- ۱۷- قلعه مرزنگ نزدیک مرزنگ و گر درودبار (گر درودبار ده از بخش بندپی شهرستان بابل ۴۳ کیلومتری جنوب بابل ، فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .
- ۱۸- تپه صورت در دهکده صورت . از راه قدیم آمل به حمزه کلای شش پل و از آنجا به صورت می‌رود . صورت ، ده از بخش بندپی شهرستان بابل ۲۱ کیلومتری جنوب بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) اراضی اطراف تپه شالی زاری اسفندیارخان پهلوان داماد امیر مکرم است .

بخش سوم

## بناهای و آثار تاریخی شاهی (علی‌آباد) و اطراف آن



### مختصری از جغرافیای شاهی (قالم شهر)

شهرستان شاهی از شمال به دریای مازندران، از مشرق به شهرستان ساری، از مغرب به شهرستان بابل و از جنوب به رشته جبال البرز محدود می‌شود. این شهرستان بدوا بخش مرکزی و سوادکوه تقسیم می‌شود. بخش مرکزی شامل دهستان به شرح زیر است:

- ۱- علی آباد. ۲- بالانجن. ۳- بابل کنار. ۴- تالاری. ۵- کیا کلا. ۶- نو- کند کا. ۷- بیشه سر. ۸- کار کنده. ۹- گیلخواران. ۱۰- مشک آباد.

شهر علی آباد (شاهی) که سابقاً دهکده‌ای بیش نبود از اتصال آبادی‌های: کوچک سرا، کتی سرا، آب بندان سر، حسین آباد، سید محله، برب محله، مجاور محله (ترک محله)، کبریت محله) تبدیل به شهری نسبه آباد شد و در سال ۱۳۱۴ نام آن به دستور رضاخان از علی آباد به شاهی تغییر کرد.

سوادکوه از شمال به بخش مرکزی شاهی و از جنوب به فیروزکوه و از مشرق به بخش دو دانگه ساری و از مغرب به بخش بندی بابل محدود می‌شود و شامل پنج دهستان است به این شرح:

- ۱- ولوپی. ۲- راستوبی. ۳- لفور. ۴- کسلبان. ۵- شبرگاه.

### ۱- بناها و آثار تاریخی شهر شاهی (علی‌آباد) و قرالارپی

قصر شاه عباس

در بازار علی‌آباد

شاه عباس در اینجا قصری ساخته و آنرا به سیلهٔ باعثی آراسته بود. راه پشته‌های عمدۀ این قصر از میان علی‌آباد می‌گذشتند است.<sup>۱</sup>

امامزاده‌ای

در علی‌آباد (شاهی)

سید ظهیر الدین در این دهکده (امروز شهری است) از بقعه‌ای نام می‌برد که زیارتگاه اهالی اطراف آن بوده است. این زیارتگاه تا امروز باقی است.<sup>۲</sup> (زمان رابینو ۱۳۳۰ قمری)

امامزاده‌ای که قدمت آن تا زمان سید ظهیر الدین (۸۸۱ قمری) بر سر در شهر شاهی امروز شناخته نشد.

میر تیمور نیز از امامزاده‌ای در علی‌آباد یاد می‌کند که نام و جای آن شناخته نیست.<sup>۳</sup>

در طومار متولیان دوران صفوی در شمال ایران نامی از «مزار در رویش محمد واقع در علی‌آباد» به میان آمده است. در محل پرسش کردیم چنین بقعه‌ای را نمی‌شناختند. ظاهراً در طول زمان از میان رفته است.

امامزاده یوسف رضا<sup>۴</sup>

در محل هلال احمر علی‌آباد

بنای اصلی بقیه دو نوسازیهای زمان رضاخان از میان رفت، چنان‌قديمی آن باقی است که فعلاً در محوطهٔ شیر و خورشید سرخ است و مردم شهر هنوز برای زیارت به پای چنان می‌آیند این چنان عظیم را، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران باشماره

۱- سفرنامۀ مازندران و استرآباد رابینو متون انگلیسی ص ۱۲۰ . ۲- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۱۹۳ . ۳- در طومار متولیان دوران صفوی از این امامزاده یاد شده و تولیت آن در آن تاریخ با مولانا مرتضی بوده است .

محلی یک و شماره عمومی شانزده جزء ثبت درختان کوه آورده است.

#### امامزاده حمزه در بربری محله شاهی

بنای قدیمی را خراب کرده‌اند و بنائی نوساز به جای آن ساخته‌اند از آثار هنری و تاریخی چیزی در این امامزاده نیست. در گورستان اطراف بقیه یک اصله درخت آزاد و یک اصله درخت موزی است.

#### امامزاده اسماعیل در گورستان شهر شاهی (علی‌آباد)

امامزاده اسماعیل در وسط فضای وسیع گورستان شهر است در این محوطه درختان شار و گرد و انگور و آزاد و درختان دیگر است. درخت آزاد کهنسالی که گردانگرد نه آن ۵۳۰ سانتیمتر است نزدیک بقیه است. در این بقیه آثار تاریخی و هنری وجود نداشت.

#### قلعه علی‌آباد

در مجلد پنجم از مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی شرحی از این قلعه آمده است ولی از جای قلعه یاد نکرده است.<sup>۵</sup> در محل تحقیق کردیم اطلاعی نداشتند. آقای نصرالله علی‌آبادی حدس زدند که جای آن بر سرتپه نزدیک به «چاله زمین» بوده است. خاک ریز این قلعه تا امروز بر جای است و قسمتی از اراضی آن با غ مرکبات آقای ناصر علی‌آبادی است. ارتفاع این خاکریز در حدود هشت متر و سطح بالای آن به ۲۵۰۰ متری رسید. قسمت جنوبی آن کنار خیابان افتاده، خاک آن را کنده و برده‌اند. طبقه‌ای سوخته که ظاهرآ بر اثر آتش سوزی قلعه به وجود آمده است با خشتهای گلفت قدیمی دیده شد.

در طومار متولیان امامزاده‌های مازندران در دوران صفوی از «امامزاده سید

۵- مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف.

نصرین سید محمد نام بردۀ‌اند و محل آنرا «واقع در بالا دشت علی‌آباد» باد کرده‌اند. از این امامزاده امروز اثری بر جای نیست و دهکده‌ای به نام «بالا دشت» در حومه علی‌آباد نمی‌شناسیم. تولیت این امامزاده در آن تاریخ با «مولانا علی» بوده است.

#### امامزاده اسماعیل

در ساروکلا از دهکده‌های علی‌آباد

در حدود ده سال است که بنای اصلی را بهم زده و نوسازی کرده‌اند.

#### سید محمد

در قادی‌کلای بزرگ از دهکده‌های علی‌آباد

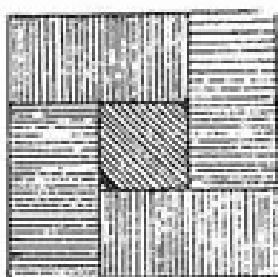
بنای ناقص بدون سقف بود و هیچگونه آثار تاریخی و هنری نداشت. درختان آزاد کهنسال اراضی اطراف آن به ترتیب ۴۸۰ و ۵۱۰ و ۵۱۵ و ۵۵۰ سانتیمتر گردانگرد تنه‌آنها بود.

#### سید حیدر

در باغ دشت (باشت) علی‌آباد

بعدهایست چهار گوشه با بامی سفالپوش. صندوقی که ساختمان آن از قاب و آلت است در وسط بنامست که این نقش بر بدن‌های آن تکرار شده است:

مسجدی متصل به بقعه است که پنجره‌های ارسی رنگی دارد. پنجره‌ها و محفظه‌های بالای آنها قاب و آلت است. قابهای چهار گوشه پنجره‌ها رنگهای آبی و نارنجی و سفید و سیاه دارد. در قابهای محفظه‌هارنگ سیاه به کار نرفته است. درختان آزاد و موزی کهنسال در محوطه پشت بقعه زیاد است.



**درویش موسی**

**بر تپه بینا ملازم کاج حومه علی‌آباد (شاهی)**

تپه‌ای که بقعه درویش موسی بر آن ساخته شده است، از تپه‌های قدیمی و بلند حومه علی‌آباد (شاهی) است. در شمال غربی بقعه، این تپه ارتفاع بیشتری داشته است که در سال ۱۳۴۹ ه. ش. مرحوم حاجی رحمت اعظمی علی‌آبادی بدون کسب اجازه از مقامات صلاحیت دار این قسمت تپه را با «بولدزره» تخریب و صاف کرده است. آجرهای فراوان دوران ساسانی از این قسمت به دست آمده که دو سه فالب ناقص آنها در زیر درخت آزادی که در بالای تپه است دیده شد. قطر آجرها ده سانتیمتر و جانب سالم آن ۳۳ سانتیمتر و جانب دیگر ظاهرآ درازتر و شکل مستطیل داشته‌اند.

ترکیب نام این تپه عجیب و نامفهوم است. ظاهراً نامی قدیمی بوده که بر اثر از دست دادن معانی اجزاء کلمه بدین شکل درآمده است. نود هکتار زمین تپه و اراضی زیر دست آن ملک وقف درویش موسی است. بر بالای تپه در حدود ۲۵ اصله درخت آزاد قطور است و در جنوب تپه توسکاگله است که در وسط شالیزار می‌افتد و جزء موقوفات این بقعه است.

بقعه درویش موسی شامل بنای اصلی و مسجد وابوان است (عکس شماره ۱۷۵).  
بنا اصلی بقعه چهار گوش است و صندوقی به درازای ۲۳۰ و پهنای ۱۰۴ و بلندی ۷۷ سانتیمتر وسط بناست.

بدنه شمالی صندوق شامل هفت قسم است که چهار قسم کتبیه و سه قسم نقش‌کنده کاری است.

بر کتبیه دست راست عبارات زیر حک شده است:

السلام على أهل لا إله إلا الله والتحية عليهم

بر کتبیه دوم:

عمل استاد علی بن حسن نجار فی سنّة سبع اربعین وثمانمائة

بر کتبیه سوم:

هذا مرقد المرحوم موسى ابن احمد من سلطانيه

بر کنیه چهارم:

اللهم ارحم واغفر لاهل لا اله الا الله لنفضلك (عکس‌های شماره ۱۷۶ و ۱۷۷).

عبارات و کنده کاریهای که بر بدنه شرقی است، شامل دو کنیه در دو طرف و نقشی در وسط است.

کنیه اول:

اللهم اغفر سأله وادخله تحت جنبانه

کنیه دوم:

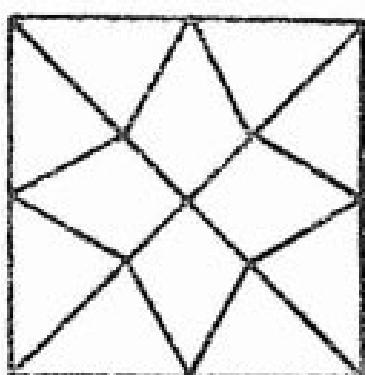
اذ اتبر وافی الامور استعينوا اهل القبور

بدنه جنوبی شامل هفت قسم است که دو قسم طرفین مشبك کاری و مابقی نقش کنده کاری است.

بدنه غربی شامل سه قسم است که دو قسم طرفین مشبك کاری و وسط نقش کنده کاری است.

چهار قبه صندوق را با اینکه کهنه‌های آن در رف بقعه بود، تعویض کرده و قبهای نو به جای آنها گذاشته بودند.

در ورودی بقعه قدیمی و از تخته‌های قطعه  
ساخته شده است که بهم کم وزبانه کرده‌اند.  
این نقش در تمام سطح دونگه تکرار می‌شود.  
مسجدی جلو بنای اصلی است و ایوانی  
که دو طرف راست و چپ آن سکو مانند است  
در جلو مسجد ساخته شده است.  
بالای سر در ورودی پنجره نورگیر مشبك  
چوبین است (عکس شماره ۱۷۸).



مشهد چمنو - مشهد چمنو - مشهد چمنون  
در دهکده چمنون (جبان) از دهکده‌های علی‌آباد

این بقعه امروز به نام امامزاده چمنان معروف است. سید ظهیرالدین روز یکشنبه پانزدهم شعبان سال ۸۹۲ این محل را زیارت کرده است و در باره آن می‌نویسد «روز یکشنبه پانزدهم شعبان به ولایت علی‌آباد (شاهی) نزول واقع شد. و مشهد مبارک چمنو را زیارت کرده و آستانه رفیعه را به لب ادب ملثوم گردانیده آمد.»<sup>۱</sup>

سید ظهیرالدین در جای دیگر می‌گوید:  
چمنو دهی است از ولایت ساری و مشهدی از سادات عظام آنجاست  
و آن مقام را زیارت می‌کنند.<sup>۲</sup>

سید ظهیرالدین باز می‌گوید:  
از ساحل بحر به چمنو رسید<sup>۳</sup>

در تاریخ طبرستان منسوب به این اسفندیار آمده است:  
آرم و چمنو وتلار واهم را به نان او پدید کرد.<sup>۴</sup>  
در تاریخ خاندان مرعشی این نام دوبار به شکل «چمنو» و سه بار به شکل «چمنون»<sup>۵</sup> یاد شده است.

رأیتو می‌نویسد:  
مشهد چمنو یا چمنو چنانکه سید ظهیرالدین نوشته است بقعاً است  
که مدفن سادات است و زیارتگاه اهالی است.<sup>۶</sup>

۱- تاریخ گیلان و دیلمستان ص ۴۶۴ .      ۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۰۲ و تاریخ رویان ص ۶۷ .      ۸- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۲۰۶ .  
۹- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۶۲ .      ۱۰- تاریخ طبرستان ج ۲ صفحات ۱۲۴ و ۸۶ .  
۱۱- تاریخ طبرستان ج ۲ صفحات ۷۹ و ۸۱ و ۱۶۴ .      ۱۲- سفرنامه مازندران و استرآباد متن انگلیسی ص ۱۲۲ .

زیارتگاه جمنان چنانکه امروز می‌گویند در کنار شهر شاهی در فاصله دو کیلو متری است و در فاصله پانصد متری دهکده جمنان، دهکده فولادکلا است. در اطراف زیارتگاه جمنان درختان کهنسال آزاد است که دال بر قدمت زیارتگاه است. داخل بنای زیارتگاه آثاری که دلالت بر هویت صاحب با صاحبان قبر کنده است، معروف است که اینجا قبر سید نظام است، بنا شامل یک اطاق اصلی و یک ایوان است و سقف آن تخته کوبی و بام سفال سراست.

**مهجوری می‌نویسد:**

چمنر یا جمنان دیهی نزدیک شهر شاهی است.<sup>۱۲</sup>

در بازدیدی که در شهر یور ۱۳۵۶ از این بقیه به عمل آمد، بنای قدیمی را بکسر خراب گردید بودند و با سیمان و موzaïek و درهای آهنین بنای نوسازی ساخته بودند که شباهت به همه چیز داشت جز بنائی مذهبی و مقبره‌ای قدیمی، این بنای جدید در محوطه بسیار وسیعی است که در حدود صد و بیست اصله درخت اطراف آن است. درختان آزاد این محوطه قدیمی است، قدیمی ترین آنها سه درخت نزدیک به بنای بقیه است که بترتیب ۷۰۰ و ۶۰۰ و ۵۰۰ سانتیمتر اگر دته آنهاست.

### پل چمنو

در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران سید ظهیر الدین از پل چمنو یاد شده است.<sup>۱۳</sup> در تاریخ طبرستان ابن اسفندیار این پل به نام پل چمنویه آمده است: برای پل چمنویه و باول رود زر به خروارها ریخته بود و پارو در میان زده تا بر عمارت صرف کنند تا به هیچ موضع که آن آب رود به جمله طبرستان کوه و دشت و شهر و رستاق نگذاشت که از خشت و آهک پل نکرد.<sup>۱۴</sup>.

۱۲- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۱۸۲-۱۴- ص ۲۰۵.

۱۳- خشت به معنی آجر است. تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۱۰۵.

این پل که ظاهراً در ایام گذشته از میان رفته بود، به جای آن سه تیر انداخه بودند و بعدها معروف به پل سه تیر شده است و امروز از آن پل سه تیر هم نشانی بر جای نیست.

### حمام قدیمی جمنان

حمامی است از آجر، سرینه‌ای چهار گوش بـاچهار صفحه که بر سر هر صفحه طاقی با هلال شکسته زده‌اند. گرمخانه دارای خزانه‌آب گرم و خلوت خانه‌ها و نور و کش خانه و مستراح است.

سه دین در امتداد یکدیگر  
در اراضی پایین جمنان علی‌آباد (شاهی)

دین اول بلندی آن در حدود سی متر از سطح اراضی اطراف و اراضی هموار بالای آن در حدود یک هکتار است.

دین دوم که معروف به «گردکوه» است، بالای آن گنبدی شکل و نوک تیز است. در بالا اراضی صاف و هموار ندارد و ارتفاع آن به هفتاد متر می‌رسد. کمی پایین تر از قله آن حلقه چاهی است که عمق آن معلوم نشد. از این تپه آجرهای قالب بزرگ ساسانی بیرون می‌آورده‌اند. سفال پاره‌های بدون لعاب در شب آن دیده شد. این قسم ظاهراً شاه نشین وارگ ک بوده است و احتمال آن است که زیر این قسم نوک تیز بنا و ساختمانی باشد.

دین سوم در کنار سیاه رود است. بلندی آن پانزده متر و اراضی هموار بالای آن در حدود پنج هزار متر است.

این دینها ظاهراً با هم مرتبط‌اند و اراضی دامنه‌های آنها را افراد ضبط کرده و کشت می‌کنند و به میل خود خاک اطراف آنها را هموار می‌کنند. اخیراً مردمی که نام اورا باکوشش زیاد نیافم کوره آجری ساخته و از خاک دین اول چهل هزار آجر بیرون داده است. طولی نخواهد کشید که این تپه قدیمی محو و نابود خواهد شد.

### کارخانه‌های نیشکر

نزدیک علی‌آباد (شاهی) در دو طرف راه ساری به علی‌آباد

نزدیک علی‌آباد طرفین راه بعضی اطاقهای چپری ساخته بودند که در آنجا شیره نیشکر می‌کشیدند. از چوب هیأت مثلثی ساخته به گردان گاو بسته، طفلی روی چوب نشسته گاورا می‌راند. در وسط آن اطاق، کنده‌ای از چوب نصب کرده، میان کنده‌را مجوف نموده، از سقف اطاق چوبی به جوف کنده گذاشته شده. نیشکر را ریز ریز کرده در آن گودی کنده می‌ریزند. بعد آن چوبی که از سقف آویخته است بر روی خردۀای نیشکر گذاشته، بواسطه طنابی که به این چوب بسته است و سر دیگر آن طناب منتهی و متصل به آن چوب مثلث الشکل شده، آن طفل گاورا رانده، نیشکرها خرد شده‌آب نیشکر از پایین کنده از لوله که نصب به آن است به طرف دیگر می‌ریزد.<sup>۱۰</sup>

### هفت تنان

در نیم فرسنگی پل سیاهروド علی‌آباد (شاهی)

صاحب طرائق الحقائق در رجب سال ۱۳۱۵ در باره این بقعه نوشته است:  
« نیم فرسنگی پل سیاهرود است، بواسطه مدفن معصوم زادگان هفت تنان  
نام دارد ». <sup>۱۱</sup>

### اماوزاده زکریا<sup>۱۲</sup>

در دهکده واسکس علی‌آباد

بنائی است چهارضلعی که سمت چپ آن اطاقی جداگانه است، ضریحی مشبك چوبین در وسط بنا مرقد را پوشانده است. دری کنده کاری ظریف بالشکال هندسی دارد. ایوانی در جلوی بنای اصلی بقعه است. گورستانی قدیمی اطراف بقعه است. در

۱۶- سفرنامه ناصرالدین شاه سفر دوم سال ۱۲۹۲ به نقل از مازندران مهجوی ج ۲ ص ۱۹۱ . ۱۷- طرائق الحقائق ج ۲ ص ۶۴۷ . ۱۸- در طومار منولیان دوران صفوی از اماوزاده زکریا و محل آن یعنی دهکده واسکس نام برده شده است و تولیت آن در آن تاریخ با سید محمدی بوده است .

محوطه گورستان درختان شار و آزاد و درختان سرو دست کاشت و دو اصله درخت چنار کهنسال است. بنای بقعه درست چپ دره ایست، طرف دست راست دره نزدیک به بقعه چشم آبی گوار است.

#### امامزاده یحیی

بر بالای تپه‌ای در دهکده جهنه (جنید) <sup>۱۹</sup> تالاری

بلندی تپه‌ای که امامزاده یحیی بر آن است در قسم وسط به پانزده هکتار متری رسید و سطح بالای آن بالغ بفتح هزار متر مربع است. قسمی از اراضی بالای تپه و شب آن ملک آفای احمد باوند است.

بنای اصلی بقعه چهار ضلعی است و کفش کنی در جلو در ورودی است (عکس شماره ۱۷۹). صندوقی در وسط بنای اصلی است که درازای آن ۲۲۵ و بینایش ۱۲۵ و بلندیش ۱۵۰ سانتیمتر است. بر دو بدنۀ پایه‌های چهار سوی چهار کنج کنده کاری ظریف است که میان گل و بوته‌هارا رنگ زده‌اند. بدنۀ های صندوق قاب و آلت ظریف است. اطراف بقعه گورستان است. در این گورستان درختان کهن گرد و آزاد و آثار فراوان است.

از مردم شنیدم که در کفش کن امامزاده پلنگی دفن است. ابتدا پلنگ را زیارت می‌کنند و سپس به زیارت امامزاده یحیی می‌روند والعهد علی الراوی.

#### پل قدری

میان دهکده‌های پایین رستم واسترآبادی محله از دهکده‌های تالاری

این پل سرراه قدیم ساری بهار فروش (بابل) بوده است (عکس شماره ۱۸۰). مسیر این راه از کوچک سرای به کلاگر محله <sup>۲۰</sup> و پریجا و پایین رستم واسترآبادی محله و اوش تالار و کله میدان <sup>۲۱</sup> و نقیب کلا و موزی گله <sup>۲۲</sup> و سلطان محمد طاهر و سپس

- ۱۹ - جنید، ده ازدهستان تالاری بخش مرکزی شهرستان شاهی ۵ کیلومتری غرب شاهی سه کیلومتری غرب راه شاهی به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲). - ۲۰ - بفتح کاف. - ۲۱ - بفتح کاف. - ۲۲ - بضم کاف.

به بارفروش (بابل) می‌رسد.

این پل آجری قدیمی شامل سه دهانه است. دهانه اصلی بزرگتر و در وسط و دو دهانه کوچکتر در دو طرف است. درازای پل ۲۵ متر و پهنایش دو متر. در دو طرف پل جان پناه است. بلندی دهانه و سطح از سطح آب در شهر بیور ماه ۱۳۵۰ پنج متر تمام است. گذرگاه پل سنگ فرش قدیمی است.

سقانقار تکیه اسپوس  
سرراه دهکده بالا رستم ۲۲ تالاری

این سقانقار، ده ستون لاج نگری دارد. داخل سقانقار نقاشی و رنگ کاری است و مورخ ۱۳۷۴ ه. ق. است.

سید زینوا—سید محمد زرین نوالی  
در جعازگی علی آباد شاهی ۲۲

مصالح اصلی بنا آجر و گچ است. بنائی است چهار گوش که ابعاد آن  $۵ \times ۵$  متر است. بالای بنا را با پر کردن چهار گوش، تبدیل به هشت ضلعی کرده‌اند و گبدهی کلاه درویشی هشت ضلعی بر آن زده‌اند. سراسر بدنه اصلی بنا گچکاری است. در زیر لبه گبده غیر از قرنیسهای دو گنج هر ضلع بازده قرنیس مینه کفتری است و در بالا میان هر دو قرنیس، کاشی نیم یقه‌ی آبی رنگ است. زیر قرنیسها در دو ردیف افقی جدا از هم کاشی کاری است. سقف داخلی بنا نیم کره و گچکاری است. (عکس شماره ۱۸۱).

داخل بنا صندوقی مرقد را پوشانده است درازای آن ۲۷۶ و پهنایش ۱۴۴ و بلندی آن ۹۶ سانتیمتر است. صندوقی است قاب و گره پر کار و ظریف و خوش نقش.

۲۳—بالارستم، ده ازدهستان تالاری بخش مرکزی شهرستان شاهی ۷/۵ کیلومتری شمال غربی شاهی ۱/۵ کیلومتری غرب راه شاهی به بابل (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

۲۴—در فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳ امامزاده زرین نوالی در دهکده هردو روود علی آباد شاهی در سه کیلومتری شمال غربی علی آباد (شاهی) باد شده است.

بدنه جنوی آن به دو قسم اصلی تقسیم شده است. بر تخته‌ای که سمت چپ قسم چپ است آیات و عبارات زیر است:

غفرانک ربنا ولیک المصیر الله لا اله الا هو الحی القیوم - تا -

من ذا الذي

بر تخته وسط میان دو قسم اصلی بدنه جنوی :

یشفع عنده الا بازنه - تا - لا یؤدہ

بر تخته سمت راست از پایین به بالا :

حفظهما وهو العلي العظيم الله ما في السموات وما في الأرض ...

بر تخته راست بدنه غربی از بالا به پایین :

شیء قادر هو الاول والآخر - تا - هو السميع البصير

بر تخته چپ بدنه غربی از بالا به پایین :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو - تا - الخبر وهو

بر تخته راست بدنه شمالی صندوق از بالا به پایین :

بسم الله الرحمن الرحيم كل من عليها فان ويفى ....

بر تخته سمت چپ بدنه شمالی از بالا به پایین :

في ماه ... رمضان المبارك سنة خمس وخمسين وثمانمائة

من عمل استاد فخر الدين بن محمود معروف به ....

بر بدنه شرقی فقط کنده کاری بسیار طریف است و نوشته ندارد .

اطراف بقعه گورستان قدمی و ده اصله درخت آزاد کهنسال است . روزهای

عبد در این محل بازار عمومی و پر رونقی برپا می شود .

سید قائم الدین و سید زین الدین

در روستای شهرود کلایی علی آباد شاهی

بقعه ایست ساده و بنائی مستطیل که بر بالای تپه ای بلند بنا شده که از یک طرف

سلط به دره تالار واژ بک طرف مساطط به دهکده های وسی کلا و واسکس است .

دری دولنگه دارد که از مسجد به بقعه باز می شود. پهنهای هر لونگه ۴۸ و بلندی آن ۱۵۶ سانتیمتر است. برپاسارها و بازارهای آن کنده کاری بسیار درشت است.

بر بازوی راست لنگه راست :

صاحبہ بن شیرزاد قادری غفرالله له لا اله

بر بازوی چپ لنگه چپ :

قیمت رنگ از دررا مسمات

صندوق بقعه مشبك و بدون تاریخ است. اطراف بقعه درختان آزاد کهنسال و گورستانی قدیمی است.

امامزاده موسی

در روستی کلاهه علی آباد (ناحیه - قائم شهر)

بقعه‌ای ساده بوده است که اخیراً نوسازی کرده‌اند. تنها اثر تاریخی آن در ورودی بقعه است که پهنهای هر لونگه ۴۸ و بلندی آن ۱۹۲ سانتیمتر است و کنده کاریهای درشت و ناهموار و بدخط دارد. عبارات زیر بر تکه وسط لنگه چپ است :

اللهم صل على مصطفى محمد والمرتضى على والبتول فاطمه  
والسبطين الحسن والحسين وصل على زين العباد على والباقر محمد و  
والصادق جعفر.

زیر این قسمت از صلوات کبیر عبارت زیر است :

در رمضان المبارك سنة ۱۰۸۶

بر تکه پایین همین لنگه :

قیمت رنگ در علی بن محمد قادری داد.

بر تکه وسط لنگه راست :

والکاظم موسی والرضا علی و محمد تقی و علی نقی والحسن

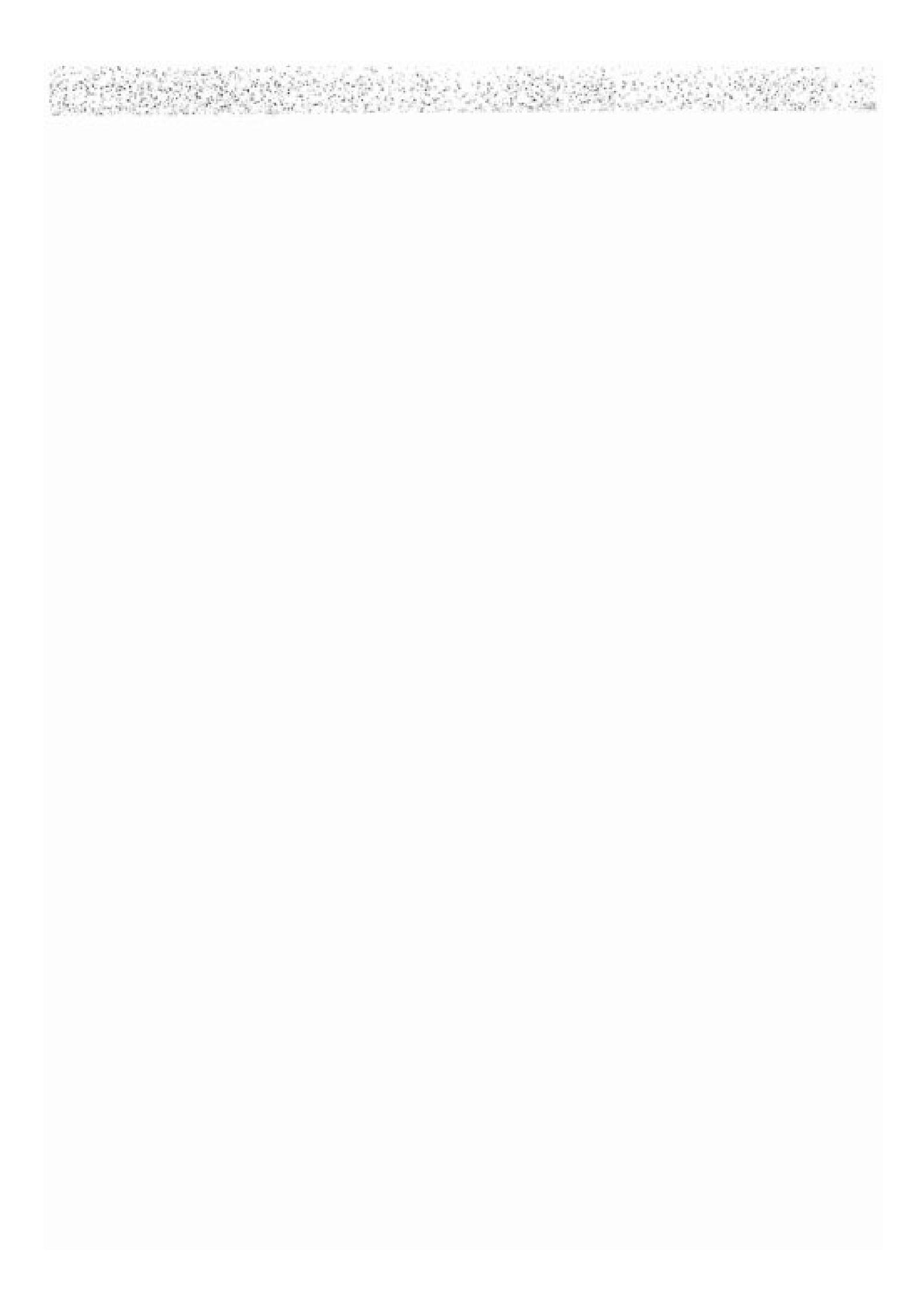
۲۵- در فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳ این دهکده به نام وسطی کلا و تلفظ عربی کلمه ضبط شده، و ظاهراً غلط است. وسی بکسر واو است چنانکه اعلیٰ محل تلفظ می کنند.

العُسْكَرِي و حجَّةُ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ صَاحِبُ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ  
وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ  
بِرَنگَه راست بالای صلوات کبیر:  
عمل این در استادی  
برنگه راست زیر صلوات کبیر:  
درویش روح الله آهنگر شهری  
برنگه سمعت چپ بالای صلوات کبیر:  
کاتب محمد یوسف این قاسم آهنگر غفر الله .  
اطراف بقعه گورستان قدیمی و درختان آزاد کهنسال زیاد است.

باقي بناها و آثار تاریخی ناحیهٔ علی آباد (شاهی)

- ۱- مسجد قدیمی در فولادکلا<sup>۲۶</sup>.
- ۲- حمام قدیمی و دین تبه و ساقی نفار در دهکده منان کلای<sup>۲۷</sup> علی آباد.

۲۶- فولادکلا ده ازدهستان علی آباد بخش مرکزی شهرستان شاهی ۳ کیلومتری شرق شاهی (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳). ۲۷- منان کلاده ازدهستان علی آباد بخش مرکزی شهرستان شاهی ۵ کیلومتری جنوب شاهی کنار راه آهن شاهی به تهران (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).



مختصری از جغرافیای گیلخواران و چپک رود  
ناحیه گیلخواران از شمال بادریا از مغرب بهاراضی نفت چال از جنوب به سامان  
جویبار و از مشرق به رودخانه سیاه رود لاریم محدود می شود.  
چپک رود که جزء ناحیه گیلخواران است شامل دهکده های:  
ازنوا - آثار مرز - پست رود - دینه چال - کردکلا - میون ملک -  
لاریم - شاهرضا - کوی خبل است.  
جاده فرح آباد به بهمنیر و جاده تلارک به چوباغ از اراضی گیلخواران می گذرد.

#### ۴- بناها و آثار تاریخی گیلخواران و چپک رود شاهی (قائم شهر)

##### تکیه ای قدیمی

در کلاسگر محله و هستان گیلخواران شاهی (قائم شهر)

قدمت تکیه بیش ازا واسط دوران قاجاری نیست. سطح تکیه بیش از یک منز  
از سطح زمین بلندتر است. فضای اصلی مربع مستطیل است که جلو آن ده ستون  
چوبین چهارسوی پخ زده است که پایین آنها کلفت و بالای آنها نازکتر می شود.  
سقف بنا پلور کشی و پل کوبی است. پس از سرستونها به طرف خارج سه چکش  
گردان و یک پره بهمنای ۶ سانتیمتر است. دو طرف دو اطاق است که ارسیهای

چوبی دارد. درهای ارسی قاب و آلت است که قابهای آنها بدجای شیشه های رنگین تخته های نازک است. بام سراسر بنا سفال سراست.

### درویش محمد شاه

در پایین رو دشت ازدهستان گلخواران شاهی (علی آباد)

روز سوم مرداد ۱۳۶۳ که به سر وقت این محل رفتیم. قسمت شمالی بقیه را بیش از یک متر و نیم کنده بودند و قسمتهای صندوقی تکه و پاره در وسط بقیه پراکنده افتاده بود. از پاره های صندوقی معلوم بود که صندوق آن کنده کاری داشته، در جستجوی میان پاره ها تاریخی نیافتیم.

دری دو لنگه داشته که اهالی می گفتند نیمساری برده است. آنچه باقی بود چهار چوبی بلند و پنجره چوبین مشبك بالای در ورودی بود. چهار در و پنجره دنباله یکدیگر است.

بر چوب چهار تراش سمت راست چهار چوب در و پنجره از پائین به بالا صلوات کبیر به این ترتیب با خطی خوش حک شده بود:

اللهم صل على محمد المصطفى وصل على على المرتضى وصل  
على فاطمة الزهرة وصل على خديجة الكبرى وصل على حسن مجتبى وصل  
على حسین شهید کربلا وصل على امام زین العابدین وصل على محمد  
باقر وصل على جعفر صادق وصل على موسى کاظم وصل على علی بن  
موسى الرضا.

توضیح اینکه دنباله صلوات کبیر بر چوب چهار تراش سمت راست پنجره مشبك نیز بیش می رود.

بر چوب بالای چهار چوب پنجره:

وفا نامه درویش الفقراء والصلحا درویش محمد شاه تمام شان

[کذا] پنجمین بیستم ربیع الاول سنه ستة و خمسین و نهانماه.

با خطی ریز در گوش سمت چپ بالای پنجره که کلمات آن در هم رفته شعر زیر حک شده است:

ما ندیدیم شاد کامی ز جهان      گر تو دیدی سلام من بر سان  
بر چوب چهار تراش سمت چپ پنجره مشبك و چهار چوب در اصلی دنباله صلوات  
کبیر به این ترتیب حک شده است:

وصل علی محمد تقی وصل علی علی النقی وصل علی حسن  
العسکری وصل علی حجت القائم خلف دائم خلیفة روی زمین محمد مهدی  
صاحب الزمان صلوات الله علیه و علیهم اجمعین.

#### پلی قدیمی

در سراج کلا از دهکده های جو بار گیلخواران شاهی (قالم شهر)

پلی است آجری که یکی از دهانه های کوچک آن شکسته و پلی آهنی موقع به جای آن بسته اند. کتیبه ای هم دارد و نشان می دهد که در سنه ۱۳۲۴ شمسی مرمت شده است. (عکس شماره ۱۸۲)

#### تکیه ای قدیمی

در گردکلا از دهکده های گیلخواران شاهی

فضای اصلی تکیه مستطیل است. در ضلع بلند داخلی آن شاه نشینی دارد. دو اطاق در دو طرف این فضاست که درهای آن بداخل این قسمت باز می شود. در دو طرف اطاها پلکان است که به طبقه بالا می رود. در طبقه بالا در ضلع طول بناهشت در ارسی و در طرفین هر یک سه در ارسی دارد. جلو فضای اصلی تکیه شش ستون پنج زده با سرستونهای زیباست. سقف بنا دوچکش گردان و یک پره هفتاد سانتیمتری دارد. بالای پلور کشی سقف، بل کوبی است و پلها رنگ آمیزی و نقش و نگار دارند.

#### درویش او لیاه

در قادی محله رودبشت گیلخواران شاهی (قالم شهر)

در ورودی این بقیه از ظرائف هنری این منطقه است. دری دولنگه است که

پهنای هر لنجه آن ۶۰ و بلندی آن ۱۹۰ سانتیمتر است.

بر پاسار بالای لنجه سمت راست کلمات زیر حک شده است:

قال النبي الا العربي [كذا] عليه السلام.

بر پاسار بالای لنجه سمت چپ:

ترك الدنيا رأس كل عبادة صدق

بر پاسار پایین لنجه سمت راست:

عمل استاد رستم بن استاد حاجی نجار.

بر پاسار پایین لنجه سمت چپ:

بااهتمام درویش علاء الدين [كذا] کاردگر ۹۲۰

بنائی صندوقی مانند بر مرقد ساخته و بالای آن را با کاشیهای محلی کاشیکاری کرده بودند.

### شاھرضا

در دهکده شاهرضا<sup>۱</sup> جویبار گیلخواران

بعدهایست نسبه قدیمی که اطاق اصلی آن ۴×۵ متر است. طرف غرب این اطاق، سرپوشیده عریضی است که سقف آن پر کار و ظریف است. شامل ده شیر سر ظریف تراش داراست که دور می گردد و بالای آنها پلورهای نیم گرد اند از که وسط آنها را با تراش نقش داده اند. اطاق اصلی بقعه ایوانی جنوبی و شرقی نیز دارد که دو در ورودی آن بداعین دو ایوان ویک در آن به ایوان غربی باز می شود. درها از داخل نمای مشبك دارند و از بیرون پشت قسمتهای مشبك تخته کوبی است که براین تخته های یک پارچه، تخته های ناز کی که اشکال هندسی دارند با گل میخهای برنجی کوبیده اند. این نحوه کار یکی از کارهای زیستی این صفحات است - بالای در ورودی غربی که به سرپوشیده عریض بازمی شود خنگی است که آلت بندی است

۱- شاهرضا ده از دهستان گیلخواران بخش مرکزی شهرستان ساری ۱۱ کیلومتری شمال شهری جویبار (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳)

وشیشهای رنگین دارد.

در شرق این بنا تکه‌ای قدیمی است که جلو آن شش ستون چهار سوی پخته با سرستونهای دهان از دری است.  
چندین اصله درختان او جاوازدار در محوطه اطراف بقیه است.

#### دینه جال

نژدیک دهکده پیترود گیلخواران

نژدیک دهکده پیترود که از دهکده‌های چپکرود گیلخواران است تپه بزرگی است که بالای آن کشت می‌شود. اگر خاک سطح تپه را در اراضی اطراف پهن نگردد باشند، شکل اصلی تپه باید به شکل مثلث بوده باشد که يك زاویه آن قسمت اصلی ساختمان تپه بوده است که ارتفاع این قسمت در حدود ده متر است. در دو کنچ دیگر مثلث برآمدگیهایی به چشم می‌خورد که بلندی آنها در حدود پنج شش متر است. میان تپه نسبت به سه کنچ آن گودتر است و سطح اراضی آن به دو هکتار و نیم می‌رسد. براین تپه سفالهای ساده و رنگین زیاد است.

#### دینه کوی خیل

در دهکده‌گوی خیل گیلخواران

تپه ایست در اراضی متصرفی سید باقر سید صالح لاریمی ساکن جویبار. اطراف تپه را تراش داده و به شکل دیواری بلند در آورده و خاک آن را در اراضی اطراف پهن کرده‌اند و بالای تپه را با غرفته و درختان کاج کاشته‌اند. اطراف اراضی تپه ملک زراعی است و چبر و پرچین دارد. بلندی تپه در حدود پانزده متر و سطح اراضی بالای آن به يك هکتار می‌رسد. در اراضی اطراف تپه سفال ساده و لعاب دار زیاد است.

#### شاه ابراهیم ادھم

در پیترود چپکرود گیلخواران

محل شاه ابراهیم را گروهی در میون ملک جویبار می‌دانستند. مرحوم اعتماد-

السلطنه مقبره ابراهيم بن ادهم را در چپکه روود ضبط کرده و می نویسد:  
 چپکه روود یکی از شعبات تالار است و اسم قریه‌ای که در ساحل  
 اوست همان چپکه رود است و اصل رودخانه از میان بلاؤک بهنیبر و  
 گل خواران می گذرد. چنین معروف است که مقبره ابراهيم بن ادهم در  
 چپکه روود است.

سخن اعتقاد السلطنه و دیگران سبب شد که به دیدن این محل برویم پس از  
 راه پیمائی دراز به دو درخت نارون کهنسال رسیدیم که ظاهرآ همسال هستند زیرا  
 گردانگرد تنہ هریک سدهتر تمام است. تنہ درختی کهنسال پوسیده و بزرگ‌بین افتاده بود  
 و بعلت نقدس آن را به مصرف سوخت نرسانده‌اند.

به سر زبان ساکنان اطراف دامستانی به این شرح درباره شاه ابراهيم ادهم بود  
 که او پادشاه این صفحات بوده و چهل دوشیزه در خدمت او بوده‌اند و بدن او را  
 هشت و مال می‌داده‌اند. روزی اینان به خدمت و پرستاری همسر او مشغول شدند. شاه  
 ابراهيم به همسر خود خشم گرفت و قصد کشتن او کرد. مادرش بدرو گفت که این  
 دوشیزگان با همسر تو محروم اند و مانعی با نزدیک بودن ایشان با او نیست اما تو  
 چگونه اجازه میدهی که چهل تن نامحرم به تو نزدیک شوند مگر ترسی از آتش دوزخ  
 نداری؟ شاه ابراهيم از سخن مادر بیدار شد و ترک خانمان کرد و به عبادت پرداخت.  
 سالها گذشت. همسر و فرزندان و مادرش دلتگش شدند. همسرش شتری از جواهر بار  
 کرد و به دست یکی از نوکران خاصه داد تا به کسی دهد که نشانی از شاه ابراهيم  
 بگوید. شاه ابراهيم در شهری به دکان سلمانی نشسته بود و استاد سلمانی بعلت  
 بیسو سامانی بدرو توجیهی نکرد اما شاگردش مشغول به سردن موی او شد. نوکر  
 جار می‌زد و به دنبال ابراهيم ادهم می‌گشت . صدای او به ابراهيم رسید. به شاگرد  
 سلمانی گفت به این مرد بگوی که من محل ابراهيم ادهم رامی‌دانم. شاگرد چنین کرد  
 و پس از سردن موی، نوکر، شاه ابراهيم را شناخت. با هم به منزل شاگرد رفتند و بار  
 جواهر را به شاگرد دادند و ابراهيم با نوکر خاصه خود به شهر خود نزد همسر و

فرزندان رفت.

### دین شورکار

نودیک به دهکده شورکار و گیلخواران

این تپه کنار محل چهارشنبه بازار چپک است که تا امروز هم بازار چهارشنبه آن برپای است. بلندی آن در حدود بیست متر و اراضی بالای آن بیش از دو هکتار و نیم است.

### دینه بن

در اراضی دهکده لاریم چپک رود گیلخواران

ظاهر آنکه «دینه بن» بر اراضی اطراف این پهاطلاق می‌شده که بعد آنام خود تپه شده است. این تپه در کنار جاده لاریم است بلندی آن ۷-۸ متر و اراضی بالای آن به دو هزار متر مربع رسید. اراضی اطراف آن پنهان کاری و متعلق به شاهپور غلام رضا است.

### اما زاده محمود

در مرتع دهکده لاریم گیلخواران

در طومار متولیان دوران صفویه این بقیه به نام «درویش محمود» یاد شده است و به اشتباه محل آن را به جای گیلخواران، کینخواران نوشته است.<sup>۱</sup> در سفرنامه مورخ ۱۲۷۵ ه. ق. این بقیه به نام «اما زاده محمود» است. و محل آن در ربع فرسنگی لاریم در راه فرح آباد به مشهدسر ذکر شده است.<sup>۲</sup> بقیه ایست نسبه قدیمی. در دو طرف شرقی و غربی آن دواهیان است که پهنه‌ای آنها ۵ متر و در ازای آنها نیز ۵ متر است. جلوه را بیان چهار فیلبای آجری است. (عکس شماره ۱۸۳) سقف ایوانها یک ردۀ شیرسر دارد که بالای آنها پلورهای تراش دار کشیده و بالای پلورها را تخته کوبی کرده‌اند. سقف بقیه نیز پلور کشی و تخته کوبی است. ضریحی مشبك چوبین و سطح بقیه است این بقیه دارای دو در به دو ایوان

۱- طومار دوران صفوی. ۲- سفرنامه است آباد و مازندران ص ۱۱۱.

شرقی و غربی است . در شرقی از داخل منبک و از خارج تخته گویی است .  
در غربی که در ورودی اصلی است نسبه پرسکار است و کنده کاریهای نسبه  
ظریف دارد . داخل نگارهای کنده کاریهار رنگ آمیزی کرده اند . این آبات و عبارات  
بر این در حک شده است :

برپاسار بالای لنگه سمت راست :

بتاریخ ۲۵ شوال سنه ۱۳۶۴

بر باشی سمت راست همین لنگه :

خوش منزل با صفات اینجا يا الله محمد  
بسم الله الرحمن الرحيم ناد علباً مظہر العجائب  
الله نور السموات والارض مثل نوره كمشکرة  
فيها زجاج الزجاج زيتها يضيء ولو لم تمسه نار

بر باشی سمت چپ همین لنگه :

گویا نظر خداست اینجا يا على

تجده عنون لك في النواب كل هم وغم سینجلی يا حسين  
في زجاجه الزجاجه کانها کوکب دری یو [ باقی بر باشی سمت

راست ]

نور على نور بهدی الله لنوره من يشاء

برپاسار وسط :

استاد در منور ابراهیم خروس ورزنى

برپاسار پایین :

کاتب على جان ولد اخو

آيات و عباراتی که بر لنگه سمت راست حک شده است :

برپاسار بالای لنگه سمت راست :

بانی مشهدی محمد چوبان نوائی

بر باثوی سمت راست:

رضوان .... هست این عمارت یا فاطمه  
بعظمتک یا الله بنوتک یا محمد ص به ولاینک یا [علی] یا حضرت  
حسین- قدمن شجره مبارکه زیتونه لا شرقیه  
بشهاده و پسر اله الامثال

بر باثوی سمت چپ همین لنگه :

گل بر سر خاره است اینجا یا حسین  
علی یا علی با علی ادرکنی یا اباالحسن ادرکنی  
لا غریبه نکاد  
للناس والله بكل شیء علیم

بر پاسار وسط :

متولی بقعه مبارکه مشهدی میریعقوب

بر پاسار پایین :

استاد دیگر ملا غلامعلی رضای ورزنی لاریمی (عکس شماره ۱۸۴).

درخت او جای کهن‌سالی نزدیک بقعه است . (عکس شماره ۱۸۵)

کلاه فرنگی  
بور روی رودخانه تالار

استودارت در سفرنامه خود از این کلاه فرنگی بادکرده است :

از فرح آباد در کنار دریا حرکت کردیم تا به قصبه‌ای رسیدیم که  
چپک رود نام داشت . جای بسیار زیبائی است و به فاصله نیم تیررس از  
دریا قرار دارد . در محلی به نام آب‌تالار در عمارتی که از تیر و چوب بروی  
رودخانه ساخته شده بود استراحت کردیم . چهار فرسخ راه طی کردند بودیم .<sup>۴</sup>  
شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۳ هـ. ق) در سال ۱۰۷۳ از قریب علی آباد (شاهی) به چپک

۲- سفرنامه استودارت در فرهنگ ایران زمین سال ۱۳۳۹ ج ۸ ص ۱۹۸ و ۱۹۹ .

رودآمده است. صاحب عباسنامه می‌نویسد:

در سال ۱۰۷۳ از قریه علی‌آباد (شاهی) به بارفروش ده (بابل) و بعد از انقضاء ایام توقف به قریه چپکرود و چون در راه کاله در قرب آن واقع و رود تالار از جنب آن محل به دریا می‌رسید، مکرر به سیر کشته و سیر سرورد و شکار رود و شکار ماهی رغبت فرمودند و لیک نوبت با امرا و بندگان متوجه سیر کاله و شکار مرغابی شدند و سپس به فرح آباد رفتند.<sup>۶</sup>

#### سید زین العابدین

در دهکده سید زین العابدین گلخواران شاهی (فال شهر)

بنائی است مکعب مستطیل شکل، ایوانی در جلو در وروندی است که در سه طرف آن هشت ستون چهارسوی پنج زده با سرستونهای دهان از در است که فرسنهای سقف ایوان را نگاه داشته‌اند. سقف ایوان واشان‌کشی است و پره‌هایی به پهنهای ۹۰ سانتی‌متر از لبه شیرصرها پیش‌آمده است. بر تخته‌های پل کویی و بر بدنه واشانها ایوانی از هفت بند محشم کاشانی با خطی متوسط نوشته‌اند که تاریخ ۱۳۲۷ قمری در دو جای آن خوانده شد.

در ورودی بقعه قابل ذکر است. پهنهای دولنگه‌آن از چهار چوب به چهار چوب ۱۰۴ و بلندی آن ۱۹۲ سانتی‌متر است. زیر کار لنگه‌ها تخته صافی است که روی آنها با آلت کویی نقش وزنگار در آورده و داخل آنها را با رنگهای مختلف رنگین کرده‌اند. چهار چوب در مشبك کاری است به این معنی که بر صفحه صاف چهار چوب، تخته‌های نازک را که جدا مشبك کاری کرده‌اند با گل میخهای ظریف کوییده‌اند. (عکس شماره ۱۸۶).

در جنوبی بقعه نیز نوعی مشبك کاری بود. ابتدا طرحی را بر تخته‌ای نازک پیاده کرده و بعد از مشبك سازی بر تکه وسط کوییده بودند.

صندوقی بقعه تخته و آلت بود و زیاد ظرافتی نداشت. اطراف بقعه گورستانی قدیمی است و چند اصله درخت آزاد کهنسال در این محوطه است.

بانوی بناها و آثار تاریخی گیلخواران شاهی (فام شهر)

- ۱- امامزاده سید زین العابدین در دهکده سید زین العابدین<sup>۱</sup> گیلخواران.
- ۲- امامزاده حسن رضا در دهکده شیب آب بندان<sup>۲</sup> گیلخواران. هرسال اول مرداد ماه بازار مفصلی در این دهکده دائمی شود.
- ۳- پل آجری روختانه سیاه رود در پایین روپشت<sup>۳</sup> از دهکده‌های گیلخواران.

۶- سید زین العابدین ده ازدهنگان گیلخواران بخش مرکزی شهرستان شاهی سه کیلومتری شمال جویبار (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲). ۷- شیب آب بندان ده از دهستان گیلخواران ۴/۵ کیلومتری جنوب جویبار، کنار راه جویبار به شاهی. ۸- پایین روپشت ده از دهستان گیلخواران ۵ کیلومتری شمال شرقی جویبار دو طرف روودخانه (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲).



### ۳- بناها و آثار تاریخی کیاکلا و نوکندکای شاهی (قالم شهر)

#### حسن رضا

در اراضی دیوکلای کیاکلا شاهی (قالم شهر)

اثر تاریخی این بقعه در دولنگه‌در شمالی بوده که ظاهراً به سرفت رفته است. پنجره چوبین مشبك چهار گوشه بالای چهار چوب در قدیمی باقی است که ظریف و خوش نقش و رنگین است. گورستانی با درختان آزاد در سه طرف بقعه است و بک طرف آن جاده جویبار می‌گذرد.

#### قلعه‌کیاکلا

در کیاکلا علی‌آباد (-شاهی - قالم شهر)

ظاهرآ در یکی از دهکده‌های کیاکلا قلعه‌ای قدیمی بوده است. در مجلد پنجم مجموعه کتابخانه بیونات سلطنتی در صفحات ۴۶ ب و ۴۷ الف ذکری از این قلعه هست. محل این قلعه را نیافریم.

#### اماوزاده قاسم

در روستای المیر از دهکده‌های نوکندکای شاهی (قالم شهر)

در این دهکده نکیه ایست که بک سوم غربی‌بنا، مرقد اماوزاده است. در رودی مزار بسیار ظریف و پر کار و خوش نقش و خوش خط است. پهنای دولنگه‌آن از چهار چوب به چهار چوب ۱۲۰ و بلندی آن ۱۹۲ سانتیمتر است. عبارات زیر بر آن حک

شده است :

بر پاسار بالای لنگه سمت راست :

قربان مشهد مقدس و مرقد اقدس نور الله تعالی

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ :

عمل شمس الدین بن استاد احمد نجار بلده ساری

بر پاسار پایین لنگه سمت راست :

صاحبہ الخیرات درویش محمد ابن کبا فلنجه

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ :

بناریخ شهر شوال سنه احد و قصعين وثمانماهه (عکس شماره ۱۸۷)

سقانفاری نسبة برق کار و خوش رنگ در جلو تکیه است که تاریخی بر آن دیده نشد . در تکیه نیز آثار تاریخی موجود نیست . شمال تکیه و مرقد فضایی باز است که گورستان قدیمی است و چهار اصله درختان آزاد قدیمی دارد که در حال خشک شدن هستند .

### هزار حسن رضی

در اراضی زاهد کلای نو کندکای شاهی (قالم دهبر) نزدیک سیاه رو و

بنای بقیه قدمتی نداشت و هیچگونه اثر تاریخی در آن دیده نشد . فقط دو درخت عظیم او جا (نارون و حشی) جلب نظر کرد . محیط دایره تنه یکی ۷۲۰ و دیگری ۶۲۴ سانتیمتر بود . اطراف بقیه گورستانی قدیمی است .

باقي بنها و آثار تاریخی کیا کلا و نو کندکای علی آباد (شاهی)

۱- تپه‌ای قدیمی در قادی کلا<sup>۱</sup> ازدهکده‌های نو کندکای علی آباد بر اثر کاوش

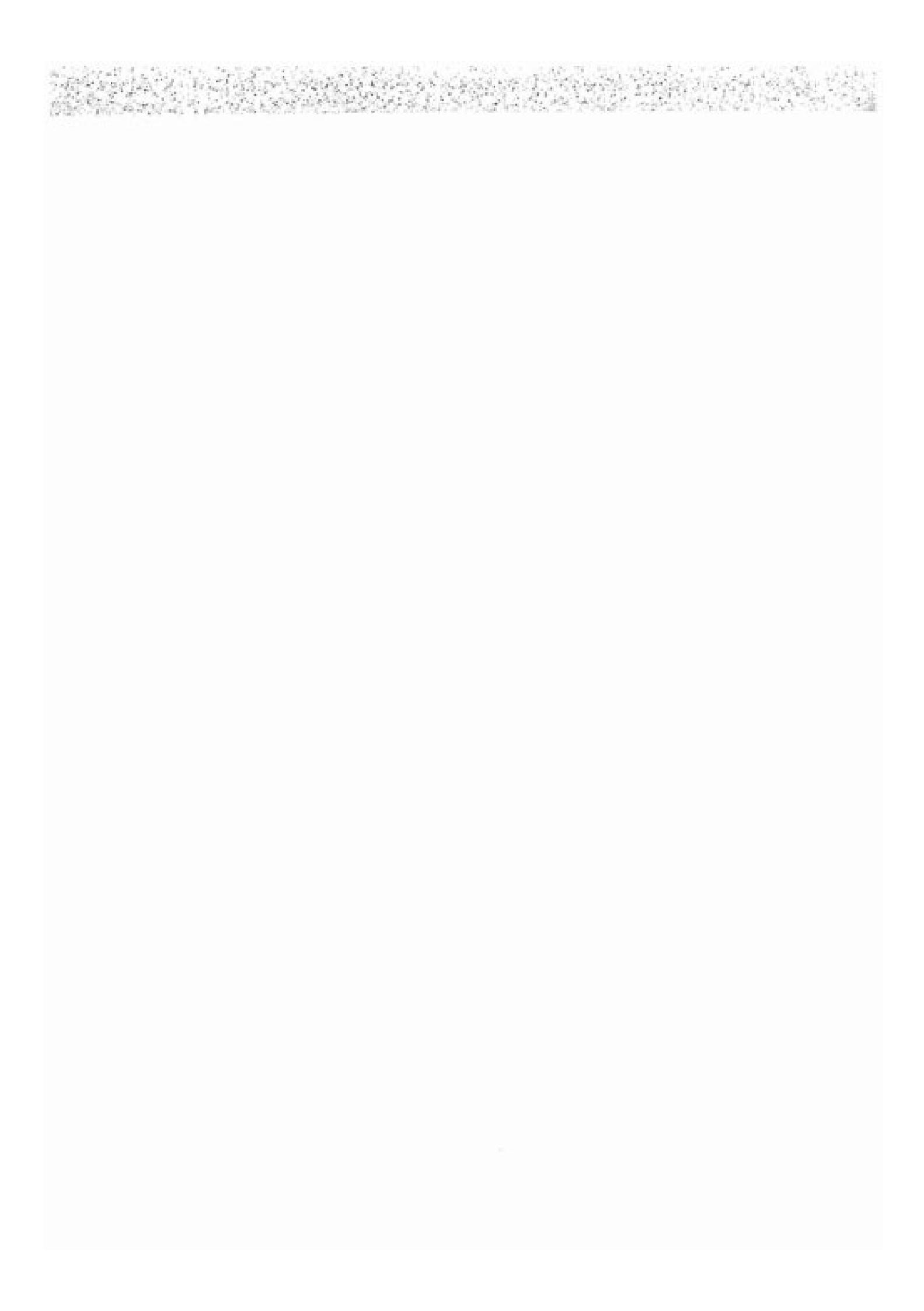
در آنجا سفال و باره آجر یافت می شود .

۱- قادی کلا ده از دهستان نو کندکای بخش مرکزی شهرستان شاهی ۸ کیلومتری شمال شاهی کنار راه شاهی به جوبار .

- ۲- نشانه‌گردی ، پشته‌ایست به طرف شرقی نوگندکا (تاریخ خاندان مرعشی ص ۳۳۲).
- ۳- امامزاده عباس علی دردهکدهٔ صلح‌دار کلا<sup>۷</sup> از دهکده‌های کیاکلای شاهی.

---

۷- صلح‌دار کلا ده از دهستان کیاکلا بخش مرکزی شهرستان شاهی ۱۶ کیلومتری شمال شاهی ۳ کیلومتری غرب جادهٔ شاهی به جویبار. (فرهنگ جغرافیای ایران ج ۳).



## ۴- بنایها و آثار تاریخی بالاتugen علیآباد (شاھی = قالم شهر)

اماڑاڈه سید حسین  
در خطیر کلای بالاتugen علیآباد (شاھی)

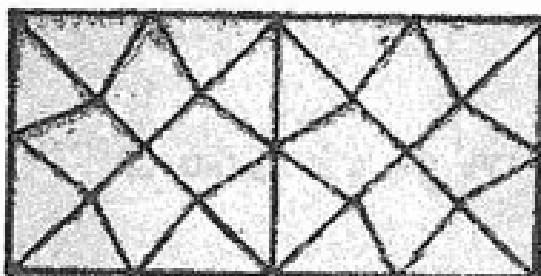
از بنای بقعه و بارگاه نشانی نیست. محلی برای افروختن چراغ نفتی ساخته اند که مجموعاً از یک متر مکعب تجاوز نمی کند. سه طرف دیوار دارد و سقفی بر آن زده اند. این جای چراغی در گورستانی وسیع است. درخت بلوطی در این محوطه است که گردآگرد تنهاش بهشت متر بالغ است. پنج اصله درخت آزاد کهنسال در این محوطه است.

اماڑاڈه ابراهیم  
در خطیر کلای بالاتugen علیآباد (شاھی)

بقعه ایست ماده مستطیل شکل با مسجدی که متصل به آن است. چهار گنج بنای اصلی چهار گوشوار دارد که فعلاً بالای گوشوارها خالی است ولی می گفتند کاشیهای با ارزشی بوده که به سرفت رفته است.

صندوquist تخته ای ساده در وسط بناست بروی آن پاره هائی از صندوق قدیمی است که بسیار کنده کاریهای ظریف دارد. این بقعه ظاهرآ کاشیکاری بوده است. زیرا خشته ای از کاشی به شکل صلب و ستاره ای هشت پر بروی صندوق است.

لنگه دری کهنه قاب و آلت دار و گنده کاری در کنار مسجد بقعه افتاده است  
این عبارت بر پاسار بالای آن خوانده می شود:  
عمل استاد علی بن استاد فخر الدین بن استاد علی مازندرانی  
سنة ست و سبعین و نهانماه



این لنگه در شامل دو قسم است.  
قسمت پایین که دارای یک هشت‌ستاره‌ای و اطراف آن قاب و آلت و حاشیه بندی است. قسمت دوم بالای پاسار است که تنکه بالاست و شامل این دو نقش است:

#### حمام قدیمی خطیر کلا

این حمام قدیمی که از آجر ساخته شده است فعلاً منزوك است. شامل یک سرینه با حوض آب است که چهار طرف این سرینه چهار صفحه باطاق هلال شکسته است. در گرمخانه خزینه آب سرد سمت راست و خزینه آب گرم در وسط است. توره کش خانه و مستراحها راه به این گرمخانه دارند.

سید جلال

در دهی کلای بالاتجن علی آباد (شاهی)  
در محل مورد بررسی فرار گرفت، آثار تاریخی ندارد.

پلی قدیمی  
بو آب تیلن دره در خرما کلای بالاتجن  
پلی آجری قدیمی یک دهانه بزرگ بر روی رود تیلن دره است که بر راه قدیمی کاروانی است.

قلعه شیخ طبرسی — قلعه طبرسی  
در نزدیکی فربا قرا خیل از دهکده‌های بالاتجن علی آباد  
ناصر الدین شاه در سفرنامه خود می نویسد:

از علی‌آباد به بار فروش راهی است که از حوالی قلعه شیخ طبرسی می‌گذرد. راه بسیار خوب گل نبوده بعضی که از آنجا آمده بودند تعجیل می‌کردند.<sup>۱</sup>

مهجوری محل قلعه شیخ طبرسی را نزدیک دهکده افرا نوشته است.<sup>۲</sup>

تاریخچه قلعه شیخ طبرسی

مقارن با اوقات محمد شاه (۱۲۶۴ هـ. ق) ملاحسین بشرویه که بعداً از طرف پیروان باب به «سیدالشهداء» موسوم گردید با «جماعتی در حدود دویست نفر وارد بار فروش شد». <sup>۳</sup>

میان ایشان و مردم بار فروش، مختصر زد خوردی روی داد. تا این‌که «ملاحسین با اصحاب از شهر بار فروش برآمدند و در میدان سبز در کاروانسرا منزل گرفتند». <sup>۴</sup> برای متفرق کردن آنان، عباسقلی خان سردار لاریجانی وارد بار فروش گردید و پس از مذاکرات زیاد موفق شد آنها را به‌طرف تهران حرکت دهد. لکن هنوز چند فرسخ نرفته بودند که براثر وقایعی که بیش آمد.<sup>۵</sup> دچار خوف شدند و به‌بعقۀ شیخ طبرسی که در آن نزدیکی بود رفتند و «آن‌جا را به‌شکل قلعه مستحکمی درآوردند». <sup>۶</sup> اندکی بعد حاج محمد علی بار فروشی معروف به «حضرت قدوس» نیز وارد قلعه شد و سرپرستی جماعت را که در حدود چهارصد تن بودند، به‌عهده گرفت.<sup>۷</sup> این کار که ابتدا کوچک می‌نمود، اندک اندک بالا گرفت و قوای محلی از عهده قلع و قمع آن بر نیامد. لاجرم از تهران مهدیقلی میرزا را به‌نام حاکم مازندران با قوای کمکی و توبخانه اعزام داشتند و عباسقلی خان لاریجانی را نیز مأمور همراهی او کردند.<sup>۸</sup>

۱- سفر نامه ناصرالدین شاه سفر دوم به سال ۱۲۹۲ هـ. ق. به‌نقل از تاریخ مازندران مهجوریج ۲ ص ۱۹۲. ۲- تاریخ مازندرانج ۲ ص ۱۶۵. ۳- نقطه‌الكاف ص ۱۵۵. ۴- نقطه‌الكاف ص ۱۵۷. ۵- روضة الصفا ناصریج ۱۰ ص ۴۳۰-۴۴۷. ۶- ترجمه سفر نامه دیو لا فر آ ص ۸۳. ۷- شہر بابل ص ۳۸ و ۳۹. ۸- نقطه‌الكاف ص ۱۶۰ و ۱۶۵.

اینها نیز کاری از پیش نبردند . بالاخره بعد از مدت‌ها زد و خورد ، ملا حسین بشرویه مقتول شد و چندی بعد از آن ، اهل قلعه پس از قریب ده ماه مقاومت ، امان یافته ، تسلیم گردیدند . حاج محمد علی بارفروشی ، در سیزده میدان بارفروش مقتول شد و وی را در مدرسه خرابه‌ای دفن نمودند<sup>۱۰</sup> که در محله حصیرفروشان بابل واقع بود . تفصیل این واقعه را کنت دو گویندو در کتاب خود آورده است<sup>۱۱</sup> و انعکاس آن بحدی بود که ادوارد براؤن در مسافرتی که به ایران گرد اختصاصاً به بارفروش آمد تا قلعه طبرسی را ببیند . وی می‌نویسد :

« روز ۲۵ سپتامبر ۱۸۸۸ ... ساعت ۵ بعد از ظهر از رود بابل گذشتیم ... قبل از ورود به شهر ، از مقابل کاروانسرا خرابی گذشتیم . این کاروانسرا جنبه تاریخی دارد زیرا در همین جا بود که با اینها به ریاست ملا حسین بشرویه علیه سکنه بارفروش از خود دفاع کردند و این جنگ قبل از جنگ قلعه طبرسی اتفاق افتاد<sup>۱۲</sup> . براؤن پس از يك شب استراحت فردای آن روز ساعت ده و نیم صبح به قلعه رسید و می‌نویسد : « در آنجا من جز عمارت مزار شیخ طبرسی و ساختمان دیگری که در دروازه ورود به صحنه بود ، چیز دیگر ندیدم . »<sup>۱۳</sup>

فرقه با اینه از ذیقعدة ۱۲۶۴ تا اوایل شعبان ۱۲۶۵ در قلعه طبرسی در مقابل قوای دولتی ایستادگی کرده‌اند و سلماً بدون استحکاماتی نبوده‌اند امروز از این استحکامات جنگی و برج و خندق و باره آن اثری بر جای نیست . این استحکامات بمرور زمان ازین رفته یا از میان برده‌اند . زیرا بعد به نظر می‌رسد که عده قلیلی بدون داشتن استحکاماتی بتوانند قریب ده ماه از خود دفاع کنند . زعیم امداده تبریزی می‌نویسد :

بشوئی [ملا حسین] وقتی به آنجا آمد وضعیت آن محل را چنین مناسب دید

۹ - نقطه الکاف ص ۱۹۸ .

۱۰ - Les Religions et les Philosophies dans L'asie Centrale P. 543

۱۱ - A Year among the Persians P. 614 .

۱۲ - من انگلیسی کتاب براؤن ص ۶۱۷ و ۶۱۸ .

که آنجا را مرکز جنگ هولناک خود قرار دهد . پس شروع ساختن پناهگاهها و کمینگاهها و بلند ساختن برجهای دیوارها کرد . ابتدا شروع ساختن قلعه هشت گوشی نمود که دارای هشت برج بلند بود . بالای هر برجهی پناهگاه محکمی از شاخه‌های درختهای بزرگ بنا کرد و در دیوار آن پناهگاهها سوراخی فرازد داد که سرتقانگ را در آن سوراخها بگذارند و تیراندازی کنند و نیز از آن روزنه‌ها مهاجمین را بیبینند . آنگاه دور قلعه خندقی عمیق دهزار و عرض ده زراع کنند و خاکهای آن را میان دیوار قلعه و خندق روی هم اباحتند ، چنان‌که بک تل مستطیلی را تشکیل داده بود<sup>۱۲</sup>...» بعد از ختم غائله که مدافعين بایی امان بساقته تسلیم شدند ، شاهزاده مهدیقلی میرزا ، فرمانروای مازندران و فرمانده قوای مهاجم «قلعه‌آمد تا استحکامات آنها را بازدید کند و چون مراکز آنها را بازدید کرد ، در عجب شد که چگونه مردی که درس هندسه نخوانده و فنون جنگی تحصیل نکرده است چنین استحکامات هندسی را در این قلعه بوجود آورده ...<sup>۱۳</sup> ازین استحکامات امروز اثری بر جای نیست .

این قلعه سمجھی نیز داشته است و چنان‌که معروف است از نزدیک بنای سردر نقیب به دهکده مجاور «دیزه وا» داشته و جبار نامی از اهل همین دهکده برای قلعه نشیان از طریق نقب مخفیانه لوازم و آذوقه می‌آورده است.<sup>۱۴</sup>

برگور کشته شدگان در این قلعه که در اراضی اطراف بقیه شیخ طبرسی به خال سپرده شده‌اند هیچ نوشته و نشانی نیست . ملاحسین بشرویه نیز «امر کرد تاجیش را با لباس و شمشیر در زیر دیوار قلعه دفن کنند و آثار قبر اورا محو نمایند مبادا مسلمین از محل دفن او مطلع شوند و جلسه را بیرون بیاورند .»<sup>۱۵</sup>

#### بهاء‌الله و قلعه طبری (– طبرسی)

**هنگامی که بهاء‌الله (میرزا حسینعلی تاکری نوری) به قلعه طبری می‌رفت اورا**

۱۲- مفتاح باب الابواب تألیف میرزا مهدی خان زعیم الدوله ص ۱۴۱ .

حسین کتاب ص ۱۴۸ به نقل از شهر بابل ص ۱۵۳ ۱۵۴ .

۱۵- شهر بابل ص ۱۵۲ .

۱۶- مفتاح باب الابواب ص ۱۴۶ . به نقل از شهر بابل ص ۱۵۳ .

دشکنی کردند و اورا با یازده سواره آمل به نکیه و مسجد نیا کهها آوردند، همراهانش ملا باقر تبریزی، حاجی میرزا جانی کاشی، ملا زین العابدین و میرزا یحیی بودند. سپس اورا به چوب بستند، بقدرتی زدند که از پاهای مبارک خون جاری گردید. ملا زین العابدین - عمروی مبارک - خود را روی پاهای حضرت بهاء اللہ انداخت، بقدرتی چوب خورد که ازحال رفته و بیهوش گردید. این واقعه در سال ۱۲۶۵ قمری واقع گردیده است و حکومت آن موقع در آمل با عباسقلی خان سردار لاریجانی بود که به امر ناصر الدین شاه دستور مهدی قلی میرزا - حاکم مازندران - برای محاصره و چنگ در قلعه طبری رفته بوده است.<sup>۱۷</sup>

مرحوم مهجوری می‌نویسد که قلعه شیخ طبرسی در اراضی دهکده شیخ کلی از دهکده‌های بالاترین علی‌آباد است.

ادوارد براؤن و متفقین و متاخرین او این مقبره را مرقد «شیخ ابو منصور احمد ابن علی بن ابی طالب الطبرسی» از فحول علماء و فقهاء قرن ششم هجری می‌دانند و آفای عباس شایان<sup>۱۸</sup> نیز به پیروی از پیشتر تذکره نویسان من جمله صاحب روضات الجنات<sup>۱۹</sup>، شیخ طبرسی (فتح طاء و باء و سکون راء) را منسوب به طبرستان و اهل ساری می‌شمارد. مسلمًا طبرستانی بودن او مطلقاً صحیح نیست و او اهل تفرش است نه طبرستان.

مرحوم احمد بهمنیار در تعلیقات تاریخ بیهق ابن فندق<sup>۲۰</sup> و دکتر حسین کریمان در طبرسی و مجمع البیان<sup>۲۱</sup> مفصلان در باره «طبرسی» بحث کرده‌اند. حاصل سخن آنکه طبرسی (فتح طاء و سکون باء و کسر راء) منسوب به تفرش است نه طبرستان و منسوب به طبرستان را جز طبری نمی‌گفته‌اند.

البته پس از رواج نام تفرش و مهجور ماندن کلمه «طبرس» (فتح طاء و سکون

۱۷- اقليم نور ص ۵۱۹ . ۱۸- جغرافیای تاریخی مازندران ج ۱ ص ۲۵۱ .

۱۹- روشنات الجنات ص ۱۸۸ . ۲۰- تاریخ بیهق ص ۳۴۷ تا ۲۵۳ . ۲۱-

طبرسی و مجمع البیان ج ۱ از ص ۱۶۵ به بعد.

باء و گمر راء) بعضی از علمای دوران اخیر که اهل طبرستان بوده‌اند خود را طبرسی (فتح طاء و باء و سکون راء) خوانده‌اند. این اشخاص از قرن یازدهم هجری تا کنون بدین نام خوانده شده‌اند و اسمی چهار تن از ایشان از این قرار است:

۱- ملام محمد صالح طبرسی مازندرانی متوفی به سال ۱۰۸۱ که داماد مجلسی بود و در بقعه مجلسین مدفون است.<sup>۲۲</sup>

۲- محمدقاسم بن محمد رضا الطبرسی، از شاگردان مجلسی و از علمای دوره افتخاریه و زندیه است.<sup>۲۳</sup>

۳- سید العلما اسحاق بن احمد العلوی العقیلی الطبرسی اهل نور و مؤلف کفاية الموحدین فی عقاید الدین که در پایان قرن سیزدهم می‌زیست.

۴- میرزا حسین بن محمد نقی الطبرسی وی نیز اهل نور و مؤلف مستدرک الوسائل و مستبط المسائل است که در سال ۱۳۲۰ در نجف اشرف وفات یافت و مزار وی به سمت درقلة صحن واقع است.<sup>۲۴</sup>

بنابراین اگر دلائل کافی برای صحت انتساب مقبره طبرسی به مدن شیخ ابو منصور طبرسی که مدنی هم در طبرستان اقامت داشت، پیدا نکنیم و اگر اسم مقبره صحیح ضبط شده و به همین شکل باشد، می‌توان حدس زد که مدن یکی از چهار تن مذکور در بالا است که البته با توجه به اینکه مدن دو نفر اول و چهارم معلوم و مشخص است و با توجه به اینکه وقایع بایه در اواسط قرن سیزدهم در مقبره شیخ طبرسی روی داده و مناخ از زمان زندگی نفر سوم است که در پایان قرن سیزدهم می‌زیست، در نتیجه این مقبره ممکن است مدن نفر دوم باشد اگرچه زمان وی نیز با کهنگی بنای مقبره متناقض است.

لازم به یادآوری است که مؤلف نقطه الکاف این مقبره را به نام «بقعه شیخ

۲۲- هدیۃ الاحباب ص ۱۷۶ . ۲۳- بحار الانوار ج ۱ ص ۱۵۰ .

۲۴- ریحانة الادب ج ۲ ص ۴۰ .

طبری»<sup>۶۵</sup> و «قلعة طبریه»<sup>۶۶</sup> ذکر نموده است.<sup>۶۷</sup>

رضا قلی میرزا درباره شیخ طبرسی می‌نویسد:

اگر مقصود از شیخ طبرسی ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی است، گور او در موضع مظہر غسلگاه از مشهد مقدس رضوی است و صاحب مجالس المؤمنین زیارت کرده است.<sup>۶۸</sup>

قدیمترین زیارت‌نامه‌ای که بر روی ضریح نصب است بنا بریخ ۱۳۰۱ است.

و بدین شکل شروع می‌شود:

«السلام عليك يا بحر العلوم . . . .» از سطر ۱۳ به بعد نوشته شده است «روح برفتح شیخ بزرگوار احمد بن ابی طالب طبری شاد . . . . حسب الفرموده جناب مستطاب علام فهیم انتخار الحاج والمدار حاجی ملام محمد کاظم خلف مرحمت وغفران پناه ملا محمد هاشم اتمام یافت... تحریر افی بوم الاحد سنة ۱۳۰۱»<sup>۶۹</sup>

#### وضع گنونی مقبره شیخ طبرسی

نام مقبره شیخ طبرسی به علت قلعه‌ای که در این محل در سال ۱۲۶۴ به دست باییه ساخته شد، بیشتر بر سر زبانها افتاد. <sup>۷۰</sup> امروز از این قلعه اثری نیست و سردر بقعه و محیط اطراف آن نوسازی شده و تغیرات زیادی کرده است. (عکس شماره ۱۸۸).

**مقبره شیخ طبرسی در اطاقی به درازای ۵/۵ × ۶/۵ متر مربع است صندوقی**

- ۲۵ - نقطه الکاف ص ۱۷۲ . . . . ۲۶ - همین کتاب ص ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ . . . . ۲۷
- ۲۸ - شهر با بل صفحات ۶۲-۶۶ . . . . ۲۸ - مسافت رضا قلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۱ و مجالس المؤمنین ص ۴۹۰ . . . . ۲۹ - شهر با بل ۱۴۸-۱۵۳ .
- ۳۰ - برای شرح بیشتر درباره واقعه قلعه شیخ طبرسی نگاه کنید به: فتنه باب ص ۲۱ تا ۲۳ و ناسخ التواریخ ج ۳ ص ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۹ تا ۵۴۲ و تاریخ مازندران مهجوری ج ۲ ص ۱۶۴ تا ۱۷۷ و شهر با بل صفحات ۱۵۳ و ۱۵۴ .

قاب و آلت تخته‌ای دارد. قابهای صندوق مستطیل شکل است و کاری نسبهٔ ظریف است. درازای صندوق ۲۴۲ و پهنایش ۱۵۴ و بلندی آن ۱۱۵ سانتیمتر است. ضریحی مشبك چوبین صندوق را احاطه کرده است و درازای آن ۳۵۰ و پهنایش ۲۳۱ و بلندیش ۱۹۶ سانتیمتر است. این ضریح مشبك کم وزبانه‌ای است. کف اطاق سابقاً با کاشی فرش بوده است و امروز جلو مدخل این اطاق چند خشتمی از این کاشیها دیده می‌شود.

مسجدی متصل به بناست که دارای سه پنجرهٔ مشبك چوبین و یک پنجرهٔ مشبك نور گیر گچ کاری است. سراسر بنا سفالپوش است. دری قطور و پاشنه‌ای در مدخل مسجد است.

امامزاده سید رضی

در دیو دشت بالاتجن علی‌آباد

بنای اصلی با مسجد متصل به آن مستطیل شکل است. در بنای اصلی سه جانهٔ چراغی در سه جهت بنا ساخته‌اند که خالی از ظرافتی نیست. در ورودی شرقی است که به مسجد بازمی‌شود. سه پنجرهٔ مشبك آجری در سه جهت اصلی است که نور-گیر است و بالای جا چراغیها قرار می‌گیرند. صندوق مرقد و در بقعهٔ مسجد ساده و چوبی است. سنگ قبر کوچکی در بقعهٔ بود این عبارات بر آن حک شده بود:

با علی . . . وفات مرحوم آقا بر ار پهلوان این قربانعلی چراتی

سنه ۱۲۵۲

با یک بیت شعر فارسی و گنجشکی که زیر این بیت حک شده بود.

بنای بقعهٔ برگونی کوچکی است که دور آن خندقی کنده‌اند. اطراف بقعهٔ بیشه‌ایست در حدود ده هزار متر که درختان ازدار و شار و موزی در آن زیاد است و منظره‌ای جالب دارد.

## باقي بناها و آثار تاریخی بالاتجنب

- ۱- میرتیمور از راهی قدیمی به نام «راه بندبن» نامی برده که از بالاتجنب به آمل می‌رفته است. (تاریخ خاندان مرعشی ص ۵۹).
- ۲- از راههای شاه عباسی راهی فرعی از شیرگاه به بارفروشده (= بارفروش = بابل) می‌رفته است. این راه از نزدیک دهکده قراخیل<sup>۳۱</sup> از دهکده‌های بالاتجنب علی‌آباد (= شاهی) می‌گذسته است.
- ۳- امامزاده سید یعقوب و سید هاشم در دهکده سوختن کلا از دهکده‌های بالاتجنب علی‌آباد (شاهی = قائم شهر).

<sup>۳۱</sup>- قراخیل ده از دهستان بالاتجنب بخش مرکزی شهرستان علی‌آباد (شاهی) ۷ کیلومتری غرب علی‌آباد (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳).

## ۵- بناها و آثار تاریخی بیشتر شاهی (قالم شهر)

امانزاده حمزه

در سیاه رودبار دشت آهنگر کلای بیشتر

بنایی قدیمی و ساده است . در وسط این بنای چهار گوشه صندوقی است به  
فرازای ۱۸۱ و پهنای ۱۵۲ و بلندی ۱۱۱ سانتیمتر . این آيات و عبارات بر بدن‌های آن  
حک شده است .

آبانی که بر تخته‌های بدن جنوبی است از پایین به بالا :

بسم الله الرحمن الرحيم الله لا إله إلا هو ما يأتمهم وما يخلفهم

والذين كفروا أولياؤهم - نا - فيها خالدون

بسم الله الرحمن الرحيم يسبح الله ما في السموات

وهو العزيز الحكيم ذلك فضل الله يؤتى به من يشاء

مثل الذي حمل التوراة ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل الأسفار

آبانی که بر تخته‌های بدن غربی است :

فإنه ملائكم ثم - نا - الصلاوة يوم الجمعة فاسمعوا

وما في الأرض الملك القدس العزيز الحكيم

هو الذي بعث في الأميين - نا - كانوا من قبل لئن

صلال مبين - نا - إن كنتم تعاملون فإذا قضيت الصلاة

فانتشروا في الأرض - تا - تفلحون و اذا رأوا  
 تجارة اولهم انفسوا - تا - الله خير الراذفين  
 بسم الله الرحمن الرحيم الرحمن - تا - علمه البيان  
 في السموات والأرض استعصم ان تنفذوا<sup>۱</sup>  
 فبأي آلاء ربكم تكذبوا<sup>۲</sup>

منكثرين على رفف خضر - تا - فبأي آلاء ربكم تكذبوا<sup>۳</sup>

دو بدنه دیگر صندوق کنده کاری و نقش است (عکس شماره ۱۸۹) . در ورودی بقعه  
 دولنگه و کنده کاری است .

مسجدی منصل به بنای اصلی بقعه است که دارای در دولنگه و کنده کاری  
 است . بر قسمت وسط لنگه راست حملوات بروچهارد مخصوص با حملوات کمیر است .  
 بر بائوی سمت راست ابن لنگه :

بحق علی ولی خدا قیامت مصطفی همه ابن درد باشد تراشند  
 در کربلائی روح الله ذوالقرنین

بر بائوی سمت چپ لنگه چپ :

هو الفتاح اميد بدرگاه خدا محب دیگر ملك جهان بخش نمار کائب  
 القبر خالق قدم درویشان اسماعیل

نخته‌ای کنده کاری در بقعه بود . ظاهراً روزی در چهاری بوده است . (عکس  
 شماره ۱۹۰) .

محوطه‌ای وسیع و گسترده اطراف بقعه است که درختان آزاد در آن زیاد است .  
 گردابگرد سه‌اصله درخت که قدیمتر بود بدین ترتیب است: ۵۱۸، ۵۲۰ و ۵۸۸ سانتیمتر .

۱ - نه تنها آیاتی که بر تخته‌های ترتیب و تنظیمی ندارد بلکه قسمی از آیه سوره‌ای را  
 با قسمی از آیه سوره دیگر روی یک تخته کنده شده است و ابن ظاهراً انتباه کنده کار و  
 تجار است . ۲ - سوره الرحمن ۵۵ آیه ۲۸ و یک کلمه از ۲۹ . ۳ - سوره  
 الرحمن ۵۵ آیات ۶ و ۷۷ .

### سقانفار تکیه‌آهنگر کلا

بنای تکیه دست خورده و تجدید بنا شده است و آثار تاریخی و هنری ندارد. سقانفار تکیه نسبه قدیمی است. (عکس شماره ۱۹۱) این عبارات و اشعار بر تخته‌های سقف آن خوانده می‌شود:

کاتب احقر هدایت ابن آخوند ملاعلی تاریخ سنّة ۱۳۲۹ با ابوالفضل  
با امیر المؤمنین یا حیدر کرار ادرکنی.

حرف ابجد را شمر از غمگسار*	یار بانی شو که تاریخ نبار
حب سقای شهید تشنه کام	ابن بنای عالیه گشته تمام
سیصد و بیست و نه از بعد هزار	شد تمام از سال هجرت این نبار
تساقیamt خاطرشان شاد باد	آفرین بر بانی و استاد باد
خرج و اخراجات او گشته خدیم	بانی اش شد کربلاشی ابراهیم
ابن بنا چون کعبه را برپا نمود	چون که همانم خلیل الله بود
طبع نجاران بسی زحمت کشید	زوجه‌اش هم از بی خدمت دوید
باقي اهل محل هر کس بهمت خود	بانی تالار کسر بلاشی ابراهیم
عمل نجاری یادگاری استاد غلامحسین لاسمی با استاد فضل الله	
خانقائی با استاد اسدالله غائی عمل نقاشی غلامحسین لاسمی.	

ابن سقانفار چهارده ستون طریف با سرستونهای دهان از دری دارد دو ستون آنها لاج لنگری مارپیچ و باقی لاج لنگری هفت و هشت است.

### درویش داود

#### در دهکده آهنگر کلای بیشه سر شاهی

بنای اصلی بقیه قدیمی را خراب کرده بودند و بنایی آجری نیمه تمام (در شهریور ۱۳۵۶) به جای آن ساخته بودند. بنای گنونی مربع مستطیل است و صندوقی

\*- کلمه غمگسار با حساب ابجد ۱۲۲۱ هجری فرعی می‌شود که با سال ۱۳۲۹ هشت سال فاصله دارد. ظاهرا آزاد هم به حساب می‌آید.

در قسمت بالای آن گور درویش داود را پوشانده است. این صندوق در نوع خود بی نظیر است زیرا رقبات موقوفاتی برای عزاداری ابا عبدالله الحسین بر چهار بدنۀ آن حک شده است و تعداد این رقبات نیز زیاد است. چون این رقبات بر تخته‌های وسط صندوق وحاشی آنها کنده شده بود و ترتیب و تنظیم آنها روشن نبود، هرچه بیشتر وقت صرف کردیم کمتر از ارتباط میان قطعات خبردار شدیم بنابراین نمونه‌ای از این وقنامة بزرگ را در اینجا ذکر کردیم.

در ازای این صندوق بیمانند ۱۸۰ و پهناش ۸۲ و بلندیش ۱۲۱ سانتیمتر است.

این عبارات به عنوان نمونه از بدنۀ شمالی آن نقل شد:

زمان شاه سلیمان مالیه بخشیده شد بشاه مردان وقف این ملک و  
چاشد درویش علی شاه امام معصوم شهید مظلوم یعنی ابا عبدالله الحسین  
لئنلا دو قفیز منجمله آبدان بن شرقیا و رئشاهرخ گاوزن، غربیا حاجی  
محمدعلی آهنگر جنوبیا ورنۀ یعقوب گته کاشمالا ورنۀ محمد حسین کاردگر  
قطعه ثابه یک قفیز و پنجدهو منجمله آب سیاه رود بی ...

ابتدای این وقنامه بر بدنۀ شرقی است که بدین ترتیب شروع می‌شود:  
بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين الحمد لله الواقف على الصابر  
وقف نمود بدینظریق .....

بر همین بدنۀ این عبارت با تاریخ وقف حک شده است:  
العبد الاائم محمد يوسف بن كربلاهي محمد قاسم آهنگر کلاشی

سنۀ ۹۹۱.

بر سایر بدنۀ‌ها عبارتی از وقنامه است که خواندن و مرتبه کردن آنها فراغت بیشتری می‌خواهد. (عکس شماوه ۱۹۶).  
اطراف بقعه زمینی باز و گشاده است و در حدود ۵۰ اصله درختان مختلف در آن است. گردانگرد نه درختان آزاد قدیمی بدین ترتیب است:  
۴۷۰ و ۵۳۲ و ۶۶۵ سانتیمتر.

امامزاده عباس رضا

در گوئندا از دهکده‌های بیشه‌سر شاهی

بنای است بر بالای تپه‌ای کم ارتفاع که اطراف بنارا خندق مانندی حفر کرده‌اند. بنای اصلی بقعه چهارگوش است. (عکس شماره ۱۹۳) در این اطاق چهارگوش صندوقی به درازای ۱۷۲ و پهنای ۹۸ و بلندی ۱۱۴ سانتی‌متر مرقد را پوشانده است. این صندوق کنده کاری است. بر تخته‌های بدنه شمالی آیاتی از سوره مبارکة الرحمن حک شده است.

بر تخته‌های بدنه غربی از بالا به پایین عبارات زیر حک شده است:  
عامل درویش روح الله آهنگر غفرانه له

کاتب ملام محمد یوسف این کربلاشی قاسم آهنگر [کذا] رمضان المبارک ۹۳۱.  
بر لبه بالای بدنه قبلی صلوات بر دوازده امام حک شده است و در تخته‌های وسط آیاتی از سوره مبارکة الرحمن و نادعلی است، به اضافه عبارات زیر:

کاتبه محمد ابراهیم آهنگر

حاض را کوفت کربلاشی اسکندر آهنگر نسقه العبد ملامه‌هدی آهنگر  
بر بدنه شرقی آیاتی از سوره مبارکة الرحمن است.

در ورودی بقعه کنده کاری بسیار ظریف است که اخیر آبا رنگ روغنی، که بر آن زده‌اند شکل اصلی آنرا از میان برده‌اند. (عکس شماره ۱۹۴) اطراف بقعه گورستانی قدیمی است که درختان انجیر و موزی و شارو آزاد و سرو دست کاشته در آن است.  
سنگ قبری در بقعه است که این عبارات بر آن حک شده است:

آرامگاه مرحوم سید رمضان این سید علی محمد کمالیان نوائی  
نجار که در تاریخ ۱۲۹۶ فوت شد.

**سید ابو صالح**

در اراضی دهکدانه ملهٔ ۶ از دهکده‌های بیشتر علی‌آباد

بنائی است چهارگوش با مسجدی بزرگ متصل به آن. (عکس شماره ۱۹۵).

نمای بیرونی بنارا با گچ نقش و نگار کرده‌اند (عکس شماره ۱۹۶ و ۱۹۷) صندوقی به درازای ۱۶۸ و پهنای ۸۲ و بلندی ۱۳۹ سانتیمتر مرقد وسط را پوشانده است. ضریحی به درازای ۲۲۰ و پهنای ۱۳۷ و بلندی ۱۴۸ سانتیمتر صندوق را احاطه کرده است. بر بدنهٔ شرقی آن عبارات زیر حک شده است:

بر حاشیه بالای این بدنه:

الله لا إله إلا هو الحى - تا - له مافي السموات.

بر حاشیه پایین همین بدنه:

موفق و بانی شده است خیر الزارین کربلائی هدایت چرانی

سوداکوهی بدست یاری متولیان شرعی جنابان آخوند ملا محمد رضا و

آخوند ملا آقا بزرگ:

بر تخته‌ای در همین بدنه:

بانی کربلائی هدایت چرانی.

بر تختهٔ دیگر: سنه ۱۳۲۴.

بر بدنهٔ حنوبی ضریح عبارات زیر حک شده است:

بر حاشیه بالای این بدنه:

ومافي الأرض - تا - السموات والارض ولا

بر حاشیه پایین همین بدنه

با الورانه جارو بکش بقעה متبرک حضرت سید ابو صالح نور الله

مضجعه بودند این ضریح مطهر منور ساخته شد بید صناعت دستگاهی

۶- ملهٔ ده ازدهستان بیشتر بخش مرکزی شهرستان شاهی چهارده کیلومتری شرق شاهی (فرهنگ جغرافیایی ایران ج ۳).

استاد مهدی قلی بندپی و رزنی صورت انعام پذیرفت حرره العبد المذهب

الائم عباس ابن احمد ابن نصر الله بایع<sup>۷</sup> سواد کوهی.

بر بدنه غربی صندوق عبارات زیر حک شده است:

بر حاشیه بالای این بدنه:

بؤده حفظها و هو - تا - فمن يکفر بالطا.

بر حاشیه پایین همین بدنه:

که هستی را نمی باشد بقائی غرض نقشی است کز ما بازماند

بماند سالها این نظم ترتیب [کذا] ز ما هر ذرہ خاک افتاده جانی

عباراتی که بر بدنه شمالی ضریح حک شده است:

بر حاشیه بالا:

غوت فیؤ من بالله فقد - تا - فیها خالدون

کاتب الحروف عباس بن احمد بایعی کلائی<sup>۸</sup>

بر حاشیه پایین همین بدنه:

یارب نگاهدار تو ایمان کسی بر خط من بخاند<sup>۹</sup> و بر من دعا کنند

قال النبی ﷺ الدینیا اولها و آخرها جیفه و او سطها جیف و طالبها کلاب

الهم اغفر لی ولوالدی تحریر افی شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۳۲۲

بر تخته های قسمت وسط صندوق در جبهه شمال سوره الرحمن و در جبهه

جنوب سوره یس با خطی متوسط نسخ حک شده است.

در ورودی بقعه تمام کنده کاریهای محلی دارد بلندی آن ۱۷۲ و بهترین آن ۶۴

سانتیمتر است. این عبارات بر آن حک شده است:

۷- صحیح این کلمه «بائی» است که از خاندانهای قدیمی مازندران هستند. بائی کلای بندپی و با توجه هر از پی و یا توجه خیل لنگا دعکده ها ای ایشان نامیده شده اند.

۸- بالای «بایع» صفحه قبل با «بایع کلائی» که اصل آن: «بائی کلائی» است.

۹- صحیح بخواهد.

بر بائوی راست لنگه سمت راست:

اللهم ارزقنا اولاد صالحًا بعد بر رأى دوستان و شعبان على بن  
ابي طالب مخفى نماناد چون توفيق آثار ملا اسماعيل و زوجه..... غفت  
پناه را توفيق شد بقدر مقدور قیمت رنگ دادند.

بر بائوی چپ لنگه چپ:

که بانی و نجاری این درو صندوق روضه عنبر سرشت بید کریلاشی  
روح الله آهنگر صورت گرفت اللهم وفقه واولاده.  
مسجدی متصل به بنای بقعه است که دری گنده کاری دارد بلندی آن ۱۷۲ و  
بهناش ۶۲ سانتیمتر این عبارات بر آن حک شده است:

بر بائوی سمت راست لنگه سمت چپ:

استاد شاه نظر جور و سایرین هذا البيت فی الکاظمی. ..... کرده است.  
اللهم و فتحم راقم الحروف محمد بن محمد صالح بتاريخ سنہ ۱۱۱۴.

بر بائوی سمت چپ همین لنگه.  
دیگر توفیق و مکت دستگاه جلال الدین بن میرزا ..... و سایر  
محبان مثل ملام محمد ولد حاجی زین العابدین و حاجی عبدالله بن حاجی محمد.  
در اراضی بقعه سید ابو صالح سروی کهنسال است که بلندی آن بالغ بر ۱۵/۵  
متر است. (عکس شماره ۱۹۸).

#### تکیه مله

در میان رهکده مله از دهکده های بیشه سر

تکیه ایست قدیمی شامل نه پنجره ارسی قاب و آلت دار. طرف دست راست  
این پنجره ها اطاقی است که بر جرز آن سرو و نقوش دیگر گنج کاری شده است.  
(عکس شماره ۱۹۹)

### بالی کنی

قلعه‌ایست در اراضی چنگلی به همین نام  
این قلعه مسلط بر اراضی زیر دست است معروف است که قدیم شاهنشین بوده است.  
اطراف ارگ دیواری و حصاری داشته که آثار آن بر جای است. از چاهی که در اراضی  
قلعه است به اطاقهای زیر زمینی و سمع قلعه می‌توان رفت.

### اماکن ادله علی

#### در گرچنگ از دهکده‌های بیشه‌سر

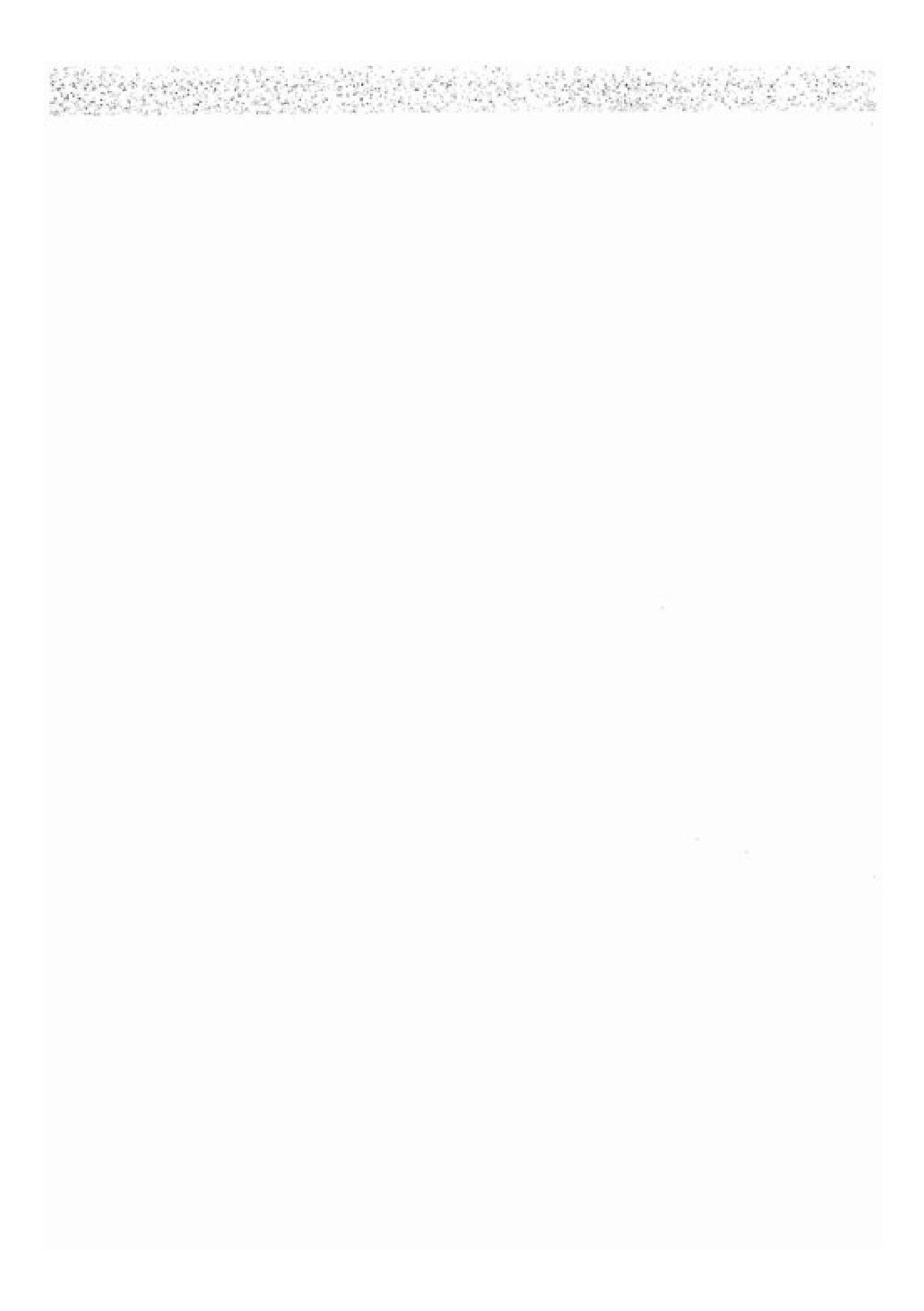
بنائی است چهار ضلعی که صندوقی در وسط آن به درازای ۲۴۸ و به نای ۱۳۴  
و بلندی ۹۶ سانتی‌متر مرقد را پوشانده است. ساختمان صندوق از قاب و آلت است.  
دری نسبه قدیمی و کنده کاری دارد. بر لنگه سمت چپ در سه تنکه بالا و  
پایین و وسط کتیبه دارد که بر اثر فرسودگی و ریختگی و بد خط یوردن قابل خواندن  
نیست. سنگ قبری مورخ ۱۳۴۶ ه. ق. نزدیک بنای بقعه است.

اطراف بقعه بیشه‌ای از درختان آزاد است که تعداد آنها در حدود پنجاه اصله  
است گردانگرد تنہ کهنسال‌ترین آنها بدین ترتیب است:  
۵۳۸ و ۵۸۳ و ۵۸۶ و ۶۰۹ سانتی‌متر. بنای بقعه و بیشه بر بالای بلندی است که  
سلط بر اراضی اطراف است ولی ارتفاع آن زیاد نیست. از راه ساروکلا به کوتنا  
واز آنجا به گرچنگ می‌توان رفت. بقعه دور از محل در میان اراضی شالی‌زار است.

### دور افضل

#### در ری کنده از دهکده‌های بیشه‌سر

بنائی تازه است و اثر تاریخی و هنری ندارد.



## ۶- بناها و آثار تاریخی بابلکنار و کارگندۀ شاهی (قائم شهر)

### تکیه و سقانفار و فرآن تالار در دعکده‌آوان‌کلا با بلکنار شاهی (قائم شهر)

تکیه شامل دو اطاق است که پنج ستون پنج زده هشت سو در جلو بکی از اطاقهاست. چهارستون آن دارای سرستون دهان از دری و یک ستون وسط سرستون آن مقرنس کاری است. پایین ستونها نکائل مشبك به ارتفاع چهل سانتیمتر است. سقف بنا پلور کشی و هل کوبی است. بر هر تخته پل نقاشی قدیمی بوده که بیشتر آنها بر اثر رطوبت بام از میان رفته است. بر یکی از تخته‌ها «عمل استاد میرزا بابا علی» خوانده می‌شود. اطاق دوم فقط یک در ورودی و یک پنجره کوچک دارد.

### سقانفار

سقانفار نزدیک تکیه است و دارای چهارده ستون پنج زده هشت سو است با دستک نکائل. بر گوش‌های تاریخ ۱۲۷۸ دیده می‌شود. بر چکش گردان تکیه و سقانفار اشعاری از محشم کاشانی است، و پاره‌هایی از هفت‌بند اورا با خط خوش نوشته‌اند. بر دولنگۀ سقانفار این عبارات خوانده می‌شود: بانی این تالار غریب رضا - عمل نجاری استاد علی درونی<sup>۱</sup> به تاریخ ۱۳۶۵.

۱- درونی ظاهراً منسوب به درون کلای بندبی است.

## قرآن تالار

بنایی است چهار گوش که قدمت زیادی ندارد . بسیار چهار بائوی در دو لنجه  
ورودی آبة الکرسی از الله لا اله الا - تا - هو العلي العظيم حک شده است .  
برپاسارهای در عبارات زیر است :

بانی این در آنامار بنت میرزا جان - عمل استادعلی و استادشعبان  
یا کلام خدا ۱۳۴۶ .

اما مزاده قاسم معروف به اما مزاده ابراهیم  
در عیسی خندق<sup>۲</sup> کارگنده شاهی (قالم شهر)

بدنه اصلی بنا استوانه است که از آجر و گچ ساخته و روی آن را با پوششی  
قطور از گچ پوشانده اند . محل اتصال بدنه اصلی بنا با اول بام ، قرنیسهای سینه .  
کفتری وبالای آنها یک کمر بند گچکاری به پهناهی ده سانتیمتر و بالای آن میان هر دو  
قرنیس کاشیهای نیم دائیه است که منتهی به بام هرمی هشت ضلعی می گردد . یک متر  
زیر قرنیسهای سینه کفتری نوارهای افقی کاشیکاری منفصل از هم است . درجهت شمال  
نزدیک به پایه استوانه بنا دری کوچک به داخل باز می شود . (عکس شماره<sup>۳</sup>)  
صندوقی ظریف و پرنفس در میان بنای اصلی مرقد را پوشانده است . در ازای  
آن ۲۷۶ و پهناش ۱۴۴ و بلندی آن ۶۹ سانتیمتر است . آیاتی چند از کلام الله مجید  
و عباراتی دیگر به این ترتیب بر آن حک شده است :

بر حاشیه بالای بدنه غربی صندوق :

بسم الله الرحمن الرحيم يس - تا - تنزيل العزيز  
بر پایه سمت راست بدنه غربی از بالا به پایین :

ونكتب ما قدموا و آثارهم وكل شيء

بر پایه سمت چپ :

۲ - عیسی خندق ده از دهستان کارگنده بخش مرکزی شهرستان شاهی ۶ کیلومتری هرب  
ساری (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۳) .

برحاشیب مرربع و سط صلوات کبیر یعنی صلوات بر چهارده مقصوم.

برحاشیب راست این مرربع :  
هذا الروضة المباركة المنورة المطهرة الامام قاسم

برپایه سمت چپ از پایین به بالا :  
السلام من حضرة الله الملك العلام .

برحاشیب بالای بدنہ شمالی صندوق :  
الرحيم لتنذر فواماً - تا - فهم مقصون

برپایه سمت چپ بدنہ شمالی :  
وجاء من اقصا المدينة رجال يسمى

برحاشیب بالای بدنہ شرقی :  
وجعلنا من بين ابدیهم - تا - فاغشیناهم

برپایه سمت چپ بدنہ شرقی :  
الا البلاغ العین - تا - لئن

برتخته‌ای در همین بدنہ از بالا به پایین :  
فی تاريخ ربيع الآخر سنة تسع و خمسين و ثمانماه

عمل استاد شمس الدین بن محمد دین توza (؟)  
برحاشیب بالای بدنہ جنوبی :

لا يصرون وسواء - تا - امام میین .

مرحوم مهجوری درباره این امامزاده محل آن چنین می نویسد :  
دهکده عیسی کنده در پنج کیلومتری غربی شهر ساری است . بر  
صندوق چوین آن این عبارات حک شده است :  
فی تاريخ ربيع الآخری سنة تسع و خمسين و ثمانماه .  
نام سازنده ضریع : استاد شمس الدین بن محمد .

بر در ورودی این تاریخ کنده شده است : رجب المرجب سنه تسع و نهانین و ثمان  
ماهه .<sup>۲</sup>

از در ورودی و عباراتی که بر آن حک بوده است فعلاً نشانی نیست .  
عیسی خندق را مهجوری عیسی کنده خوانده و ظاهراً در ایام سابق چنین  
می گفته اند . اهالی مجل نام آبادی خود را « ایساندو » یا « ایساندوق » می خوانند و  
ضبط دمر گان ظاهراً صحیح تر از نامهای تازه به دوران رسیده است . او نقشی با سیاه  
قلم از این امامزاده کشیده وزیر آن نوشته است :

( عکس شماره ۲۰۱ Imam - zada , près du village d'issando .<sup>۳</sup> )

#### تپه های تاریخی حومه شاهی ( قالم شهر )

دین توکلی در با غلو مشهور به جو بیار قصبه مرکزی دهستان گیلخواران ۲۱ کیلومتری  
شمال شاهی ، ۱۸ کیلومتری شمال غربی ساری .

تپه دین در شور کا از دهستان گیلخواران ۵ کیلومتری شمال شرقی جو بیار .  
دین کربلا تی نعمت در جمال کلا از دهستان گیلخواران ۸ کیلومتری غرب جو بیار .  
تپه دین در حیدر آباد از دهستان گیلخواران در دو کیلومتر و نیمی شمال شرقی جو بیار .  
دین جمال الدین در جمال کلا از دهستان گیلخواران ۸ کیلومتری غرب جو بیار .  
تپه دین در اسماعیل کلا از دهستان کیا کلا ۱۹ کیلومتری شمال غربی شاهی ، کنار  
جاده کیا کلا به جو بیار .

تپه سید محله در سید محله از دهستان کیا کلا ۱۶/۵ کیلومتر شمال غربی شاهی ، کنار  
جاده کیا کلا به جو بیار .

ملاغلی کتی در جاده شاهی به کیا کلا ، سه کیلومتری میدان شاهی .  
دین اکوک در سوخت آب بندان از دهستان کیا کلا ۱۶/۵ کیلومتری شمال غربی شاهی  
کنار راه کیا کلا به جو بیار .

<sup>۳</sup> - تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۴۱ .  
نگاه کنید به ۹۱ Fig. کتاب دسر گان :  
هیأت علمی فرانسه در ایران .

سنگ پل کنی در فوتم از دهستان کیا کلا ۱۸ کیلومتری شمال غربی شاهی، کنار راه کیا کلا به جویبار.

دین کش در المیر از دهستان نوکند کا ۱۰ کیلومتری شمال شاهی چهار کیلومتری غرب جادۀ شاهی به ساری.

دین سر در قادی کلا از دهستان نوکند کا ۸ کیلومتری شمال شاهی، کنار جادۀ شاهی به جویبار.

دین کنی در پریجان در کمر بندی شاهی به ساری.  
سه تپه به نام گردکوه در جنوب شاهی در جمنان.  
دین کنی در جنید از دهستان تالارپی.

اما زاده کنی در علی آباد بخش مرکزی شاهی ۵ کیلومتری غرب شاهی.  
شال کنی در علی آباد بخش مرکزی شاهی در غرب شاهی.

قلاعه کنی در بایین لمونک نوکند کا بخش مرکزی شاهی ۶ کیلومتری شمال شرقی شاهی.  
تپه‌ذیبحی در حاجی کلا بالاتجن بخش مرکزی شاهی ۹ کیلومتری جنوب غربی شاهی.



## ۷- بناها و آثار تاریخی ناحیه سوادکوه علیآباد

### جغرافیای تاریخی سوادکوه

سوادکوه شامل دو بلوک و صد پاره ده است. از جنوب محدود به کوههای شلفین، مونگی چال، قدمگاه، پیازمرک، شاراق و گدوک شاه است. از شرق و غرب به دویال کوه که مسلط به رودخانه بابل و تجن است و از شمال به علیآباد (شاهی = قائم شهر) محدود می‌شود.

نقیمات این ناحیه را محمد حسنخان اعتماد السلطنه در حدود صد و بیست و سه سال پیش ذکر کرده است (امسال محرم ۱۴۰۵ است) و ما برای حفظ جغرافیای تاریخی این منطقه به شرح آن می‌پردازیم.

### آبادیهای سوادکوه

#### راستویی

بلوک سرخ رباط (بکسر خاء) : عباسآباد سامان و لایت فیروزکوه، وند چال، مالیه دره (خطیط امروز مالی دره)، بیم دره، انارکله (از این دو دهکده در فرهنگ جغرافیائی ایران یادی نیست).

بلوک دوآب بالا : اوریم، گرزالدین خیل، سنگ سرک (بکسر گاف)، ارفه ده، شورک چال (بکسر گاف)، ملد (بکسر میم و لام).

بلوک خاتمه‌یی : کرمان، بایع کلا (= بائی کلا)، برنت (بکسر باء و نون)

کردآسیاب (بضم کاف) ، آریم ، فلورد (بضم فاء و لام) ، کمرود (بضم کاف و سکون میم) سامان شامرزا (= شهیرزاد) ، ازرود (از این نام در فرهنگ جغرافیایی ایران اثری نیست) .

**بلوک خانقاہ** : رجه ، آسه (فرهنگ جغرافیایی ایران این نام را ضبط نکرده است) ، کوه استبل (در فرهنگ جغرافیایی : کوه اصطلاح) ، ده میان ، انارم (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیامده است) .

**بلوک راسقویی** : تاله (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیامده است) ، شور-مست ، مبارکلا ، ازانزو (ذکری از این نام در فرهنگ جغرافیایی نیست) ، کمرود (بضم کاف و سکون میم) .

### آبادیهای ولوبی

**بلوک چرات** : چرات .

**بلوک انند** : (فتح الف و نون) تابستان نشین اهالی زیرآب است . انند ، وسیه کش (فتح واو و کاف) ، دوراه استله (از این نام امروز نشانی نیست) ، واله بالا و بایین ، شش رو دبار ، کاکران ، بالند ، بیم دره (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیست) .

**بلوک الاشت** : الاشت ، سواد رو دبار ، سنکرخ (از این نام یادی نیست) ، لرزنه ، لیند ، سرین ، کلیان (از این نام در فرهنگ جغرافیایی اثری نیست) .

**بلوک کارمزد** : کارمزد ، معشی (بکسر میم) ، اسل (فتح الف و سین) ، فرهنگ جغرافیایی عسل ضبط کرده است) ، شیرکلا .

**بلوک کلاریجان و کمندین** : کلاریجان ، موچی خبل ، کمند ، زنگیان ، ایراتین ، اووات ، نام (از این سه نام در فرهنگ جغرافیایی یادی نیست) .

**بلوک زیرآب** : شیردره ، دیولیم (تفاطع آب ولوبی و راستوبی) ، خورمند . چال (بکسر دال) ، در فرهنگ جغرافیایی : خرمندیچال) ، نرگس جار (این نام در فرهنگ جغرافیایی نیامده است) ، خلبل کلا ، عالیه کلا ، خواجه کلا ، کلیج کلا (این

نام در فرهنگ جغرا فیابی نیست) کردآباد، کلا، چندلا، چارسون، نخ‌کلا (چهار نام اخیر دوفرهنگ جغرا فیابی نیامده است)، سرخ‌کلا.

بلوک‌سلیمان: بهمنان، پاشاکلا، منه‌کلا (این نام در فرهنگ جغرا فیابی نیست)، سنگ نیشت (بکسر گاف و یاء)، پیر نعیم، لولاك، سی‌بی، آتو (در فرهنگ جغرا فیابی آتو بضم الف)، امیر‌کلا، کجید (در فرهنگ جغرا فیابی نیست)، ولوکش، امیر‌کلا (مکرر)، سوته سره، اویه یور (دونام اخیر در فرهنگ جغرا فیابی نیست).

#### سوادکوه در نظر ناصرالدین‌شاه

ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۸۲ق، راه فیروزکوه به سوادکوه را طی کرده

و درباره ناحیه سوادکوه می‌نویسد:

در اصل بالای گردن که راه شاه عباسی از آن می‌گذرد، سمت جنوبش بلوک فیروزکوه و سمت شمالش سوادکوه است، کاروانسرای بزرگی از شاه عباس می‌باشد. از گردن که به طرف سوادکوه پایین می‌آید، در طرف دست چپ راه، در سرکوه قلعه‌ای دیده می‌شود که آن را قلعه اولاد دیو می‌نامند و بر سر کوههای سمت دست راست هم قلاع محکم خراب زیاد است. سدی نیز در تنگه این دره ساخته بوده‌اند تا آبی که از بالای گردن می‌آید، آنجا جمع گشته کسی نتواند عبور نماید، لکن سد بکلی منهدم بود و از آثار می‌نمود که بنای محکمی بوده و آن‌آب هرچه از گردن سرازیر می‌شود، رو به زیادتی می‌گذارد، همین آب است که رودخانه تالار نامیده می‌شود و مصب این رودخانه دریای خزر است. از گردن به منزل اول که سرخ رباط است، از تنگه معروف به «چهل در» باید عبور کرد. از سرخ رباط به منزل دیگر که بخواهند بروند، به خاک سوادکوه وارد شده و در جاده شاه عباسی راه پیموده، می‌روند به پل سفید و راه پنج فرسخ است و معتبر در کنار رودخانه تالار و از جنگل عبور می‌شود. پل سفید از بناهای شاه عباس است و سه چهار چشم دارد. منزل دیگر

سرخه کلاست و آن قریه است در بالای کوه واقع و درین راه رودخانه‌ای از سمت دیولیم از طرف دست چپ راه به رودخانه تالار می‌ریزد و خود دیولیم نیز در سمت چپ راه واقع شده است. اعتقاد عوام اینستکه مجلس کیکاووس در دیولیم بوده است. امامزاده عبدالحق طرف دست چپ، آن سمت رودخانه واقع است. از پل سفید ناصرخه کلا دو فرسخ است و دهانی که در این مسافت در دو طرف راه واقع شده عبارت است از: نخی کلا، کردآباد، خواجه کلا، نرگس جاسر، لاویج کلا. اما این قراء غالباً در بالای کوهها و در میان جنگل است و دیده نمی‌شوند. از سرخ کلا که مسافر به طرف شیرگاه حرکت می‌کند، اول آبادنی که می‌بیند سر کلا و بن کلا است و تا پل کسلیان بلوک دارد است. این پل سرحد سوادکوه و شیرگاه است و رودخانه‌ای از سمت کسلیان جاری و داخل تالار می‌شود. پل مرتفع طولانی دارد و معروف به پل دختر است و اگر این پل نباشد، راه عبور و مرور سوادکوه و مازندرانی مقطوع می‌شود. به اندک مسافتی آن سمت پل، دشت شیرگاه پیداست و کوههای بلند پست می‌شوند و حالت جلگه پیدا می‌کنند. فی الحقيقة از شیرگاه به آن طرف سرحد مازندران است و از خاک سوادکوه خارج می‌شوند. از شیرگاه که به طرف علی آباد می‌روند اول از رودخانه « اوئی جان » می‌گذرند. این رودخانه هم داخل تالار می‌شود و بعد از رودخانه دیگر می‌گذرند که پلی یک چشم‌ای دارد و از بناهای شاه عباس است. این پل معروف به پل بشل می‌باشد. دهات دست راست: سروکلا و من کلا و هیوکلا است و جزو بلوک علی آباد.<sup>۱</sup>

۱- سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از التدوین ص ۲۳ و ۲۴.

## ۸- بناها و آثار تاریخی کسلیان سوادکوه علی آباد (قالم شهر)

### مختصری درباره نام کسلیان

کسلیان یکی از دهستانهای بخش سوادکوه علی آباد (شاهی - قائم شهر) است که در مشرق دهستان زیرآب قرار دارد و منطقه‌ای کوهستانی است. حسن بن اسفندیار درباره این ناحیه می‌نویسد:

سلیان نام به عهد اکاسره، پناه بمعابرستان کرد و بدین موضع که قلعه کسلیان است خانه ساخت و به طبرستان «کیه» خانه را گویند و این قلعه بدو موسوم است. از آن تاریخ تا به عهد ما سنه نلات عشر وستمایه (۶۱۳) این قلعه معمور بود.<sup>۱</sup>

اشتقاق واژه کسلیان (که امروز کسلیان می‌گوئیم) آنچنانکه حسن بن اسفندیار نوشت، به نظر صحیح نمی‌آید. نخست اینکه از دوران ساسانیان تا کنون، ماکسی را به نام «سلیان» نمی‌شناسیم. دوم اینکه در نشان دادن ملکیت در زبان طبری، مضاف الیه مقدم و مضاف در مرتبه دوم قرار می‌گیرد و باید گفت «سلیان کیه» (بکسر نون) یا به شکل قدیمتر «سلیانی کیه» نه «کیه سلیان» چنانکه در فارسی امروزی گوئیم. به نظر نگارنده این اسم بسیار نزدیک به کلمه «کسیل» است که نام دهکده‌ای در ناحیه «لورا» است و امکان آن دارد که این نام محل ازنام تبره‌ای کوهستان نشین

۱- تاریخ طبرستان ج ۱ ص ۸۲.

مازندaran متأثر باشد و کسلیان، همان نام با اضافه کردن الف و نون مکان است که به معنی محل و جای کسیل است. چون گیلان و دیلمان.

### ۸- بناها و آثار تاریخی کسلیان سوادکوه

#### قلعه‌های کوزا و کسلیان و رو هین

ظاهراً این سه قلعه در دره کسلیان یا در مرآکزندیک به این دره بوده‌اند. چون این سه قلعه مدتی به پادشاه ابو جعفر سپرده شده بود.<sup>۲</sup>

بهرام بن شهریار پس از شکست از برادرش - علاء الدوله علی بن شهریار - (۱۱۵ تا ۵۳۴) به قلعه کسلیان پناه برد.<sup>۳</sup>

خبر به اسپهبد علاء الدوله علی بن شهریار آورده‌است که فرامرز-برادرزاده‌اش- با عمومیش بهرام ساخته است. علاء الدوله علی به پایان قلعه کسلیان شد و منجنيقها راست فرمود و دو ماه آنچه نشسته بود. برادر بهرام زینهار خواست و امان طلبید. شیر بمکوب را که اهل سنور هزار جریب بود به کوتولی قلعه فرستاد و براین عهد وقرار از پایان قلعه دور شد.<sup>۴</sup>

#### هنوز قلعه کسلیان از آن اسپهبد بهرام بود.<sup>۵</sup>

ظاهراً اسپهبد علاء الدوله علی میل داشت که خود بر قلعه کسلیان حاکم باشد و اسپهبد بهرام بن شهریار سرفروز نمی‌آورد. هردو مجبور شدند به درگاه سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه (۵۱۱ تا ۵۲۵) به ری روند.

اسپهبد علاء الدوله علی، دعویدار بن سهراب که مردی پیر و مقبول القبول بود پیش بهرام و فرامرز فرستاد که دست از خود سری بردارند و به درگاه سلطان محمود نروند و به خانه بنشینند چون به درگاه سلطان محمود کسی حرمت شما ندارد. ایشان نشوندند و رفتند. و با علاء الدوله علی به درگاه سلطان محمود رسیدند. سلطان،

۲- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۲ . ۳- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۴۹ . ۴- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۰ . ۵- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۱ .

علاء الدوله علی را بسیار احترام کرد و به بهرام و فرماز دستور داد تا اطاعت ازاو کنند . بهرام مجبور شد قلعه کلیان به علاء الدوله علی سپارد .<sup>۶</sup>  
 پس از سپردن قلعه کلیان به رودبار کلمزد رفته و از آنجا به دماوند افتادند .<sup>۷</sup>  
 محل قلعه کوزا زیاد روشن نیست . دریک مورد در تاریخ طبرستان می‌نویسد :  
 از راه هی و سرجه رجه به پایان فصیل کوزا رسیدند (تاریخ  
 طبرستان ج ۲ ص ۱۴۲) .

این راه امروز شناخته شده نیست . در جای دیگر می‌نویسد :  
 تالیور در پریم دیهی است به پایان قلعه کوزا (تاریخ طبرستان  
 ص ۱۵۶) .

اگر این سخن درست باشد باید به دنبال قلعه کوزا به پریم دودانگه ساری برودیم .  
 بهر حال برای اطلاع بیشتر درباره این قلعه نگاه کنید به تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۳۶  
 و ۵۰ و ۱۴۴ و ۱۶۷ و ۱۷۲ .

#### قلعه‌ای قدیمی در دهکده لاجیم کلیان سوادکوه<sup>۸</sup>

راه لاجیم از زیرآب کنار راه آهن سوادکوه سر بالا می‌رود تا به سرگردانه  
 مرتفعی می‌رسد . ناگهان چشم مسافر به دریابی از سبزه می‌افتد که در وسط آن محلی  
 بدون علف مانند شبه جزیره‌ای نمایان می‌شود . این نقطه از سه طرف مشرف بر  
 پر تگاههای عمیق است . در دماغه این مکان ، برجی تنها بادسته‌ای از درختان نمودار  
 است . در حاشیه پر تگاه خندقی است که دیوارهایش کاملاً عمودی است و جای دیواری

۶- تاریخ طبرستان ج ۲ ص ۵۴ . ۷- التدوین ص ۶۴ . برای اطلاع بیشتر از  
 سرگذشت این قلعه نگاه کنید به تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ص ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ . ۸- لاجیم ده از دهستان کلیان بخش سوادکوه شهرستان شاهی  
 ۱۳ کیلومتری خاور زیرآب (فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۲) . در فرهنگ جغرافیائی ایران  
 از این قلعه خraph به یاد شده است .

عظیم نمودار بود که به بیان بر جی بزرگ منتهی می شد که ظاهرآ مدور بوده است این برج ، نظریه اهمیت تپه ای که روی آن واقع بوده ، معتبرترین قسم قلعه محسوب می شده است . از اثر خاکی که رویهم اباشه شده بود ، معلوم شد که دیوار در آن سمت تپه و برج امتداد داشته است و درست گردانگرد دماغه ای را که به شبه جزیره تشییه کردیم ، احاطه می کرده است . در داخل این حصار ، چند تل هست که نشان می دهد این قلعه در واقع شهر مستحکمی بوده است .

### برج لاجیم

در کملیان سوادکوه علی آباد (شاهی)

این برج در عدد بناهای دوره تسلط آل زیار بر طبرستان (۴۲۳ تا ۳۱۶) هجری است و به نام مقبره امامزاده عبدالله شهرت دارد . برج لاجیم در داخل از یک سف مدور و در خارج از یک گنبد مخروطی ساده و ظریف پوشیده شده است (عکس شماره ۲۰۲) . مدخل این بنای آجری در سمت شرق قرار دارد و پایه گنبد آن به وسیله یک ردیف طاقها مزین گردد و در زیر آن دو کتیبه به خط کوفی و پهلوی در روی هم قرار گرفته و به دور برج پیچیده است . این دو کتیبه با آجرهای تراشیده در زمینه ای از گچ سفید نصب شده و کتیبه کوفی نام کیا اسماعیل ابوالغوارس شهریار بن عباس ، صاحب بنا ، و تاریخ آن را که ۴۱۳ هجری است مشخص می کند . (عکس شماره ۲۰۳ و ۲۰۵)

اهمیت این برج مانند برج رستم بیشتر از لحاظ دارا بودن کتیبه پهلوی در جوار کتیبه کوفی است که نشان می دهد در این قسم از ایران همانطوری که به هنر قبل از اسلام توجه داشته اند ، به خط دوره ساسانی نیز علاقه مند بوده اند .<sup>۹</sup>

در فهرست بناهای تاریخی آمده است :

برج لاجیم در قریه لاجیم سوادکوه ثبت تاریخی ۱۸۵ ، این برج آجری مدور که به نام مقبره امامزاده عبدالله شهرت دارد ، دارای گنبد

<sup>۹</sup> - تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی تألیف دکتر عباس زمانی ص ۱۳۲ .

مخروطی شکل است که در نهایت ظرافت و سادگی ساخته شده است . در روی بدنه این برج ، دو کتیبه کوفی آجری به خط پهلوی و کوفی نصب شده . تاریخ کتیبه کوفی آن سال ۴۱۳ هجری است . خط کتیبه کوفی آن که در نهایت سادگی باقی مانده است ، می رساند که این برج مدفن کیا اسماعیل ابوالفوارس شهریار بن عباس می باشد . اهمیت این دو برج (لاجیم و رست) بیشتر از لحاظ دارا بودن دو کتیبه پهلوی ساسانی و کوفی است . بدین ترتیب بنای برج یا مقبره لاجیم در عدد این برج (۳۱۶) دوران آل زیار (۳۷۰-۵ ق) محسوب می شود .<sup>۱۰</sup>

مرحوم شهاب طاهری در گنجینه های تاریخی مازندران در باره برج تاریخی لاجیم چنین می نویسد :

بنائی استوانه شکل است که از داخل گندم دوری بر آن زده اند و از خارج بامی مخروطی براین گندم دور ساخته اند . این برج که از آجر منقش ساخته شده ، محیط قاعدة آن ۲۶۸۰ سانتیمتر و قطر فضای داخل آن ۵۲۷ سانتیمتر است . دری شرقی به پهنه ای ۱۱۲ سانتیمتر دارد . قسمت بالای برج را با ناو های کوچک زیست داده اند و در زیر آنها دو کتیبه است که خطوط آنها از آجر تراش خوش رنگ است . متن کتیبه ها سفید و گچ کاری است . خط کتیبه پهلوی را تا کنون نخوانده اند . کتیبه کوفی کامل و دست نخورده است . جز در طرف غرب که از سایش شاخ و برگ درختان فرسوده شده است . در این کتیبه نام والقاب مدفن در این مرقد ، درست خوانده می شود . فقط اسم شخصی که به دستور او این بنا ساخته شده است ، روشن نیست . ولی از روی حلس و به قرینه اجزائی که از کلمات باقی است ، این اسم با تاریخ بنا هم معلوم می شود . اصل کتیبه کوفی

۱۰- لهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ص ۱۴۰ . در کتاب اسامی دهات کشور ج ۱ ص ۱۸۹ و کتاب پوپ ج ۸ شماره ۳۳۹ شرح و عکس این بنا هست .

به ترتیب زیر است :

بسم الله الرحمن الرحيم هذا قبر القيم الکیا الجليل ابو الفوارس  
شهریار بن العباس بن شهریار مولی امیر المؤمنین رحمة الله امر ببنائه ....  
فی سنة ثلاثة عشر واربعماهی - عمل الحسن بن على

بنا بر این کتبه ، گنبد لاجیم درست همزمان گنبد را دکان غربی  
است . و متعلق بدوره است که فاصله سقوط نخستین سلسله باوندی و ظهور  
دومین سلسله این خاندان است . در این دوره فترت که قریب هفتاد سال  
دوام یافت (۳۹۷-۴۴۶) تمام ناحیه سهل مازندران، درست آلزیار بود .  
ولی این طایفه بر کوهستان دستی نداشته‌اند . بقایای دوران باوندی در  
آنجا مأمون گزیده و منتظر فرصت بودند که ملک خود را به دست آورند .

بنا بر روایت این اسفندیار، در عهد الی ارسلان (۴۵۵-۴۶۶) پهبد فارن بن سرخاب تا اندازه‌ای موفق شد که بر مازندران مستولی گردد  
و قدرت خاندان وشمگیر را به زوال نهاد . محل اقامت حکام باوندی ،  
در کوهستان جنوب ساری - یعنی پایتحت سابق ایشان - واقع بوده است .  
علوم نیست این ابو الفوارس شهریار ، در میان پیزرنگان دوران  
باوندی چه رتبه و مرتبه‌ای داشته و با شهریار بن دارا که به دست وشمگیر  
کشته شد و سرخاب بن شهریار و فارن بن سرخاب و حسام الدوله شهریار  
این فارن سرسلسله شعبه دوم باوندیه چه نسبتی داشته است ۱۱۹

### تعصیر برج لاجیم

برج تاریخی لاجیم که نام محلی آن امامزاده عبدالله است از آثار تاریخی بسیار  
مهم قرن پنجم هجری می‌باشد که مقبره اسپهبد شهریار باوندی است و کتبه‌هایی به  
خط کوفی و بهلوی متوازیاً بر بالای آن تعییه شده است . به سبب واقع شدن این بنای  
تاریخی در جنگل‌های سوادکوه مازندران دور از دسترس بودن محتاج توجه مخصوص

۱۱۹- گنجینه‌های تاریخی مازندران ص ۹ و ۱۰ .

بود و گزارشهای اداره فرهنگ مازندران و علاقه‌مندان دیگر خرابی آن‌بنا و لزوم تعمیر فوری آن را تأیید و تأکید می‌کرد.

انجمن آثار ملی در سال ۱۳۳۷ ه. ش. مبلغی برای تعمیر آن‌بنا منظور نمود و معمار اداره کل باستان‌شناسی چند بار برای بازدید و ترتیب تعمیر آن به محل رفت اما به علت خرابی راه و عدم مساعدت هوا و وضع جنگل، رسیدن به آن‌محل ممکن نبود. سرانجام با مساعدت اولیای کارخانه «تراورس سازی شیرگاه» موفق به بازدید آن‌گردید و چون لازم بود که آجر و مصالح دیگر بناهمه از تهران فرستاده شود، مقدمات امر فراهم شد و تعمیرات بنا در سال ۱۳۳۸ ه. ش. آغاز گردید.<sup>۱۲</sup>

برج لاجیم که در محل آن را به نام امامزاده عبدالله می‌شناسند از کتبه‌های آن معلوم می‌شود که آرامگاه کیا اسماعیل ابوالفوارس شهریار بن عباس از پادشاهان آل باوند است و مورخ به سال ۴۱۳ ه. ق. است.<sup>۱۳</sup>

#### مرحوم مهجوری می‌نویسد:

برج لاجیم یا امامزاده عبدالله در دهکده لاجیم از دهکده‌های کلیان سوادکوه شاهی (علی‌آباد= قائم شهر) است. دیوار و برجهای نزدیک آن است که کاخ حکمرانی بوده است.<sup>۱۴</sup>

۱۲- کارنامه انجمن آثار ملی ص ۷۷۹ . ۱۳- سفارش نامه انجمن آثار ملی شماره ۷۹

ص ۳۹ و ۴۰ . ۱۴- تاریخ مازندران ج ۱ ص ۱۵۲ .



## ۹- بناها و آثار تاریخی شیرگاه و زیرآب سوادکوه علیآباد

### شیرگاه سوادکوه علیآباد

شیرگاه یکی از دهستانهای بخش سوادکوه شهرستان علیآباد (=شاهی = قائم شهر) است. این دهستان در جنوب شاهی و در دو طرف دره نالار واقع شده است. مرکز این دهستان، شهرک شیرگاه است که نخستین ایستگاه راه آهن در مسیر شاهی وزیرآب است.<sup>۱</sup>

### بنها و آثار تاریخی شیرگاه وزیرآب سوادکوه

بل شاه عباس

در شهرک شیرگاه سوادکوه

درازی این پل ۷۵ متر و پهنای آن بدون در نظر گرفتن جان پناهها ۵ متر، شامل دو دهنه است. دهنه بزرگتر شمالی و دهنه کوچکتر جنوبی است. این پل در مسیر جاده قدیم شاه عباسی بوده و بر روی رودخانه کسلیان که معروف به «روشن تلار» است بناسنده است. مصالح اصلی آجر و ساروج و گچ. (عکس شماره ۲۰۶)

پل آجری شکسته ۴ نام «بالو»  
داخل جنگل با اودر افرالایی

سرراه زیراب به شیرگاه پل آجری بروزی رودخانه تالار بوده است. این پل ظاهراً در مسیر راه قدیم لفور بوده است. این راه ظاهراً از راه اصلی شاه عباسی بر سمت راست رودخانه تالار جدا می‌شده و به طرف لفور می‌رفته است. بیشتر بدنه غربی آن برقرار و پایه جاست و داخل آن احاطه‌هایی برای استراحت چهارپا داران دارد. از پایه شرقی، بنیاد و شالوده آن باقی مانده است. از روی این پل به ورچال<sup>۲</sup> و لرزله<sup>۳</sup> و لفور می‌رفته‌اند.

راه قدیمی شاه عباسی به آق مشهدساری

از پل بالوراهی به طرف شمال شرقی از جاده اصلی کنار تالار جدا می‌شود و پس از گذشتن از جنگل شهموزی به آق مشهد کلیجان رستاق‌ساری منتهی می‌گردد. رضا قلی خان هدایت در سفر خوارزم از این راه گذشته است.

قلعه‌ای قدیمی در جنگل قلک<sup>۴</sup>  
در گنار رودخانه کلیان سیاه کوه

این قلعه در سمت غربی جنگل کنده‌نی بارعلی بیک است. برای رسیدن به آن از شیرگاه به جنگل قلک و حسن‌بور زیرآب و شاهکوه باید رفت. پاره‌های سفال و آجر در محل زیاد است و آجرهای قالب بزرگ دوران ساسانی نیز در آن یافت می‌شود.

کیجاپل = پل دختر  
خارج از شهر ک شیرگاه در سمت شمال

ناصرالدین شاه در سفر نامه خود در سال ۱۲۸۲ ه. ق. از این پل باد کرده و آن را پل دختر خوانده است.<sup>۵</sup>

۲ - بفتح واو. ۳ - بفتح لام و کسر زاء. ۴ - بفتح قاف و کسر لام.

۵ - سفر نامه ناصرالدین شاه به نقل از اندوین ص ۳۴.

حاجی زین‌العابدین شیروانی در رجب ۱۳۱۵ ه. ق. این پل را دیده و در باره آن نوشته است که بعد از میان‌کلا قرار دارد.<sup>۲</sup> ولی نگارنده بدھکده‌ای به نام میان‌کلا در این صفحات برخورده است.

در ازای این پل ۶۳ متروپهناش بدون در نظر گرفتن جان پناهها ۴۵۰ سانتیمتر است. این پل یک دهنه برآب دره کسلیان نزدیک به پیوستن آن به تالار زده شده است و با اینکه در مسیر جاده شاه عباسی است ولی بنای آن قدیمی‌تر به نظر می‌رسد. مصالح آن سنگ و ساروج است.

#### هفت‌گوئی

در اراضی دھکده چالی در حاشیه جنگل

تپه‌ایست طبیعی که سفال پاره‌های فراوان در آن دیده می‌شود. مسلمًا روزی بنائی بر بالای آن بوده است. فعلًا آقای دکتر زاویه بر بالای آن منزل مسکونی ساخته است.

#### اماکن ادله قاسم

در دھکده چالی شیرگاه

سراسر بنای قدیمی نوسازی شده است. مسجدی کوچک در جلو بقعة اصلی است و ایوانی ساده در جلو مسجد است؛ اطراف بقعه گورستان است و در گورستان درختان کوهنسل افرا و آزاد است.

#### اماکن ادله یونس رضا معروف به منگل آقا

در منگل از دھکده‌های شیرگاه سوادکوه

بر بالای تپه‌ای منفرد، بر ساحل چپ رودخانه تالار که اطراف آن بیشه عظیمی از درختان آزاد است، بقعه‌ایست، شامل اطاقی به ابعاد پنج متر در پنج متر و نیم، با صندوقی ساده تخته‌ای که چهارستون چوبین چهارسوی بسیار قطور طرف قبلی آن

است و مسجدی متصل به این بناست. درورودی بقعه از داخل مسجد است. در ورودی مسجد، دری است که لاه کاری که زیاد ظرافت و دقت ندارد. درازای هر لنجه ۱۶۶ سانتیمتر و بهنای آنها ۴۵ سانتیمتر است. این عبارات بر دولنجه آن حک شده است:  
بر قسمت وسط لنگه سمت راست:

بسم الله الرحمن الرحيم صل على المصطفى محمد والمرتضى  
على والتول فاطمه والسبطين و زين العباد على والباقي محمد.

بر قسمت وسط لنگه سمت چپ:

والصادق جعفر والكاظم موسى والرضا على والتفى على والتفى  
محمد والحسن العسكري و محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله  
عليه وعليهم أجمعين.

بر بائوی سمت راست لنگه راست:

تراشنه این در درویش روح اللہ بن ذوالفنین آهنگر شاگرد  
عالی یعقوب بتاریخ فتورات مازندران.

بر بائوی سمت چپ لنگه راست:

سنة ۹۹۱ كاتب العبد احقر محمد يوسف ابن كربلاي قاسم

آهنگر پیشه سری سنه ۹۹۱.

بر بائوی سمت راست لنگه چپ:

این در آستان متبیر که منوره امام زاده مظلوم یونس رضا علیه  
التحیة والثنا قبعت رنگ.

بر بائوی سمت چپ لنگه چپ:

آخوند ملامحمد طالب ابن حاجی حسین علیا [با] دی الملقب  
مشهدبان [داد] نمکه حاج الحرمین.

بر پاسار بالای لنگه چپ:

حاجی محمد یوسف بن حبیب الله مشهدبان.

برپاسار بالای لنگه راست:

یا علی یا علی.

برپاسار پایین همین لنگه:

یا الله یا محمد. (عکس شماره ۴۰۷)

### امامزاده حمزه

سمت راست جاده ماشین رو شیرگاه به علی آباد (شاهی - قالم شهر) بنائی است مستطیل که درازای داخلی آن دوازده متر و پهنایش شش متر است. صندوقی ساده چوبین مرقد را پوشانده است. بنا را نوسازی کرده و دری ظریف از آلمینیوم در مدخل آن کار گذاشته اند. در دولنگه چوبین قدیمی را بعد از آورده و در قفسه مانندی جای داده اند. درازای این در ۱۷۰ سانتیمتر و پهنای هر لنگه ۲۵ سانتیمتر است. کنده کاریهای آن درشت و بدخط است و ظرافتی ندارد.

عباراتی که در وسط لنگه راست میان دو بائوی در حک شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل على النبي المصطفى محمد

والمرتضى على والبتول فاطمه والسبطين حسن وحسين والسجاد على

آنچه بروسط لنگه چپ میان دو بائوی حک شده است:

والباقي محمد والصادق جعفر والكاظم موسى والرضا على و

النقى محمد والنقى على وحسن العسكري ومحمد بن الحسن صاحب الزمان.

برنیمه پایین بازوی سمت راست لنگه چپ:

صلوات الله عليه وعليهم اجمعین.

برقسمت پایین بازوی راست لنگه راست:

قیمت ونگ ملا عبدالله بن حاجی

بربائوی راست لنگه سمت چپ:

آهنگتر اشنده در درویش روح الله بن ذالقرنین آهنگر سنه ۱۱۱۹.

برپاسار بالای لنگه چپ:

کاتبه محمد یوسف بن قاسم

برپاسار دوم لنگه چپ:

شاگرد عالی یعقوب

برپاسار پایین لنگه سمت چپ:

امامزاده همزه (= حمزه)

برپاسار پایین لنگه سمت راست:

محمد رود بست

برپاسالار بالای تکه بزرگ سمت راست:

با الله يا محمد يا علي

سقانقاری نسبة قدیمی جلو امامزاده است. اطراف بقعه گورستان با بازدا

اصله درخت آزاد بسیار کهنسال. محیط تنه یکی از درختان ۲۸۰ و دیگری ۱۰۰  
متریمتر است.

حمامی قدیمی

در آبدنگ سر شیرخاہ

در محل معروف بود که حمام شاه عباسی است اما به حمامهای محلی بیشتر  
شباهت داشت. مدخل درستی نداشت. از بالا سه گنبد آجری نسبه بلند و چهار گنبد  
آجری کوچک دیده می شد. مصالح بنا، آجر و ساروج و گچ بود.

آب انبار شاه عباسی

در آبدنگ سر شیرخاہ

سردر ورودی این آب انبار در جاده فرعی افتاد و اداره راه آنرا خراب کرد و

فعلاً مدخلی ندارد. آنچه از بالا دیده شد بام آن و چاهی با دهانه گشاد، نزدیک آن بود. کسی که اراضی آن را ضبط کرده و خانه ساخته بود اظهار می کرد که در زیر، بنای آب انبار محفوظ و سالم است.<sup>۷</sup>

تبه‌ای از خاک دستی  
در آبدنگ سر شیرگاه

وصل به چاه آب انبار تبه‌ای بلند از خاک دستی است. معروف است که از این تبه نسبی به آب انبار و چاه بوده است. اگر چنین سخنی درست باشد، احتمال دارد که حمام و آب انبار و چاه با آبادانی بالای این تبه ارتباط داشته باشد.

تبه چکوت<sup>۸</sup>

داخل جنگل روستای سر آب هردان شیرگاه

از بالا و دامنه‌های این تبه گنگهای سفالین به درازای سی سانتیمتر بروند می‌آید در محل معروف بود که در بالای تبه چکوت شیرگاو و گوسفندان را می‌دوشدند و از داخل این گنگهای شاه زیارت می‌آمده. شاهزادیارت هم درختان کهنسال دارد و داخل شالیزار «کلیج خیل»<sup>۹</sup> و متصل به آبندان کوچک می‌باشد.

تبه شاه نهین

در پالین خریم<sup>۱۰</sup> ۱۰ جزء مرتع زیولا

بر این تبه‌پاره‌های سفال و آجر پاره‌های کاشی دیده می‌شود.

پلی که از قدیم هر و ف به پل شاه پور بوده است  
کنار راه شیرگاه به علی آباد

پلی است دو دهنه که ظاهرآ جاده قدیم از روی آن می‌گذسته است. مصالح آن سنگ و ساروج است.

۷— در فرهنگ جغرافیائی ایران این آب انبار به نام آب انبار تهمسر یاد شده است.  
۸— بکسر ج. ۹— بفتح کاف. ۱۰— بکسر خاء و راء. ۱۱— بکسر واء.

## امامزاده زین العابدین

بر سر کوهی در روستای قادی کلای متروک زیر آب

ساکنان قادی کلا مدتی است که روستای خود را ترک کرده و به زیر آب رفته‌اند.

علت این نقل و انتقال معلوم نشد. ولی امامزاده‌های این دهکده برقرار است. با اینکه محل امامزاده زین العابدین بر قله کوه است و راه سر بالا و ناهموری دارد، اما اما هنوز محل دفن شهدا و مردان زیر آب است. متن بنا از سنگ و گچ است که چندیست روی آن را گچ کاری کرده‌اند. بنای اصلی هشت ضلعی است که از داخل پس از دو متر ارتفاع حالت تدویر پیدامی کند و گند آن از خارج کلاه درویشی است مسجدی متصل به بناست که در ورودی بقعه داخل این مسجد است. دری است دونگه پهنه‌ای آن از چهار چوب به چهار چوب یک متر و بلندی هر لنجه ۱۶۰ سانتی‌متر است.

این عبارات بر آن حلک شده است:

بر پاسالار بالای لنگه سمت راست:

بانی این در آعیسی این

بر پاسار بالای لنگه سمت چپ:

آحسن خان قادی ۱۲۹۴

بر پاسار میانی لنگه سمت راست:

خوش منزل باصفاست اینجا

بر پاسار میانی لنگه سمت چپ:

گویا نظر خدادست اینجا

عمل آسود محمد نوائی

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

ای مرگ هزار خانه ویران کردی در ملک بدن [نو]

بر پاسار پایین لنگه سمت چپ:

غارت جان کردى - هر دانه قیمعنی که آمد بوجود - بردى و بزیر  
[خاک پنهان کردى]

صدوقی میان بنای اصلی بقیه مرقد را پوشانیده است، این ایات و عبارات  
بر آن خوانده می شود:

تا دفع دشمنانش کنی یاری حسین  
در کربلا بـا نشـدی هـمسـفر درـیـغ  
افتـادـه تـشـنـه لـب بـسـر دـجـلـه فـرـات  
فـرـزـنـد نـاز پـرـزـور خـیـر الـبـشـر درـیـغ  
با يـك هـزار و نـهـصـد و يـنـجـاه زـنـم كـيـن  
حـسـرـت بـخـاـك بـرـدـحـسـن اي گـذـرـدـرـيـغ (۹)  
عـبـاس نـوـجـوـان توـرـاـشـدـزـهـم جـداـ  
دـسـت اـز بـدـن سـلـاح زـنـن زـسـر درـیـغ  
درـخـون طـبـیدـه قـاسـم با درـخـضـاب حـیـف  
شـد پـارـه پـارـه اـکـبر و الـاـگـهـر درـیـغ

بر لـهـ بالـای طـرـف غـرـبـی صـدـوقـ:

مرـدان شـهـيد سـتـم بـيرـه زـنان اـسـير [کـذا]  
يـك رـه نـكـرـه آـه اـسـيرـان اـثـر درـیـغ  
عـرـیـان بـخـاـك خـفـتـه شـهـيدـان بـسـی كـفـن  
باـشـدـكـفـن بـجـسم شـهـيدـان مـسـگـر درـیـغ  
آنـگـاه روـ بـعـادـر شـورـيـه حـالـکـرـد بـرـ يـزـيد لـعـنـت

بر قسمت میانی بدنۀ شعالی صندوق:

زانـکـارـوـان چـهـآـه اـسـيرـان عنـان گـرفـت  
خـون شـهـيد چـند رـه کـارـوـان گـرفـت  
هـفت بـیـت دـبـگـر باـهـمـین رـدـیـف و قـافـیـه بـرـکـمـرـدـنـه جـنـوـبـی صـنـدـوق و بـسـرـکـمـر

بدنه غربی صندوق حک شده است.

بر لبه بالای بدنه شمالی صندوق:

شد بر سنان چو [سر و] سر مروان بلند  
 یک نیزه شد غبار زمین زاسمان بلند با الله محمد  
 خیل نجوم سرزده از مطلع بروج  
 سرزد چه شد سر شهدا بر سنان بلند  
 آه از دمی که تف گرمای کربلا  
 گردید بانک العطش کودکان بلند  
 آمد بگوش دختر زهراء صدای کوس  
 گمر خصم شد بدمت امام زمان بلند  
 دستی بدل گرفته و دستی برخ حجاب  
 شد چون فنان اهل حرم از میان بلند  
 دو بیت دیگر با همین قافیه و ردیف بر بدنه شمالی حک شده است بر لبه بالای بدنه  
 شرقی صندوق:

شاه بخاک خفت و از پرچم شعاع  
 خورد شید کرده بر سر او سایبان بلند  
 با دو بیت دیگر با همین وزن و قافیه.

بر قسمت میانی بدنه شرقی صندوق:

بانی صندوق عنایت الله ابن مهدیقلی سلطان قادری  
 عمل آفاسید محمد نوائی ساکن قادری کلا  
 کاتب ملاحیب فولاد ۱۲۹۳

اطراف امامزاده داخل حصار ویرون آن گورستانی قدیمی است. شهدا و تازه  
 بخاک سپردگان در این گورستان زیاد است. دواصله درخت آزاد کهنسال کنار جاده  
 در محوطه امامزاده است.

امامزاده ابوطالب بن موسی الكاظم علیه السلام  
در بالا زیراب

بنای ساده بامسجد کوچکی جلو در ورودی که فعلاً مسجد و صحن امامزاده خانه مسکونی متولی است، صندوقی ساده چوبین وسط بنای اصلی است. در ورودی گنده کاری نقر شده دارد. عرض این در یک لختی هشتاد سانتیمتر و بلندی آن ۱۶۰ سانتیمتر است. این عبارات بر بالای آن منقول است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ عَلَى وَلِيُّ اللَّهِ كَلْبُ آسْتَانِ إِمَامِ زَادَهِ  
استاد صالح مهرانی سنه ۱۰۱۲.

اطراف امامزاده گورستان و بک اصله درخت افرا و سه اصله درخت آزاد در محروم آن است.

رضاقلی خان در سفرنامه خوارزم خود از این امامزاده یاد کرده و محل آنرا کنار رود تالار پس از بیل سفید و نرسیده به شیرگاه ضبط کرده است.<sup>۱۲</sup>

امامزاده عبدالحق فرزند امام موسی الكاظم علیه السلام  
در روستای زیراب سوادکوه

بنایی است نوساز باکفس کن و مسجدی بزرگ متصل به آن و حسینیه و اطافهایی برای استراحت و بیتوته زائران. آنجه از قدیم باقی مانده در ورودی گنده کاری است که فعلاً پشت جعبه آئینه گذاشته و ضریبی است که مرقد را پوشانیده. پهنای هر لنگه در ورودی چهل و بلندی آن ۱۸۰ سانتیمتر است این عبارات با خط خوش بر آن حک شده است:

بر حاشیه داخلی لنگه سمت راست از بالا به پایین:  
بسم الله الرحمن الرحيم در سنة هزار و دویست و بیست و چهار  
از قضای کردگار و حضرت آفریدگار و صانع لبل و نهار و رزاق نور و نار

زلزله عظما و سوانح کبرا درین ولايتها واقع گردیده بحدیکه اکثر بنای‌های قدیم را.

بر حاشیه بیرونی لنگه سمت راست از پایین به بالا:

منهم و ویران نموده از آنجمله این آستانه متبرکه منوره مطهره را نیز بالمره خراب کرده بود و بعد توفیق آثار کربلاحتی ابوطالب باافق درویش اسماعیل و درویش حسین باعث و بانی این بنای عالی شده‌اند که تا عروم خلائق از ثواب زیارت این بزرگوار [متفع شوند].

بر تنکه پایین لنگه سمت راست از پایین به بالا:

با قاضی الحاجات

بر تنکه وسط :

نادعلیاً مظہر العجائب تجده عوناً لك في التواب.

بر تنکه بالا از پایین به بالا:

باسانی الدعوات

بر پاسار بالای لنگه سمت راست:

بی ادب بر در مردان خدا پایی منه

بر پاسار پایین لنگه سمت راست:

زانگه روح القدس اینجا به ادب می‌آید

بر تنکه وسط لنگه سمت چپ:

کل هم و غم سینجلی - تا - با علی وباعلی و با علی

بر تنکه بالای لنگه سمت چپ از پایین به بالا:

با رفیع الدرجات

بر تنکه پایین لنگه سمت چپ از پایین به بالا:

با غافر الخطبات.

بر حاشیه بیرونی لنگه سمت چپ:

بنیی عربی و رسول مدنی و اخیه اسدالله مسمی به علی و بزهرا و بتول و بام ولدیها و بسطیه و شبلیه همانجل زکی و بندی العابد والباقر والصادق... ضریحی مشبک مرقد امامزاده را که کاشیکاری است پوشانده است این عبارات بر بدنۀ شمالی آن حک شده است:

این حزه (خطیره) مرقد این مزار کثیر الانوار حضرت امام زاده واجب التعظیم و لازم التکریم عبدالحق در یوم الجمعة پانزدهم شهر جمادی الآخر سنه ۱۱۲۱ فی عمل مadam العمری استاد سلطان محمد طهرانی.  
این ضریح به درازای ۳۶ و پهنای ۱۹۰ و بلندی ۱۴۰ سانتیمتر است.  
ناصرالدین شاه در سفرنامه سال ۱۲۸۲ خود محل امامزاده عبدالحق را در «دیولیلم» سوادکوه ذکر کرده است<sup>۱۲</sup> و ظاهراً اشتباه است.  
 حاجی زین العابدین شیروانی در رجب سال ۱۳۱۵ هـ می‌نویسد که محل امامزاده عبدالحق بر سر راه پل سفید بهمیان کلا است.<sup>۱۳</sup>

مرحوم مهجوری می‌نویسد که گور عبدالحق در زیراب سوادکوه است و مسجد و بارگاه و صندوق و درهای آن از آثار باستانی است.<sup>۱۴</sup>  
باقي بناها و آثار تاریخی سوادکوه در سرخ کلا و کردآباد زیراب:  
۱- سبد مهدی در کنیج کلا رو بروی امامزاده عبدالحق بر بالای تپه با پانزده

اصله درخت آزاد کهنسال.

۲- کمال الدین در پشت قسمت جدید التأسیس سرخ کلا با درختان آزاد.

۳- امامزاده عبدالله در وسط ده قدبیعی سرخ کلا.

۴- درویش کلیم در سه کیلومتری سرخ کلا با درختان کهنسال آزاد.

۵- درویش دریک کیلومتری سرخ کلا در جنگل.

۶- جمال الدین در کردآباد در محوله آن درختان آزاد کهنسال است.

۱۲- اللدوین ص ۳۴۲. ۱۳- طرائق الحفائج ج ۳ ص ۶۴۷.

۱۴- تاریخ مازندران ج ۲ ص ۳۷۰.

- ۷- امامزاده طاهر در کردآباد.  
در چاریون بالا و پایین:
- ۸- درویش مارو در لوار دهکده ویرانه بالا چاریون.
- ۹- امامزاده حسن که سه برادر در یکجا به تاخت سپرده شده‌اند در پایین چاریون  
ویرانه.
- ۱۰- راه قدیم شاه عباسی در بورخیل از دهکده‌های شیرگاه سواد کوه  
(فرهنگ جغرافیائی ایران ج ۴).
- ۱۱- تپه‌ای قدیمی در کنی لنه از روستاهای شیرگاه سواد کوه (فرهنگ  
جغرافیائی ایران ج ۳)
- ۱۲- راه سوانکوه و کالبدره و کندی آب (الندوین ص ۵).
- ۱۳- راه اجدان کوه = راه چرات و اجدان کوه (تاریخ خاندان مرعشی ص  
۹۹ و ۸۹).
- ۱۴- سید ناج‌الدین در سراب گردان شیرگاه.
- ۱۵- هفت تن در چالی شیرگاه.

## ۱۰- بناها و آثار تاریخی و لوپی و راستوپی سوادکوه

### فصلنامه

چرات، تابستان نینم میرعلی خان

چرات از دهکده‌های قدیمی و آباد تابستان نشن و لوپی سوادکوه است که در غرب آلاشت قرار گرفته است. پیش از زلزله ۱۳۴۶ شمسی که خرابی بسیار به صفحات مازندران وارد آورد، این دهکده بسیار آباد بود و خاندانهای راجی والوندی و ساروئی در آن زندگی می‌کردند. در بازدید تابستان سال ۱۳۵۶ شمسی هفت خانوار در این دهکده ساکن بودند و خانه‌های خراب و نیمه خراب در آنجا زیاد بود.

در فصل تابستان حدود پانزده هزار گوسفند در کوهستان این دهکده علف چر دارند و زمستان را بیشتر در دهکده‌ها و زمینهای ناحیه گیلخواران ساری ساختند.

شاید تاریخ خاندان مرعشی مازندران قدیمترین سندی باشد که در آن از چرات

باد شده است. تویسته آن می‌نویسد:

در سال ۹۲۷ در بیلاق چرات عارضه‌ای به میرعلی خان روی داده

از راه اجدان کوه متوجه مازندران شد که خود را به کشک سرا بر ساند.

روز بروز مرض شدت می‌نمود و اطباء از علاج عاجز گشته، در قریه بندی  
دعوت حق را لبیک گفت.<sup>۱</sup>

شرح منفصلی از کوههای اطراف چرات را محمدحسن خان اعتماد السلطنه ذکر کرده است.<sup>۲</sup>

۱- تاریخ خاندان مرعشی مازندران ص ۹۹ . ۲- مرآت البلدان ج ۴ ص ۲۱۵ .

## سنگ قبری در بلفت ۲

پشت گرد نلا شلوفین<sup>۴</sup> سر راه لزیز به چرات

برای رسیدن به بلفت با چراگاه اسکنک (بکسر الف و کاف وفتح نون) از دهکده لزور(لزیز) از دهکده های فیروز کوه به کهریز، دولتی مار، ورز اخسون، چاسر (فتح سین)، مرادبه، مسا، اسکنک باید رفت. در این علف چرسنگ قبری به شرح زیر است:

بر روی سنگ:

تاریخ وفات اسبو خان این بهرام ۱۰۹۱

بر پشت سنگ:

یا الله یا محمد یا علی الاعلى (عکس شماره ۲۱۰)

این راه از اسکنک به شلوفین و شلوفین گردن (بکسر نون اول) و شلوفین چال (بکسر نون) . در اطراف شلوفین چال محلی به نام اسبو خان است که ممکن است به نام این مرد نامگذاری شده باشد.

این راه از شلوفین چال به اسپ او، تلم چال (بکسر تاء ولام) ، سوت چال (بکسر تاء) ، گت سره (فتح گاف و کسر سین وراء) ، فلنون (بکسر فاء) ، انند (فتح الف و نون اول) ، بر این (فتح باء اول و کسر باء دوم) و چرات (بکسر ج) می رسد. چرات جزء ولوپی سواد کوه است و آب آن به رودخانه تالار می ریزد.

## اما مزاده سید شریف

در دهکده تابستان نشین چرات از دهکده های ولوپی سواد کوه

بر بالای دهکده چرات سمت راست رودخانه ، در محوطه ای محصور بنایی مستطیل شکل است که دیوارهای آن را با گچ سفید کرده اند. بام بنا چندیست حلب بوش شده است. نزدیک به بنای امامزاده مسجدی مستطیل شکل است که بک قسمت

۳- بلفت بضم باء و سکون لام وفتح فاء .      ۴- شلوفین بکسر شین یادآور نام شروین که حکمران چال شروین بوده است .

آن ایوان دارد . (عکس شماره ۲۱۱)

قلعه شاه نشین قدیم

نردیک دهکده چرات از دهکده‌های و لوپی سوادکوه  
در رشته کوه سنگی بلند پر بر تگاه، کوهی سوزنی جدا است، بر بالای این کوه  
آثار قلعه‌ای قدیمی از سنگ و گچ است . در دیوار شرقی قلعه آجر به کار رفته است.  
(عکس شماره ۲۱۲)

### چرات پس از زلزله سال ۱۳۳۶ شمسی

زلزله سال ۱۳۳۶ شمسی چرات را زیر ورود کرد . اغلب خانه‌ها خراب شد  
و دهکده‌ای عظیم که یکی از مراکز عظیم پرورش گوسفند بود از بیان رفت . در سال  
۱۳۵۶ شمسی فقط شش خانوار زمستان نشین داشت و بیشتر گوسفنددارها نیز از این  
آبادی آواره شده بودند . (عکس شماره ۲۱۳ و ۲۱۴)

### راه چرات به شیخ موسی

راه چرات به شیخ موسی از نقاط کوهستانی ویلاقی زیر می گذرد :  
مرگین<sup>۵</sup>، کلاج خونی<sup>۶</sup>، نخته‌گاه، سریچ<sup>۷</sup>، شلمه جار<sup>۸</sup>، آبدان<sup>۹</sup>، وسیه<sup>۱۰</sup>،  
شاتاخ، انجدان<sup>۱۱</sup>، شیخ موسی .

### نختگاه

#### در شمال غربی دهکده چرات

محمد حسن خان اعتماد السلطنه می نویسد که نختگاه محل حکمرانان قدیم  
سوادکوه بوده است .<sup>۱۲</sup>

- |                                                |                 |                     |
|------------------------------------------------|-----------------|---------------------|
| ۵- بفتح بيم .                                  | ۶- بكسر كاف .   | ۷- بفتح شين و لام . |
| ۹- بفتح باه .                                  | ۱۰- بكسر داوه . | ۱۱- بفتح الف .      |
| یونات سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ و الف . |                 |                     |

### قلعه سوان

بر بالای سنگ سوات در جنوب شرقی کوه لی پشت

اطراف چرات که از دهکده‌های ولوپی سوادکوه است کوههایی به نامهای زیرخوانده می‌شوند :

در غرب این دهکده کوه نارم، در شمال کوه زرد و در جنوب کوه لی پشت.

رودبار چرات در شرق این دهکده افتاده است.

در جنوب شرقی کوه لی پشت، سنگ سوات است. چنین می‌گویند که سواد کوه در اصل سواوه کوه و نام آن بادآور این سنگ است. بر بالای این سنگ حوضی از سنگ و ساروج است و بنیان قلعه‌ای دیده می‌شود.<sup>۱۲</sup>

### سنگهای قبور بالای گردنه شلپین (تلخین)

ترسیده به سر گردنۀ شلپین، طرف آبریز شمالی دو سنگ، قبر محمد حسن خان اعتماد السلطنه دیده است که بر آنها نامهای زیر بوده است :

خاتم بن بهرام ۱:۹ - کیومرث بن بهرام ۱:۶

واز حوض و اطاوهایی مربوط به بشر اولیه در دامنه‌ای که مسلط به چرات است باد کرده است.

### غار لی پشت - سرخ غار

در دامنه کوه لی پشت در جنوب دهکده چرات

از بلوك ولوپی سوادکوه

از دامنه کوه لی پشت تا غار تقریباً یک ساعت راه است. هزار ذرع به غار مانده پیاده به صعوبت بالا می‌رود. در غار عرض‌آده ذرع و طولاً طرف مشرق ده ذرع و طرف منرب چهار ذرع است. در غار رو به شمال است. داخل غار که می-

۱۲ - مرآت البلدان ج ۲ ص ۲۱۶ . ۱۳ - در مجموعه کتابخانه بیوتات سلطنتی ج ۵

شماره ۷۲۶ ص ۳۷ ب این غار به نام سرخ غار خوانده شده است.

شوند، به قدر پنج شش ذرع وده ذرع طول فضایی است. سقف مثل طاق است وشش هفت ذرع ارتفاع دارد. همه جای طاق داغ آب هست. مقابل در، سمت جنوب منفذی است که سر بالا می‌رود و سنگهای قوی رویهم سوارشده و داغ آب دارد. گویا در زمان بهار و برف، آبی از این منفذ جاری بوده. به قدر چهل ذرع که بالا می‌رود فضایی است که باید با چراغ رفت. به قدر پنج ذرع در پنج ذرع بالاتر از آن فضایی است مثل فضای اول. از طاق آن آبی جاری است قطره قطره، هر قطره منجمد شده، لوله تشکیل داده، به عرضی که زیادتر شده، به شکل پنجه چند شاخه منشکل شده... اطراف مرتبه بالائی خاک‌سفیدی دارد. اما آنچه از سقف متفاوت است، بعد از انجماد شبیه به مرمر است. بلکه مرمر صاف سفید خوبی است. ارتفاع جلگه چرات از شیران هشت‌تصد هاست. جلگه چرات محدود است از سمت شمال به کوه زرد که فاصله مابین سوادکوه و بندهی است.<sup>۱۵</sup>

#### قلعه ایالل - قلعه اولاد سوادکوه در دوران سلطان سنجر (۵۱۱-۴۹۸)

در اختلافی که میان شاه غازی و تاج الملوك مرداویح - برادرش - پیدا شد. سلطان سنجر به امرا دستور داد تا مازندران را میان شاه غازی و تاج الملوك قسمت کنند. برای انجام این امر امیر قشتم را با ده هزار مرد مأمور و روانه مازندران کردند تا به شاه غازی از جهت مرگ پدر تعزیت گویند و صلح اورا با برادرش به میان گذارند. پس از رسیدن تاج الملوك و امیر قشتم با سر بازان ترک به تمیشه؛ مردم این صفحات از بیر و جوان به استقبال اورفتند و به هواداری او برخاستند.

چون فرستاده سنجر پیغام سلطان سنجر را به شاه غازی رسانید. شاه غازی در جواب گفت «اگر مرداویح برادر من بود می‌باید تو قع نعمت از من داشته باشد و به من خدمت کند. چون به خدمت سلطان سنجر پرداخته باید تو قع نعمت هم ازاو

داشته باشد .»

فرستاده سنجیر به تعییه بازگشت و سخن شاه غازی را به امیر قشتم رسانید .  
تاج الملوك و امیر قشتم چون دیدند کار با ملایمت پیش نمی رود ، از استندار و  
مرزبان لارجان مرد و مدد خواستند . ایشان نیز به جان و دل به یاری تاج الملوك و  
امیر قشتم آمدند .

خبر به شاه غازی رسید . خود را به ساری رساند و از آنجا به مشک آباد و بهمنیور  
و قصبه بازار گان رفت . در آنجا نیز نماند و به فریه دونکا آمد و ابوالفضل دابور اگفت  
برای مصلحت ترک را بین (مقصود امیر قشتم سردار سلطان سنجیر است) . ابوالفضل  
رسنم به راه افتاد و شاه غازی از آنجا به مرزبان آباد آمد و خود را به قلعه دارا رساند .  
استندار و مرزبان لارجان با تاج الملوك به پای قلعه دارا آمدند و قلعه را محاصره کردند  
و اسپهبد رستم را که سپهسالار آمل بود لشکر دادند و به پای قلعه سواد کوه فرستادند .  
چون به پای قلعه رسید اهل قلعه تسليم شدند و سوانه کوه به تصرف اسپهبد رستم  
درآمد .

در این وقت علاء الدوّله حسن - پسر شاه غازی - با خواهر خود در قلعه ایلال  
بود . امیر قشتم با قسمتی از لشکر یان خود به پای قلعه ایلال رفت . علاء الدوّله حسن  
چون از آمدن امیر قشتم و لشکر خبر دار شد ، خواهر را در قلعه ایلال گذاشت و خود از  
قلعه بیرون آمد و به طرف ساری رفت . امیر قشتم قلعه ایلال را تسخیر کرد و دختر اسپهبد  
را که خواهر علاء الدوّله حسن باشد دستگیر کرد و تاج الملوك کس فرستاد و آن دختر  
را از امیر قشتم گرفته ، نزد خود برد .

اسپهبد شاه غازی ، پسر تاج الدین تورانشاه این زردهستان قلعه چنانشک را  
به گروگان می داشت . از بیرون قلعه آواز دادند که ماده بگیرید و نر بدھید یعنی دختر  
شاه غازی را بگیرید و پسر تورانشاه را بدھید . پسر تورانشاه را گردن زدند و سر اورا  
به پایین انداختند . لشکر یان ترک بادیدن سر او بیشتر از جای بشدن و به خرابی برداختند  
ولی کاری از پیش نبردند و تاج الملوك هم از این کار فائدہ ای نبرد و مردم هم روی به

شاه غازی آوردند و شاه غازی دوباره بر سر اسر مازندران مسلط شد.<sup>۱۷</sup>

### قلعه‌ایلال - اولاد در دوران مغول

در سال ۹۷۶ که سلطان محمد خوارزمشاه از جلو قشون مغول فرار می‌کرد، عیال و تمام خزینه و دفینه خود را به قلعه‌ایلال که اکنون اولاد می‌گویند و در سوادکوه است فرستاد و خود به قلعه جزیره آبسکون متحصن شد و بعد از دو سال تحصن بمرد و خزاین و دفاین اورا بواسطه حصانت قلعه اولاد، مغلان نتوانستند تصرف کنند.<sup>۱۸</sup> در سال ۹۲۳ به عرض شاه اسماعیل (۹۰۷-۹۳۰) رساندند که آقا محمد روز افزون سر از رقبه اطاعت بر تافته است. بنا بر این حکم شد دورمیش خان شاملو با فوجی از دلاوران روانه مازندران گردد. دورمیش خان با لشکر متوجه شد. آقامحمد اطلاع پیدا کرد و قلعه اولاد و کلین را مضبوط ساخت. لشکریان دورمیش خان در پانزدهم ذیحجه سال ۹۲۳ قلعه کلین را محاصره کردند و پس از سه روز فتح کردند. آنگاه دورمیش خان با سپاهیان به قلعه اولاد روانه شد. قاضی جهان به امر خان به قلعه رفت و با عهد و پیمان آقا محمد را از قلعه بیرون آورد.

دورمیش خان پس از فتح قلعه اولاد به طرف ساری روی آورد. امیر عبدالکریم - والی ساری - پرخود - سلطان محمد - را با دو هزار تومن تبریزی نزد خان فرستاد. در همین وقت سید حسن هزارجریبی و حکمرانان رستمدار - ملک کاووس و ملک بهمن - با پیشکش فراوان به اردوی خان آمدند و پس از اظهار عبودیت باز گشتند.<sup>۱۹</sup>

میرعبدالله خان بن میرسلطان محمود بن میرعبدالکریم از سادات مرعشی مازندران به دستور شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) والی سوادکوه و دشت یعنی ساری و آمل و بار فروش گشت. چون بی اندازه سفاک بود، بزودی معزول شد و پسر-

۱۶- التدوین ص ۶۷ و ۶۸ . ۱۷- تاریخ مازندران ملا شیخعلی گیلانی ص ۵۰ و التدوین ص ۱۲۶ . ۱۸- احسن التواریخ و قایع سال ۹۲۳ به نقل از التدوین ص

عمش میرزا سلطان مراد خان به جای او منصوب گردید.

میرعبدالله بعفو وین آمد و مبلغی از بقاوای سوابات ماضیه را منتقل شد. علی خان بیگ تکلورا شاه طهماسب مأمور کرد که با اورفه وصول بقايا نماید. بر اثر سخته گیری علی خان بیگ؛ میرعبدالله خان توهن نموده، راه فرار پیش گرفت. اما گرفتار شد و در قلعه اولاد سوادکوه اورا حبس کردند. اربابهای مازندران بدقلعه اولاد ریخته میرعبدالله را به قصاص یکی از خویشان که او کشته بود مقتول ساختند و دوباره میرسلطان مراد خان حاکم مازندران شد.<sup>۱۹</sup>

پس از میرعبدالله خان و میرسلطان مراد خان، در دوران سلطان محمد خدابندۀ صفوی (۹۸۵-۹۸۹)<sup>۲۰</sup> هرج و مرج در مازندران حکمفرما شد و در هرسی سودایی پدید آمد، تا سرانجام قلعه اولاد و نصف مازندران را آقا الوند دیو و نصف دیگر را سبد مظفر مرتضائی که از امرای مازندران بودند به تصرف درآوردند.<sup>۲۱</sup>

اسکندر بیک منشی در تاریخچه قلعه اولاد در سال ۱۰۰۵ ه. ق. می‌نویسد:

ذکر فتح و تسخیر قلعه اولاد مازندران که از قلاع مشهوره جهان است از سوانح اقبال که در این سال خجسته مآل به ظهر آمد، فتح قلعه اولاد است از قلاع مشهوره مازندران.

تبیین این مقال و تفصیل این اجمال آنکه در سال گذشته که فرهاد خان به مازندران رفته بود، اکثر محال مازندران را به حیطه تسخیر در آورده، الوند سلطان برادر خود را در مازندران گذاشته بود و قلعه اولاد که از آثار قدیمه پادشاهان فرس و محقق تبریز قلاع طبرستان است، در تصرف الوند دیو بود و او سربه چنبر اطاعت در نمی آورد و بعضی از مازندرانیان دیو سار، به تحریک الوند دیو، مفسدان آن ولایت که چاشنی حکومت در

۱۹- تاریخ مازندران ملا شیخعلی ص ۶۰ و التدوین ص ۱۲۶ . ۲۰- در این فاصله چند ماهی سلطان امیر حمزه سلطنت داشته است . ۲۱- تاریخ عالم آرای عباسی ج ۱ ص ۲۲۲ .

مذاق ایشان جایگیر شده، دل از آن بر نمی داشته، با الوند سلطان یاغی شده، اطاعت شایسته به تقدیم نمی رسانیدند و الوند سلطان به مصلحت وقت با الوند دیو و آن جماعت مدارا بی می کردند. چنانچه بعضی از ارباب غرض اورا به مخالفت برادر و موافق یاغیان مازندران متهم ساختند. اگرچه مشارالیه اندک بهره ای از جنون داشت و اعمال و افعالش موافق قانون عقل نبود. اما این معنی که جز مقتضی جنون کامل نتوارد بود ازا دور می نمود.

بالجمله چون رایات جلال از سفر لرستان عود نموده به مقرب سلطنت نزول فرمود (یعنی شاه عباس اول به اصفهان وارد شد)، فرهد خان را رخصت در قلن مازندران دادند که الوند دیو و قلعه اولادرا به تصرف درآورده، ساحت آن ولایت را از خار تعرض ارباب طغیان و عصیان پاک سازد. فرهد خان تکیه بر اقبال بیزوال شاهی نموده، روانه آن صوب شد. نخست برادر خود را که متهم به یاغیگری شده بود، به پایه سریر اعلی فرستاد و چون بر پسیور اشرف ظاهر بود که این معنی نسبت به او تهمت و افتراء است و اگر اوتکاب بعضی امور خلاف آمیز کرده باشد، از سفاهت و بیعقلی و نشای جهل و جنون است و یا تواند بود که به حسب ضرورت چند روزی که با دشمن مدارائی کرده باشد، بهر تقدیر اورا مطلق العنان ساختند و فرهد خان در کمال شوکت و افتخار منوجه انتظام مهام کل طبرستان شده، مبانه او و الوند دیو نخست مراسلات به وقوع پیوست و از حال ملک بهمن قیام حال خود نموده، اصلاً از خوف جان راضی به ملاقات فرهد خان نمی شد. فرهد خان از اطاعت او مأیوس گشته، متوجه محاصره قلعه اولاد شد. الوند دیو چون بالفعل معین و ناصری که اورا از مضيق محاصره قزلباش خلاص سازد، گمان نداشت، خود را محصور نساخت. اولاد و اتباع و فرزندان را در قلعه گذاشت. خود با محدودی از مدافعان روی به چنگلستان

آورد، فرهاد خان به محاصره قلعه پرداخته، به حسن سعی و تدبیر، کار بر محصوران تنگ ساخت و جمعی از اهل قلعه را به دانه انعام و احسان رام ساخته، چاره بجز یرون آشدن و قلعه سپردن نیافتد و به بنی اقبال بی زوال شاهی فتح قلعه تیسری پذیرفت، تمامت اموال و اسباب و متعلقات الوند دیو و اولاد و اتباع به دست درآمد و حقیقت این فتح میان را به خدمت اشرف (شاه عباس) عرض کرد و در وقتیکه رایات جلال افزروین به‌رسم سیر و صحبت به اصفهان توجه نموده، به کاشان رسیده بودند، خبر فتح قلعه اولاد رسید و فرهادخان به خلع فاخره و جایزه وجادوی متکاشه سرافراز گشت والوند دیو بیسر و سامان در جنگل و بیشه گردیده، هر شب در جایی و هر روز در مقامی با کمال بی‌آرامی مقام نداشت.<sup>۶۲</sup>

در سال ۱۰۰۷ ه. ق. شاه عباس پس از فراغت از امور استارباد جهت به دست آوردن الوند دیو و دیو ساران مازندران که هنوز در بیشه خلاف و طغیان‌مانده بودند، عزم توجه آن صوب جزم کرد و قرارداد خاطر اشرف آن بود که اگر در این زمستان در مازندران توقف لازم آید طرح قنالق انداخته، اقامت فرمایند که چون بیشه و جنگل از برگ و بارگربان گردد، اورابا هر کس که هوای یاغیگری و طغیان در سرداشته باشد، بدست آورند و تا عرصه آن ولایت ازارباب طغیان و متنبلان پاک نگردد به جانب عراق حرکت ننماید و اعیان مازندران را نیز به‌وعد و وعد منته گردانیده، به‌پیدا کردن الوند دیو و باغبان مکلف ساختند و جمعی را پیشتر از موکب همایون بتفحص و تجسس ایشان مأمور کرده روانه نمودند.

این اخبار به الوند دیو رسیده، راه نجات منحصر در استیمان و آمدن به درگاه فلك نشان یافت. نخست کس خود به درگاه معلی فرستاده

بشهرزاده پاک طیت نیکو سریرت یعنی همه محترمۀ حضرت اعلیٰ توسل جسته که اگر از خدمت اشرف درخواست گنایان این گهه کار فرموده، متنبل عفو تقصیرات من گرداند از سر قدم ساخته، به درگاه عالم بناء می‌آیم. شاه عباس از این حال آگاهی یافته، پیغام داد که هر گاه الوند دیو از روی اخلاص به درگاه مأید، به جان و مال و عرض و ناموس در امان است و الا دانسته باشد که تا دفع شر او نشود، حرکت از مازندران به هیچ طرف معکن نیست.

اللوند دیو از نوید عطوفت و جان بخشی مستظهر گشته، تکبه بر مروت شاهی نموده، روی امید به درگاه جهان بناء آورده، خود را به در دولت سرای همایون انداخت و حضرت حسب الوعده اورا نوازن نموده، رقم عفو بربلات او کشیدند. مشروط براینکه هوای سوادکوه و آرزوی حکومت آنجا از سر بعدر کرده، با فرزندان و اهل و عیال به عراق آمده، مرفه الحال در ظلال دولت ابد قرین به سر برد و از بیم آفت و مس مخالفت ایمن باشد. مشارالیه از این عاطفت و جان بخشی کلاه شادمانی به آسمان انداخته، حیات چند روزه را غنیمت شمرده، با فرزندان و متعلقان به عراق آمد و به قوطن دارالملک شیراز رغبت نمود.<sup>۲۲</sup>

در سفرنامه ناصرالدین شاه درباره قلعه اولاد آمده است:

قلعه اولاد از سرگردانه فیروزکوه که به طرف سوادکوه سرازیر شدیم طرف دست چپ سرکوه است.<sup>۲۳</sup>

اگر نشانی ناصرالدین شاه درست باشد قلعه اولاد قابل تطبیق با «قلعه گردن» یا «دبیوقلعه» است که در چپ جاده فیروزکوه به طرف سوادکوه است. اگر خلاف این مسیر را طی کنیم یعنی از پل سفید به طرف ورسک حرکت کنیم، دو قله نوک نیز

.۲۲ - تاریخ عالم آرای عباسی ج ۲ ص ۵۸۵ و ۵۸۶ و قایمیع سال ۱۰۰۷

۲۳ - سفرنامه ناصرالدین شاه سال ۱۲۸۲ (بدنقش از انتدوین س ۰۳۳)

که دامنه شمالی آن جنگل است دیده می شود، بر قله‌ای که مسلط به جاده است، قلعه‌ای قدیمی است. سه برج بر طرف شرقی آن دیده می شود. آثار باروی آن هنوز باقی است. (عکس شماره ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷). آب انبار دارد و لوله‌های مسی به قدر شش هفت سانتی‌متر که در ازای آنها به نیم متر می‌رسد، در قلعه یافت شده است که ظاهراً بوسیله این لوله‌ها، آب را از نقاط دور دست به قلعه می‌رسانیده‌اند. مصالح اصلی آجر و سنگ و گچ و آجرهای قالب بزرگ است که خود علامت قدمت این قلعه است. در فاصله کمی از این قلعه دوغار است که در محل معروف به زندان است و ظاهراً روزی از آنها استفاده زندان می‌شده است. آفای پروفسور شرودین با ونداظهار کردند که در حدود هفتاد سال پیش شاهد حفاری در رویشان قلابی در این قلعه بوده‌اند و کاسه‌های نقش دار زیادی بیرون آمده است.

#### آثار تاریخی در اراضی «با»

در حدود پنج کیلومتری ورسک در محلی به نام «با» حمام قدیمی و گنگ و آجر فراوان است.

#### قلعه‌ای متصل به پل ورسک در داخل دهستان عباس آباد

پل ورسک داخل خاک قصبه عباس آباد است و ورسک مقابل قصبه عباس آباد است. ظاهراً این نام چون خوش آهنجک بوده است به این پل داده‌اند. وصل به یا به جنوبی آن کوهی است که بالای آن قطعه زمین صاف شب‌داری است. بر روی این قطعه زمین آثار قلعه خرابه‌ای قدیمی است که می‌توان آن را قلعه عباس آباد خواند. (عکس شماره ۲۱۸).

#### قلعه‌ای قدیمی بالا از قلعه عباس آباد بر سر کوه بزرگوش

آثار بارو و حصار قلعه و باقیمانده اطاقها و پایه‌های برجهای آن برقرار است.

صالح به کار رفته سنگ و گچ و آجر و ساروج است.

سدی برآب تالار

میان سامان اوریم و عباس آباد

آثار این سد زیر دست قلعه گردن = دیو قلمه بربک طرف آب است.

قلعه‌ای قدیمی

بر دست راست توپل آخری از فیروزکوه

نزدیک به جاده راه آهن دو گل بر سر کوهی منفرد آثار قلعه‌ای قدیمی است که  
فعلاً مقداری از یک برج آن بر قله کوه باقی است. صالح آجر و گچ و ساروج.  
(عکس شماره ۲۱۹).

آثار سدی قدیمی

نزدیک غاری درست چپ تالار

با قیمای زدن دیوار آن در بند غربی کوه بر جای است ولی طرف شرقی را کوه  
بری کرده و راه شده است. (عکس شماره ۲۲۰).

برج و باروی قلعه‌ای قدیمی

قبل از توپل اول در راه گندوان به ورسک

بر کوهی منفرد بارو و برجهای قلعه‌ای قدیمی دیده می‌شود (عکس شماره ۲۲۱).

رباط شاه عباسی

بر سر گندوان عباس آباد

دارای اطاقها و صفحه‌ای متعدد دو طرف شمالی و جنوبی، در عرض کاروانسرا  
که ۳۰ متر است مابیند است. از دراصلی که وارد می‌شویم صفحه‌های متعدد در چپ  
و راست است. رو بروی در اصلی سه اطاق منفرد جدا و ظاهرآ شاه نشین است  
کاروانسرائی عظیم و پروسht است ضلع شرقی آن ۵۰ متر است.

در سفرنامه رضاقلی میرزا به خوارزم از رباط سرگذشک یاد شده و محل آنرا در چهار فرسنگی راه فیروز کوه به سوادکوه بر بالای گدوک فیروز کوه نوشته است.<sup>۲۵</sup> حاجی زین العابدین شیروانی در رجب سال ۱۳۱۵ ه. ق. این کاروانرا را درده واژ آن یاد کرده است.<sup>۲۶</sup> (عکس شماره ۲۲۲).

#### برج دیوگلی

در راستویی بر سر دوراهی سرخاباد گنار جاده ورسک به پل سفید

برجی قدیمی از سنگ و گچ بر سر چکادی منفرد ساخته بوده‌اند ظاهرآ مأمورین راه این برج را خراب کرده بوده‌اند. بروفسور شروین باوند بر سر بنیاد اصلی برجی هشت ضلعی به قطر چهار متر و ارتفاعی در حدود سه متر و نیم باکنگره‌های مستطیل ساخته‌اند. از سه پنجه گوچک که در این برج است سه جهت دیدبانی می‌شود سقف آن هم مخرجی دارد که می‌توان به بام رفت. بلمهای سنگی از کف جاده ما را به مدخل برج می‌رساند. (عکس شماره ۲۲۳) نظیر این برج در ورسک بود در راه‌سازی از میان برداشته.

اطراف برج دیوگلی گورستانی بود. برای اینکه اطراف برج زمینی صاف شود، بروفسور باوند دستور داد تا کسانیکه در این گورستان عزیزی دارند استخوانشان را ببرند. عده‌ای استخوانهای پوسیده مردگان خود را برداشته. سپس دستور صاف کردن دادند. طبق اظهار ایشان بیشتر جمجمه‌ها سوراخ و اثر تیز در آنها بود و چند پیکان هنوز در استخوانهای دندنهای باقی بود. ظاهرآ در دوران تیز و کمان جنگی هولناک در این منطقه روی داده است.

۲۵- ساغرت رضاقلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۰.

۲۶- طرائق الحفائن ج ۲ ص ۶۴۶.

### آثار تاریخی در ارتفاعه ( = ارفعه ) سوادکوه

ارتفاعه که در فرهنگ جغرافیایی ایران، ارفعه ده ضبط شده است، از مهم‌ترین مکانات راستویی سوادکوه است که در طرف چپ آب سرخاباد قرار دارد. در جواره محلی به نام « مسجد سر » (= مسجد سر) است. در دوران حکومت شاه عالم باوند دو سه نفر در پیش نمای یهودی الاصل پیدا شدند و ادعای کردند که در مسجد سر با شانهایی که در دست دارند گنجی نهفته است. شاه عالم دستور داد سی چهل نفر کارگر حاضر کردند که و شروع به حفاری نمودند. بعد از خاکبرداری سه ستون گچی کله قندی خیاره دار و مجری مفرغی که دایره آن در حدود یک متر بود بافتند. در پیشان یهودی گنج باب که از گنج نشانی نیافتند اظهار کردند که گنج اصلی زیر این این قسم است. بعد از کنندن غیر از روغن دانهای متعدد چیزی نیافتند. با از میان بردن اثری تاریخی را خود را گرفتند و رفته اند. این محل ظاهراً آتشکده قدیمی دهکده بوده است که امروز خرم من گاه شده و گندمهای ده را پس از کوییدن در آنجا بادمی دهند. بر بالای قلعه ای که مسلط بر این آبادی است محلی به نام قدمگاه دلیل علی بن ابی-

طالب <sup>از</sup><sup>لای</sup> است که آثار و علامت آن نشان می دهد که آتشکده عظیمی بوده است<sup>۲۷</sup> در محلی به نام « دیوکلی <sup>۲۸</sup> » که پایین تر از قله ارفعه کوه و میان این کله و مسجد سواست، طبق نظر ساکنان محل، خروس طلائی است که روزهای معین از سال بیرون می آید و آواز می کند و پنهان می شود.

قله ارفعه کوه با تنگ سرخاباد و چپرخانه بوسیله آتشگاهها در ارتباط بوده اند و احتمال می رود که کنار آتشکدها که جنبه تقدیس داشته آتشگاههای ارتباطی و مخابر اتنی نیز بربا می کرده اند.

بالای ارزنگ پارک - خانه شکاری پروفسور شروین باوند - خمره ای دهان تنگ که انتهای آن نوک تیز و باریک است که قطر دایره دهانه آن در حدود ۲۰ سانتیمتر و

۲۷ - از افادات پروفسور شروین باوند که خود شاهد و ناظر بوده اند.

۲۸ - بکسر دال و کاف.



و درازی آن در حدود یک متر و قطر دایره شکم آن در حدود ۶ سانتیمتر است سالم و صحیح یافت شده است.<sup>۲۹</sup> آقای نصرالله علی‌آبادی اظهار کردند دو سنگ تراشیده از دوران شاه عباس در ارتفاع کوه برجای است و ایشان خود دیده بودند نگارنده در محل آنها را نیافت.

غاری به نام ددبو لیلم،<sup>۳۰</sup>

در دورانی شاه مهر (= آزادمهر کنونی) منطقه زیر آب ولوپی سوادکوه غاری در دل تپه، در حدود چهل متر درازا و یک متر و نیم پهنا دارد. چون بر بالای تپه مقر پاسداران انقلاب بود اجازه بازدید ندادند.

#### پل سفید

در اینگاه پل سفید راه آهن از دهکده‌های راستوبی سوادکوه درازای پل ۲۵ متر و پهنای آن ۴۵ سانتیمتر است. پلی است دودنه بر روی رودخانه تalar که یک دهنه آن بزرگتر و دهنه دیگر کوچکتر است. با گذشت آن از روی این پل جاده شاه عباسی از طرف چپ آب تalar به طرف راست می‌آمد. این پل بر روی رودخانه تalar ساخته شده و به قول رضا قلی میرزا هدایت «پل وسیع و محکم است».<sup>۳۱</sup> ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۲ ه. ق. که سفر اول او به مازندران بوده است، این پل را دیده و می‌نویسد که این پل در دهکده پل سفید سوادکوه است و از بنای شاه عباس است.<sup>۳۲</sup>

۲۹- از افادات آقای بروفسور شرودین باوند.  
30- *Dive Lilam*. در مجموعه‌های کتابخانه سلطنتی ج ۵ شماره ۷۲۶ ص ۴۶ ب و ۴۷ الف به نام قلعه دیلم فشلاق اعمالی راستوبی سوادکوه باد شده است.  
۳۱- سفر رضا قلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان ج ۲ ص ۴۱.  
۳۲- سفر نامه ناصرالدین شاه به نقل از التدوین ص ۳۳.

حاجی زین العابدین شیروانی در سال ۱۳۱۵ ه. ق. پل سفید را دیده و درباره آن نوشته است :

از کاروانسرا نا سرپل هفت فرسنگ است واز پل سفید به پایین  
 جزء زیراب است .<sup>۲۲۴</sup> (عکس شماره ۲۲۴)

#### برج پیر شهر بار

در دهکده لوز راستوبی سوادکوه بر کنار جاده ده میان

برجی است گرد با بامی کله قندی ، قطر داخلی آن ۲۲۵ سانتیمتر و قطر دیوار آجری آن ۷۰ سانتیمتر است . در وضنده می داشته که به سرفت رفته است . یکی از سرشناسان محل می گفت که این بقیه سنگی داشت که بر آن عبارت « درویش علی شهر بار بن درویش محمد شهر بار » حک شده بود ولی نمی دانست که فعلاً در اختیار گیست .

گور مدفون در این بقیه در دل سنگ تراشیده شده و بر سر آن لب سنگ گذاشته اند و خود بنا بر چکاد یا صخره سنگ است . بنا سراسر از آجر و گچ و اطراف بنا پاره های کاشی دیده می شود که ظاهراً پوشش گنبد بوده است ، دری آهنی بجای در چوبین قدیمی آن نصب کرده اند و پنج شش پاره چوبه ای صندوق به درازی هفتاد سانتیمتر و پهنای شش هفت سانتیمتر بیرون و داخل بقیه ریخته بود . اطیراف بقیه گورستان است که در این محوطه یک اصله درخت ون (= زبان گنجشک) و پنج اصله درخت آزاد است که دواصله آنها بنا را در بغل گرفته است . (عکس شماره ۲۲۵)

نویسنده گان Corpus در سال ۱۳۵۰ ه. ش. از این مزار بازدید کرده اند و نام دهکده متصل به آن را « لوزره » (فتح لام و زاء) ضبط نموده اند در صورتی که ما این نام را بکسر لام و زاء شنیدیم . این هیأت درباره مرقد پیر محمد شهر بار نوشته اند : این مزار در سوادکوه ، پنج میلی پل سفید است . در روی نقشه محل و نام دهکده لوز را آمده ولی در شرح سفرش از این محل Adamec

ذکری به میان نیامده است. بارگاهی است که برگور درویشی ساخته شده است. ظاهرآ از فرنگیان کسی پیش از Mary Burkett متوجه این گور نبوده است. او در سال ۱۹۶۲ میلادی این محل را بازدید کرده، در آن وقت در ورودی و صندوق بقیه وضع بسیار خوبی داشته‌اند. اما به علت تاریکی درون‌بقعه، او تنواسته است شرحی درباره کتیبه‌های آن بنویسد.<sup>۳۴</sup> نویسنده‌گان Corpus در باره راه آن می‌نویسد که راه آن به رسگت می‌رود و از آنجا دنباله راه تا لمزرا ادامه پیدا می‌کند.

هنگام بازدید نامبردگان، صندوق کنده کاری آن که باره و آشفته بوده، اما بدنه و کتیبه‌های فارسی آن برقرار بوده که عسکرداری کرده‌اند. در بازدید بعدی که همراه Dr. Gerd Gropp بوده‌اند، اثر کمی از صندوق باقی مانده بود و می‌نویسد از وضع فعلی آن اطلاعی نداریم.<sup>۳۵</sup>

در بازدیدی که نگارنده روز بیستم تیرماه ۱۳۶۳ کرد، اثری از در نمانده بود و به جای آن دری آهنه گذاشته بودند و چهار پنج پاره از تخته‌های نقش‌دار صندوق بیرون و داخل بقیه افتاده بود.

عکس‌های کتیبه صندوق که نویسنده‌گان Corpus گرفته‌اند قابل بررسی و دقت بیشتری است. با اینکه متن آن خوانده شد ولی معنی آن بر ما روشن نیست. ظاهرآ کلمات قصار درویش محمد شهریار به لهجه محلی بوده است. نگارنده از آفای عبدالرحمن عمادی خواست تا این گره را به ناخن گره گشای خوبیش بگشايند.

آنچه نگارنده خوانده است:

بسم الله [الرحمن الرحيم]

لا ينتهي اصحاب النار واصحاب الجنة هم الفائزون \* لوانز لنا

---

34— Mary E. Burkett, Tomb towers and inscriptions in Iran, oriental Art N. S. XI, No 2, 1965, 101 and Fig. 4.      35— Corpus, P. 6.

هذا القرآن على جبل لرأيته خائضاً متصدعاً من خشبة الله ...<sup>۲۸</sup>  
 شریار گفت خوزنه مسامله و ادل مبنی جور طلب کنی خدا و فرشته  
 را که سرو ماجراه می‌داند بون طلب کنی خدا از را که درد بطلب کنی دغا  
 اتفاق افتاد در عهد درویش صالح زاهد عابد درویش محمد شهریار در وقت  
 او فن در بیستم آبان ماه قدیم بعیار کی بیستم بود در تمام شده این کار انشاء  
 الله تعالیٰ بتوفيق حق جلی جلاله ابتدا کار بدست درویش علی خرومہ زاهد  
 عابد شد بدعاہ خیر باد ثمانین و سعائمه هجرة محمد علیه  
 شیخ سلطان بالو<sup>۲۹</sup> کا سلطان فرماید علیه الرحمة والتحية والرضوان  
 هر دل که به ایمان نکیر کاف و رایه سودارین علم شناوش  
 آهن که نبین کله کره تاوش پرسونکن سک شونکاوش  
 خط نوشتمن تا بماند بادگار من نمانم خط بماند روزگار  
 کاتب سروف علامه بن قاضی بن فانقك .

بازشناخت دو شعر عارفانه از دو شاعر درویش بر جوب گورخانه‌ای در طبرستان  
 تلاش‌های ارزشمند منوچهر ستوده پژوهنده و گردآورنده دانشمند آثار باستانی  
 و فرهنگی مردم شمال ایران پیوسته مایه غنای بیشتر مجلدات کتاب او (از آستانارا تا  
 استارباد) شده که تاکنون جلد‌های اول و دوم و سوم و ششم و هفتم آنچاپ و نشر گردیده  
 و جلد‌های چهارم و پنجم نیز در دست چاپ است .  
 یکی از صدھا و صدھا نمونه این کوشش با ارزش او، موضوع همین پادداشت  
 است که میخواشد. او در روستای کوچک لعزز = Lamzar سوادکوه (در دامنه دره  
 تالار در پنج میلی بل سفید) آرامگاهی باستانی یافته که بر روی گور آرامگاه در وسرا-  
 پوشی صندوقک مانند از چوب بوده . بر آن نوشته‌ای را کنده و نقر کرده بودند .

عکس‌هایی روشن از آن نوشته فراهم آورده و خود نوشته را تا آنجا که میشد خوانده است، چون واژه‌هایی از نوشته و خط آن خوب خوانده نمیشد و مطالب روشن نبود و گمان لفظ محلی میرفت، از نگارنده ناچیز خواست که عکس نوشته را بررسی کنم تا پرده از روی معما آن برداشته شود.

یکی دو هفته کار روی نوشته، خوبی‌خانه حاصلی بیار آورد که بگمان این ناچیز خود سندی است برای گنجینه بی‌پایان فرهنگ مقدس ایرانی، اینک حاصل آن کار که بکشف چندین گوشة ناشناخته از تاریخ و فرهنگ و از جمله درباره شیخ بالوی آملی و معناهای بازیانه از رقه‌های از واژه‌های کهن ایرانی انجامید.

آنچه را که من از روی عکسها خوانده‌ام چنین است:

شريار گفت کي خوزند مسامله وا زعل ميند چرا طلب کني خدا  
فرشته را ومهزوماجراء مي واكه بون طلب کني خدا آنرا که در دبو طلب  
کني دقا.

اتفاق افتاد در عهد درویش صالح زاهد عابد: درویش محمد شهریار  
در وقت او غان در بیست آبان ماه قدیم، بعمار کی بیست بود. در تمام شده،  
این کار انشاء الله تعالیٰ بتوفيق حق جل جلاله. ابتداء کار بدست درویش  
علی خرومہ زاهد عابد شد. بدعا خیر باد.  
ثمانین و شانمئه هجرت محمد علیه.

شیخ سلطان بالو کیا سلطان فرماید. علیه الرحمة والنجية والرضوان:  
هر دل که بایمان نگیره کاف و رایه سودا برداش علم مشناوش  
آهین که نبین کله کوه کاوش پرسونگن بسنگ سوکن می‌کاوش  
خط نوشتم تا بماند یادگار من نعائم، خط بماند روزگار  
کاتب حروف: علامه بن قاضی بن فائق

بررسی نوشته بالا

اکنون که همه خط خوانده شد، حاصل بررسی آنرا در زیر می‌آوریم:

الف- ساختمان صندوقک شکل چوبی آرامگاه و نوشته کنده کاری شده آن، در عهد (درویش صالح زاهد عابد، درویش محمد شهریار) و آغاز و پایان کارش بدست (درویش علی خرومہ زاهد) شده.

خرومه زاهد یعنی: پارسای نیکو و بسیار خوب و نازین، واژه خوروم = Xorum بصورت صفت پیش از موصوف هم امروز نیز درگیلی و دیلمی و گویش‌های البرزیان زبانزد است.

ب : تاریخ پایان صندوقک آرامگاه: هنگام اوغان Avqan یعنی: افغان و زاری، در ماه محرم بروزهای سوگواری، برایر با بیستم آبان ماه قدیم فارسی از سال ۸۸۰ هجری قمری بوده است.

پ : نوشته‌ای بد خط که بر روی صندوقک گورخانه کنده کاری شده، پاره‌ای بشعر از دو شاعر بنامهای (شریار) و (بالوکیا) و پاره‌ای بهنر است که علامه پسر قاضی پسر فانقک نوشته. (فانقین Fanaqin امروزه نام روستائی است از رودبار الموت: شاید فانقک منسوب بدانجا بوده است).

ت : از دو شاعر، سه بیت از شریار و دو بیت از بالوکیا بیادگار نوشته شده است.

۱- بالوکیا، یا بنوشهه متن: شیخ سلطان بالوکیا سلطان که زمانی پیش از ۸۸۰ هجری قمری در گذشته بوده، چنانکه گمان می‌برم، همان بالوی زاهد یا شیخ بالوی آملی است که از روستای بالو از ناحیه کوهپر کجور طبرستان بوده، در آمل، مرکز طبرستان آنزمان، میزیسته، رهبری آن گروه از درویشان را داشته که یک شاخه آن بعدها رهبر روحانی سربداران و شاخه‌دیگران سادات مرعشی مازندران بودند که بفرمانروائی رسیدند.<sup>۲۲</sup>

**شیخ بالوی زاهدآملی یا شیخ سلطان بالوکیان سلطان، بنوشهه میر ظهیر الدین**

مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، از پیران پیشوای درویشان طبرستان بود که با بازده واسطه رشته رهبری معنوی خود را به بازید بسطامی می‌سانید. همان بازید بسطامی نامداری که پلر بزرگش مجموع بود و بدست امام هشتم شیعیان، امام رضا (ع) مسلمان شده بود.

بنوشه ظهیر الدین مرعشی، شیخ خلیفه مازندرانی، خرقه رهبری درویشی را از بالوی زاهد یا بالوکیا دریافت کرده بود. زیرا زمانی نزد وی در آمل آموخت می‌یافتد. شیخ خلیفه سپس از استاد و پیر خود جدا شده نزد رکن الدین علاء الدوله سمنانی فرزند ملک شرف الدین سمنانی که از شیخان نامدار زمان بود رفت. سپس از او هم جدا شد و شالوده مکتب دینی و سیاسی سربداران را پی‌نها د. شیخ حسن جوری فرقه رهبری را از شیخ خلیفه گرفت. چون شیخ خلیفه در ۲۲ ربیع الاول ۷۳۶ هجری کشته شد، ناگزیر بتغیر زمان زندگی و رهبری بالوکیا یا بالوی زاهد آملی باید حدود ۷۲۰ تا ۷۳۰ هجری قمری بوده باشد. از این رومیان شریار که در ۷۴۰، بهنگام درست کردن صندوق چوبی گورخانه زنده بوده با (بالوکیا) حدود ۱۷۰ تا ۲۰۰ سال فاصله است.

زمان بالوکیا دوره ایلخانان مغول (مانند دوره ابوسعید بهادر خان) بود که ستمهای بی‌پایان آن وحشیان و ویران گران در ایران مردم را کارد باستخوان رسانده زمینه شورش‌ها را در گوش و کنار و از جمله در شمال ایران فراهم می‌ساخت. از این دید بالوکیا را باید از سردارستان فکری جبتش درویشان انقلابی آن زمان، که جنبش سربداران یکی از اشکال آن بوده بشمار آورد.

شاید: روستای بالو محله پیرامون ساری که امروزه بهمین نام برجا است و مسجد بالو که بنوشه علی لاهیجی، در تاریخ خانی، در دهستان ناتل مازندران بوده<sup>۲۸</sup> یادگاری از بالو و پیروان او باشد.

معناهای بالوچیست؟ در تاریخ و فرهنگ ایران به نام بالو در جاهائی بر می‌خوریم.

بنوشهٔ فردوسی: بالو - بالوی از بزرگان ایران بود که خسرو پرویز ساسانی بسفارت نزد قیصر روم فرستاد.<sup>۲۹</sup>

بالو، بالوی، بالویه: نام تیرهٔ و خاندانی است ایرانی که در بیهق قدیم (سیزوار و پیرامون آن) در سده‌های سوم و چهارم هجری کسانی که در دانش دین و حدیث پروردۀ نامدار ساخته است.

در واژه شناسی بالوداری معناهای زیر است. از میان معناهای چندی که برای بالو آورده شده، اینها که در زیر می‌آورم برای نام پارسا و عارفی چون بالو برآزنه است:

در فرهنگ‌های فارسی: بالو یعنی: برادر - برادری که ازیک پدر و مادر باشد - آوازاندوهار و حزین - بالو، روشه فعل بالودن در فرهنگها یعنی: بالودن - افزودن - بالیدن - نمو کردن - بزرگ شدن - آلودن - آلوده کردن.<sup>۳۰</sup> از این رو بالو یعنی: پالیش - افزونی - بالیدگی - بزرگی - آلدگی.

بالو و بولو = Bolu درگلی و دیلمی نام گونه‌ای بیل دسته دار کوچک و سرکج در کشاورزی است.

(بال) در فرهنگها بهمین معنی آمده و پیشینه آن بسیار قدیم است.<sup>۳۱</sup>

گذشته از اینها بالو در طبری و دیلمی یعنی: نوعی اسلحه و گاه نام همگانی گروهی از جنگ افزارهای قدیمی بوده که بدست میگرفته و می‌جنگیده‌اند. باین معنی در فرهنگها نیامده، در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران ظهیر الدین مرعشی بکار رفته و گواه دارد. چنانکه در ۷۹۵ هجری قمری در جنگ سادات مرعشی مازندران بر هبری سید کمال الدین، که در دز ماهانه سر در برابر تیمور تاتار خونخوار

.۲۹- شاهنامه. بکوشش آ- بر تلس و نوشین ج ۹ ص ۷۶ - ۷۷.

.۳۰- لغت نامه.

.۳۱- البیان والتبیین ج ۱ ص ۲۲۲ و نشوہ اللغه ص ۱۳۷ و لغت نامه دهخدا.

می جنگیدند، چون شکست بر مرعشیان افتاد، میر، یعنی رهبر سادات در دژ بنشانه تسلیم اسلحه را بزمین انداخت و در بی آن جارچیان بزبان طبری بانگ برآوردند که: بالو بینگن که میر بینگو *Balu bingen ke Mirbingu* یعنی: اسلحه را بزمین بیندازید که میر نیز انداخت<sup>۲۲</sup>. این گفته طبری تا زمان درازی برای سرکوفت و ریشخند، دستاویز و ضرب المثل مردم عادی بود.

واژه کیا که معنی بزرگ و فرمانروا و گرامی داده و میدهد و بیویزه از القاب دیلمیان و طبرستانیان بود روشن است. بنا بر آنجه که در بالا آوردم بالو: برادر - بزرگ - آواز اندوهبار - فزونی - بالبدگی - آلودگی - بالودگی - سلاح جنگ - بیچه کشاورزی؛ معنی میدهد.

همه این معناها میتوانند بادآور سرگذشت دودمانی یا زادگاه با ویژگیهای درویش عارفی چون بالو کیا باشند.

ت : شریار = *Sharyar* :

گمان میکنم شریار همان است که در متن نوشته صندوق آرامگاه، بار دیگر بنام درویش محمد شهریار آمده و گفته شده است که ساختمان در عهد آن درویش پارسا و بفرمان او ساخته شده است. شریار نیز گویا، سر دسته و رهبر گروهی از درویشان آنزمان بوده که کسانی مانند درویش علی، سازنده گورخانه پیرو او بوده اند بچینن نامی برای درویشی شاعر، در تاریخهای سر زمینهای شمالی ایران برخورده اند. واژه شریار در لغت نامه نیامده است. ولی در دیلمی و گویش ها زیاند است.

شریار تلفظی است از شهریار، چنانکه در دیلمی شهر بانورا شربانو - شاد بانو و شهر آگیم را شر اکبیم و ماه شهریور را در گاهشماری دیلمی (در لفظ نه در جای آن در تقویم) شریون با *Sherir* میگویند. و ...

واژه شر = SHR جداگانه نیز در فرهنگها بمعنی نامی از نامهای آفتاب آمده است. از این رو شربار یعنی: شهریار - مهریار - خورشیدیار.

تیر شهریارهایی از کهنه‌ترین و بلند‌آوازه‌ترین دودمانهای ریشه دار و باستانی و فرماتروای بخشی از البرزکوه بوده‌اند که بسیاری از آنها پیش از اسلام و پس از فرنها، بویزه‌در همین نواحی شمال فیروزکوه پیرامون رشته کوه هستان‌شروعین و سوادکوه و بخش‌های دودانگه و کوههای جنوب ساری فرمان می‌رانده‌اند. سر دودمان این تیره قارن از خاندانهای اشرافی تراز نخست زمان ساسانیان، باو بوده که با وندان طبرستان یا اسپهبدان آن خاندان در تاریخها فراوان بادشده‌اند. در اینجا برای نونه از کتاب با ارزش و کهن و نامداری که حدود العالم نام باقه و در ۳۷۶ هجری قمری نوشته و تاکنون دوبار بکوشش منوچهرستوده چاپ گردیده است تکه‌ای را بگواه می‌آورم. نویسنده فاشناخته آن کتاب که از منجیل تا نزدیکیهای گرگان را در آن زمان جزء دیلم بشمار می‌آورده نوشته است:

«کوه قارن: ناحیتیست که مر اوراده هزار و چیزی دهست. و بادشای او را اسپهبد شهریار کوه خواند. و این ناحیت آبادان. و بیشتر مردم وی گبر کاند و از روزگار مسلمانی باز، بادشایی این ناحیت اندر فرزندان باو است. پریم: قصبه این ناحیت. و مستفر سپهبدان بشکر گاهی است بر نیم فرسنگ از شهر و اندر وی مسلمانان اند. و بیشتر غریب‌اند، و بیشه ور و بازگان. زیراک مردمان این ناحیت جز لشکری و برزیگر نباشند. و بهر پانزده روزی اندر وی روز بازار باشد. و از همه این ناحیت مردان و کنیز کان و غلامان آراسه بیازار آیند و با یکدیگر مزاح کنند و بازی و رودزنند و دوستی گیرند. ورسم این ناحیت چنان است کی هر مردی کی کنیز کی را دوست گیرد، او را بفریبد و بیرد و سه روز بدارد، هر چون کی خواهد. آنگه بپلر کنیز لاکس فرسته‌دنالو را بزندی بوی دهد. و اندر نواحی وی چشمهاه آبست کی بیکمال اندر، چندین بار بیشترین مردم این ناحیت آنجا شوند. آب استه، تا نیبد و رود و سرود و پای کوفتن و آنجا حاجتها خواهند از خدای و آنرا چون تعبدی دارند. و باران

خواهد بوقتی، کشان باید و آن باران باید.<sup>۴۳</sup>  
چنانکه خواهیم دید، بهنگام خواندن و اندیشیدن درباره شعر شریار برخی از  
نوشته بالا بیاد انسان می‌آید.

گورخانه این نوشته در همان ناحیه شهریار کوه باستانی و در منطقه‌ای است  
که برج‌های رسگت ولاجیم ساخته شده و هنوز هم کم و بیش بر جای‌اند. بر جهانی  
از هزار سال پیش و همانند گبند قابوس و شمگیر زیاری، با نوشتهدائی بخط کوفی  
و پهلوی.

در برج لاچیم، پایین نوشته‌ای که بخط پهلوی بوده، بخط کوفی متن عربی  
زیر کار گذاشته شده بود.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. هَذَا قَبْرُ الْقِيمِ الْكَيْا اسْعِيلِ ابْوِ الْفَوَارِسِ شَهْرِيَارِ بْنِ  
الْعَبَاسِ بْنِ شَهْرِيَارٍ، مَوْلَى امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ رَحْمَةُ اللَّهِ امْرِبَنَاهُ .... فِي سَنَةِ ثَلَاثِ عَشَرَهُ  
وَارِ بَعْصَاهَهُ، عَمَلَ الْحَسْنَ بْنَ عَلَى».<sup>۴۴</sup>

يعنى: (بنام خداوند بخششندۀ مهربان. این گورپادشاه، کیا اسعمیل، ابوالفوارس،  
شهریار پسر عباس، پسر شهریار، چاکر خلیفه (= امیر المؤمنین) است. خدایش  
بیامرزاد. فرمان ساخته اش را .... در سال ۲۱۳ داد و حسن پسر علی آنرا ساخت).  
نشانه‌های بالا این گمان را پدیدمی‌آورند که نکند شریار شاعر و درویش سال  
۸۸۰، که او نیز مانند بالو کیا بدرویشی پناه برده بوده، از دودمان پرشاخ و بال و  
بازماندگان انبوۀ باوندان شهریار کوه بوده و در جای ساخته اش کهنه کسانی از همان  
خاندان برای پیران خود و درویشان دسته خویش مزاری ساخته است؟

.۴۳ - حدود العالم. پکو شش متوجه سترده چاپ اول ص ۱۴۷ - ۱۴۸.

.۴۴ - مازندران. نوشته عباس شایان. چاپ دوم - تهران ۱۳۳۶ ج ۱ ص ۳۱۰.